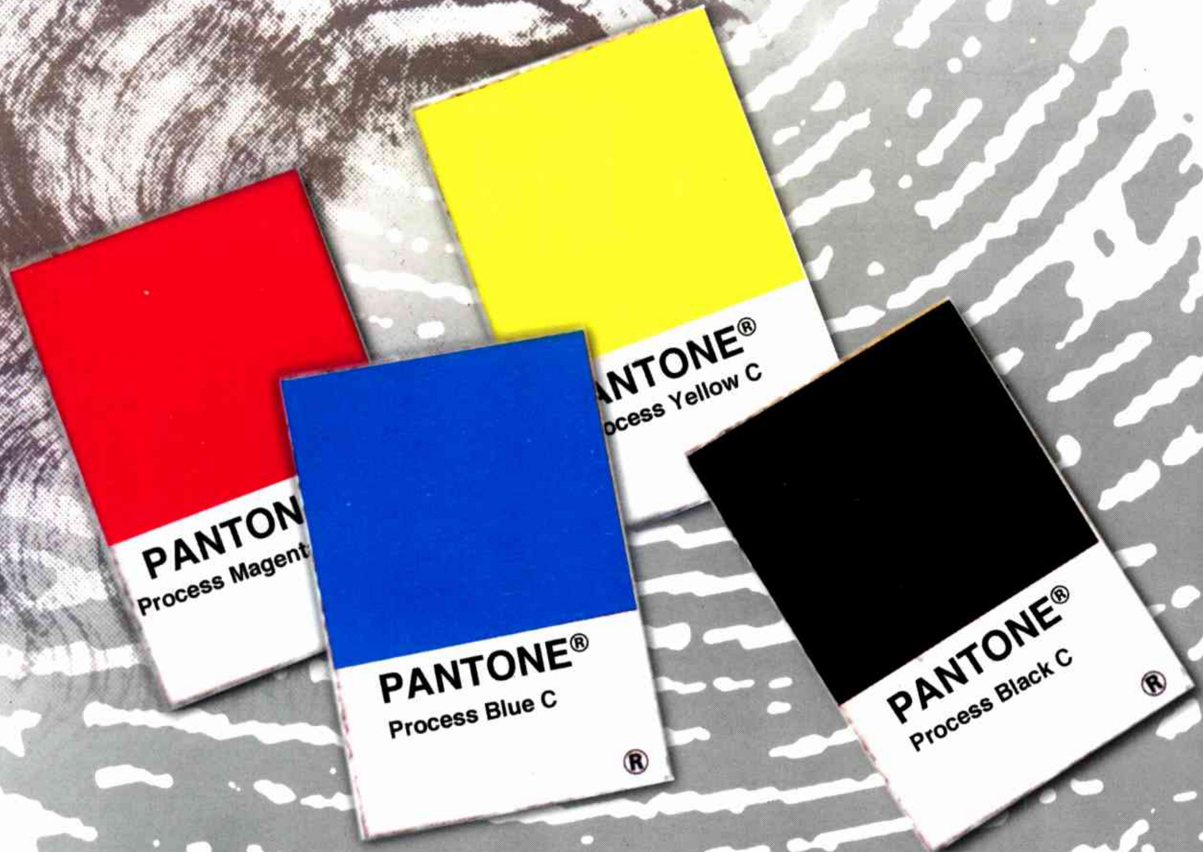
# سی قرن طراحی گرافیک

چاپ پنجم

## با نگاهی به تاریخ چاپ

جیمز کرایگ و بروس برتون

ملک‌محسن قادری





سازمان چاپ و انتشارات

به یاد پدرم که در آخرین
روزهای آماده‌سازی این کتاب درگذشت.


هنر
ART


کرایگ، جیمز، ۱۹۳۰ - م. Craig, James
سی‌قرن طراحی گرافیک / جیمز کرایگ، بروس برتون؛ ترجمهٔ ملک‌محسن قادری. - تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲.
۲۴۴ ص. (مصوّر).
ISBN 978 - 964 - 422 - 296 - 2
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
عنوان اصلی: Thirty Centuries of Graphic Design
این اثر ترجمهٔ کتاب Thirty Centuries of Graphic Design است که در سال ۱۹۸۷ به‌کوشش انتشارات واتسون - گوپتایل در نیویورک منتشر شده است.
چاپ اول: ۱۳۸۲. چاپ دوم: ۱۳۸۳. چاپ سوم: ۱۳۸۵. چاپ چهارم: ۱۳۸۶. چاپ پنجم: ۱۳۹۰.
۱. کتاب آرایی - تاریخ. ۲. چاپ - تاریخ. ۳. خط - تاریخ. ۴. گرافیک - تاریخ. ۵. ارتباط دیداری - تاریخ. الف. برتون، بروس، ۱۹۳۰ - Barton, Bruce. ب. قادری، ملک‌محسن، مترجم. ج. ایران. سازمان چاپ و انتشارات. د. عنوان.
۴ ک ۳ آ / ۱۱۶ Z
۶۸۶
۱۳۸۲
کتابخانه ملی ایران ۱۴۲۸۲-۸۱ م

# سی‌قرن طراحی گرافیک

## با نگاهی به تاریخ چاپ



---

Thirty Centuries of Graphic Design

نویسنده: جیمز کرایگ و بروس برتون
مترجم: ملک‌محسن قادری

---

تهران ۱۳۹۰




# سی‌قرن طراحی گرافیک
## با نگاهی به تاریخ چاپ



**Thirty Centuries of Graphic Design**

**نویسنده: جیمز کرایگ و بروس برتون**

**مترجم: ملک‌محسن قادری**



**ویراستار:** یلدا زینعلی
**حروف‌چین:** مریم غضنفری
**نمونه‌خوان:** مرتضی جاجعلی‌فرد
**طرح جلد:** آذر باقرزاده
**ناظرچاپ:** علی فرازنده خالدی



**لیتوگرافی، چاپ و صحافی:** سازمان چاپ و انتشارات



**چاپ پنجم:** بهار ۱۳۹۰
**شمارگان:** ۲۰۰۰ نسخه





شابک ۲ ـ ۲۹۶ ـ ۴۲۲ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸
ISBN 978 - 964 - 422 - 296 - 2

**چاپخانه و انتشارات**
کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج ـ نبش سه‌راه شیشه مینا ـ تهران ۱۳۹۷۸۱۵۳۱۱
تلفن: (چهار خط) ۴۴۵۱۳۰۰۲ نمابر: ۴۴۵۱۴۴۲۵ انتشارات: ۴۴۵۲۹۶۰۱



**پخش و فروشگاه**
میدان حسن‌آباد ـ خیابان امام خمینی ـ نبش خیابان شهید میردامادی (استخر) ـ تهران ۱۱۳۷۹۱۳۱۴۵
تلفن پخش: ۳ـ ۶۶۷۳۸۳۱۲ و ۶۶۷۰۰۱۵۳ نمابر پخش: ۶۶۷۰۷۹۲۴ فروشگاه: ۶۶۷۰۲۶۰۶

## فهرست مطالب

## مقدمه

طراحی گرافیک سرگذشتی بی‌حد جذاب دارد: جادوی نخستین تصاویر، زیبایی هیروگلیف‌های مصری، تکامل الفبای آوایی، عظمت اختراع گوتنبرگ، ماشینی شدن حروف‌چینی که سال‌ها در پی‌اش بودند و فوران تصویرسازی‌ها در سدهٔ بیستم.

با وجود میراثی چنین گران‌بها، متأسفانه بسیاری از طراحان گرافیک کنونی، اطلاعاتی اندک دربارهٔ تاریخ طراحی گرافیک دارند و دانسته‌های آنان بیش‌تر دربارهٔ تاریخ نقاشی است. یکی از دلایل این تناقض را شاید بتوان این‌باور دانست که طراحی گرافیک ابداع سدهٔ بیستم و حرفه‌ای بی‌پیشینه است. چنین عقیده‌ای کاملاً نادرست است. طراحی گرافیک ـ یا ارتباط بصری ـ از دوران پیش از تاریخ آغاز شده است و در طول سده‌های گذشته صنعتگران، کاتبان، نقاشان، طراحان گرافیک تبلیغاتی و حتی هنرمندان هنرهای زیبا آن را تجربه کرده‌اند.

متأسفانه تاریخ‌طراحی به‌ندرت در مدارس‌هنری تدریس می‌شود و کتاب‌های اندکی وجود دارند که می‌توانند در این خصوص پاسخگوی نیاز پژوهشی دانشجویان باشند. بسیاری از کتب موجود را متخصصان برای اهل فن نگاشته‌اند که بیش‌تر تخصصی و اغلب دارای ظاهری ترسناک‌اند.

کتاب‌هایی که سعی دارند به این موضوع بپردازند، چنانند که گویی این موضوع ارتباطی با تاریخ و هنرهای دیگر ندارد. این نگاه تنگ نظرانه و تک بعدی، به خواننده فرصت‌نمی‌دهد که طراحی‌گرافیک را جزء جدایی‌ناپذیری از تاریخ بداند.

برای مثال، آگاهی از این که گوتنبرگ چاپ کردن با حروف‌متحرک را تقریباً چهل سال پیش از تاریخی اختراع کرد که کریستف‌کلمب امریکا را کشف کرد و لئوناردو داوینچی *شام آخر* را آفرید، پدیدهٔ بااهمیت طراحی گرافیک را در جریان اصلی تاریخ خود قرار می‌دهد، در نتیجه یادآوری آن را آسان‌تر و آن را پرمعناتر می‌سازد.

کتاب *سی قرن طراحی گرافیک* به گونه‌ای سودمند ساماندهی شده است، تا در تجربه‌کردن جذابیت و غنای تاریخ طراحی به خواننده یاری رساند. کتاب با تقسیم‌بندی موضوع به‌دوره‌های‌تاریخی مشخص آغاز می‌شود؛ نخست با هزاره‌ها، سپس با سده‌ها و دهه‌ها. گرچه نقطهٔ آغاز این سرگذشت از ۳۰/۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است، اما تأکید بر سی قرنی است که در پی ظهور و تکامل الفبای آوایی می‌آید.

هر یک از بخش‌های اصلی کتاب با بررسی مختصر رخدادهای عمده‌ای آغاز می‌شود که به شکل‌گیری آن دورهٔ تاریخی کمک کرده‌اند. سپس مروری خواهد شد بر هنرهای زیبا و بیش‌تر هنر نقاشی که منبع سنتی الهام برای طراحان گرافیک بوده است. پس از آن بحثی دربارهٔ هنرهای‌گرافیک می‌آید که با جزئیات دقیق‌تر و در صورت لزوم، کشور به کشور بررسی می‌شود. طراحان و تصویرـ سازان از سر وسواس و دقت به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که اختلاف‌ها و وجوه تمایزشان نشان داده شود، تا احساس آن دورهٔ خاص را القا کنند. هر یک از دوره‌ها با اسامی هنرمندان، نویسندگان، آهنگسازان و طراحان گرافیک مشهور و افراد برجستهٔ آن دوره پایان می‌یابد و در کنار آن، گاه‌شمار رویدادهای مهم و جذاب آن دوره ارائه می‌شود.

امید است این شیوه، به کتاب *سی قرن طراحی گرافیک* وجهی آموزنده و سرگرم کننده ببخشد و انگیزهٔ مطالعه و بهره بردن از آن را در خوانندگان پدید آورد.

## ۳۰/۰۰۰ ـ ۵۰۰۰ پ . م
## دورهٔ پیش از تاریخ

هنر طراحی گرافیک ـ ارتباط بصری ـ ریشه‌هایی عمیق در گذشته دارد. این هنر با تصاویر پیش از تاریخی آغاز می‌شود که بر تکه‌های استخوان، کنده‌کاری یا بر دیوار غارها نقاشی شده‌اند. این تصاویر از نخستین کوشش‌های انسان برای انتقال بصری پیام حکایت می‌کند که همان جوهر طراحی گرافیک است.

در دورهٔ پیش از تاریخ، همهٔ دانش بشری سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یافت. از آن‌جا که در این دوره هیچ چیز مکتوبی وجود نداشته است، همهٔ اطلاعات مربوط به آن حاصل حفاری‌ها، کشفیات اتفاقی و حدسیّات است. این دوره را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: پایان عصرسنگی کهن یا پارینه سنگی از ۳۰/۰۰۰ تا ۱۰/۰۰۰ سال پ.م و عصر سنگی جدید یا نوسنگی از ۱۰/۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سال پ. م.

### عصر پارینه سنگی

در حدود ۳۰/۰۰۰ سال پ. م، در خلال آخرین عصر یخبندان، ورقهٔ یخ بزرگی به ضخامت بیش از یک مایل به آرامی به‌سمت دماغه‌قطبی عقب‌نشینی کرد. درنتیجهٔ اعتدال جوی نژادی از انسان‌ها موسوم به کرومانیون‌ها جایگزین نئاندرتال‌ها شدند. نئاندرتال‌ها که بیش‌از ۱۰۰/۰۰۰ سال نژاد غالب به شمار می‌رفتند، به‌سختی قادر به انطباق خود با شرایط اقلیمی جدید بودند. کرومانیون‌ها، اسلاف بی‌واسطهٔ ما، نوآوری‌هایی در دانش فنی، ساختار اجتماعی و هنر ایجاد کردند. به‌علاوه، آنان نخستین انسان‌هایی بودند که ارتباط بصری برقرار ساختند.

دربارهٔ کرومانیون‌ها اطلاعات ناچیزی در دست است. همین قدر می‌دانیم که آنان از حیوانات نگه‌داری می‌کردند و غذا و آذوقه گرد می‌آوردند. آنان بیش‌تر در جنوب فرانسه و شمال اسپانیا می‌زیستند. گلّه‌های فراوان در آن مناطق وجود داشت و غارهای آهکی برای حفظ آن‌ها در برابر نیروهای طبیعی سرپناهی مناسب فراهم می‌کرد.


۱


۲

۱ـ شاید اولین ابزار دست انسان اولیه، این تبر سنگی چند منظوره باشد.

۲ـ گفته می‌شود تصاویر نقاشی شده از حیوانات بر دیوارها و سقف غارهای لاسکو در جنوب فرانسه، نقش عمده‌ای در آیین‌های مذهبی یا جادویی داشته‌اند. باستان‌شناسان این تصاویر را به ۱۵۰۰۰سال پ.م متعلق می‌دانند.

کرومانیون‌ها تمام ابزار و سلاح‌های خود نظیر تیغ، پیکان، تبر، نیزه و زوبین را از سنگ، استخوان یا شاخ گوزن می‌ساختند. (تصویر ۱) بنا به عقیده‌ای، آنان به صورت واحدهای کوچک خانوادگی در کنار یکدیگر زندگی و کار می‌کردند؛ اما در صورت لزوم، به خاطر بقا یا در مراسم و شکار با یکدیگر هم‌پیمان می‌شدند.

**هنرهای زیبا**

انسان‌های اولیه میان آن‌چه امروز هنرهای زیبا و هنرهای گرافیک خوانده‌می‌شود، تمایزی قائل نبودند. در فرهنگ وبستر *هنرهای زیبا* این‌گونه تعریف شده‌است: «نقاشی [و] مجسمه‌سازی... [، آن‌چه] در اصل به آفرینش اشیای زیبا مربوط است.» با این تعریف، گرچه ناممکن نیست، اما سخت می‌توان اصطلاح *هنرهای زیبا* را به تصاویر خلق شده به دست انسان‌های پیش از تاریخ نسبت داد. با این همه، تاریخ هنرهای زیبا و هنرهای گرافیک هر دو با آفرینش این تصاویر آغاز می‌شود.

این‌که چرا و چگونه این تصاویر پدید آمده‌اند، جای تأمل دارد. در وهلهٔ نخست ممکن است این تصاویر را فردی از سر اتفاق با تکه‌ای چوب بر زمین کشیده باشد و ناخواسته شکلی قابل تشخیص از آن پدید آمده باشد. سپس ممکن است این تصاویر بر چوب یا پوست حیوانات و آن‌گاه بر سطوح ماندگارتری چون دیوار غارها کشیده شده باشند. همچنین امکان دارد که افرادی خلاق‌تر با دیدن تصاویری آشنا که طبیعت برحسب تصادف پدید آورده‌است، در صدد تقلید از آن برآمده باشند.

این تصاویر هر خاستگاهی داشته باشند، بعید به نظر می‌رسد که هدف اولیهٔ هنرمند خلق اشیای زیبا بوده باشد. به احتمال زیاد این تصاویر کارکردی عملی ـ مذهبی، جادویی یا نمادین ـ داشته‌اند و همین امر سبب می‌شود که آنان نخستین شکل ارتباط بصری باشند.

**هنرهای گرافیک**

عقیده بر این است که نخستین تصاویر گرافیکی برجای مانده ـ خطوط حک شده بر قطعات استخوان، سنگ یا عاج ـ متعلق به زمانی حدود ۳۰/۰۰۰ سال پ.م هستند. معنای این خطوط همچنان به صورت راز باقی مانده است. ممکن است این خطوط نشانهٔ یک شیوهٔ ابتدایی ثبت باشند و برای ثبت رویدادهایی چون تغییرات فصول، گردش ماه، مهاجرت حیوانات یا تعداد شکارها طراحی شده باشند. تا به امروز نیز عمل چوب خط زدن بر قنداق تفنگ، همچنان در میان شکارچیان مرسوم است.

همچنین ممکن است این خطوط یا تصاویر برای کسانی که قصد به خاطر آوردن رویدادی یا نقل داستانی را داشته‌اند، وسیلهٔ یادآوری بوده باشد. به این قبیل وسایل، *هوش‌افزا* اطلاق می‌شود و نمونهٔ رایج آن، بستن نخ به دور انگشت به منظور یادآوری است.

شاید نمایشی‌ترین نمونه از تصاویر نخستین را بتوان بر دیوار و سقف غارهای لاسکو در جنوب فرانسه و آلتامیرا در شمال اسپانیا یافت. در حدود ۱۵/۰۰۰ سال پ. م، غارنشینان با استفاده از زغال چوب، رنگ‌دانه‌های معدنی و آب تصاویری پدید آورده‌اند که از اشکال‌خطی ساده‌تا نقاشی‌های بسیار پرمعنا و با احساس از حیوانات شکار شده را دربرمی‌گیرد. (تصویر ۲)

تمام تصاویر کوچک و بزرگ پدید آمده به دست انسان‌های نخستین نماد اشیای موجود در دنیای آن‌ها بوده است. ما اکنون به این تصاویر *تصویرنگار* می‌گوییم. (تصویر ۳) تصویر نگاری تجسمی است از تصویر ذهنی از یک موضوع که به نوبه خود می‌توانسته یادآور یک کلمهٔ بیان شده باشد. برای مثال تصویر یک گاومیش



۳

۳ـ تصویر نگار نشانه‌ای است که انسان، حیوان، گیاه یا شیئی را نمایش می‌دهد.

نخست تصور گاومیش واقعی را به ذهن می‌رساند و سپس به کلمه گفتاری برای گاومیش اشاره می‌کند. تصاویر واضح یا همان تصاویر تداعی شده با کلمهٔ گفتاری نخستین گام در مسیر طولانی تکامل زبان نوشتاری بودند.

**عصر نوسنگی**

حدود ۱۰/۰۰۰ سال پ. م، در دورهٔ نوسنگی، دگرگونی اجتماعی مهمی به تدریج شکل گرفت: انسان دیگر تابع مهاجرت گلّه‌هانبود و در مزرعه‌سُکناگزید. این‌شیوهٔ جدید زندگی، تقریباً نخستین‌بار در خاور نزدیک باستان به ظهور رسید؛جایی‌که جوامع کشاورزی‌کوچکی در ناحیه‌ای موسوم به«هلال خصیب»[۱] رشدیافتند. (تصویر ٤)

کشاورزی عاملی جدید برای بقای انسان شد. کاشت دانه‌ها و اهلی کردن حیوانات، عرضه غذا را همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، افزایش داد و به نوبهٔ خود مازاد محصول و داد و ستد با جوامع همسایه را به دنبال آورد.

با پیچیده‌تر شدن جوامع انسانی نیازهای جدیدی پدید آمد و حرفه‌های تخصصی گسترش یافت: سفالگری برای ذخیره کردن و پخت غذا، فلزکاری (مس) برای ساخت ابزارهای کارآمدتر و بافندگی و رنگرزی برای تأمین لباس و پوشاک.

موفقیت کشاورزی، تولید، و داد و ستد نظم‌های اجتماعی نوینی را در پی آورد.

**هنرهای زیبا**

نقاشی‌های غارها در عصر پارینه سنگی و تزیینات هندسی ظریفی که بر روی ابزار، سلاح‌ها و ظروف دورهٔ نوسنگی دیده می‌شود، گویای آن است که انسان‌های نخستین به یقین از ادراک زیبایی و ذوق طراحی برخوردار بوده‌اند. (تصویر ۵)

با این حال روشن نیست که این نقوش و علائم چه وظیفه و کارکردی داشته‌اند. برخی از آن‌ها را به‌راحتی می‌توان نخستین نمونه‌ها و مثال‌های هنر دانست. این نقوش ساختهٔ دست مردمانی است که به خاطر لذتی ساده و غرور و افتخار حاصل از خودنمایی، مایل به ابراز خود به گونه‌ای هنرمندانه بوده‌اند.




٤ـ نقشهٔ دنیای باستان و مناطقی که نخستین تمدن‌ها را به خود دیدند. این مناطق از مصر و فنیقیه در غرب تا بین‌النهرین درشرق امتداد داشت.

## هنرهای گرافیک

بـا رشد فرهنگ‌ها و گسترش دادوستد، نیاز بـه ثبت افزایش یافت. در حدود ۹۰۰۰ سال پ. م، نخستین نظام عملی ثبت ـ و در واقع شـکل ابتدایی زبان نوشتار ـ در بین‌النهرین (عـراق کنونـی) شـکل گرفـت. این نظام بر پایـهٔ بهـره‌گـیری از نشـانه‌ها و علامت‌هایی سفالی استوار بود که به صورت مجموعه‌ای از اشـکال سـاده همچـون صـفحات گـرد، کره‌ها و مخروط‌ها قالب‌ریزی شده بودند و هر یک معرف حیوان، گیاه یا شیئی متفاوت بودنـد. (تصـویر ٦) بـا ایـن‌نشـانه‌هـا محاسـبهٔ‌امـوال و دارایـی‌هـا و شـرکت در دادوستد میسر شد.

ایـن شـیوهٔ ثبت، برگرفته از کاربرد اولیهٔ نشـانه‌هایـی بـود که چوپانان به کمک آن‌ها شـمار رمـه‌های خود را به ثبت می‌رساندند. تعـداد و نوع علامت‌هایی که یک چوپان در اختیارداشت، نشانهٔ‌تعدادکل و نوع حیوانات گلّه‌بود. هنگام ذبح آن‌ها یا تولدبرخی دیگر، شـماری از ایـن نشـانه‌هـا حـذف یا اضافه مـی‌شـدند. امروز چوپان‌های درس نخوانده بـرای شـمارش حـیوانات خـود همچنان به همین رسم از ریگ استفاده می‌کنند.

### وقایع و اشخاص

**وقایع تاریخی**

**پیش از میلاد**

**۳۰/۰۰۰ـ۲۰/۰۰۰ـ** ساخت ابزارهای تیز از جـنس اسـتخوان وشـاخ گـوزن. قطعـات اسـتخوان و علائـم روی آن‌هـا. نخسـتین تندیس‌ها: پیکره‌های‌کوچک‌زنانه. نوک‌های سنگی زوبین. زیور آلات. اشیای سرامیک. گورهای جمعی و هدایای موجود در آن‌ها.

**۲۰/۰۰۰ـ۱۰/۰۰۰ـ** اخـتراع سـوزن نـخ. لـباس پوسـت دوخـته. ابـزار پـرتاب نیزه. چـراغ‌هـای سـنگی روغنـی. نقاشی غارها. سـلاح‌هـای تـیغه دار. تـیر و کمـان. اولین طـناب‌هـا. نخسـتین سـاکنان دنیای جدید. فلوت شش چشمه.

**۱۰/۰۰۰ـ۵/۰۰۰ـ** پایـان عصـر یـخ. رام کـردن گوسـفند وبـز. کاشت گندم وجو. پیدایش سفالگری. استخراج مس.



۶





۵

٥ـ هرچـند سفالگری نخستین بار حدود۸۰۰۰ سال پ.م معرفی شد، امـا پـس از ایـن زمـان بـه نقوش هندسـی مزیـن شد. در این‌جا دو ظـرف مـتعلق به حدود٤۰۰۰سال پ.م دیده می‌شود.

٦ـ علائم سادهٔ سفالی که نخستین بـار حدود ۹۰۰۰سال پ.م به کار گرفـته شـدند، اینک گفته می‌شود معـرف آغـاز پـیدایش زبـان مکتوب‌اند.

## ۵۰۰۰ ـ ۱۰۰۰ پ.م
## خاور نزدیک باستان

بخش آغازین دورهٔ ۵۰۰۰ ـ ۱۰۰۰ پ.م، شاهد ظهور دو تمدن بزرگ سومر و مصر بود. این دو تمدن در دره‌های حاصلخیر رودخانه‌ها متمرکز شدند و هر دو از نگرشی یک سره مذهبی به زندگی شکل و رنگ گرفتند. تمدن فنیقی پس از این دو به ظهور رسید. فنیقی‌ها که مردمانی دریانورد بودند،در حوالی مدیترانه می‌زیستند و گرایشی یکسر غیر مذهبی داشتند. این سه تمدن نقش یگانه‌ای در تکامل زبان نوشتاری ما دارند.

### سومری‌ها

آثار بازمانده از زمان‌های پس از ۳۳۰۰ سال پ. م، کهن‌ترین شواهد از تمدنی کاملاً پیشرفته‌اند؛ تمدنی برخوردار از ساختاری اداری، مذهبی یگانه، زنجیره‌ای کاملاً سامانمند از شرکای تجاری و زبانی نوشتاری.

تمدن سومر که در بین‌النهرین پدید آمد، در جلگه‌ای حاصلخیز میان رودخانه‌های دجله و فرات قرار داشت. (بنگرید به صفحهٔ ۱۱) این ناحیه به سومر موسوم بود و شهر بزرگ آن، اوروک، کانونی اداری، مذهبی و تجاری به شمار می‌آمد، این جامعه را کاهنان به نام خدایان خود اداره می‌کردند.

چند دستاورد عمدهٔ تاریخ بشر به سومری‌ها نسبت داده شده است که از جملهٔ آن‌ها می‌توان از اختراع چرخ، معماری یادمانی آجری، چرخ کوزه‌گری، ابزارهای فلزی و نظام اعداد نام برد. (تصویر ۱) با این حال، بزرگ‌ترین نقش آن‌ها در طراحی گرافیک ابداع زبان نوشتار است که ادبیات، قانون، سالنامه‌ها و اسناد اقتصادی و اداری آن‌ها و به عبارت دیگر نخستین تاریخ بشر را به ما ارزانی داشته است.

### هنرهای زیبا

هنر سومری به طور کامل به ما نرسیده است. آن‌چه از این قوم بر جای مانده است، تندیس‌های کوچک، نقش برجسته‌ها و تکه‌هایی از اشیای قابل حمل است. پیکره‌های بسیاری از خدایان و پرستندگان سومری به یادگار مانده است که بر سنگ نرم کنده‌کاری یا با گل رس قالب‌ریزی شده‌اند. (تصویر ۲) این پیکره‌ها کوتاه، فشرده و بسیار بی‌پیرایه با چشمانی درشت و خیره‌اند. می‌توان تصور کرد که نقاشی‌های از بین رفته سومری نیز بسیاری از این ویژگی‌ها را داشته‌اند.

سومری‌ها علاقهٔ فراوانی به تزیین سطح



۱

۱ـ سومری‌ها از جمله اولین سازندگان آبجو بودند. این لوح ۴۵۰۰ساله آهویی را نشان می‌دهد که به یک کژدم ـ انسان دو پیاله از مایعی را می‌دهد که به نظر آبجو می‌آید.

آلات موسیقی، اشیای آیینی و اسباب و اثاثیه خود با صدف مروارید و سنگ لاجورد داشتند. نقش‌مایه اصلی این تزیینات الگوهای‌هندسی، پیکرهای‌مسطح وپهن‌خدایان، پرستندگان و سلحشوران یا ترکیبی از همهٔ آن‌هاست.

شکل هنری منحصر به فردی که به سومری‌ها نسبت داده می‌شود، مهر استوانه‌ای غلتان است که در گل رس مرطوب فشرده می‌شد تا نقش برجسته‌ای را شکل دهد. (تصویر ۳) این استوانه‌ها را می‌توان نخستین اسباب شناخته شده برای خلق تصاویر چندگانه به شمار آورد.

### هنرهای گرافیک

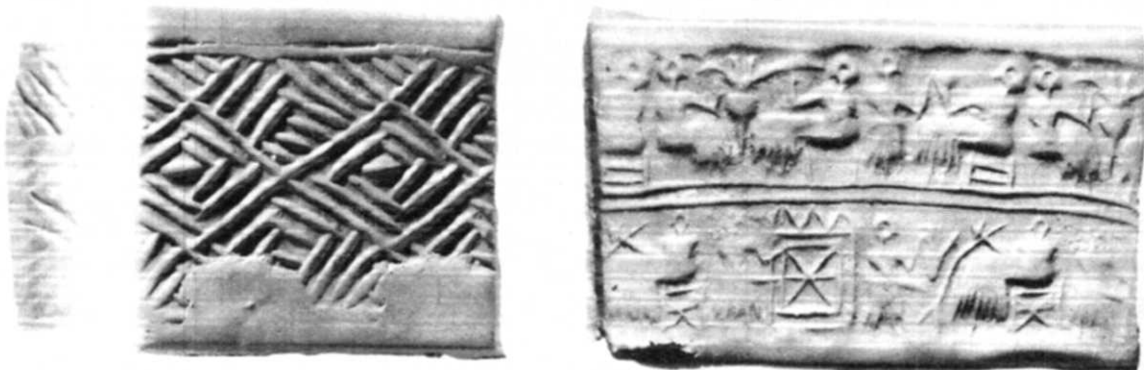
زبان نوشتار را نخستین بار سومری‌ها پدید آوردند. به عقیدهٔ مورخان، این زبان شکل توسعه یافته‌ای از کاربرد علائم سفالین برای ثبت املاک و کنترل کالا بوده است.



۲

۲ـ تندیس مرد ایستادهٔ سومری با چشم‌های درشت و نگرنده. این اثر که بر سنگ نرم کنده شده است، به حدود ۳۰۰۰سال پ.م متعلق است و در حدود سی‌سانتی‌متر ارتفاع دارد.

۳ـ افراد از مهر استوانه‌ای سومری به منزلهٔ امضا استفاده می‌کردند. با غلتاندن استوانه بر گل نرم، تصویر به دفعات قابل چاپ بود.



۳

نخستین بار در حدود ۸۰۰۰ سال پ.م، چوپانان و کشاورزان از این علائم برای ثبت تعداد حیوانات و تولید خود استفاده می‌کردند. با توفیق در کشاورزی و ظهور تولید، این علائم نیز شکل جدیدی به خود گرفت و کاربرد آن متنوع‌تر شد. از جملهٔ این کاربردها، ثبت ده یک یا عشریه‌هایی بود که مؤدیان محلی آن را وصول می‌کردند. (تصویر ٤) علاوه بر این، با توجه به آن‌که بیش‌تر این علائم در محدودهٔ پرستشگاه‌ها یافت شده‌اند، این تصور نیز وجود دارد که کاربرد آن‌ها احتمالاً برای ثبت هدایای پیشکش شده به خدایان در زمان برداشت محصول بوده است.

در ۳۵۰۰ سال پ.م، علائم یادشده درون ظرف‌های سفالی کروی و توخالی قرار می‌گرفتند که در آن‌ها با توده‌ای گل رس بسته و مهری شخصی بر آن‌ها زده می‌شد. (تصویر ۵) در دوره‌های بعد، نقش علائم نیز قبل از قرار گرفتن درون ظرف بر جدارهٔ بیرونی آن زده می‌شد. با این شیوه محتویات ظرف بدون شکستن آن قابل شناسایی بود.



۵

از ۳۱۰۰ سال پ.م، این روش جای خود را به شیوهٔ بهتری داد: حذف کامل علائم و ظروف سفالی و جایگزینی آن‌ها با الواح گلی محکم که رویشان تصاویر خطی همان علائم با تکه‌ای چوب نوک‌تیز یا *استیلوس* ترسیم می‌شد. (تصویر ٦)

سومریان به زودی پی بردند که طراحی ساده‌ترین تصاویر خطی نیز بسیار کُند و زمان بر است و به جای آن می‌توان شکل‌های انتزاعی تصاویر را با فشار استیلوس «گوه مانند» در گل رس مرطوب خلق کرد. (تصویر ۷) *نوشتن* این علائم جدید سریع‌تر از *کشیدن* تصاویر خطی قدیمی بود. این علائم به *خط میخی* به معنای «گوه مانند» موسوم بودند و موجب پیدایش نخستین زبان نوشتاری براساس علائم انتزاعی شدند.

بعدها سومریان خط میخی را یک گام به پیش بردند و این امکان را پدیدآوردند تا علامتی معین توأمان معرف یک شیء و کلام یا هجا باشد. این تحول اولین پیوند میان آوای گفتاری (کلام) و علامت نوشتاری (کلمه) را برقرار کرد. این امر نمایانگر گامی مهم به منظور تکوین نگارش الفبایی بود؛ نگارشی که در آن هر علامت مبین یک آوا بود.

کتاب‌های کودکانه‌ای که در آن‌ها تصاویر معرف کلمات‌اند، به این تجربه شبیه‌اند. یعنی ترسیم تصاویری که معرف آوا باشند. این شکل نگارش موسوم به *معناوا* کاربرد وسیعی در میان انسان‌های اولیه داشت و در تکوین بسیاری از زبان‌های نوشتاری نقش ایفا کرد.

علائم خط میخی در نهایت برشکل الفبای رومی تأثیری نگذاشتند، اما برای نگارش با سایر زبان‌های باستانی نظیر اکدی، ایلامی و هیتی سازگار شدند. با زوال این تمدن‌ها، کاربرد علائم میخی نیز به تدریج رنگ باختند و در آغاز دورهٔ مسیحی، خط میخی به طور کامل فراموش شد.



گوسفند



شمش فلز



ظرف روغن



لباس



پیمانهٔ عسل

۴





۶

### از تصویرنگار تا اندیشه نگار

*نخستین تصاویربازمانده از انسان‌موسوم به تصویرنگارها نشانه‌هایی معرف اشیاءاند. در بالا سمت چپ، تصویرنگارهایی دیده می‌شود که معرف خورشید و پا هستند. در سمت راست، علائمی معادل همین تصاویر به خط میخی اولیه دیده می‌شود. در لوح زیر، نشانهٔ پا را به صورت کنده‌کاری شده نیز می‌توان مشاهده کرد.*

*با پیچیده‌تر شدن جامعهٔ انسانی ارتباط بصری نیز پیچیده‌ترشد. تصویرنگارها رفته رفته معانی گسترده‌تری یافتند و دیگر منحصر به نمایش اشیاء و وسایل نبودند بلکه بیانگر ملاحظات پیچیده‌تری چون اعمال و اندیشه‌ها نیز بودند.*

*برای مثال، دیگر نیاز نبود طرح ساده شدهٔ خورشید تنها معرف خورشید باشد بلکه می‌توانست معنای روز یا زمان را نیز دربربگیرد. به همین سان، نشانه پا نیز می‌توانست معنای ایستادن یا راه رفتن بدهد.*

*ما اکنون این قبیل تصویرنگارها را که معانی گسترده‌تری دارند، اندیشه‌نگاره می‌خوانیم زیرا اعمال و اندیشه‌ها را بیان می‌کنند. زبان چینی نمونه‌ای از زبان نوشتاری جدید است که در وهلهٔ نخست اندیشه‌نگارانه است.*

*این تحول در ارتباط بصری از تصویرنگارها به اندیشه‌نگارها، نشانهٔ گامی مهم در تکامل زبان نوشتار است.*





۷

۴ـ با پیچیده‌تر شدن تمدن علائم سفالی نیز پیچیده‌ترشدند. در این‌جا پنج مورد از این علائم در اندازهٔ واقعی خود همراه با معانی فرضی آن‌ها دیده می‌شود. همهٔ این علائم به حدود ۵۰۰۰ سال پ.م باز می‌گردند.

۵ـ این پوشش سفالی که برای نگهداری علائم طراحی شده‌است، به حدود ۳۳۰۰ سال پ.م باز می‌گردد. آذین‌های گل سرخی روی آن با مهر ایجاد می‌شد.

۶ـ لوح سفالی متعلق به حدود ۳۰۰۰سال پ.م که علائم آن از نوع ترسیمی و فشرده در گل نرم است. مستطیل میانی در قسمت فوقانی این لوح معرف پنج گوسفند است.

۷ـ این خط میخی کاملاً پیشرفته، با قلم نوک تیز (استیلوس) بر گل نرم نگاشته شده است. این لوح به حدود ۳۰۰۰ سال پ.م متعلق است.

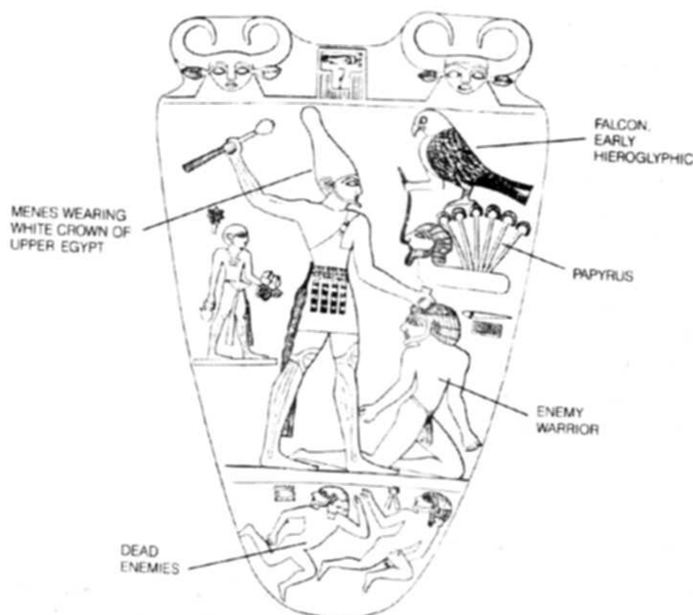
## مصری‌ها

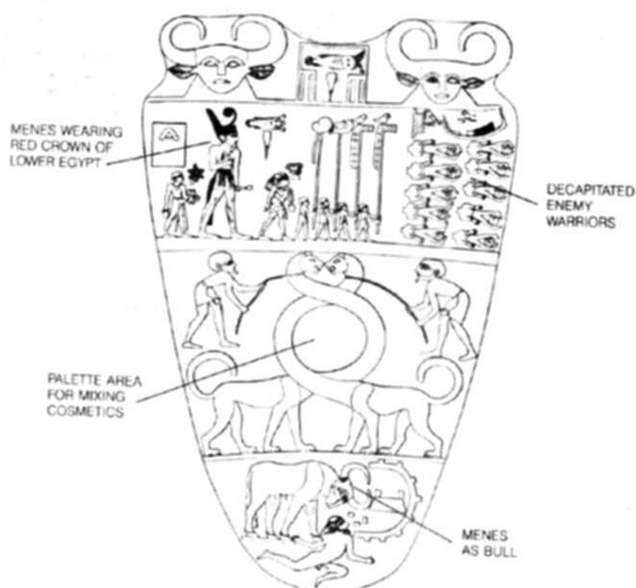
ساکنان مصر کشور خود را «سرزمین دو پادشاهی» می‌نامیدند. در شمال، واقع در مصب رود نیل، مصر سفلی قرار گرفته بود و در جنوب، هزاران مایل در امتداد نیل به سمت اتیوپی، مصر علیا قرار داشت. (بنگرید به نقشه صفحهٔ ۱۱) گفته می‌شود در حدود ۳۲۰۰ سال پ.م، منس پادشاه مصر علیا مصر سفلی را فتح کرد و نخستین فرعون مصر شد و به این نحو نخستین سلسلهٔ فراعنه را بنا نهاد. (تصویر ۸)

موفقیت این اتحاد حتمی بود، زیرا هر دو ملت سازمان‌های اداری کاملاً نظام‌یافته‌ای مرکب از مأموران و کاتبانی داشتند که زبانی واحد را برای گفتار و نوشتار به کار می‌بردند. با ابداع پاپیروس که انتقال ارتباط نوشتاری را تا اقصا نقاط امکان‌پذیر ساخت، زمامداری به نحو مؤثرتری امکان‌پذیر شد. این سطح نوشتاری جدید و سبک‌وزن نسبت به لوح‌های گلی پرحجم و جاگیر سومری‌ها برتری بسیار داشت.

مصری‌ها مردمی مخترع بودند. آنان علاوه بر پاپیروس، گاه‌شماری ابتدایی براساس صور فلکی و طغیان‌ها و کم‌آبی‌های سالانه رود نیل ساختند. مصری‌ها همچنین با سومری‌ها در پیشرفت‌های فنی‌ای چون آبیاری، سیل‌بند، معماری یادمانی سنگی به جای آجری و اختراع چرخ سهیم بودند.

مصری‌ها به معنای واقعی کلمه مردمی محافظه‌کار بودند و از آن‌جا که چیزی را کنار نمی‌نهادند در طی قرون نیز تغییری ناچیز پذیرفتند. تصورات ذهنی و خدایان جدید به سادگی با اعتقادات و شیوه‌های فکری ریشه‌دار درآمیخته می‌شدند. مذهب مصر برمحورمرگ وآمادگی برای زندگی پس از مرگ استوار بود. این آیین در آغاز حق انحصاری فراعنه به شمار می‌رفت، اما با گذشت زمان مشمول همهٔ مردم مصر شد.



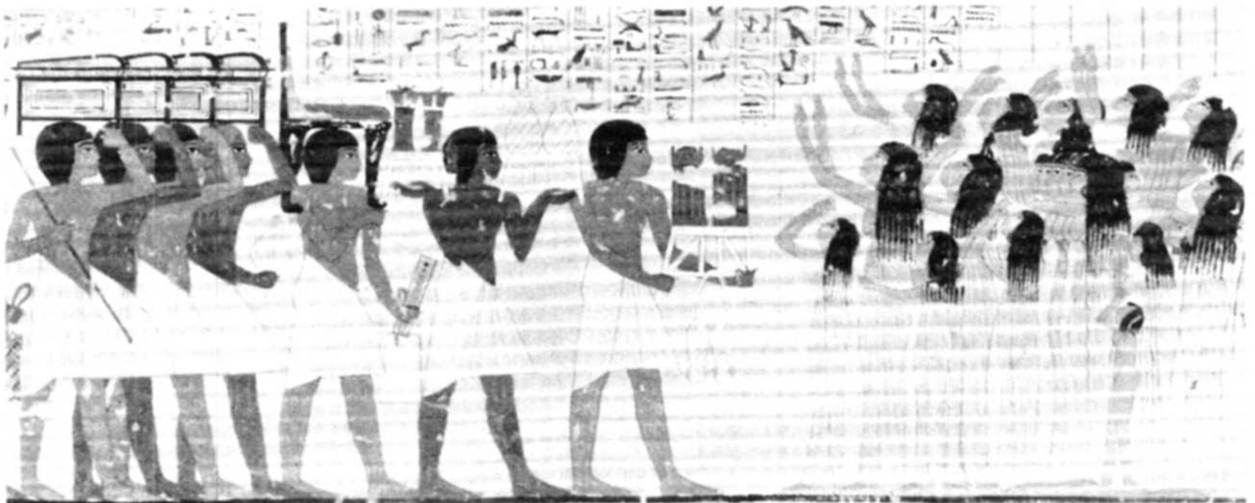

۸

۸ ـ فتح‌نامهٔ نارمر، متعلق به حدود ۳۰۰۰ سال پ.م، که دلیری‌های فرعون اول، منس، را در شکست دشمنان خود و یکپارچه کردن مصر علیا و سفلی به تصویر می‌کشد.

### هنرهای زیبا

مصری‌ها آثار معماری، مجسمه‌سازی و نقاشی بی‌شماری پدید آوردند که بخش اعظم این آثار به دل مشغولی آنان یعنی زندگی پس از مرگ مربوط است. آنان معابد و مقابر سنگی یادمانی بسیاری ساختند که اهرام، باشکوه‌ترین و خیره‌کننده‌ترین آن‌ها، را فراعنهٔ سلسلهٔ چهارم در دورهٔ پادشاهی کهن ساختند.

فضای داخلی این مقابر از نقاشی‌های دیواری پوشیده است که وقایع روزمرهٔ زندگی را به تصویر می‌کشند و مصریان به تداوم آن وقایع پس از مرگ امید داشتند. پیکرها در این آثار از زاویهٔ جانبی و روبه‌رو دیده می‌شوند و به‌این‌نحو حس بلندمرتبه بودن و جاودانگی را پدید می‌آورند. (تصویر ۹)



۹

۹ـ نقاشی مصری متعلق به آرامگاهی در شهر تب که به حدود سال ۱۳۷۰ پ.م باز می‌گردد. این نقاشی صحنهٔ خاکسپاری و حمل اسباب واثاثیه و اشیای زندگی روزمره به آرامگاه مرده را به تصویر می‌کشد. در سمت راست، زنان و کودکان داغدار دیده می‌شوند.

## هنرهای گرافیک

نخستین نوشتهٔ مصری، متعلق به قبل از ۳۰۰۰ سال پ. م، نظامی تصویر نوشته است که از علائم تصویرنگار و اندیشه‌نگار توأمان بهره می‌گیرد. (بنگرید به صفحهٔ ۱٦) این شکل نگارش به *هیروگلیف* موسوم است (تصویر ۱۰) که به زبان یونانی «کنده‌کاری مقدس» معنی می‌دهد.

نزدیک به ۳۰۰۰ سال پ.م، تحولی عمده صورت گرفت. در برخی موارد، یک هیروگلیف می‌توانست حتی معرف یک کلام یا هجا باشد.

برای مثال، علامت مخصوص جغد[۲] می‌توانست خود جغد (تصویرنگار)، خصوصیات تداعی شده با جغد نظیر خرد (اندیشه نگار) یا «م» صامت غالب در واژهٔ مصری جغد (هجا) را بیان دارد. برای آن‌که خواننده نحوهٔ خواندن هیروگلیف را دریابد، علامتی به نام معرف به آن اضافه شد.

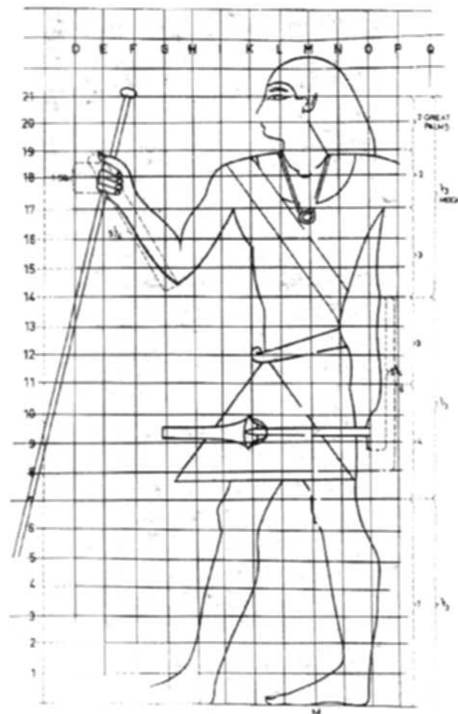
هیروگلیف‌ها از نظر شکل و فرم کاملاً بی‌پیرایه بودند و با تزیین معابد، مقابر و بناهای یادبود کاملاً تناسب داشتند. هیروگلیف‌ها را به صورت کنده‌کاری شده بر سنگ، نقاشی شده بر گچ، بریده شده بر چوب و نوشته شده با قلم‌مو و قلم بر پاپیروس یافته‌اند. (تصویر ۱۱) بیش‌تر اوقات آن‌ها در ستون‌هایی آرایش می‌یافتند و از بالا به پایین و از چپ به راست خوانده می‌شدند.

زیبایی‌شناسی نقش عمده‌ای در نگارش هیروگلیف داشت؛ زیبایی به اندازهٔ وضوح حائز اهمیت بود. برای نیل به این مقصود، کاتبان از نخستین سال‌های کودکی تعلیمات طاقت‌فرسایی را پشت سر می‌نهادند. نخست خواندن صدها متن هیروگلیف را فرا می‌گرفتند و سپس برای ارائه موزون و آراسته کار خود مهارت لازم را کسب می‌کردند.

هیروگلیف‌ها با آن‌که کتیبه‌هایی تزیینی با کارکردی مناسب دیوارهای معابد و مقابر



۱۰

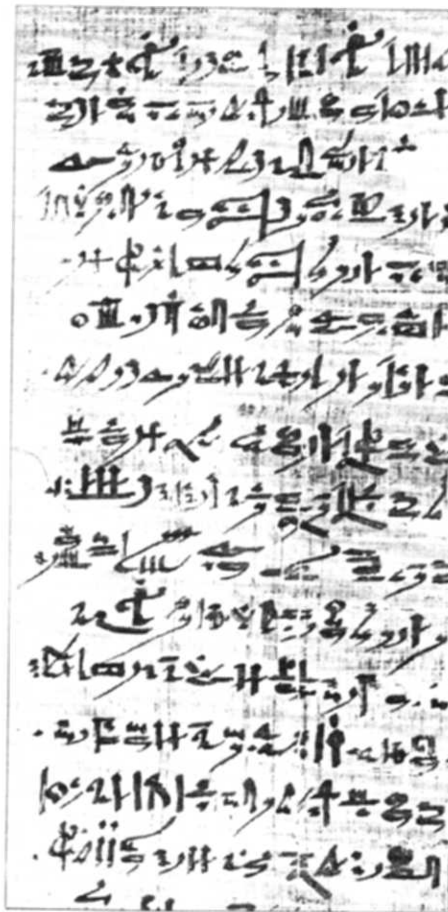



۱۰ـ بخشی از یک نقش برجسته متعلق به آرامگاهی که به حدود ۲٤۰۰ سال پ.م باز می‌گردد. در این نقش برجسته، کاتبی با تخته شستی‌ای بر زانو، در حال نگارش یک ورق پاپیروس است. روی میز ظرف آب و چند طومار پاپیروس قرار دارد. در بالای سر او خطوط هیروگلیف دیده می‌شود. ترکیب‌بندی این اثر طبق جدول‌بندی و نظام محاسبات مشخص می‌شد.

بودند اما پاسخگوی ثبت و دیگر مقاصد تجاری نبودند. هیروگلیف‌ها بسیار پیچیده بودند و مناسب تندنویسی با قلم نی یا قلم مو بر پاپیروس نبودند.

راه‌حل این مسئله ظهور خط دومی به نام *هیراتیک* بود که سبک نوشتاری کاربردی‌تری داشت. این واژه در یونانی به معنی «موبدانه» است. (تصویر ۱۲) هیراتیک که حدود ۲۰۰۰ سال پ.م به تکامل رسید، نسخهٔ ساده شده و کلی هیروگلیف بود و تبدیل به خط اصلی تجارت، قانون و علم شد. هیروگلیف نیز کماکان برای متون مذهبی و مکاتبات اداری به کار گرفته می‌شد.

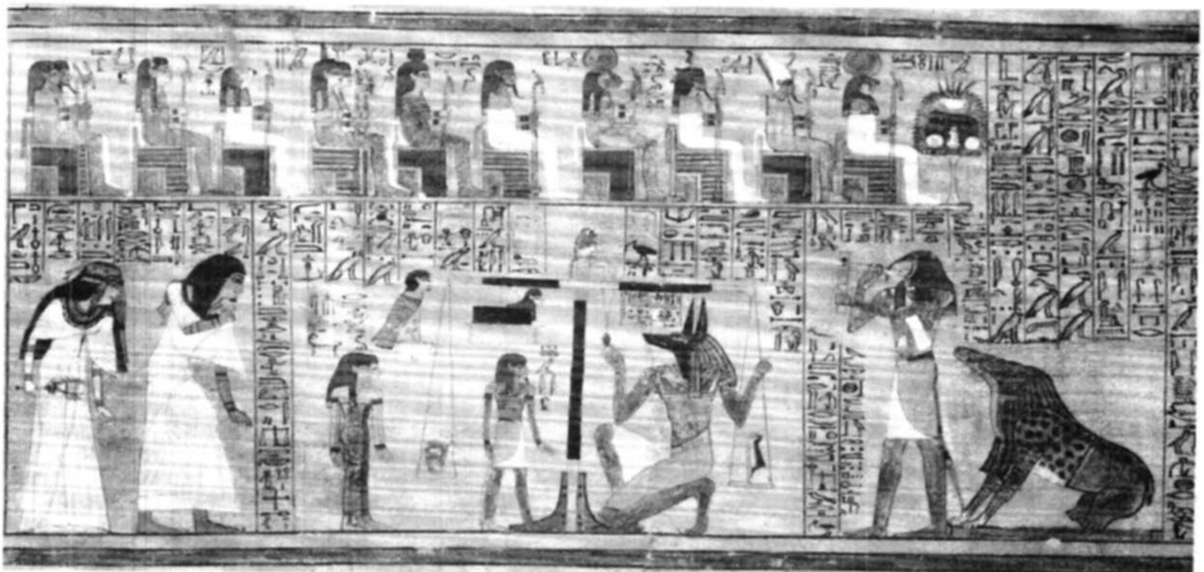
با گذشت زمان و کسب مهارت‌های نوشتاری از سوی بیش‌تر مردم، سبک هیراتیک نیز دیگر جوابگوی نیازهای نوشتاری روزمره نبود. حدود ۵۰۰ سال پ.م، سبک نوشتاری جدیدی موسوم به *دموتیک* کاربرد یافت. (بنگرید به صفحهٔ ۲۱) دموتیک در یونانی به معنای «مردمی» است و بازتابی از مردمی شدن نوشتن است. دموتیک نسخهٔ ساده شدهٔ هیراتیک بود که اتصال حروف منفرد به یکدیگر و نگارش سریع را امکان‌پذیر می‌ساخت.



۱۲

۱۱ـ مصریان نخستین ملتی بودند که متن را با تصویر سازی ادغام کردند. در این‌جا تصویر صحنهٔ داوری نهایی از *کتاب مردگان* دیده می‌شود که حدود ۱۴۰۰ سال پ.م کاتب **آنی** آن را به نگارش درآورد. در این‌جا آنوبیس، خدای شغال سر، دیده می‌شود که روح مرده را با یک پر وزن می‌کند.

۱۲ـ بخشی از طوماری که به هیراتیک نگاشته شده است. این خط ساده شدهٔ هیروگلیف بود که به منظور نگارش سریع‌تر طراحی شد.



۱۱

گرچه سبک‌های نوشتاری هیروگلیف، هیراتیک و دموتیک هر یک در دوره‌های گوناگونی از تاریخ مصر ظاهر شدند، اما هیچیک جای دیگری را نگرفتند و کاربردشان پا به پای یکدیگر ادامه یافت.

تنها در سدهٔ چهارم بود که الفبای رومی سرانجام جایگزین این سه سبک شد.



نام بطلمیوس پنجم (کلودیوس پتالموس) را می‌توان از راست به چپ خواند.

## سنگ روزتا

بروسار، افسر فرانسوی ارتش ناپلئون، سنگ روزتا (رشید م.) را در سال ۱۷۹۹ م در دیواری نزدیک شهر روزتا در دهانهٔ رود نیل کشف کرد. این سنگ پس از آن‌که در سال ۱۸۰۲ م از تصرف فرانسه درآمد، مالکیت انگلیسی یافت و اینک در موزهٔ بریتانیا نگهداری می‌شود.

این‌کتیبه در بزرگداشت‌فرعون بطلمیوس‌پنجم، نجات دهندهٔ مصر، نگاشته شده است و حاوی چهارده سطر هیروگلیف، سی و دو سطر دموتیک و پنجاه و چهار سطر یونانی است. از آن‌جا که در این کتیبه متن واحدی به یونانی، زبانی شناخته شده، و مصری، زبانی ناشناخته، تکرار شده است، محققان توانستند کلیدی برای کشف دیگر مطالب هیروگلیف و دموتیک آن بیابند.

گشودن راز این سنگ نوشته به دو تن نسبت داده می‌شود: دکتر توماس یانگ انگلیسی (۱۷۷۳ ـ ۱۸۲۹) که تا حدودی نگاشته‌های دموتیک این کتیبه را کشف کرد و ژان فرانسوا شامپولیون، محقق فرانسوی (۱۷۹۰ـ ۱۸۳۲)، که توانست معمای هیروگلیف‌ها را حل کند.

## طومارهای پاپیروس

تهیهٔ طومارهای مصور پاپیروس، که به حدود ۲۵۰۰ سال پ.م باز می‌گردد، به مصریان نسبت داده می‌شود. این طومارها از گیاه پاپیروس ـ که در نواحی باتلاقی امتداد رود نیل می‌روید، ساخته می‌شد.

تهیهٔ پاپیروس برای ساخت یک سطح نوشتاری با کندن غلاف خارجی گیاه شروع می‌شد. سپس مغز یا بخش نرم داخلی آن رشته رشته می‌شد و به صورت لایه‌های متقاطع کنار هم قرار می‌گرفت تا یک ورق پاپیروس به وجود آید. پس از آن‌که این ورق تحت فشار قرار می‌گرفت، در آفتاب خشک می‌شد و به گونه‌ای پرداخت می‌شد که به سطحی صاف مبدل شود. آن‌گاه ورق‌های منفرد پاپیروس به صورت طومار به هم چسبانده می‌شد و اندازه‌های آن در هر جا از پنج تا هفده اینچ عرض و صد فوت طول متغیر بود. (اندازهٔ متوسط این اوراق بسیار کم‌تر از این میزان بود.)



طومارهای پاپیروس معرف نخستین متن ترکیب شده با تصویرسازی برای نقل یک داستان‌اند. شاید معروف‌ترین نمونهٔ این هنرکتاب مردگان باشد که حاوی سرودهای مذهبی، دعاها و راه‌حل‌های جادویی برای استفادهٔ مردگان در دنیای پس از مرگ است. (بنگرید به صفحهٔ ۲۰)

## دوره‌های تاریخی مصر

مصرشناسان تاریخ مصر باستان را به دوره‌های زیر تقسیم کرده‌اند:

دورهٔ ماقبل سلسله‌ها حدود ۴۵۰۰ـ ۳۱۱۰ پ.م

دورهٔ پادشاهی کهن حدود ۳۱۱۰ ـ ۲۲۵۸ پ.م

دورهٔ پادشاهی میانه حدود ۲۲۵۸ ـ ۱۷۸۶ پ.م

دورهٔ پادشاهی جدید یا شاهنشاهی حدود ۱۵۷۰ ـ ۱۰۸۵ پ.م

دورهٔسلسله‌های اخیر حدود ۱۰۸۵ـ ۳۳۲ پ.م

دورهٔ سلسله‌های خارجی حدود ۳۳۲ ـ ۳۰ پ.م

دورهٔ رومی حدود ۳۰ ـ ۳۹۵ م

دوره‌های تاریخی مصر در خود به سلسله‌هایی نیز تقسیم می‌شود که در هر سلسله فراعنهٔ یک خاندان حکمرانی می‌کردند. برای مثال، در دورهٔ سلسله چهارم از پادشاهی کهن بود که خفره، خوفو و منکائور از فراعنهٔ مصر آن اهرام باشکوه را در جیزه بنا کردند. به همین سان، در دورهٔ سلسله هجدهم از پادشاهی جدید بود که فرعون جوان توتن خامِن یا توت شاه مدت کوتاهی حکمرانی کرد

## فنیقی‌ها

فنیقی‌ها قومی متهور و ماجراجو از دریانوردان سامی بودند که در امتداد ساحل کنونی لبنان و شمال اسرائیل سکنا گزیدند. تیر، سیدون و بیبلوس شهرهای عمدهٔ فنیقی بودند.

فنیقی‌ها شبکهٔ گسترده‌ای از جوامع تجاری در سراسر مدیترانه ایجاد کردند که کارتاژ مهم‌ترین آن بود. اوج این تمدن حدود ۱۰۰۰ سال پ.م آغاز شد و تا سال ۵۷۵ پ.م که بخت‌النصر پادشاه بابل آن را تحت انقیاد خود درآورد، قدرتمند باقی ماند. شهر کارتاژ بعدها در سال ۱٤٦ پ.م به دست رومی‌ها افتاد. تاریخ با فنیقی‌ها سرسازگاری نداشت. آثار آنان را ـ هر چه بود ـ فاتحان بابلی و رومی نابود کردند. تنها آثار بازمانده از آنان اسناد تجاری است.

## هنرهای زیبا

فنیقی‌ها هنرمندان و صنعتگران خوش ذوق و با قریحه بودند که سبکی التقاطی داشتند و موضوعات و قالب‌های خود را از تمدن‌های همسایه به ویژه از مصر و بین‌النهرین وام می‌گرفتند. آن‌ها به ویژه در زمینهٔ کنده‌کاری نقش برجسته بر عاج و استفاده از آن برای روکش تزیینی اسباب و اثاثیه، آلات موسیقی و سطوح معماری تبحر داشتند. متأسفانه تعداد اندکی از این آثار برجای مانده است.

## هنرهای گرافیک

فنیقی‌ها که تجّاری موفق بودند، به نظام نوشتاری کارآمدی برای ثبت نیاز داشتند. برای نیل به این منظور ایدهٔ به‌کارگیری علائمی را که معرف صدای هجاها باشند؛ از سومریان و مصری‌ها برگرفتند و آن را یک گام فراتر بردند.

۱۳ـ تحول زبان نوشتار بر این اساس که هر نشانه معرف یک صوت باشد، به فنیقی‌ها نسبت داده می‌شود. در زیر هر نشانه ارزش صوتی، نام و معنای آن آمده است.

۱٤ـ بخشی از کهن‌ترین نگاشتهٔ بازمانده فنیقی سومری که به حدود۱۲۰۰سال پ.م باز می‌گردد و از راست به چپ خوانده می‌شود.

۱۳

آنان دریافتند تنها بیست و دو صدای مهم در زبان گفتاری‌شان وجود دارد. مسلماً اگر برای هر یک از این صداها علامت مشخصی برمی‌گزیدند، می‌توانستند زبان خود را تنها با استفاده از بیست و دو علامت به نگارش درآورند. (تصویر ۱۳ و ۱٤) این فکر ساده اما درخشان ـ که اکنون آن را نگارش آوایی می‌نامیم ـ نگارش تصویرنگار، اندیشه‌نگار و هجایی را از رواج انداخت.

برای آن‌که بهتر بدانیم فنیقی‌ها چگونه الفبای خود را خلق کردند، دو حرف اول این الفبا یعنی ***الف*** (به معنای «گاونر») و بت (به معنای «خانه») را بررسی می‌کنیم. برای ثبت صدای آ در ابتدای واژه *الف*، فنیقی‌ها صدای علامت موجود برای «گاو نر» را برگزیدند. برای صدای **ب** در ابتدای واژه بت نیز از همین الگو تبعیت کردند و علامت موجود برای «خانه» را مورد استفاده قرار دادند.

فنیقی‌ها علاوه بر کاهش چشمگیر تعداد علائم مورد نیاز برای نگارش زبان خود، شکل حروف را نیز ساده کردند و خواندن و نوشتن را آسان‌تر ساختند. آنان همچنین قاعدهٔ نگارش از سمت چپ به راست را برگزیدند که تا امروز در زبان‌های سامی مورد استفاده است.

## وقایع واشخاص

**وقایع تاریخی**
**پیش از میلاد**

**۵۰۰۰ـ** تولید کتان در خاورمیانه.
**٤۲٤۱ـ** کهن‌ترین تاریخ در تقویم مصری.
**۳۷٦۰ـ** نخستین سال تقویم یهودی.
**حدود ۳۳۰۰ـ** ساخت وسایل نقلیهٔ چرخ‌دار، گاوآهن، کشتی‌های بادبانی، چرخ‌های کوزه‌گری و کاغذ نگارش.
**حدود۳۰۰۰ـ** پخت‌نان، تهیه‌آبجو، ضرب‌سکه و مشاهدات نجومی.
**۲۷۵۰ـ** نگارش حماسه گیلگمش، پادشاه اوروک.
**۲٦۸۰ـ** آغاز بنای اهرام باشکوه مصر در جیزه به فرمان فرعون خوفو (خئوپس).
**۲۵۰۰ـ** پیدایش پاپیروس و تیر وکمان.
**۲۲۵۸ـ** پایان دورهٔ پادشاهی کهن در مصر.
**حدود۲۰۰۰ـ** عصر مفرغ در اروپای غربی.
**حدود۱۸۰۰ـ** استون هنج در انگلستان، مرکز مذهبی فعال.
**حدود۱۷۵۰ـ** نگارش قانون حمورابی در بابل که نخستین نظام قانون مکتوب بود.
**حدود۱۷۰۰ـ** تهیه‌لوح مدور فائیستوس در کرت که تاکنون رمزگشایی نشده است.
**حدود ۱۵۰۰ـ** نزول ده فرمان در کوه سینا به موسی.
**حدود ۱۳۸۵ـ** کوشش فرعون ایخناتون برای ایجاد مذهبی که آتون، رب‌النوع خورشید، خدای قاهر آن بود.
**حدود ۱۳۵۰ـ** آغاز فرمانروایی توتن خامن برمصر.
**حدود ۱۲۰۰ـ** فروریختن دژ تروا در جنگ تروا. کاربرد آهن.
**حدود ۱۰۷۵ـ** فروپاشی آشور.
**حدود ۱۰۰۲ـ** پادشاهی سائول، نخستین پادشاه اسرائیل.
**حدود ۱۰۰۰ـ** واردات قلع فنیقی از کارنوال انگلستان. استفادهٔ عمومی از شتر در خاورمیانه.
**حدود ۸۵۰ـ** نگارش سنگ moabite به الفبای اولیه سامی متعلق به شاه مسا.
**حدود ۷۰۰ـ** نگارش هجابندی قبرسی حاوی پنجاه وشش نشانه برای هجاها.

۱۴



لوح مدور فائیستوس

## ۱۰۰۰ پ.م ـ ۵۰۰ م

## یونانی‌ها، اتروسک‌ها و رومی‌ها

یونان، اتروریا[3] و روم سه تمدن بزرگی بودند که دنیای کلاسیک باستانی را تشکیل می‌دادند. (تصویر ۲) تمدن غرب با یونانی‌ها آغاز می‌شود و با اتروسک‌ها و رومی‌ها ادامه می‌یابد و تمدن اروپایی را پایه‌گذاری می‌کند. سهم هر یک از این سه حوزه فراوان و متنوع است. با این حال شاید مهم‌ترین دستاورد برای طراح گرافیک در این میان آفرینش الفبای رومی باشد.

### یونانی‌ها

حدودسال ۱۰۰۰ پ.م، مردمانی یونانی زبان موسوم به هلنی‌ها[4] در هلاس،[5] شبه جزیرهٔ یونان و در جزایر نزدیک به هم اژه سکنا گزیدند. جوامع کوچکی چون آتن، کورنت و اسپارت با افزایش جمعیت به دولت‌شهرها تبدیل شدند. این اقوام یونانی همانند فنیقی‌ها، دریانوردان و تجّاری کارآزموده بودند و در اندک زمانی مستعمرات خود را در سراسر دریای مدیترانه و دریای سیاه بنا نهادند. این اقوام یونانی هیچ‌گاه ملتی واحد نشدند و به صورت ائتلاف ضعیفی از دولت‌شهرهای کاملاً مستقل باقی ماندند. فرهنگ و زبان مشترک‌شان تنها عامل وحدت بخش آنان بود.

یونانی‌ها زبان نوشتاری خود را در حوزه‌هایی فراتر از تجارت نیز به کار گرفتند. آنان نخستین مجموعهٔ درخشان از نوشته‌ها را در زمینهٔ فلسفه، پزشکی، علم، قانون، تاریخ و ادبیات به تمدن غرب ارزانی داشتند. از جملهٔ این آثار می‌توان به حماسه‌های *ایلیاد* و *اودیسه* هومر، نوشته‌های فلسفی سقراط، افلاطون و




۲



۱

۱ـ بخشی از گلدان دیپیلون یونانی متعلق به سدهٔ هشتم پ.م به سبک هندسی. همان‌گونه که از صحنهٔ حلقه زدن سوگواران بر گردجسدمرده در این تصویر دیده می‌شود، این شکل گلدان در مراسم خاکسپاری کاربرد داشته است. صحنهٔ زیرین آن بازی‌های سنتی مراسم خاکسپاری را نشان می‌دهد.

۲ـ نقشهٔ یونان، اتروریا و روم.

ارسطو، تراژدی‌های سوفوکلس، ائوریپیدس و اشیل، کمدی‌های آریستوفانس و مناندروس و اشعار ساپفو و پیندراوس اشاره کرد.

## هنرهای زیبا

هنریونان بنیاد سنت هنری اروپای غربی را شکل می‌دهد. گرچه دیوار نگاره‌های یونانی از میان رفته‌اند اما ویژگی‌های گرافیکی هنر یونان را می‌توان با نگاهی به طرح گلدان‌های سرامیک آن‌ها درک کرد.

نقاشی گلدان‌های یونانی را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: دورهٔ نخست، دورهٔ طرح‌های هندسی(۱۰۰۰ _ ۷۲۵ پ. م) است. در این دوره برای نقش‌مایه‌های طراحی از الگوهای سادهٔ هندسی بهره می‌گرفتند. (تصویر ۱) دورهٔ دوم دورهٔ شرق‌گرایی (۷۲۵ _ ۵۵۰ پ.م) است که تأثیر نقش‌مایه‌های خاورمیانه، نظیر گل‌ها، نخل‌های زینتی و جانوران منقوش بر نشان‌های خانوادگی را نشان می‌دهد. در دورهٔ سوم، دورهٔ پیکرهای سیاه‌رنگ (۵۵۰ _ ۵۳۰ پ.م) شاهد ظهور آتن به منزلهٔ مرکز تولید و صدور گلدان‌هایی هستیم که بر سطوح قرمز طبیعی آن‌ها پیکرهای سیاه‌رنگ انسان نقاشی می‌شد. (تصویر ۳)

در دورهٔ چهارم یا دورهٔ پیکرهای سرخ رنگ (۵۳۰ _ ۴۷۵ پ.م) برای جلب توجه بیش‌تر به جزئیات، این فرایند معکوس شد و این بار پیکرهای سرخ رنگ بر زمینهٔ سیاه رنگ نقاشی شدند. (تصویر ٤)

گرچه گلدان سازی تا بعد از سال ٤٧٥ پ. م ادامه یافت، اما دورهٔ نقاشی گلدانی با نقش پیکرهای سرخ و سیاه به سر رسید.

با مطالعهٔ طرح گلدان‌ها و نیز موزاییک‌های کف ساختمان‌ها و دیوارنگاره‌های رومی بازیابی شده از شهرسوختهٔ پومپئی، می‌توان تصوری از نقاشی‌های ازدست‌رفتهٔ یونان به دست آورد. می‌دانیم یونانی‌ها استاد کالبدشناسی و عمق بخشیدن به اجزای



۳



۴

۳ـ بخشی‌از گلدان دورهٔ پیکره‌های سیاه‌رنگ متعلق به حدود سال ۵۳۰پ.م که دوجنگجو را در حال نبرد نشان می‌دهد.

٤ـ بخشی‌از گلدان دورهٔ پیکره‌های سرخ‌رنگ متعلق به حدود سال ٤۹۰ پ.م که خنیاگری را در حال نواختن چنگ نشان می‌دهد.

تصویر بوده‌اند، اما به دلایل نامشخص هیچ‌گاه اصول زیربنایی پرسپکتیو را درک نکردند.

### هنرهای گرافیک

یونانی‌ها الفبای فنیقی را نزدیک به ۸۰۰ سال پ.م در دورهٔ توسعهٔ تجاری تعدیل کردند. آنان علاوه بر شکل حروف، اسامی الفبای فنیقی را نیز برگرفتند. برای مثال، حرف یونانی *آلفا* مشتق از حرف فنیقی *الف* و *بتا* مشتق از بت فنیقی و... است. نخستین نمونهٔ شناخته شدهٔ نگارش یونانی براساس الفبای فنیقی، روی یک گلدان دیپیلون متعلق به حدود ۷۰۰ سال پ.م پیدا شد. (تصویر ۵)

یونانی‌ها اصلاحات مهمی در شکل حروف و اسامی الفبای فنیقی به وجود آوردند. از آن‌جا که در زبان گفتاری یونان بر حروف صدادار تکیه می‌شد، آنان برای پنج مورد از این حروف، یعنی *A,E,I,O,U* علائم دیگری در نظر گرفتند. آنان با این کار الفبایی متشکل از بیست و پنج حرف پدید آوردند که پاسخگوی همهٔ حروف مهم زبان‌شان بود.

افزودن علائمی‌برای حروف‌صدادار و نیز برای حروف‌بی‌صدا، گام‌نهایی در آفرینش الفبای آوایی واقعی بود. اکنون همهٔ قطعات در جای خود قرار داشتند. از لحاظ نظری همهٔ زبان‌های‌گفتاری را می‌توان با یک الفبای آوایی به نگارش درآورد. یونانی‌ها جهت نگارش راست به چپ فنیقی را نیز برگرفتند.

یونانی‌ها بعدها نگارش سطور در جهات متناوب، نخست از یک جهت و سپس از جهت دیگر، را تجربه کردند. این کار مستلزم تغییر متناوب در مسیر حرکت حروف بود. این سبک نوشتاری به *بوستروفدون* یعنی «همانند شخم زدن گاو» موسوم بود. (تصویر ۶)

سبک نگارش بوستروفدون دیری نپایید و یونانی‌ها در نهایت نگارش از چپ به راست را برگزیدند. بنا بر نظریه‌ای، نگارش از چپ به راست برای اکثر افراد راست دست به مراتب طبیعی‌تر از نگارش از راست به چپ است.

دولت‌شهرهای متعدد یونان نه تنها به لهجه و گویش خاص خود صحبت می‌کردند، بلکه کوشیدند شکل حروف را نیز به‌سلیقه خود تغییر دهند و البته تعداد این دولت‌شهرها اندک نبود. در سدهٔ چهارم پ.م، تعداد الفباهای یونانی به دو نوع کاهش یافت: الفبای ایونی در شرق و الفبای کلشیدی در غرب.

در سال ۴۰۳ پ. م، آتن به طور رسمی الفبای ایونی را برگزید و این الفبا به دلیل وجهه و اعتبار آن کلاً جایگزین الفبای کلشیدی شد. (تصویر ۷)

الفبای ایونی تنها از حروف بزرگ تشکیل شده بود. حروف کوچک تا دورهٔ کارولنژیان[۶] در اوایل قرون وسطا پدید نیامد. میان کلمات و جملات فاصله‌ای وجود نداشت و نقطه‌گذاری نیز در میان نبود. افزون بر این استفاده از علائم اختصاری نیز رایج بود.

یونانی‌ها دو سبک نوشتاری پدید آوردند: حروف بزرگ کلاسیک و فرمی شکسته‌تر موسوم به *اونسیال*. حروف بزرگ کلاسیک هنگامی که برای کنده‌کاری نوشته‌ها بر سنگ به کار گرفته می‌شدند، لاپیدری (سنگ‌نوشته) نامیده می‌شدند. (تصویر ۷)

سنگ نوشته‌ها در اصل *سانس سریف* یا «بدون زوائد تزیینی» نامیده می‌شدند و تأکید آن‌ها بر زیبایی، فرم و تناسب بود. از سوی حروف‌اونسیال برای‌نگارش‌روزمره با قلم نی یا قلم مو بر پاپیروس و پوست یا با استیلوس بر لوح مومی‌پدیدآمد. (تصویر ۸)

تفاوت‌های میان شکل حروف لاپیدری (سنگ نوشته) و اونسیال، نشان‌دهندهٔ تأثیر

۵



۶



۷



۸

۵ـ اولین نمونهٔ نگارش یونانی که از یک گلدان دیپیلون متعلق به حدود ۷۰۰ سال پ.م به دست آمده است.

٦ـ نمونه‌ای اولیه از حروف یونانی بزرگ کنده شده بر سنگ. این سنگ نوشته نمونه‌ای از نگارش بوستروفدون نیز هست که مسیر نگارش سطرهای آن به تناوب از چپ به راست و بالعکس در تغییر بود.

٧ـ در سال ٤٠٣ پ. م، آتنی‌ها نسخهٔ ایونی الفبای یونانی را به طور رسمی برگزیدند.

٨ ـ اونسیال یونانی برای نگارش روزمره بر پاپیروس، پوست بره، و همان‌گونه که در تصویر دیده می‌شود، برای نوشتن بر لوح به کار می‌رفت. در روش اخیر لایهٔ نازکی از موم استفاده می‌شد که پس از اتمام کار صیقل می‌یافت.

ابزار و سطوح‌نگارش بر شکل‌حروف است. برای مثال، حروف کنده شده زاویه‌دارتر و حروف نوشته شده شکسته‌تر یا سیال‌ترند. یونانی‌ها نیز همانند مصری‌ها هنر تصویرسازی دست‌نوشته‌ها را تجربه کردند، اما متأسفانه بسیاری از نمونه‌های اولیهٔ این هنر از میان رفته است.

**اتروسک‌ها**

دربارهٔ‌خاستگاه اتروسک‌ها اطلاعات زیادی موجود نیست. می‌دانیم آنان حوالی سال ۱۳۰۰ پ.م در ایتالیا سکنا گزیدند و در سال ۷۰۰ پ.م ائتلافی ضعیف از دولت‌شهرها ایجاد کردند که تقریباً از رودخانه تیبر تا رودخانه پو ادامه داشت. این ائتلاف به اتروریا موسوم بود.

اتروسک‌ها عامل اصلی انتقال الفبا و فرهنگ یونان به روم‌بودند. در واقع به نظر می‌رسد بسیاری از دستاوردهایی که معمولاً به رومی‌ها نسبت داده می‌شود، منشاء اتروسکی داشته‌است. از جملهٔ این دستاوردها احداث جاده‌های سنگفرش، مجاری فاضلاب و برخی تجارب نظامی و حقوقی است.

**هنرهای زیبا**

از هنر اتروسک‌ها می‌توان دریافت که آنان قومی پرنشاط، هنرمند و بسیار متمدن بوده‌اند که به شدت از هنر یونان تأثیر پذیرفته‌اند. در واقع اتروسک‌ها چنان گلدان‌های یونانی را می‌ستودند که اغلب مردگان خود را، به همراه این گلدان‌ها به خاک می‌سپردند. بدین خاطر، بیش‌تر گلدان‌های یونانی در ایتالیا و نه در یونان یافت شده‌اند.

اتروسک‌ها مقابر خود را با دیوارنگاره‌های رنگی‌ای تزیین کرده‌اند که صحنه‌هایی از ضیافت‌ها، رقص و شکار آن روزگار را به تصویر می‌کشند. (تصویر ۹) یکی دیگر از شکل‌های‌منحصربه‌فرد هنراتروسک، مجسمه‌سازی‌از چهرهٔ واقعی افراد در زمان‌حیات‌شان برای نصب بر خاکستردان‌ها و گورهای‌سنگی آنان‌بود که بر مجسمه‌سازی اوایل روم تأثیر گذاشت.



۹

۹ـ دیوار نگاره‌ای اتروسکی که تزیین کنندهٔ فضای داخلی یک آرامگاه بود و نشاط و خرمی مردمان اتروسک را نشان می‌دهد.

## هنرهای گرافیک

زبان اتروسکی تا حد زیادی در پرده‌ای از ابهام باقی مانده است. گرچه معنی بسیاری از کوتاه نوشته‌های اتروسکی کشف شده است اما معنی متن مهمی مانند سنگ روزتا تاکنون کشف نشده باقی مانده است و به همین خاطر ساختار دستوری این زبان همچنان ناشناخته است. این نکته روشن است که اتروسک‌ها در داد و ستد شکل اولیه‌ای از الفبای یونانی را به کار می‌بردند. این موضوع از نوشتهٔ روی اسباب بازی کودکانه (تصویر ۱۰) و از جدول کناری (تصویر ۱۱) مشهود است. اتروسک‌ها نیز همانند یونانی‌ها جهت‌های متفاوت نگارش را قبل از تثبیت نگارش از چپ به راست تجربه کردند.

| PHOENICIAN | GREEK | ETRUSCAN | ROMAN |
| --- | --- | --- | --- |
| | | | A |
| | | | B |
| | | | C |
| | | | D |
| | | | E |
| | | | F |
| | | | H |
| | | | |
| | | | I |
| | | | K |
| | | | L |
| | | | M |
| | | | N |
| | | | O |
| | | | P |
| | | | Q |
| | | | R |
| | | | S |
| | | | T |
| | | | V |
| | | | X |

۱۱






۱۰

۱۰ـ نمونهٔ اولیهٔ الفبای اتروسکی که بر ظرف اسباب بازی کودکانه‌ای یافت شده است. شکل‌های این حروف که به حدود ۶۰۰ سال پ.م متعلق است، منشاء یونانی دارند.
۱۱ـ نگاهی تطبیقی به الفبای فنیقی، یونانی، اتروسکی و رومی.

## رومی‌ها

حدود سال ۸۰۰ پ.م، رومی‌ها قبیلهٔ لاتینی زبان کوچک و بی‌اهمیتی بودند که در لاتیوم در امتداد سواحل تیبر زندگی می‌کردند. پایتخت آنان رم، روستایی کوچک واقع بر هفت تپه بود که اربابان اتروسک بر آن حکومت می‌کردند.

در سال ۵۰۰ پ.م، رومی‌ها سر به شورش برداشتند و با بیرون راندن اتروسک‌ها، حکومت جمهوری تأسیس کردند.

دورهٔ جمهوری، از سال ۵۰۰ پ.م تا سال ۶۰ پ.م، دورهٔ توسعه و تحکیم قلمرو بود. رومی‌ها از همان هنگام که دولت‌شهری ساده بیش نبودند، در صدد فرمانروایی بر دنیای باستان برآمدند و از اسپانیا تا خاورمیانه و از افریقای شمالی تا جزایر بریتانیا را به تصرف خود درآوردند. همراه با این توسعه اشاعهٔ قوانین، مهندسی، دانش‌فنی، هنر، ادبیات و مهارت‌های اداری رومی نیز فرارسید.

در سال ۳۱ پ.م، مارکوس آنتونیوس در نبرد اکتیوم و به دست آوگوستوس شکست خورد. در حقیقت بدین ترتیب حکومت جمهوری برچیده شد. در سال ۲۷ پ.م، امپراتوری روم با فرمانروایی مطلق آوگوستوس بنا نهاده شد.

از سال ۲۷ پ.م تا حدود سال ۲۰۰ م، امپراتوری روم به حد اعلای وسعت و نفوذ خود رسید. قدرت و اعتبار روم چنان نافذ بود که دشمنان این امپراتوری تا ۲۰۰ سال در تنگنا قرار داشتند. در این دوره که به «پاکس رومانا» یا صلح رومی موسوم است، رم با دستاوردهای ارزشمند خود در زمینهٔ ساخت و ساز از همه پیشی گرفت. از جملهٔ این دستاوردها، احداث شبکه‌ای از جاده‌ها و پل‌ها برای ارتباط امپراتوری، آباره‌ها[7] برای تأمین آب آشامیدنی شهرها، برج و باروهای نظامی برای در امان ماندن از حملات بربرها، تماشاخانه‌ها و ورزشگاه‌ها برای سرگرمی، حمام‌های عمومی و فاضلاب‌ها برای سلامتی و بهداشت و طاق‌ها و ستون‌های پیروزی به یادبود پیروزی‌ها و فتوحات بود.

حدودسال ۲۰۰م، امپراتوری‌روم به‌تدریج رو به فروپاشی نهاد. پس از یک سده هرج و مرج‌اداری و سلسله‌ای‌از امپراتوران‌ضعیف و نالایق، کنستانتین در سال۳۰۶م‌حاکم بلامنازع روم‌شد. او ثابت کرد که امپراتوری قوی و پرکار است. او نه تنها امپراتوری را استحکام بخشید بلکه پیروی از دین مسیح را نیز در سال ۳۱۳ م مجاز دانست.

کنستانتین در دوران حکومت خود پایتخت‌دومی در بیزانتیوم یا استانبول کنونی بنانهاد و به‌تناسب نام خودآن‌را کنستانتینوپل (قسطنطنیه) نامید. شهر قسطنطنیه مرکز اداری بخش شرقی امپراتوری شد و رُم نیز پایتخت غربی باقی ماند.

در سال ۳۴۰ م، سه سال پس از مرگ کنستانتین، فرزندان او برای به دست گرفتن امپراتوری به جنگ با یکدیگر برخاستند که حاصل آن تقسیم امپراتوری به دو بخش شرقی و غربی بود. در طی سالیان مختلف، کوشش‌های ناموفقی برای اتحاد مجدد این دو بخش صورت گرفت، اما حملات و یورش‌های‌مکرر هون‌ها، گوت‌ها، واندال‌ها، فرانک‌ها و دیگر قبایل بربر مانع تحقق این هدف‌شد. امپراتوری غربی سرانجام در سال ۴۷۶م سقوط‌کرد، اما امپراتوری‌شرقی‌یا بیزانس تا سال ۱۴۵۳ م به حیات خود ادامه داد و دراین‌سال به‌دست ترکان‌عثمانی افتاد.

ادبیات روم غنی و متنوع بود. در دورهٔ نخست آن، از سال ۲۴۰ تا ۸۰ پ.م، شاهد کمدی‌های پلاوتوس[8] و ترنتیوس[9] و خطابه‌های کاتوی سنسور[10] هستیم. از این پس، عصر طلایی ادبیات لاتین از سال ۸۰ پ.م تا سال ۱۷ م فرا می‌رسد و نطق‌ها و نامه‌های سیسرون،[11] خطابه‌های نظامی ژولیوس سزار، منظومهٔ فلسفی *در باب ماهیت اشیاء* اثر لوکرتیوس، اشعار عاشقانهٔ



۱۲

۱۲ـ بخشی از کف پوش موزاییک که در ویلایی رومی در آنتیوک یافت شده است و به حدود سال ۱۰۰م متعلق است و در آن بهار در ظاهر یک سر مجسم شده است.

کاتولوس، مضحکه‌های هوراس و داستان‌های عاشقانه اُوید را دربرمی‌گیرد. اثر منحصر به فرد این دوره حماسهٔ *انه‌اید* ویرژیل است که به بنیان‌گذاری رُم می‌پردازد.

عصر طلایی ادبیات روم، عصر نقره‌ای کوتاه مدتی از سال‌های ۱۷ تا ۳۰ م را نیز درپی داشت. در این دوره، شاهد مقالاتی از سنکا، نوشته‌های تاریخی و سالنامه‌های تاسیتوس و *زندگی‌نامهٔ سزارها* اثر سوئه تونیوس هستیم.

## هنرهای زیبا

از طرح‌ها و نقاشی‌های رومی جز اندکی بر جای نمانده است. این تعداد نیز، همانند دیوارنگاره‌های پمپی، موزاییک‌های کف ساختمان‌ها (تصویر۱۲) و کنده‌کاری‌های خطی بر آینه‌های فلزی و ظروف، همگی از تأثیر پذیری شدید هنرمندان روم از هنر یونان نشان دارند.

دیوارنگاره‌های پمپی به‌پیش از سال۷۹م بازمی‌گردد. سالی‌که فوران‌آتشفشانی کوه وزوو شهرپمپی‌را زیرگدازه‌ها فرو برد. گفته می‌شود این دیوارنگاره‌ها را هنرمندان محلی یونان و روم به سبک یونانی آغازین کشیده‌اند. این آثار گویای مهارت و استادی این هنرمندان در ترسیم پیکرهای انسانی، ترکیب‌بندی و برجسته‌نمایی با رنگ سایه‌های تیره و روشن است. (تصویر ۱۳)

مناظر، موضوع رایج این دوره، به سبک‌های متعددی نقاشی می‌شدند و به تکنیک ضربه قلم ناپیوسته نقاشان امپرسیونیست شباهت دارند. رومی‌ها نیز، همانند یونانی‌ها، پرسپکتیو را هیچ‌گاه به درستی درک نکردند.

چهره‌پردازی رومی به خوبی در سردیس‌های موم رنگ[۱۲] دیده می‌شود. تک‌چهره‌ها با رنگ‌های مومی بر قاب‌های چوبی نقاشی می‌شدند تا به اجساد مومیایی شده الصاق شوند. (تصویر ۱۴) این



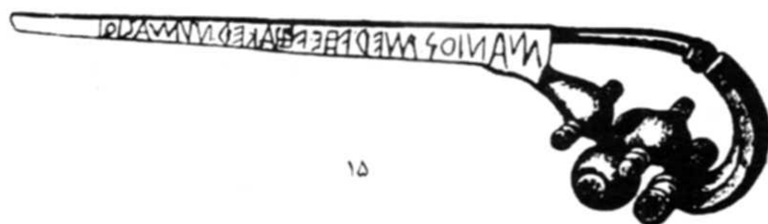
۱۳



۱۴

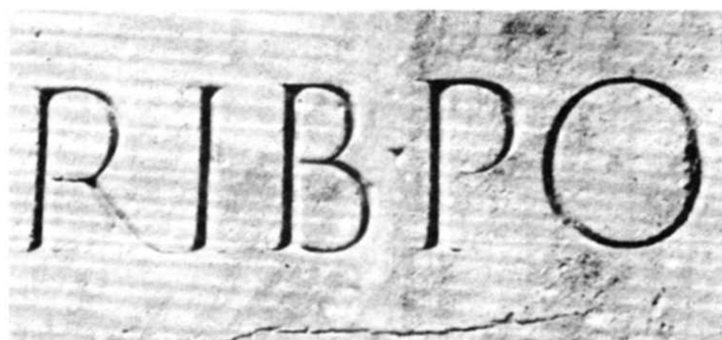
۱۳ـ نقاشی دیواری متعلق به ویلایی در بوسکورئاله در دامنهٔ کوه وزوو که نزدیک به سال ۷۹ م کشیده شده است و زنی نشسته را در حال نواختن چنگ نشان می‌دهد.

۱٤ـ کهن‌ترین نمونهٔ نقاشی چهره از روی الگوی زنده که به سدهٔ اول م باز می‌گردد و به منطقهٔ فیوم مصر در دورهٔ اشغال روم تعلق دارد. تک چهرهٔ این نوجوان با رنگ‌مومی موسوم به سردیس موم رنگ برتختهٔ چوبی نقاشی شده بود تا بر رخسار مومیایی شدهٔ او قرار گیرد.



۱۵




۱۶

تک‌چهره‌ها بیش‌تر به میانهٔ سده‌های اول تا سوم و به منطقهٔ فَیّوم مصر تعلق دارند.

سنت‌واقع‌گرایانه، که خواهان ارائهٔ بینش روان‌شناختی بود، به چهره‌پردازی رومی خصوصیتی منحصربه‌فرد داد. همهٔ‌این موارد پس از سدهٔ سوم میلادی به دلیل تأثیرات مسیحی و خارجی دگرگونی پذیرفت.

## هنرهای گرافیک

رومی‌ها اندکی پس از سال ۷۰۰ پ.م، الفبای آوایی یونانی‌ها را برگرفتند. از آن‌جا که رومی‌ها به زبان لاتینی، زبانی متفاوت با یونانی، سخن می‌گفتند، نیاز به انطباق این الفبا با زبان خود داشتند.

رومی‌ها از حروف یونانی سیزده حرف را بی‌تغییر پذیرفتند، هشت حرف را تغییر دادند و دو حرف از خود بدان الفبا افزودند تا الفبایی بیست و سه حرفی پدید آورند که پاسخگوی نگارش لاتینی باشد. (حروف $U$ و $J$ و $W$ بعدها اضافه شدند.) رومی‌ها شیوهٔ معمول نامگذاری حروف یونانی را به *آلفا*، *بتا* و *گاما* کنار گذاشتند و شکل *ساده‌تر* $A$ و $B$ و $C$ امروزی را جایگزین آن کردند. شاید نخستین نمونهٔ الفبای رومی را بتوان بر سنجاق سینه‌ای دید که در پرائه نسته در نزدیکی رم پیدا شد. (تصویر ۱۵) ترجمهٔ نوشته روی این شیء چنین است: «مانیوس مرا برای نوماتیوس ساخت.»

در اوایل امپراتوری، الفبای رومی یا لاتینی پس از قرن‌ها جرح و تعدیل عاقبت به شکل کلاسیک خود دست یافت. این موضوع را می‌توان به وضوح از نوشته‌های کنده‌کاری شدهٔ روی یادمان‌های جمهوری یافت. یکی از ظریف‌ترین و شاید مشهورترین این نوشته‌ها، نوشتهٔ کنده‌کاری شده در سال ۱۱٤ م بر روی پایه ستون تراژان در رُم است. (تصویر ۱٦)

شکل حروف‌نوشتاری هرچه‌بیش‌تر حک و اصلاح می‌شد، سبک‌های‌نگارش روزمره برای قلم، قلم مو و استیلوس نیز پا به پای آن بهبود می‌یافت. این ابزارها به علاوهٔ سطوح نوشتاری نظیر پاپیروس، پوست بره، پوست گوساله و لوح‌های مومی، شکل و ویژگی نهایی حروف را تعیین کردند.

از جملهٔ رایج‌ترین خطوط‌رومی می‌توان به‌خط *شکستهٔ اوایل‌رومی*، *روستیکا (کاپیتالیس روستیکا)* *حروف بزرگ چهارگوش (کاپیتالیس کوادراتا)* *اونسیال* و *شبه اونسیال* اشاره کرد.

*شکستهٔ اوایل رومی*. خط شکستهٔ اوایل رومی که یکی از نخستین خطوط رومی به شمار می‌رود، در حدود سدهٔ اول‌پ.م تکامل یافت. این سبک نوشتاری معمولی

۱۵ـ کهن‌ترین نمونهٔ نگارش لاتین که به حدود سال ۷۰۰ پ.م متعلق است، بر یک سنجاق یا فیبولا (fibula)نزدیک پرائه‌نسته در ایتالیا یافت شد. این نوشته از سمت راست چنین خوانده می‌شود: «مانیوس مرا برای نوماتیوس ساخت.»

۱٦ـ نوشته‌ای از پایهٔ ستون تراژان در رم. شکل‌های حروف این ستون که در سال ۱۱٤م کنده شده‌اند، ظریف‌ترین نمونهٔ بازمانده از حروف بزرگ رومی به شمار می‌روند. در زیر، تصویر بزرگ شدهٔ این نوشته دیده می‌شود.

۱۷

۱۸

۱۹

۱۷ـ خط شکستهٔ اوایل رومی، که برای نگارش روزمره به‌کار می‌رفت، از درون حروف بزرگ رسمی رومی به در آمد. با سرعت گرفتن نگارش، سبک‌های شخصی بسیاری به تکامل رسیدند.
۱۸ـ روستیکا خطی مردمی بود که نه تنها برای نگارش کتاب‌ها که برای نقاشی اعلان‌های عمومی و نگارش شعارهای سیاسی بر دیوارها نیز به کار می‌رفت.
۱۹ـ حروف بزرگ چارگوش علی‌رغم دشواری نگارش، قلمی زیبا به‌شمار می‌رفت که بیش‌تر برای متون معتبر کاربرد داشت.

که شکستهٔ مردمی نیز خوانده‌می‌شود، بیش‌تر برای یادداشت‌ها، نامه‌نگاری‌ها، حسابرسی‌ها و دیگر امور غیررسمی کاربرد داشت. (تصویر ۱۷)

این خط هنگام نگارش سبکی سریع و غیررسمی داشت و در اصل بر حروف بزرگ رومی مبتنی بود. این حروف هنگام تندنویسی اریب می‌شدند و اغلب نیز به هم پیوسته بودند. خصوصیت تک سطری این خطوط نتیجهٔ نگارش با استیلوس نوک تیز بر لوح مومی بود که سطح نوشتاری رایج رومی‌ها به شمار می‌رفت. الواح مومی راحت و مناسب بودند. این سطوح را می‌شد با صاف کردن به شکل اول بازگرداند و دوباره از آن استفاده کرد.

شکستهٔ اوایل رومی نویسنده را بر آن می‌داشت تا بر ظاهر حروف پیرایه بندد و حدیث نفس خود را آزادی بخشد. یکی از نتایج این آزادی،نخستین نمود بالا رونده‌ها و پایین رونده‌ها یا به عبارتی نوشته‌هایی بود که به بالا و پایین خطوط راهنما کشیده می‌شدند.[۱۳]

*روستیکا.* یکی‌دیگر از شکل‌های حروف روستیکا بود که بر حروف‌بزرگ‌رومی مبتنی بود و در حدود سدهٔ اول پیش از میلاد تکامل‌یافت. (تصویر ۱۸) این خط به تدریج وسیله‌ای‌سریع و ارزان‌قیمت‌برای اعلان‌های عمومی، شعارهای سیاسی و شکل‌های اولیهٔ تبلیغات تجاری شد. معمولاً اطلاعات با قلم‌مویی تخت و با رنگ قرمز بر دیوار خانه‌ها یا لوحه‌های چوبی نقاشی می‌شد.

روستیکا به راحتی با قلم نی بر پاپیروس و پوست گوساله نوشته می‌شد و در اندک زمانی خط رایج در نگارش کتاب شد. این خطوط در سده‌های چهارم و پنجم بیش‌ترین رواج را یافت و تا اواخر سدهٔ نهم کاربرد داشت.

*حروف بزرگ چارگوش.* این حروف یکی از شکیل‌ترین خطوط اولیه بود. دلیل این‌نامگذاری آن بود که‌تناسبات این حروف بیش‌تر از آن که به حروف بزرگ نگارشی روم یعنی خط مبنای خود گرایش داشته باشد، به چارگوش گرایش داشت. (تصویر ۱۹) این حروف گرچه در سدهٔ نخست رایج شدند اما تا سدهٔ چهارم و پنجم به شکل پیراسته و ناب خود دست نیافتند.

به همان نسبتی که حروف بزرگ چارگوش خوش ساخت می‌نمودند، سریع نوشتن‌شان دشوار بود. به این جهت بیش‌تر برای نگارش متون ادبی و مذهبی معتبر به کار می‌رفتند. حروف بزرگ چارگوش تا سدهٔ ششم رواج داشتند و از این پس اونسیال‌ها جایگزین آن‌ها شدند.

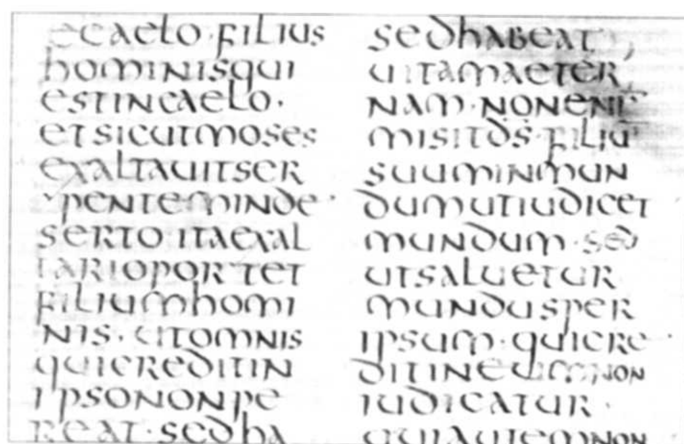
*اونسیال.* در سدهٔ سوم، سبک نگارش دیگری موسوم به اونسیال به تدریج از دل روستیکا و حروف بزرگ چارگوش شکل می‌گیرد. (تصویر ۲۰) از آن‌جا که شکل این حروف گرد بود برای نگارش سریع مناسب بود و به استفاده از بالارونده‌ها و پایین‌رونده‌ها گرایش داشت.

در سدهٔ پنجم، اونسیال خط اصلی نگارش کتاب شد و به ویژه برای نگارش ادبیات کلیسایی از آن استفاده می‌شد. اونسیال تا سدهٔ دهم خط رایج نگارش متون بود و از آن پس کاربردی عمدتاً نمایشی یافت.

*شبه اونسیال.* در سدهٔ پنجم، خط کتاب‌نویسی متناسب دیگری موسوم به *شبه اونسیال* به ظهور رسید (تصویر ۲۱). گفته می‌شود این خط برخلاف آن‌چه از نامش برمی‌آید، به گونه‌ای مستقل از دل حروف بزرگ چارگوش و شکستهٔ اوایل رومی شکل گرفت و ارتباطی با اونسیال ندارد. شبه اونسیال در سدهٔ نهم با نگارش دست‌نوشته‌های ایرلندی آنگلوساکسون نظیر *کتاب کل‌ها* به اوج رسیدکه در صفحهٔ ۴۰ دیده می‌شود.

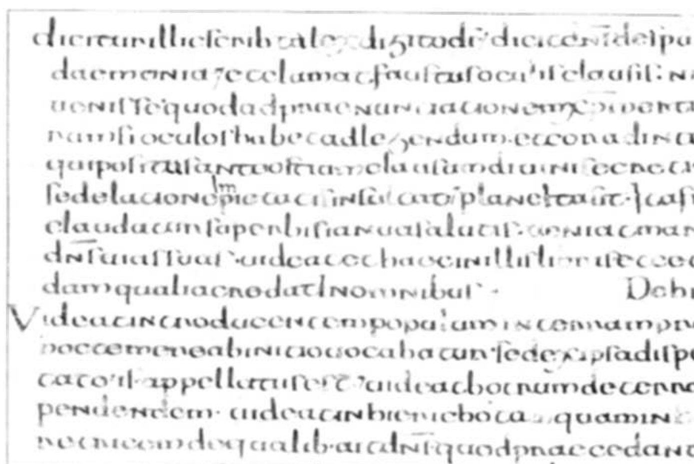
شبه اونسیال افزون بر آن‌که به نگارش سهولت بیش‌تری می‌بخشید، به دلیل شکل حروف تعدیل شدهٔ خود اهمیت داشت، زیرا نوشتن با کم‌ترین خامه‌گذاری (ضربات قلم) و کم ترین برداشتن قلم را به شیوهٔ رایجش امکان‌پذیر می‌ساخت. شبه اونسیال نیز همانند اونسیال، کارکرد بالارونده‌ها و پایین رونده‌ها را هر چه بیش‌تر توسعه‌داد. این سرآغاز پیدایش الفباهای دارای شکل حروف بزرگ (majuscule) و حروف کوچک (minuscule) بود.

افزون بر این، تکوین شکل امروزی کتاب را که به رومی کودکس خوانده می‌شود، به رومی‌ها نسبت می‌دهند. متون در آغاز بر طومارهای پاپیروس نگاشته می‌شدند و علاوه بر آن که جاگیر و پرحجم بودند، یافتن اطلاعات خاص را نیز مشکل می‌ساختند. کودکس نه تنها قابل دست‌گرفتن بود که یافتن اطلاعات خاص را نیز آسان می‌ساخت. صفحات کودکس یا از پوست بره موسوم به parchment یا از پوست گوساله موسوم به vellum ساخته می‌شد. مورد اخیر، ظریف‌تر و مطلوب‌تر از مورد نخست بود. این پوست‌ها کشیده می‌شدند و سطوح آن‌ها مهیای نگارش می‌شد. سپس به یک اندازه برش می‌خوردند تا به شکل کتاب درآیند.


e caelo filius / hominisqui / estincaelo. / etsicutmoses / exaltauitser / pentemindē / sertoitaexal / tarioportet / filiumhomi / nis·etomnis / quicreditin / ipsononpe / reat·sedha

sedhabeat / uitamaeter / nam·nonenī / misitds·filiū / suuminmun / dumutiudicet / mundum·sed / utsaluetur / mundusper / ipsum·quicre / ditinecū non / iudicatur· / quiautemnon

۲۰



۲۱

۲۰ـ اونسیال که در حدود سدهٔ سوم به تکامل رسید، برای سریع نوشتن مناسب‌تر از حروف بزرگ چارگوش بود و تا سدهٔ دهم خط مذهبی رایج باقی ماند. شکل‌های حروف اونسیال گویای آغاز استفاده از دنباله‌های تزیینی در بالا و پایین حروف هستند.

۲۱ـ شبه‌اونسیال نخستین بار حدودسدهٔپنجم به‌ظهور رسید. این خط از درون‌شکستهٔ‌اوایل رومی و حروف بزرگ چارگوش به درآمد، نه از اونسیال آن‌طور که از نامش برمی‌آید. با شبه اونسیال شاهد ظهور کامل دنباله‌های تزیینی در بالا و پایین حروف هستیم.

## وقایع و اشخاص

### وقایع تاریخی

**پیش از میلاد**

**۱۰۰۰ـ** حکمرانی داوود پادشاه بر اسرائیل و یهودیه.
**۹۲۵ـ** مرگ سلیمان.
**۸۸۳ـ** آغاز پادشاهی آشور نصیرپال دوم بر آشور.
**۷۷۶ـ** نخستین بازی رکورددار المپیک.
**۷۵۳ـ** تاریخ سنتی بنیان گذاری روم.
**حدود ۷۵۰ـ** نگارش *ایلیاد و ادیسه* به‌قلم هومر.
**۷۴۴ـ** آغاز فتوحات آشور.
**۶۷۲ـ** رومی‌ها تقویم ماه‌های دوازده‌گانه را پدید آوردند.
**۶۲۸ـ** تولد زرتشت بنیانگذار دین ایرانی.
**حدود ۶۰۰ـ** نگارش افسانه‌های ازوپ. سرایش اشعار سافو شاعر اهل لزبوس. سفرهای دریایی فنیقی‌ها به دور افریقا.
**۵۸۷ـ** نابودی اورشلیم به دست بخت‌النصر دوم.
**۵۸۱ـ** تولد فیثاغورث، ریاضی دان و فیلسوف یونان.
**حدود ۵۶۳ـ** تولد بودا.
**۵۵۱ـ** تولد کنفسیوس.
**۵۵۰ـ** احداث کاخ و باغ‌های معلق بخت‌النصر دوم.
**۵۲۱ـ** نخستین موعظهٔ بودا.
**۵۰۹ـ** اعلام جمهوری رم.
**حدود ۵۰۰ـ** تغییر نقوش کوزه‌گری یونان از پیکره‌های سیاه رنگ به سرخ رنگ. سرایش چکامه‌های پیندار. نگارش *رامایانا*، منظومهٔ کهن مصری.
**۴۹۰ـ** شکست ایران از یونان در نبرد ماراتون.
**۴۸۷ـ** اجرای *اورست*، نمایشنامهٔ سه‌گانهٔ اشیل.
**۴۸۴ـ** تولد هرودت، پدر تاریخ.
**۴۸۳ـ** مرگ بودا.
**۴۷۹ـ** مرگ کنفسیوس.
**۴۴۷ـ** احداث پارتنون در آکروپولیس یونان. مجسمه‌های فیدیاس.
**۴۴۳ـ** ارتشبدی پریکلس در آتن.
**۴۳۱ـ** آغاز جنگ پلوپونز.
**حدود ۴۳۰ـ** مباحثات سقراط درباب فلسفهٔ اخلاق. گفتارهای هیپوکراتس در باب طب عقلایی. طرح نظریهٔ اتمی دموکریتوس (ذیمقراتیس). نگارش کمدی‌های آریستوفان، تراژدی‌های اریپید، و تاریخ تاسیدید.
**حدود ۴۲۷ـ** تولد افلاطون.
**۴۰۱ـ** پایان جنگ پلوپونز با پیروزی اسپارت بر آتن.
**۳۹۹ـ** محاکمه و مرگ سقراط.
**۳۸۷ـ** نگارش سمپوزیوم (همنشینی) اثر افلاطون.
**۳۴۳ـ** شاگردی اسکندر جوان نزد ارسطو.
**۳۳۶ـ** حکمرانی اسکندر کبیر بر مقدونیه.
**۳۲۶ـ** گسترش امپراتوری اسکندر تا درهٔ هند.
**۳۲۳ـ** مرگ اسکندر در سی و سه سالگی. اقلیدس *عناصر* و کتاب بنیادی هندسه را می‌نویسد.
**حدود ۲۸۷ـ** تولد ارشمیدس ریاضی دان یونانی.
**۲۶۴ـ** نخستین جنگ بین روم و کارتاژ.
**حدود ۲۵۵ـ** ترجمهٔ یونانی عهد عتیق.
**۲۲۴ـ** ویرانی کلوسوس (مجسمهٔ غول پیکر رودس در اثر زلزله.
**۲۱۵ـ** آغاز بنای دیوار بزرگ چین.
**۲۱۸ـ** دومین جنگ روم و کارتاژ. عبور هانیبال از آلپ با لشکر فیل.
**۱۴۹ـ** سومین جنگ روم و کارتاژ و نابودی کارتاژ.
**۱۴۷ـ** تسلط روم بر یونان.
**۱۴۰ـ** خلق مجسمهٔ ونوس دومیلو.
**حدود ۱۰۰ـ** تولد ژولیوس سزار.
**۷۱ـ** شورش بردگان روم به رهبری اسپارتاکوس.
**۵۸ـ** آغاز غلبهٔ سزار بر گائول.
**۴۹ـ** عبور سزار از رودخانه روبیکون و آغاز جنگ داخلی.
**۴۶ـ** تنظیم تقویم ژولیان به فرمان ژولیوس سزار.
**۴۴ـ** قتل سزار به دست بروتوس در پانزدهم مارس رومی.
**۳۷ـ** دلدادگی آنتونیوس به کلئوپاترا.
**۶ـ** تبدیل یهودیه به ایالتی رومی.
**۴ـ** تاریخ تولد احتمالی عیسی مسیح.

**پس از میلاد**

**۳۰ـ** تاریخ احتمالی تصلیب عیسی مسیح.
**۴۳ـ** تهاجم روم به بریتانیا.
**۶۴ـ** نرون آتش سوزی رم را به مسیحیان نسبت می‌دهد.
**۷۹ـ** فوران کوه وزوو و نابودی شهر پمپئی.
**۱۲۲ـ** هادریان دیوار بین انگلستان و اسکاتلند را احداث کرد.
**۲۱۲ـ** مردم روم شهروندان آزاد اتلاق شدند.
**۲۴۸ـ** جشن نخستین هزارهٔ روم.
**۳۱۳ـ** پایان اعدام مسیحیان در پی فرمان کنستانتین.
**۳۳۰ـ** آغاز بنای کلیسای سان پیترو در رم.
**۳۳۱ـ** تغییر پایتخت امپراتوری روم به کنستانتینوپل (قسطنطنیه).
**۴۱۰ـ** تاراج رم به فرمان آلاریک، پادشاه ویزی‌گوت‌ها.
**۴۱۱ـ** نگارش *شهر خدا* اثر سن آگوستین.
**۴۳۲ـ** آغاز مأموریت سن پاتریک برای مسیحی کردن ایرلند.
**۴۳۵ـ** تاخت وتاز لشکریان آتیلا، پادشاه هون‌ها در ایالات روم.
**۴۵۵ـ** واندال‌ها رم را چپاول کردند.
**۴۷۶ـ** خلع رومولوس اگوستولوس، آخرین امپراتور روم.
**۴۸۷ـ** تئودوریک پادشاهی اوستروگوتیک را در ایتالیا مستقر کرد.

### ادبیات (یونان)

هومر (حدود سدهٔ هشتم پیش از میلاد)
هزیود (حدود ۷۰۰ پیش از میلاد)
پیتاگوراس (حدود سدهٔ ششم پیش از میلاد)
هراکلیتوس (حدود ۵۳۴ـ حدود ۴۷۵ پیش از میلاد)
اشیل (۵۲۵ـ ۴۵۶ پیش از میلاد)
پیندار (حدود ۵۱۸ـ ۴۳۸ پیش از میلاد)
آناگزاگوراس (۵۰۰ـ ۴۲۸ پیش از میلاد)
سافو (حدود ۵۰۰ پیش از میلاد)
امپدوکلس (۴۹۳ـ حدود ۴۳۳ پیش از میلاد)
اوریپید (۴۸۵ـ ۴۰۶ پیش از میلاد)
هرودوت (حدود ۴۸۴ـ ۴۳۰ پیش از میلاد)
ذیمقراطیس (۴۶۰ـ ۳۷۰ پیش از میلاد)
آریستوفان (حدود ۴۵۰ـ ۳۸۵ پیش از میلاد)
افلاطون (۴۲۸ـ ۳۴۸ پیش از میلاد)
ارسطو (۳۸۴ـ ۳۲۲ پیش از میلاد)
اپیکور (۳۴۲ـ ۲۷۱ پیش از میلاد)
ماناندر (۳۴۲ـ ۲۹۱)
ازوپ (شخصیت افسانه‌ای)

### ادبیات (روم)

پلوتوس (حدود ۲۵۵ـ ۱۸۴ پیش از میلاد)
کاتو، مهین (۲۳۴ـ حدود ۱۴۹ پیش از میلاد)
ترنس (حدود ۱۹۰ـ ۱۵۹ پیش از میلاد)
سیسرو (۱۰۶ـ ۴۳ پیش از میلاد)
ژولیوس سزار (۱۰۰ـ ۴۴ پیش از میلاد)
سالوست (۸۶ ـ ۳۴ پیش از میلاد)
کاتولوس (حدود ۸۴ ـ ۵۴ پیش از میلاد)
ویرژیل (۷۰ـ ۱۹ پیش از میلاد)
هوراس (۶۵ـ ۸ پیش از میلاد)
لیوی ( ۵۹ پیش از میلادـ ۱۷ پس از میلاد)
اووید (۱۷ پیش از میلاد ـ ۴۳ پس از میلاد)
سنه کا (۴ پیش از میلاد ـ ۶۵ پس از میلاد)
لوکان (۳۹ـ ۶۵ پس از میلاد)
مارشیال (حدود ۴۰ـ ۱۰۴ پس از میلاد)
استاتیوس (۴۵ـ حدود ۹۶ پس از میلاد)
پترونیوس (حدود ۵۰ پس از میلاد)
تاسیتوس (حدود ۵۵ـ ۱۱۷ پس از میلاد)
ژوونال (حدود ۵۵ـ ۱۴۰ پس از میلاد)
پلینی، کهین (حدود ۶۲ـ ۱۱۴ پس از میلاد)
آپولیوس ( حدود ۱۲۵ پس از میلاد)
ترتولیان (حدود ۱۶۰ـ ۲۳۰ پس از میلاد)
سن.ژروم (حدود ۳۴۷ـ ۴۲۰ پس از میلاد)
سن. آگوستین (۳۵۴ـ ۴۳۰ پس ازمیلاد)

### هنرهای زیبا (یونان)

پراکزیتلس (حدودسده چهارم پیش از میلاد)
ایکتینوس (حدود ۴۴۰ پیش از میلاد)
پولینیوتوس (حدود سدهٔ پنجم پیش از میلاد)
فیدیاس (حدود ۵۰۰ـ ۴۳۲ پیش از میلاد)

## سال ۵۰۰ ـ ۱۳۰۰
## قرون وسطا: آغاز، میانه، انجام

دورهٔ میان سقوط امپراتوری روم در سال ٤٧٦ م و اوایل رنسانس در سال ۱۳۰۰ م اغلب *قرون وسطا* خوانده می‌شود. این اصطلاح را محققان دورهٔ رنسانس برای توصیف سال‌های میان دورهٔ خود و دورهٔ کلاسیک یونان و روم به کار می‌بردند. اگر سقوط امپراتوری روم نشانهٔ پایان دنیای کهن بود، قرون وسطا بشارت آغاز دنیای نوین بود. (تصویر ۱)

گرچه دوره‌های تاریخی آغاز و انجام دقیقی ندارند اما قرون وسطا را، علی‌رغم گرایش به همپوشانی، تقریباً می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: اوایل قرون وسطا، اوج قرون وسطا (رومانسک) و اواخر قرون وسطا (گوتیک).

### اوایل قرون وسطا

تا همین اواخر، اوایل قرون وسطا، از سال‌های ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ م قرون سیاه دانسته می‌شد. این دوره دوران اغتشاش سیاسی، فروپاشی اقتصادی و اضمحلال فرهنگی تلقی می‌شد. اما اکنون به این دوره بیش‌تر با عنوان زمان گذار از کهن به نوین و از کهنه به نو نگریسته می‌شود و اصطلاح بی‌طرفانه‌تر *اوایل قرون وسطا* ترجیح دارد.

این دوره زمان دسته‌بندی مجدد نیروهای سیاسی و آغاز پیدایش ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جدید بود. امپراتوری روم یکپارچگی خود را با برآمدن پادشاهی‌های مستقل از دست داد و از زبان لاتین گویش‌های محلی‌ای شکل گرفت که در نهایت منتهی به تکوین زبان‌های اسپانیایی، ایتالیایی، فرانسوی نوین و دیگر زبان‌های رومیایی شد.

با ظهور نظام فئودالی شاهد لردهای قدرتمندی هستیم که در قبال حمایت از افراد ضعیف‌تر موسوم به باج‌گزاران، مالکیت و کنترل زمین‌های این افراد را به‌دست می‌گرفتند. با بازگشت مردم به کشاورزی برای ادامهٔ زندگی، شهرها عاری از سکنه شدند. تجارت که مایهٔ حیات امپراتوری بود، تقریباً هستی خود را از دست داد. ضرب سکه از رواج افتاد و مردم برای تأمین مایحتاج خود به معاملهٔ پایاپای روآوردند.

رخداد عمدهٔ اوایل قرون وسطا، ظهور سلطنت فرانکی تحت لوای شارلمانی یا شارل کبیر بود. در سال ۸۰۰ م، شارلمانی بسیاری از زمین‌های امپراتوری قدیم روم را به متصرفات فرانکی خود ملحق کرد و امپراتوری مقدس روم را بنا نهاد. دورهٔ شارلمانی دوران وحدت، اصلاح امور اداری و تقویت آموزش و پرورش بود.




۱ـ نقشهٔ اروپا در سال ۸۰۰ م، زمانی که شارلمانی امپراتوری مقدس روم را در دست گرفت.

پس از مرگ شارلمانی در سال ۸۱٤ م، امپراتوری او میان سه فرزندش تقسیم شد و سلسلهٔ کارولنژی به آرامی به قدرت و اعتبار رسید.

در سال ۹۱۹ م، هنری فولر، اشراف زادهٔ آلمانی، پادشاه شد و سلسلهٔ ساکسون را بنا نهاد. پس از او فرزندش اُتوی اول به قدرت رسید که دورهٔ اُتونی منسوب به اوست.

سلسلهٔ ساکسون در سال ۱۰۲٤ م با مرگ هنری دوم به پایان رسید.

## هنرهای زیبا

هنراوایل قرون‌وسطا را با موزاییک‌های دیواری‌کلیسای سن ویتاله در راونای ایتالیا بهتر می‌توان شناخت. (تصویر ۳) این موزاییک‌ها که در سال ٥٤۷ م کار شده‌اند، با پیکرهای تخت، از روبه‌رو و رسمی خود به شدت گویای سبک اوایل مسیحی / بیزانسی‌اند.

این سبک را در مقیاس کوچک‌تری می‌توان در اشیای قابل حملی چون قاب‌های کنده شده از عاج، تندیسک‌ها، سکه‌ها و اشیای فلزی و لعابی به کار رفته در آیین عشاء ربانی یا در زیور آلات شخصی مشاهده کرد. (تصویر ۲) اغلب این آثار بی‌اندازه بی‌پیرایه‌اند و از ترکیب تأثیرات اواخر رومی، بیزانسی و بربری حکایت دارند.



۲



امپراتور شارلمانی



۳

۲ـ قاب عاج فرانسوی متعلق به حدود سال ۹۸۰ م. که گره‌گور قدیس را درحال کتابت وحی نشان می‌دهد. روح‌القدس نازل‌کنندهٔ وحی به صورت کبوتری بر او ظاهر شده‌است. در زیر پای او سه کاتب دیده می‌شوند که قلم‌های پر به دست دارند و از مرکب‌دانی شاخی استفاده می‌کنند.

۳ـ قطعهٔ موزاییکی که امپراتور ژوستینین را در حال هدیه دادن به کلیسای سن ویتاله در راونای ایتالیا نشان می‌دهد. اندام‌های بی‌پیرایه و فضای کم عمق ویژگی هنر بیزانس در اوائل سدهٔ ششم‌اند.

## هنرهای گرافیک

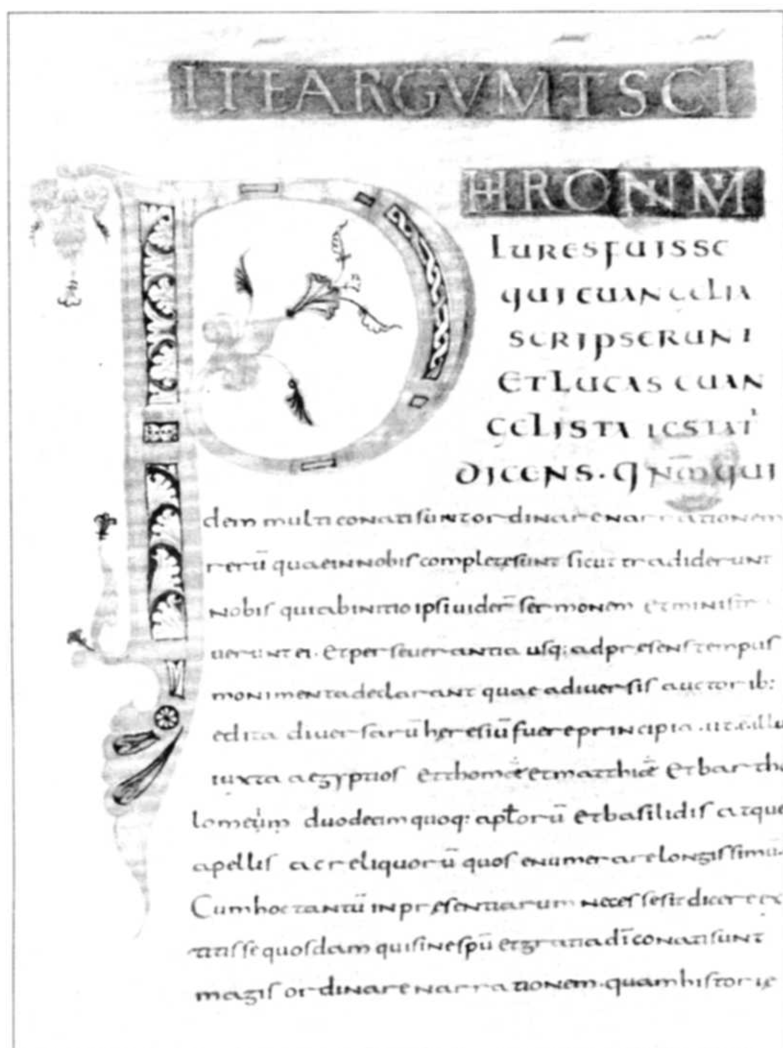
در اوایل قرون وسطا، کشیشان و راهبان خود را وارثان فرهنگ و سنت امپراتوری روم یافتند. آنان از طریق شبکهٔ کلیساها و دیرهای خود مسیحیت را نشر دادند و زبان لاتین و بقایای دانش کلاسیک را زنده نگه‌داشتند. دیرها مراکزی ادبی و نوشتاری بودند که کاتبان در اتاق‌های نسخه‌نویسی آن کار می‌کردند و آثارمذهبی و غیرمذهبی را با دست‌نسخه‌نویسی می‌کردند. (تصاویر ۲و۱۰)

در آغاز، رایج‌ترین سبک‌نوشتار حروف‌بزرگ چارگوش رومی، اونسیال و شبه اونسیال بود، اما به مرور این خطوط موجب تکامل خطوط محلی نظیر اینسولار ایرلندی، آنگلوساکسون، مرووینژی، ویزی گوتیک و بنه‌ونتان شدند. ازدیاد سریع این خط‌های محلی مکاتبه را مشکل ساخت.

پس از سال ۸۰۰ م، امپراتور شارلمانی توجه خود را به وحدت قلمروهای خود معطوف کرد. یکی از راه‌های انسجام بخشیدن به این امپراتوری تازه شکل گرفته، اتخاذ سبک نوشتار رسمی واحد برای کل امپراتوری بود. شارلمانی و آلکوین اهل یورک ـ راهبی که تربیت یافتهٔ ایرلند بود و یکی از وزرای اصلی شارلمانی به شمار می‌رفت ـ پس از مطالعهٔ سبک‌های موجود، خطی را برگزیدند که بهترین خصوصیات اونسیال و شبه اونسیال را در خود داشت، این خط جدید را امروزه خط *کارولنژی* می‌نامیم که به افتخار شارلمانی به این نام خوانده شد. (تصویر ٤)

طنز ماجرا در این است که امپراتور امپراتوری مقدس روم که خواندن و نوشتن نمی‌دانست و راهبی انگلیسی تربیت یافتهٔ ایرلند، باید عامل تعیین کنندهٔ شکل حروف ما [انگلیسی‌زبان‌ها] شوند. اما این شکل حروف درست با روحیات شارلمانی و وزیر او آلکوین اهل یورک همخوانی داشت.

اهمیت سبک نوشتار کارولنژی در هنر گرافیک بدین خاطر است که معرف



۴

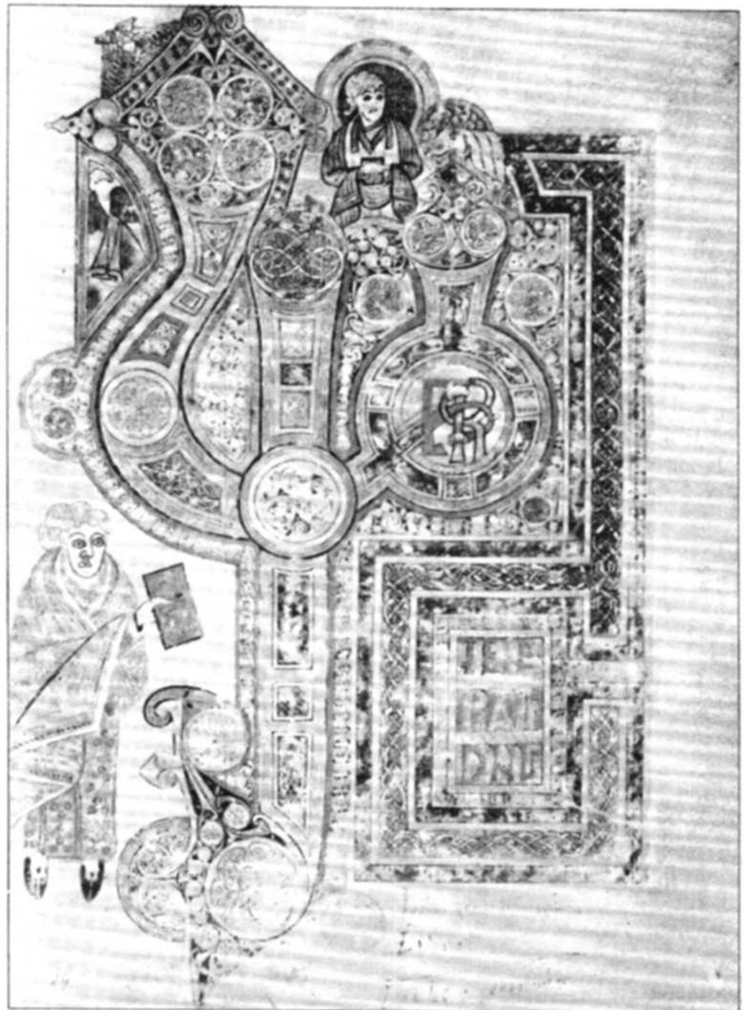
٤ـ خط به کار رفته در دست‌نوشته‌ای کارولنژی که شارلمانی آن را برای استفاده در قلمرو امپراتوری خود تأیید کرد.

نخستین خط کاملاً تکامل یافته‌ای است که حروف کوچک و بزرگ رومی را درهم‌می‌آمیزد. شکل حروف کارولنژی الگوی نخستین حروف کوچک چاپی رومی شد.

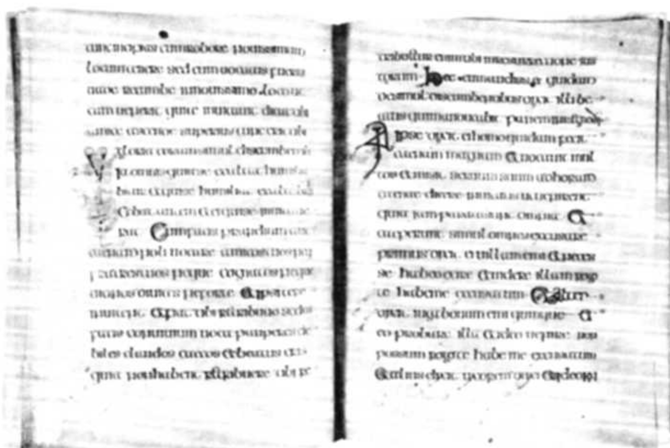
متأسفانه کوشش‌های شارلمانی در ایجاد دولتی‌متمرکز و برخوردار از سبک نوشتاری یکسان با روی کار آمدن اخلاف او به سرعت پایان پذیرفت. همراه با از هم گسیختن امپراتوری، موجی از سبک‌های‌نوشتار جدید پا به‌عرصه نهادند که بسیاری از آنان اشکال متفاوت خط‌کارولنژی‌بودند که خصوصیات محلی‌و ملی در آنان نمایان بود. در این دوره‌همچنین گرایش‌به‌شکل‌حروف باریک‌تر پدید آمد که موجب می‌شد، مطالب بیش‌تری در فضایی یکسان به نگارش درآید و در مصرف پوست‌های کمیاب و گران‌قیمت گوساله و بره صرفه‌جویی شود.

بررسی هنرهای گرافیک اوایل قرون وسطا بدون اذعان به سهم منحصر به فرد ایرلند در هنر نوشتار ناقص خواهد ماند. از آن‌جا که ایرلند هیچ‌گاه بخشی از امپراتوری روم نبود، تا سدهٔ چهارم پذیرای مسیحیت و الفبای لاتین نشد و هر دو را مبلّغ مذهبی سن پاتریک به ایرلند معرفی کرد.

راهبان ایرلندی علاوه بر انتشار مذهب و فرهنگ، نسخه اونسیال و شبه اونسیال خاص خود را نیز ارائه دادند. این خطوط در *انجیل لیندسفارن* متعلق به حدود سال ۷۰۰ م و در اثربزرگی چون‌کتاب*کل‌ها* که‌یک‌سدهٔ‌بعدپدید آمد، بهترنمایان و قابل‌درک‌است.(تصاویر ۵و۶)



۵



۶

۵ـ صفحهٔ آغازین انجیل متی از *کتاب کل‌ها*. کلمات سادهٔ « liber generationis» به طرح پیچیدهٔ زیبای پرنقش و نگاری تبدیل شده است.

۶ـ تصویر دو صفحه‌ای از کتاب بزرگ *کل‌ها* که حدود سال ۸۰۰م با قلم شبه‌اونسیال ایرلندی و حروف نمایشی تزیین شدهٔ سر فصل، تهیه شده است.

## اوج قرون وسطا

اوج قرون وسطا یا دورهٔ رومانسک (رومیایی) تقریباً سال ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰م را دربرمی‌گیرد. دلیل این نامگذاری معماری یادمانی این دوره است که‌تصورمی‌رود به‌سبک‌رومی تعلق‌دارد.

جادوی قرین با هزارهٔ سلطنت مسیح و پیش‌گویی ظهور دوبارهٔ مسیح که در کتاب *مکاشفه [یوحنا]* آمده‌است، دست‌به دست هم دادندوحالتی‌از هیجان،خوش‌بینی و اشتیاق مذهبی پدید آوردند که ضمن آن کلیسای کاتولیک روم به بزرگ‌ترین نفوذ و قدرت خود رسید. این دوران، عصر ایمان، دورهٔ زیارت‌ها و نخستین جنگ‌های صلیبی بود.

این‌دوره همچنین عصر شهسواران، مسابقات پهلوانی، آوازخوانان دوره‌گرد و عشاق رمانتیک بود. جمعیت اروپا در این دوره به آرامی رو به فزونی نهاد، شهرهای جدیدی بنا شد، اتحادیه‌های صنفی تأسیس شد و کشاورزی و تجارت‌رونق‌گرفت. در سال ۱۰٦٦ م، ویلیام اهلِ نورماندی شاه هارولد و نیروهای انگلیسی را در نبرد هستینگز شکست داد و خود را پادشاه انگلستان خواند (تصویر ۷)

در اوج‌قرون‌وسطا بودکه‌نخستین دانشگاه در بولونیا به سال ۱۰۸۸م، در پاریس به سال ۱۱۵۰م ودرآکسفورد به‌سال۱۱٦۷تأسیس شد.

## هنرهای زیبا

سبک رومانسک (رومیایی) به بهترین شکل در کلیساها و دیرهایی با دیوارهای حجیم، قوس‌های کوتاه و تمام دور و طاق‌های گهواره‌ای نمود یافته است. این بناها بیش از آن‌که به مکان عبادت شبیه باشند به دژ شبیه‌اند. مدخل بسیاری از این بناها به تندیس‌های بی‌اندازه ساده از پیامبران و قدیسان مزین شده‌اند.

معدودموزاییک‌هاودیوارنگاره‌های بازمانده از این‌دوره استمرارگرایش‌های آغاز شده در اوایل قرون وسطا را نشان می‌دهند. پیکرها بیش‌تر بر اصول اوایل مسیحی / بیزانسی استوارند تا بر ماهیت مشاهده، در این دوره نیز ساخت اشیای کوچک قابل حمل ازعاج، مینا و فلزات قیمتی برای کلیساها و اشراف ادامه داشت. (تصویر ۸)




۸




۷

۷ـ پردهٔ دیوارکوب بایو(bayeux) در بزرگداشت پیروزی نورمن‌ها در جنگ هستینگز در سال ۱۰٦٦ م. در این تصویر هارولد شاه از حملهٔ قریب‌الوقوع ویلیام‌اهل نورماندی آگاه می‌شود. شهروندان انگلیسی نگران ظهور ناگهانی طالعی هستند که اینک ستارهٔ دنباله‌دار هالی خوانده می‌شود.

۸ـ لوح‌لعابی متعلق‌به حدود سال۱۱۵۰م که اغلب به جلد کتاب‌ها الصاق می‌شد.

۹ـ صفحه‌ای از یک دست نوشته که در سال ۱۰۹۰ م نزدیک سینا نگاشته و تذهیب شده است. این اثر رویکرد از سبک حروف گرد و رهای کارولنژی به سبکی زاویه‌دارتر را نشان می‌دهد.

۱۰ـ بخشی‌از یک دست‌نوشتهٔ تذهیب شدهٔ فرانسوی که راهبی (سمت چپ) در حال آموزش به کاتبی غیرروحانی، نحوهٔ استفاده از قلم پر و چاقو برای انجام تصحیحات را نشان می‌دهد.


hunc gregem. et tribue.
ut qui a terrenis abstinen
tibus. spalib; pascantur
alimoniis. et quos diuini
tribuis refici sacramentis.
ab omib; absolue pecca
tis. da eis sic in diebs ieiu
nio; suam cōponere ui
tam. ut n̄ inueniantur
uoluntates eo; a tua uo
luntate dissimiles. sed
sint semp in omnib; pre
ceptis tuis obtēperanti. p
Gloria laus & honor. Et cetera
Deus ADMISSOR
sempiterne ds qui
humano generi ad
imitandum humilitatis
exemplum. saluatorem
nrm carnē sumere et cru
cem subire fecisti. conce
de ppitius. ut et patien
tie ipsius habere docu
menta. et resurrectionis
consortia mereamur.
Per eundem dnm nrm
PASSIO DOMINI NO
STRI IHU XPISTI
S. M. MATHEU

IN ILLO TPR: Dixit
ihs discipulis suis.
Scitis quia post
biduum pasca fiet.
et filius hominis
tradetur ut cruci
figatur. Tunc con
gregati sunt prin
cipes sacerdotum
et seniores ppli in
atrium principis sacer
dotū qui dicebatur ca
yphas. et consilium fe
cerunt ut ihm dolo te
nerent et occiderent.
Dicebant autē. Non
in die festo. Ne forte
tumultus fieret in pplō.
Cum autē eēt ihs in be
thania in domo symo
nis lepsi. accessit ad eū
mulier habens alabastrū
unguenti pretiosi. et ef
fudit sup caput ipsius
recūbentis. Videntes
autē discipuli. indigna
ti sunt dicentes. Ut qd
pditio hec. Potuit eni
istud uenundari multo.

۹



۱۰

## هنرهای گرافیک

در دورهٔ رومانسک، شکل‌های گرد و باز حروف کوچک کارولنژی فشرده‌تر و زاویه‌دارتر شد. (تصویر ۹) این موضوع به ویژه دربارهٔ شمال اروپا مصداق داشت. فضای بین حروف، کلمات و سطرها نیز کاهش یافت، به طوری که صفحهٔ کاغذ تیره‌تر و متراکم‌تر به نظر می‌رسید. در مقابل، حروف نمایشی سرفصل تزیینی‌تر و گل و گیاه در آن‌ها بیش‌تر و گاه حیوانات عجیب نیز در آن جای داده‌می‌شدند.

در دورهٔ رومانسک شاهد افزایش تعداد کلیساها و دیرها و در نتیجه افزایش تهیهٔ دست‌نوشته‌ها هستیم. راهب‌ها در اتاق‌های نسخه نویسی به کار می‌پرداختند و برای دو بازار عمده کتاب تهیه می‌کردند؛ دست‌نوشته‌های مجلل برای اشراف و پادشاهان و کتاب‌های الهیات و ادعیه برای روحانیون.

در دوره‌های افزایش تقاضا برای دست‌نوشته‌ها، راهبان کاتبان غیر روحانی را به دیرها دعوت می‌کردند تا پس از آموزش در کنار آنان به‌کارپردازند. (تصویر ۱۰) همراه با از میان رفتن تدریجی انحصار کلیسا بر امر آموزش و افزایش بازار تقاضای دست‌نوشته‌های غیر دینی، بسیاری از کاتبان غیر روحانی فرصت را غنیمت شمردند و کارگاه‌هایی در نزدیکی دانشگاه‌ها و مراکز تجاری دایر کردند.

این کاتبان حرفه‌ای در پایان این دوره با استادکاران هم‌سنخ خود اتحادیه‌هایی دایر کردند و عناوین نامتعارفی چون‌تذهیب‌گر، تذهیب‌گر حروف سرفصل و طراح نقوش گیاهی را برای خود برگزیدند.

کار این کاتبان بیش‌تر مشتمل بر نگارش اسناد حقوقی، کتاب‌های درسی و حتی نگارش برخی ادعیه برای تجار، وکلاء و اشراف بود. کارگاه‌های آنان تشکیلاتی خانوادگی بود که همسران، شوهران، پسران و دختران در ادارهٔ آن مشارکت‌داشتند. شیوهٔ کار این استادکاران بسیار شبیه به کار طراحان آزاد گرافیک امروز بود که یا به

صورت کارمزدی یا به‌صورت قراردادی دستمزد دریافت می‌کردند. متأسفانه مانند امروز، برخی از این افراد تا مدت‌های طولانی دستمزدی دریافت نمی‌کردند و برخی از فقر می‌مردند.

## اواخر قرون وسطا

اواخر قرون وسطا یا دورهٔ گوتیک حدود مشخصی ندارد. بیش‌تر محققان آغاز این دوره را با احداث جایگاه همسرایان مجتمع کلیسایی سَن دنی به دست آبو سوگار در سال ۱۱۴۰ م در پاریس مقارن می‌دانند. پایان این دوره تدریجی‌تر بود و نخست از ایتالیا آغاز شد. کشوری که هیچ‌گاه این دوره را به‌درستی تجربه نکرد. سپس به فرانسه و آن‌گاه به اسکاندیناوی رسید که در این شبه جزیره نیز تأثیر آن تا سال‌های ۱۶۰۰ م پایدار ماند.

دورهٔ گوتیک افزون بر کلیساهای جامع عظیم و شکوهمند و دست‌نویس‌های تذهیب‌کاری شدهٔ خود، دورهٔ ستیز و تلاشی نیز بود. جمعیت اروپا که در دورهٔ اوج قرون وسطا رو به فزونی نهاده بود، در این دوره تثبیت شد. شاهان، بارون‌ها و لردها بر سر قدرت به نزاع با یکدیگر برخاستند و در سال ۱۲۱۵م جان، پادشاه انگلستان، ناگزیر از امضای فرمان کبیر (ماگناکارتا) شد که نخستین بار قدرت پادشاهی را محدود می‌ساخت.

جنگ‌ها با ابداع باروت مهلک‌تر شد و شوالیه‌های زره‌پوش مهجور ماندند. با گسترش شهرها و شهرستان‌ها، تجار و استادکاران قدرت اقتصادی کسب کردند و میل به دست‌گیری قدرت سیاسی نیز فزونی یافت و در این زمینه موفقیت‌های گوناگونی نیز حاصل شد. نظام فئودالی رو به زوال نهاد و غیردینی کردن آموزش همچنان ادامه یافت. هر چه حاکمیت کلیسا ضعیف‌تر می‌شد، عداوت میان نظام پاپی و قدرت پادشاهی فزونی می‌گرفت که حاصل آن انتقال مسند پاپ از رم به آوینیون در سال ۱۳۰۹ م بود.

در مناطق دیگر جهان، مغول‌ها به سرکردگی چنگیزخان قسمت‌های زیادی از خاک چین را در سال ۱۲۱۵ م به تصرف خود درآوردند. مارکوپولو در سال ۱۲۷۱ م از طریق جادهٔ ابریشم به هندوستان و چین سفر کرد و سیزده سال بعد شایع شد که پید پیپر اهل هاملن در شمال آلمان کودکان این شهر را جادو کرده است.

### هنرهای زیبا

هر قدر سبک رومانسک زمینی و ناسوتی بود، سبک گوتیک آسمانی و لاهوتی بود. برای مثال کلیساهای جامع فرانسه دارای منارهای سر به فلک کشیده، شبستان‌های بلند و برافراشته و پشت بندهای معلق بودند و سطح وسیعی از فضای بیرونی آن‌ها را پنجره‌های شیشه نگاره می‌پوشاند.

برخلاف کلیساهای رومانسک، فضاهای داخلی و خارجی کلیساهای گوتیک مزین به تندیس‌هایی از قدیسان و پیامبران و تزیینات معماری نظیر ناودان‌هایی با سر حیوانات، مانتیکورها،[14] تزیینات سه‌برگی، تزیینات جوانه‌ای و سرمناره‌ها بود. ظرافت تندیس‌ها و جسارت در ساختار از مشخصه‌های معماری گوتیک بود.[15]

دو هنرمند ایتالیایی مهم این دوره جووانی چیمابوئه[16] و دوچودی بوئونینسینا[17] هستند که آزادی جدیدی به هنر نقاشی ایتالیا بخشیدند.

دانته در *کمدی الهی* چیمابوئه را، که در فلورانس زندگی و فعالیت می‌کرد، چنین می‌ستاید: «گفته‌اند که او میدان‌دار عالم نقاشی است». شاهکار چیمابوئه به نام *سانتا ترینیتا مادونا* متعلق به سال ۱۲۸۵ م را می‌توان سرآغاز حرکت از سبک تزیینی دو بعدی بیزانسی (بنگرید به صفحهٔ ۴۶) به شیوهٔ نقاشی ناتورالیستی‌تر دانست. (تصویر ۱۱)

این گرایش در کار دوچو، نقاش سیه‌نایی، نیز مشهود است که در همین سال نقاشی *روچلاّیی مادونا* برای کلیسای فلورانس به او محول شد. (تصویر ۱۲) شاید بزرگ ترین اثر دوچو نقاشی محراب *مائستا* باشد که در سال ۱۳۱۱ م تکمیل شد و یکی از پرده‌های آن را در صفحهٔ ۴۸ می‌توان مشاهده کرد. چیمابوئه و دوچو هر یک راه را برای غلبهٔ ناتورالیسم و هنر انقلابی جوتو[18] هموار ساختند.



۱۱



۱۲

۱۱ـ تابلوی سانتا ترینیتا مادونا، که چیما بوئه آن را در سال ۱۲۸۵م نقاشی کرد، گرایش تدریجی به ناتورالیسم و دوری گزیدن از سبک بیزانسی را نشان می‌دهد.

۱۲ـ دوچو در تابلوی روچلاّیی مادونا اندام‌ها را لطیف‌تر، منحنی‌تر و ناتورالیستی‌تر نشان می‌دهد.

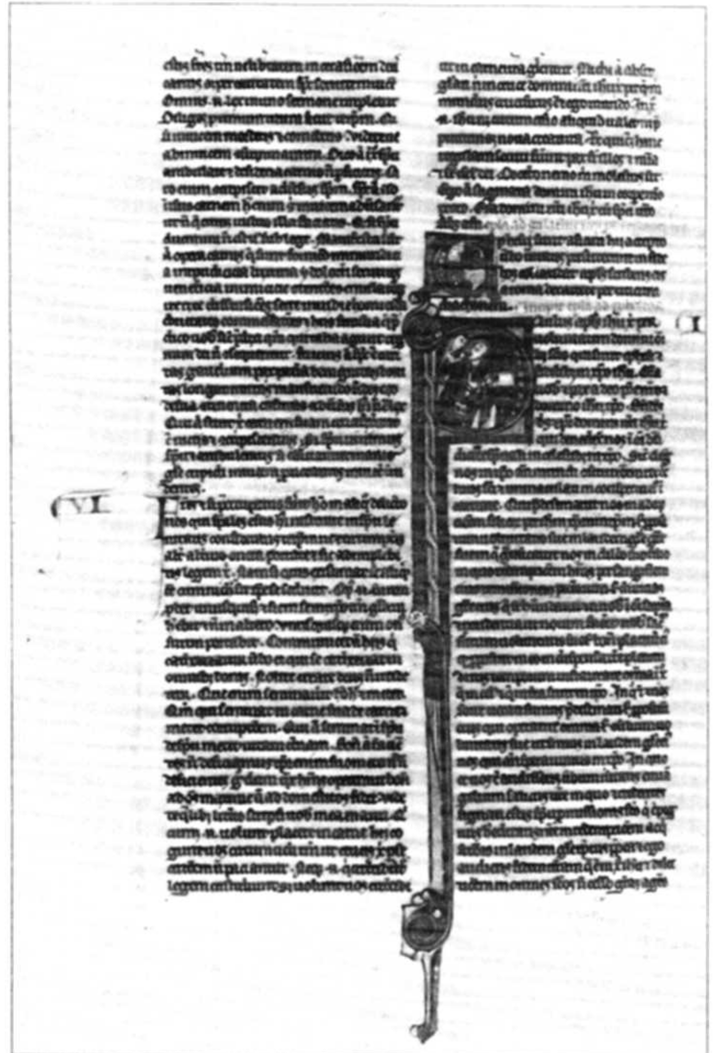
## هنرهای گرافیک

در اوایل دورهٔ گوتیک شکل حروف باریک‌تر و زاویه‌دارتر شد. این خط کتاب‌نویسی متراکم و فشرده با بالارونده‌ها و پایین رونده‌های کوتاه خود به *تکستورا* موسوم بود که از واژهٔ لاتین تکسره به معنی «بافتن» برگرفته شده بود. این‌خطرا امروزه اغلب گوتیک یا *انگلیسی‌کهن* می‌خوانند. (تصویر ۱۳) یکی از مزایای عمدهٔ تکستورا مقرون به صرفه بودن آن بود. زیرا یک نسخه از آن می‌توانست در نیمی از فضای مورد نیاز برای خط کارولنژی جای گیرد.

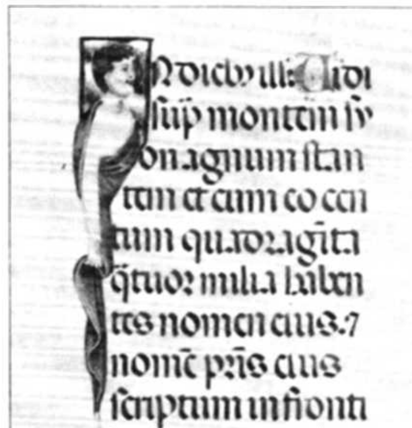
از معایب تکستورا این بود که خواندن سطرهای‌بلند را با مشکل‌مواجه‌می‌ساخت و صفحه بسیار فشرده و متراکم می‌شد. شاید به همین دلیل بود که بسیاری از کتب این دوره به شیوه‌ای دوستونی طراحی می‌شدند. ستون‌باریک نه تنها به خوانایی مطلب کمک می‌کرد که از نظر زیبایی شناسی نیز با عمود بودن شدید هنر گوتیک همخوانی داشت.

تکستورا هیچ‌گاه در ایتالیا رواج نیافت و کاتبان این کشور ترجیح می‌دادند با گونهٔ کم تراکم‌تری از گوتیک موسوم به *روتوندا* نسخه‌نویسی کنند. (تصویر ١٤)

دست‌نویس‌های گوتیک همچنان با حروف نمایشی سرفصل تزیین می‌شدند و کناره‌ها و حواشی صفحات نیز با طرح ساقه‌های مو، گیاهان ناآشنا، جانوران عجیب و انسان‌ها آذین می‌شدند. در این تصویرسازی‌ها، آدم‌ها دیگر کشیده قامت نبودند و حرکت محسوسی به سوی ناتورالیسم در این تصاویر مشاهده می‌شد. این گرایش بر طراحی اولین پنجره‌های شیشه نگارهٔ کلیساها و کلیساهای جامع تأثیر شدیدی گذاشت. (تصویر ١٥) اما با گذشت زمان این روند معکوس شد؛ هر چه این پنجره‌ها به سوی ناتورالیسم غنی‌تر سوق می‌یافتند، به نوبه خود مسیر تصویرسازی دست نوشته‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دادند.



۱۳




۱۴

۱۳ـ دست نوشته‌های تذهیب شده، که با شکل حروف زاویه‌دار کم‌عرض موسوم به تکستورا نوشته شده‌اند، بیش‌تر گوتیک یا انگلیسی کهن خوانده می‌شوند.

١٤ـ بخشی از دست نوشته‌ای که با شیوهٔ گوتیک گردتری موسوم به روتوندا نوشته شده است و مورد پسند ایتالیایی‌ها واقع شد.



## تاریخچه کاغذ

*ابداع کاغذ موجب پیدایش چاپ و چاپ موجب رواج کاغذ شد. واژهٔ کاغذ (paper در زبان انگلیسی) برگرفته از واژهٔ یونانی پاپیروس به معنای «نی» است که مصریان، یونانیان و رومیان اولیه از آن سطحی برای نوشتار پدید آوردند.*

*ابداع کاغذ چنان که می‌دانیم به فردی چینی به نام تسائی لون در سال ۱۰۵ م نسبت داده می‌شود. کاغذی که وی در آن زمان ساخت از انواع الیاف گیاهی نظیر پوست درخت توت، خیزران، ابریشم، پنبه، کتان و رسن تهیه شده بود.*

*الیاف کوبیده می‌شدند تا به شکل خمیر درآیند و در محفظه‌ای بزرگ با آب درآمیخته شوند. سپس قالب میان تهی روزنه‌دار آبکش مانندی در این محفظه فرو برده می‌شد که پس از بیرون آوردن از درون محفظه، آب آن خارج می‌شد و لایه‌ای از الیاف از آن برجا می‌ماند. این لایه هنگامی که از قالب جدا و خشک می‌شد، به ورق کاغذ مبدل می‌گشت.*

*در سال ۷۵۱ م چند کاغذساز چینی که به اسارت مسلمانان درآمده بودند، حرفهٔ کاغذسازی را به سمرقند در آسیای مرکزی منتقل کردند. مسلمانان نیز به نوبه خود این حرفه را در سال ۱۱۵۰ م به اسپانیای مسلمان‌معرفی کردند. این‌حرفه از اسپانیا به سراسر اروپا انتقال یافت. نخستین کارگاه‌های کاغذسازی در سال ۱۱۸۹ م در فرانسه، سال ۱۲۷۶ م در فابریانوی ایتالیا و سال۱۳۹۱م در آلمان تأسیس شدند. در این هنگام صدسال به تأسیس نخستین کارگاه کاغذسازی در انگلستان و سیصد سال به تهیه کاغذ در پنسیلوانیا باقی مانده بود.*



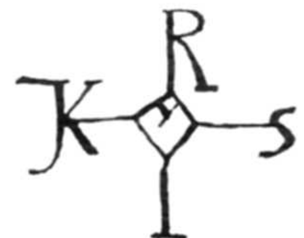
۱۵

۱۵ـ تصویر متو شالح از اجداد حضرت مسیح(ع) از مجموعهٔ پنجره‌های شیشه نگارهٔ کلیسای جامع کانتربری. هنرمندان این قبیل پنجره‌ها در ابتدا از تصویرسازی‌های دست‌نوشته‌ها متأثر بودند اما به زودی سبک خاص خود را به تکامل رساندند.

## وقایع و اشخاص

**وقایع تاریخی**

**۵۱۱ـ** مرگ کلوویس، پادشاه فرانک ها.
**۵۲۷ـ** آغاز فرمانروایی ژوستینین بر امپراتوری بیزانس.
**۵۲۹ـ** بنیانگذاری فرقه بندیکتین.
**۵۳۲ـ** آغاز بنای بازیلیکای سن سوفیا در کنستانتینوپل (قسطنطنیه).
**۵۵۰ـ** سن دیوید ولز را مسیحی کرد.
**۵۷۰ـ** تولدحضرت‌محمد(ص) پیامبراسلام.
**۵۹۷ـ** سنت. آگوستین اهل کانتربری انگلستان را مسیحی کرد.
**٦۰۰ـ** پاپ گره گوری اول مناجات گرگورین را سرود.
**٦۲۲ـ** هجرت یا عزیمت حضرت محمد (ص)از مکه به مدینه. نخستین سال تقویم اسلامی.
**٦۳۲ـ** وفات حضرت محمد (ص).
**٦۳۷ـ** مسلمانان اورشلیم را فتح کردند.
**٦٤۲ـ** اعراب ۳۰۰۰۰طومار کتابخانهٔ اسکندریه را نابود کردند.
**۷۰۰ـ** کاربرد زبان یونانی به جای لاتین در امپراتوری مقدس شرقی.
**حدود۷۰۰ـ** نگارش منظومهٔ پهلوانی بیوولف به انگلیسی کهن.
**۷۱۲ـ** مسلمانان سویل را در اسپانیا فتح کردند.
**۷۳۲ـ** مقاومت‌شارل‌مارتل دربرابرپیشروی قوای مسلمان در شهر های تور و پواتیه.
**۷۳۵ـ** درگذشت‌بیده‌مقدس.
**۷۹۰ـ** عصر طلایی یادگیری عربی.
**۸۰۰ ـ** تاج گذاری امپراتور شارلمانی.
**۸۱٤ ـ** احداث قصر دوجه در ونیز.
**۸۵۱ ـ** آغاز استفاده از کمان زنبورکی (پولادی) در فرانسه.
**۸٦۱ ـ** وایکینگ‌ها ایسلند را کشف کردند.
**۸۷۱ ـ** تاجگذاری آلفرد کبیر در انگلستان.
**۹۰۰ـ** وایکینگ‌ها گرینلند را کشف کردند.
**۹۳۹ـ** بازپس‌گیری مادرید از مسلمانان.
**۹٦۲ـ** اوتوی کبیر با عنوان امپراتور مقدس روم تاج‌گذاری کرد.



**مهر شارلمانی**

**۱۰۰۰ـ** هزاره. ادعای لایف اریکسون مبنی بر کشف امریکا.
**۱۰۱٦ـ** شکست دینز از اتلرد و تسلط او بر انگلستان.
**۱۰۲٦ـ** گوئیدو د آرتزو شیوهٔ سلفژ دو، ره، می را معرفی کرد.
**۱۰٤۰ـ** قتل دانکن به دست مکبث.
**۱۰۵۰ـ** تعیین ارزش‌های زمانی برای نت های موسیقی.
**۱۰۵۷ـ** قتل مکبث به دست مالکوم.
**۱۰٦٦ـ** نبرد هستینگز و تاج گذاری ویلیام فاتح در انگلستان.
**۱۰۷۸ـ** آغاز بنای برج لندن.
**۱۰۸٦ـ** تألیف کتاب ثبت املاک انگلستان.
**۱۰۹٤ـ** تکمیل بنای کلیسای جامع سن مارکو در ونیز.
**۱۰۹۵ـ** آغاز نخستین جنگ صلیبی در اورشلیم.
**۱۱۲۳ـ** درگذشت عمر خیام، شاعر ایرانی.
**۱۱۲۵ـ** ظهور موسیقی تروبادور و ترووره در فرانسه.
**۱۱٤٤ـ** شکست دومین جنگ صلیبی.
**۱۱۵۰ـ** مورها در اسپانیا کاغذ را تولید کردند.
**۱۱۵۱ـ** استفادهٔ چین از مواد منفجره در جنگ.
**۱۱۵۵ـ** بنیانگذاری فرقه کارملیت.
**۱۱٦۳ـ** احداث کلیسای نتردام پاریس.
**۱۱٦۷ـ** تولد چنگیزخان بنیان گذار امپراتوری مغول.
**۱۱۷۰ـ** قتل توماس آ. بکت در کلیسای جامع کانتربری.
**۱۱۷۰ـ** نگارش کتاب *لانسلو* اثر شرتین دوترویس.
**۱۱۷٤ـ** احداث برج کج پیزا.
**۱۱۷۸ـ** احداث پل آوینیون.
**۱۱۸۵ـ** نگارش *تریستان و ایزولد*.
**۱۱۸۹ـ** تاج گذاری ریچارد شیردل در انگلستان.
**۱۲۰۰ـ** تأسیس دانشگاه کیمبریج.
**۱۲۰۲ـ** چهارمین جنگ صلیبی.
**۱۲۱۱ـ** یورش چنگیزخان به چین.
**۱۲۱٤ـ** تولد راجر بیکن.
**۱۲۱۵ـ** صدور فرمان کبیر (ماگنا کارتا) از سوی جان، پادشاه انگلستان.
**۱۲۱٦ـ** شکل‌گیری راهبان دومنیکن.
**۱۲۱۸ـ** چنگیزخان ایران را فتح کرد.
**۱۲۲۱ـ** ظهور غزل‌واره در ایتالیا.
**۱۲۲۷ـ** مرگ چنگیزخان و تقسیم امپراتوری مغول بین سه فرزند و نوه‌های او.
**۱۲٤۰ـ** رواج‌فرم موسیقی چندصدایی (motet).
**۱۲۵۵ـ** امپراتوری قوبلای خان در چین. توماس آکویناس قدیس *مباحث* حکمت *الهی* را نگاشت.

**۱۲۷۱ـ** سفر مارکوپولو به چین و دیدار او با قوبلای خان.
**حدود ۱۲۸۵ـ** ظهور پید پایپر، ساحرهٔ هاملن.
**۱۲۹۰ـ** ابداع عینک.
**۱۲۹۱ـ** آخرین جنگ صلیبی.

**ادبیات**
راجر بیکن (حدود۱۲۱٤ـ ۱۲۹٤)
عمر خیام (دههٔ ۱۲۲۰)
توماس آکویناس قدیس (۱۲۲۵ـ۱۲۷٤)
مارکوپولو (حدود۱۲۵٤ـ حدود۱۳۲٤)

**موسیقی**
آدام دولا هال (حدود۱۲۳۰ـ ۱۲۸۸)

**هنرهای زیبا**
برنارد گیلدن (دههٔ ۱۰۹۰)
جیزله برتوس (دههٔ ۱۱۳۰)
بونو اهل پیزا(دههٔ ۱۱۸۰)
نیکولا پیزانو (۱۲۲۰ـ ۱۲۸٤)
ویلار دو هونه کورت (دههٔ ۱۲۳۰)
جووانی چیمابوئه (حدود۱۲٤۰ـ ۱۳۰۲)
جوانّی پیزانو (۱۲٤۵ـ ۱۳۱٤)
دوچو دی بوئونین سه نیا (۱۲۵۵ـ ۱۳۱۹)
پیترو کاوالینی (۱۲۷۳ـ ۱۳۰۸)
ژان پوسل (دههٔ ۱۳۲۰)


مادونا و نوزاد به سبک بیزانسی، اثر هنرمند گمنام سدهٔ سیزدهم.

## ۱۳۰۰ ـ ۱۴۰۰
## اوایل رنسانس

گرچه سیطرهٔ آرمان‌ها و رسومات اواخر قرون وسطا در بیش‌تر نقاط اروپا ادامه داشت اما این روند در حدود سال ۱۳۰۰ م در ایتالیا با تجلی روح انتقادی جدید به سستی گرایید و تأکید از دنیای قدسی و آن جهانی بر دنیای فردی و طبیعی نهاده شد.

گروهی از محققان موسوم به اومانیست‌ها (انسان‌گرایان) آغازگر این شیوهٔ جدید بودند. این گروه، برخلاف روحانیون قرون وسطا، فاقد پای‌بندی‌های مذهبی بودند. این محققان خود را در مطالعهٔ آثار کلاسیک یونان و روم غرقه ساختند تا قابلیت اندیشیدن و نوشتن همانند این قدما را کسب کنند. گرچه آنان به ایتالیایی سخن می‌گفتند اما زبان ادبی‌شان که مقالات، اشعار، نوشته‌های تاریخی و نمایشنامه‌های خود را با آن می‌نوشتند، لاتینی بود.

پژوهش‌ها و مطالعات اومانیست‌ها برای رستگاری روح‌شان نبود بلکه به خاطر دانش و معرفت و تکوین نفس خود بود. آنان که آموزگاران دانشگاه‌ها و مدارس غیردینی بودند، به اشاعهٔ روح اومانیستی یاری رساندند و راهگشای رنسانس یا باززایی و شکوفایی ادبیات، هنر و علم شدند.

در اوایل رنسانس بود که برخی از نویسندگان و شعرا برای بیان آرای خود از زبان ایتالیایی به جای لاتینی استفاده کردند. خلق آثار ادبی به زبان بومی حس و حال تازه‌ای به این آثار بخشید. دانته آلیگیری در ایتالیا بزرگ‌ترین منظومهٔ مذهبی خود *کمدی الهی* را نوشت. پترارک (فرانچسکو پترارکا) غزلیات عاشقانه خود را برای لائورا سرود و جووانی بوکاچیو داستان‌های طنزآمیز و مستهجن *دکامرون* را نوشت. (تصویر ۱) گئوفری چاسر متأثر از نویسندگان ایتالیایی شاهکار انگلیسی خود *قصه‌های کانتربری* را نوشت.

در همین سده طاعون که اغلب «مرگ سیاه» خوانده می‌شود، اروپا را به‌نابودی کشاند. در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۷ م تقریباً بیش‌از چهل درصد از جمعیت اروپا یعنی بیست و پنج میلیون نفر جان باختند.

در این دوره در نظام پاپی کشمکش ادامه داشت. فرانسوی‌ها پاپ خود را برگزیدند و در سال ۱۳۰۹ م مقر پاپ از رم به آوینیون در جنوب فرانسه انتقال یافت. پس از بازگشت دوبارهٔ مقر پاپ به رم در سال ۱۳۷۸ م دوران تفرقه بزرگ (۱۳۷۸ ـ ۱۴۱۷) فرارسید که ضمن آن پاپ‌های فرانسوی و ایتالیایی برای حاکمیت بر کلیسا با یکدیگر به مبارزه برخاستند.




۱

۱ـ بخشی از دیوار نگارهٔ آندره‌آ دا فیرنزا که چند چهرهٔ مشهور اوایل رنسانس را نشان می‌دهد: چیمابوئه(۱)، جوتو(۲)، بوکاچیو(۳)، و پترارک(۴).

## هنرهای زیبا

روحی که الهام‌بخش اومانیست‌ها شد، بر هنرهای تجسمی نیز اثر گذاشت. در عالم نقاشی، جوتودی بوندونه نخستین هنرمندی بود که تصاویر سه بعدی و زنده نما با فضاهای عینی خلق کرد. (تصویر ۲) این خصوصیت در دیوارنگارهٔ جوتو به نام *سوگواری بر جنازهٔ* مسیح در نمازخانهٔ آرنا در شهر پادوا بهتر مشهود است. اختلاف آشکاری میان شیوهٔ طبیعت‌گرایانه جوتو با کار نقاشان همدورهٔ او نمایان است. این هنرمندان به یکی از دو شیوهٔ بیزانسی یا گوتیک کار می‌کردند. (تصویر ۳)

جوتو همچنین شیوهٔ‌روایی نوآورانه‌ای را در نقاشی مطرح ساخت. او با ثبت لحظات اثرگذار و نشان دادن شخصیت‌های آشنا، به وقایع انجیلی جنبهٔ انسانی داد.

جوتو بسیار جلوتر از زمانهٔ خود بود، به طوری که چند نسل از هنرمندان وقت خود را صرف شناخت و درک کامل دستاوردهای او کردند. بسیاری از هنرمندان وجوه و جنبه‌های هنر جوتو را وام گرفتند و آن را با سبک گوتیک معاصر آن دوره درآمیختند. این موضوع در آثار هنرمندانی چون سیمونه مارتینی، تادئو گادی، برناردو دادی، جنتیله دافابریانو و لورنزو موناکو بهتر دیده می‌شود.

دوهنرمند فرانسوی شایان ذکر این دوره، ژان دوبوندل و ژان پوسل، دستاوردهای عمده‌شان در زمینهٔ تذهیب دست‌نوشته‌ها و طراحی فرشینه‌ها بود.



۲



۳

---

۲ـ *سوگواری بر جنازهٔ* مسیح اثر جوتو در سال ۱۳۰۶ م. جوتو در این اثر با معرفی اندام‌های زنده‌نما و احساسی‌تری که در فضای واقعی نشان داده شده بودند، باب تازه‌ای در عالم نقاشی گشود.

۳ـ *سوگواری بر جنازهٔ* مسیح اثر دوچو در سال ۱۳۱۱ م. تابلوی دوچو در مقایسه با اثر جوتو، همچنان بازتاب سبک محافظه‌کارانه‌تر بیزانسی است.

## هنرهای گرافیک

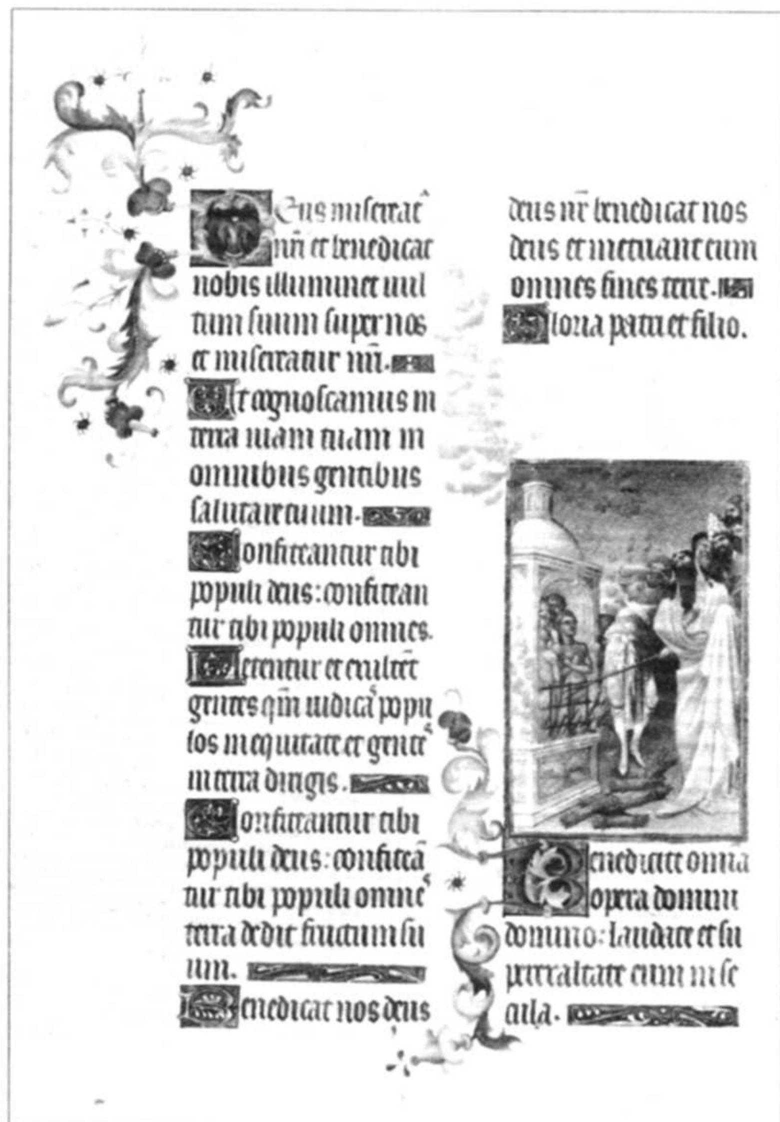
طراحان گرافیک حق بزرگی بر گردن اومانیست‌ها دارند، زیرا خالق خطی‌بودند که الگوی حروف‌کوچک قرار گرفت. این خط حاصل اشتیاق اومانیست‌ها به یافتن و نسخه‌برداری از دست‌نویس‌های کهن نویسندگان کلاسیک محبوب خود بود. اومانیست‌ها مجذوب دست‌خط واضح و باز این دست نویس‌ها شدند و گمان کردند که این نسخه‌ها در دورهٔ روم نوشته شده‌اند. اما واقعیت آن بود که دست‌نویس‌های مورد ستایش آنان بیش‌تر به دورهٔ کارولنژی متعلق بودند و خط این طراحان که آن را اومانیستی می‌خوانیم، برگرفته از خط کارولنژی بود. (بنگرید به صفحهٔ ۳۹)

در کنارخط اومانیستی که پیش‌از هرچیز برای نسخه‌برداری از متون به کار می‌رفت، خط سریع و روان‌تری موسوم به *شکستهٔ اومانیستی* نیز برای انجام امور نگارشی روزمره به تکامل رسید، (بنگرید به صفحهٔ ۷۲) اما هنوز زمان زیادی از رواج این دو خط اومانیستی نگذشته بود که خطی به شیوهٔ گوتیک موسوم به «روتوندا» جای آن‌ها را گرفت و این دو خط را از میان برداشت.

در نهایت چنان‌که خواهیم دید، این دو خط اومانیستی برای نخستین حروف چاپی واقعی رومن و ایتالیک الگو واقع شدند.

در فرانسه و اروپای شمالی، که همچنان سبک اواخر گوتیک غالب بود، هنر تذهیب‌سازی دست‌نوشته‌ها به اوج خود رسید. در این نواحی حامیان ثروتمند کتب مذهبی و ادعیه سفارش می‌دادند و هنرمندان بزرگ با رنگ مادهٔ تخم‌مرغی، گواش و شکل اولیه‌ای از رنگ روغن بر روی آن‌ها کار می‌کردند.

تصویرسازی‌ها دیگر در حاشیه نبودند بلکه اغلب کل صفحات را اشغال می‌کردند و با همان دقت و حوصلهٔ نقاشی‌های روی تخته یا نقاشی‌های پشت محراب کار می‌شدند، شاید ظریف‌ترین و به طور حتم مشهورترین این آثار *ارزشمندترین ساعات* باشد که به سفارش ژان، دوک دو باری، برادر شارل پنجم پادشاه فرانسه کار شد. (تصویر ٤) این کتاب بیش از آن‌که متنی برای مطالعه باشد، اثری هنری و وسیله‌ای برای مداقهٔ مذهبی بوده است. در این اثر، حامی و هنرمند تا حد خدا فرابرده شده‌اند.



۴

٤ـ ارزشمندترین ساعات که ژان، دوک‌دو باری، آن را سفارش داد و سه برادر لیمبورگ آن را به تصویر کشیدند، نمونه‌ای عالی از هنر کتاب سازی فرانسه در دورهٔ اواخر گوتیک است. توجه داشته باشید ستون‌ها و شکل‌های حروف کم‌عرض چگونه بر عمود بودن شدید، مشخصهٔ اصلی هنر و معماری گوتیک، تأکید دارند. افزون بر این، گرایش شدید به واقع‌گرایی در این تصویرسازی‌ها، عاملی بود که بر نقاشی فلاندری تأثیر گذاشت.

از قضای روزگار دوک دو باری و هنرمندان این اثر یعنی سه برادر لیمبورگ همگی با شیوع دوبارهٔ مرگ سیاه در سال ۱۴۱۶ م جان سپردند و ارزشمندترین ساعات ناتمام ماند.

در عصری که معدودی از افراد توانایی خرید دست‌نویس‌های تذهیب شده را داشتند، تقاضا برای تصاویر ارزان قیمت چون یادگاری‌های قدیسان افزایش یافت. (تصویر ۵) و در پاسخ به این تقاضا چاپ چوبی رواج یافت. (تصویر ۶) ماشین چاپ چوبی در کنار افزایش تولید کاغذ و ابداع مرکب‌های روغنی زمینه را برای تجربیات گوتنبرگ در سدهٔ بعد فراهم کرد. (بنگرید به صفحهٔ ۵۱)



۵

۵ـ شکل پرکارتر این نوع باسمه‌های چوبی، کتاب لوحی بود که صفحات منفرد آن پس از چاپ با لوح به هم دوخته می‌شد تا به صورت کتاب درآید. *انجیل تهیدستان* (Biblia Pauperum) نمونه‌ای از این کتاب‌ها است.

۶ـ بخشی از *تک چهرهٔ یک زن هبه کننده*[۱۹] که در سال ۱۴۵۵ م پتروس کریستوس آن را نقاشی کرده است. در این اثر باسمهٔ چوبی ارزان‌قیمتی از تصویر سن کاترین اهل مجارستان دیده می‌شود که همچون شمایل به دیوار نصب شده است.



۶



نخستین باسمهٔ‌چوبی که تاریخ آن در لوح کنده شده است. سن‌کریستوفر، سال ۱۴۲۳م.

## چاپ چوبی

چاپ چوبی در چین آغاز شد. این روش نخستین بار پیش از آن‌که در دورهٔ مسیحی نقوش روی پارچه حک شوند، به کار گرفته می‌شد. با این روش، گام کوچکی در چاپ تصاویر روی کاغذ برداشته شد. گرچه نخستین چاپ نقش‌های چوبی بازمانده بر کاغذ، طومار دیاموند سوترا (تصویر زیر) متعلق به سال ۸۶۸ م است، اما احتمال می‌رود این هنر ازحدود سال ۷۰۰م شروع شده باشد.

اولین چاپ نقش‌های چوبی در اروپا ششصد سال بعد کمی پس از پیدایش فرایند کاغذسازی به ظهور رسیدند. اولین چاپ نقش‌ها کارت‌های بازی یا یادگارهای تک برگی از قدیسان پشتیبان بودند که در زیارتگاه‌ها فروخته می‌شدند (تصویر کناری). در واقع این چاپ نقش‌ها را شاید بتوان معرف نخستین نمونه‌های هنر گرافیک مردم پسند به شمار آورد.

چاپ نقش‌ها به دو نحو تهیه می‌شدند؛ قراردادن ورق کاغذ بر کلیشهٔ چوبی مرکب خورده و مالش آن با ابزار پرداخت کننده‌ای شبیه قاشق چوبی یا قراردادن کلیشه در دستگاه چاپ و سفت کردن پیچ آن برای ایجاد فشار.




دیاموند سوترا، کهن‌ترین نمونهٔ بازمانده از باسمه‌های چوبی. چین، سال ۸۶۸ م.

## وقایع و اشخاص

### وقایع تاریخی

**۱۳۰۰ـ** اجرای وسیع مادریگال‌ها.
**۱۳۰۵ـ** جوتو دیوارنگاره‌های سقف (کلیسای) آرِنا در پادوا را نقاشی کرد.
**۱۳۰۶ـ** تاج گذاری رابرت د. بروس پادشاه اسکاتلند.
**۱۳۰۷ـ** نگارش *کمدی الهی* اثر دانته.
**۱۳۰۹ـ** تغییر مقر پاپ به آوینیون.
**۱۳۱۵ـ** استقرار صنعت ابریشم در لیون.
**۱۳۲۱ـ** مرگ دانته هنگام تبعید در راونا.
**۱۳۲۳ـ** تقدس یافتن توماس اکویناس مقدس.
**۱۳۲۷ـ** دیدار پترارک با لائورا.
**۱۳۳۷ـ** مرگ جوتو.
**۱۳۴۸ـ** انتشار مرگ سیاه (طاعون) در اروپا.
**۱۳۵۳ـ** نگارش *دکامرون* اثر بوکاچیو.
**۱۳۵۶ـ** بلک پرینس فرانسه را در پواتیه شکست داد.
**۱۳۶۰ـ** تصنیف *مس نوتردام* اثر گیوم دوماشو.
**۱۳۶۲ـ** نگارش منظومهٔ پیرز پلومن اثر لانگلند.
**حدود۱۳۶۹ـ** آغاز بنای (زندان) باستیل در پاریس.
**۱۳۷۵ـ** استقبال از داستان رابین هود.
**۱۳۷۸ـ** انتقال دوبارهٔ مقر پاپ به رم. تفرقه بزرگ درکلیسا و انتخاب دو پاپ.
**۱۳۸۰ـ** آغاز نگارش *قصه‌های کانتربری* اثر چاسر.
**۱۳۸۱ـ** شورش رعایای انگلیس.
**حدود۱۳۹۷ـ** تولد گوتنبرگ.

### ادبیات

دانته الیگیه ری (۱۲۶۵ـ ۱۳۲۱)
پترارک (فرانچسکو پترارکا) (۱۳۰۴ـ ۱۳۷۴)
جووانی بوکاچیو (۱۳۱۳ـ ۱۳۷۵)
ویلیام لانگلند (۱۳۳۲ـ ۱۴۰۰)
جفری چاسر (۱۳۴۰ـ ۱۴۰۰)

### موسیقی

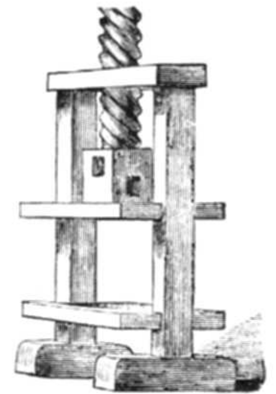
گیوم دو ماشو (۱۳۰۰ـ ۱۳۷۶)

### هنرهای زیبا

جوتو دی بوندونه (حدود ۱۲۶۶ـ حدود ۱۳۳۷)
پیترو لورنزتی (حدود ۱۲۸۰ـ حدود ۱۳۴۸)
سیمونه مارتینی (۱۲۸۳ـ حدود ۱۳۴۴)
آندره آ پیزانو (۱۲۹۰ـ حدود ۱۳۴۸)
تادئو گادی (۱۳۰۰ـ ۱۳۶۶)
اورکانیا (آندره آ دی یکونه) (۱۳۰۸ـ حدود ۱۳۶۸)
برناردو دادی (۱۳۱۲ـ حدود ۱۳۴۸)
آمبروجو لورنزتی (۱۳۱۷ـ ۱۳۴۸)
لیپو ممی (۱۳۱۷ـ ۱۳۴۷)
آندرهآ دا فیرنزه (۱۳۲۰ـ حدود ۱۳۷۷)
مازو دی بانکو (دههٔ ۱۳۴۰)
ژان دو بوندول (۱۳۴۸ـ ۱۳۶۸)
جنتیله دا فابریانو (۱۳۷۰ـ حدود ۱۴۲۷)
لورنزو موناکو (۱۳۷۰ـ ۱۴۲۲)
جووانی دا میلانو (۱۳۷۰ـ ۱۴۲۷)
برادران لیمبورگ (۱۳۸۰ـ ۱۴۱۶)




ورق‌بازی‌فرانسوی، حدودسال ۱۴۵۰م



ماشین چاپ پیچی.



دانته اثر جوتو.



ورق‌بازی فرانسوی،حدودسال ۱۴۵۰م

## ۱۴۰۰ ـ ۱۵۰۰
## رنسانس و چاپ

سدهٔ میان ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰م شاهد شکوفایی رنسانس بود. فلسفه و تعلیمات اومانیستی از شمال به‌سراسر اروپا راه‌یافت و به تدریج جایگزین نگرش قرون‌وسطایی شد. پذیرش اومانیسم به ویژه در دانشگاه‌ها و دیگر مراکزآموزشی رو به‌فزونی نهاده بود. اختراع چاپ و استفاده از حروف چاپی متحرک، که تاریخچهٔ دور و درازی را پشت‌سر گذاشته بود، به این پیشرفت کمک کرد.

این دوره در ایتالیا دورهٔ رقابت‌های سخت تجاری و آشفتگی سیاسی بود. دولت‌شهرهای بسیار رقابت طلب فلورانس، میلان، ونیز، پیزا و سیه‌نا در این دوره برای کسب قدرت و اعتبار به جدال با یکدیگر برخاستند. این آشفتگی سیاسی منجر به اتحاد ناپایدار این دولت‌شهرها و رشد حکومت‌های خودکامه شد. (تصویر ۳)

علی‌رغم این‌آشفتگی، روح اومانیستی همچنان سرزنده و شاداب بود و هنر دوران رونق خود را می‌گذراند. یکی از عوامل و نیروهایی که به این وضع یاری رساند، حمایت خانواده‌های ثروتمندی چون خانوادهٔ مدیچی در فلورانس (تصویر ۳)، خانوادهٔ اسفورتزا در میلان و خانوادهٔ استه در فرارا بود. از جمله حامیان روحانی مهم این دوره پاپ نیکولاس پنجم، پاپ پیوس دوم و پاپ الکساندر ششم بودند.

این سده شاهد نخستین حرکت به سوی ادبیات ملی بود. با این‌حال مضمون اصلی این آثار اغلب نگرشی قرون وسطایی داشت. در سال ۱٤۱٥ م توماس آ کمپیس عارف فلاندری، اثر پرطرفدار و الهام‌بخش خود *تقلید مسیح* را آفرید. سباستین برانت، اومانیست آلمانی، در سال ۱٤۹٤ م داستان نمادین *کشتی ابلهان* را نوشت و ضعف و عیوب دورهٔ خود را به هجو کشید.

در فرانسه، فرانسوا ویون اشعاری با مضمون عشق و اعتراض سرود و همزمان با او سرتوماس مالوری در انگلستان، نخستین حماسهٔ منثور انگلیسی را با نام *مرگ آرتور* تألیف کرد که برگرفته از افسانه‌های آرتور شاه و سواران میزگرد بود.

در نیمهٔ دوم این سده، ترکان عثمانی راه‌های تجارت زمینی به هند و شرق دور را بستند و ملل تاجر پیشه ناگزیر از جست‌وجوی مسیرهای دریایی شدند. از این لحظه، اروپا عصر بزرگ اکتشاف و گسترش را تجربه کرد.

در سال ۱٤۹۲ م کریستف کلمب کوشید با عبور از اقیانوس اطلس به هند برسد اما در عوض امریکا را کشف کرد. (تصویر ۱) پنج سال بعد، واسکودوگاما کاشف پرتغالی با دور زدن افریقا به هند رسید. در این هنگام، اروپای رنسانس افق‌های پهناوری را پیش‌روی خود می‌دید.

در پایان این‌سده، پادشاهی‌های‌قرون وسطای اروپا زمینهٔ مساعدی برای تبدیل شدن به دولت‌ملت‌های نوین یافتند. در اسپانیا، فردیناند و ایزابلا آخرین‌مورهای مسلمان را بیرون راندند و کشور خود را به اتحاد رساندند. پایان گرفتن جنگ صدساله در فرانسه ادعای انگلستان را دربارهٔ تاج و تخت این کشور به اتمام رساند و پادشاهان فرانسه به‌فکر وحدت قلمروهای خود افتادند.

خاندان هاپسبورگ با تصرف نواحی اتریش آلمان و برقراری پیوندهای زناشویی در این نواحی، امپراتوری خود را بنا نهادند. در انگلستان، هنری هفتم سلسلهٔ تودور را بنیان نهاد و فرزندش هنری هشتم رفته رفته کشور انگلستان را به قدرتی جهانی مبدل ساخت.

عصرفئودالی به‌سر رسید و اروپای نوین پا به‌عرصه وجود گذاشت. اختراع چاپ با استفاده از حروف‌چاپی متحرک که به دست گوتنبرگ انجام گرفت، شیوه‌های تفکر و آموزش را دگرگون ساخت. از جملهٔ نتایج



پاپ الکساندر ششم






۱

۲



۳

۱ـ کریستف *کلمب* اثر سباستیانو دل پیومبو.
۲ـ نقشهٔ دولت شهرهای مهم ایتالیا و قلمرو آن‌ها در ایتالیای دورهٔ رنسانس.
۳ـ بخشی از یک دیوارنگاره اثر دومنیکو گیرلاندایو که لورنزو دومدیچی را میان دو تن از اعیان فلورانس از خاندان ساستی نشان می‌دهد. لورنزو که به شکوهمند شهره بود، دولتمرد، شاعر و حامی هنر بود.

آن افزایش سواد، نشر دانش و یکسان‌سازی شکل حروف و املای کلمات بود.

گوتنبرگ صنعتی جدید و منحصر به‌فرد آفرید، زیرا این نخستین بار بود که از اجزای متحرک (قطعات حروف چاپی) در این صنعت استفاده می‌شد و همین امر راه را بر فنون آتی تولید انبوه هموار ساخت. افزون بر این، گوتنبرگ با تولید کتاب بدون در نظر داشتن خریدار خاص بازاریابی انبوه را نیز پیشاپیش باب کرد.

### هنرهای زیبا

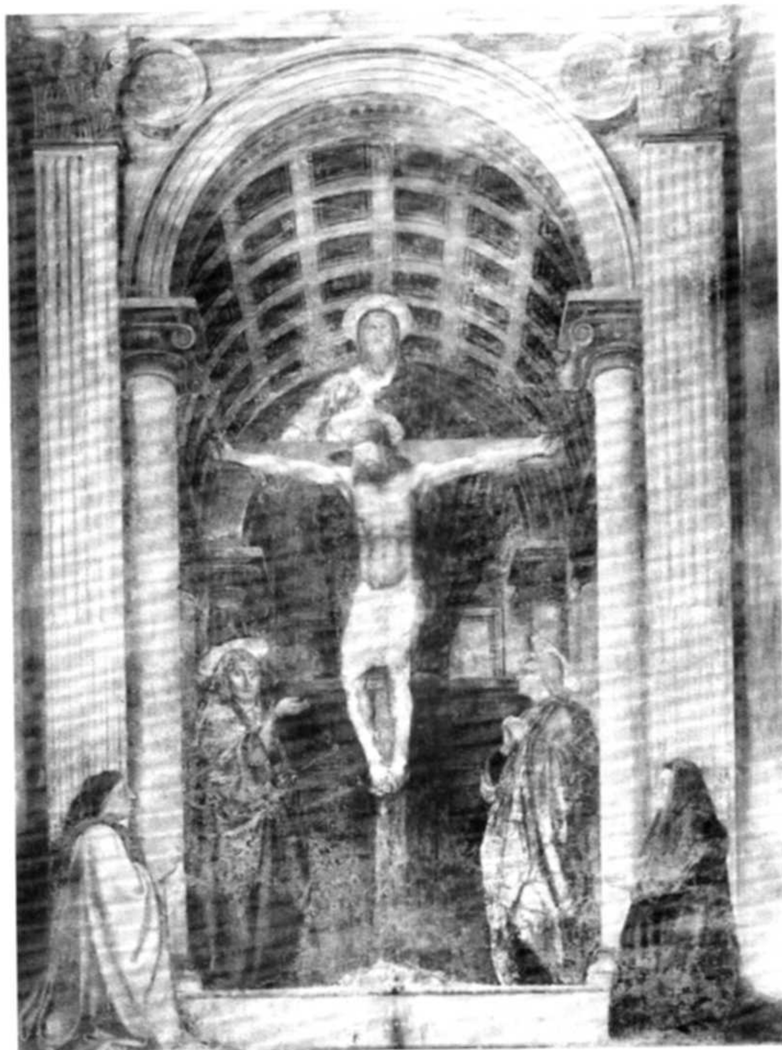
سال‌های ۱٤۰۰م شاهدموج عظیمی از خلاقیت بود. افزایش دانش کالبدشناسی، پرداخت شکل‌ها با سایه و روشن (کیاروسکورو) و درک به دست آمده از پژوهش‌های فیلیپو برونلسکی و نوشته‌های لئونه باتیسا آلبرتی دربارهٔ پرسپکتیو گرایش به واقعگرایی را در فلورانس پدید آورد.

این سه دگرگونی مهم همگی در آثار ماساچو (تومازو گوئیدی) نمایان است. او متأسفانه در سال ۱٤۲۸ م در ۲۷ سالگی درگذشت (تصویر ٤) اما تأثیر شدیدی بر دیگر هنرمندان ایتالیایی نظیر پائولو اوچللو، آندره‌آ دل کاستیانو و پیرو دلا فرانچسکا گذاشت.

از جمله‌هنرمندان مهم ایتالیایی نیمهٔ دوم این‌سده لئوناردوداوینچی جوان (تصویر ۵)، ساندرو بوتیچلی (تصویر ۷)، آندره‌آ دل وروکیو و خانوادهٔ ونیزی بللینی بودند.

در فلاندرز، کار با رنگ‌های روغنی ابزار بیانی کاملاً تازه‌ای در اختیار نقاشان قرار داد. تا این زمان، نقاشان یا باید به سبک دیوارنگاره‌ها بر دیوارهای گچی یا با رنگ‌مادهٔ تخم‌مرغی بر قاب‌های چوبی کوچک کار می‌کردند.

رنگ‌های روغنی بی‌درنگ مورد توجه نقاشان قرار گرفت. مادهٔ رنگی به آرامی خشک می‌شد و با تغییر تدریجی رنگ و مایه هم‌آمیزی می‌یافت، رنگ روغن افزون



۴



۵



۶



۷

٤ـ *تثلیث با حضور هبه کنندگان*، دیوارنگاره‌ای اثر ماساچو متعلق به سال ١٤٢٥م در این اثر برای نخستین بار از پرسپکتیو علمی تک نقطه‌ای استفاده شد.

٥ـ تک چهرهٔ *جینورا دبنچی* که در سال ١٤٧٤م داوینچی جوان آن را نقاشی کرد. مهارت اولیهٔ او در زمینهٔ کالبد شناسی و توانایی وی درخلق جلوهٔ فضایی موسوم به اسفوماتو (sfumato) را نشان می‌دهد که واژه‌ای ایتالیایی به معنای «دود» است.

٦ـ نقاشی *پشت محراب کلیسای شهر گنت* که برادران وان آیک در سال ١٤٣٢ م آن را نقاشی کردند. این اثر اولین شاهکار رنگ روغن و اوج موفقیت هنر فلاندری به شمار می‌رود.

٧ـ *ستایش مغان* اثر بوتیچلی، حدود سال ١٤٨٠م این اثر توانایی او را در خلق اثری با مقیاس عظیم نشان می‌دهد که تاکنون حس هماهنگی کلاسیک خود را حفظ کرده است.

بر این می‌توانست در ساخت لایه‌های رنگابه‌ای نیمه شفاف نیز به کار رود و واقعگرایی بیش‌تری را امکان‌پذیر سازد.

مشخص نیست کدام‌یک از هنرمندان فلاندری نخستین بار رنگ روغن را تجربه کرده است. گفته می‌شود رابرت کمپین نخستین فرد بود. اما نخستین شاهکار مسلم رنگ روغن، محراب کلیسای سن بافن در گنت است که برادران وان آیک در سال ۱۴۳۲ م بر روی آن کار کردند. (تصویر ۶)

هنگامی که نخستین نقاشی‌های رنگ روغن فلاندری به ایتالیا رسید، هیجانی در میان نقاشان این کشور برانگیخت. جزئیات تکنیکی این نقاشی‌ها کمی پیش از این در آثار آنتونللو دا مسینا، که مدتی را در فلاندر گذرانده بود، آشکار بود. در پایان این سده، رنگ‌های روغنی کاملاً جایگزین رنگ مادهٔ تخم‌مرغی برای نقاشی روی قاب‌های چوبی شد.

### هنرهای گرافیک

مهم‌ترین رخداد این سده ـ که تأثیر چشمگیری بر مسیر تاریخ گذاشت ـ اختراع چاپ با استفاده از قطعات منفرد حروف‌چاپی قالب‌ریزی‌شدهٔ گوتنبرگ بود. چاپ گوتنبرگ موفقیتی چشمگیر به دست آورد. تقریباً در پایان این سده، بیش از یک هزار کارگاه چاپ در بیش از دویست مرکز دایر شد و حدود ۴۰/۰۰۰ عنوان یا ۱۰ تا ۲۰ میلیون کتاب به چاپ رسید که این رقم بسیار بیش از تعداد کل کتاب‌های تهیه شده پیش از دورهٔ گوتنبرگ است.

### چاپ در آلمان

یوهان گوتنبرگ در حدود سال ۱۳۹۷ م در ماینتس آلمان زاده شد. (تصویر ۸) دربارهٔ نخستین سال‌های زندگی او اطلاعات زیادی در دست نیست اما این نکته روشن است که او مردی درخور بود که در مکان و زمانی مناسب به‌سر می‌برد. درخور بود زیرا با آهنگری و ریخته‌گری آشنایی داشت. در مکانی مناسب به سر می‌برد زیرا شهر ماینتس مرکزی فرهنگی و تجاری بود. در زمانی مناسب به سر می‌برد زیرا رُنسانسِ تشنهٔ دانش، بازار روبه رشدی برای کتاب پدید آورده بود که نسخه‌های دست‌نویس سنتی جوابگوی آن نبود.

نسخه‌های دست‌نویس سفارشی و معمولاً گران بودند. این نسخه‌ها را کاتبان با رنج و مرارت بسیار در حالی استنساخ می‌کردند که یا خود از روی نسخه‌ای دیگر می‌خواندند یا برایشان خوانده می‌شد. این روند نه تنها وقت‌گیر بود که منجر به اشتباه‌های بسیاری نیز می‌شد و نیاز به تصحیح داشت.

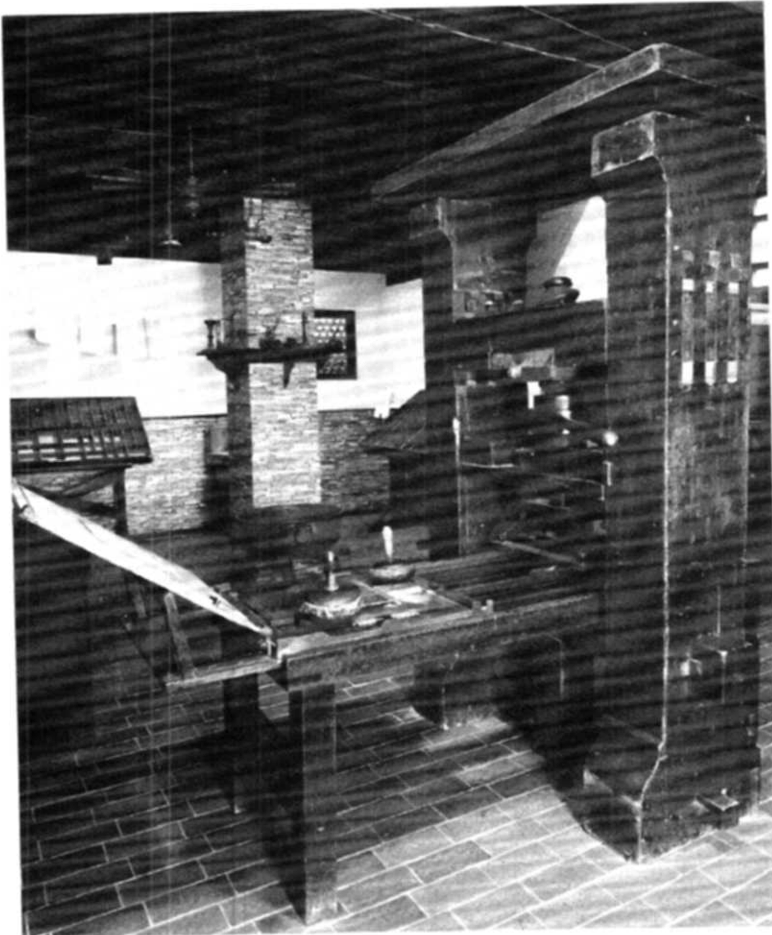
افزون‌بر گرانی نسخه‌های دست‌نویس، کمیابی و قیمت بالای پوست بره و پوست گوساله نیز مطرح بود. در نتیجه، نسخه‌های



شهر ماینتس

دست‌نویس مختص افرادی مشخص، چون کشیشان، محققان و افراد ثروتمند بود.

به نظر می‌رسد درست کمی پیش از شروع تجربیات گوتنبرگ برای چاپ روشی به نسبت ارزان برای تهیهٔ نسخه‌های متعدد از یک کتاب رواج پیدا کرده بود. در این روش که به کتاب لوحی موسوم بود، صفحات حاوی تصاویر و متنی کوتاه بود که با یکدیگر بر روی لوحی واحد حکاکی می‌شدند. لوح‌های حکاکی شده به مرکب آغشته می‌شدند و تصاویر متعدد با مالش یا با استفاده از دستگاه پرس به روی کاغذ انتقال می‌یافتند. به نظر می‌رسد کتاب‌های لوحی برای راهبان نیمه با سواد و واعظانی تهیه می‌شد که کلام خداوند را برای طبقه کارگر شهرنشین و فقرا تلاوت می‌کردند.






۸

۸ ـ (بالا) تک‌چهرهٔ بحث‌انگیز یوهان گوتنبرگ بر گراوور مسی که به نظر می‌آید از روی نقاشی ناپدید شدهٔ دورهٔ او کار شده است.(بالا چپ)گوشه‌ای از کارگاه گوتنبرگ که از سوی موزهٔ گوتنبرگ در مایتنس واقع درآلمان غربی بازسازی شده است. (چپ) بخشی از *داوری نهایی* مربوط به حدود سال ۱۴۵۳ م که کهن‌ترین نمونه چاپ گوتنبرگ است.

mag sich ǒbergẽ nicht Vor dẽ gotlichẽ
angesiecht Cristus wil do urteil sprechen·
Vñ wil alle boszheit rechen Die nie ge=
dadẽ den willẽ sin Den wil er gebẽ ewige
pin Vñ wil den gudẽ gebẽ Sy vm freude
vñ ewig lebẽ Sijt die welt vñ alle ding
Die in d welt geschaffẽ sint Czu gene
vñ werdẽ auch zu nicht Als man wol

## قالب ریزی حروف

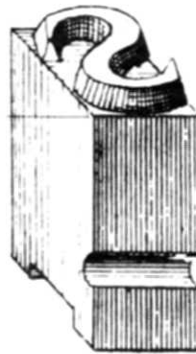
اولین مرحله در فرایند قالب‌ریزی حروف چاپی، انتخاب قطعه‌ای فولادی و ایجاد حرف برجسته‌ای در یک سر آن بود. این قطعهٔ فلز به قالب فولادی یا پانچ (punch) موسوم بود و برای هر یک از حروف الفبا به یکی از آن‌ها نیاز بود.

با استفاده از این پانچ‌ها، حرفی‌که در یک سر آن‌ها قرار گرفته بود، روی قطعهٔ کوچکی از برنز یا مس نرم حک می‌شد و قالب یا ماتریس (matrix) پدید می‌آمد. ماتریس درون قالب بزرگ‌تری مهار می‌شد که به منظور انطباق با عرض‌های حروف مختلف قابل تنظیم بود. مخلوط مذابی از سرب، قلع و آنتیموان، موسوم به فلز حروف ریزی (type metal) در قالب ریخته می‌شد تا خود را بگیرد.

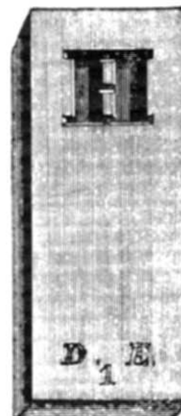
این فرایند قالب‌ریزی برای تک تک حروف تکرار می‌شد. حروف قالب‌ریزی شده در گارسه (case) نگهداری می‌شدند ـ حروف بزرگ در گارسهٔ بالا و حروف کوچک در گارسهٔ پایین.[۲۰] هر چند، حروف چاپی فلزی بودند اما تک حرف‌های آن‌ها به مرور زمان فرسایش می‌یافت که در این صورت از نو قالب‌ریزی می‌شدند.



قالب‌ریزی دستی حروف


یک حرف چاپی


پانچ


قالب یا ماتریس

## مرکّب‌ها

مرکّب‌ها به دونوع اصلی آبی و روغنی تقسیم می‌شوند. مرکّب‌های آبی قدیمی‌ترند و گفته می‌شود سیصدسال پیش از میلاد مسیح در چین پدید آمدند. این مرکّب‌ها از دودهٔ چراغ به جای رنگدانه، چسب حیوانی یا صمغ گیاهی به جای بَست و آب به جای حلاّل تشکیل می‌شوند.

با تغییر رنگدانه مرکّب نیز تغییر رنگ می‌دهد. برای مثال، چینی‌ها با استفاده از شنگرف به رنگ قرمز زیبایی دست یافتند. فنیقی‌ها نیز با استفاده از مادهٔ رنگی گونه‌هایی از نرم‌تنان به ارغوانی صور[۲۱] دست یافتند که رنگ بسیار کمیاب و گرانبهایی بود و کاربرد اختصاصی شاهانه داشت. مرکّب‌های آبی که معمولاً در نگارش دست نوشته‌ها و تهیهٔ چاپ نقش‌های چوبی به کار رفته‌اند، پیشگام مرکّب هند، آبرنگ‌ها و گواش‌اند.

گوتنبرگ مرکّب‌های آبی را برای چاپ نامناسب می‌دانست زیرا به خوبی بر حروف فلزی نمی‌نشستند. بدین‌خاطر مرکّبی روغنی تهیه کرد که به آرامی خشک می‌شد و به نظر شبیه روغن بزرک بود که بعدها در فلاندرز تولید شد.

در حالی که، دیگر چاپگران دورهٔ گوتنبرگ از دودهٔ زغال به جای رنگدانه استفاده می‌کردند، او مرکّبی ارائه کرد که ترکیبات غنی سرب و مس داشت و نتایج چشمگیری به همراه آورد. جالب آن که مرکّب‌های دیگر در طی سده‌ها به رنگ قهوه‌ای درآمده‌اند اما مرکّب‌های گوتنبرگ پس از گذشت پانصدسال هنوز ظاهر متالیک سیاه‌رنگ غنی خود را حفظ کرده‌اند. مرکّب منحصر به فرد گوتنبرگ مهر تأییدی است که محققان و صاحب‌نظران می‌توانند بدین وسیله آثار چاپی به دست گوتنبرگ را از آثار چاپگران دیگر بازشناسند.



Forma plenissime absolutionis et remissionis in vita

Forma plenarie remissionis in mortis articulo

۹

۹ـ گفته می‌شود گوتنبرگ این آمرزش نامه را کمی پیش از کتاب مقدس چهل و دو سطری به چاپ رسانده است. آمرزش‌نامه‌ها را نمایندگان کلیسا برای تأمین مخارج نظام پاپی به فروش می‌رساندند.

گوتنبرگ با نبوغ خود دریافت اگر به جای استفاده از لوح‌های چوبی واحد هنگام چاپ یک صفحهٔ کامل، حروف منفرد به صورت قطعات مجزا قالب‌ریزی شوند و سپس صفحه‌ای را تشکیل دهند، کارایی چاپ بیش‌تر خواهد شد. به این طریق، صفحات سریع‌تر آماده و اشتباه‌ها زودتر اصلاح می‌شدند و حروف چاپی پس از چاپ می‌توانست تمیز شود و مجدداً مورد استفاده قرار گیرد.

گوتنبرگ با دانش ریخته‌گری خود، قطعات حروف چاپی را نه به صورت چوبی که به صورت فلزی تهیه کرد. (بنگرید تصاویر صفحهٔ ۵۹) سهم ارزشمند او در هنرهای گرافیک در واقع همین فرایند چاپ با استفاده از حروف چاپی قالب‌ریزی شده بود، زیرا پیش از گوتنبرگ نیز فرایند چاپ به‌خودی خود وجودداشت.(تصویر۹)

اختراع گوتنبرگ، *چاپ حروفی (لترپرس)*، از نظر فنی چنان خوب پرورده شده بود که به مدت پانصد سال تقریباً به صورت فرایند غالب چاپ باقی ماند.

گوتنبرگ اکنون به کمک دستیار اصلی خود پتر شوفر و پشتیبان مالی خود یوهان فوست، آمادهٔ دایر کردن کارگاه و خلق شاهکار خود یعنی *انجیل چهل و دو سطری* بود. دلیل این نامگذاری ستون‌های این انجیل بود که هر یک چهل و دو سطر طول‌داشتند. (بنگرید به صفحهٔ ۶۲)

نکتهٔ شایان ذکر آن که گوتنبرگ درست پیش از انتشار *انجیل چهل و دوسطری* خود در حدود سال ۱۴۵۵ م در ظاهر به خاطر عدم پرداخت قروض خود به فوست ادارهٔ کارگاه چاپ را از دست داد و از آن پس فوست و شوفر کار را در دست گرفتند. متأسفانه مشخص نیست آیا گوتنبرگ بر تکمیل این کار نظارت داشته است و به خاطر کوشش‌های خود مزدی دریافت کرده است یا خیر.

گروهی معتقدند گوتنبرگ پس از رأی دادگاه کارگاه دیگری دایر کرد و چاپ کتاب و مطالب دیگر را تا ده سال بعد ادامه داد. در سال ۱۴۶۵ م مستمری قابل توجهی از طرف سراسقف محلی برای وی در نظر گرفته شد اما او سه سال بعد درگذشت. بر طبق منبعی نزدیک به آن دوران، گوتنبرگ در کلیسای فرانسیسکنِ ماینتس به خاک سپرده شد.

فوست در سفری برای فروش کتاب به پاریس در سال ۱۴۶۶ م بر اثر طاعون درگذشت. پس از مرگ او، شوفر کار نشر را تا زمان مرگ خود در سال ۱۵۰۲ م ادامه داد.

## کتاب مقدس گوتنبرگ

نخستین و مشهورترین کتاب چاپ گوتنبرگ کتاب مقدس چهل و دو سطری لاتین بود. دلیل این نامگذاری چهل و دو سطری بودن هر یک از ستون‌های کتاب است. این کتاب که در حوالی سال ۱٤٥٥ م انتشار یافت، از دو ستون تشکیل شده بود و جمع کل صفحات آن ۱۲۸٦ صفحه می‌شد. احتمالاً این کتاب ۱۸۰ نسخه داشته است که حدود سه چهارم آن بر کاغذ و باقی بر پوست گوساله بوده است.

گوتنبرگ قصد داشت این کتاب مقدس چاپی را به شکل متون دست‌نویس درآورد. او برای ساخت شکل حروف، دست نوشتهٔ گوتیک کاتبان محلی را الگوی کار خود قرار داد. این موضوع از کتاب مقدس بسیار بزرگ مایتس متعلق به حدود سال ۱٤٥۲م مشهود است. گوتنبرگ برای نزدیک شدن به شکل‌های گوناگون حروف که در متن دست‌نویس یافت می‌شود، قلمی با حدود ۲۷۰ حرف خلق کرد که شامل حروف متصل موسوم به «لیگاتور»ها و اشکال گوناگونی از حروف واحد بود که با عرض‌های متفاوت ساخته شده بودند.

گوتنبرگ برای تحکیم تلاش‌های خود فضاهایی را در آغاز کتاب‌ها و سرفصل‌ها خالی می‌گذاشت تا بتوان حروف سرفصل تذهیب شده و دیگر تزیینات را با دست بر آن‌ها افزود.

فروش این کتاب مقدس با موفقیت مواجه شد زیرا بهای نسخهٔ کاغذی آن حدود یک سوم نسخهٔ پوست آن بود.



کتاب مقدس عظیم *مایتس* که حدود سال ۱٤٥۲م بر پوست گوساله کتابت شده است.

uerat aliquid · rudis ei creditis . Dñs
eni erat cũ illo:7 oĩa opera a9 dirigebat.
ijs itaq3 gestis: accidit ut cp̄ · xl ·
peccarẽt duo eunuchi · pincerna
regis egipti et pistor · dño suo. Jratus
q3 contra eos pharao · nam alter pin-
cernis p̄erat · alter pistoribȝ : misit eos

نمونهٔ حروف همین کتاب در اندازهٔ واقعی.

صفحهٔ بعد صفحه‌ای کامل از کتاب مقدس چهل و دو سطری گوتنبرگ به اندازهٔ تقریبی سی در چهل سانتی‌متر (یازده وسه چهارم اینچ درشانزده اینچ). به حروف‌متصل، علائم الحاقی و حروف نمایشی ترسیمی سرفصل دقت کنید.

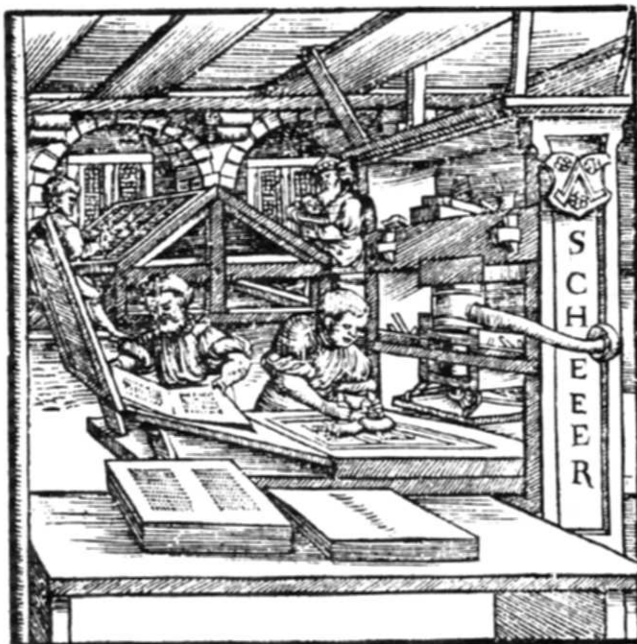
Genesis.

egipci⁹ de manu ysmahelitaꝝ: a qͥbꝫ
pductus erat. Fuitqꝫ dn̄s cū eo: et erat
vir ī cūctis prosꝑe agens. Habitauitqꝫ
in domo dn̄i sui: qui optime nouerat
dn̄m esse cū eo: et oīa que gereret ab eo
dirigi ī manu illi⁹. Inuenitqꝫ ioseph
graciā coram dn̄o suo: ⁊ ministrabat
ei. A quo ꝑpositus omnibꝫ guberna-
bat creditā sibi domū: ⁊ vniuersa que
ei tradita fuerāt. Benedixitqꝫ dn̄s do-
mui egipcij ꝓpter ioseph: ⁊ multiplica-
uit tam ī edibus q̄ʒ in agris cunctam
ei⁹ sbstanciā. Nec quicq̄ʒ aliud noue-
rat: nisi panē quo vescebat̄. Erat autē
ioseph pulcra facie: et decorus aspectu.
Post multos itaqꝫ dies - iniecit dn̄a
oculos suos in ioseph: et ait. Dormi
mecū. Qui nequaq̄ʒ acquiescens operi
nephario: dixit ad eā. Ecce dn̄s meus
omnibꝫ michi tradiris - ignorat q̄d
habeat in domo sua: nec quicq̄ʒ ē q̄d
non sit in mea potestate - uel nō tradi-
derit michi: preter te que vxor eius es.
Quō ergo possū hoc malū facē: et pecca-
re ī dn̄m meū? Huiuscemodi v̄bis per
singulos dies loquebat̄: et mulier mo-
lesta erat adolescenti: et ille recusabat
stuprū. Accidit autē quadā die ut in-
traret ioseph domū - ⁊ operis quippiā
absqꝫ arbitris faceret: ⁊ illa appħensa
lacinia vestimenti eius dicit. Dormi
mecū. Qui relicto ī manu eius pallio
fugit: et egressus ē foras. Cūqꝫ vidisset
mulier vestem in manibꝫ suis - ⁊ se esse
contemptam: vocauit ad se hoīes dom⁹
sue: et ait ad eos. En introduxit virū
hebreū: ut illuderet nobis. Ingressus
est ad me: ut coiret mecū. Cumqꝫ ego
succlamassem - ⁊ audisset vocem meā:
reliquit palliū q̄d tenebam: ⁊ fugit fo-
ras. In argumentū ergo fidei - retentū
palliū ostendit marito reuertenti domū -

et ait. Ingressus ē ad me seru⁹ hebreus.
quē adduxisti: ut illuderet michi. Cūqꝫ
audisset me clamare: reliquit palliū
q̄d tenebam - ⁊ fugit foras. His audi-
tis dn̄s - ⁊ nimiū credulus verbis con-
iugis - iratus est valde: tradiditqꝫ io-
seph in carcerem ubi vincti regis custo-
diebant̄: ⁊ erat ibi clausus. Fuit autē
dn̄s cū ioseph et misertus est illi⁹: ⁊ de-
dit ei graciā in cōspectu principis car-
ceris. Qui tradidit in manu illi⁹ vni-
uersos vinctos qui ī custodia tenebāt̄:
et quicq̄d fiebat - sub ipo erat: nec no-
uerat aliquid - cūctis ei creditis. Dn̄s
enī erat cū illo: ⁊ oīa opa ei⁹ dirigebat.

His itaqꝫ gestis: accidit ut
peccarēt duo eunuchi - pincerna
regis egipti et pistor - dn̄o suo. Iratus-
qꝫ contra eos pharao - nam alter pin-
cernis ꝑerat - alter pistoribꝫ: misit eos
in carcerem principis militū - in quo
erat vinctus ⁊ ioseph. At custos carce-
ris tradidit eos ioseph: q̄ et ministra-
bat eis. Aliq̄ntulū tpis fluxerat: et illi
in custodia tenebant̄. Videruntqꝫ ambo
sompniū nocte una: iuxta interp̄tacio-
nem congruā sibi. Ad quos cū intro-
isset ioseph mane ⁊ vidisset eos tristes:
sciscitat⁹ ē dicens. Cur tristior ē hodie
solito facies vestra? Qui responderūt.
Somniū vidim⁹: et non est qui inter-
p̄tetur nobis. Dixitqꝫ ad eos ioseph.
Nūquid nō dei ē interp̄tacio? Referte
michi quid videritis. Narrauit prior
ꝑpositus pincernaꝝ - somniū suū. Vi-
debam coram me vitem in qua erant
tres ꝓpagines crescere paulatim ī gem-
mas: ⁊ post flores uuas maturescere:
calicemqꝫ pharaonis in manu mea.
Tuli ergo uuas ⁊ expressi ī calicem quē
tenebam: ⁊ tradidi poculū pharaoni.
Respondit ioseph. Hec est interp̄tacio

*نخستین کتابی که هنگام تصدی فوست و شوفر بر کارگاه گوتنبرگ چاپ و منتشر شد، سرودهای مذهبی ماینتس در سال ۱۴۵۷ م بود. این کتاب به چند دلیل حائز اهمیت بود؛ زیرا نخستین کتابی بود که شناسنامه‌ای مشتمل بر نام چاپگر، تاریخ و محل نشر و نشانه یا علامت معرف چاپگر در صفحهٔ آخر خود داشت. و نخستین کتابی بود که در آن حروف نمایشی سرفصل به جای آن که با دست رنگ‌آمیزی شود، به صورت رنگی چاپ شده بود. (تصویر ۱۰) فوست و شوفر چند کتاب با اهمیت چاپ کردند که دو مورد از آن‌ها انجیل لاتین در سال ۱۴۶۲ م و آثار سیسرو در سال ۱۴۶۵ م بود.*




**روش‌های اولیهٔ چاپ**

چاپ در آغاز بیش‌تر هنر بود تا علم. کیفیت چاپ بستگی زیادی به مهارت چاپگر، کیفیت کاغذ، حروف چاپی، مرکّب و دستگاه چاپ داشت.

کاغذ دست‌ساز بود و به همین خاطر یکدستی نداشت. کاغذها یک‌یک نمدار می‌شدند تا اثر چاپی به شکلی مطلوب بر آن‌ها باقی بماند. فرم حروف چاپی که قابی برای نگه‌داشتن حروف بود، در سینی دستگاه گذاشته‌می‌شد و با دو کلاف مرکّب‌زنی چرمی‌به مرکّب آغشته می‌شد. بر روی فرم حروف طلق پوششی یا نقاب گذاشته می‌شد تا بخش‌هایی که نباید چاپ شوند، محفوظ بمانند.

دستگاه چاپ که از پیش آماده بود، این اطمینان را پدید می‌آورد که فشار ثابتی بر حروف ایجاد شود و مطالب دو سوی کاغذ به گونه‌ای دقیق بر هم منطبق شود. چاپ در اصل با سفت کردن پیچ چوبی بزرگی انجام می‌شد که به لوح چوبی مسطحی الحاق شده بود و به نوبهٔ خود بر کاغذ فشار وارد می‌ساخت.

پس از چاپ، ورق کاغذ از درون دستگاه برداشته می‌شد و برای خشک شدن آویخته می‌شد. پس از خشک شدن، کاغذ بار دیگر نمدار می‌شد تا سوی دیگر آن نیز چاپ شود. این فرایند تکرار می‌شد تا تعداد ورق‌های کاغذ مورد نیاز به چاپ رسد. در این هنگام، فرم از دستگاه بیرون آورده می‌شد، حروف تمیز می‌شد و در گارسهٔ مخصوص نگهداری می‌شد.

هنگامی‌که همهٔ‌صفحات به‌چاپ می‌رسید، ورق‌های چاپ شده تا می‌خورد و به صورت بخش بخش درمی‌آمد. سپس مشتری این دسته ورق‌ها را به صحاف می‌سپرد تا آن‌ها را بدوزد و به شکل کتاب درآورد.

Pn̄s spalmorꝝ codex· venustate capitaliū decoratꝰ
Rubricationibusq̧ sufficienter distinctus,
Adinuentione artificiosa imp̄mendi ac caracterizandi·
absq̧ calami vlla exaratōne sic effigiatus, Et ad eusebiam dei industrie est ɔsummatus, Per Johem fust
Ciuē maguntinū· Et Petrū Schoffer de Gernszheim,
Anno dn̄i Millesiō·cccc·lvij· In vigilia Assūpcōis,



reprobauerūt edificātes : hic factus est in
caput anguli A dño factū ē istud : et ē mi=
rabile in oculis nr̄is Hec est dies quā fecit
dñs : exultemꝰ et letem̄ in ea O dñe saluū
me fac o dñe bene ꝓsperare : benedictus qui
venit in nomine dñi Benediximꝰ vob
de domo dñi : deꝰ dñs et illuxit nob Con=
stituite diem solempnē in condensis : usqꝫ
ad cornu altaris Deus meus es tu et cō=
fitebor tibi : deus meus es tu et exaltabo te.
Cōfitebor tibi qm̄ exaudisti me : ⁊ factus
es michi in salutē. Confitemini dño qm̄
bonus : quoniā in seculū misericordia eiꝰ. Ps
Beati immaculati in via : qui ambulāt
in lege dñi. Beati qui scrutant̄ testi=
monia eius : in toto corde exquirūt eū Nō
enī qui opant̄ iniquitatē : ī viis eiꝰ ambu=
lauerunt Tu mandasti : mandata tua cu=
stodiri nimis Utinā dirigant̄ vie mee :
ad custodiendas iustificacōes tuas Tūc

۱۰

۱۰ـ *زبور ماینتس*، متعلق به سال ۱۴۵۷م. اثر فوست و شوفر، نخستین کتاب شناسنامه‌دار بود. (بنگرید به صفحهٔ ٦٣)

افزون بر گوتنبرگ، فوست و شوفر، چاپگران برجستهٔ دیگری نیز در این دوره در آلمان حضور داشتند. کتاب *ادلشتاین* (سنگ قیمتی) چاپ سال ۱۴۶۱ م، نخستین کتابی است که با کلیشه‌های چوبی کار شده است و به آلبرشت فیستر اهل بامبرگ نسبت داده می‌شود. (تصویر ۱۱) در سال ۱۴۷۳ م، گونتر زاینر اهل اوگسبورگ نخستین کتاب پرفروش یعنی *تقلید مسیح* اثر توماس اَ کمپیس را منتشر ساخت. (تصویر ۱۲) پنج سال بعد، هاینریش کوئنتل اهل کلن نخستین انجیل را با حروف کوتاه محلی ژرمن به چاپ رساند. (تصویر ۱۴)

آنتون کوبرگر، چاپگر، ناشر و کتاب‌فروش، *وقایع نامهٔ نورمبرگ* را در سال ۱۴۹۳ م منتشر ساخت. پنج سال بعد، کوبرگر با همکاری طراحی به نام آلبرشت دورر کتاب *مکاشفات* را به چاپ رساند. یکی از تصاویر چاپی به یادماندنی این کتاب، که فروش گسترده‌ای در سراسر اروپا یافت، *چهار سوار سرنوشت* اثر دورر بود که شهرت او را در پی آورد و دامنهٔ نفوذ او را از آلمان فراتر برد و به ایتالیای رنسانس رساند. (تصویر ۱۳)

کتاب‌های یاد شده و کتاب‌های دیگری که پیش از سال ۱۵۰۱ م انتشار یافته‌اند به *اینکونابولا* موسوم‌اند.

eplaz ad galathas expositū libri·x·a i euāgelio omel·
breues ß plime ·Floruit tpibꝫ ɔstancij impatoris sub
q̃ et mortuus antiochie sepultus est· caplm·xxij·
tiphilius cipri ledrensis siue leucontheon eps
eloq̃tissimus sue etatis et sub rege ɔstantino
celeberrimus fuit Legi eꝰ in canticū canticoꝝ ɔmītari:
os et multa alia ɔposuisse fertur que in nr̃as manus
minime peruenerunt Capitulum·xxiii
onatus a q̃ donacioni p africaz sub ɔstantino·
ɔstantinoq3 principibꝫ·asserens a nr̃is scriptas
in persecucōe et diuis traditas· totam pene africam et
maxime numidiam sua persuasione decepit ·Extant
eius multa ad suaz heresim pertinencia et de spu scto
liber arriano dogmati congruens capitlm·xxiiii
Sterius arriane pßus factionis scripsit regnte
ɔstantino in eplaz ad rōnos et in euangelia et
i psalmos ɔmītarios et mlta alia q̃ a sue ptis hoībꝫ
studiosissime leguntur· capitulum·xxv·
Vcifer caralitanus eps cū pancracio a hilario
rōne ecc̃ie clericis ad ɔstancium imperatorez a
liberio epo pfite legatus missus ·Cū nollet sub noīe
athana'p in cenam damnare fidem in palastinam re:
legatus mitte ɔstancie et preparati aī ad martirium
Contra constancium Imperatorem scripsit libꝝ eūq3
legendū misit·ac nonmlto post sub iuliano principe
reuersus carales valentiniano regnte obijt ·xxvi·
usebius nacōe sardus a ex electore vrbis rome
vercellensis eps ob ɔfessionem fidei a ɔstantino
principe scitopolim a exinde capadociaz relegatus sub
iuliano impatore ad eccliaz reuersus edidit i psalmes
ɔmītarios eusebꝫ cesariensis qd de greco i latinū ver:
terat·et mortuꝰ est valentiniano et valente regntibꝫ
Capitolum·xvij
ortunacius nacōe afer aquileiensis episcopus
imꝑante ɔstancio i euangelio titulis ordiatus

۱۲



۱۱



۱۳

۱۱ـ سنگ قیمتی نخستین کتاب مصوری که در سال ۱۴۶۱م. آلبرشت فیستر به چاپ رساند.

۱۲ـ گونتر زاینر نخستین کتاب پرفروش، *تقلید مسیح*، اثر توماس آ کمپیس را در سال ۱۴۷۳م به چاپ رساند.

۱۳ـ چهار سوار سرنوشت (جنگ، قحطی، طاعون، مرگ) از کتاب *مکاشفات*، مجموعه‌ای از باسمه‌های چوبی اثر آلبرشت دورر که آن را در سال ۱۴۹۸م آنتون کوبرگر به چاپ رساند.

Dat boeck.

Segge Jsrahelis kinderē. du byst een volck ee
nes hardē nackes. ik schal eens i middē dines
vp staen vñ vordyligē dy. nu vpperstüe legge
vā dy alle dine syrheit. dat ik wete wat ik dō
schal. Darūme leydē Jsrahelis kinder alle ere
syrheit vā en. vā dē berge oreb. dat is de kro
nen de en vp ere houet gesat werē an dē berge
oreb. Moyses nā dat tabernakel vñ sette dat
verne butē de woningē vñ richtede dat vp. vñ
nomede synen namē dat tabernackel des vor.
bundes. Vñ alle dat volck dat yenige klaghe
hadde genck vth to dē tabernakel des vorbü.
des butē de wonynge. Vñ wenne als Moyses
vth wolde gaen tho dem tabernakel der vor.
buntnisse. so stunde al dat volck vp. een iewe
lick in der doere synes paulunes. vnde seghen
Moysi na vp synē rugge byth he in de tentē
genck. Vñ als he in was gegangē in dat taber
nakel des getuchnisse. so stech nedder een sul
eenes wolckē. vñ stund vor der doer. vnde de
here sprack mit Moysi vñ allermallik sach dat
dat de suyle des wolkē stund vor der doer des
tabernackels. vñ se stundē vñ bedē vth dē doe.
ren erer wonyngen. Vñ de here sprak to Moy
si vā angesichte in angesichte nicht als een
mēsche plach to sprekē to synē vrunde Vñ als
he do wedder quā to den wonyngē. sin dener
Josue Nuns sone een kint dat en gēck nicht
van dem tabernakel. Vñ do sprak Moyses tho
dem herē. gebudestu dat ik dat volck vth ley.
de vñ seggest my nicht wen du mit my wyl.
lest senden. vñ bysunder na deme du sprekest.
Jck bekenne dy vth dynē namē vñ du heuest
gnade vundē by my. Js dat ik nu gnade vun
den hebbe in dynem angesichte. so wyse my
dyn angesichte vp dat ik dy wytte. vñ dat
ik gnade vynde vor dynē ogē. sie an dyn volk
desse lude. Vñ do sprak god. Myn angesichte
schal vor dy hen gaen. vñ ik schal dy raste ge
uen. vnde Moyses sprak. vñ efte du vns nicht
sulue vor en geyst so leyde vns nicht vth des.
ser stede. wat yune mogen wy denne wetē dy
volck vñ ick dat wy gnade hebben vundē in
dynem angesichte. du en wandeles den myt
vns dat wy geert werden van allem volcke.
de wonet vp der erden. Vñ do sprak de here tho
Moysen. Dee dat wort dattu gesprakē heuest
schal ik doen. du heuest gnade vundē vor my
vñ ik hebbe dy bekand vth dynem name. vñ
he sprak. Bewyse my dyn glorie. vñ hee ant.
worde. ick schal dy alle gud wysen vñ vor dy
geesschet werdē in den namē des herē. vñ schal
gnedich syn in dē dat my behaget vnde sprak
vortmer. Du en machst myn angesichte nicht
seen. my en schal neen mēsche seen vñ leuen.
vnde vortmer sprak he. see dat is een stad by
my. vnde dar schaltu staen vp dem steene. vñ
als myn glorie en wech geyt. so schal ick dy
setten in den ryt des steenes. vnde schal dy be
schermen myt myner rechterhant byth ick
gae. vnde ick schal myn hant aff doen. vnde
du schalt my vp den rugge seen. myn anghe.
sichte en machstu nicht seen.




۱۴

۱۴ـ هاینریش کوئنتل اهل کلن نخستین کتاب مقدس را با حروف محلی کوتاه ژرمن در سال ۱۴۷۸م به چاپ رساند.

### کتب چاپی آغازین

*واژهٔ لاتینی اینکونابولا با صورت جمع اینکونابولوم (Incunabulum)، به‌معنای قنداق، گهواره یا زادگاه است اما معنای گسترده‌تر آن آغاز هرچیز است. در زبان انگلیسی، این واژه به همهٔ کتاب‌هایی اطلاق می‌شود که پیش از سال ۱۵۰۱ م. تقریباً در دوره‌ای پنجاه‌ساله به‌چاپ رسیدند.*

*بیش‌تر کتب چاپی آغازین ماهیتی مذهبی یا عبادی داشتند. با این حال در پایان این سده، بازار رو به رشدی برای کتاب‌های غیردینی اعم از کتاب‌های درسی، تاریخ و آثار کلاسیک یونان و روم پدید آمد.*

*بسیاری از کتب چاپی آغازین، فاقد اطلاعات لازم دربارهٔ نام چاپگر، محل چاپ یا تاریخ انتشار بودند. خوشبختانه فردیّت‌حروف چاپی اولیه به پژوهشگران طراحی حروف امکان داد که بیش‌تر چاپگران این آثار را شناسایی کنند.*

***در گراوور مسی زیر اثر آلبرشت دورر، اراسموس پژوهشگر اومانیست در اتاق مطالعهٔ خود دیده می‌شود. در پیش زمینهٔ این تصویر، مجلدهای صحافی شده‌ای دیده می‌شود که شاید برخی از آن‌ها کتب چاپی آغازین باشند.***




تک چهرهٔ اراسموس متعلق به سال ۱۵۲٦ م اثر آلبرشت دورر.

### چاپ در ایتالیا

محاسن چاپ به سرعت از سوی جهانیان درک شد. ناآرامی سیاسی در ماینتس در سال ١٤٦٢م به گسترش چاپ کمک کرد، زیرا در این زمان، چاپگران ناگزیر به ترک شهر و بردن «هنر سیاه» ـ نامی که به صنعت چاپ داده می‌شد ـ با خود بودند.

چاپگران آلمانی که ایتالیا را وطن جدید خود برگزیده بودند، به زودی دریافتند مشتریان ایتالیایی آنان خواندن حروف گوتیک را آزار دهنده و دشوار می‌دانند و سبک آشناتر اومانیستی را ترجیح می‌دهند. آنان در پاسخ به خواست مشتریان خود شکل حروف اومانیستی را برگزیدند.

نخستین حروف چاپی رومن را کنراد سوینهام و آرنولد پانارتز براساس شکل حروف اومانیستی در سال ١٤٦٦ م تراش دادند. آنان نخستین ماشین چاپ را در دیر سوبیاکو نزدیک رم به کار انداختند. (تصویر ١٥) نتایجِ در ابتدا کاملاً رضایت‌بخش نبود زیرا شکل این حروف هنوز بسیاری از خصوصیات نامطلوب گوتیک، نظیر صُلبی و فشردگی، را در خود داشت. نخستین حروف چاپی موفق رومن را فرانسویی ساکن ایتالیا به نام نیکولاس جنسن ساخت.

fatalis : ſm cor
dicūt eſſe fortu
uel nō ex aliq

۱۵

۱۵ـ صفحه‌ای از کتاب *شهر خدا* نوشتهٔ سن اگوستین متعلق به سال ۱۴۶۷ م که اولین کاربرد حروف چاپ رومن در ایتالیا را نشان می‌دهد.(به درشت نمایی همین حروف درصفحهٔ ۶۷ نگاه کنید.)



VSEBIVM Pamphili de euangelica præparatione
latinum ex græco beatiſſime pater iuſſu tuo effeci.
Nam quom eum uirum tum eloquétia: tũ multaꝗ
rerum peritia: et ĩgenii mirabili flumine ex his quæ
iam traducta ſunt præſtátiſſimum ſanctitas tua iu/
dicet: atq; ideo quæcũq; apud græcos ipſius opera
extét latina facere ĩſtituerit: euangelicá præpationé
quæ in urbe forte reperta eſt: primum aggreſſi tra/
duximus. Quo quidem in libro quaſi quodam in ſpeculo uariam atq;
multiplicem doctriná illius uiri licet admirari. Cuncta enim quæ ante
ipſũ facta fuentaq; fuerunt quæ tamen græce ſcripta tũc inueniretur:
multo certius atque diſtinctius ipſis etiam auctoribus qui ſcripſerunt
percepiſſe mihi uidetur. Ita quom conſtet nihil fere præclarum unq̃
geſtum fuiſſe quod illis temporibus græce ſcriptum non extaret: nihil
in rebus magnis naturaq; abditis quod a philoſophis non eſſet expli/
catum: omnia ille tum memoriæ tenacitate: tũ mẽtis pcepit acumine:
ac ut apes ſolent ſingulis inſidere floribus: indeq; quod ad rem ſuam
conducit colligere: nõ aliter ille undiq; certiora ueriſimilioraue deligẽs
mirabilem ſibi atq; inauditũ ſcientiæ cumulum confecit: multiplices
uariaſq; philoſophorum ſectas nõ ignorauit: infinitos pene gentium
omnium religionis errores tenuit: orbis terrarum hiſtoriam ſerie ſua
diſpoſitam ſolus cognouit & cæteris tradidit. Nam quom non eſſet
neſcius geſtaꝗ rerum hiſtoriam titubare ſáctiſſime pater niſi diſtincta
téporibus pateat. Quippe quom natura téporis faciat ut quæ ĩ tépore
fuerunt niſi quando fuerũt ſcias: nec fuiſſe qdem ,ppter confuſionem
uideantur: eo ingenio: ſtudio: induſtria huic incubuit rei: ut omnium
ſcriptorum peritiam in unum congeſtam facile ſupauerit: diſtĩctiusq;
cuncta ipſis ſuis ut diximus cognouerit auctoribus. Conferendo enim
inter ſe ſingulos: ueritatem quæ ab omnibus ſimul emergebat: nec ab
ullo exprimebatur: conſecutus eſt. Quæ omnia ab aliis quæ ſcripſit &
ab hoc opere perſpicere licet. Quod ille ideo ſuſcepit: quoniam quom
apud gentiũ præclaros philoſophia uiros nobiliſſimus eſſet: ac priſcá
paternamq; deorũ religionem catholicæ ueritatis amore cõtempſerit:
partim accuſátibus ſuum propoſitum reſpondere: partim noſtra pro
uiribus ſuis uoluit cõfirmare. Itaq; ĩ duas uniuerſum partis negotium
partitus eſt: quarum primam quæ nunc traducta nobis eſt: qua illis

۱۶

نیکولاس جنسن سال ۱۴۲۰ م در فرانسه زاده شد و از جوانی در ضرابخانهٔ شهر تور مشغول به کار شد و در این‌جا قالب‌هایی برای ضرب سکه ساخت. گفته می‌شود شارل هفتم جنسن را در سال ۱۴۵۸ م به ماینتس فرستاد تا با صنعت جدید چاپ و ساخت حروف چاپی آشنا شود. در سال ۱۴۷۰ م، او را چاپگر و ناشری معتبر در ونیز می‌دانستند.

نخستین حروف چاپی واقعاً موفق رومن را جنسن در سال ۱۴۷۰ م برای چاپ کتاب *اوزبیوس* تراشید. (تصویر ۱۶) طراحی این حروف موفقیتی هنری و تجاری بود و توانست به روح حروف رومن آن گونه که در خطوط اومانیستی این دوره دیده می‌شود، نزدیک شود. (تصویر ۱۷) پاپ سیکستوس چهارم جنسن را در سال۱۴۷۵م به رم فراخواند تا در آن‌جا دفتر چاپ دایر کند. جنسن تا زمان مرگ خود در سال ۱۴۸۰ م در رم باقی ماند.

آلدوس مانوتیوس ونیزی، یکی از نوابغ رنسانس بود (تصویر ۱۸) که فعالیت خود را نه با چاپ که با نشر آغاز کرد. هدف او احیای آموزش کلاسیک از طریق چاپ بود. برای نیل به این مقصود او با یک پشتیبان مالی و یک چاپگر متحد شد. این سه تن به کمک یکدیگر، کتاب‌هایی با کیفیت استثنایی برای بازار روبه رشد محققان اومانیست چاپ کردند.

quidem poſſibile eſt cum multitudine orare. Plurimi
uõ cum uno ſolo unanime fratre congruentiuſ orant
paucorum uero ualde eſt ſolitaria oratio. Si cum mlt
titudine pſallaſ. purgatiſſimam et ab omni materia
remotam orationem offerre non poteriſ. ceterum pro
exercitatione mentiſ ea quę canuntur eloquia tuc
ſpeculare. uel rurſuſ dum ut uerſum proximiſ fi
niat expectaſ intentiuſ ora. Nihil dum oraſ inuſe
orationi decet. ſiue ad inutile ſit et otioſum ſiue uti
le et neceſſarium ſed orationi et operi diſtribuenda
ſunt tempora. Quod manifeſte docuit iſq magnũ
antonium erudiuit angeluſ. Probat quidem au
rum fornax ſed ſtudium et caritatem in deum
monachorum probat orationiſ intentiſſime quali
taſ. Explicit graduſ xviii. Incipit De cor
poralibuſ uigiliiſ. et qua ratione arripiende ſint
graduſ. xix.

ERRENIS quidem ac mortalib'
Regibuſ qui adſtant: alii expediti ac
nudi fere ſunt. alii faſceſ alii clipeoſ
alii gladioſ tenent. Eſt autem ingenſ at
q; incomparabiliſ priorum adſequenteſ differen
tia. Quippe illi proprie cognati regiſ eſſe atq; fa
miliariſſimi ſolent hi uõ ſerui et miniſtri et iſta
quidem ita ſe habent. Age uero iam noſ quoq; q̃
nam modo in ueſptiniſ. diurniſq; conuentib' et ora
tionibuſ deo et regi nr̃o adſiſtimuſ. ſollertiuſ inſpi
ciamuſ. Quidam uero in ueſptiniſ p noctationibuſ
expeditiſſimi et ab omni cura nudi puraſ ad oratio
nem extendunt manuſ. Alii cum pſalmorum mo
dulatione in hac adſiſtunt. Alii lectioni magiſ in
cumbunt. Quidam p opuſ manuum ex infirmi

۱۷



۱۸

۱۶ـ نیکولاس جنسن اولین حروف چاپی موفق رومن را تراشید. نمونهٔ این حروف را درصفحهٔ آغازین کتاب *اوزبیوس* چاپ ۱۴۷۰م می‌بینیم. زیبایی حروف چاپ جنسن در رنگ یکدست وخوانایی بسیار زیاد شکل‌های حروف آن نمود یافته بود. حروف نمایشی سرفصل و تزیینات حاشیهٔ متن با دست نقاشی شده‌اند.

۱۷ـ نمونه‌ای از خط رسمی اومانیستی که مورد پسند محققان ایتالیایی بود و الهام بخش حروف چاپی رومن جنسن شد.

۱۸ـ علامت چاپ آلدوس مانوتیوس.

AENE. LIB .IIII.

Erecta, ingenti tedis, atq; ilice secta,
Intenditq; locum sertis, et fronde coronat
Funerea, super exuuias, ensemq́; relictum,
Effigiemq; toro locat haud ignara futuri.
Stant aræ circum, et crines effusa sacerdos
Ter centum tonat ore deos, Herebumq́; Chaosq;
Tergeminamq; Hecaten, tria Virginis ora Dianæ.
Sparserat et latices simulatos fontis Auerni,
Falcibus et messæ ad lunam quæruntur ahenis
Pubentes herbæ nigri cum lacte ueneni,
Quæritur et nascentis equi de fronte reuulsus,
Et matri præreptus amor.
Ipsa mola, manibusq; piis altaria iuxta
Vnum exuta pedem uinclis in ueste recincta
Testatur moritura deos, et conscia fati
Sydera, tum si quod non æquo fœdere amantes
Curæ numen habet, iustumq́; memorq́; precatur.
Nox erat, et placidum carpebant fessa soporem
Corpora per terras, syluæq́; et sæua quierant
Aequora, cum medio uoluuntur sydera lapsu,
Cum tacet omnis ager, pecudes, pictæq; uolucres,
Quæq; lacus late liquidos, quæq; aspera dumis
Rura tenent, somno positæ sub nocte silenti
Lenibant curas, et corda oblita laborum.
At non infelix animi Phœnissa, nec unquam
Soluitur in somnos, oculisue, aut pectore noctem
Accipit, ingeminant curæ, rursusq; resurgens
Sæuit amor, magnoq; irarum fluctuat æstu.
Sic adeo insistit, secumq; ita corde uolutat,
En quid agam? rursusne procos irrisa priores
Experiar

Experiar? numadumq; petam connubia supplex,
Quos ego sum toties iam dedignata maritos?
Iliacas igitur classes, atq; ultima Teucrum
Iussa sequar? quia ne auxilio iuuat ante leuatos,
Et bene apud memores ueteris stat gratia facti.
Quis me autem (fac uelle) sinet? ratibusq; superbis
Inuisam accipiet? nescis heu perdita, nec dum
Laomedonteæ sentis periuria gentis?
Quid tum? sola fuga nautas comitabor ouantes?
An Tyriis, omniq; manu stipata meorum
Insequar? et quos Sidonia uix urbe reuelli,
Rursus agam pelago, et uentis dare uela iubebo?
Quin morere, ut merita es, ferroq; auerte dolorem.
Tu lachrymis euicta meis, tu prima furentem
His germana malis oneras, atq; obiicis hosti.
Non licuit thalami expertem sine crimine uitam
Degere more feræ, tales nec tangere curas,
Non seruata fides cineri promissa Sichæo.
Tantos illa suo rumpebat pectore questus,
Aeneas celsa in puppi, iam certus eundi,
Carpebat somnos, rebus iam rite paratis,
Huic se forma dei uultu redeuntis eodem
Obtulit in somnis, rursusq; ita uisa monere est,
Omnia Mercurio similis, uocemq́; coloremq́;,
Et crines flauos, et membra decora iuuentæ.
Nate Dea, potes hoc sub casu ducere somnos?
Nec quæ circumstent te deinde pericula cernis
Demens? nec zephyros audis spirare secundos?
Illa dolos, dirumq; nefas in pectore uersat,
Certa mori, uarioq; irarum fluctuat æstu.
G

۱۹



۲۰

۱۹ـ *انه‌اید* اثر ویرژیل، که در سال ۱۵۰۱م آلدوس مانوتیوس آن را چاپ کرد، نمونهٔ بی‌نظیر کتاب قطع کوچک (وزیری) است که حروف کوچک ایتالیک را قلمی کتابی مطرح کرد. این نوع حروف چاپی که فرانچسکو گریفو آن را طراحی کرد، حروف بزرگ رومی را ماندگار ساخت.

۲ـ این باسمهٔ چوبی کتاب قطع بزرگ سنتی (رحلی) را نشان می‌دهد که برای قرائت باصدای بلند از روی رحل طراحی می‌شد.

آلدوس مانوتیوس در نظر داشت به کتاب‌های کوچک، خوش چاپ و محققانه نیز بازاری اختصاص دهد تا جایگزین کتاب‌های بسیار قطوری شوند که اغلب با صدای بلند از روی رحل خوانده می‌شدند. (تصاویر ۱۹ و ۲۰) او کتابی ارزان قیمت و کوچک منتشر کرد که به راحتی در دست یا جیب جای می‌گرفت، او برای این کتاب‌ها به حروف سازی به نام فرانچسکو گریفو اهل بولونیا طراحی حروف چاپی جدیدی را سفارش داد. درست همان‌گونه که جنسن خط رسمی اومانیستی را برای خلق نخستین حروف چاپی موفق رومن به کار گرفت، گریفو نیز از خط شکستهٔ اومانیستی موسوم به *کانچلارسکا کورسیوا* استفاده کرد تا نخستین حروف چاپی ایتالیک را پدید آورد. (تصویر ۲۱)

حروف چاپی ایتالیک گریفو تنها مشتمل بر حروف کوچک بود و از همین رو با حروف بزرگ با قاعدهٔ رومن حروف‌چینی می‌شد. در سال ۱۵۲٤ م چاپگری ونیزی از حروف بزرگ ایتالیک نیز برای نخستین بار استفاده کرد.

آلدوس و گریفو در طراحی دو نوع حروف چاپی موفق دیگر نیز همکاری کردند. یکی برای کتاب *آتنا* اثر کاردینال بمبو در سال ۱٤۹۵ م و دیگری برای کتاب *رویای پولی‌فیل* اثر کولونا در سال ۱٤۹۹ م. (تصاویر ۲۲ و ۲۳) خصوصیاتی که موفقیت این حروف چاپی را رقم زد، سبُکی، تناسب طراحی و خوانایی آن‌ها بود.

جنسن وگریفو افزون بر آن‌که بر طراحی حروف چاپی تأثیری عمده گذاشتند، همچنین موجب غلبهٔ حروف چاپی رومن در همه جای اروپا به جز آلمان، اسکاندیناوی و کشورهای اسلاو شدند که هنوز سبک گوتیک در آن‌ها رواج داشت.

S E lhonorata fronde che prescriue
Lira del ciel, quandol gran ioue tona,
Non mhauesse disdetta la corona,
Che suole ornar chi poetando scriue
Io era amico a queste uostre Diue;
Le qual uilmente il secolo abbandona:
Ma quella inuria gia lungi mi sprona
Da linuentrice de le prime oliue.
he non bolle la poluer dethiopia
Sottol piu ardente sol: comio sfauillo
Perdendo tanto amata cosa propria.
Cerchate dunque fonte piu tranquillo,
Chel mio dogni liquor sostien inopia:
Saluo di quel che lacrymando stillo

A Mor piangeua & io con lui tal uolta:
Dal qual miei passi non fur mai lontani:
Mirando per glieffetti acerbi e strani
Lanima uostra de suoi nodi sciolta.
Hor dal dritto camin lha idio riuolta
Col cor leuando al cielo ambe le mani:
Ringratio lui che iusti preghi humani
Benignamente suo mercede ascolta.
t se tornando a lamorosa uita,
Per farui al bel desio uolger le spale
Trouasti per la uia fossati o poggi:
Fu per mostrar quanto spinoso calle:
Et quanto alpestra & dura la salita.
Onde al uero ualor conuien chuom poggi.

۲۱

۲۱ـ شکستهٔ اومانیستی موسوم به *کانچلارسکا کورسیوا*، قلمی نگارشی بود که گریفو برای طراحی حروف چاپ ایتالیک خود از آن الگو گرفت.

POLIPHILO INCOMINCIA IL SECONDO LIBRO DI LA SVA HYPNEROTOMACHIA. NEL QVALE POLIA ET LVI DISERTABONDI, IN QVALE MODO ET VARIO CASO NARRANO INTERCALARIAMENTE IL SVO INAMORAMENTO.

NARRA QVIVI LA DIVA POLIA LA NOBILE ET ANTIQVA ORIGINE SVA. ET COMO PER LI PREDECESSORI SVI TRIVISIO FVE EDIFICATO. ET DI QVELLA GENTE LELIA ORIVNDA. ET PER QVALE MODO DISAVEDVTA ET INSCIA DISCONCIAMENTE SE INAMOROE DI LEI IL SVO DILECTO POLIPHILO.

TE MIE DEBILE VOCE TALE O GRATIOSE & diue Nymphe abſone peruenerãno & inconcine alla uoſtra benigna audiẽtia, quale la terrifica raucitate del urinante Eſacho al ſuaue canto dela piangeuole Philomela. Nondimeno uolendo io cum tuti gli mei exili conati del intellecto, & cum la mia paucula ſufficiẽtia di ſatiſfare alle uoſtre piaceuole petitione, non riſtaro al potere. Lequale ſemota qualũque heſitatione epſe piu che ſi congruerebbe altronde, dignamente meritano piu uberrimo fluuio di eloquentia, cum troppo piu rotunda elegantia & cum piu exornata politura di pronũtiato, che in me per alcuno pacto non ſi troua, di cõſeguire il ſuo gratioſo affecto. Ma a uui Celibe Nymphe & adme alquãto, quantũche & confuſa & incomptamẽte fringultiẽte haro in qualche portiuncula gratificato aſſai. Quando uoluntaroſa & diuota a gli deſii uoſtri & poſtulato me preſtaro piu preſto cum lanimo nõ mediocre prompto humile parendo, che cum enucleata terſa, & uenuſta eloquentia placẽdo. La priſca dunque & ueterrima geneologia, & proſapia, & il fatale mio amore garrulando ordire. Onde gia eſſendo nel uoſtro uenerando conuentuale conſpecto, & uederme ſterile & ieiuna di eloquio & ad tanto preſtãte & diuo ceto di uui O Nymphe ſedule famularie dil acceſo cupidine. Et ĩtanto benigno & delecteuole & ſacro ſito, di ſincere aure & florigeri ſpiramini afflato. Io acconciamente compulſa di aſſumere uno uenerabile auſo, & tranquillo timore de dire. Dunque auante il tuto uenia date, o belliſſime & beatiſſime Nymphe a queſto mio blacterare & agli femelli & terrigeni, & puſilluli Conati, ſi aduene che in alchuna parte io incautamente

A

۲۳

۲۲

۲۲ــ گریفو حروف چاپ متن وحروف شاخ و برگی را طراحی کرد. نوآوری ظریف این کار طراحی حروف بزرگی بود که از بالارونده‌ها کوتاه‌تر بود و موجب کم اثر شدن این حروف می‌شد.

۲۳ ــ *رویای پولی‌فیل* کتاب قطع بزرگی، که آلدوس مانوتیوس در سال ۱۴۹۹م انتشار داد، از جمله ظریف‌ترین کتب چاپی آغازین به شمار می‌رود. باسمه‌های چوبی این کتاب هماهنگی کاملی با صفحات متن دارند وحس زیبایی موزونی ایجاد می‌کنند.

## چاپ در انگلستان

نخستین کتاب‌انگلیسی‌زبان در انگلستان چاپ نشد بلکه ویلیام ککستون انگلیسی این کتاب *The Recuyell of the historyes of troye* (*منتخب التواریخ تروا*) را در شهر بروگز واقع در فلاندر حوالی سال۱۴۷۵ م چاپ کرد. این کتاب با قلم شکستهٔ سنگینی موسوم به *باتارد* چاپ‌شد. ککستون پس از سی‌سال اقامت در شهربروگز، سال۱۴۷۶م به انگلستان بازگشت و نخستین چاپخانه انگلیسی را در لندن نزدیک مجتمع کلیسایی وست مینیستر دایر کرد.

ویلیام ککستون در سال ۱۴۷۸ م *قصه‌های کانتربری* اثر گئوفری چاسر را به چاپ رساند. این رخداد تأثیر چشمگیری بر چاپ و املای کلمات انگلیسی گذاشت. (تصویر ۲۴) بدین‌خاطر که ککستون در این چاپ به جای حروف رومن حروف گوتیک را به کار برده بود، حروف چاپی گوتیک بیش از صد سال در انگلستان رجحان یافت. همچنین به دلیل آن که کلمات انگلیسی املای ثابتی نیافته بودند، املای انتخابی ککستون تأثیر چشمگیری بر چگونگی املای آتی کلمات انگلیسی گذاشت.

ککستون در چهارده‌سال آخر عمر خود بیش از یک‌صد کتاب به چاپ رساند. پس از مرگ او در سال ۱۴۹۱ م، سر کارگرش وینکین د ورد کار او را ادامه داد.

The Wyf off bathe

Here endith the Wyff of Bathes prologe.
And here begynnyth her tale.
IN olde dayes of kyng Artur
Of whiche britous spekith gret honour
Al was this lond ful filled of fayrye
The elf quene with her ioly companye
Daunced ful ofte in many a grene mede
This was the olde oppinion as I rede
I speke of many an hundrid yeris a goo
But now can noman se elphis mo
For now the grete charite and praiers
Of limytours and eke of othir freris
That serchen every lond and every streme
As thicke as motis in the sonne beem
Blissinge hallis chambris kichens and bowris
Cities Burghis castellis and eek touris
Thorpis bernys Shepens and deyries
This makith that ther be no feyries
For there as wont was to walke an elf
There walkith now the limytour hym self
In vndermelis and in morwyngis
And seith his matyns and his thingis
As he goth forth in his limytacion
A woman may go sauely vp and down
Vnder every bussh or vnder every tre
There is none othir incubus but he
And he ne wolde do hem ony dishonour
And so befil that this kyng Artour
Hadde in his hous a lusty bacheler

۲۴



۲۴ـ ویلیام ککستون، نخستین چاپگر انگلیسی، *قصه‌های کانتربری* اثر چاسر را در سال ۱۴۷۸ م به چاپ رساند. چاسر و ککستون از جمله افرادی به شمارمی‌روند که تأثیرعمده‌ای بر رشد و ساختار زبان انگلیسی داشته‌اند. متن این نسخه با حروف باتارد چیده شده است اما عناوین متوالی و حروف نمایشی سرفصل با رنگی دیگردست نویس شده‌اند. در تصویر علامت چاپ ککستون دیده می‌شود.

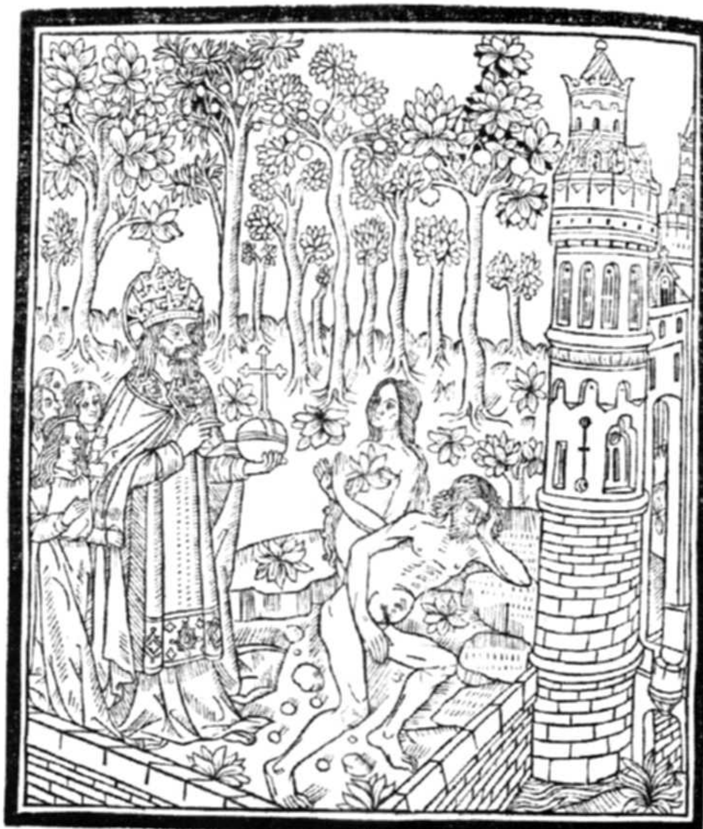
### چاپ در فرانسه

چاپ در سال ۱۴۷۰ م زمانی به فرانسه رسید، که سه آلمانی به نام‌های فرایبورگر، گرینگ و کرانتس چاپخانه‌ای در دانشگاه پاریس دایر کردند. نخستین کتاب‌های این چاپخانه که با حروف‌چاپی رومن منتشر شد، آثار کلاسیک لاتین و متون اومانیستی بود.

کمی بعد چاپگران فرانسوی نیز چاپخانه‌های خود را دایر کردند. نخستین کتاب چاپ فرانسه، را پاسکوئیر بونهوم در سال ۱۴۷۶ م تألیف و چاپ کرد.

چاپگر مهم دیگر این دوره ژان دوپره و آنتوان ورار بودند. دوپره متخصص تهیه کتاب‌های مذهبی با تصویرسازی‌های استادانه بود. از جملهٔ این کتاب‌ها *شهر خدا* اثر سن اگوستین بود که در سال ۱۴۸۶ م به چاپ رسید. (تصویر ۲۵) آنتوان ورار بیش‌تر ناشری پرکار شناخته می‌شد که تقریباً مدت ربع‌قرن عملاً بازارکتاب فرانسه را، به ویژه در زمینهٔ تهیه کتاب دعاهای مذهبی، در دست داشت. (تصویر ۲۶)

گرچه کتاب‌های لاتین با حروف رومن چاپ می‌شدند اما کتاب‌های اولیهٔ فرانسوی یا با حروف گوتیک با قاعده یا با گوتیکی پیراسته موسوم به *باتارد* چاپ می‌شدند. کاربرد این حروف در چاپ کتاب‌های فرانسوی زبان تا پایان این سده ادامه داشت تا زمانی که حروف چاپی رومی به دلیل تأثیرات ایتالیایی کاربردی وسیع و گسترده‌تر یافت.



¶ Ce chapitre est par maniere de prolo gue iusques ou il dist. Ce nest mie chose conuenable: ou le premier chapitre com mence.

H Incois que ie dye de linstitucion de lomme ou il sera demonstre la naissance des deux citez tant comme il touche et appartient aux creatures raisonnables mortelles. si com me ou liure precedent il a este demonstre es anges / p lesquelles tant comme nous pourons sera prouue: comment aux hom mes et aux anges / compaignie ne soit mie dicte estre desconuenable ne mal se ant a ce que quatre citez / cest adire qua tre compaignies ne soient mie dictes estre ordonnees Cestassauoir deux des an ges: et deux des hommes Mais qui plus est deux: cestassauoir une aux bons: lau tre aux mauuais Non mie seulement aux anges: mais aux hommes

¶ Declaration de ce liure.

۲۵

۲۵_ آغاز سنت تهیهٔ مجلدهای مصور مجلل فرانسوی به دوپره نسبت داده می‌شود. در این‌جا نسخه‌ای از چاپ سال۱۴۸۶م. او از کتاب *شهر خدا* نوشتهٔ اگوستین قدیس دیده می‌شود که با حروف باتارد به چاپ رسیده است و با باسمه‌های چوبی تصویرسازی شده است.

Le septiesme livre de Bocace



Icy commence le septiesme livre de la genealogie des dieux selon Bocace.

De la genealogie des dieux      Fueillet Lxvii

De ocean filz du ciel et de ve
ste qui engendra vingt et quatre
enfans tant filz que filles/ des
quelz les noms sensuivent. La
premiere fut eurimomy: la secõ
de perse: la tierce ethea: la quar
tiesme pleyon: la v. climenes
la vi. triton: le vii. doris: le viii.
protheus: le ix. cornificus: le x.
nereus: le xi. achilous: le xii. ala
cus: le xiii. pene': le xiiii. nilus
le xv. alpheus: le xvi. crinisius
le xvii. tyberis: le xviii. api': le
xix. asopus: le xx. erphysius: le
xxi. meander: le xxii. pissica: le
xxiii. sperchius: le xxiiii. le so
leil. Chapitre premier.

Les theologiés ont
voulu ocean avoir
este filz du ciel et de
veste lesquelz theo
logiés ont cuide tou
tes choses estre pro
duites des le comã
cement/ou du ciel/ou de la terre/ou
de tous deux. Ce que na point creu
ne tenu milesius thales prince des phi
losophes ioniciens/qui neut point pe
tite auctorite entre les anciens/mais
q plus est il cuida non point moins fo
lement que les autres ont fait q ocean
cest a entendre la grande mer eut engẽ
dre pensee et nature divine. Et toutes
choses estre par elle produittes/ou don
ner a toutes choses cause. Et fut par
adventure par ce meu/pource quil vey
oit que en toutes choses ausquelles hu
midite cessoit/par necessite cessoit aussi
la vie. Et pareillement veoit que au
cune chose ne pouoit estre engẽdree ou
naistre sans humeur. Et a ceste cause
laffermoit le dit ocean nestre point en
gendre/mais estre pere des dieux et de
toutes choses. Homere semble avoir  Homer'
este aucunesfois de ceste opinion. Et
principalement en son iliade la ou il in
troduit iuno disant. Ocean estre na
scion des dieux/et tethis mere. Et
virgile a aucune fois suyvi lopinion de
ceulx icy disant. Ocean pere des cho
ses. Pline en son livre de la naturelle  Plinius
histoire en louãt cest elemẽt des eaue'
dit. Certes cest element seigneurie a
tous les autres/car les eaues devorẽt
les autres/et estaingnent les flambes
et montent en hault/et attribuent a
eulx le ciel. Et quant elles deviennẽt
en nues elles estranglent lesperit de
vie. Et ceste gecte et fait fouldres le
monde discordant avec luy. Quelle
chose peult estre plus esmerveillable q
les eaues estant sur le ciel. Certes icel
les eaues comme si cestoit peu de cho
se destre parvenue' a si grande haulte
se ravissent les fleuves avec grande as
semblee de poissons. Les eaues aussi
souvent portent dessoubz les pierres
portans autres pois. Et icelles cheés
en terre sont causes de toutes choses
qui naissent. Cest merveilleuse natu
re si aucun veult cõsiderer commẽt le'
bles sengendrent comment les arbres
et buissons vivent/et cõment les eaues
montent au ciel/et comment elles dõ
nent et baillent ame vivant et toutes
les vertus de la terre. Cest le benefi
ce des eaues. Les dessusdictes parol
les sont de pline/et vitrinie ne discrepe  Vitruvi'
point a la dessusdicte opinion de pline
La ou ie celluy vitrinie traicte de lart
de edifier disant. Ceulx qui font et ex
ercent les offices sacerdotaulx par les
manieres des egipciens mõstrent tou
tes choses cõsister par la puissance des
liqueurs. Certes cest chose ridiculeu
se avoir creu les eaues estre commance
ment des choses. Mais pourquoy
me courrousseray ie contre telz filz ont

۲۶

۲٦ـ گرچه آنتون ورار بیش‌تر به چاپ کتاب‌های مذهبی شهره بود اما در سال ۱٤۹۸م ترجمهٔ فرانسهٔ دکامرون اثر بوکاچیو را نیز انتشار داد. در این کتاب نیز حروف باتارد با باسمه‌های چوبی تلفیق شده‌بود.

## طراحی حروف چاپی

### شیوهٔ کهن ونیزی

برای درک مشکلات رویاروی طراحان حروفی، چون نیکولاس جنسن و فرانچسکو گریفو، برای اجرای طرحی مشخص به محدودیت‌های حاصل از ماشین چاپ، کاغذ و مرکّب باید توجه کرد. برای مثال، از ماشین چاپ چوبی، نظیر ماشین چاپ گوتنبرگ، انتظار نمی‌رفت فشار ثابتی را بر کاغذ وارد سازد، کما آن‌که کاغذ دست‌ساز نیز مرکّب را به میزان یکسان جذب نمی‌کرد.

طراحان حروف به زودی دریافتند خامه‌گذاری‌های ظریفی که با قلم بر پوست گوساله یا بره امکان‌پذیر است، با دستگاه‌های چاپ آن‌ها امکان‌پذیر نیست. در حروف چاپی جنسن و گریفو اختلاف بسیار کمی میان «ساقه‌ها»ی نازک و ضخیم حروف وجود دارد و سریف‌ها نیز ضخیم‌اند. امروزه طرح‌هایی مشابه طرح حروف این دوره را شیوهٔ کهن ونیزی می‌خوانند.

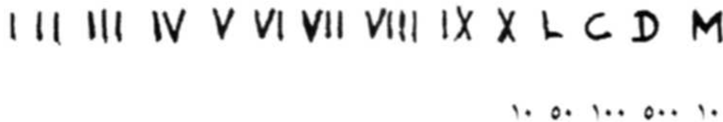


## ارقام هندی‌عربی

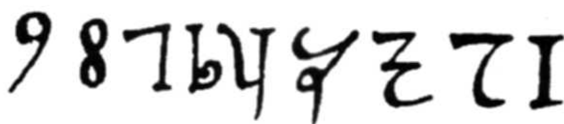
درست به همان‌سان که زبان نوشتار پس از تکامل زبان گفتار به میان آمد، ارقام نیز مدت‌ها قبل، هنگامی که بشر محاسبه را فراگرفت، نمودار شدند. به نظر می‌رسد اولین ارقام مصری باشند و به حدود ۳۴۰۰ سال پ.م باز گردند. در این زمان، خطی عمودی برای نمایش عدد یک به کار می‌رفت و ارقام کوچک دیگر تا ۹ به شکلی ساده با تکرار همین خط به نمایش درمی‌آمدند. عدد ده به شکل U واژگون، عدد صد به شکل مارپیچ و عدد هزار به شکل گل نیلوفر نشان داده می‌شد.



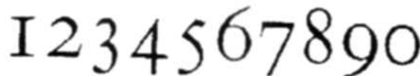

بیش‌تر تمدن‌های باستان نظام محاسبهٔ خاص خود را داشتند. یکی از معدود نظام‌های بازمانده از این دوران ارقام رومی است که تا امروز ملازم ارقام عربی است.




به نظر می‌رسد ارقام عربی حدود ۲۰۰۰ سال پیش در هند پدید آمده و کمی قبل از سال ۱۰۰۰ م به غرب رسیده باشند. یکی از مسیرهای احتمالی ورود این ارقام به غرب از هند به افریقای شمالی و از آن‌جا به اسپانیای مسلمان است. حوالی سال ۸۰۰ م، برخی از جداول نجومی هند در بغداد به عربی ترجمه شد و در سال ۹۷۶ م ارقام عربی نشان داده شده در زیر، در متنی اسپانیایی مورد استفاده قرار گرفتند. این ارقام به دلیل عربی بودن، از راست به چپ نگاشته شده‌اند.



در سده‌های بعد، این شکل‌ها دگرگونی‌های ظاهری خود را ادامه دادند تا آن‌که در سدهٔ پانزدهم این نشانه‌ها به صورت امروزی خود درآمدند. هر چند این اعداد معمولاً اعداد عربی خوانده می‌شوند، اما صحیح‌تر آن است که ارقام هندی عربی خوانده شوند.




ابداع مفهوم صفر به هندی‌ها نسبت داده می‌شود که پیدایش نظام اعشاری و ریاضیات مدرن ما را امکان‌پذیر ساخته است.

## وقایع و اشخاص

**وقایع تاریخی**

**۱۴۰۰ـ** مرگ چاسر. تکمیل نگارش *وقایع‌نامه‌ها* اثر ژان فروسار.
**۱۴۰۸ـ** تکمیل مجسمه *داوود* اثر دوناتلو.
**۱۴۱۲ـ** برونلسکی قواعد پرسپکتیو را بسط داد.
**۱۴۱۵ـ** شکست فرانسه از هنری پنجم در آگینکورت. سوزاندن یان هوس بر چوبهٔ مرگ.
**۱۴۱۸ـ** پایان تفرقهٔ بزرگ کلیسا (ی کاتولیک).
**۱۴۲۰ـ** نگارش کتاب *تقلید مسیح* اثر توماس آکمپیس.
**۱۴۳۱ـ** سوزاندن ژاندارک بر چوبهٔ مرگ.
**۱۴۴۰ـ** شهر اتون بنیان نهاده شد.
**۱۴۵۰ـ** انتصاب فرانچسکو اسفورتزا به مقام دوک میلان.
**۱۴۵۲ـ** تصنیف *دروازه‌های بهشت* اثر گیبرتی.
**۱۴۵۳ـ** چاپ کتاب مقدس چهل و دوسطری گوتنبرگ.
**۱۴۵۵ـ** آغاز جنگ رُزها.
**۱۴۵۶ـ** نقاشی نبرد *سان رومانو* اثر اوچلو.
**۱۴۶۰ـ** اعطای نخستین مدرک دکترای موسیقی آکسفورد.
**۱۴۶۹ـ** آغاز حکمرانی لورنزو دومدیچی در فلورانس.
**۱۴۷۷ـ** نقاشی *بهار* اثر بوتیچلی.
**۱۴۷۸ـ** فردیناند و ایزابلا تفتیش عقاید مذهبی را در اسپانیا به راه انداختند.
**۱۴۸۳ـ** اتهام ریچارد سوم مبنی بر قتل برادرزاده.
**۱۴۸۵ـ** آغاز سلسله تودور با سلطنت هنری هفتم.
**۱۴۹۲ـ** بیرون راندن مورها (از اسپانیا). اتحاد پادشاهی اسپانیا. گام نهادن کریستف کلمب به دنیای جدید در ۱۲اکتبر.
**۱۴۹۵ـ** نقاشی *شام آخر* اثر لئوناردو داوینچی.
**۱۴۹۸ـ** سوزاندن ساوانارولا بر چوبهٔ مرگ.
**۱۴۹۸ـ** خلق مجسمه *ترحم* اثر میکل‌آنژ.



کریستف کلمب و کشف قارهٔ امریکا

**ادبیات**

توماس آ کمپیس (۱۳۸۰ـ ۱۴۷۱)
فرانسوا ویون (۱۴۳۱ـ حدود ۱۴۶۳)
لورنزو دومدیچی (۱۴۴۹ـ ۱۴۹۲)
سباستین برانت (۱۴۵۷ـ ۱۵۲۱)
سر توماس مالوری (مرگ۱۴۷۱)

**موسیقی**

یوانس اوکگهم (حدود۱۴۳۰ـ ۱۴۹۵)
ژاسکن دسپرز (حدود۱۴۴۰ـ ۱۵۲۱)

**هنرهای زیبا**

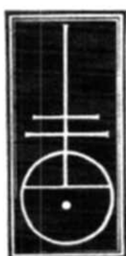
جاکوپو دلا کوئرچا (۱۳۷۴ـ ۱۴۳۸)
فیلیپو برونلسکی (۱۳۷۷ـ ۱۴۴۶)
رابرت کمپین (۱۳۷۸ـ ۱۴۴۴)
لورنزو گیبرتی (۱۳۷۸ـ ۱۴۵۵)
دوناتلو (۱۳۸۶ـ ۱۴۶۶)
یان وان آیک (حدود۱۳۹۰ـ ۱۴۴۱)
آنتونیو پیزانلو (۱۳۹۵ـ ۱۴۵۵)
پائولو اوچلو (۱۳۹۷ـ ۱۴۷۵)
لوکا دلا روبیا (۱۳۹۹ـ ۱۴۸۲)
ساستا (۱۳۹۹ـ ۱۴۵۰)
روژه وان درویدن (۱۳۹۹ـ ۱۴۶۴)
فرا آنجلیکو (۱۴۰۰ـ ۱۴۵۵)
جاکوپو بلینی (حدود ۱۴۰۰ـ ۱۴۷۰)
دومنیکو ونتزیانو (۱۴۰۰ـ ۱۴۶۱)
ماساچو (تومازو گوئیدا) (۱۴۰۱ـ ۱۴۲۸)
لئونه باتیستا آلبرتی (۱۴۰۴ـ ۱۴۷۲)
فرا فیلیپو لیپی (۱۴۰۶ـ ۱۴۶۹)
آندره آ. دل کاستانیو (۱۴۱۹ـ ۱۴۵۹)
پیرو دلا فرانچسکا (حدود۱۴۲۰ـ ۱۴۹۲)
ژان فوکه (حدود۱۴۲۰ـ حدود۱۴۸۰)
بنوتزو گوتزولی (حدود۱۴۲۱ـ ۱۴۹۷)
آنتونیو روسلینو (۱۴۲۷ـ ۱۴۷۹)
جنتیله بلینی (۱۴۲۹ـ ۱۵۰۷)
آنتونیو پولائیواولو (۱۴۲۹ـ ۱۴۹۸)
جووانی بلینی (۱۴۳۰ـ ۱۵۱۶)
آنتونلو دا مسینا (حدود۱۴۳۰ـ ۱۴۷۹)
مارتین شونگوئر (۱۴۳۰ـ ۱۴۹۱)
آندره آ مانتنیا (۱۴۳۱ـ ۱۵۰۶)
هانس مملینگ (۱۴۳۵ـ ۱۴۹۴)
آندره آ دل ورروکیو (۱۴۳۵ـ ۱۴۸۸)
لوکا سینیورلی (حدود ۱۴۴۱ـ ۱۵۲۳)
جولیانو دا سانگالو (۱۴۴۳ـ ۱۵۱۶)
دوناتو برامانته (۱۴۴۴ـ ۱۵۱۴)
ساندرو بوتیچلی (۱۴۴۵ـ ۱۵۱۴)
پروجینو (۱۴۴۵ـ ۱۵۲۳)
دومنیکو گیرلاندایو (۱۴۴۹ـ ۱۴۹۴)
هیرونیموس بوش (حدود ۱۴۵۰ـ ۱۵۱۶)
برناردو پینتوریکو (حدود ۱۴۵۴ـ ۱۴۱۳)
فیلیپینو لیپی (حدود۱۴۵۷ـ ۱۵۰۴)
آلبرشت دورر (۱۴۷۱ـ ۱۵۲۸)
سباستیانو دل پرومبو (حدود ۱۴۸۵ـ ۱۵۴۷)
هوگو وان در گوز (مرگ۱۴۸۲)

**هنرهای گرافیک**

یوهان گوتنبرگ (حدود ۱۳۹۷ـ ۱۴۶۸)
نیکولاس جنسن (۱۴۲۰ـ ۱۴۸۰)
ویلیام ککستون (حدود۱۴۲۱ـ ۱۴۹۱)
پتر شوفر (حدود ۱۴۲۵ـ ۱۵۰۲)
آنتون کوبرگر (حدود ۱۴۴۵ـ ۱۵۱۳)
فرانچسکو گریفو (حدود ۱۴۵۰ـ ۱۵۱۸)
آلدوس مانوتیوس (۱۴۵۰ـ ۱۵۱۵)
آلبرشت فیستر (۱۴۶۱)
یوهان فوست (۱۴۰۰ـ ۱۴۶۶)
گونتر زاینر (۱۴۶۸ـ ۱۴۷۸)
آلبرشت دورر (۱۴۷۱ـ ۱۵۲۸)
آرنولد پانارتز (مرگ ۱۴۷۶)
کنراد سوینهایم (مرگ ۱۴۷۷)
پاسکوئیر بانهام (۱۴۷۶)
ژان دوپره (۱۴۸۱ـ ۱۵۰۴)
آنتون ورار (۱۴۸۶)
وینکین د. ورد (۱۴۹۰)
هاینریش کوئنتل (مرگ ۱۵۰۱)



آلدوس مانوتیوس



ابزار چاپ جنسن

## ۱۵۰۰ ـ ۱۶۰۰
## رنسانس مترقی و شیوه‌گرایی

سدهٔ میان سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ م رنسانس مترقی، اصلاحات پروتستان و اصلاحات متقابل کلیسای کاتولیک را شامل می‌شود که از شهر رم سرچشمه گرفت.

این سده دوران جنگ‌ها و تعصبات مذهبی بود، سده‌ای که فروپاشی تجاری و سیاسی ایتالیا را به خود دید. در این سده همراه با انتقال قدرت به شمال و غرب اروپا، کشورهای فرانسه، اسپانیا، انگلستان و هلند صاحب نفوذ و ثروت شدند.

در دورهٔ رنسانس مترقی اصلاحات پروتستان آغاز شد، مارتین لوتر در سال ۱۵۱۷ م اصول نودوپنج گانهٔ خود را بر در کلیسای ویتنبرگ نصب کرد و خواهان اصلاحاتی در مذهب کاتولیک شد. گرچه مارتین لوتر از سوی این کلیسا طرد شد اما جانبداری و حمایت مردم و حکام آلمان را برانگیخت.

پاپ لئوی دهم از لوتر خواست از مواضع افراطی خود دست بردارد اما او این خواسته را نپذیرفت و تکفیر شد. لوتر کلیسایی جدید بنا گذاشت که بعدها به کلیسای لوتری موسوم شد.

هوگنوها در فرانسه و کالونیست‌ها در سوئیس به تحولات مشابهی دست زدند. هنری هشتم در انگلستان کلیسای انگلستان را به‌دلیل ناتوانی در حل مشکلات زناشویی و سیاسی خود با نظام پاپی در سال ۱۵۳٤م بنا نهاد.

مخالفت‌هایی از این دست با وحدت مسیحیت غرب کلیسای کاتولیک روم را سرانجام ناگزیر به بازسازی خود از درون کرد. سنت ایگناتیوس اهل لویولا در سال ۱۵٤۰م به منظور اصلاح سنت‌های نادرست، فرقهٔ مذهبی نوینی موسوم به ژزوئیت را بنا نهاد. نهضت اصلاح یا اصلاحات متقابل کلیسای کاتولیک در سال ۱۵٤۵ م با تشکیل شورای ترنت به طور جدی آغاز به کار کرد.

تغییرودگرگونی به آسانی میسر نشد. در این دوره فضایی آکنده از ترس و نگرانی پدیدآمد که در هر دوسو، برای مثال انحلال دیرها در انگلستان و تشکیل دادگاه‌های تفتیش‌عقاید در اسپانیا، به افراط کشیده شد.

نویسندگان در ایتالیا به طیف وسیعی از موضوعات توجه کردند. نیکولوماکیاولی در سال ۱۵۱۳ م کتاب *شهریار* را نوشت که رهنمودی بدبینانه در باب قدرت سیاسی است. بالداساره کاستیلیونه نیز در سال ۱۵۲۷ م کتاب راهنمای *درباری* را نوشت و توضیح داد چگونه می‌توان به اشراف‌زاده‌ای رنسانسی بدل شد. جورجو وازاری در سال ۱۵۵۰م نخستین‌کتاب بنیادی در زمینهٔ تاریخ هنر را به نام *سرگذشت مطرح‌ترین نقاشان، مجسمه‌سازان و معماران* تألیف کرد.

دزیدریوس اراسموس، محقق و اومانیست هلندی، کتاب هجوآمیز و مفرح خود *بهشت حماقت* را نوشت و همزمان با او میشل دو مونتنی درفرانسه‌مقالات خود و فرانسوا رابله هجویه‌های خود را نوشتند.

در نیمهٔ دوم این سده، رنسانس در انگلستان به طور کامل تثبیت شد. نخستین بار رنسانس در آثار نویسندگان دورهٔ الیزابت متجلی شد. این دوره شاعرانی چون ادموند اسپنسر، سرفیلیپ سیدنی و جان دان، مقاله نویسانی چون سرفرانسیس بیکن و نمایشنامه نویسانی چون کریستوفر مارلو، بن جانسون و مایهٔ افتخار زبان انگلیسی، ویلیام شکسپیر، را به خود دید.

این دوره همچنین دوران سفرهای مخاطره‌آمیز دریایی و زمینی بود. سر فرانسیس دریک به دریانوردی دور دنیا رونهاد و عامل شکست ناوگان اسپانیا در سال ۱۵۸۸ م شد.



۱

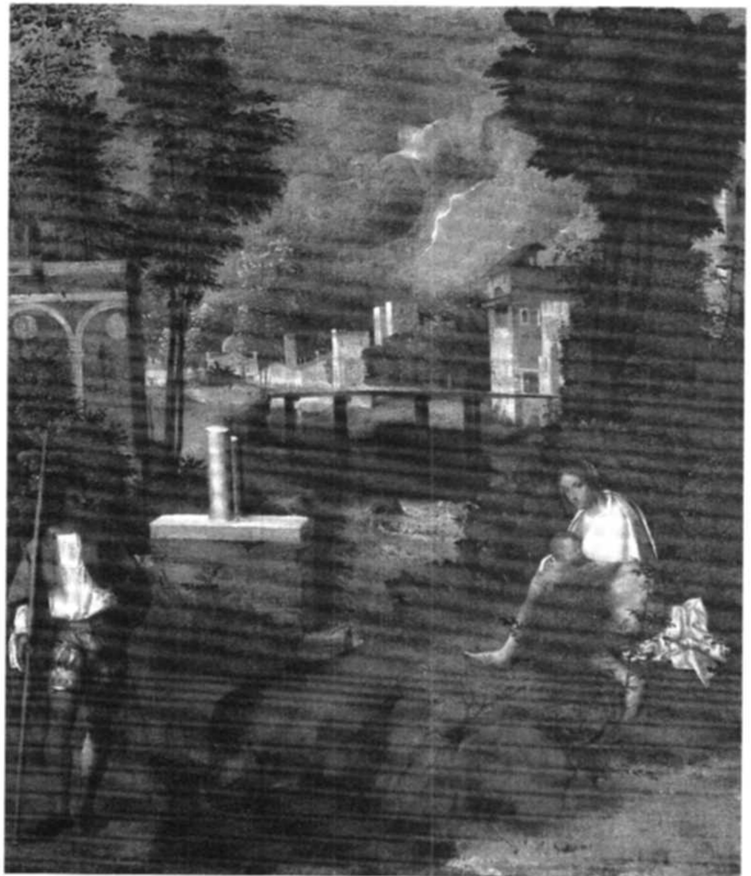
۱ـ تک‌چهرهٔ فرانسوای اول اثر ژان کلو.

۲ـ بخشی از تابلوی مکتب *آتن* اثر رافائل متعلق به سال ۱۵۰۹م که استادی او را در ترکیب بندی وپرسپکتیو نشان می‌دهد.اندام‌های تندیس‌وار فلاسفه، شاعران و دانشمندانی که افلاطون و ارسطو را (در مرکز) احاطه کرده‌اند، بازتاب تأثیرپذیری عمیق از میکل‌آنژ و لئوناردو داوینچی است.

۳ـ *توفان* اثر جورجونه یکی از نخستین نقاشی‌هایی بود که طبیعت بیش از انسان موضوع غالب آن بود.



۲



۳

انگلستان به نیت استقرار یافتن در امریکای شمالی سرهمفری گیلبرت را در سال ۱۵۷۸م برای مستقر شدن در سرزمین تازه کشف شده اعزام کرد. در همان زمان، سروالتر رالی تلاش می‌کرد تا در جزیرهٔ روناک دور از ساحل ویرجینیا مستقر شود. هیچ یک از این دو موفق نشدند. اما موفقیت در جیمزتاون ویرجینیا کمی بعد در سال ۱۶۰۷م حاصل شد.

### هنرهای زیبا

رنسانس مترقی غلبهٔ روح اومانیستی را در آثار سه استاد بزرگ شاهد بود. یکی از این آثار *شام آخر* اثر لئوناردو داوینچی بود که در سال ۱۴۹۵ م برای دیر سانتاماریا دله گراتزیه در میلان نقاشی شد. دومین اثر *مکتب آتن* اثر رافائل سانتی بود که در سال ۱۵۰۹ م پاپ جولیوس دوم آن را برای واتیکان در رم سفارش داد. (تصویر ۲) این دو اثر بازتاب توازن و تقارن در جهانی کاملاً منظم و سامان‌مندند که آرمان رنسانس مترقی محسوب می‌شدند. سومین شاهکار این دوره نقاشی سقف نمازخانهٔ سیستین در سال ۱۵۱۲ م اثر میکل آنژ بود که شور جدیدی در عالم هنر برانگیخت.

ونیز در شمال ایتالیا مرکز هنری کشور محسوب می‌شد. هنرمندان آن در آثار خود بر خصوصیاتی چون نور، فضا و رنگ تأکید داشتند. جووانی بلینی این عناصر را در آثار واپسین خود به خدمت گرفت تا حس جاودانگی را با پیکرهای انسانی خود القاکند.

ایجاد سبکی جدید و نقاشانه‌تر به جورجونه،[۲۲] نقاش نسل بعد، نسبت داده می‌شود. در آثار او طبیعت مضمون اصلی و غالب است و انسان‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. این موضوع در شاهکار او با نام *توفان* به خوبی نمایان است. (تصویر ۳)

راهی را که جورجونه در پیش گرفت، شاگردش تیتیان دنبال کرد. تیتیان که عمری طولانی یافت، نقاش مسلط مکتب ونیز در

این سده شد. دیگر نقاشان برجسته این دوره کورجّو (آنتونیو آلگری)، تینتورتو (جاکوپو روبوستی)[۲۳] و پائولو ورونزه[۲۴] بودند.

رنسانس مترقی، که در حدود سال ۱۴۹۵ م آغاز شده بود، در سال ۱۵۲۷ م با چپاول رم به دست سربازان مزدور آلمانی، که امپراتور شارل پنجم مواجب آن‌ها را نپرداخته بود، به پایان رسید و شهر رم به ورطهٔ تجاوز، قتل و ویرانی مهارناشدنی افتاد.

بسیاری از هنرمندان، نویسندگان و موسیقی‌دانان ایتالیایی به‌فرانسه گریختند و زیرحمایت فرانسوای اول قرار گرفتند. این هنرمندان روح رنسانس مترقی را با خود به فرانسه آوردند. روحی که سرانجام جایگزین سنت دیرپای گوتیک در این کشور شد. تأثیرات ایتالیایی در نقاشی‌های ژان و فرانسوا کلو (تصویر ۱) و در مکتب فونتن بلو آشکار است.

در نقاط دیگر اروپا، روح رنسانس با واقعگرایی گوتیک در آمیخت و هنرمندان بی‌همتایی چون پیتر بروگل مهین را در هلند، هانس هولباین کهین را در انگلستان (تصویر ٤) و آلبرشت‌دورر و لوکاس کراناخِ کهین را در آلمان به عالم هنر عرضه داشت.

چپاول رم و اصلاحات متقابل کلیسای کاتولیک در ایتالیا تأثیر عظیمی بر هنرهای تجسمی گذاشت. حس آرامش و نظمِ رنسانس مترقی، زمینه را برای مبالغه، پیچیدگی و وقار هموار کرد. مورخان هنر، این سبک اواخر رنسانس را شیوه گرایی می‌نامند و نخستین تجلی آن را در آثار واپسین میکل‌آنژ و هنر جاکوپودا پونتورمو، روسو فیورنتینو، پار میجیانو (فرانچسکو ماتزولا) و بعدها فرانچسکو پریماتیچو، برونتسینو (آنگولو دی کوزیمو دی ماریانو) و جولیو رومانو می‌دانند.

*داوری نهایی* نمونه‌ای قدرتمند از شیوه‌گرایی و باشکوه‌ترین اثر میکل‌آنژ است که در آن دوزخیان در فضای یأس و نومیدی به هم درپیچیده‌اند و مفرّی می‌جویند. (تصویر ۵) تجلی شخصی‌تر این شیوه را می‌توان در آثار ال‌گره‌کو یافت که انگشتان کشیدهٔ آدم‌هایش دلواپسی و اضطراب را القا می‌کنند.



۴



۵

٤ـ *هانری هشتم* اثر هانس هولباین کهین نمونهٔ توانمندی از هنر چهره‌پردازی است.

۵ـ دوزخیان بخشی از تابلوی *داوری نهایی* اثر میکل آنژ بر سقف نمازخانهٔ سیستین. این اثر واپسین میکل‌آنژ که در سال۱۵٤۲م تکمیل شد، در پیدایش شیوه‌گرایی به منزلهٔ شیوه‌ای هنری نقش داشت.

دوران شیوه‌گرایی در سال ۱۵۹۰ م به‌سررسید و هنرمندان جوان بار دیگر آثار استادان رنسانس مترقی را الهام‌بخش و سرلوحهٔ کار خود قرار دادند. این بازگشت سبک باروک را به دنبال داشت که سبک غالب سدهٔ بعد شد.

### هنرهای گرافیک

پس از مرگ آلدوس مانوتیوس در سال ۱۵۱۵ م نفوذ هنر چاپ در ونیز روبه افول نهاد. درست در همین زمان فرانسه و سپس فلاندرز[۲۵] مرکز چاپ و انتشار کتاب شدند. آلمان که زادگاه چاپ بود، نقش ارزشمند خود را در هنر گرافیک ادامه داد و انگلستان نیز برای تأسیس صنعتی قابل رشد در چاپ به تکاپو برآمد.

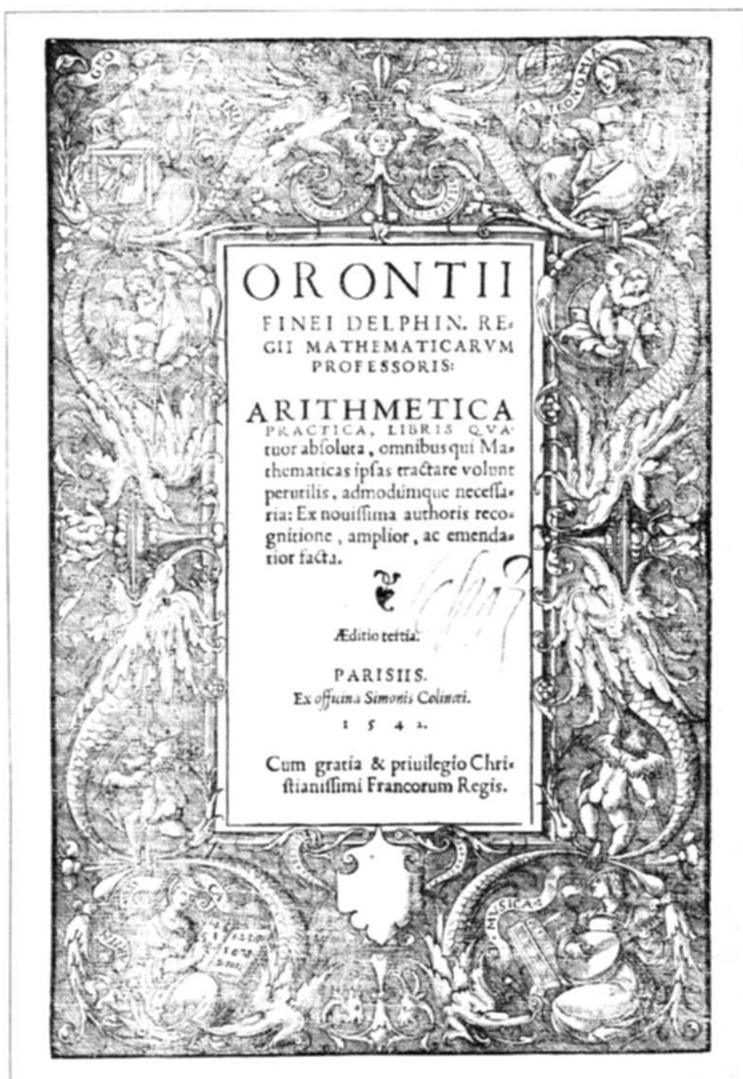
### چاپ در فرانسه

عصر طلایی چاپ فرانسه در دورهٔ فرانسوای اول آغاز می‌شود که از سال ۱۵۱۵ م تا سال ۱۵٤۷م حکومت‌کرد. فرانسوای‌اول به‌رنسانس ایتالیایی علاقه نشان می‌داد. او نمونه‌ای از روح اومانیستی در رواداری مذهبی بود. این موقعیت مناسبی بود چرا که بسیاری از چاپ‌گران برجستهٔ فرانسه پروتستان بودند.

از جمله چاپ گران و ناشران عمدهٔ این دوره هانری و روبر استنیه، جفری‌توری، سیمون‌دوکولین، کلودگارامون و روبرگرانژان بودند که معیارهای عالی چاپ آنان بر نسل آتی چاپ گران فرانسه تأثیر گذاشت.

هانری استنیه، نخستین چاپ‌گر و ناشر مهم فرانسه، چاپخانهٔ خود را در سال ۱۵۰۱ م در پاریس دایر کرد. او در طول فعالیت خود بیش از صد کتاب منتشر ساخت که آمیزه‌ای از حس وضوح و نظم فرانسه با معیارهای عالی و دانش آلدوس مانوتیوس و مکتب چاپ ونیز بودند. پس از مرگ استنیه در سال ۱۵۲۰ م، شریک او سیمون دو کولین، مدیریت چاپخانهٔ او را به مدت شش سال برعهده گرفت و از آن پس فرزندش هانری مالکیت این چاپخانه را در دست گرفت. کولین بعدها چاپخانه‌ای تأسیس کرد و کار چاپ را تا زمان مرگ خود در سال ۱۵٤٦ م ادامه داد. (تصویر ٦)

روبر استنیه که هوادار فرانسوای اول و دربار او بود، به سمت چاپ‌گر سلطنتی برای چاپ آثار عبری، یونانی و لاتین منصوب شد. استنیه در مقام محقق‌ناشر بسیاری از نسخه‌های نفیس آثار کلاسیک یونان و انجیل‌ها و فرهنگ‌ها را برای دانشجویان و افراد تحصیل کرده منتشر ساخت. (تصویر ۷)




۶

٦ـ صفحه عنوان کتاب *orontii* که سیمون دوکولین آن را در سال ۱۵٤۲ م. چاپ کرد و نشانهٔ تلفیق زیبای حروف چاپی و تصویر سازی است.

او همچنین کلودگارامون‌را مأمور ساختن نخستین حروف چاپی تکمیلی رومن و ایتالیک کرد. تا پیش‌از این زمان، این دو سبک مستقل از یکدیگر وجود داشتند و بخشی از یک خانواده که باید با یکدیگر به کار روند، در نظر گرفته نمی‌شدند. روبراستنیه بیش‌از چهارصدکتاب در میانهٔ‌این سده در کارگاه پاریس خود انتشار داد و از آن‌جا که او کالونیستی[۲۶] شناخته شده بود، متأسفانه با مرگ فرانسوای اول حمایت دربار را از دست داد.

استنیه همانند برخی ناشران و کتاب فروشان دیگر خطر نکرد و ترجیح داد به جای آن‌که زنده زنده بر چوبهٔ مرگ سوزانده شود، از فرانسه بگریزد. او بار دیگر چاپخانه‌ای در شهر پروتستان‌نشین جنوا دایر کرد و فعالیت چاپخانهٔ پاریس را به دیگر اعضای کاتولیک خانواده واگذار کرد. به اعتقاد یکی از صاحب‌نظران، استنیه بزرگ‌ترین چاپ‌گر این قرن و شاید همهٔ دوره‌ها محسوب می‌شود.

جفری توری حدود سال ۱۴۸۰ م در بورگز زاده شد و نخستین سال‌های عمر خود را در ایتالیا صرف مطالعه و جذب ارزش‌های اومانیستی رنسانس ایتالیایی کرد. توری از جهات بسیاری مرد رنسانس محسوب می‌شود، زیرا او شاعر، فیلسوف، مترجم، چاپ‌گر و ناشر بود.

توری در آغاز نمونه‌خوان هانری استنیه و سیمون دوکولین بود و سپس در سال ۱۵۲۹ م چاپخانهٔ خود را در پاریس دایر کرد و شاهکار خود *شان فلوری* را منتشر ساخت. (تصویر ۸) قصد اصلی او از چاپ این کتاب ترویج این عقیده بود که حروف بزرگ رومن باید مبتنی بر تناسبات پیکر انسان آرمانی باشند. این عقیده را لئوناردو داوینچی (تصویر ۹) لوکا د پاچیولی و آلبرشت دورر نیز مطرح کرده بودند. معرفی تکیهٔ سدیلا[۲۷] و آپوستروف در زبان فرانسه به توری نسبت داده می‌شود. او همچنین موجب شد تا چاپ‌گران فرانسوی کاربرد طولانی حروف چاپی گوتیک را به ویژه در چاپ کتب مذهبی کنار بگذارند. توری به خاطر سهم بسیار خود در امر چاپ و نیز انتشار آثار فرانسوی از سوی فرانسوای اول مفتخر به عنوان چاپ‌گر سلطنتی شد. او در سال ۱۵۳۳ م چهارسال پس از انتشار کتاب *شان فلوری* درگذشت.

Liber Deuteronomii, hebraice
Elle haddebarim.

CAP. I.

HAEC SVNT VERBA quæ locutus est Moyses ad omnem Israel trãs Iordanem in solitudine campestri, contra Mare-rubrum, inter Pharan & Thophel & Laban & Haseroth, vbi auri est plurimum. vndecim diebus de Horeb per viam mõtis Seir vsque ad Cades-barne. Quadragesimo anno, vndecimo mẽse, prima die mẽsis locutus est Moyses ad filios Israel omnia quæ præceperat illi Dominus vt diceret eis: postquã percussit Sehon regẽ Amorrhæorũ, qui habitauit in Hesebon: & Og regẽ Basan, qui mansit in Astaroth, & in Edrai trãs Iordanẽ in Terra-Moab. Cœpitq; Moyses explanare legẽ & dicere, Dominus Deus noster locutus est ad nos in Horeb, dicens, Sufficit vobis quod in hoc mõte mansistis: reuertimini, & venite ad montẽ Amorrhæorũ, & ad cætera quæ ei proxima sunt campestria atque montana & humiliora loca contra meridiem, & iuxta litus maris, Terram-Chananæorũ, & Libani vsque ad flumẽ magnũ Euphraten. En, inquit, tradidi vobis: ingredimini & possidete eam, super qua iurauit Dominus patribus vestris Abraham, Isaac, & Iacob, vt daret illã eis, & semini eorũ post eos. Dixique vobis illo in tempore, Non possum solus sustinere vos: quia Dominus Deus vester multiplicauit vos, & estis hodie sicut stellæ cæli, plurimi. Dominus Deus patrũ vestrorũ addat ad hunc numerũ multa milia, & benedicat vobis sicut locutus est. Non valeo solus negotia vestra sustinere, & põdus ac iurgia. Date ex vobis viros sapientes & gnaros, quorũ conuersatio sit probata in tribubus vestris, vt ponã eos vobis principes. Tunc respõdistis mihi, Bona res est quã vis facere. Tulique de tribubus vestris viros sapientes & nobiles, & constitui eos principes, tribunos, & cẽturiones, & quinquagenarios ac decanos, qui docerent vos singula. Præcepiq; eis, dicẽs, Audite illos, & quod iustum est iudicate: siue ciuis sit ille, siue peregrinus. Nulla erit distantia personarum, ita paruum audietis vt magnum: nec accipietis cuiusquam personã, quia Dei iudicium est. Quod si difficile vobis visum aliquid fuerit, referte ad me, & ego audiam. Præcepique omnia quæ facere deberetis. Profecti autem de Horeb, transiuimus per eremum terribilẽ & maximã solitudinem quam vidistis, per viam mõtis Amorrhæi, sicut præceperat Dominus Deus noster nobis. Cumq; venissemus in Cades-barne, dixi vobis, Venistis ad montẽ Amorrhæi, quẽ Dominus Deus vester daturus est vobis. Vide Terrã quã Dominus Deus tuus dabit tibi: ascende & posside eam, sicut locutus est Dominus Deus noster patribus tuis: noli timere, nec quicquã paueas. Et accessistis ad me omnes, atque dixistis, Mittamus viros qui considerẽt Terrã: & renuntient per quod iter debeamus ascendere, & ad quas pergere ciuitates. Cumque mihi sermo placuisset, misi ex vobis duodecim viros, singulos de tribubus suis. Qui cum perrexissent, & ascendissent in montana, venerunt vsque ad Vallem-botri: & considerata terra sumẽtes de fructibus eius, vt ostenderẽt vbertatẽ, attulerũt ad nos, atque dixerũt, Bona est Terra quã Dominus Deus noster daturus est nobis. Et noluistis ascẽdere, sed increduli ad sermonem Domini Dei nostri murmurastis in tabernaculis vestris, atque dixistis, Odit nos Dominus, & idcirco eduxit nos de Terra-AEgypti, vt traderet nos in manu Amorrhæi, atque deleret. Quò ascẽdemus? nũtii terruerũt cor nostrũ, dicẽtes, Maxima multitudo est, & nobis statura procerior: vrbes magnæ, & ad cælum vsque munitæ, filios enacim vidimus ibi. Et dixi vobis, Nolite metuere, nec timeatis eos. Dominus Deus qui ductor est vester, pro vobis ipse pugnabit, sicut fecit in AEgypto cunctis videntibus, & in solitudine ipsi vidistis. Portauit te Dominus Deus tuus, vt solet homo gestare paruulũ filiũ suũ, in omni via per quã ambulastis, donec veniretis ad locũ istũ. Et nec sic quidẽ credidistis Domino Deo vestro, qui præcessit vos in via, & metatus est locũ in quo tẽtoria figere deberetis, nocte ostendẽs vobis iter per ignẽ, & die per columnam nubis. Cumq; audisset Dominus vocẽ sermonũ vestrorũ, iratus iurauit & ait, Non videbit quispiam de hominibus generationis huius pessimæ Terrã bonã, quã sub iuramẽto pollicitus sum patribus vestris: præter Caleb filiũ Iephone. ipse enim videbit eã, & ipsi dabo Terrã quã calcauit, & filiis eius, quia secutus est Dominũ. Nec mirãda indignatio in populũ, cum

۷

۷ـ کتاب مقدس لاتین چاپ روبر استنیه در سال ۱۵۴۰م، نمونه‌ای ازمعیارهای عالی چاپ زیردستانه کتاب دربین بهترین آثار چاپ‌گران فرانسوی میانهٔ این سده است. به طرح آراستهٔ حروف چاپی، حواشی وسیع، و حروف نمایشی کاملا یکپارچهٔ سرفصل و یادداشت‌های کنارهٔ متن توجه داشته باشید.

دربارهٔ کلود گارامون اطلاعات اندکی موجود است، جز این که او در سال تولد توری یعنی در سال ۱۴۸۰ م به دنیا آمد و کار خود را در جوانی با بریدن کلیشه‌های حروف آغاز کرد. گارامون در زمان کار با استنیه، ساخت حروف چاپی را فراگرفت و سپس به نظر می‌رسد خود را حروف‌ساز، چاپ‌گر و متصدی کارگاه ریخته‌گری حروف چاپی معرفی می‌کند.

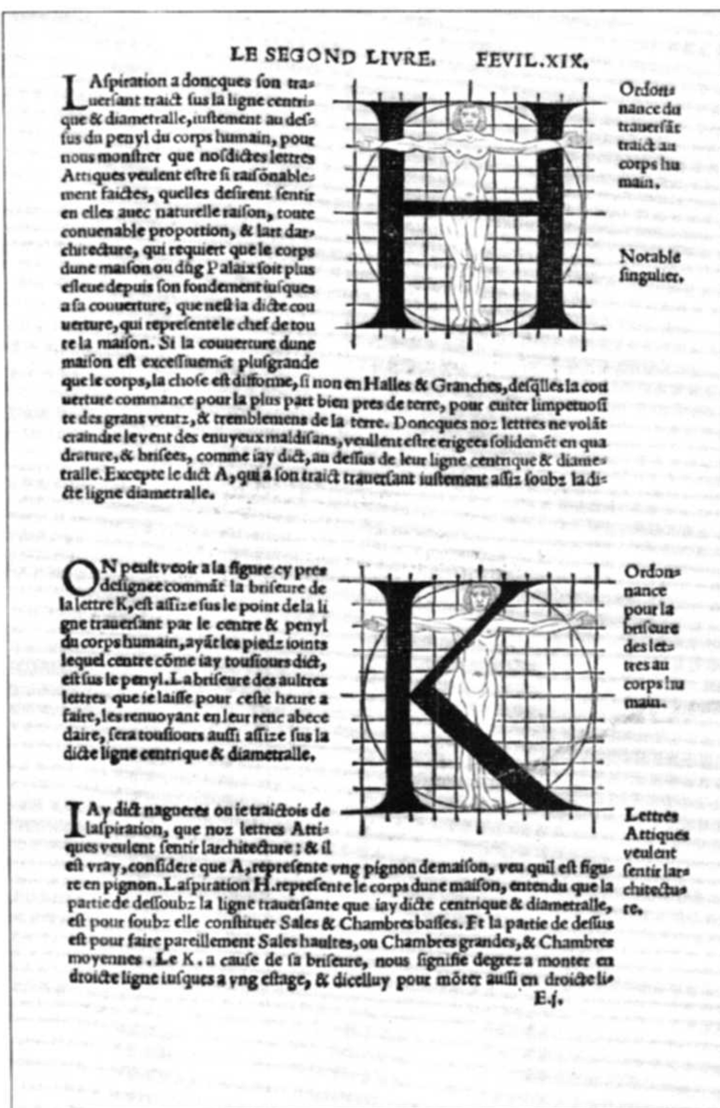
گارامون از جمله نخستین چاپ‌گرانی محسوب می‌شود که حروف چاپی را برای فروش به چاپگران دیگر طراحی و قالب‌ریزی کرد. از جمله دستاوردهای بسیار او، طراحی حروف چاپی زیبای یونانی موسوم به *گرک دو رو* (حروف یونانی شاه) به سفارش فرانسوای اول بود. (تصویر ۱۱)

شاید بزرگ‌ترین نقش گارامون از میان بردن اتکای طراحی حروف چاپی بر فرم‌های خطاطی باشد. او به جای آن‌که حروف چاپی را به شکل نوشتار درآورد، اجازه داد که فلز، تعیین کنندهٔ شکل حروف باشد. درست همان‌گونه که نوشته‌ها تابع خصوصیت قلم نی بودند، حروف چاپی نیز اکنون باید از فلز تبعیت می‌کردند.

زندگی گارامون علی‌رغم دستاوردهای بسیار در فقر به پایان رسید. او در سال ۱۵۶۱م در ۸۱ سالگی در پاریس درگذشت.

روبرگرانژون مؤسس حروف‌چاپی و چاپ‌گر فرانسوی دیگر این دوره چاپخانهٔ خود را ابتدا در پاریس دایر کرد اما در سال ۱۵۵۶ م به شهر لیون نقل مکان کرد. او در لیون حروف چاپی خطاطانه‌ای را موسوم به سیویلیته براساس خط گوتیک شکستهٔ آن دوره طراحی کرد. (تصویر ۱۰) گرچه این حروف در دورهٔ خود رواج داشتند اما امروزه آن‌ها را برای خواندن دشوار می‌یابیم.

گرانژون پس از آن به دعوت کریستف پلانتین چاپ‌گر معروف فلاندری به آنت ورپ رفت و قبل از پذیرش دعوت پاپ گرگوری سیزدهم برای اقامت در رم، شماری حروف‌چاپی برای او طراحی کرد. اقامت گرانژون در شهر رم کوتاه بود و او یک سال پس از ورود خود درگذشت.


LE SEGOND LIVRE. FEVIL.XIX.

LAſpiration a doncques ſon trauerſant traict ſus la ligne centrique & diametralle, iuſtement au deſſus du penyl du corps humain, pour nous monſtrer que noſdictes lettres Attiques veulent eſtre ſi raiſonablement faictes, quelles deſirent ſentir en elles auec naturelle raiſon, toute conuenable proportion, & lart darchitecture, qui requiert que le corps dune maiſon ou dũg Palaix ſoit plus eſleue depuis ſon fondement iuſques a ſa couuerture, que neſt la dicte couuerture, qui repreſente le chef de toute la maiſon. Si la couuerture dune maiſon eſt exceſſiuemẽt plusgrande que le corps, la choſe eſt difforme, ſi non en Halles & Granches, deſqlles la couuerture commance pour la plus part bien pres de terre, pour euiter limpetuoſite des grans ventz, & tremblemens de la terre. Doncques noz lettres ne volãt craindre le vent des enuyeux maldiſans, veullent eſtre erigees ſolidemẽt en quadrature, & briſees, comme iay dict, au deſſus de leur ligne centrique & diametralle. Excepte le dict A, qui a ſon traict trauerſant iuſtement aſſiz ſoubz la dicte ligne diametralle.

Ordonnance du trauerſãt traict au corps humain.

Notable ſingulier.

ON peult veoir a la figure cy pres deſignee commãt la briſeure de la lettre K, eſt aſſize ſus le point de la ligne trauerſant par le centre & penyl du corps humain, ayãt les piedz ioints lequel centre cõme iay touſiours dict, eſt ſus le penyl. La briſeure des aultres lettres que ie laiſſe pour ceſte heure a faire, les renuoyant en leur renc abecedaire, ſera touſiours auſſi aſſize ſus la dicte ligne centrique & diametralle.

Ordonnance pour la briſeure des lettres au corps humain.

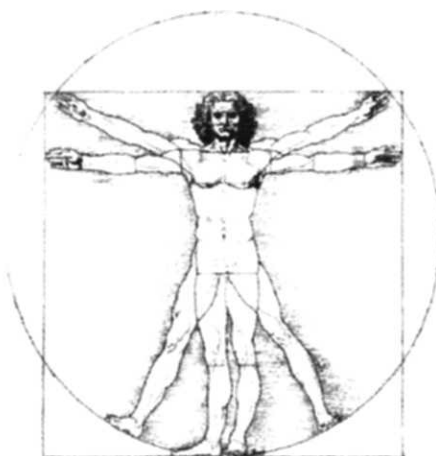
IAy dict nagueres ou ie traictois de laſpiration, que noz lettres Attiques veulent ſentir larchitecture : & il eſt vray, conſidere que A, repreſente vng pignon de maiſon, veu quil eſt figure en pignon. Laſpiration H. repreſente le corps dune maiſon, entendu que la partie de deſſoubz la ligne trauerſante que iay dicte centrique & diametralle, eſt pour ſoubz elle conſtituer Sales & Chambres baſſes. Et la partie de deſſus eſt pour faire pareillement Sales haultes, ou Chambres grandes, & Chambres moyennes. Le K. a cauſe de ſa briſeure, nous ſignifie degrez a monter en droicte ligne iuſques a vng eſtage, & dicelluy pour mõter auſſi en droicte li-

E.j.

Lettres Attiques veulent ſentir larchitecture.

۸

۸ و ۹ـ جفری توری درکتاب خود، *شان فلوری*، چاپ سال ۱۵۲۹م پیشنهاد داد حروف بزرگ رومی مبتنی بر تناسبات انسان آرمانی باشد که در نگاشته‌های ویترویوس معمار رومی و در طرح‌های لئوناردو داوینچی از اندام انسانی دیده می‌شود.

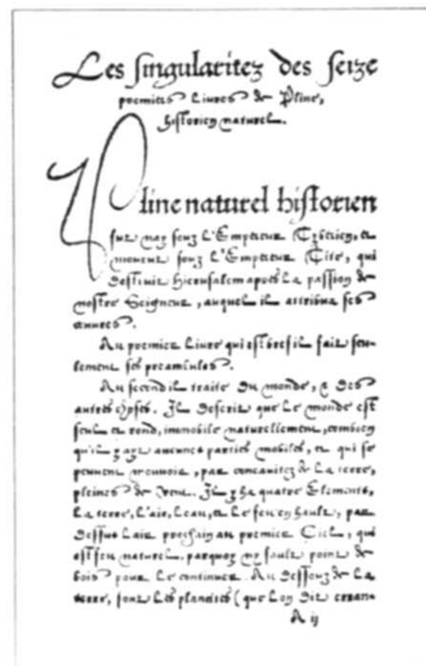


۹

ربع سوم این سده، صرف نظر از برخی استثناءها، شاهد زوال کلی چاپ فرانسه بود. دلایل عمدهٔ این امر، سانسور مذهبی فزایندهٔ موضوعات چاپی و کشاکش دائمی بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها پس از مرگ فرانسوای اول در سال ۱۵۴۷ م بود. اوج این کشمکش‌ها در سال ۱۵۷۲م با کشتار خونین پروتستان‌ها در روز سن بارتلمی در سراسر فرانسه رخ داد. از آن‌جا که بهترین چاپ‌گران و طراحان حروف چاپی کالونیست بودند، در نتیجه مجبور به فرار از فرانسه شدند و بدین‌سان نفوذ و غلبهٔ چاپ فرانسه به پایان رسید.

گرچه عصر طلایی چاپ فرانسه تنها شصت سال به درازا کشید اما در این دوره شاهد تحول کتاب در شکل کنونی آن هستیم. چاپ‌گران فرانسوی نظیر جفری توری، استنیه و سیمون دوکولین دیگر رغبتی به الگوبرداری از دست نوشته‌های مکتوب نداشتند و حروف چاپی را برحسب قرارگیری آن بر روی کاغذ چاپ مورد توجه قرار دادند.

صفحه‌آرایی کتاب‌ها منطقی‌تر شد و به اندازهٔ صفحه، تزیینات‌وتصویرسازی توجه بیش‌تری‌معطوف‌شد. صفحات از این پس با حروف نمایشی گراوور شدهٔ سرفصل، باسمه‌های‌چوبی‌ظریف و حواشی آراسته، به گونه‌ای زیبا و خوش‌ترکیب تزیین می‌شدند. این موارد همگی با به کارگیری حروفی که سبک‌تر و چسبان‌تر از چاپ ونیزی بودند، هر چه بیش‌تر بهبود یافت.


Les singularitez des seize
premiers Livres de Pline,
historien naturel.

Pline naturel historien

۱۰


ΕΚΚΛΗΣΙΑΣΤΙΚΗΣ ΙΣΤΟΡΙΑΣ ΘΕΟ.

۱۱

۱۰ـ حروف‌سیویلیته را روبر گرانژون طراحی کرد. گرچه در دورهٔ خود رواج داشت اما به تدریج از دور خارج شد.

۱۱ـ کلود گارامون از سوی فرانسوای اول مأموریت یافت که حروف یونانی طراحی کند. روبر استنیه این حروف را، که به گرک دو رو (حروف یونانی شاه) موسوم شد، برای نخستین بار در سال ۱۵۴۴م در نسخهٔ یونانی *تاریخ کلیسا* اثر اوزبیوس مورد استفاده قرار داد.

## چاپ در فلاندرز

بـا زوال چاپ‌فرانسه، آنت‌ورپ در فلاندرز (بلژیک کنونی) مرکز عمدهٔ چاپ اروپا شد. بخشـی از جاذبـهٔ آنـت‌ورپ بـرای نقاشان، محققـان و چـاپ‌گران رونق مادی و فضای مساعد آن بود.

مهـم‌تریـن چـاپ‌گر این دوره کریستف پلانتیـن فرانسـوی بود که فعالیت خود را با کـتاب‌فروشـی و صـحافی در پـاریس آغاز کـرد. پلانتیـن در سال ۱۵۴۹م به آنـت‌ورپ نقـل مکـان کـرد و در آن‌جا کتاب، تصاویر چاپـی و نقشـه‌هایـی به فروش رساند که از جملـهٔ آن‌هـا کارهـای نقشـه‌کـش معـروف ژراردوس مـرکاتـور بود. او سپس چاپخانهٔ خـود را در سـال ۱۵۵۵ م تأسیس کرد و در انـدک زمانـی بـزرگ‌تریـن و پیشـروترین چاپ‌گرناشر قاره اروپا شد.

پلانتیـن بـه شـدت زیـر نفـوذ چـاپ و طراحی حروف فرانسه به ویژه کار گارامون و گرانـژون بود. یکی از بزرگ‌ترین کارهای پلانتیـن انجیلی چند زبانه بود که با حمایت فیلیـپ دوم پادشـاه اسپانیا در هشت جلد و پـنج زبـان بـه چـاپ رسـید. (تصـویر ۱۲) پلانتیـن بـرای صـفحهٔ عـنوان این انجیل به جـای گـراوورهای چوبـی سنتی، بیش‌تر از گراوورهای مسی استفاده کرد.

گـرچه لـوح‌هـای گراوور نیازمند فرایند جداگانـه‌ای در دستگاه چاپ گود بودند اما جزییات را ظـریف‌تـر ارائـه می‌دادند و در برابـر فرسـایش مقـاوم بودنـد. گراوورهای مسـی در نهایـت بـه خاطـر چاپ ظریف‌تر کاربرد عمومی گراوورهای چوبی را از میان بردند.

پلانتیـــن‌درســال۱۵۸۹م درگذشـــت و دامـادش‌ژان مورتـوس جانشـین او شـد و چاپخانـهٔ پلانتین ـ مورتوس را تأسیس کرد کـه تـا سـال ۱۸۷۵ م فعـال بـود و امـروزه سـاختمان آن بـه صـورت مـوزه حفظ شده است.



۱۲

۱۲ـ شـاهکار کریسـتف پلانتیـن کـتاب مقـدس چـند زبانـی بسیار بـزرگ هشت جلدی او بود که در سال ۱۵۷۲ م انتشار یافت. در این کـتاب پـنج زبـان ـ لاتین، یونانی، عـبری، سریانی و آرامی ـ در کنار هـم بـه کار رفته‌اند. صفحه عنوان گـراوور شدهٔ این اثر را در صفحهٔ ۸۷ می‌توان دید.

## چاپ در آلمان

آنتوان کوبرگر که فعالیت خود را در پایان سدهٔ پانزدهم آغاز کرده بود، کماکان بزرگ‌ترین چاپ‌گر، ناشر و کتاب‌فروش آلمان در این دوره بود. چاپخانهٔ او در شهر نورمبرگ بیش از صد حروف‌چین، ماشینچی، صحاف و فروشنده سیار را در استخدام خود داشت. کوبرگر تا پیش از مرگش در سال ۱۵۱۳م، بیش از دویست عنوان کتاب و از جمله پانزده انجیل به چاپ رساند.

آلبرشت دورر پس از گراوور چوبی موفق «چهار سوار سرنوشت» که در کتاب *مکاشفات* به چاپ رسید، هنر خود را بسط داد و گراوورهای فلزی و حکاکی اسیدی را نیز تجربه کرد. دورر کتاب‌هایی در زمینهٔ پرسپکتیو، مناسبات پیکر انسان و هندسه شکل حروف براساس پیکر انسان نوشت و تصویرسازی کرد. هنر تصویرسازی هنگام مرگ او در ٦ آوریل سال ۱۵۲۸ م به قله‌های جدیدی صعود کرده بود.

یکی از مهم‌ترین کتاب‌های این سده ترجمهٔ آلمانی انجیل به دست مارتین لوتر بود. (تصویر ١٤) عهد جدید که از متن یونانی اراسموس ترجمه شده بود، هنگام چاپ با کلیشه‌های چوبی لوکاس کراناخ مهین تصویرسازی شد. این ترجمه را در سال ۱۵۲۲ م ملشیور لوتهر اهل ویتمبرگ به چاپ رساند و کتاب *عهد عتیق* دوازده سال بعد چاپ شد. ترجمهٔ لوتر تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری زبان آلمانی گذاشت.

یوهان فروبن اهل باواریا، چاپخانهٔ خود را سال ۱٤۹۱م در شهر باسل سوئیس دایر کرد و چاپ‌های محققانه‌ای از آثار کلاسیک ارائه داد. دو مورد از هنری‌ترین کارهای او نسخهٔ یونانی آثار ارسطو و کتاب *عهد جدید* بود که هر دو با نظارت اراسموس چاپ شدند. فروبن همچنین برای تصویرسازی‌های چاپ چوبی، حواشی صفحه عنوان و حروف نمایشی سرفصل هانس هولباین را به خدمت گرفت. (تصویر ۱۳) او انتشار کتاب‌های هنری را تا زمان مرگ خود در سال ۱۵۲۷ م ادامه داد.




## چاپ گود

*پیش از رنسانس، تصاویر یا با دست ترسیم می‌شد یا با لوح‌های چوبی به چاپ می‌رسید. در سال‌های ۱٤۰۰م روش چاپ‌جدیدی موسوم به‌اینتالیو (Intalio) به تکامل رسید. اما این روش از سال‌های ۱۵۰۰ م در چاپ کتاب مورد استفاده قرار گرفت.*

*در روش اینتالیو چاپ از طریق لوحی فلزی صورت می‌گرفت که تصویر روی آن گود افتاده بود. (این روش برخلاف چاپ حروفی گوتنبرگ و باسمه‌های چوبی‌ای بود که سطح چاپ برجسته داشتند.)*

*در روش اینتالیو با گراوور سازی و حکاکی جزئیات بیش‌تر و تعداد وسیع‌تری از رنگ مایه‌ها قابل اجرا بود که با باسمه‌های چوبی امکان نداشت. این نکته را می‌توان با مقایسهٔ صفحه عنوان کتاب مقدس چند زبانی کریستف پلانتین، تصویرفوق، و چاپ‌نقش‌های چوبی صفحهٔ مقابل دریافت. علاوه بر این، با استفاده از لوح فلزی چاپ نقش‌های بیش‌تری به دست می‌آمد که با لوح‌های چوبی نا‌ممکن بود. یکی از اشکالات روش اینتالیو برای چاپ کتاب این بود که هنگام چاپ متن به روش لترپرس تصویرسازی‌ها باید جداگانه در ماشین چاپ غلتکی خاص اینتالیو چاپ می‌شد. گراوور شکل مدرنی از چاپ اینتالیو است.*




Ipse morietur. Quia nō habuit disci-
plinam, & in multitudine stultitiæ
suæ decipietur.

PROVER. V



Il mourra, Car il n'a receu
En soy aulcune discipline,
Et au nombre sera deceu
De folie qui le domine.

D iii

۱۳

۱۳ـ باسمه‌های چوبی هانس هولباین کهین برای یوهان فروبن که بعدها ام و گ. ترشسل اهل لیون از آن‌ها در این نسخه از کتاب رقص مرگ چاپ سال ۱۵۳۸م استفاده کردند. در بالا، علامت چاپ فروبن دیده می‌شود.

Das Buch

Da aber der Philister fursten sich versamleten/yhrem Gott Dagon eyn groſs opffer zuthun vñ sich zu frewen/sprachen sie/ Unser Gott hatt vns vnsern feynd Simson ynn vnsere hende gegeben. Desselben gleichen als yhn das volck sahe/lobten sie yhren Gott/denn sie spra-chen/ Unser Gott hat vns vnsern feynd ynn vnsere hende geben/der vns vnser land verderbet/vnd vnser viel erschlug/Da nu yhr hertz gutter dinge war/sprachen sie/last Simson holen das er fur vns spie-le. Da holeten sie Simson aus dem gefengnis/vnd er spielet fur yhn/ vnd sie stelleten yhn zwischen zwo seulen.



Simson aber sprach zu dem knaben der yhn bey der hand leyttet/las mich das ich die seulen taste/auff wilchen das haus stehet/das ich mich dran lehne/Das haus aber war voll menner vnd weyber/ Es waren auch der Philister fursten alle da/vnd auff dem dach bey drey tausent man vnd weyb/ die zu sahen wie Simson spielet/Simson aber rieff den HERRN an vnd sprach HErr HERR gedencke meyn/vnd stercke mich doch Gott dis mal/das ich fur meyne beyde augen mich eynest reche an den Philistern.

Vnd er fasset die zwo mittel seulē/auff wilchen das haus gesetzt war vnd drauff sich hielt/eyne ynn seyne rechte die ander ynn seyne lincke hand vñ sprach/Meyn seele sterbe mit den Philistern/vnd ney get sie

۱۴

۱۴ـ یکی از کتب مهم سدهٔ شانزدهم ترجمهٔ کتاب مقدس مارتین لوتر به آلمانی بود. این کتاب که ملشیور لوتهر اهل ویتنبرگ آن را در سال ۱۵۲۳ م به چاپ رساند، تأثیر چشمگیری بر شکل‌گیری زبان آلمانی گذاشت. یکی از تصویرسازی‌های این کتاب، سامسون را در حال از میان بردن فلسطینیان و مسکن ایشان نشان می‌دهد.

**چاپ در انگلستان**

سانسور شدید دولتی سبب محدودیت صنعت چاپ انگلستان در شهرهای لندن، آکسفورد و کیمبریج شد. همهٔ دست‌نویس‌ها باید پیش از انتشار برای اخذ مجوز از ممیزی می‌گذشتند. این نظارت سرکوبگرانه تا اواخر سال‌های ۱۶۰۰ م پابرجا بود و مانع عمده‌ای در راه تکامل صنعت چاپ پویا در انگلستان شد.

عامل دیگر عقب‌ماندگی نسبی چاپ انگلستان اکراه این کشور در همگامی با قارهٔ اروپا برای کنار نهادن حروف گوتیک و به کارگیری حروف رومن بود.

از حروف‌گوتیک، که ویلیام ککستون آن را به انگلستان معرفی کرده بود، تا سال ۱۵۱۸ م استفاده می‌شد، یعنی تا زمانی که ریچارد پینسون چاپ‌گر لندنی حروف چاپی رومن را در چاپ کتاب *اوراتیو* اثر ریچارد پیس به کار گرفت. (تصویر ۱۵). حروف رومنِ پینسون حروف چاپی به نسبت سنگین و ابتدایی بودند. تا آن که جان دی در سال ۱۵۷٤ م حروف رومن و ایتالیک خاص انگلستان را ساخت. (تصویر ١٦)





HERE is no thynge in the worlde so couenient to a man as to be holy and to loue god and worshyppe hym.
Nihil in humanis religione sanctius / nihil homini tam proprium q̃ pietatis cultus.
Man is naturallye dysposyd to haue a mynde and reuerence towarde god.
Homini ingenita est religionis cura.
There be many & diuerse maners of worshyppyng and doynge of sacryfyce.

۱۵

Hæc est Præfatio (ostendens) quemadmodum *Sanctus Gregorius hunc librum fecit, quem homines* Pastorale nuncupant.


Elfredus Rex optat salutem Wulfsigeo episcopo dignissimo beneuolè et amater. Et te scire volo quod mihi sæpenumero in mentem venit, quales sapiētes diu abhinc extiterunt in Anglica gente, tam de spirituali gradu, quàm de temporali, quáq; fœlicia tùm tempora fuerunt inter omnes Angliæ populos, quemadmodũq; reges qui tunc gubernationem habebant plebis, Deo & eius voluntati scriptæ obsecundarint, vtq; in sua pace, & bellicis suis expeditionibus, atque regimine do-

۱۶

۱۵ـ ریچارد پینسون یکی از نخستین و ضعیف‌ترین حروف چاپی رومن را که در انگلستان متداول شد، در سال ۱۵۱۸م طراحی کرد.

١٦ـ جان دی حروف رومن بسیار زیباتری را که نشان از تأثیر عمیق قارهٔ اروپا بر طراحی حروف انگلیس دارد، در سال ۱۵۷٤م طراحی کرد. سمت راست علامت چاپ او دیده می‌شود.

## وقایع و اشخاص

### وقایع تاریخی

**۱۵۰۱ـ** تکمیل مجسمه *داوود* اثر میکل‌آنژ. شکنجه و آزار مورها در اسپانیا.
**۱۵۰۳ـ** نقاشی *مونالیزا* اثر لئوناردو داوینچی.
**۱۵۰۴ـ** نقاشی *ازدواج باکره* اثر رافائل.
**۱۵۰۶ـ** مرگ کریستف کلمب. بازسازی کلیسای سان پیتروی رم زیر نظر برامانته.
**۱۵۰۷ـ** نامگذاری دنیای جدید به امریکا به یادبود آمه ریگو وسپوچی.
**۱۵۰۹ـ** هلن اهل نورمبرگ ساعت جیبی را اختراع کرد. اسپانیایی‌ها نخستین بردگان را به امریکا وارد کردند.
**۱۵۱۱ـ** نگارش *بهشت ابلهان* اثر اراسموس.
**۱۵۱۲ـ** تکمیل نقاشی سقف کلیسای سیستین اثر میکل‌آنژ. پونس دولئون فلوریدا را کشف کرد.
**۱۵۱۳ـ** بالبوآ اقیانوس آرام را کشف کرد. نگارش *شهریار* اثر ماکیاولی.
**۱۵۱۴ـ** خلق تابلو *مالیخولیا* اثر دورر.
**۱۵۱۶ـ** نگارش کتاب *آرمانشهر* اثر توماس مور.
**۱۵۱۷ـ** اعتراض مارتین لوتر به فروش آمرزش نامه‌ها و نصب آرای نود و پنجگانهٔ خود بر در کلیسای ویتنبرگ. آغاز اصلاحات دینی. کورتس مکزیک را کشف کرد.
**۱۵۱۹ـ** آغاز دریانوردی ماژلان به دور دنیا. تاجگذاری شارل پنجم امپراتور مقدس روم.
**۱۵۲۱ـ** غلبهٔ اسپانیایی‌ها بر آزتک ها.
**۱۵۲۳ـ** بیرون راندن اروپاییان از چین.
**۱۵۲۷ـ** غارت رم به دست سربازان شارل پنجم.
**۱۵۳۰ـ** مستعمره سازی پرتغال در برزیل. تولد آندره آ. آماتی، ویولون ساز.
**۱۵۳۳ـ** تاجگذاری ایوان مخوف در مسکو.
**۱۵۳۴ـ** ریاست هنری هشتم بر کلیسای انگلیس. چاپ اولین کتاب نیمکرهٔ غربی در مکزیکوسیتی. ایجاد فرقهٔ ژوزوئیت.
**۱۵۳۵ـ** ژاک‌کارتیه رودخانهٔ سن لورنس را کشف کرد.
**۱۵۴۱ـ** دسوتو رودخانهٔ می سی سی پی را کشف کرد.
**۱۵۴۵ـ** تشکیل شورای ترنت به منظور اصلاح کلیسای کاتولیک. آغاز اصلاحات متقابل کلیسای کاتولیک. خلق مجسمهٔ پرسئوس، شاهکار چللینی و به نگارش درآمدن اتوبیوگرافی او.
**۱۵۵۰ـ** نگارش کتاب *زندگی هنرمندان* اثر وازاری.
**۱۵۵۵ـ** ورود تنباکوی امریکا به اسپانیا.
**۱۵۵۸ـ** بر تخت نشستن الیزابت اول در انگلستان.
**۱۵۶۰ـ** پذیرش کالوینیسم از سوی پارلمان اسکاتلند.
**۱۵۶۴ـ** تولد شکسپیر. مرگ میکل آنژ.
**۱۵۶۵ـ** ورود توتون به انگلستان. تولید مداد در انگلستان.
**۱۵۶۸ـ** مرکاتور شکل جدید نقشه‌های جغرافیایی را معرفی می‌کند.
**۱۵۷۵ـ** جمعیت تقریبی ۱۸۰/۰۰۰ نفری لندن.
**۱۵۷۷ـ** آغاز سفر فرانسیس درک به دور دنیا. اقامت ال گره کو در تولدو.
**۱۵۸۰ـ** انتشار مقالات مونتنی.
**۱۵۸۲ـ** پذیرش تقویم گره گورین در بین ملل کاتولیک.
**۱۵۸۴ـ** سر والتر رالی ویرجینیا را کشف کرد.
**۱۵۸۶ـ** تأسیس تئاتر کابوکی در ژاپن.
**۱۵۸۸ـ** شکست ناوگان اسپانیا از انگلیس.
**۱۵۸۹ـ** آغاز سلطنت هانری چهارم در فرانسه.
**۱۵۹۴ـ** نگارش *رومئو و ژولیت* اثر شکسپیر.
**۱۵۹۸ـ** اعطای آزادی عبادت در پی صدور فرمان نانت.

### ادبیات

دزیدریوس اراسموس (۱۴۶۶ـ ۱۵۳۶)
نیکولو ماکیاولی (۱۴۶۹ـ ۱۵۲۷)
لودویکو آریوستو (۱۴۷۴ـ ۱۵۳۳)
بالداساره کاستیلیونه (۱۴۷۸ـ ۱۵۲۹)
توماس مور (۱۴۷۸ـ ۱۵۳۵)
فرانسوا رابله (حدود ۱۴۹۰ـ ۱۵۵۳)
پیترو آرتینو (۱۴۹۲ـ ۱۵۵۶)
مارگارت اهل ناواره (۱۴۹۲ـ ۱۵۴۹)
تامس وایات (۱۵۰۳ـ ۱۵۴۲)
جورجو وازاری (۱۵۱۱ـ ۱۵۷۴)
ژواخیم دو بلی (۱۵۲۲ـ ۱۵۶۰)
پیر دو رونشار (۱۵۲۴ـ ۱۵۸۵)
میشل دو مونتنی (۱۵۳۳ـ ۱۵۹۲)
تورکواتو تاسو (۱۵۴۴ـ ۱۵۹۵)
ادموند اسپنسر (۱۵۵۲ـ ۱۵۹۹)
سر فیلیپ سیدنی (۱۵۵۴ـ ۱۵۸۶)
سر فرانسیس بیکن (۱۵۶۱ـ ۱۶۲۶)
ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴ـ ۱۶۱۶)
کریستوفر مارلو (۱۵۶۴ـ ۱۵۹۳)
بن جانسون (۱۵۷۲ـ ۱۶۳۷)
جان دان (۱۵۷۲ـ ۱۶۳۱)

### موسیقی

توماس تالیس (حدود ۱۵۱۰ـ ۱۵۸۵)
جووانی دا پالسترینا (حدود ۱۵۲۵ـ ۱۵۹۴)
اورلاندو دی لاسو (حدود ۱۵۳۲ـ ۱۵۹۴)
ویلیام برد (۱۵۴۳ـ ۱۶۲۳)
جووانی گابریه لی (حدود ۱۵۵۴ـ ۱۶۱۲)
توماس مورلی (حدود ۱۵۵۷ـ حدود ۱۶۰۳)
کارلو جزوالدو (حدود ۱۵۶۰ـ ۱۶۱۳)
جان دولاند (۱۵۶۶ـ ۱۶۲۶)
کلودیو مونته وردی (حدود ۱۵۶۷ـ ۱۶۴۳)

### هنرهای زیبا

ویتوره کارپاچو (حدود ۱۴۵۰ـ ۱۵۲۲)
لئوناردو داوینچی (۱۴۵۲ـ ۱۵۱۹)
ماتیاس گرونوالد (حدود ۱۴۷۰ـ ۱۵۲۸)
آلبرشت دورر (۱۴۷۱ـ ۱۵۲۸)
لوکاس کراناخ، کهین. (۱۴۷۲ـ ۱۵۵۳)
میکل آنجلو بوئوناروتی (۱۴۷۵ـ ۱۵۶۴)
جورجونه (حدود ۱۴۷۸ـ ۱۵۱۰)
آلبرشت آلتدورفر (۱۴۸۰ـ ۱۵۳۸)
رافائل سانتی (۱۴۸۳ـ ۱۵۲۰)
ژان کلو (حدود ۱۴۸۵ـ ۱۵۴۰)
تیتیان (حدود ۱۴۹۰ـ ۱۵۷۶)
جولیو رومانو (حدود ۱۴۹۲ـ ۱۵۴۶)
جاکوپو دا پونتورمو (۱۴۹۴ـ ۱۵۵۶)
کوررجو (آنتونیو آللگری) (حدود ۱۴۹۴ـ ۱۵۳۴)
جووانی باتیستا روسو (۱۴۹۵ـ ۱۵۴۰)
هانس هولباین، کهین (۱۴۹۷ـ ۱۵۴۳)
بن ونوتو چلینی (۱۵۰۰ـ ۱۵۷۱)
برونتزینو (آنگولو دی کوزیمو دی‌ماریانو) (۱۵۰۳ـ ۱۵۷۲)
پارماجانو(فرانچسکوماتزولا) (۱۵۰۳ـ ۱۵۴۰)
فرانچسکو پریماتیچو (۱۵۰۴ـ ۱۵۷۰)
آندره آ پالادیو (۱۵۰۸ـ ۱۵۸۰)
فرانسوا کلو (حدود ۱۵۱۰ـ حدود ۱۵۷۲)
تینتوره تو (جاکوپو روبوستی) (۱۵۱۸ـ ۱۵۹۴)
پیتر بروگل مهین (۱۵۲۵ـ ۱۵۶۹)
پائولو ورونزه (۱۵۲۸ـ ۱۵۸۸)
ال گره کو (حدود ۱۵۴۱ـ ۱۶۱۴)

### هنرهای گرافیک

یوهان فروبن (۱۴۶۰ـ ۱۵۲۷)
هانری استنیه (۱۴۷۰ ـ ۱۵۲۰)
جفری توری (۱۴۸۰ـ ۱۵۵۳)
کلودگارامون (۱۴۸۰ـ ۱۵۶۱)
روبر استنیه (۱۵۰۳ـ ۱۵۵۹)
ژراردوس مرکاتور (۱۵۱۲ـ ۱۵۹۴)
کریستوف پلانتین (۱۵۱۴ـ ۱۵۸۹)
ریچارد پینسون (۱۵۱۸)
جان دی (تولد ۱۵۲۲)
روبر گرانژون (تولد ۱۵۷۹)
سیمون دوکولین (مرگ ۱۵۴۶)
یان موره توس (مرگ ۱۶۱۰)


مارتین لوتر

## ۱۶۰۰ ـ ۱۷۰۰
## عصر مطلق گرایی و توسعه

ظهور پادشاهان خودکامه بر سال‌های سدهٔ شانزدهم سایه افکنده بود. این پادشاهان فرمانروایی را حق خدایی خود می‌دانستند. خودکامه‌ترین آن‌ها خورشیدشاه، لویی چهاردهم، در سراسر حکومت طولانی خود از سال ۱٦٤۳ تا ۱۷۱۵م فرانسه را زیر نفوذ و سیطرهٔ خود گرفت. (تصویر ۱) جالب این‌جاست که در همین زمان در انگلستان نخستین مخالفت‌های جدی با پذیرش این حق الهی آغاز شد و چارلز اول به دستور پارلمان خشمگین انگلستان در سال ۱٦٤۹ م گردن زده شد.

پادشاهی انگلیس با سلطنت چارلز دوم در سال ۱٦٦۰م و جانشین کاتولیک او، جیمز دوم، باردیگر برقرار شد. پارلمان ضد کاتولیک انگلستان در سال ۱٦۸۸ م با دعوت از ویلیام اهل اورنژ و به تخت نشاندن او قدرت خود را به نمایش گذارد. ویلیام پروتستانی هلندی و همسرش مری استوارت انگلیسی بود. این انتقال قدرت که بدون خونریزی صورت گرفت به انقلاب پیروز موسوم است.

آتش جنگ‌های مذهبی، که در سدهٔ قبل برانگیخته شده بود، اکنون در این سده فروکش کرده و آرامشی زودگذر میان ملت‌های کاتولیک و پروتستان پدیدار شده بود. این سده شاهد فروپاشی آرام قدرت اسپانیا و ظهور فرانسه همچون نیرویی سیاسی و هنری بود. زبان فرانسوی به زبان فرهنگ و دیپلماسی در اروپا مبدل شد.

مدارای مذهبی که در این سده پذیرش عام نیافته بود، گه‌گاه زیر پا نهاده می‌شد. هنگامی که لویی چهاردهم فرمان مصونیت نانت را ملغی کرد، پروتستان‌های فرانسه موسوم به هوگنوها ناگزیر به ترک فرانسه شدند. بسیاری از هوگنوها به انگلستان و امریکا مهاجرت کردند و صنعت و فنون خود، از جمله هنر چاپ را نیز به همراه بردند.

در پی برقراری آرامش نسبی، ملت‌های اروپایی به فکر توسعهٔ خارجی و امور تجاری افتادند. اکتشافات زمینه را برای استعمار هموار کرد. انگلستان در سال ۱٦۰۷ م جیمزتاون ویرجینیا را مستعمرهٔ خود کرد و آوارگان در سال ۱٦۲۰ م ساکن پلیموت یا ماساچوست کنونی شدند.

فرانسه به توسعهٔ متصرفات خود در کانادا ادامه داد و هلند نیز جزایر ایست ایندیز، افریقای جنوبی و آمستردام جدید (نیویورک) را در سال ۱٦۲۳ م مستعمرهٔ خود ساخت.

این دوره همچنین عصر کلاسیسیسم تئاتر فرانسه و دورهٔ تراژدی‌های پیرکرنی و ژان راسین و کمدی‌های ژان مولیر بود. رنه دکارت و بلز پاسکال به نگارش آثار فلسفی پرداختند و ژان دولافونتن حکایات خود را نوشت. اپرا با آثار کلودیو مونته‌وردی، ژان باپتیست لولی و آله ساندرو اسکارلاتی به پختگی رسید.

در انگلستان سنت بزرگ شعری این کشور با منظومهٔ حماسی *بهشت گمشده* اثر جان میلتون تداوم یافت. ساموئل پیپز در خاطرات سرّی خود به وقایع‌نگاری طاعون و آتش‌سوزی لندن پرداخت. در اسپانیا، میگوئل دو سروانتس شاهکار سرگرم کنندهٔ خود *دن‌کیشوت* را منتشر کرد.



۱

## هنرهای زیبا

شیوه‌گرایی که پس از رنسانس مترقی رونق گرفته بود، سبک باروک را درپی داشت که برآمده از اصلاحات متقابل کلیسای کاتولیک روم بود، سبک باروک بر وجوه معنوی و احساسی مذهب احیاء شدهٔ کاتولیک رومی تأکید داشت.

هنرباروک درپی تقویت‌ایمان از طریق جذب‌احساسات به جای عقل و خرد بود. جوهر هنر باروک در کاربرد نمایشی‌حرکت، کیاروسکورو (سایه و روشن)، و رنگ‌های درخشان نهفته است.

در ایتالیا سه برادر کاراچی موسوم به آگوستینو، آنیباله و لودویکو راه بر نقاشی‌های‌فوق‌العاده پراحساس میکل‌آنجلو دا کاراواجّو هموار ساختند. (تصویر ۲)

پترپل روبنس، نقاش فلاندری، تحت تأثیر کاراواجّو و مکتب نقاشی ونیز هنری پر حس و حال، شورانگیز و پویا آفرید.

دیگر هنرمندان‌باروک جوزپه‌ریبه‌را و دیه‌گو ولاسکوئز در اسپانیا و سرآنتونی وان دایک، نقاش فلاندری، بودند که بیش‌ترین موفقیت خود را در انگلستان به دست آوردند.

هنر باروک وجوه بسیاری داشت. در ایتالیا، این سبک پیش از همه به مضامین مذهبی پرداخت و در فرانسه روح کلاسیک و عقلانی‌تری را منعکس ساخت که در آثار نیکولاس پوسن، کلود لورن، ژرژ دلاتور، هیاسنت ریگو و سه برادر لونان موسوم به آنتوان، لویی و ماتیو مشهود است.

در هلند که کشوری پروتستان و سوداگر با طبقهٔ متوسط مرفه و تحصیل کرده بود، نقاشی‌های مذهبی کم‌تر متقاضی داشت. از این‌رو هنرمندان هلندی نیروی خود را صرف آفرینش مناظر، فضاهای داخلی، تک چهره‌ها و طبیعت بی‌جان کردند. از جمله هنرمندان برجستهٔ هلند در این عصر طلایی رامبرانت وان ریژن (تصویر۳)، فرانس هالس و ژان ورمیر بودند.



۲



۳

۱ـ پرترهٔ خورشید شاه، لویی چهاردهم، اثر هیاسنت ریگو.
۲ـ *کودک نیش خورده ازچلپاسه*، نمونه‌ای از شیوهٔ باروک بسیار حسی کاراواجّو است که حرکت و نورپردازی دراماتیک را با موضوعی اغلب خشن می‌آمیزد.
۳ـ *خودنگاره در زیر نور شمع* متعلق به‌سال ۱۹۳۰م، حکاکی اولیه‌ای ازرامبراند بیست و یک ساله.

## هنرهای گرافیک

در سال‌های ۱۶۰۰ م، تعصب مذهبی و سانسور دولتی نقش عمده‌ای در تعیین جایگاهی ایفا کرد که چاپ باید در آن رونق می‌گرفت یا رو به ضعف می‌نهاد. در حالی که انگلستان در تکاپوی تأسیس صنعت چاپ قابل رشدی در این سده بود، هلند به قدرت غالب چاپ مبدل شد.

درامریکای‌شمالی، نخستین‌ماشین‌چاپ در سرزمین‌های مستعمرهٔ انگلیس آغاز به کار کرد.

## چاپ در هلند

در نیمهٔ نخست این سده، آنت ورپ همچنان مرکز عمدهٔ چاپ اروپا محسوب می‌شد. با این حال در میانهٔ این سده، آنت ورپ برتری خود را در برابر آمستردام از دست داد و شهر اخیر بزرگ‌ترین بندر و مرکز تجاری اروپا شد.

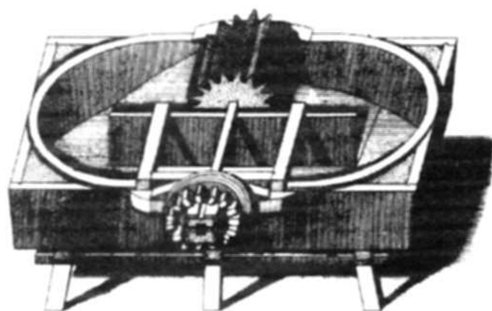
برتری آمستردام تا حدی ناشی از فضای روادارانه‌ای بود که در این جمهوری پروتستان هلندی ایجاد شده بود و اختلاف بسیاری با آنت ورپ کاتولیک داشت. این شهر کاتولیک تحت سلطهٔ اسپانیا بود و سانسور مذهبی و سیاسی کتاب‌های مصوب برای چاپ را محدود ساخته بود. آنت ورپ بازار کتاب کاتولیک را در دست داشت اما این بازار در قیاس با بازار وسیع و گستردهٔ پروتستان بازاری کوچک شمرده می‌شد.

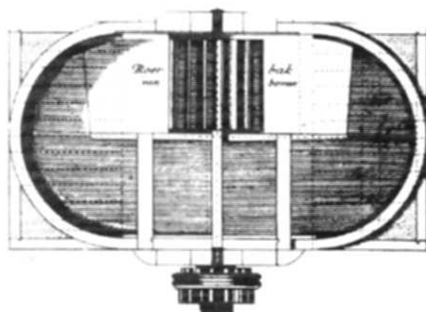
مهم‌ترین ناشر چاپ‌گر آمستردام لوئیز الزویر بود که همراه با خانوادهٔ خود کار می‌کرد و به خاطر انتشار کتاب‌هایی با قطع کوچک برای عامهٔ کتاب‌خوان روبه رشد به شهرت رسید. این کتاب‌های جیبی مناسب با حروف فشرده و حواشی کم‌عرض چاپ می‌شدند و صفحه عنوان‌های گراوور شده‌ای داشتند که برای جلب مشتری طراحی شده بودند. (تصاویر ۵ و ٦)

الزویر از بسیاری جهات سنتی را دنبال کرد که آلدوس مانوتیوس یک سدهٔ پیش آن را بنا نهاده بود، تنها اختلاف آن دو این بود که مانوتیوس کتاب‌های خود را برای محققان تهیه می‌کرد و الزویر به خیل گستردهٔ عامهٔ کتاب‌خوان توجه داشت. آن دو آثار کلاسیک را با موفقیت تمام در تیراژهای استثنایی و با قیمت‌هایی منتشر کردند که بسیاری از مردم هلند توانایی خرید آن‌ها را داشتند.

الزویر حروف‌چاپی دلخواه خود را از حروف گارامون، چاپ‌گر فرانسوی، برگرفت اما آن را به کمک کریستوفر وان دایک طراح جرح و تعدیل کرد تا برای چاپ کتاب‌های جیبی مناسب باشد. این حروف فشرده، متراکم و دارای سریف‌های ستبر بود و میان خطوط پهن و نازک آن اختلافی وجود نداشت. از جهات بسیاری طراحی این حروف چاپی نشان از ویژگی‌های زورمندی و اطمینان به نفس هلندی داشت.

سه طراح برجستهٔ دیگر حروف چاپی هلند، دورک و بارتولومیو وُسکنز و آنتوان جانسن بودند که فرد اخیر شاگرد وان دایک بود.





۴

۴ـ دو نما از دستگاه همزن خمیر کاغذ که کار تهیهٔ خمیر کاغذ را آسان کرد.

252 P. VIRGILII

Illa vel intactæ ſegetis per ſumma volaret
Gramina, nec teneras curſu læſiſſet ariſtas;
Vel mare per medium, fluctu ſuſpenſa tumenti,
Ferret iter, celereis nec tingeret æquore plantas.
Illam omnis tectis agriſque effuſa juventus,
Turbaque miratur matrum, & proſpectat euntem
Attonitis inhians animis, ut regius oſtro
Velet honos leveis humeros, ut fibula crinem
Auro internectat: Lyciam ut gerat ipſa pharetram,
Et paſtoralem præfixa cuſpide myrtum.

LIBRI VIII.

ARGVMENTVM.

*Heic Turni Æneæque bellicus apparatus deſcribitur: quorum ille ſibi finitimarum urbium Diomedisq; auxilia: hic vero Arcades Euandrumque regem una cum Pallante adjungit.*

VT belli ſignum Laurenti Turnus ab arce
Extulit, & rauco ſtrepuerunt cornua cantu, (arma;
Utq; acreis concuſſit equos, utq; impulit
Extemplo turbati animi: ſimul omne tumultu
Conjurat trepido Latium, ſævitque juventus
Effera. ductores primi Meſſapus, & Ufens;
Contemtorque deum Mezentius, undique cogunt
Auxilia, & latos vaſtant cultoribus agros.
Mittitur & magni Venulus Diomedis ad urbem,
Qui petat auxilium, & Latio conſiſtere Teucros,
Advectum Ænean claſſi, victoſque Penateis
Inferre, & fatis regem ſe dicere poſci,
Edoceat, multaſque viro ſe adjungere genteis
Dardanio, & late Latio increbeſcere nomen.
Quid ſtruat his coeptis, quem, ſi fortuna ſequatur,
Eventum pugnæ cupiat, manifeſtius ipſi,
Quam Turno regi, aut regi apparere Latino.
Talia

ÆNEIDOS LIB. VIII. 253

Talia per Latium: quæ Laomedontius heros
Cuncta videns, magno curarum fluctuat æſtu:
Atq; animum nunc huc celerem, nunc dividit illuc,
In parteiſque rapit varias, perque omnia verſat.
Sicut aquæ tremulum labris ubi lumen ahenis
Sole repercuſſum, aut radiantis imagine Lunæ,
Omnia pervolitat late loca, jamque ſub auras
Erigitur, ſummique ferit laquearia tecti.
Nox erat, & terras animalia feſſa per omneis
Alituum pecudumque genus ſopor altus habebat:
Cum pater in ripa gelidique ſub ætheris axe
Æneas triſti turbatus pectora bello
Procubuit, ſeramque dedit per membra quietem.
Huic deus ipſe loci, fluvio Tyberinus amœno,
Populeas inter ſenior ſe attollere frondeis
Viſus. eum tenuis glauco velabat amictu
Carbaſus, & crineis umbroſa tegebat arundo.
Tum ſic affari, & curas his demere dictis:
O ſate gente deum, Trojanam ex hoſtibus urbem
Qui revehis nobis, æternaque Pergama ſervas;
Exſpectate ſolo Laurenti, arviſque Latinis;
Heic tibi certa domus, certi, ne abſiſte, Penates:
Neu belli terrere minis. tumor omnis, & iræ
Conceſſere deum.
Iamque tibi, ne vana putes hæc fingere ſomnum,
Litoreis ingens inventa ſub ilicibus ſus,
Triginta capitum fetus enixa, jacebit;
Alba, ſolo recubans, albi circum ubera nati.
Heic locus urbis erit, requies ea certa laborum:
Ex quo ter denis urbem redeuntibus annis
Aſcanius clari condet cognominis Albam.
Haud incerta cano. nunc qua ratione, quod inſtat,
Expedias victor, paucis, adverte, docebo.
Arcades his oris, genus à Pallante profectum,
Qui regem Euandrum comites, qui ſigna ſecuti,
Delegere locum, & poſuere in montibus urbem;
Pallan-




۵

۵ـ کتابی از ویرژیل در قطع جیبی پالتویی که در سال ۱۶۳۰ م خانوادهٔ الزویر آن را چاپ و منتشر کردند و در چاپ آن عامهٔ کتاب‌خوان روبه رشد را مد نظر داشتند. این کتاب در این‌جا کمی کوچک‌تر از اندازهٔ واقعی دیده می‌شود.

۶ـ صفحه عنوان گراوور شدهٔ کتاب ویرژیل به کتابی به نسبت ارزان قیمت ظاهری آراسته بخشیده است. در بالا علامت چاپ الزویر دیده می‌شود.




۶

سهم عمدهٔ هلند در کاغذسازی اختراع ماشین برهم *زدن خمیر کاغذ* بود. (تصویر ٤) در روش سنتی، معمولاً پاره‌های کتان و نخ در آسیا ریخته، شسته و فشرده می‌شد و آرام آرام با فشار خردکننده‌ها به خمیر تبدیل می‌شد. سپس این خمیر در خم بزرگی با آب مخلوط می‌شد.

در سال ۱۶۸۰ م پیشرفت فنی‌ای حاصل شد و هلندی گمنامی ماشین بر هم زدن خمیر کاغذ را اختراع کرد. در حالی که خردکننده‌های قدیمی پارچه‌ها را به الیافی با طول‌های متفاوت تبدیل می‌کردند، ماشین جدید در زمانی کوتاه‌تر الیافی با طول یکسان تولید می‌کرد و نیروی کم‌تری نیز مصرف می‌کرد، در نتیجه با محرک بادی نیز قابل راه‌اندازی بود.

**چاپ در فرانسه**

در پاریس، کاردینال ریشلیو با آگاهی از موفقیت الزویر در هلند به قابلیت چاپ دولتی و نظارت یافته پی برد که افزون بر بالا بردن معیارهای چاپ این کشور، می‌توانست پادشاهی فرانسه را قرین افتخار کند.

ریشلیو در سال ۱٦۳۹ م ایمپریه رویاله یا چاپخانهٔ سلطنتی را تأسیس و ماشین‌های چاپ آن را در لوور راه‌اندازی کرد. نخستین کتاب این چاپخانه که در سال ۱٦٤۰م منتشر شد، نسخهٔ مجللی از کتاب *تقلید مسیح* بود. حروف به کار رفته در چاپ این کتاب مبتنی بر حروف گارامون بود و گراوورهای مسی آن نیز از طرح‌های پوسن برگرفته شده بود. (تصویر ۸)

در اواخر این سده، لویی‌چهاردهم که مشتاق چاپ‌های هنری بود، به آکادمی علوم فرانسه دستور طراحی حروف چاپی کاملی را برای استفادهٔ اختصاصی در چاپخانه سلطنتی داد.

درپی این‌دستور، کمیته‌ای‌متشکل از اعضای فرهنگستان به ریاست یک ریاضی‌دان صفحه‌ای شطرنجی را با بیش از ۲۰۰۰ مربع ریز ترسیم کردند که هر یک از حروف الفبا بر روی آن طراحی شده بود (تصویر ۷). حروف چاپی مورد نظر را در اصل فیلیپ گرانژون، حروف ساز سلطنتی در سال ۱٦۹۳ م ساخت. این طرح که در نهایت بیست و یک اندازه حرف را شامل می‌شد، در سال ۱۷٤٥ م به دست لویی لوس به اتمام رسید.

این حروف چاپی موسوم به *رومن دو رو* (رومنِ شاه) احتمالاً نخستین حروف چاپی بود که به شیوه‌ای کاملاً حساب شده و منطقی طراحی شد. نمونهٔ عالی کاربرد این حروف را در کتاب *نشان‌ها* می‌بینیم که در سال ۱٦۹٤ م کار بر روی آن آغاز شد و هشت سال برای تکمیل آن وقت صرف شد.

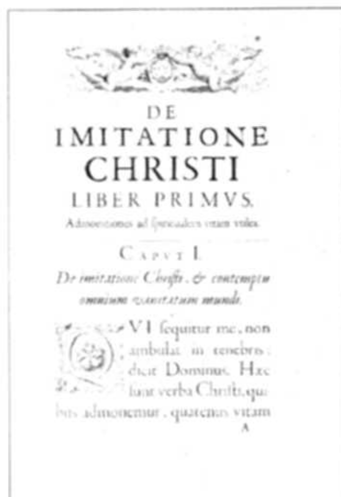


LA PAIX DE L'ITALIE,
PAR LA MEDIATION DU ROY.

LA guerre allumée entre le Pape Urbain VIII, & le Duc de Parme au sujet du Duché de Castro, dont le Pape s'estoit emparé, avoit donné occasion aux Princes d'Italie de prendre les armes pour leur propre seûreté. Les Vénitiens, le grand Duc de Toscane, & le Duc de Modene firent une ligue entr'eux en faveur du Duc de Parme. On commit reciproquement diverses hostilitez, & l'on prit des Places de part & d'autre. Le Duc de Parme s'estoit avancé jusqu'aux portes de Rome, où il avoit jetté la terreur, & cette guerre pouvoit devenir funeste à toute l'Italie, lorsque le Roy interposa sa médiation. Le Cardinal Bichi, nommé Plénipotentiaire par Sa Majesté, fit divers voyages à Rome, à Florence, à Venise, & prés des Ducs de Parme, & de Modene, & s'employa si efficacement dans cette négociation, qu'il conclut heureusement le Traité de Paix entre sa Sainteté, & les Princes liguez, avec l'entiere satisfaction de toutes les parties interessées. Le Pape rendit au Duc de Parme Castro & Montalto, & le grand Duc restitua au Pape plusieurs Places de l'Estat Ecclesiastique, qu'il avoit prises, ce qui restablit dans l'Italie une parfaite tranquillité.

C'est le sujet de cette Medaille. L'Italie avec ses attributs ordinaires y est representée assise. Les mots de la Légende, REX PACIS ARBITER, signifient, *le Roy arbitre de la Paix.* Ceux de l'Exergue, ITALIA PACATA. M. DC. XLIV. *la Paix renduë à l'Italie. 1644.*

۹



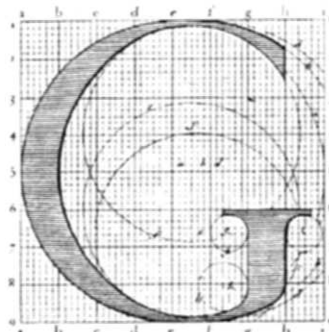
DE
IMITATIONE
CHRISTI
LIBER PRIMVS.
Admonitiones ad spiritualem vitam utiles.

CAPVT I.
*De imitatione Christi, & contemptu omnium vanitatum mundi.*

QVI sequitur me, non ambulat in tenebris: dicit Dominus. Hæc sunt verba Christi, quibus admonemur, quatenus vitam

A

۸



۷

۷ـ گراووری از جدول به کار رفته در تهیهٔ حروف رومن دو رو.

۸ ـ کتاب *تقلید مسیح* اثر توماس آ کمپیس نخستین کتابی بود که در سال ۱٦۳۹ م در چاپخانهٔ سلطنتی پاریس به چاپ رسید. این کتاب نسخه‌ای رحلی باحروفی مبتنی بر حروف گارامون بود.

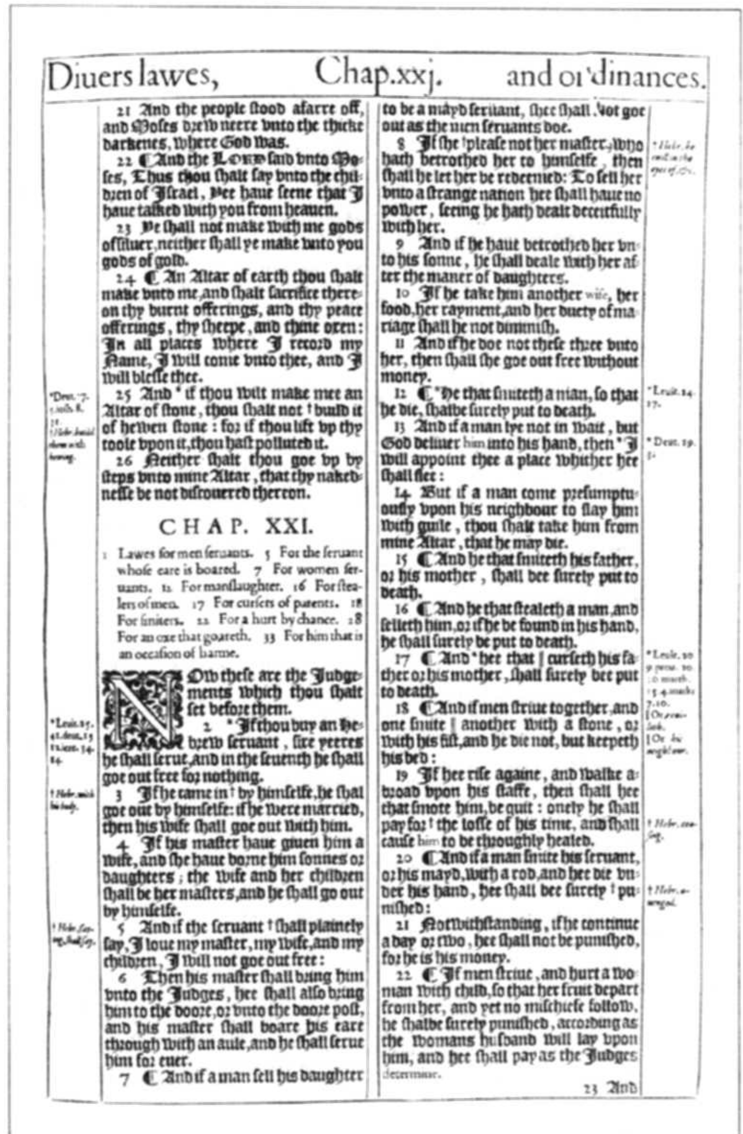
۹ـ کتاب *نشان‌ها* نمونهٔ عالی طراحی کتاب فرانسه و اولین اثر چاپی بود که حروف رومن دو رو در آن استفاده شده بود. این حروف را فیلیپ گرانژون به سفارش لویی چهاردهم، از روی یک جدول (به سمت راست بنگرید) طراحی و ساخته بود.

(تصـویر ۹) امروزه محققان حروف رومن دو رو را متصـف بـه ویژگـی‌هـا و خصوصیاتی مـی‌دانـند کـه در حال حاضر طراحی حروف چاپی «انتقالی» خوانده می‌شود.

### چاپ در انگلستان

بـه نظـر می‌رسد نبوغ انگلیسی در این دوره در آفریـنش آثـار ادبی غنی عیان می‌شود تا در چـاپ آن‌هـا. یکی از دلایل کیفیت نازل چـاپ انگلـیس استمرار سنت کسب مجوز نشـر بـود کـه در سدهٔ قبل بنا نهاده شد و موجـب محـدود شـدن تعـداد چاپ‌گران و شـهرهایی مـی‌شـد که قابلیت رشد صنعت چـاپ را داشـتند. (این محدودیت‌ها تا سال ۱۶۹٤ م پابرجا بود.)

عامل دیگر، آشفتگی سیاسی و اقتصادی حاصـل از جـنگ داخلی سال‌های ۱٦٤۲ تا ۱٦٤۹ م و جـنگ انگلیس هلند در سال‌های ۱٦٦٤ تـا ۱٦٦۷ م بـود. بـا ایـن حـال دو رویـداد عمـدهٔ نشر در این دوره، بیش‌تر به دلـیل تأثیر عمـیق بـر شـکل‌گـیری زبـان انگلیسی نوین و نه بر طراحی حروف، حائز اهمیت است.



Diuers lawes, Chap.xxj. and or'dinances.

21 And the people ſtood afarre off, and Moſes drew neere vnto the thicke darkenes, where God was.

22 ¶ And the LORD ſaid vnto Moſes, Thus thou ſhalt ſay vnto the children of Iſrael, Yee haue ſeene that I haue talked with you from heauen.

23 Ye ſhall not make with me gods of ſiluer, neither ſhall ye make vnto you gods of gold.

24 ¶ An Altar of earth thou ſhalt make vnto me, and ſhalt ſacrifice thereon thy burnt offerings, and thy peace offerings, thy ſheepe, and thine oxen: In all places where I record my Name, I will come vnto thee, and I will bleſſe thee.

25 And *if thou wilt make mee an Altar of ſtone, thou ſhalt not †build it of hewen ſtone: for if thou lift vp thy toole vpon it, thou haſt polluted it.

26 Neither ſhalt thou goe vp by ſteps vnto mine Altar, that thy nakedneſſe be not diſcouered thereon.

CHAP. XXI.

1 Lawes for men ſeruants. 5 For the ſeruant whoſe eare is boared. 7 For women ſeruants. 12 For manſlaughter. 16 For ſtealers of men. 17 For curſers of parents. 18 For ſmiters. 22 For a hurt by chance. 28 For an oxe that goareth. 33 For him that is an occaſion of harme.

NOw theſe are the Iudgements which thou ſhalt ſet before them.

2 *If thou buy an Hebrew ſeruant, ſixe yeeres he ſhall ſerue, and in the ſeuenth he ſhall goe out free for nothing.

3 If he came in †by himſelfe, he ſhal goe out by himſelfe: if he were married, then his wife ſhall goe out with him.

4 If his maſter haue giuen him a wife, and ſhe haue borne him ſonnes or daughters; the wife and her children ſhall be her maſters, and he ſhall go out by himſelfe.

5 And if the ſeruant †ſhall plainely ſay, I loue my maſter, my wife, and my children, I will not goe out free:

6 Then his maſter ſhall bring him vnto the Iudges, hee ſhall alſo bring him to the doore, or vnto the doore poſt, and his maſter ſhall boare his eare through with an aule, and he ſhall ſerue him for euer.

7 ¶ And if a man ſell his daughter to be a mayd ſeruant, ſhee ſhall not goe out as the men ſeruants doe.

8 If ſhe †pleaſe not her maſter, who hath betrothed her to himſelfe, then ſhall he let her be redeemed: To ſell her vnto a ſtrange nation hee ſhall haue no power, ſeeing he hath dealt deceitfully with her.

9 And if he haue betrothed her vnto his ſonne, he ſhall deale with her after the maner of daughters.

10 If he take him another wife, her food, her raiment, and her duety of mariage ſhall he not diminiſh.

11 And if he doe not theſe three vnto her, then ſhall ſhe goe out free without money.

12 ¶ *He that ſmiteth a man, ſo that he die, ſhalbe ſurely put to death.

13 And if a man lye not in wait, but God deliuer him into his hand, then *I will appoint thee a place whither hee ſhall flee:

14 But if a man come preſumptuouſly vpon his neighbour to ſlay him with guile, thou ſhalt take him from mine Altar, that he may die.

15 ¶ And he that ſmiteth his father, or his mother, ſhall bee ſurely put to death.

16 ¶ And he that ſtealeth a man, and ſelleth him, or if he be found in his hand, he ſhall ſurely be put to death.

17 ¶ And *hee that ‖curſeth his father or his mother, ſhall ſurely bee put to death.

18 ¶ And if men ſtriue together, and one ſmite ‖another with a ſtone, or with his fiſt, and he die not, but keepeth his bed:

19 If hee riſe againe, and walke abroad vpon his ſtaffe, then ſhall hee that ſmote him, be quit: onely he ſhall pay for †the loſſe of his time, and ſhall cauſe him to be throughly healed.

20 ¶ And if a man ſmite his ſeruant, or his mayd, with a rod, and hee die vnder his hand, hee ſhall bee ſurely †puniſhed:

21 Notwithſtanding, if he continue a day or two, hee ſhall not be puniſhed, for he is his money.

22 ¶ If men ſtriue, and hurt a woman with child, ſo that her fruit depart from her, and yet no miſchiefe follow, he ſhalbe ſurely puniſhed, according as the womans husband will lay vpon him, and hee ſhall pay as the Iudges determine.

*Leuit. 24. 17.

*Deut. 19. 3.

23 And

۱۰



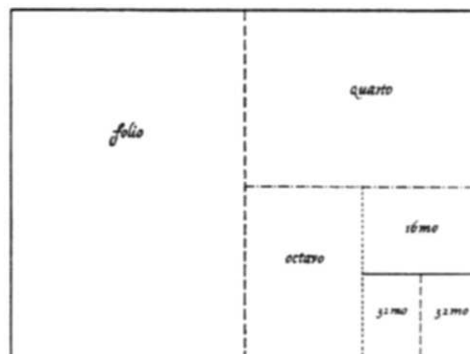

۱۱

۱۰ـ صـفحه‌ای از چاپ اول کتاب مقـدس شـاه جیمز. ایـن نسـخهٔ رحلـی به این منظور طراحی شده بـود تـا در کلیسـا از روی رحـل خوانده شود. این کتاب را در سال ۱٦۱۱ م رابـرت بارکـر بـا حـروف سـیاه سنتی حروف چینی و چاپ کرد.

۱۱ـ صـفحه عـنوان گـراوور شدهٔ کتاب مقدس شاه جیمز.

نخستین رویداد هنگامی حادث شد که رابرت بارکر ترجمهٔ مجاز و مصوب کتاب انجیل را در سال ۱۶۱۱ م چاپ کرد. ترجمه‌ای که اغلب با عنوان نسخهٔ شاه جیمز شناخته می‌شود. (تصاویر ۱۰ و ۱۱) از آن‌جا که این کتاب نسخهٔ بزرگ رحلی بود، متن آن با حروف گوتیک سنتی یا حروف سیاه چاپ شد و حروف رومن در سر فصل‌ها، حاشیه نویسی‌های صفحات و در صفحه عنوان آن به کار رفت. در سال ۱۶۱۲ م انجیل قطع خشتی کوچکی به طور کامل با حروف رومن به چاپ رسید. (تصاویر ۱۲ و ۱۳)

دومین رویداد نشر، چاپ نخستین کتاب قطع رحلی *نمایشنامه‌های ویلیام شکسپیر* در سال ۱۶۲۳ م هفت سال پس از مرگ نمایشنامه نویس بود. (تصویر ۱۴) این کتاب نخستین کتاب رحلی است که به دلیل غیر مذهبی بودن خود با حروف رومن چاپ شد.




۱۲



The Creation | Chap. j. | of the World.

THE FIRST BOOKE OF
Moses, called Genesis.

CHAP. I.

*1 The creation of Heauen and Earth, 3 of the light, 6 of the firmament, 9 of the earth separated from the waters, 11 and made fruitfull, 14 of the Sunne, Moone and Starres, 20 of fish and fowle, 24 of beasts and cattell, 26 of man in the image of God. 29 Also the appointment of food.*

IN *the beginning God created the Heauen, and the Earth.

2 And the earth was without forme, and voide, and darkenesse was vpon the face of the deepe: and the Spirit of God mooued vpon the face of the waters.

3 And God said, *Let there bee light: and there was light.

4 And God saw the light, that it was good: and God diuided † the light from the darkenesse.

5 And God called the light, Day, and the darkenesse, he called Night. † and the euening and the morning were the first day.

6 ¶ And God said, *Let there bee a firmament in the midst of the waters: and let it diuide the waters from the waters.

...

fourth † grasse, the herbe yeelding seed, and the fruit tree, yeelding fruit after his kinde, whose seed is in it selfe, vpon the earth: and it was so.

12 And the earth brought forth grasse, and herbe yeelding seed after his kinde, and the tree yeelding fruit, whose seed was in it selfe, after his kinde: and God saw that it was good.

13 And the euening and the morning were the third day.

14 ¶ And God said, Let there be *lights in the firmament of the heauen, to diuide † the day from the night: and let them bee for signes and for seasons, and for dayes and yeeres.

15 And let them be for lights in the firmament of the heauen, to giue light vpon the earth: and it was so.

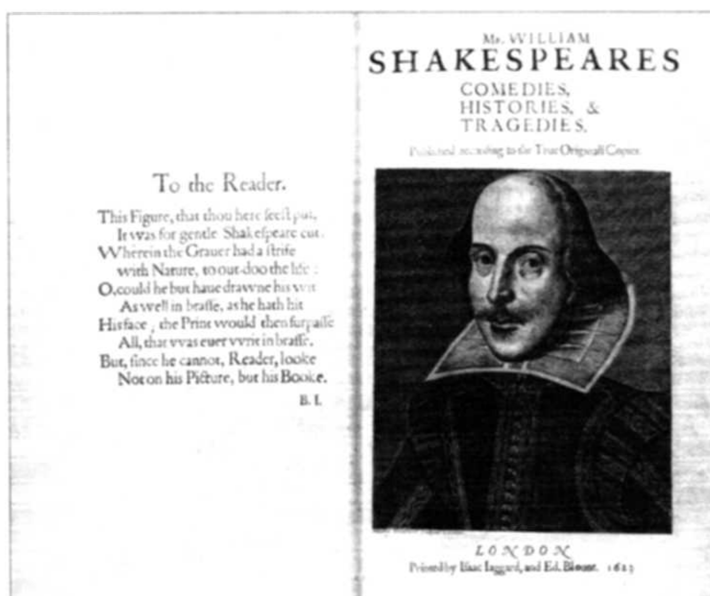
16 And God made two great lights: the greater light † to rule the day, and the lesser light to rule the night: he made the starres also.

17 And God set them in the firmament of the heauen, to giue light vpon the earth:

18 And to *rule ouer the day, and ouer the night, and to diuide the light from the darknesse: and God saw that it was good.

...

۱۳



To the Reader.

This Figure, that thou here seest put,
It was for gentle Shakespeare cut;
Wherein the Grauer had a strife
with Nature, to out-doo the life:
O, could he but haue drawne his wit
As well in brasse, as he hath hit
His face; the Print would then surpasse
All, that was euer writ in brasse.
But, since he cannot, Reader, looke
Not on his Picture, but his Booke.

B. I.

Mr. WILLIAM
SHAKESPEARES
COMEDIES,
HISTORIES, &
TRAGEDIES.
Published according to the True Originall Copies.

LONDON
Printed by Isaac Iaggard, and Ed. Blount. 1623.

۱۴

۱۲ـ نموداری که نحوهٔ تاخوردن ورق چاپ و تعیین اندازه و عنوان صفحه به رحلی، خشتی و وزیری را نشان می‌دهد.

۱۳ـ صفحه‌ای از اولین چاپ خشتی کتاب مقدس نسخهٔ شاه جیمز. این متن را که برای استفادهٔ شخصی طراحی شده بود، در سال ۱۶۱۲ م رابرت بارکر با حروف رومن حروف‌چینی و چاپ کرد.

۱۴ـ صفحه عنوان دو ورقی اولین چاپ رحلی آثار ویلیام شکسپیر همراه با گراووری از چهرهٔ او. این کتاب را در سال ۱۶۲۳م، هفت سال پس از مرگ شکسپیر آیزاک جاگرد و ادوارد بلونت به چاپ رساندند.

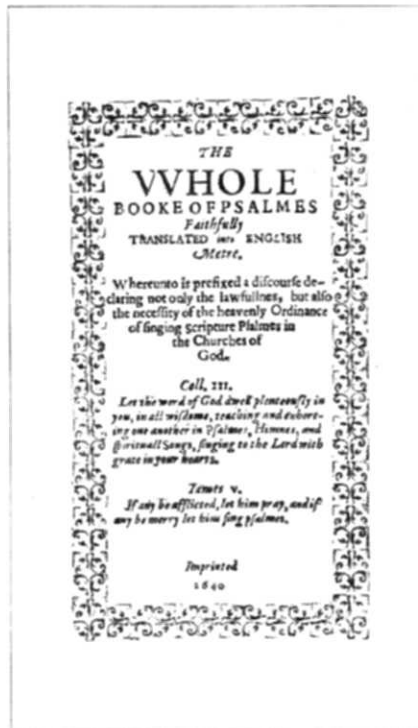
## چاپ در امریکا

نخستین دستگاه چاپ امریکای شمالی ساخت انگلستان نبود و اسپانیایی‌ها آن را در سال ۱۵۳٤ م در مکزیکوسیتی راه‌اندازی کردند. نخستین دستگاه چاپ انگلیسی را کشیش جس گلاور در انگلستان خریداری کرد تا در کیمبریج در ایالت ماساچوست راه‌اندازی کند. متأسفانه گلاور در سفر به امریکا درگذشت و همسرش مالک این دستگاه شد. او با کمک استفن دی چاپ‌گری که در این سفر همراه آنان بود، این دستگاه را در سال ۱٦۳۸ م به کار انداخت.

نخستین کارهایی که با این دستگاه چاپ شد، *سالنامهٔ* ۱٦۳۹ پیرس و *سوگند آزاد مرد* بود که با قطع استاندارد سنتی کاغذ (آن دوره) چاپ شد. در حال حاضر هیچ‌نسخه‌ای از این‌دو کتاب موجود نیست. سال بعد این دستگاه *متن کامل مزامیر، ترجمهٔ وفادارانه به نظم انگلیسی* را چاپ کرد که اغلب با عنوان *مزامیر بِی* شناخته می‌شود. (تصاویر ۱۵ و ۱٦)

در سال ۱٦٤۲ م ساموئل گرین مدیر این چاپخانه شد و در سال ۱٦٦۳ م با مساعدت مارمادوک جانسون، انجیل جان الیوت را به زبان الگونکوین چاپ کرد (تصویر ۱۷). این انجیل که به انجیل سرخپوستی الیوت موسوم است، نخستین انجیلی بود که در امریکای شمالی متعلق به بریتانیا چاپ شد. از جمله فعالیت‌های دیگر این چاپخانه، چاپ‌کارهایی برای‌کالج هاروارد بود. گرین تا سال‌۱٦۹۲م، که این دستگاه از کار افتاد، فعالیت چاپ را ادامه داد.

همراه با استقبال عمومی فزاینده از چاپ، نیاز به منابع محلی تولید کاغذ نیز به میان آمد. در سال ۱٦۹۰ م نخستین کارخانهٔ کاغذسازی را ویلیام ریتنهاوزن و ویلیام بردفورد چاپ‌گر در نزدیکی فیلادلفیا تأسیس کردند. بردفورد سه سال بعد به نیویورک نقل مکان کرد و نخستین چاپ‌گر این شهر شد.



THE
VVHOLE
BOOKE OF PSALMES
Faithfully
TRANSLATED into ENGLISH
Metre.

Whereunto is prefixed a discourse declaring not only the lawfullnes, but also the necessity of the heavenly Ordinance of singing scripture Psalmes in the Churches of God.

Coll. III.
Let the word of God dwell plenteously in you, in all wisdome, teaching and exhorting one another in Psalmes, Himnes, and spirituall Songs, singing to the Lord with grace in your hearts.

Iames v.
If any be afflicted, let him pray, and if any be merry let him sing psalmes.

Imprinted
1640

۱۵



PSALM XXII, XXIII.
25 Concerning thee shall be my prayse
in the great assembly:
before them that him reverence
performe my vowes will I.
26 The meek shall eat & be suffic'd:
Iehovah prayse shall they
that doe him seek: your heart shall live
unto perpetuall aye.
27 All ends of th'earth remember shall
and turne unto the Lord:
and thee all heathen-families
to worship shall accord.
28 Because unto Iehovah doth
the kingdome appertaine:
and he among the nations
is ruler Soveraigne.
29 Earths fat-ones eat & worship shall:
all who to dust descend,
(though none can make alive his soule)
before his face shall bend.
30 With service a posterity
him shall attend upon,
to God it shall accounted bee
a generation.
31 Come shall they, & his righteousnes
by them declar'd shall bee,
unto a people yet unborne,
that done this thing hath hee.
23 A Psalme of David.
THe Lord to mee a shepheard is,
want therefore shall not I.
2 Hee

PSALME XXIII, XXIIII.
2 Hee in the folds of tender-grasse,
doth cause mee downe to lie:
To waters calme me gently leads
3 Restore my soule doth hee:
he doth in paths of righteousnes:
for his names sake leade mee.
4 Yea though in valley of deaths shade
I walk, none ill I'le feare:
because thou art with mee, thy rod,
and staffe my comfort are.
5 For mee a table thou hast spread,
in presence of my foes:
thou dost annoynt my head with oyle,
my cup it over-flowes.
6 Goodnes & mercy surely shall
all my dayes follow mee:
and in the Lords house I shall dwell
so long as dayes shall bee.
Psalme 24
A psalme of david.
THe earth Iehovahs is,
and the fulnesse of it:
the habitable world, & they
that there upon doe sit.
2 Because upon the seas,
hee hath it firmly layd:
and it upon the water-floods
most sollidly hath stayd.
3 The mountaine of the Lord,
who shall thereto ascend?
and in his place of holynes,
E 3 who

۱٦

۱۵ـ صفحه عنوان کتاب *مزامیر بی*، اولین کتابی که در امریکا چاپ شد. استفن دی چاپ‌گر این کتاب در سال ۱٦٤۰م، در ظاهر به خاطر فقدان حروف بزرگ W از دو حرف V به هم چسبیده استفاده کرده است.

۱٦ـ دوصفحه رویارو از کتاب *مزامیر بی* و در این‌جا مزمور بیست و سوم آن «با ترجمهٔ وفادارانه به نظم انگلیسی».

## روزنامه‌های اولیه

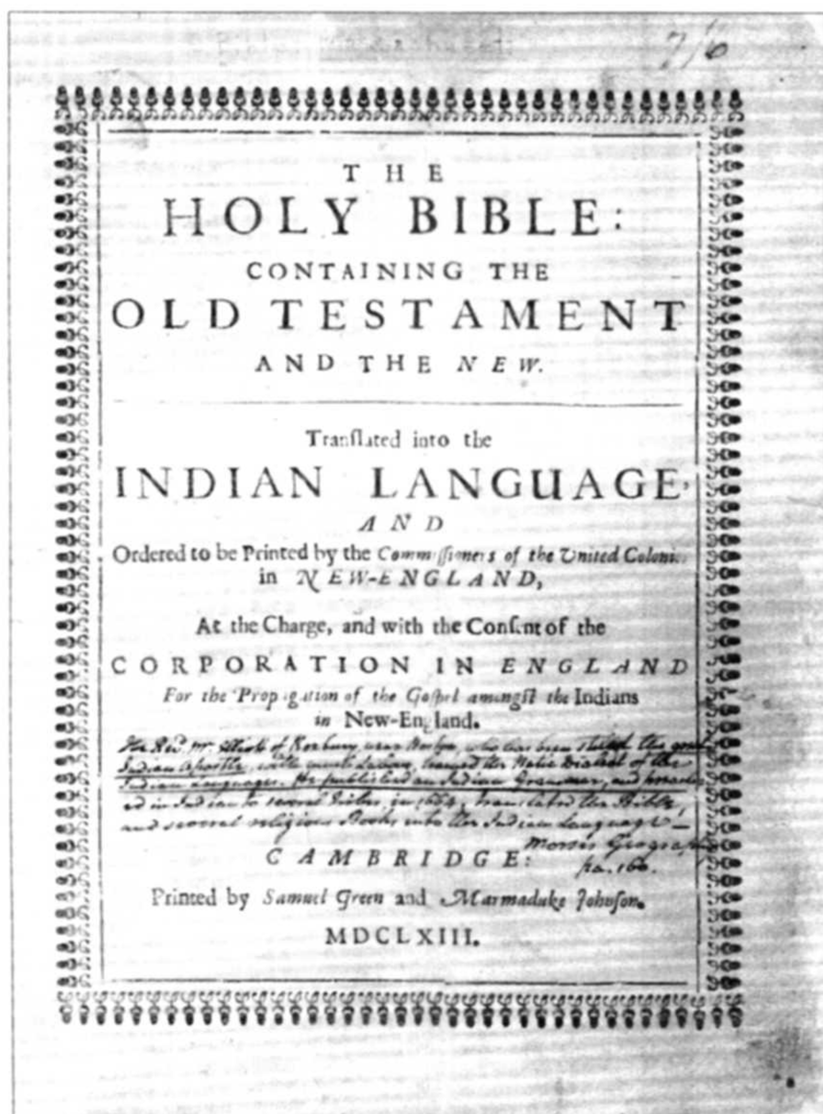
نخستین روزنامهٔ دنیا که انتشار منظم داشت، Avisa Relation oder Zeitung بود که نخستین بار در ۱۵ ژانویه سال ۱۶۰۹ م یوهان کارلوس اهل استراسبورگ آن را منتشر کرد. این روزنامه که در دو سوی یک برگ چاپ می‌شد، همانند خبرنامه‌هایی بود که پاره‌ای اوقات برای گزارش رویدادهای خاص به چاپ می‌رسند. (بنگرید به صفحهٔ ۱۰۰)

این روزنامه به سرعت رقبایی پیدا کرد. فعال‌ترین مرکز انتشار روزنامه هلند بود. اولین روزنامهٔ هلندی Courante Uyt Italien, Duytslandt در سال ۱۶۱۸م بنیان نهاده شد و به مدت چهل سال هر هفته انتشار می‌یافت.

اهمیت هلند به خاطر موقعیت دریانوردی آن بود که به اخبار بین‌المللی دسترسی داشت و از قید سانسور آزاد بود. هلند نه تنها روزنامه‌هایی به زبان هلندی که به زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی نیز چاپ می‌کرد. این روزنامه‌ها سپس به صورت قاچاق وارد انگلستان، فرانسه و آلمان می‌شدند.

نخستین روزنامهٔ امریکایی پابلیک اکیورنسس بوت فورین اند دامستیک عمر کوتاهی داشت. این روزنامه را که در سال ۱۶۹۰ م بنجامین هریس اهل بوستون چاپ کرد،غیرقانونی اعلام شد و پس از یک شماره، انتشار آن به تعلیق درآمد. این روزنامه در قطع کوچک و در چهار صفحه منتشر می‌شد که صفحهٔ سوم آن سفید گذاشته شده بود تا خریدار در صورت تمایل اخبار یا تفسیرهایی را پیش از ردوبدل کردن روزنامه بر آن بیافزاید.

اولین روزنامهٔ موفق امریکایی بوستون نیوزلتر بود. اولین روزنامهٔ انگلیسی، دیلی کورانت که لاندونر الیزابت مالت آن را منتشر کرد، در سال ۱۷۰۲ م به چاپ رسید.



THE
HOLY BIBLE:
CONTAINING THE
OLD TESTAMENT
AND THE *NEW.*

Translated into the
INDIAN LANGUAGE,
*AND*
Ordered to be Printed by the *Commissioners of the United Colonies* in *NEW-ENGLAND,*
At the Charge, and with the Consent of the
CORPORATION IN *ENGLAND*
*For the Propagation of the Gospel amongst the* Indians in New-England.

*CAMBRIDGE:*
Printed by *Samuel Green* and *Marmaduke Johnson.*
MDCLXIII.

۱۷

۱۷ـ نخستین کتاب مقدس چاپ نیوانگلند، کتاب مقدس سرخپوستی الیوت به زبان الگنکوین «به منظور تبلیغ انجیل در میان سرخپوستان» بود.

## وقایع و اشخاص

### وقایع تاریخی

**۱۶۰۰ـ** تأسیس کمپانی هند شرقی، نگارش *هملت* اثر شکسپیر.

**۱۶۰۳ـ** مرگ ملکه الیزابت اول.

**۱۶۰۵ـ** انتشار *دن‌کیشوت* اثر سروانتس.

**۱۶۰۷ـ** ایجاد مستعمره نشین جیمز تاون در ویرجینیا.

**۱۶۰۷ـ** تصنیف *اورفئو*، نخستین اپرا، اثر مونته وردی.

**۱۶۰۹ـ** کاوش رودخانه هادسون به وسیله هنری هادسون.

**۱۶۱۶ـ** مرگ شکسپیر و سروانتس.

**۱۶۱۷ـ** مرگ پوکاهونتاس.

**۱۶۱۸ـ** اعدام سروالتر رالی به جرم خیانت.

**۱۶۲۰ـ** ورود کشتی مای فلاور به پلی موت. هاروی گردش خون را کشف کرد.

**۱۶۲۳ـ** انتشار نخستین نسخه رحلی آثار شکسپیر. انتصاب ولاسکوئز به سمت نقاش دربار فیلیپ چهارم.

**۱۶۲۶ـ** پتر مینوئیت منهتن را به قیمت ۶۰ گیلدر (۲۴ دلار) خرید.

**۱۶۳۰ـ** آغاز بنای تاج محل.

**۱۶۳۲ـ** گشایش نخستین قهوه خانه در لندن.

**۱۶۳۶ـ** تأسیس کالج هاروارد.

**۱۶۳۸ـ** نقاشی *سه عالیجناب* اثر روبنس.

**۱۶۴۲ـ** پایه‌گذاری مونترئال. نهادینه شدن مالیات بر دارایی و درآمد در انگلستان. نقاشی تابلو *گشت شبانه* اثر رامبرانت. تعطیلی تئاترانگلیس به‌دستور پیوریتن ها.

**۱۶۴۳ـ** آغاز پادشاهی لویی چهاردهم درسن پنج سالگی. توریچللی فشار سنج (بارومتر) را اختراع کرد.

**۱۶۴۴ـ** پایان سلسله مینگ و آغاز دورهٔ مانچو در چین. نگارش اصول فلسفه به قلم دکارت. تولد آنتونیو استرادیواری. فعالیت هفتاد و پنج کارگاه چاپ در پاریس.

**۱۶۴۸ـ** جورج فاکس فرقه کواکرز (انجمن دوستان) را بنیان‌گذاری کرد.

**۱۶۴۹ـ** انگلیسی به جای لاتین زبان رسمی اسناد قانونی شد.

**۱۶۵۰ـ** معرفی چای در انگلستان.جمعیت تقریبی ۵۰۰ میلیونی جهان.

**۱۶۵۱ـ** انتشار *لویاتان* اثر توماس هابز.

**۱۶۵۲ـ** رواج‌رقص سه‌ضربی(منوئت) در دربار فرانسه.

**۱۶۵۳ـ** آیزاک والتن نویسندهٔ انگلیسی کتاب *خلق دوبارهٔ انسان فکور* را در باب ماهی‌گیری و تفکر نوشت.

**۱۶۵۶ـ** تأسیس آکادمی نقاشی فرانسه در رم. اعلام ورشکستگی رامبراند.

**۱۶۵۷ـ** کریستیان هیوژنس ساعت را با پاندول تنظیم کرد.

**۱۶۵۸ـ** مرگ الیور کرامول.

**۱۶۶۰ـ** آغاز نگارش خاطرات ساموئل پپیز. استقرار بوئرها در افریقای جنوبی. تأسیس انجمن سلطنتی.

**۱۶۶۴ـ** تغییر نام‌گذاری نیوآمستردام به نیویورک.

**۱۶۶۵ـ** مرگ بیش از ۶۸۰۰۰ تن در لندن در اثر شیوع طاعون بزرگ.

**۱۶۶۶ـ** نگارش نمایش‌نامهٔ *مردم گریز* اثر مولیر. آتش سوزی بزرگ لندن.

**۱۶۶۷ـ** نگارش *بهشت گمشده* اثر جان میلتون.

**۱۶۶۸ـ** نگارش قصه‌های لافونتن.

**۱۶۷۰ـ** تأسیس کمپانی خلیج هادسون. انتشار *تفکرات* اثر پاسکال.

**۱۶۷۳ـ** ژولیت و مارکت سرچشمه رود می‌سی‌سی‌پی را کشف کردند.

**۱۶۷۵ـ** کریستوفر رن کلیسای جامع سن پل را بازسازی کرد.

**۱۶۷۸ـ** تأسیس تئاترکمدی فرانسس. انقراض نسل‌پرندگان دودو.

**۱۶۸۲ـ** بنای کاخ ورسای اقامتگاه سلطنتی لویی چهاردهم شد. ویلیام پن فیلادلفیا را پایه‌گذاری کرد.

**۱۶۸۵ـ** تولد باخ، هندل و اسکارلاتی.

**۱۶۸۷ـ** نگارش *اصول ریاضی* اثر سر آیزاک نیوتون.

**۱۶۹۲ـ** محاکمهٔ سیلم جادوگر.

**۱۶۹۴ـ** تأسیس بانک انگلستان.

**۱۶۹۴ـ** پطر کبیر سزار روسیه شد.

**۱۶۹۷ـ** نگارش قصه‌های *مامان غاز* اثر شارل پرو.

### ادبیات

میگوئل دو سروانتس (۱۵۴۷ـ ۱۶۱۶)
ویلیام شکسپیر (۱۵۶٤ـ ۱۶۱۶)
توماس هابس (۱۵۸۸ـ ۱۶۷۹)
آیزاک والتن (۱۵۹۳ـ ۱۶۸۳)
رنه دکارت (۱۵۹۶ـ ۱۶۵۰)
پیر کرنی (۱۶۰۶ـ ۱۶۸٤)
جان میلتون (۱۶۷٤ـ۱۶۰۸)
ژان دولافونتن (۱۶۲۱ـ ۱۶۹۵)
ژان مولیر (۱۶۲۲ـ ۱۶۷۳)
بلز پاسکال (۱۶۲۳ـ ۱۶۶۲)
جان بانیان (۱۶۲۸ـ ۱۶۸۸)
جان درایدن (۱۶۳۱ـ ۱۷۰۰)
باروخ اسپینوزا (۱۶۳۲ـ ۱۶۷۷)
جان لاک (۱۶۳۲ـ ۱۷۰٤)
ساموئل پپیز (۱۶۳۳ـ ۱۷۰۳)
ژان راسین (۱۶۳۹ـ ۱۶۹۹)
سرآیزاک نیوتون (۱۶٤۲ـ ۱۷۲۷)
گوتفرید ویلهلم ون لایبنیتس (۱۶٤۶ـ ۱۷۱۶)

### موسیقی

توماس لوئیس د ویکتوریا (حدود ۱۵۶۲ـ ۱۶۲۶)
کلودیو مونته‌وردی (۱۵۶۷ـ ۱۶٤۳)
میشل پرتوریوس (۱۵۷۱ـ ۱۶۲۱)
جیرولامو فرسکوبالدی (۱۵۸۳ـ ۱۶٤۳)
هاینریش شوتز (۱۵۸۵ـ ۱۶۷۲)
جی. اچ. شین (۱۵۸۶ـ ۱۶۳۰)
پیر کاواللی (۱۶۰۲ـ ۱۶۷۶)
ساموئل شید (۱۵۸۷ـ ۱۶۵٤)
ژان باپتیست لولی (۱۶۳۲ـ ۱۶۸۷)
آرکانجلو کورللی (۱۶۵۳ـ ۱۷۱۳)
جوزپه تورللی (۱۶۵۸ـ ۱۷۰۹)
هنری پرسل (حدود ۱۶۵۹ـ ۱۶۹۵)
آلساندرو اسکارلاتی (۱۶۶۰ـ ۱۷۲۵)

### هنرهای زیبا

لودویکو کاراچی (۱۵۵۵ـ ۱۶۱۹)
آگوستینو کاراچی (۱۵۵۷ـ ۱۶۰۲)
آنیباله کاراچی (۱۵۶۰ـ ۱۶۰۹)
میکل‌آنجلو دا کاراواجو (۱۵۷۳ـ ۱۶۱۰)
پتر پل روبنس (۱۵۷۷ـ ۱۶٤۰)
فرانس هالس (۱۵۸۱ـ ۱۶۶۶)
آنتوان له نان (۱۵۸۸ـ ۱۶٤۸)
جوزپه ریبه‌را (۱۵۹۱ـ ۱۶۵۲)
ژرژ دلا تور (۱۵۹۳ـ ۱۶۵۲)
لویی له نان (۱۵۹۳ـ ۱۶٤۸)
نیکولاس پوسن (۱۵۹٤ـ ۱۶۶۵)
آنتونی وان دایک (۱۵۹۹ـ ۱۶٤۱)
دیه گو ولاسکوئز (۱۵۹۹ـ ۱۶۶۰)
کلود لورن (۱۶۰۰ـ ۱۶۸۲)
ماتیو له نان (۱۶۰۷ـ ۱۶۷۷)
رامبراند وان ریژن (۱۶۰۹ـ ۱۶۶۹)
یان ورمیر (۱۶۳۲ـ ۱۶۷۵)

### هنرهای گرافیک

لوئیز الزویر (۱۵٤۰ـ ۱۶۱۷)
کریستوفو وان دایک (۱۵٤۰ـ ۱۶۱۷)
ویلیام بردفورد ( حدود ۱۵۹٤ـ ۱۶۶۸)
استفن دی (۱۵۹٤ـ ۱۶۶۸)
ژان ژانون (۱۶۱۵)
آنتون جانسون (۱۶۲۰ـ ۱۶۸۷)
فیلیپ گرانژان (۱۶۹۳)
رابرت بارکر (مرگ ۱۶٤۵)
لویی لوس (۱۷٤۵)


Avisa
Was sich begeben vnd

نخستین روزنامهٔ جهان، سال۱۶۰۹م.

## ۱۷۰۰ ـ ۱۸۰۰
## عصر روشنگری و انقلاب

نهضت روشنگری فرانسه پیش از هر چیز دستاورد روشنفکرانی بود که به *فلاسفه* موسوم بودند و اعتقاد به پیشرفت مادی، کمال انسانی و آزادی مذهبی و سیاسی داشتند. فلاسفه برای حل مسائلی که انسان در طول سده‌ها با آن‌ها دست به گریبان بوده است، چون گرسنگی، بیماری و جنگ، به توانایی علم و فناوری باور بسیار داشتند.

روشنگری فرانسه گسترش جهانی یافت و در نهایت زمینه را برای انقلاب‌های امریکا و فرانسه هموار کرد. از فلاسفهٔ بزرگ می‌توان شارل‌لویی دوسکوندات مونتسکیو،[۲۸] ولتر (فرانسوا ماری آرو)،[۲۹] دنی دیدرو[۳۰] و ژان ژاک روسو[۳۱] را نام برد.

انگلستان در این دوره سهمی سیاسی و اقتصادی داشت. انگلستان پادشاهی مشروطه‌ای تحت نظارت پارلمان بنا نهاده بود و نظامی دو حزبی مرکب از ویگ‌ها[۳۲] و توری‌ها پدید آورده بود. این دو حزب پیشروان احزاب لیبرال و محافظه کار بودند. مفهوم مخالفت مشروع با آزادی مطبوعات و رفاه مادی فزاینده درآمیخت و انگلستان را مایهٔ رشک قارهٔ اروپا ساخت.

سه انقلاب اقتصادی در کشاورزی، صنعت و تجارت به شکل گیری این سده کمک کردند. انقلاب کشاورزی با بهره‌گیری از معرفی روش‌های کشاورزی علمی و کارآمد قدرت تولید را افزایش داد. انقلاب صنعتی از ترویج نیروی بخار و ماشینی شدن در صنایع نساجی و معدن بهره برد.

مبنای انقلاب تجاری، که در سدهٔ هفدهم آغاز شده بود، بر واردات موادخام از مستعمرات و تولید محصولات تمام شده برای عرضه به همین مستعمرات استوار بود.

دو انقلاب سیاسی مهم این دوره انقلاب‌های امریکا و فرانسه بودند. انقلاب سال ۱۷۷٦ م امریکا الگویی برای قیام‌های آتی به ویژه انقلاب سال ۱۷۸۹ م فرانسه شد. انقلاب امریکا نتیجهٔ واکنش مستعمره‌نشینان به قوانین مستبدانهٔ پارلمان بریتانیا و جورج سوم و وزرای او بود. نیروهای انگلیسی پس از پنج سال نبرد بی‌حاصل سرانجام در سال ۱۷۸۱ م در یورک تاون ویرجینیا محاصره شدند و دو سال بعد بریتانیا استقلال امریکا را به رسمیت شناخت.

از جمله دستاوردهای بسیار انقلاب امریکا، تهیهٔ پیش‌نویس سندهایی نظیر اعلامیهٔ استقلال و تدوین قانون‌اساسی از سوی بنیانگذاران بود.

انقلاب فرانسه با ناآرامی باستیل در ۱٤ ژوئیه ۱۷۸۹ م به طور جدی آغاز و اهداف آن در سندی موسوم به اعلامیهٔ حقوق بشر اعلام شد.

در فرانسه لویی شانزدهم همراه با همسرش ماری آنتوانت و خانوادهٔ خود درصدد فرار برآمدند اما دستگیر، محاکمه و با گیوتین گردن زده شدند. در دورهٔ روبسپیر زمانهٔ رعب و وحشت فرا رسید و پس از آن حکومتی معتدل در قالب هیئت نظارت بر سر کار آمد. این حکومت تا سال ۱۷۹۹ م بر سر کار بود و از این تاریخ ژنرال جوانی به نام ناپلئون بناپارت قدرت استبدادی را به منصه ظهور رساند.

انقلاب فرانسه علی‌رغم درپی داشتن اغتشاش و ناآرامی، منافع بلند مدتی را نیز دربرداشت که از جمله وضع قوانین جدید و منطقی‌تر، سازماندهی مجدد حکومت و آموزش و پرورش و ایجاد نظام متری بود.

این دوران در دنیای ادبیات سدهٔ بزرگ نثر انگلیسی بود، دانیل دفو در این دوره *زندگی و ماجراهای شگفت‌انگیز و عجیب رابینسون کروزوئه* را نوشت. جاناتان سویفت *سفرهای گالیور* و هنری فیلدینگ *تام جونز* را به رشتهٔ تحریر درآوردند. نخستین رمان واقعی را با نام *پاملا* در این دوره ساموئل ریچاردسون چاپ‌گر اهل لندن نگاشت. در سال ۱۷۵۵م ساموئل جانسون نخستین فرهنگ انگلیسی را تألیف کرد. همچنین در این سده بود که *دایرة المعارف بریتانیکا* در سال ۱۷٦۸ م پا به عرصه وجود گذاشت.



۱

۱ـ *جورج واشینگتون* اثر گیلبرت استوارت، سال ۱۷۹۵م.

## هنرهای زیبا

پس از مرگ‌خورشید شاه، لویی‌چهاردهم، در سال ۱۷۱۵م، باروک، که سبک غالب سدهٔ پیش بود، زمینه را برای سبکی موسوم به روکوکو با خصوصیات سبک‌تر و نشاط‌انگیزتر هموار کرد.

در فرانسه روکوکو مترادف با حکومت لویی پانزدهم است. در این دوره زنان متنفذی چون مادام دوپومپادور و مادام دوباری مدهای زمانه را تعیین می‌کنند. از جمله هنرمندان بزرگ دورهٔ روکوکو به آنتوان واتو، فرانسوا بوشه، ژان فراگونار، ژان باپتیست گروز و ژان باپتیست سیمون شاردن می‌توان اشاره کرد. (تصویر ۳)

سبک‌باروک زمینه‌را برای‌دو مکتب مخالف *نئوکلاسیک و رمانتیک* هموار کرد. هنرمندان نئوکلاسیک نظیر ژاک لویی دیوید در واکنش به سبک‌سری‌های روکوکو به یونان و روم باستان نظر کردند و این دوره را منبع الهام خود قرار دادند. (تصویر ٤) رمانتیک‌ها نیز از قرون وسطا و فرهنگ‌های غیربومی و ناآشنا نظیر سرخپوستان امریکا الهام گرفتند.

سه نقاش آغازگر رمانتیک پیر پرودن، لویی ژیرو و آنتوان ژان گروس بودند. اکثر نقاشان معروف روکوکو در ایتالیا ونیزی بودند؛ نظیر جووانی تیه‌پولو، کانالـه‌تو (آنتونیوکاناله) و فرانچسکو گواردی. با این حال شهر رم همچنان قبلهٔ آمال هنرمندان خارجی‌ای بود که برای مطالعهٔ بقایای تاریخی و هنر رنسانس به آن جا سفر می‌کردند. یکی از هنرمندان برجستهٔ رم که این آثار باستانی را منبع الهام خود قرار داد، جووانی پیرانزه بود.

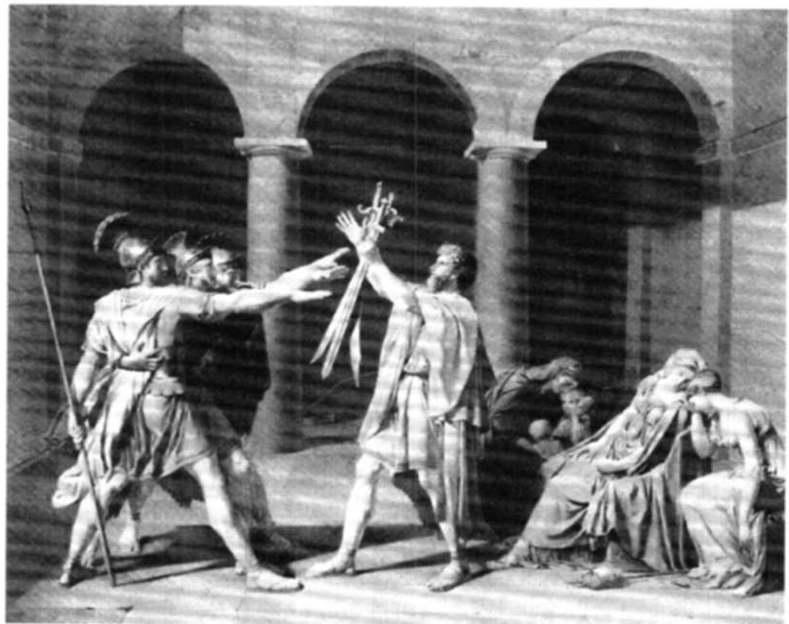
اسپانیا یکی از بزرگ‌ترین هنرمندان این سده، یعنی فرانچسکوگویا، را به عالم هنر ارزانی داشت. او همچنین یکی از نخستین هنرمندان گرافیک در تمام دوره‌ها بود. (تصویر۲) گویا حکاکی بود که تکنیک جدید «آکواتینت» را در کامل‌ترین شکل به خدمت گرفت و شاهکارهایی چون مجموعهٔ *مصائب جنگ* را آفرید.



۲



۳



۴

۲ـ *خودنگاره* فرانسیسکو گویا، نشانهٔ کاربرد اولیهٔ آکواتینت همچون ابزاری برای ایجاد رنگ‌مایه‌ها در حکاکی است.

۳ـ *اتاق ورق‌ها* نمونه‌ای از نقاشی سبک روزمرهٔ سدهٔ‌هجدهم است. فضای کم عمق و ترکیب‌بندی‌های قوی شاردن بر پل‌سزان و طرفداران کوبیسم تأثیر گذاشت.

٤ـ سوگند هوراتیوس اثر ژاک لویی داوید متعلق به سال ۱۷۸٦م، با تأکید بر موضوع قهرمانی، تجسمی از سبک نئوکلاسیک است. این اثر لحنی اخلاق‌گرایانه دارد و به شیوه‌ای موشکافانه و دقیق پرداخت شده است.

نخستین هنرمند مهم انگلستان در این دوره ویلیام هوگارث بود که بعدها جاشوا رینولدز، توماس گینز بورو، توماس رولاندسون و ویلیام بلیک راه او را دنبال کردند.

سه هنرمند امریکایی که در انگلستان درس خواندند و به شیوهٔ انگلیسی نقاشی کردند جان سینگلتون کاپلی، بنیامین وست و گیلبرت استوارت بودند. (تصویر ۱)

### هنرهای گرافیک

بی‌آن‌که هیچ کشوری برتری ویژه‌ای در فن چاپ داشته باشد در سال‌های ۱۷۰۰ م این فن به صنعت عمدهٔ سراسر اروپا بدل شد. همراه با افزایش تقاضا برای موضوعات چاپی و ازدیاد عامهٔ کتاب‌خوان نکته سنج‌تر، چاپ‌گران و ناشران نیاز به‌حروف‌چاپی، کاغذ و کار چاپی بهتر را به خوبی درک کردند.

### چاپ در انگلستان

در این سده، لندن جانشین آمستردام، مرکز عمدهٔ تجارت و چاپ اروپا، شد و چاپ در انگلستان متأثر از آزادی نویافتهٔ مطبوعات در سال ۱٦۹٤ م رونق گرفت. در این دوره‌شکل‌های جدید موضوعات چاپی نیز به ظهور رسید. جوزف آدیسون و ریچارد استیل نخستین روزنامه‌های دوره‌ای موفق را در سال ۱۷۰۹ م با نام *تاتلر* و در سال ۱۷۱۱م با نام *اسپکتیتور* منتشر کردند. رمان انگلیسی همچون قالب ادبی عامه‌پسندی در این دوره شکل گرفت.

با افزایش حجم چاپ و اوج گرفتن حس غرورملی، چاپ‌گران انگلیسی نیاز به طراحی حروف چاپی خاص انگلیس را احساس کردند. تا این زمان انگلستان به وارد کردن قالب‌های حروف از هلند دل نهاده بود و قالب‌ریزی آن‌ها را در کارگاه‌های ریخته‌گری داخلی انجام می‌داد. اما هلند رقیبی برای بازارها و مستعمرات در سراسر جهان بود و نمی‌توانست منبع‌قابل‌اعتمادی محسوب شود.

ویلیام بویر، چاپ‌گر اهل لندن، گام نخست در راه استقلال صنعت چاپ انگلستان را برداشت. او در سال ۱۷۲۰ م مبلغ پانصد پاوند در اختیار گراوورسازی به نام ویلیام کسلون نهاد تا کارگاه ریخته‌گری خود را دایر کند. کسلون از سال ۱۷۲۵ م نخستین حروف چاپی رومن و ایتالیک خود را طراحی کرد، ساخت و قالب‌ریزی نمود.

کسلون گرچه از طراحی حروف هلندی تأثیر شدیدی پذیرفته بود اما حروف او جوهرهٔ حروف چاپی انگلیس را شکل داد و حروف غالب چاپ انگلستان در سراسر این سده شد. حروف *کسلون* آخرین طرح‌های عمدهٔ حروف «سبک قدیم» محسوب می‌شود. (تصویر ۵)

فردی که احتمالاً نقش عمده‌ای در چاپ انگلیس ایفا کرد، جان باسکرویل بود که در دورهٔخود غیرحرفه‌ای به حساب می‌آمد.

ABCD
ABCDE
ABCDEFG
ABCDEFGHI
ABCDEFGHIJK
ABCDEFGHIJKL
ABCDEFGHIKLMN

French Cannon.

Quousque tandem abutere, Catilina, pati-

*Quousque tandem abutere, Catilina, patientia nostra?*

DOUBLE PICA ROMAN.

Quousque tandem abutere, Catilina, patientia nostra? quamdiu nos etiam furor iste tuus eludet? quem ad finem sese effrenata jac-
ABCDEFGHJIKLMNOP

GREAT PRIMER ROMAN.

Quousque tandem abutêre, Catilina, patientia nostra? quamdiu nos etiam furor iste tuus eludet? quem ad finem sese effrenata jactabit audacia? nihilne te nocturnum præsidium palatii, nihil urbis vigiliæ, nihil timor populi, nihil con-
ABCDEFGHIJKLMNOPQRS

ENGLISH ROMAN.

Quousque tandem abutêre, Catilina, patientia nostra? quamdiu nos etiam furor iste tuus eludet? quem ad finem sese effrenata jactabit audacia? nihilne te nocturnum præsidium palatii, nihil urbis vigiliæ, nihil timor populi, nihil consensus bonorum omnium, nihil hic munitissimus
ABCDEFGHIJKLMNOPQRSTVUW

PICA ROMAN.

Melium, novis rebus studentem, manu sua occidit. Fuit, fuit ista quondam in hac repub. virtus, ut viri fortes acrioribus suppliciis civem perniciosum, quam acerbissimum hostem coërcerent. Habemus enim senatusconsultum in te, Catilina, vehemens, & grave: non deest reip. consilium, neque autoritas hujus ordinis: nos, nos, dico aperte, consules desumus. De-
ABCDEFGHIJKLMNOPQRSTVUWX

SMALL PICA ROMAN. No 1.

At nos vigesimum jam diem patimur hebescere aciem horum autoritatis. habemus enim hujusmodi senatusconsultum, verumtamen inclusum in tabulis, tanquam gladium in vagina reconditum: quo ex senatusconsulto confestim interfectum te esse, Catilina, convenit. Vivis: & vivis non ad deponendam, sed ad confirmandam audaciam. Cupio, P. C., me esse clementem: cupio in tantis reipub. periculis non dis-
ABCDEFGHIJKLMNOPQRSTVUWXYZ

۵

۵ـ بخشی از برگهٔ راهنمای حروف کسلون که در آن، اندازه‌های حروف به جای پوینت با نام‌هایی چون کنون، پرمیر و پیکا مشخص شده‌است. حروف کسلون آخرین قلم شیوهٔ قدیم به شمار می‌رود.

باسکرویل در آغاز استاد خوشنویسی بود اما در جوانی از این کار دست کشید تا بخت خود را در بیرمنگام در حرفهٔ ورنی‌زنی بیازماید. در سن ٤٤ سالگی پس از کناره‌گیری از این کار به عشق اول خود، یعنی شکل حروف، بازگشت و در رشتهٔ چاپ به صورت کارآزموده‌ای ناشناخته به فعالیت پرداخت.

باسکرویل که به شدت از وضعیت چاپ و طراحی حروف انگلیس ناراضی بود، درصدد راه چاره‌ای برآمد. او تصمیم گرفت کتاب‌های خود را به چاپ برساند تا مصائب و مشکلات نهفته در هر مرحله از کار تهیهٔ کتاب را به شکلی ملموس تجربه کند. باسکرویل برای دستیابی به بهترین نتایج ممکن حروف چاپی خاص خود را طراحی کرد و به آزمایش مرکّب‌ها و کاغذ پرداخت و از همه مهم‌تر برتری و تفوق در کار چاپ را سرلوحهٔ کار خود قرار داد.

باسکرویل در سال۱۷۵۷ م نخستین کتاب خود، یعنی *آثار ویرژیل*، را منتشرکرد (تصویر ۷) و کتاب‌های بسیار دیگری از جمله *هجویه‌های ژوونال* را نیز انتشارداد.(تصویر۶)

در آغاز، کتاب‌های منتشرهٔ باسکرویل واکنش‌های گوناگونی برانگیخت. بسیاری عقیده داشتند استفاده از مرکّب به شدت سیاه و کاغذ سفید و درخشان که باسکرویل در چاپ کتاب‌های خود به کار گرفته است، تضاد شدیدی ایجاد می‌کند که موجب آزار چشم و دشواری مطالعه می‌شود. بسیاری از این انتقادها از حسادت حرفه‌ای ناشی می‌شد. امروزه حروف چاپی و کتاب‌های باسکرویل تحسین همگان را برمی‌انگیزند.

باسکرویل انواع سطوح چاپ را نیز آزمایش کرد و می‌توان گفت او نخستین چاپ‌گری محسوب می‌شود که از کاغذ ریزبافت استفاده کرد.

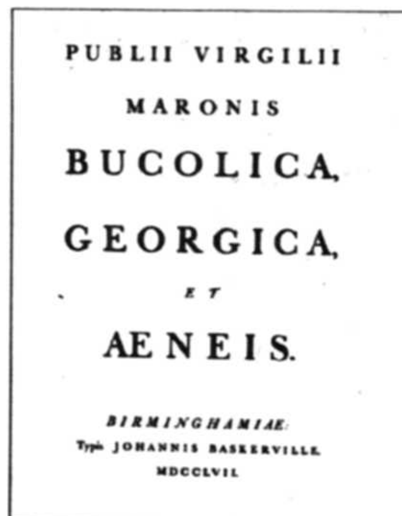
تا سده‌ها، کاغذ دست‌ساز بر توریی با سیم‌های موازی تهیه می‌شد. که سیم‌های قوی‌تر یا زنجیرهایی آن را نگه‌می‌داشتند. در این روش یک ورق کاغذ موسوم به *لید* تهیه می‌شد که سطحی ناصاف داشت و اثر توری

*JUVENALIS SATYRA* VI. 73

Jamque eadem ſummis pariter, minimiſque libido:
Nec melior pedibus ſilicem quæ conterit atrum;
Quam quæ longorum vehitur cervice Syrorum.
Ut ſpectet ludos, conducit Ogulnia veſtem,
Conducit comites, ſellam, cervical, amicas,
Nutricem, et flavam, cui det mandata, puellam.
Hæc tamen argenti ſupereſt quodcumque paterni
Lævibus athletis, ac vaſa noviſſima donat.
Multis res anguſta domi eſt: ſed nulla pudorem
Paupertatis habet; nec ſe metitur ad illum,
Quem dedit hæc poſuitque modum. Tamen utile quid ſit,
Proſpiciunt aliquando viri; frigusque, famemque,
Formica tandem quidam expavere magiſtra.
Prodiga non ſentit pereuntem fœmina cenſum:
At velut exhauſta redivivus pullulet arca
Nummus, et e pleno ſemper tollatur acervo,
Non unquam reputat, quanti ſibi gaudia conſtent.
Sunt quas eunuchi imbelles, ac mollia ſemper
Oſcula delectent, et deſperatio barbæ,
Et quod abortivo non eſt opus. Illa voluptas
Summa tamen, quod jam calida et matura juventa
Inguina traduntur medicis, jam pectine nigro.

K Ergo

۶



PUBLII VIRGILII
MARONIS
BUCOLICA,
GEORGICA,
ET
AENEIS.

BIRMINGHAMIAE:
Typis JOHANNIS BASKERVILLE.
MDCCLVII.

۷

۶ـ شکل‌های واضح و باز حروف چاپ باسکرویل همان‌گونه که در این صفحه از کتاب *هجویه‌های ژوونال* دیده می‌شود، دلیل رایج ماندن حروف کتابی باسکرویل را مشخص می‌سازد. حروف باسکرویل را هم اکنون حروفی انتقالی طبقه‌بندی می‌کنیم.

۷ـ صفحه عنوان نخستین کتاب باسکرویل که اثری از ویرژیل بود و در سال ۱۷۵۷ م انتشار یافت. چاپ این کتاب با ارزیابی‌های گوناگونی مواجه شد: بسیاری کاغذ به کار رفته در این چاپ را بیش از حد سفید، مرکب آن را بسیار سیاه و حروف آن را چشم آزار می‌دانستند.

و بـه‌ویژه آثار زنجیرها بر روی‌آن باقی‌می‌ماند. باسکرویل دریافـت تـوری‌هـای ریزبافـت‌تر کاغذ صاف‌تری ایجاد می‌کنند و آثار سیم و زنجیرها را از میان می‌برند. این نوع کـاغذ جدیـد بـه *وُو* موسـوم شـد. برای آن‌که سطح این کـاغذ صـاف‌تـر و بـراق‌تر شود، آن را میان لوح‌های داغ مسـین تحت فشار قرار می‌دادند. امروزه ما این فرایند را *نَوَرد* می‌خوانیم.

باسکرویل نخستین بار کاغذ وُو را در سال ۱۷۵۷ م بـرای چـاپ *آثار ویرژیل* و بعدها در ۱۷۵۹م برای چاپ کتاب *بهشت بازیافته* مورد استفاده قرار داد.

### چاپ در فرانسه

در فرانسـه دو خـانوادهٔ فورنـیه و دیـدو نـام خـود را در هنرهای گرافیک جاودانه ساختند.

پیرسیمون فورنیه از دو برادر دیگر خود با اهمیت‌تر بـود. او نخستین نظام پوینت را برای اندازه‌گیری حروف چاپی پدید آورد تا به وضعیت آشفتهٔ صنعت چاپ نظم ببخشد.

در آن دوران، هـر کارگـاه ریختـه‌گـری انـدازه‌هـای حـروف و اصـطلاحات خـاص خود را داشت. متأسفانه نظام پوینت پیشنهادی فورنیه مورد حمایت قرار نگرفت. فورنـیه افـزون بر این، کتاب *راهنمای طراحی حروف* را منتشر کرد که کتاب راهنمای مصوری دربارهٔ هنر طراحی حروف و چاپ است. (تصاویر ۸، ۹ و ۱۰)

فرانسوا دیدو نظام پوینت فورنیه را اصلاح کرد و آن را بـه نظامـی قـابل قـبول مـبدل سـاخت. او نخسـتین چـاپ‌گری بود که به جای استفاده از نظام قدیمی اسامی نظیر پـیکا، پریمر، نـان پارل و نظایر آن برای مشخص کردن اندازه‌های حروف، آن‌ها را تک تک با نظام پوینت مشخص ساخت.

شـهرت فیرمیـن دیـدو فـرزند فرانسـوا نیز به خاطر طراحـی حـروف چاپـی‌ای اسـت کـه امروزه آن‌را *مدرن* طبقه‌بـندی مـی‌کنـیم. (تصـویر ۱۱) در حروف‌چاپی او اختلاف شـدیدی مـیان خـم و راسـت‌هـای حـروف و سـریف‌های نازک غیردنباله‌دار وجود داشت. این حروف گونـهٔ اصـلاح شـدهٔ حروف باسکرویل بودند که با حس وضـوح و رسـمیت نئوکلاسـیک فرانسـه درآمیخته شده بودنـد. بـا معرفی این حروف چاپی مدرن، حروفی نظیر باسـکرویل اکـنون در زمـرهٔ حـروف *انتقالی* طـبقه‌بندی می‌شوند زیرا این حروف پلی میان حروف سبک قدیم و نوین ایجاد کردند.

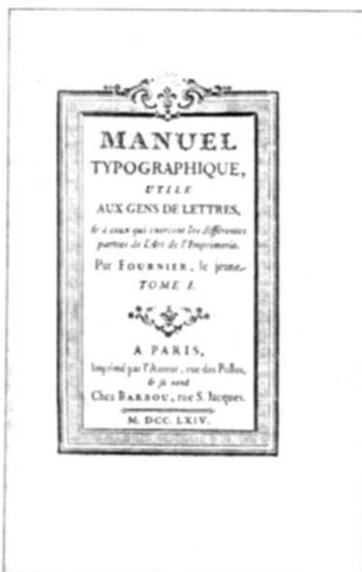
شـاید مهم‌ترین رخداد نشر این‌سده، چاپ نخستین مجلـد از *دایـرة المعـارف* بـزرگ دنـی‌ـ دیـدرو در

TABLE GÉNÉRALE
DE LA PROPORTION
des différens Corps de Caractères.

ÉCHELLE FIXE
de 144 points Typographiques.

| | | |
|---|---|---|
| 1 | Parisienne. | 5 |
| 2 | Nompareille. | 6 |
| 3 | Mignone. | 7 |
| 4 | Petit-texte. | 8 |
| 5 | Gaillarde. | 9 |
| 6 | Petit-romain. = 2 Parisiennes. | 10 |
| 7 | Philosophie. = 1 Parisi. 1 Nompareille. | 11 |
| 8 | Cicéro. = 2 Nomp. = 1 Parisienne, 1 Mignone. | 12 |
| 9 | Saint-Augustin. = 2 Mignones. = 1 Nompareille, 1 Petit-texte. | 14 |

۱۰


MANUEL
TYPOGRAPHIQUE,
UTILE
AUX GENS DE LETTRES,
& à ceux qui exercent les différentes parties de l'Art de l'Imprimerie.
Par FOURNIER, le jeune.
TOME I.
A PARIS,
Imprimé par l'Auteur, rue des Postes,
& se vend
Chez BARBOU, rue S. Jacques.
M. DCC. LXIV.

۸


N°. LXVIII. 66
GROS-PARANGON.
L'HOMME croit souvent se conduire, lorsqu'il est conduit ; & pendant que par son esprit il tend à un point, son cœur l'entraîne insensiblement à un autre.

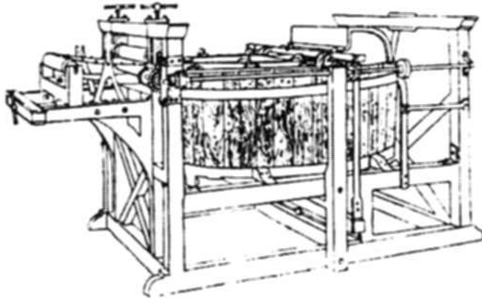
۹

۸ـ صـفحه عنوان کتاب *راهنمای طراحـی حروف* فورنیه که کاربرد رایـج خـط کـش‌ها وآرایه‌ها برای تزیین صفحه را نشان می‌دهد.

۹ـ نمونـهٔ حـروف چاپ از کتاب *راهنمای طراحی حروف* که اندازهٔ حروفی موسوم به پارانگون بزرگ را نشان می‌دهد.

۱۰ـ معرفـی اولیـن نظـام پوینـت بـرای معیار بخشیدن به اندازه‌های حـروف، بـه پیـر سیمون فورنـیه نسـبت داده مـی‌شـود. کـتاب *راهنمای طراحی حروف* او که در سـال ۱۷٦٤ م انتشـار یافت، نحوهٔ تقسیم‌بندی اینچ فرانسه را ابتدا به دوازده «خـط» وسـپس هر خط را بـه شـش پوینـت نشـان مـی‌دهد. فورنـیه سـپس، اندازهٔ پوینت ثابتی را بـرای عناویـن مختلف حروف تعیین کـرد. متأسفانه نظام پوینت فورنیه چندان حمایت نشد.

سال ۱۷۵۱م باشد. دیدرو تلاش‌کرد همهٔ هنرها، علوم و داد وستدهای دورهٔ خود را ثبت و ضبط کند. پیش از آن‌که نسخهٔ کامل بیست و یک جلدی این متن و دوازده جلد لوح گراوور شدهٔ آن تکمیل شود، بیست و پنج سال دیگر وقت صرف آن شد و متن آن سانسورهای بسیاری را به خود دید.



**ماشینی شدن کاغذسازی**

*در پایان سدهٔ هجدهم، تقاضا برای کاغذ چنان افزایش یافته بود که آسیاب‌های عرضه کنندهٔ کاغذ دست‌ساز، توان پاسخگویی به این تقاضا را نداشتند. زمان آن فرارسیده بود که فرایند کاغذسازی ماشینی شود.*

*یکی از دستاوردهایی که ماشینی شدن کاغذسازی را امکان‌پذیر ساخت، تور سیمی بافته بود که شباهت به تور سیمی باسکرویل داشت. این وسیله تولید کاغذ را در ورقه‌های بزرگ یا به صورت رول ممکن می‌ساخت.*

*نیکولا لویی روبر فرانسوی اولین ماشین قابل استفاده برای کاغذسازی (تصویر فوق) را در سال ۱۷۹۸ م ساخت. متأسفانه به دلایل پیچیدهٔ مالی و سیاسی این دستگاه به مرحلهٔ عمل نرسید و ابتکار به دست انگلیسی‌ها افتاد.*

*مهندس برایان دانکن اولین ماشین کاغذسازی انگلیسی را در سال ۱۸۰۳م با سرمایه‌گذاری دونوشت‌افزارفروش اهل لندن، برادران فوردرینیه، هنری وسیلی ساخت. گرچه این ماشین کاغذ بسیار خوبی به پهنای چهل و هشت اینچ (حدود صدوبیست سانتی‌متر) تولید می‌کرد اما به موفقیت کامل نرسید. ده سال دیگر زمان نیاز بود، تا اولین ماشین‌های کاغذسازی موفق تجاری در مرچنت ورل میل در «تووائرز» واقع در هرتفورد شایر راه اندازی شود.*

*دانکن اولین ماشین کاغذسازی امریکا را نیز ساخت و در سال ۱۸۲۷ م به «شوگرتیز» در نیویورک رسید. این ماشین ورق شش اینچی (حدود ۱۵ سانتی‌متر) تولید می‌کرد.*

OEUVRES

DE

JEAN RACINE.

TOME PREMIER.



À PARIS,

DE L'IMPRIMERIE DE PIERRE DIDOT L'AÎNE,

AU PALAIS NATIONAL DES SCIENCES ET ARTS.

AN IX; M. DCCCI.

۱۱

۱۱ـ فرمین دیدو یکی از نخستین طراحان پدیدآورندهٔ حروف چاپ مدرن یا به عبارتی حروفی بود که میان ساقه‌های نازک و ضخیم وسریف‌های غیردنباله‌دار آن‌ها اختلاف زیادی وجود داشت. مقایسهٔ طرح صفحه عنوان فورنیه در تصویر ۸ که به شیوهٔ روکوکو است با رویکرد کلاسیک دیدو در شاهکارش، مجموعهٔ *آثار ژان راسین*، جالب توجه است.

## چاپ در ایتالیا

جامباتیستا بودونی سرشناس‌ترین طراح حروف چاپی و چاپ‌گر ایتالیا بود. دوک فردیناند او را در ۲۸ سالگی به شهر پارما فراخواند تا چاپخانه‌ای خصوصی و کارگاهی برای ریخته‌گری دایر کند. این تشکیلات *استامپارئاله* نام گرفت و از حمایت مالی وسیع دوک برخوردار شد. بودونی در این‌جا حروف چاپی معروف خود را طراحی کرد. این حروف بسیاری از خصوصیاتی را داراست که دیدو آن‌ها را چند سال قبل در طراحی حروف چاپی خود به کار برده بود. به دلیل آن که بودونی چاپ‌گر بود، بیش از دیدو، که نامش یادآور طراحی حروف چاپی مدرن بود، شهرت داشت.

بخش عمدهٔ شهرت بودونی به خاطر چاپ عالی کتاب‌های رحلی مجلل از آثار هوراس و ویرژیل و چاپ دوجلدی *راهنمای طراحی حروف* نوشتهٔ خود اوست. (تصاویر ۱۲و۱۳) بودونی با استفاده از کاغذ صاف و آهارزده، مرکّب سیاه خوش‌رنگ، حروف بزرگ وفاصله‌گذاری زیاد بین سطرها، صفحه‌آرایی‌هایی پدید آورد که باز، شکیل و فارغ از تزئینات زائد بودند.

delle lettere; a dimostrar il quale se possono i doviziosi cercare sfoggiati volumi superbamente impressi, sarà ufficio dell'arte tipografica il somministrarne. Converralle adunque perciò trovar il bello nel grande, come abbiam veduto che per lo comodo ella dee trovarlo nel piccolo.

Ma il bello in che direm noi che consista? Forse più che in altro in due cose; nella convenienza, che la mente appaga, soddisfatta quando riflettendo ella scorge le parti tutte d'un'opera cospirare a uno stesso intento, e nella proporzione, che contenta gli sgu.rdi, o più veramente la fantasia, la qual serba in sè certe immagini e figure, alle quali ciò che più conformasi più le piace. E la

۱۲

CORALE

Quousque tandem abutére, Catilina, patientiá nostrá? quamdiu etiam furor iste *tuus nos eludet? quem ad finem se-*

COMACCHIO

۱۳

۱۲ـ صفحه‌ای از متن کتاب *راهنمای طراحی حروف*. به فاصله گذاری زیاد سطرها توجه کنید که نکتهٔ با اهمیتی در حروف سبک مدرن است.

۱۳ـ جامباتیستا بودونی، رقیب فیرمین دیدو، استفاده از سریف‌های دنباله‌دار را ادامه داد تا قلم جدیدی پدید آورد که کم‌تر خشک باشد. این موضوع در کتاب *راهنمای طراحی حروف* نمایان است. کتابی که خود آن را طراحی کرد ولی همسرش پس از مرگ وی آن را در سال ۱۸۱۳ م چاپ کرد.

## چاپ در امریکا

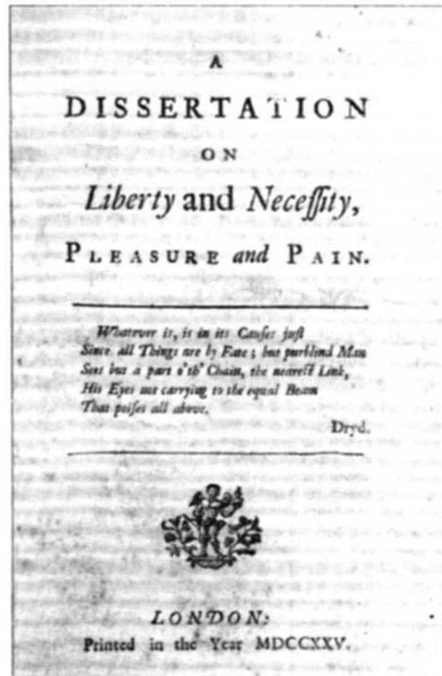
در سـال ۱۷۰۰ م چاپ در مستعمره‌نشین‌های امـریکا کاملاً جا افتاده بود و در سال ۱۷۰٤ م نخستین روزنامهٔ مسلسل را جان کمبپل با نام *بوستون نیوزلتر* منتشر کـرد. پیش‌تر در ۲۵ سپتامبر ۱٦۹۰ م یـک روزنامـه بـرای انتشار تـلاش کرده بود اما پس از چاپ یک شماره، به دلیل سرکوب دولتی توقیف شده بود.

مهـم‌تریـن چاپ‌گـر ناشـر در امـریکای مستعمره، که امروزه سیاستمدار و امضا کنندهٔ بیانـیه اسـتقلال شـناخته مـی‌شـود، بنجامیـن فرانکلیـن بـود. او کـه در سـال ۱۷۰٦ م در بوسـتون زاده شـد، بـه همراه یکی از برادران خـود بـه کـارآموزی چـاپ مشـغول شـد. فرانکلیـن کـارآموزی را ناتمـام گذاشت و در سـال ۱۷۲٦ م از راه دریا به انگلستان رفت و در لـندن در سـمت چـاپ‌گـر تثبیـت شـد. (تصویر ۱٤)

فرانکلیـن پس از بازگشـت بـه امـریکا کارگاه چاپ خود را در فیلادلفیا دایر کرد و در آن‌جـا کـتاب‌هـا، جـزوات و روزنامه‌ای موسوم به *پنسیلوانیا گازیته* را چاپ کرد.

از آن‌جا که در امریکا کارگاه ریخته‌گری داخلـی وجـود نداشـت، فرانکلیـن ناگزیـر حروف چاپی مورد نیاز خود را از انگلستان وارد مـی‌کـرد. او هـنگام تجـربهٔ چـاپ بـا حـروف باسکرویل، فورنیه، دیدو و بودونی آشنایی یافت اما در ظاهر حروف انتخابی او حـروف «کسـلون سـبک قدیـم» بـود کـه رایج‌ترین حروف چاپی مستعمرات به شمار مـی‌رفت. در واقـع اعلامـیه استقلال نیز با حروف کسلون چاپ شد. (تصویر ۱۵)

بنجامیـن صـرف‌نظر از آن‌که چاپ‌گر و ناشری برجسته در مستعمرات بود، دانشمند و مؤلف کتاب پرفروش *تقویم ریچارد بینوا* نیز بود.



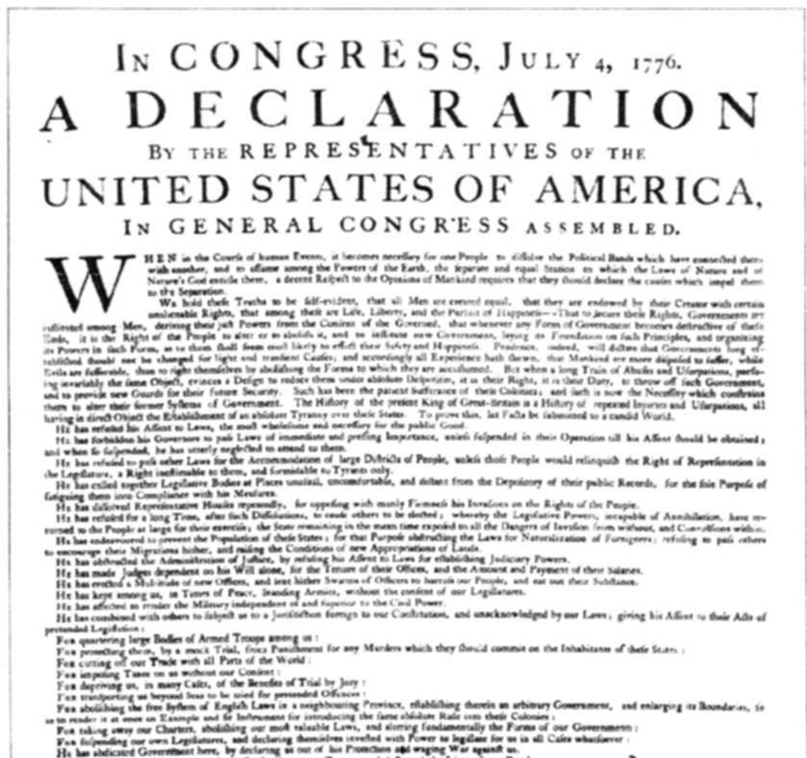
A
DISSERTATION
ON
*Liberty* and *Neceſſity*,
PLEASURE *and* PAIN.

*Whatever is, is in its Causes just*
*Since all Things are by Fate; but purblind Man*
*Sees but a part o'th' Chain, the nearest Link,*
*His Eyes not carrying to the equal Beam*
*That poises all above.*
Dryd.

*LONDON:*
Printed in the Year MDCCXXV.

۱۴

۱٤ـ صـفحه عـنوان مقالـه‌ای کـه بنجامیـن فرانکلین در سال ۱۷۲۵م هنگامـی کـه بـه حـروف‌چیـنی حـرفه‌ای درلـندن مشـغول بـود، نوشـت، حـروف‌چینی و احتمالاً چاپ کرد.



IN CONGRESS, JULY 4, 1776.
A DECLARATION
BY THE REPRESENTATIVES OF THE
UNITED STATES OF AMERICA,
IN GENERAL CONGRESS ASSEMBLED.

WHEN in the Course of human Events, it becomes necessary for one People to dissolve the Political Bands which have connected them with another, and to assume among the Powers of the Earth, the separate and equal Station to which the Laws of Nature and of Nature's God entitle them, a decent Respect to the Opinions of Mankind requires that they should declare the causes which impel them to the Separation.

We hold these Truths to be self-evident, that all Men are created equal, that they are endowed by their Creator with certain unalienable Rights, that among these are Life, Liberty, and the Pursuit of Happiness—That to secure these Rights, Governments are instituted among Men, deriving their just Powers from the Consent of the Governed, that whenever any Form of Government becomes destructive of these Ends, it is the Right of the People to alter or to abolish it, and to institute new Government, laying its Foundation on such Principles, and organizing its Powers in such Form, as to them shall seem most likely to effect their Safety and Happiness. Prudence, indeed, will dictate that Governments long established should not be changed for light and transient Causes; and accordingly all Experience hath shewn, that Mankind are more disposed to suffer, while Evils are sufferable, than to right themselves by abolishing the Forms to which they are accustomed. But when a long Train of Abuses and Usurpations, pursuing invariably the same Object, evinces a Design to reduce them under absolute Despotism, it is their Right, it is their Duty, to throw off such Government, and to provide new Guards for their future Security. Such has been the patient Sufferance of these Colonies; and such is now the Necessity which constrains them to alter their former Systems of Government. The History of the present King of Great-Britain is a History of repeated Injuries and Usurpations, all having in direct Object the Establishment of an absolute Tyranny over these States. To prove this, let Facts be submitted to a candid World.

He has refused his Assent to Laws, the most wholesome and necessary for the public Good.

He has forbidden his Governors to pass Laws of immediate and pressing Importance, unless suspended in their Operation till his Assent should be obtained; and when so suspended, he has utterly neglected to attend to them.

He has refused to pass other Laws for the Accommodation of large Districts of People, unless those People would relinquish the Right of Representation in the Legislature, a Right inestimable to them, and formidable to Tyrants only.

He has called together Legislative Bodies at Places unusual, uncomfortable, and distant from the Depository of their public Records, for the sole Purpose of fatiguing them into Compliance with his Measures.

He has dissolved Representative Houses repeatedly, for opposing with manly Firmness his Invasions on the Rights of the People.

He has refused for a long Time, after such Dissolutions, to cause others to be elected; whereby the Legislative Powers, incapable of Annihilation, have returned to the People at large for their exercise; the State remaining in the mean time exposed to all the Dangers of Invasion from without, and Convulsions within.

He has endeavoured to prevent the Population of these States; for that Purpose obstructing the Laws for Naturalization of Foreigners; refusing to pass others to encourage their Migrations hither, and raising the Conditions of new Appropriations of Lands.

He has obstructed the Administration of Justice, by refusing his Assent to Laws for establishing Judiciary Powers.

He has made Judges dependent on his Will alone, for the Tenure of their Offices, and the Amount and Payment of their Salaries.

He has erected a Multitude of new Offices, and sent hither Swarms of Officers to harrass our People, and eat out their Substance.

He has kept among us, in Times of Peace, Standing Armies, without the consent of our Legislatures.

He has affected to render the Military independent of and superior to the Civil Power.

He has combined with others to subject us to a Jurisdiction foreign to our Constitution, and unacknowledged by our Laws; giving his Assent to their Acts of pretended Legislation:

For quartering large Bodies of Armed Troops among us:

For protecting them, by a mock Trial, from Punishment for any Murders which they should commit on the Inhabitants of these States:

For cutting off our Trade with all Parts of the World:

For imposing Taxes on us without our Consent:

For depriving us, in many Cases, of the Benefits of Trial by Jury:

For transporting us beyond Seas to be tried for pretended Offences:

For abolishing the free System of English Laws in a neighbouring Province, establishing therein an arbitrary Government, and enlarging its Boundaries, so as to render it at once an Example and fit Instrument for introducing the same absolute Rule into these Colonies:

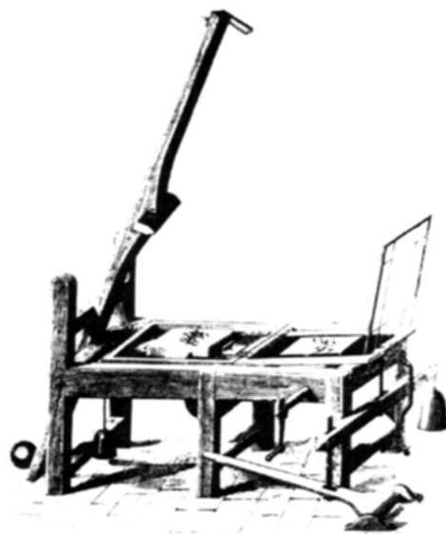
For taking away our Charters, abolishing our most valuable Laws, and altering fundamentally the Forms of our Governments:

For suspending our own Legislatures, and declaring themselves invested with Power to legislate for us in all Cases whatsoever:

He has abdicated Government here, by declaring us out of his Protection and waging War against us.

۱۵

۱۵ـ اعلامیهٔ استقلال با حروفی که بعدهـا رایـج‌تریـن حـروف چاپی امریکا شد، حروف کسلون.



## پیدایش لیتوگرافی

لیتوگرافی به معنای «سنگ نگاری» را در سال ۱۷۹۸ م فردی از اهالی باواریا موسوم به آلوئیس سنه فلدر در حالی به تکامل رساند که در پی روشی ارزان قیمت برای چاپ آثار خود بود.

فرایند چاپ سنه فلدر تفاوت بنیادی با دیگر روش‌های چاپ نظیر چاپ از روی تصویر برجسته (لترپرس) یا چاپ از روی تصویر گود (اینتالیو) داشت. روش سنه فلدر که آن را پلیوتوگرافی می‌نامید، تصاویر را از روی سطحی صاف چاپ می‌کرد. این روش بر این اصل استوار بود که آب و روغن با یکدیگر درآمیخته نمی‌شوند.

در روش لیتوگرافی، تصویری که باید چاپ شود، با مداد روغنی یا مرکّب توشه مستقیم بر ورقه‌ای از سنگ آهک مسطح کشیده می‌شود. سپس سنگ به محلول آب، صمغ عربی و اسید آغشته می‌شود. تصویر روغنی، محلول آب را نمی‌پذیرد و این محلول تنها جذب قسمت‌هایی می‌شود که بدون تصویر است. پس از آن‌که سنگ، مرکّب زده شد، عکس این عمل اتفاق می‌افتد، بدین معنا که تصویر مرکّب را می‌پذیرد و بخش‌های فاقد تصویر مرکّب را جذب نمی‌سازد. برای چاپ تصویر، ورق کاغذ روی سنگ گذاشته می‌شود و با ایجاد فشار، تصویر بر روی کاغذ انتقال می‌یابد.

لیتوگرافی در مقایسه با چاپ برجسته (لترپرس) و چاپ گود (اینتالیو) مزایای بسیاری داشت. اولین مزیت آن در این بود که این روش مستقیم بود و هر چیزی که روی سنگ ترسیم شده بود می‌توانست بدون نیاز به لوح‌های چاپی واسطه چاپ شود ـ فرایندی که از دست رفتن بخشی از ظرافت کار هنرمند را در پی داشت. همچنین، در این روش اصلاحات به گونه‌ای راحت و ارزان انجام می‌شد. و بالأخره سنگ لیتوگراف می‌توانست بدون فرسایش یا خرابی، صدها چاپ نقش را ارائه دهد.

تنها اشکال این روش این بود که تصویر باید به صورت وارونه (در جهت عکس) روی سنگ کشیده می‌شد تا به صورت مورد نظر (در جهت صحیح) چاپ شود.بدیهی‌بود که حروف‌چاپی مناسب چاپ لیتوگرافی نبود و سنگ نیز تنها برای ماشین چاپ لیتوگرافی قابل استفاده بود. لیتوگرافی تا سدهٔ نوزدهم به قابلیت تجاری و هنری کامل خود نرسید.



## مزوتینت، گراوور فولادی، گراوور چوبی

سه روش چاپ، مزوتینت، گراوورسازی فولادی و گراوورسازی چوبی، دامنه و تنوع کارهای چاپی را افزایش داد.

مزوتینت که در سال ۱۶۴۲ م لودویگ فن زیگن آلمانی مبدع آن بود، در سدهٔ بعد به دست هنرمندان گرافیک انگلیسی تکمیل شد.که آن را برای تهیهٔ چاپ‌های سیاه و سفید از تابلوهای نقاشی به کار گرفتند. چاپ‌های مزوتینت سپس به کتب و قاب‌های تزیینی راه یافت و پیش‌گام چاپ‌های هنری ظریف امروزی شد.

جاکوب پرکینز امریکایی گراوورسازی فولادی را در اواخر همین سده به تکامل رساند. (این اولین سهم عمدهٔ امریکا در هنرهای گرافیک بود.) گراوورسازی فولادی نیز همانند مزوتینت فرایندی از چاپ گود (اینتالیو) بود که در آن تصویری که باید چاپ شود به صورت فرو رفته در سطح چاپ قرار می‌گرفت. مزیت گراوور فولادی تعداد چاپ‌های ارزشمندی بود که از لوحی واحد به دست می‌آمد، بدین معنا که لوح مسی برای چاپ صدها تصویر قابلیت داشت، اما لوح فولادی قادر به‌چاپ هزاران تصویر بود. امروزه، گراوور فولادی تقریباً به گونهٔ اختصاصی برای چاپ اسکناس و تمبرهای پستی به کار می‌رود.

تقریباًهمزمان با تکامل گراوور فولادی گراوور چوبی را توماس بی ویک انگلیسی تکمیل کرد. گراوورهای چوبی برخلاف باسمه‌های چوبی بر یک سر سخت و محکم‌چوب‌شمشاد بریده می‌شد. بافت فشرده و محکم چوب همان‌گونه که در تصویر فوق دیده می‌شود، موجب رسیدن به جزئیات بیش‌تر در این نوع چاپ می‌شود. گراوورهای چوبی برخلاف مزوتینت و گراوورهای فولادی با حروف برجسته (لترپرس) چاپ می‌شوند.

## وقایع واشخاص

### وقایع تاریخی

**۱۷۰۰ـ** جمعیت تقریباً هشت میلیونی انگلستان واسکاتلند. رواج توالت فرنگی.
**۱۷۰۱ـ** بـه دارآویختـن کاپیتان کید بـه جرم راهزنی دریایی.
**۱۷۰۳ـ** آغاز بنای سن پترزبورگ به فرمان پترکبیر.
**۱۷۰۵ـ** پیش‌گویی ادموند هالی دربارهٔ بازگشت ستارهٔ دنباله‌دار.
**۱۷۰۶ـ** تولد بنجامین فرانکلین.
**۱۷۰۹ـ** تصویب نخستین قانون حق مؤلف در بریتانیا.
**۱۷۱۱ـ** راه اندازی روزنامهٔ *اسپکتیتور*. ظهور کلارینت در ارکستر.
**۱۷۱۲ـ** آخرین حکم اعدام به جرم جادوگری در بریتانیا.
**۱۷۱۴ـ** گابریل فارنهایت دماسنج جیوه‌ای را ساخت.
**۱۷۱۸ـ** نخستین اسکناس بانک انگلستان.
**۱۷۱۹ـ** نخستین مسابقهٔ کریکت.
**۱۷۲۰ـ** اسپانیا تگزاس را اشغال کرد.
**۱۷۲۱ـ** تصنیف *کنسرت‌های براندربورگ* اثر باخ. تولد مادام دوپمپادور.
**۱۷۲۴ـ** پایه‌گذاری لانگمن، قدیمی‌ترین انتشارات موجود انگلستان.
**۱۷۲۵ـ** تولد جووانی جاکومو کازانوا دوسینگالت.
**۱۷۲۶ـ** نگارش *سفرهای گالیور* اثر جاناتان سویفت.تصنیف‌سمفونی‌چهارفصل اثرویوالدی.
**۱۷۳۲ـ** تولد جورج واشینگتون.
**۱۷۳۴ـ** نخستین مسابقهٔ اسبدوانی در امریکا.
**۱۷۳۵ـ** محاکمهٔ جان پتر زنگر در نیویورک به خاطر آزادی مطبوعات.
**۱۷۳۸ـ** تولد ژوزف گیوتین مخترع گیوتین.
**۱۷۴۰ـ** بـه تخت نشستن فردریک کبیر، پادشاه پروس.
**۱۷۴۲ـ** دماسنج صد بخشی (سانتیگراد) را آندرس سلسیوس اختراع کرد. نخستین اجرای *مسیحا* اثر هندل.
**۱۷۵۱ـ** انتشار *هالیفاکس گازیته*، نخستین روزنامهٔ کانادا.
**۱۷۵۲ـ** پذیرش تقویم گرگورین در بریتانیا. فرانکلین برق‌گیر را اختراع کرد.
**۱۷۵۵ـ** انتشار فرهنگ ساموئل جانسون. مرگ ۳۰۰۰۰ تن در اثر زلزله لیسبون.
**۱۷۵۶ـ** مرگ سربازان بریتانیا در بلک هول در کلکته. تولد موتسارت.
**۱۷۵۹ـ** بریتانیایی‌ها کبک را از تصاحب فرانسه خارج کردند. قتل ژنرال ولف و ژنرال مونتکالم. نگارش *کاندید* اثر ولتر.
**۱۷۶۰ـ** جوشیا ودگ وود آثار سفالگری را کشف کرد. نگارش قواعد بازی حکم براساس قواعد ادموند هویل.
**۱۷۶۲ـ** نگارش *قراردادهای اجتماعی* اثر روسو.
**۱۷۶۴ـ** مرگ مادام دو پومپادور. جیمز هارگریوز اختراع ماشین نخ‌ریسی ثبت کرد.
**۱۷۶۵ـ** تصویب قانون تمبر در بریتانیا.
**۱۷۶۶ـ** نقشه برداری مسیر راه‌آهن میسن‌ـ دیکسن.
**۱۷۶۸ـ** تأسیس آکادمی سلطنتی لندن.
**۱۷۶۹ـ** ثبت اختراع ماشین بخار جیمز وات.
**۱۷۷۰ـ** قتل عام بوستون. نقاشی *پسر آبی پوش* اثر توماس گینزبورو.
**۱۷۷۱ـ** نخستین (انتشار) *دائرة المعارف بریتانیکا*.
**۱۷۷۳ـ** محفل چای بوستون.
**۱۷۷۵ـ** آغاز انقلاب امریکا.
**۱۷۷۶ـ** امضای اعلامیهٔ استقلال. نگارش *تاریخ فروپاشی و زوال امپراتوری روم* اثر گیبون. نگارش *ثروت ملل* اثر آدام اسمیت.
**۱۷۷۷ـ** تعیین ستاره‌ها و خط‌ها در پرچم رسمی ایالات متحد.
**۱۷۷۸ـ** جیمز کوک هاوایی را کشف کرد.
**۱۷۷۹ـ** نخستین مسابقهٔ سوارکاری داربی در اپسوم.
**۱۷۸۳ـ** نخستین پرواز بالون برادران مونتگولفیه.
**۱۷۸۶ـ** تصنیف اپرای *عروسی فیگارو* اثر موتزارت. انتشار اشعار رابرت برنز.
**۱۷۸۸ـ** تصویب قانون اساسی امریکا.
**۱۷۸۹ـ** شورش در کشتی بونتی. آغاز ریاست جمهوری جرج واشنگتن. آغاز انقلاب فرانسه.
**۱۷۹۱ـ** تکمیل کتاب *زندگی ساموئل جانسون* اثر جیمز باسول. تصویب لایحه حقوق بشر.
**۱۷۹۳ـ** اعدام لویی شانزدهم و ماری آنتوانت با گیوتین. الی ویتنی ماشین پنبه پاک کنی را اختراع کرد.
**۱۷۹۴ـ** تأسیس نیروی دریایی امریکا.
**۱۷۹۵ـ** انتخاب نظام اندازه‌گیری متری در فرانسه.
**۱۷۹۶ـ** ازدواج ناپلئون بناپارت با ژوزفین. نخستین مایه‌کوبی آبله با واکسن ادوار ژنر.
**۱۷۹۸ـ** انتشار مقاله توماس رابرت مالتوس دربارهٔ جمعیت. مرگ کازانوا.
**۱۷۹۹ـ** خلق نخستین سمفونی بتهوون. مرگ جورج واشینگتون.

### ادبیات

دانیل دفو (۱۶۶۱ـ ۱۷۳۱)
جاناتان سویفت (۱۶۶۷ـ ۱۷۴۵)
الکساندر پوپ(۱۶۸۸ـ ۱۷۴۴)
ساموئل ریچاردسون (۱۶۸۹ـ ۱۷۶۱)
مونتسکیو (شارل لویی دو سکوندان) (۱۶۸۹ـ ۱۷۵۵)
ولتر (۱۶۹۴ـ ۱۷۷۸)
بنجامین فرانکلین (۱۷۰۶ـ ۱۷۹۰)
هنری فیلدینگ (۱۷۰۷ـ ۱۷۵۴)
ساموئل جانسون (۱۷۰۹ـ ۱۷۸۴)
دیوید هیوم (۱۷۱۱ـ ۱۷۷۶)
ژان ژاک روسو (۱۷۱۲ـ ۱۷۷۸)
توبیاس اسمولت (۱۷۲۱ـ ۱۷۷۱)
آدام اسمیت (۱۷۲۳ـ ۱۷۹۰)
امانوئل کانت (۱۷۲۴ـ ۱۸۰۴)
الیور گلداسمیت (۱۷۲۸ـ ۱۷۷۴)
توماس پاین (۱۷۳۷ـ ۱۸۰۹)
ادوارد گیبون (۱۷۳۷ـ ۱۷۹۴)
توماس جفرسون (۱۷۴۳ـ ۱۸۲۶)
یوهان ولفگانگ فن گوته (۱۷۴۹ـ ۱۸۳۲)
ویلیام بلیک (۱۷۵۷ـ ۱۸۲۷)
رابرت برنز (۱۷۵۹ـ ۱۷۹۶)

**موسیقی**

فرانسوا کوپرن (۱۶۶۸ـ ۱۷۳۳)
آنتونیو ویوالدی (حدود ۱۶۷۵ـ ۱۷۴۱)
گ.ف. تله مان (۱۶۸۱ـ ۱۷۶۷)
ژ. ف. رامو (۱۶۸۳ـ ۱۷۶٤)
دومنیکو اسکارلاتی (۱۶۸۵ـ ۱۷۵۷)
یوهان سباستین باخ (۱۶۸۵ـ ۱۷۵۰)
جان گایه (۱۶۸۵ـ ۱۷۳۲)
گئورگ فریدریش هندل (۱۶۸۵ـ ۱۷۵۹)
جووانی پرگوله زی (۱۷۱۰ـ ۱۷۳۶)
ک. ف. ا. باخ (۱۷۱٤ـ ۱۷۸۸)
ک.و.گلوک (۱۷۱٤ـ ۱۷۸۷)
یوزف هایدن (۱۷۳۲ـ ۱۸۰۹)
لوئیجی کروبینی (۱۷٦۰ـ ۱۸٤۲)
دومنیکو چیماروزا (۱۷٤۹ـ ۱۸۰۱)
ولفگانگ آمادئوس موتسارت (۱۷۵٦ـ ۱۷۹۱)
لوئیجی بوکه رینی (۱۷٤۳ـ ۱۸۰۵)
لودویک وان بتهوون (۱۷۷۰ـ ۱۸۲۷)

**هنرهای زیبا**

آنتون واتو (۱٦۸٤ـ ۱۷۲۱)
جووانی تیه پولو (۱٦۹٦ـ ۱۷۷۰)
ویلیام هوگارت (۱٦۹٦ـ ۱۷٦٤)
کاناله‌تو (آنتونیو کاناله)(۱٦۹۷ـ ۱۷٦۸)
ژان باپتیست شاردن (۱٦۹۹ـ ۱۷۷۹)
فرانسوا بوشه (۱۷۰۳ـ ۱۷۷۰)
فرانچسکو گواردی (۱۷۱۲ـ ۱۷۹۳)
برناردو بِله تو (۱۷۲۰ـ ۱۷۸۰)
جووانی پیرانه زی (۱۷۲۰ـ ۱۷۷۸)
سر جاشوا رینولدز (۱۷۲۳ـ ۱۷۹٦)
ژان باپتیست گروتز(۱۷۲۵ـ ۱۸۰۵)
توماس گینز بورو (۱۷۲۷ـ ۱۷۸۸)
ژان فراگونار (۱۷۳۲ـ ۱۸۰٦)
جان سینگلتون کاپلی (۱۷۳۸ـ ۱۸۱۵)
بنجامین وست (۱۷۳۸ـ ۱۸۲۰)
فرانسیسکو گویا (۱۷٤٦ـ ۱۸۲۸)
ژاک لویی داوید (۱۷٤۸ـ ۱۸۲۵)
گیلبرت استوارت (۱۷۵۵ـ ۱۸۲۸)
توماس رولندسون (۱۷۵٦ـ ۱۸۲۷)
ویلیام بلیک (۱۷۵۷ـ ۱۸۲۷)
آنتونیو کانووا (۱۷۵۷ـ ۱۸۲۲)
لویی ژیرود (۱۷٦۷ـ ۱۸۲٤)
آنتون ژان گروس (۱۷۷۱ـ ۱۸۳۵)
پیر پرودن (۱۷۸۵ـ ۱۸۲۳)

**هنرهای گرافیک**

ویلیام بویر (۱٦٦۳ـ ۱۷۳۷)
ویلیام کسلون (۱٦۹۲ـ ۱۷٦۷)
جان باسکرویل (۱۷۰٦ـ ۱۷۷۵)
بنجامین فرانکلین (۱۷۰٦ـ ۱۷۹۰)
پیر سیمون فورنیه (۱۷۱۲ـ ۱۷٦۸)
فرانسوا دیدو (۱۷۳۰ـ ۱۸۰٤)
جامباتیستا بودونی (۱۷٤۰ـ ۱۸۱۳)
توماس بی‌ویک (۱۷۵۳ـ ۱۸۲۸)
نیکولا لویی روبر (۱۷٦۱ـ ۱۸۲۸)
فیرمین دیدو (۱۷٦٤ـ ۱۸۳٦)
هانری فوردرینیه (۱۷٦٦ـ ۱۸۵٤)
برایان دانکن (۱۷٦۸ـ ۱۸۵۵)
آلویس سنه فلدر (۱۷۷۱ـ ۱۸۳٤)
سیلی فوردرینیه (مرگ ۱۸٤۷)

## عصر استعمارطلبی، ملی‌گرایی و صنعتی شدن



۱

۱ـ بخشی از تابلوی *ناپلئون در اتاق مطالعهٔ خود*، اثر ژاک لویی داوید، سال ۱۸۱۲م.

سدهٔ نوزدهم با ظهور ناپلئون برای کسب قدرت جهانی آغاز شد. حکومت ناپلئون در سال ۱۸۱۵ م با شکست از ولینگتون در واترلو سقوط کرد. از این پس آرامشی به دنبال آمد که موجب ثبات سیاسی اروپا شد و به استثنای پاره‌ای موارد، تا آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱٤ م ادامه یافت. در کنار این آرامش نسبی، ملل اروپایی توجه خود را به وحدت‌ملی، صنعتی‌شدن و توسعهٔ استعمار-طلبانه‌درخارج‌از مرزهای‌خودمعطوف‌ساختند.

بریتانیای کبیر همچون قدرتی جهانی سربرآورد و در پایان این سده وسیع‌ترین امپراتوری تاریخ را رقم زد. دیگر ملل اروپایی نظیر فرانسه، بلژیک و آلمان به تأسی از بریتانیا به توسعهٔ خارجی رو نهادند.

این سده همچنین دوران ملی‌گرایی بود که اشتیاق به وحدت سیاسی را در ایتالیا و آلمان برانگیخت و موجب وحدت ایتالیا در سال ۱۸٦۰ م و آلمان در سال ۱۸۷۰ م به رهبری بیسمارک شد.

ایالات متحده نیز مطابق نظریهٔ «سرنوشت آشکار»[۳۳] ناحیه لوئیزیانا، تگزاس، کالیفرنیا و آلاسکا را به‌دست‌آورد و بروسعت‌خود افزود.

انقلاب صنعتی که از سدهٔ پیش آغاز شده بود، با توان هر چه بیش‌تر در سدهٔ بعد ادامه یافت. با به میان آمدن منابع جدید نیرو، نظیر بخار، نفت و برق، تولید محصولات رو به فزونی نهاد. حمل و نقل به واسطه خطوط آهن، کشتی‌های بخار و برخی راه‌های شوسه تسریع شد و با اختراع تلگراف و تلفن ارتباطات آهنگ سریع‌تری به خود گرفت.

با این همه، رشد اقتصادی غیرقابل پیش‌بینی بود و دوره‌های رکود و بیکاری را دربرداشت. این اقتصاد پرافت و خیز موجب بی‌ثباتی و مرارت شدید طبقهٔ کارگر شد و به نوبهٔ خود ناآرامی‌های کارگری و ظهور ایدئولوژی‌های جدید سیاسی به ویژه سوسیالیسم، کمونیسم و آنارشیسم را در پی آورد.

همهٔ این نظریه‌های سیاسی ادعای تبیین مسائل نهفتهٔ اقتصادی را داشتند و همگی راه‌حل‌های مطمئنی ارائه دادند. شاید مشهورترین این نظریه‌ها کتاب *سرمایهٔ* کارل مارکس باشد که در سال ۱۸٦۷ م نوشته شد.

اصلاحات سیاسی و کارگری به آرامی پیش نرفت. حق‌رأی گسترش یافت و قوانینی برای حمایت از کارگران به ویژه زنان و کودکان به تصویب رسید. در همین حال اتحادیه‌های کارگری پا گرفتند. اتحادیهٔ چاپ‌گران و حروف‌چین‌ها از نخستین اتحادیه‌ها بود.

ایالات‌متحده به واسطهٔ همین موارد رونق مادی‌گرفت، روبه‌سمت غرب گسترش یافت، جنگ داخلی را از سرگذراند، برده‌داری را ملغی کرد، میلیون‌ها مهاجر را جذب کرد و مبدل به قدرت صنعتی مهمی شد.

ادبیات درنیمهٔ‌نخست این‌سده زیر نفوذ جنبش رمانتیک بود. رمانتیسم شکوفایی بزرگی را دیگر بار در عرصهٔ شعر انگلیسی ایجاد کرد. شاعرانی، چون ویلیام وردزورث، ساموئل‌تیلر کولریج، لرد بایرون (جورج گوردون)، پرسی باشیه شلی و جان‌کیتس، غلبهٔ احساس را بر تفکر عقلانی، که سدهٔ پیش را در عصر خرد زیر نفوذ خود گرفته بود، ستودند. گرایش رمانتیسم در دورهٔ طولانی حکومت ملکه ویکتوریا ادامه یافت؛ یعنی از سال ۱۸۳۷ م به زمان تخت‌نشستن تا سال ۱۹۰۱ م زمان درگذشت وی.

در حالی که شاعران، عشق و طبیعت را دستمایه‌کار خود قرارداده‌بودند، رمان‌نویسانی، نظیر چارلز دیکنز به توصیف نابرابری‌های حاصل از انقلاب صنعتی رونهادند. شاهکارهای امریکایی این دوره سهم عمده‌ای در عرصهٔ ادبیات ایفا کردند. از جمله این آثار *والدن* اثر هنری دیوید تورو، *موبی دیک* اثر هرمان ملویل، *برگ‌های علف* اثر والت ویتمن و *هاکلبری فین* اثر مارک تواین بودند. داستان کوتاه «*قتل‌های خیابان مورگه*» عنوان پدر داستان نویسی پلیسی مدرن را نصیب ادگار آلن‌پو کرد.

یکی از موضوعات فکری بحث‌انگیز میانهٔ دورهٔ ویکتوریا انتشار کتاب *خاستگاه انواع* چارلز داروین در سال ۱۸۵۹ م بود. این اثر اختلاف نظری مذهبی و علمی دربارهٔ خاستگاه‌های نوع بشر برانگیخت که تا امروز نیز ادامه دارد.

رخداددیگری‌که در نیمهٔدوم این‌سده ذهن مردم دورهٔ ویکتوریا را به خود مشغول کرد، اعلام یافته‌های روان‌شناسی زیگموند فروید دربارهٔ رویاها و تمایلات جنسی بشر بود.

### هنرهای زیبا

در آغاز سدهٔ نوزدهم، مرکز دنیای هنر از رم به پاریس منتقل شد و تا سدهٔ بعد نیز پابرجا ماند. پاریس در ربع اول این سده زیر نفوذ مکاتب نقاشی *نئوکلاسیک* و *رمانتیک* بود که در آثار ژاک لویی داوید (تصویر ۱)، ژان اوگوست دومنیک انگر (تصویر ۲)، تئودور ژریکو، و اوژن دلاکروا (تصویر ۳) نمود یافت.

در سال‌های ۱۸۳۰ م گروهی از نقاشان منظره پرداز که نزدیک بار بیزون در جنگل فونتن بلو فعالیت می‌کردند پا به میان گذاشتند. هنرمندان عمدهٔ مکتب *بار بیزون*، ژان باپتیست کورو، ژان فرانسوا میه و شارل فرانسوا دوبینی بودند.

در میانهٔاین‌سده، مکتب‌نقاشی جدیدی‌که به موضوعات زندگی روزمره می‌پرداخت پا به میان نهاد. نقاشان این مکتب موسوم به *واقعگرایان* آثار خود را در وضعیتی خلق کردند که برای هنرمندان آتی نیز آشنا بود. این وضعیت عبارت از فعالیت هنری بدون داشتن تشکیلات خاص یا حمایت رسمی بود. رهبر این گروه گوستاو کوربه بود و نقاشانی چون اونوره دومیه، ادوارد مانه و ادگار دگا از اعضای آن بودند.

در سال‌های ۱۸۷۰ م، *امپرسیونیست‌ها* ـ کلودمونه (تصویر ٤)، پیر رنوار، کامیل پیسارو، آلفرد سیسلی، برت موریسو و مری کاسات ـ جای واقعگرایان را گرفتند. نقاشان نسل بعد که پل‌سزان (تصویر ۵)، پل گوگن، ژرژ سورا و ونسان ونگوگ‌را شامل می‌شدند، *امپرسیونیست‌های متأخر نام گرفتند.*



۲

۲ـ انگر، شاگرد داوید، با نقاشی‌هایی چون پرتره *مادام موئیتسیه*، که در سال ۱۸۵۱ م کار شده است، سنت نئوکلاسیک را زنده نگه‌داشت.

۳ـ اوژن دلاکروا، رهبر مکتب رمانتیسم، به نقاش موضوعات ناآشنا وقرون وسطایی شهرت داشت. او همچنین یکی از نخستین هنرمندان مطرحی بود که از لیتوگرافی برای تصویرسازی کتاب بهره برد. در این‌جا صحنه‌ای از کتاب *فاوست* گوته متعلق به سال ۱۸۲۷م دیده می‌شود.

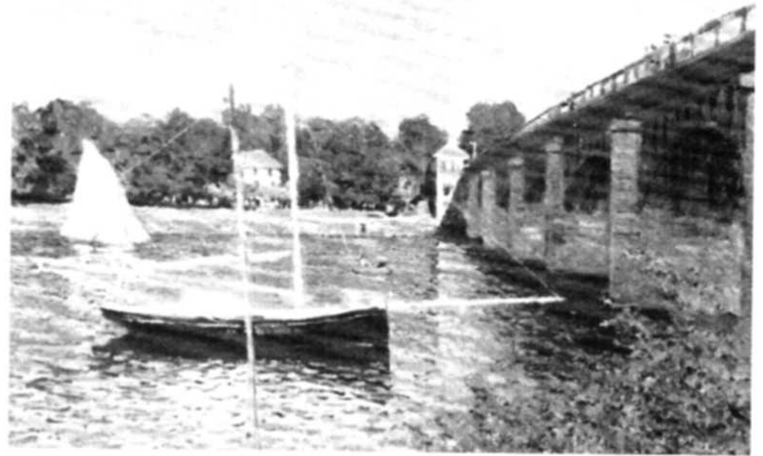


۳

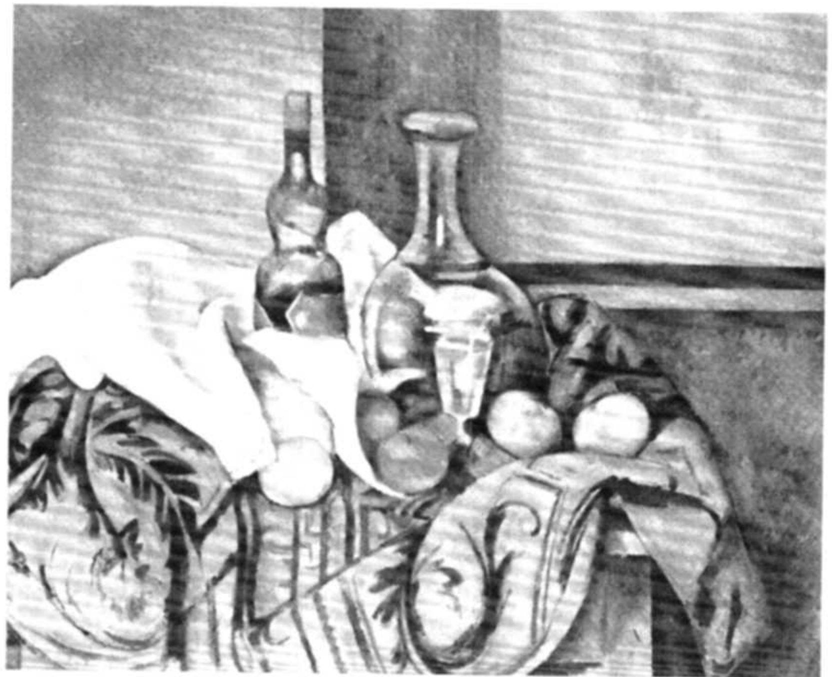
این سده با پیدایش گروهی موسوم به نبی‌ها یا پیامبران،[۳۴] شامل پیر بونار، ادوار ویار، موریس دنی و...، پایان گرفت. تولوز لوترک هنرمند بزرگ پوسترساز، ارتباط نزدیکی با نبی‌ها داشت.

مکتب نقاشی انگلیسی دو استاد بزرگ منظره پرداز، جی.ام. دبلیو ترنر و جان کنستابل، را به دنیای هنر عرضه کرد. احیاگران هنرپیشارافائلی[۳۵] قرون وسطا را منبع الهام خود قرار دادند. برجسته‌ترین اعضای این گروه، دانته گابریل روسه‌تی، ویلیام هولمن‌هانت، سر ادوارد برن جونز و ویلیام موریس طراح بودند.

در پایان این سده، ادوارد مونش با مجموعه آثار اکسپرسیونیستی خود به کاوش در ناخودآگاه پرداخت.



۴



۵



۶

۴ـ جنبش هنری موسوم به امپرسیونیسم، نام خود را در سال ۱۸۷۲ م از یکی از تابلوهای کلود مونه با نام امپرسیون: طلوع خورشید برگرفت. پل آرژنتول که دو سال بعد کار شده است، رویکرد امپرسیونیستی مونه را به موضوع اصلی خود نشان می‌دهد.

۵ـ رویکرد تحلیلی و هندسی سزان به نقاشی، تأثیر چشمگیری بر هنر و طراحی‌سدهٔ بیستم گذارد. او بر اشکال جامد بیش از زیبایی سطح تأکید داشت.این موضوع در تابلوی او طبیعت بی‌جان با بطری متعلق به سال۱۸۹۴م نمایان است.

۶ـ وینسلو هومر یکی از هنرمندان مشهور امریکایی بود که در تصویرسازی مجلات نیز فعالیت داشت.گراوور چوبی او با نام دست درازی به آشیانهٔ ابابیل‌ها برای شمارهٔ ۱۳ژوئن ۱۸۷۴م هفته‌نامهٔ هارپرز ویکلی تهیه شد.

نقاشان ایالات متحده رفته رفته خود را از قید سنت‌های اروپایی رها کردند. گرچه بسیاری از هنرمندان امریکا به مطالعه در خارج از کشور ادامه دادند اما مناظر و شیوهٔ زندگی امریکایی به تدریج بر هنر آنان تأثیر گذارد.

در نیمهٔ نخست این سده، ظهور هنرمندانی، چون ادوارد هیکز، توماس کول و جورج بینگهام، را شاهد هستیم. در میانهٔ این‌سده هنرمندان دانش‌آموختهٔ امریکایی نظیر وینسلوهومر (تصویر ٦) و توماس ایکینز تصاویری امریکایی خلق کردند.

جیمز آبوت مک نیل ویستلر و جان سینجر سارجنت دو هنرمند امریکایی مقیم خارج بودند.

### هنرهای گرافیک

در سال‌های ۱۸۰۰ م، علم و فناوری به هنرهای گرافیک راه یافت و در همهٔ زمینه‌ها از جمله چاپ، کاغذسازی و حروف‌چینی تغییرات بنیادین و دامنه‌داری ایجاد کرد. ظهور مطبوعات عامه‌پسند به پیدایش صنعت جدیدی به نام تبلیغات تجاری کمک کرد که با خود نیاز به حروف چاپی جدید، ایده‌های طراحی و چاپ سریع را به ارمغان آورد.

با انتشار روزنامه‌ها و مجلات عامه‌پسند، تصویرسازی حرفه‌ای نیز پدید آمد. این سده با جنبش هنرها و پیشه‌ها، که سردمدار مبارزه با چاپ بی‌کیفیت و وفور طرح‌های معمولی حروف بود، به پایان رسید.

### چاپ در انگلستان

درست پیش از آغاز این سده، نیاز به چاپ با کیفیت‌تر رخ نمود. این نیاز با بهبود روش‌های چاپی‌ای برآورده شد که لازمهٔ انتقال ویژگی‌های خطی ظریف گراوورهای چوبی و خم و راستی‌های ظریف حروف چاپی مدرن بود.

ظریف‌ترین نمونهٔ این گرایش جدید نسخهٔ مصور نُه جلدی آثار شکسپیر در سال ۱۸۱۰ م بود که دو ناشر به نام‌های جان و جوسیا بویدل و چاپ‌گری به نام ویلیام بلمر (تصویر ۷) آن را به چاپ رساندند. حروف متن این کتاب را که طرحی انتقالی با گرایش‌های مدرن داشت، ویلیام مارتین طراحی کرد که حرفهٔ خود را در زمان کار با جان باسکرویل فرا گرفت.

نخستین حروف چاپی مدرن واقعی بریتانیا را ریچاردآستین در گلاسکوی



Lady Willoughby. | 91

1642.

1642.

January 8. Saturday.

THe *Commons* have petitioned for a Guard. Newes that Lord *Kimbolton*, Mr. *Hollis*, Sir *Arthur Hazelrigge*, Mr. *Pym*, Mr. *John Hampden*, and another, have been accused of High Treason by the *Attorney General*. Whilst the *Lords* were deliberating, Word was brought that Officers were sealing up the Doores, Trunks, &c. of the accused Members. The *Commons* ordered their *Sergeant at Armes* to breake them open: of a sudden there came a Message from the *King* to the *Speaker* requiring him to deliver up the 5 Members. The *House* replied they would take the Matter into Consideration. The

۸

THE

DRAMATIC WORKS

OF

SHAKSPEARE

REVISED

BY GEORGE STEEVENS



AS YOU LIKE IT.

LONDON

PRINTED BY W. BULMER & CO.

Shakspeare Printing-Office,

FOR JOHN AND JOSIAH BOYDELL, GEORGE AND W. NICOL

MDCCCII

۷

۷ـ یکی از نخستین کوشش‌های موفق برای بهبود کیفیت چاپ انگلیس در اوایل سدهٔ نوزدهم، انتشار نسخهٔ بویدل از آثار شکسپیر در سال ۱۸۰۲ م بود.

۸ ـ ویلیام پیکرینگ نسخهٔ نفیس *خاطرات لیدی ویلوفبای* را در سال ۱۸٤٤ م در چاپخانهٔ چیسویک با حروف اصلی کسلون انتشار داد و از به کارگیری حروف چاپی دورهٔ خود، که طراحی ضعیفی داشتند، صرف نظر کرد.

اسکاتلند برای کارگاه ریخته‌گری حروف جان بل ساخت. طرح آستین، الگویی برای سایر حروف چاپی مدرنی شد که امروزه *اسکات مدرن* (حروف مدرن اسکاتلندی) خوانده می‌شود.

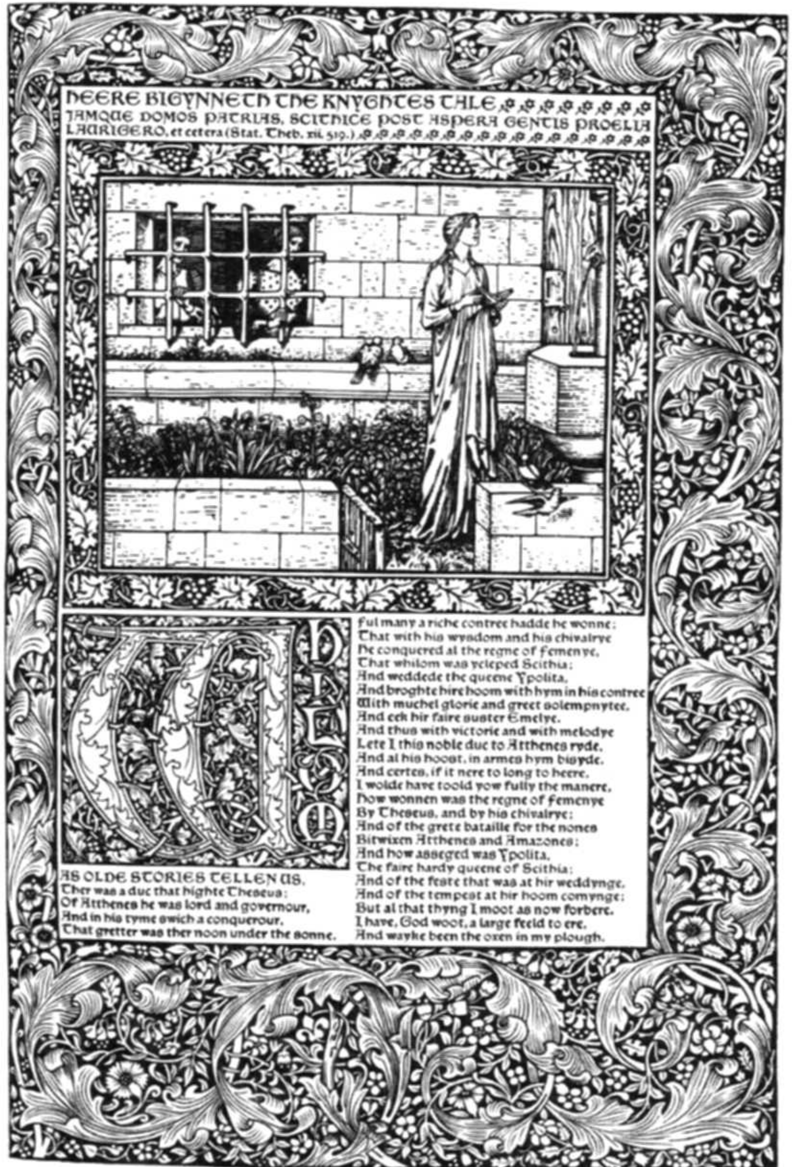
درسال‌های ۱۸٤۰م تولیدکتاب با افت کیفی مواجه‌شد. طراحی کتاب‌ها ضعیف بود. کیفیت کاغذ تنزل کرده‌بود و کارچاپ‌وطراحی‌حروف نیز وضع بهتری نداشتند. گویی غروری که چاپ‌گران اولیه از کار خود به دست آورده بودند، با ماشینی شدن از دست رفته بود.

نخستین گام تجربی در واکنش به این وضعیت را ویلیام پیکرینگ در سال ۱۸٤٤ م در چاپخانهٔ چیسویک برداشت . او تصمیم گرفت *خاطرات لیدی ویلوفبای* را با حروف اصلی کسلون چاپ کند و از به کارگیری حروف انگلیسی موجود به خاطر طراحی ضعیف‌شان صرف نظر کند. (تصویر ۸)

تقریباً نیم‌سدهٔ‌بعد، ویلیام‌موریس سردمدار جنبش هنرها و پیشه‌ها، گام بعدی مهمی را برداشت. وی چاپخانهٔ کلمسکات را با الهام از کارهای چاپخانهٔ چیسویک و تحت تأثیر دست‌نوشته‌های قرون وسطا و نخستین کتاب چاپی اینکونابولا تأسیس کرد و توانست‌حروف و کتاب‌های چاپی خود را طراحی کند.

موریس برای نخستین حروف چاپی خود، از کتاب *اوزبیوس* چاپ سال ۱۸۸۸ م نیکولای جنسن (بنگرید به صفحهٔ ٦۹) الهام گرفت و حروف چاپی سبک قدیم ونیزی را آفرید که آن را *گلدن* (طلایی) نامید و در چاپ کتاب *افسانهٔ طلایی* از آن استفاده کرد. موریس برای چاپ *آثار گئوفری چاسر* حروف چاپی گوتیک‌تری موسوم به چاسر را آفرید. (تصاویر ۹ و ۱۰)

ویلیام‌موریس الهام بخش نسل کاملی از طراحان همدل شد. این طراحان به پیروی از کار موریس، چاپخانه‌هایی دایر کردند و کتاب‌هایی هنری در نسخه‌های محدود به چاپ‌رساندند. این کوشش که امروزه به‌جنبش *چاپخانه‌های خصوصی* موسوم است، گرایش نوینی در طراحی حروف چاپی، طراحی کتاب و چاپ هنری پدید آورد. این موارد همگی در سدهٔ بعد به بار نشست.


HEERE BIGYNNETH THE KNYGHTES TALE
JAMQUE DOMOS PATRIAS, SCITHICE POST ASPERA GENTIS PROELIA LAURIGERO, et cetera (Stat. Theb. xii. 519.)

WHILOM

AS OLDE STORIES TELLEN US,
Ther was a duc that highte Theseus;
Of Atthenes he was lord and governour,
And in his tyme swich a conquerour,
That gretter was ther noon under the sonne.
Ful many a riche contree hadde he wonne;
That with his wysdom and his chivalrye
He conquered al the regne of Femenye,
That whilom was ycleped Scithia;
And weddede the queene Ypolita,
And broghte hire hoom with hym in his contree
With muchel glorie and greet solempnytee,
And eek hir faire suster Emelye.
And thus with victorie and with melodye
Lete I this noble duc to Atthenes ryde,
And al his hoost, in armes hym bisyde.
And certes, if it nere to long to heere,
I wolde have toold yow fully the manere,
How wonnen was the regne of Femenye
By Theseus, and by his chivalrye;
And of the grete bataille for the nones
Bitwixen Atthenes and Amazones;
And how asseged was Ypolita,
The faire hardy queene of Scithia;
And of the feste that was at hir weddynge,
And of the tempest at hir hoom comynge;
But al that thyng I moot as now forbere.
I have, God woot, a large feeld to ere,
And wayke been the oxen in my plough.

۹

۹ـ صفحه‌ای از کتاب‌چاسر، متعلق به ۱۸۹٦م با تصویرسازی‌های ادوارد برن جونز که ویلیام موریس آن را طراحی کرد و در چاپخانهٔ خود موسوم به کلمسکات به چاپ رساند. اهتمام موریس به چاپ هنری، الهام‌بخش طراحان وچاپ‌گران در اروپا و امریکا شد.

This is the Golden type.

This is the Troy type.

This is the Chaucer type.

۱۰

۱۰ـ سه نوع حروف چاپی با طراحی ویلیام موریس. وی امروزه بیش از آن که طراح حروف چاپی باشد، نیروی محرک جنبش چاپ هنری به حساب می‌آید.

## ماشین چاپ آهنی و استریو تایپ استنهوپ

در طول سال‌ها، ماشین‌های چاپ چوبی، نظیر ماشین چاپ گوتنبرگ، رفته رفته با افزودن بخش‌های فلزی بهبود یافتند اما این دگرگونی‌ها در بهترین حالت خود وجهی کم‌رنگ و حاشیه‌ای داشتند. نخستین دگرگونی عمده در ماشین‌های چاپ در سال ۱۸۰۰ م با معرفی اولین ماشین تمام آهنی موسوم به استنهوپ صورت گرفت که در انگلستان چارلز ماهون، کنت سوم استنهوپ آن را به تکامل رساند. (بنگرید به صفحهٔ ۱۲۶) یکی از موارد نوظهور در این دستگاه استفاده از اهرم‌های فلزی به جای پیچ چوبی بود که استفاده از غلتک چاپ بزرگ‌تر و فشار یکدست‌تر را امکان‌پذیر می‌ساخت.

پس از ماشین چاپ استنهوپ، ماشین‌های دیگری نظیر ماشین چاپ انگلیسی آلبیون و ماشین‌های چاپ امریکایی کولومبین و واشنگتن نیز ارائه شدند.

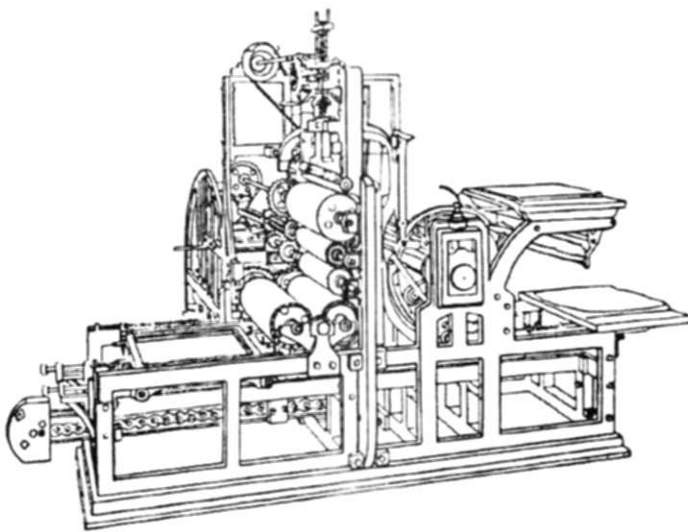
افزون بر معرفی این ماشین‌های پرقدرت و محکم، مرکّب‌ها و روش‌های مرکّب زنی نیز بهبود یافت. روش قدیم مرکّب‌زنی با کلاف‌های چرمی جای خود را به غلتک‌های مرکّب زن دادند که استعمال سریع‌تر و یکدست‌تر مرکّب را امکان‌پذیر ساختند.

به علاوه، ایفای سهم عمده در روش چاپ استریوتایپ نیز به لرد استنهوپ نسبت داده می‌شود. در این روش، از فرم حروف و تصاویر با استفاده از قالبی که برای ساخت لوح فلزی موسوم به استریوتایپ با فلز گداخته پر می‌شود،.کپی‌برداری می‌شود تا بعد برای چاپ مورد استفاده قرار گیرد.

روش استریوتایپ،مزایای بسیاری دارد. به ویژه، اگر کار طولانی و وقت‌گیر باشد یا برای چاپ آن به بیش از یک ماشین چاپ نیاز باشد.

لوح‌های استریو تایپ مانع فرسودگی حروف چاپی اصلی می‌شوند و محدودیتی نیز در تهیه نسخه‌های متعدد آن‌هاوجودندارد. با این‌لوح‌ها نیاز به حروف‌چینی مجدد نسخه‌های کپی از میان می‌رود.

گرچه کوشش‌های اولیه‌ای برای رسیدن به روش استریوتایپ در اوایل سدهٔ هجدهم از سوی ویلیام گد، زرگر اهل ادینبورگ صورت گرفت اما ایدهٔ او عملی نشد. تنها در سال۱۸۰۳م لرد استنهوپ روش قابل اجرایی را معرفی کرد. این فرایند در سال ۱۸۴۶ م با معرفی پاپیه ماشه (خمیر کاغذ) قوت گرفت که قالب زدن لوح‌های استریوتایپ کنده‌کاری شده را برای ماشین چاپ روتاری (دوار) امکان‌پذیر ساخت.



## چاپ قدرت می‌گیرد

کاربرد نیروی بخار در چاپ انقلابی در این صنعت پدید آورد. فردریک کونیگ، مهندس آلمانی، که در انگلستان کار می‌کرد، این ماشین چاپ را از نو طراحی کرد تا به آن قابلیت بخشد. او به جای لوح مسطح سنتی از غلتک فشارندهٔ چرخان استفاده کرد که افزون بر حمل کاغذ، فشار لازم را نیز برای چاپ ایجاد می‌کرد.

ماشین چاپ کونیگ که نخستین بار در ۲۸ نوامبر ۱۸۱۴ م برای چاپ تایمز لندن به کار گرفته شد، تعداد چاپ‌های ممکن را تقریباً به «پنج‌تا» (five - fold) رساند. به عبارتی رقم ۲۵۰ نسخه در ساعت ماشین استنهوپ با این ماشین به ۱۱۰۰ نسخه در ساعت رسید.

نوآوری‌مهم بعدی را در سال۱۸۴۶ م یک امریکایی به نام ریچارد هو صورت داد. که اولین ماشین چاپ دوار (روتاری) را ساخت. در این ماشین، همانند ماشین چاپ کونیگ، حروف چاپی به جای آن‌که در بستر تخت قرار گیرد، روی غلتک قرار می‌گرفت. در سال ۱۸۶۱ م، حروف چیده شده با دست جای خود را به لوح‌های حکاکی شده یا استریوتایپ‌ها داد.

دگرگونی بعدی را در سال ۱۸۶۵ م امریکایی دیگری به نام ویلیام بولاک صورت داد که چاپ رولی (وب) را مطرح ساخت. در این روش، عمل چاپ به جای ورق‌های منفرد و جدا از هم، بر روی یک رول پیوسته کاغذ صورت می‌گرفت. ماشین چاپ بولاک همچنین یک‌ماشین چاپ دو روزنی بود که می‌توانست همزمان دو سوی نوار کاغذ را به چاپ رساند.

دستگاه‌های چاپ گراوور و لیتوگرافی سیر همانند دستگاه‌های‌چاپ برجسته‌ماشینی‌شدند. حتی کارگاه‌های کوچک چاپ نیز از فرایند ماشینی شدن برکنار نماندند.

در سال۱۸۵۶م جورج پ. گوردن مخترع امریکایی، اولین ماشین چاپ کلمشل را معرفی کرد. دلیل این نامگذاری آن بود که این دستگاه در هنگام کار همانند صدفی بود که کفه خود را می‌بست. ماشین چاپ کلمشل پدالی بود و تناسب مطلوبی با دفاتر چاپ یک یا دو نفره داشت.

هفت سال بعد امریکایی دیگری به نام مریت گالی شکل تغییر یافته‌ای از ماشین کلمشل موسوم به یونیورسال را به ثبت رساند. این ماشین را در هارتفورد کانکتیکت کارخانهٔ اسلحه‌سازی گُلت تولید کرد. مدل گُلت ۴۵این کارخانه فاتح غرب شد. پس از سال ۱۸۸۵ م، مدل‌های جدید این ماشین به ماشین‌های چاپ کارخانه گُلت موسوم شد.



**مطبوعات‌عامه‌پسند و ظهور هنرمندتصویرساز**

مطبوعات مردم‌پسند ـ رمان‌ها، مجلات و روزنامه‌ها که بخش وسیعی از مردم را جذب خود می‌سازند ـ در سدهٔ نوزدهم به سرعت رو به گسترش نهادند. با افزایش تقاضا برای موضوعات چاپی، فرصت‌های کار برای تصویرسازان و هنرمندان نقاش نیز افزایش یافت.

در این دوره تفاوت اندکی میان هنرهای زیبا و هنرهای تجاری وجود داشت و در نتیجه برخی از هنرمندان برجستهٔ دنیا تصاویری را برای کتاب‌ها و مجلات پدید آوردند.

در انگلستان، چارلز دیکنز از خدمات جورج کروییک شانک و هابلوت براون ملقب به فیز برای تصویرسازی کتاب‌های خود بهره برد. لوئیس کارول یا چارلز دادگسون در سال ۱۸۶۵ م قابلیت‌های سرجان‌تنیل را به‌خدمت گرفت تا ماجراهای آلیس در سرزمین عجایب (تصویر فوق) و سپس کتاب از درون آینه را تصویرسازی کند.

دیگر تصویرسازان معروف انگلیسی، چارلز کین، جورج دو مانوریه و اوبری بردزلی بودند. برخی از این هنرمندان اولین بار با مجلات پانچ، لندن ایلوستریتد نیوز و یلو بوک به شهرت رسیدند.

در فرانسه، اوژن دلاکروا نمایشنامهٔ فاست گوته را تصویرسازی کرد و گوستاو دوره تصاویر فوق‌العاده مردم پسندی برای کتاب مقدس و آثار دانته و سروانتس خلق کرد. گراندویل نیز دنیای فانتزی حیوانات و ماشین‌ها را برای مجلهٔ له کیاریواری آفرید. در همین زمان، اونوره دومیه به هجو زندگی بورژوازی در روزنامه‌ها پرداخت.

در امریکا، جان‌جیمز اودوبون به خاطر حکاکی‌های چهار رنگ از روی آبرنگ‌های خود که پرندگان و پستانداران امریکا را به تصویر می‌کشید، به شهرت رسید. کوریه و ایوز لیتوگراف‌های ارزان قیمت امریکانا را، که با دست رنگ‌آمیزی شده بود، انتشار دادند. این تصاویر را فروشندگان دوره‌گرد در سراسر امریکا به فروش می‌رساندند.

پس از این، مجلاتی چون هفته نامهٔ هارپرز، مجلهٔ مصور لزلی و ستردی ایونینگ پست، فرصتی در اختیار هنرمندان امریکایی قرار دادند تا داستان‌ها و رویدادهای جاری را به تصویر کشند. برخی از هنرمندانی که از طریق این هفته‌نامه‌ها به شهرت رسیدند، هاوارد پایل، وینسلو هومر (بنگرید به صفحهٔ ۱۱۴)، توماس نست و فردریک رمینگتون بودند.

**کاغذ خمیر چوب**

*در شیوهٔ سنتی کاغذ از پارچه تهیه می‌شد. هر چند با استفاده از پارچه، ورق کاغذ اعلایی به دست می‌آمد اما تقاضا برای کاغذ به حدی رسید که پارچه‌های موجود این نیاز را برآورده نمی‌ساخت. برای برآوردن این نیاز، عرضهٔ جدید الیاف گیاهی ـ چوب ـ و دوفرایند جدید برای تهیهٔ خمیر کاغذ مطرح شد: فرایند مکانیکی و شیمیایی.*

*تکامل اولین فرایند موفق مکانیکی برای تهیهٔ کاغذ ارزان قیمت از خمیر چوب به آلمان نسبت داده می‌شود. در سال ۱۸۴۰ م فردریک کلر، ماشینی ساخت که چوب را به گونه مکانیکی به الیافی تبدیل می‌کرد که پس از درآمیخته شدن با آب به شکل خمیر درمی‌آمد.*

*هنریک والتر اهل ساکسونی، این اختراع ثبتی را خریداری کرد و تولید کاغذ گراندوود را در مقیاس وسیع آغاز کرد. کاغذی که این ماشین تهیه می‌کرد، ارزان قیمت، کم دوام و نامرغوب بود اما برای انتشار روزنامه‌ها و موضوعات چاپی روزمره تناسب داشت.*

*با این حال، چیزی که ناشران نیاز داشتند، کاغذ مرغوبی در حد فاصل کاغذ گران‌بها و اصیل پارچه‌ای و کاغذ ارزان قیمت خمیر چوب بود. اولین موفقیت در این زمینه در سال ۱۸۵۱ م در انگلستان حاصل شد که هنری برگس و چارلز وات فرایندقلیایی یا سودسوزآور را به تکامل رساندند. در این فرایند چوب تحت فشار بالا در قلیای سوزآور جوشانده می‌شد و الیافی از آن تهیه می‌شد.*

*دومین فرایند شیمیایی را که در آن از سولفیت به جای قلیا استفاده می‌شد، دو برادر اهل فیلادلفیا به نام‌های بنجامین و ریچارد تیلگمن در حوالی سال ۱۸۵۷ م ابداع کردند اما آن دو به خاطر نارسایی تجهیزات خود به موفقیت نرسیدند. تجربیات آن‌ها را سوئدی‌ای به‌نام کارل دانیل اکمن و انگلیسی‌ای به نام جورج فرای دنبال کردند.*

*اکمن و فرای سال ۱۸۷۲ م کارخانه‌ای در انگلستان دایر کردند و توانستند فرایند سولفیت را تکمیل کنند. اولین کارخانهٔ سولفیت در نیم‌کرهٔ غربی سال ۱۸۸۵ م در کانادا تأسیس شد. متأسفانه فرایندهای قلیایی و سولفیتی کاغذی تولید می‌کردند که ویژگی قلیایی بالا با محتوای اسیدی داشت و در نتیجه سبب بی‌رنگی و خرابی خود به خودی کاغذ می‌شد. خوشبختانه این مشکلات امروزه قابل حل است.*

**چاپ در امریکا**

ایالات متحده نیز همانند انگلستان و دیگر ملل صنعتی، تأثیرات چشمگیری از انقلاب صنعتی پذیرفت. همراه با رشد تولید و تجارت، جمعیت به سرعت افزایش یافت و نیاز به کارگرانی پدید آمد که سواد خواندن و نوشتن داشته باشند.

با افزایش سواد، میل به خواندن مطالب متنوع‌تر نیز به میان آمد. این نیاز تا حد زیادی با مطبوعات عامه‌پسند نظیر روزنامه‌ها، مجلات مصور، رمان‌های سطحی و در پایان این سده با فکاهی‌های مصور برآورده شد. تولیدکنندگان کالا به زودی دریافتند مطبوعات عامه‌پسند ابزاری تمام عیار برای فروش محصولات به توده‌ها است. بدین ترتیب حرفهٔ جدیدی موسوم به تبلیغات تجاری به ظهور رسید.

تبلیغات تجاری سعی داشت یکی از مشکلات عمدهٔ انقلاب صنعتی را برآورده سازد و آن پاکسازی قفسهٔ فروشگاه‌ها از کالا بود. برخلاف تجربهٔ ماقبل صنعتی که کالاها بنابر نیاز مشتری تولید می‌شد، اینک در دورهٔ انقلاب صنعتی تولید کنندگان بدون در نظر داشتن خریدار خاص محصولات آماده‌ای برای فروش در بازار تولید می‌کردند.

لازمهٔ فروش محصولات جدید کارخانه‌ها ایجاد تقاضا بود. هر چه بر تعداد افراد با سواد افزوده می‌شد، طبیعی بود که کالاها نیز از طریق درج آگهی تجاری در مطبوعات عامه‌پسند و کتاب‌های راهنمای بی‌شمار تجاری به فروش برسند. بدین ترتیب، نخستین نمایندگی تبلیغات تجاری پا به عرصهٔ وجود گذاشت.

در اوایل سدهٔ نوزدهم، معمولاً افراد و شرکت‌های علاقه‌مند به درج آگهی در مطبوعات، صفحاتی را مستقیم از روزنامه‌ها و مجلات می‌خریدند. این رویه در سال ۱۸۴۱م تغییر کرد و در این زمان ولنی بی. پالمر اهل فیلادلفیا به فکر خرید عمدهٔ صفحات آگهی و خرده فروشی آن‌ها افتاد. پالمر در واقع نخستین کانون آگهی امریکا را بدین ترتیب بنا نهاد.

نخستین نمایندگی عمدهٔ تبلیغات تجاری را نیز در فیلادلفیا معلم جوانی به نام فرانسیس ویلند آیر به راه انداخت که بنا به گفتهٔ خود «اوضاع اقتصادی خانواده» وی را ناگزیر به ترک دانشگاه کرده بود. فرانسیس آیر نمایندگی خود را در سال ۱۸۶۹ م در سن بیست و یک سالگی دایر کرد. او که جوانی بیش نبود به امید جلب اعتماد مشتریان خود، نام پدرش ناتان ویلند آیر را بر این تشکیلات گذارد. نمایندگی ن. و. آیر و فرزند، یکی از شرکت‌های موفق سدهٔ نوزدهم شد. این نمایندگی کار خود را به آرامی با فروش صفحات آگهی تعدادی هفته‌نامهٔ مذهبی آغاز کرد و در اندک زمانی رشد و توسعه یافت.

نمایندگی ن. و. آیر و فرزند، نخستین دفتر نمایندگی تبلیغات تجاری بود که منافع آگهی دهندگان را بر منافع نشریات مقدم می‌دانست و با خرید صفحه برای مشتریان این نشریات، دستمزد ثابتی دریافت می‌کرد. این رویه تاکنون نیز ادامه دارد. (تصویر ۱۱) این نمایندگی همچنین برای نخستین بار به نویسندگان مطالب تبلیغاتی و مدیران هنری دستمزد پرداخت کرد، به مطالعهٔ بازار پرداخت و بخشی به نام روابط عمومی دایر کرد.

افزایش تقاضا برای مطالب چاپی بیش‌ترین فشار را بر حروف‌چین‌ها وارد کرد و آنان را واداشت تا حرفهٔ خود را، که از زمان گوتنبرگ بدون تغییر مانده بود، ماشینی کنند. این نیاز به ویژه در صنعت روزنامه‌نگاری شدیدتر بود زیرا تعداد زیادی از حروف چاپی باید در مدت زمان کوتاهی چیده می‌شدند.




۱۱

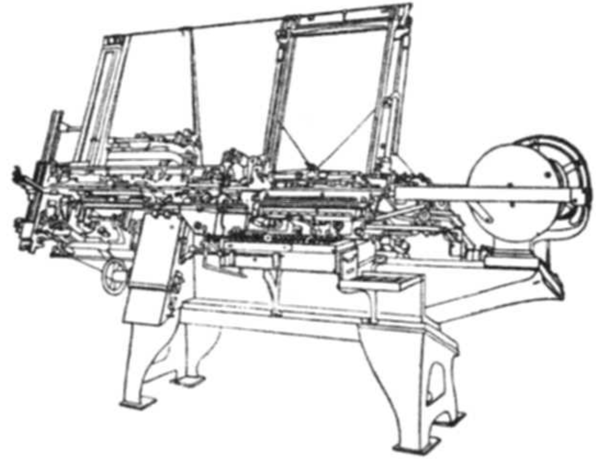
۱۱ـ آگهی تبلیغاتی شرکت «ان. دبلیو.آیر و فرزند» که در نیمهٔ دوم سدهٔ نوزدهم طراحی شد. این شرکت که در سال ۱۸۶۹ م تأسیس شد، نخستین شرکت آگهی تبلیغاتی بود.

امروزه درک ضرورت این تلاش دشوار است. به نظر می‌رسید در آن زمان همه چیز در هنرهای گرافیک به جز حروف‌چینی در حال ماشینی شدن بود، مخترعان بسیاری در این راه قدم برداشتند و با شکست مواجه شدند. حتی مارک تواین نویسندهٔ امریکایی که در جوانی چاپ‌گر بود، دویست هزار دلار برای ساخت ماشین حروف‌چینی پایجه سرمایه‌گذاری کرد اما نتیجه‌ای نگرفت. (تصاویر۱۲ و ۱۳)

فردی که در این راه به موفقیت رسید، مهاجری آلمانی به نام اوتمار مرگنتالر بود که در حرفهٔ ساعت‌سازی آموزش دیده بود. (تصویر ١٤) او در سال ١٨٨٦ م نخستین ماشین موفق حروف‌ریزی را با نام *لاینوتایپ* اختراع کرد. این نام‌گذاری به خاطر حروف‌ریزی تک سطری این ماشین بود.

ماشین مرگنتالر بر اصل بسیار ساده‌ای استوار بود. این ماشین به جای آن‌که همانند ماشین‌های قبلی، قطعات حروف را به گردش درآورد، قالب‌های حروف را به گردش درمی‌آورد. پس از موفقیت اولیهٔ لاینوتایپ، به زودی ماشین‌های دیگری نیز از راه رسیدند که موفق‌ترین آن‌ها ماشین *مونوتایپ* بود و امریکایی دیگری به نام تالبرت لانستون آن را در سال ١٨٨٧ م اختراع کرد. در حالی که، ماشین لاینوتایپ سطرهای کاملی حروف‌ریزی می‌کرد، ماشین مونوتایپ حروف را به صورت قطعات منفرد می‌ریخت و کنار هم می‌نهاد.

ماشین‌لاینوتایپ و مونوتایپ هر دو برای حروف‌چینی متن طراحی شده بودند. بدین خاطر برای حروف نمایشی بزرگ‌تر ماشین *لودلو* ساخته شد. گرچه ماشین لودلو برای حروف‌چینی تیترها و آگهی‌های تجاری روزنامه‌ها کاربرد



۱۲



۱۳



۱۴

۱۲ـ دستگاه حروف‌چینی پایجه که مارک تواین دویست هزار دلار روی آن سرمایه‌گذاری کرد.

۱۳ـ مارک تواین جوان، شاگرد چاپچی یا شاگرد چاپخانه در سن پانزده سالگی. وی بر روی ورساد، حروف SAM مخفف ساموئل کلمنس لگهورن (نام واقعی خود) را حروف‌چینی کرده است.

١٤ـ در این تصویر، اوتمار مرگنتالر در حال نشان دادن مدل ماشین بلونر خود به وایتلا راید مالک روزنامهٔ نیویورک تریبون و پشتیبان مالی اصلی خود دیده می‌شود. جملهٔ راید در این باره که «اوتمار، تو موفق شدی یک سطر حرف (a line o, type) ایجاد کنی» نام این ماشین چاپ (لاینو تایپ) را رقم زد.

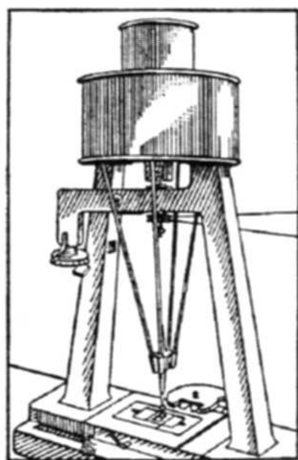
یافت اما هنوز هم بسیاری از حروف در کارگاه‌های ریخته‌گری، حروف‌ریزی و با دست‌حروف‌چینی می‌شدند.

پس از سال ۱۸۸٦ م همهٔ حروف چه آن‌ها که با دست حروف‌چینی می‌شدند و چه آن‌ها که ماشینی بودند، از نظر اندازه براساس سیستم پوینت جدید انگلیسی امریکایی حروف ریزی می‌شدند. این سیستم همانند کاری که دیدو یک سدهٔ پیش در فرانسه کرده بود، تمام اندازه‌های صنعت چاپ را استانده کرد.

افزون بر نیاز به حروف‌چینی ماشینی، نیاز به کیفیت بهتر حروف چاپی نیز مطرح شد. سه طراح برجستهٔ حروف چاپی امریکا دو وین، بنتون و گودهیو بودند که از بسیاری جهات تحت تأثیر ویلیام موریس قرار داشتند.

تئودور لووه دو وین در وهلهٔ اول چاپ‌گر د سنچری مگزین و فردی شناخته می‌شود که لین بوید بنتون در سال ۱۸۹۵م را مأمور ساختن حروفی کرد که اکنون سنچری (قرن) نامیده می‌شود. (تصویر ۱۵) اختراع دستگاه حروف ساز پانتوگرافیک نیز به بنتون نسبت داده می‌شود (تصویر ١٦) که با از میان برداشتن حروف سازی دستی انقلابی در تهیهٔ حروف ایجاد کرد.

سومین طراح امریکایی برترام جی. گودهیو بود که حروف *چلتنهام* را برای چاپخانهٔ چلتنهام نیویورک در سال ۱۸۹٦م طراحی کرد. ام. اف. بنتون بعدها این حروف را برای شرکت حروف‌ریزان امریکا به هجده گونهٔ مختلف از یک خانواده ساخت. (تصویر ۱۷)



۱۶

CUTTING THE CENTURY Oldstyle Was Influenced by Theodore Low DeVinne, who in 1895 persuaded L. B. Benton to draw the parent design, Century Roman. This was cut especially for use in setting the type of the Century magazine. About six or seven years later a design based upon the Century Roman, called "Century Expanded," was made up. The latter in turn provided the basis for another member of the Century family, cut in 1906 and called "Century Old Style." Though possessing the old style characteristics, the Century Old Style is much too mechanical to be classed as a typical old style letter.

Century

۱۵

BEING A BIT CONDENSED In Form, And Fitting Closely As a result of its short serifs, this design permits of more copy being set in the line than do most types. Of monotone construction as a whole, there is still enough difference between light and heavy lines to give character to this letter. The lean formation and close set make Cheltenham Old Style very useful for narrower measures and also contribute to the desirability of close spacing.

Cheltenham

۱۷

۱۵ـ حروف سنچری که در سال ۱۸۹٤ م لین بوید بنتون آن را طراحی کرد، به خاطرارتفاع زیاد و خوانایی بسیار خود، قلم انتخابی رایجی برای کتاب‌های کودکان بوده است.

١٦ـ دستگاه‌حروف‌ساز پانتوگرافیک که فرایند حروف‌سازی را ماشینی کرد.

۱۷ـ حروف چلتنهام، که در سال ۱۸۹٦م برترام ج.گودهیو آن را طراحی کرد، حروف چاپ رایج کتاب و آگهی تبلیغاتی شد.

CASLON

۱ـ حروف بزرگ بدون سریف

moun

۲ ـ حروف کوچک بدون سریف

ME

۳ ـ سریف تخت

PRO

٤ ـ کلارندون

BCD

۵ ـ لاتین

DIS

٦ ـ تزیینی

M

۷ ـ حروف چوبی

**پیدایش طراحی حروف تبلیغاتی**

با پیشروی سدهٔ بیستم، انتشار کتاب تفوق خود را بر چاپ روزنامه‌ها، مجلات، کاتالوگ‌ها، کتابچه‌های تبلیغاتی و دیگر موارد تبلیغی از دست داد. با این دگرگونی، تقاضا برای حروف چاپی‌ای به میان آمد که توجه‌خوانندگان‌را جلب‌کند و سبب فروش محصولات و خدمات شود.

در آن زمان بیش‌تر حروف چاپی موجود حروف کتابی بودند که بزرگ‌ترین اندازهٔ آن‌ها به ارتفاع یک اینچ بود. این حروف درست برخلاف آن‌چه که در آن زمان از آن‌ها انتظار می‌رفت، غیرنمایشی و بی‌جان بودند. آگهی دهندگان خواهان حروفی بودند که جدید، بزرگ و چشمگیر باشد. بدین سبب طراحان حروف در این زمینه به فعالیت پرداختند و مجموعه‌ای از بکرترین حروفی را خلق کردند که تا آن زمان مشاهده شده بود. این مجموعه حروف چاپی، طیفی از حروف فشرده و باز و ساده و پیچیده را دربرمی‌گرفت.

حروف چاپی بدون سریف

اولین حروف بدون سریف عصر جدید، حوالی سال ۱۸۱۶ م در انگلستان در کتاب نمونهٔ حروف چاپی منتشرهٔ ویلیام کسلون چهارم نمودار شد. این نمونه حروف همگی از حروف بزرگ تشکیل شده بود و در آغاز به احتمال قوی به دلیل اشتیاق رایج آن عصر به هر چیز مصری، ایجیپشن (مصری) خوانده شد. به زودی اصطلاح مصری در این مورد از رواج افتاد و نخستین بار در کتاب نمونهٔ حروف چاپی حروف‌ریزی وینسنت فیگینز در سال ۱۸۳۲ م اصطلاح بدون سریف (سانس سریف) پدیدار شد. کمی بعد به تدریج اصطلاحات گروتسک و گوتیک نیز به جای معادل حروف بدون سریف کاربرد یافتند.

در سال ۱۸۳۵م، اولین حروف بدون سریف کوچک در حروف‌ریزی تروگود در لندن قالب‌ریزی شد. در میانهٔ سدهٔ نوزدهم، بیش‌تر کارگاه‌های حروف‌ریزی، حروف بدون سریف عرضه می‌کردند. در سال ۱۸۷۰م، اولین حروف بدون سریف ایتالیک نیز عرضه شد.

گرچه حروف چاپی سان سریف در طراحی کتاب مورد پسند واقع نشدند اما در زمینهٔ تبلیغات تجاری، نشانه‌سازی، طراحی پوستر و کتابچه‌های تبلیغاتی رواج بسیار یافتند که این امر به دلیل درشتی و انطباق‌پذیری آن‌ها با سطوح چاپی زبر و ارزان قیمت بود.

حروف چاپی سریف‌دار

حروف چاپی بعدی، که به طور مشخص برای مقاصد تبلیغات تجاری تا چاپ‌کتاب طراحی‌شد، سریف‌دار بود. سریف‌ها و ساقه‌های این حروف که برای جلب توجه طراحی شده بودند، صلب و برجسته بود و تفاوت کمی با یکدیگر داشتند یا متشابه بودند. اولین حروف چاپی سریف‌دار در سال ۱۸۱۷ م در حروف‌ریزی وینسنت فیگینز لندن قالب‌ریزی شد. این حروف در فهرست حروف مصری جای گرفتند، نامی که تا امروز در مورد این سبک حروف حفظ شده است. دو سبک حروفی دیگر که ارتباط نزدیک با حروف مصری دارند، و تقریباً در همین زمان معرفی شدند، حروف چاپی کلارندون و لاتین بودند.

حروف چاپی تزیینی

همراه با حروف چاپی بدون سریف و سریف‌دار، مجموعهٔ وسیعی از حروف تزیینی نیز پا به میان گذاشتند، که همگی برای جلب توجه بیننده طراحی شده بودند. در سال ۱۸۵۰ م حروفی طراحی شدند که خطوط محیطی بیرونی در زمینهٔ سفید، خطوط محیطی درونی در زمینهٔ مشکی، مزین، سه بعدی و سایه افتاده داشتند یا از اشکال طبیعی نظیر گل‌ها، گیاهان و حتی کنده‌های چوب الهام گرفته بودند. برخی از این شکل‌های حروف چنان تغییر شکل پذیرفته بودند که به مرز ناخوانایی رسیده بودند و برخی دیگر بسیار موفق از کار درآمدند و کاربرد آن‌ها تا امروز مرسوم است. بیش‌تر حروف چاپی تزیینی تنها از حروف بزرگ تشکیل می‌شوند. این نوع حروف تنها برای اهداف نمایشی استفاده می‌شوند و به ندرت از چند کلمه فراتر می‌روند.

حروف چوبی

با رشد تبلیغات‌تجاری تقاضا برای اندازه‌های حروف بزرگ و بزرگ‌تر نیز به میان آمد. متأسفانه، افزایش بیش‌از اندازهٔ حروف مشکل وزن را پدید می‌آورد. هر چه اندازهٔ حروف چاپی بزرگ‌تر شود، از آن‌جا که بیش‌تر از سرب تشکیل‌می‌شوند، بر سنگینی آن‌ها افزوده می‌شود. برای رفع این مشکل داریوس ولز امریکایی روشی کار آمد را برای تهیه حروف‌چاپی در سال۱۸۲۷م ارائه‌کرد. ساخت حروف چوبی همهٔ محدودیت‌های جسمانی اندازه‌های‌حروف چاپ را از میان برد. چیزی نگذشت که حروف نمایشی چوبی برای هر کاری از اعلان‌های دستی تا پوسترهای سیرک مورد استفاده قرار گرفت.

## عکاسی و چاپ

اختراع عکاسی در سال‌های ۱۸۳۰ م به همت لوئی ژاک داگر در فرانسه و ویلیام هنری تالبوت در انگلستان موجب تغییرات چشمگیری در نحوهٔ چاپ تصاویر شد.

یکی از اولین کاربردهای عکاسی در هنرهای گرافیک کمک به تولیدکنندگان گراوورهای چوبی بود. کلیشهٔ چوبی با امولسیون حساس به نور روکش می‌شد و نگاتیو شیشه‌ای بر روی آن نوردهی می‌شد. پس از ظهور تصویر، گراوورساز کلیشه را می‌برید.

دومین دستاورد این زمینه را رز ژوزف له مرسیه، چاپ‌گر فرانسوی در زمینهٔ انطباق عکاسی با لیتوگرافی (موسوم به فوتولیتوگرافی) در سال ۱۸۵۲ م پدیدآورد. در این روش نگاتیو شیشه‌ای روی سنگ لیتوگراف نوردهی، ظاهر و آمادهٔ چاپ می‌شد.

در سال ۱۸۷۰ م لوح‌های مسی و رویی پس از روکش خوردن، نوردادن، در تشت اسید فرو برده می‌شدند و در نتیجه بخش‌های غیر ضروری فلز چاپ خورده می‌شد و تصویری برآمده باقی می‌ماند که به شیوهٔ حروفی (لترپرس) قابل چاپ بود. این فرایند، که به گراوورسازی نوری موسوم بود، در نهایت نیاز به گراوورسازی دستی را از میان برد. اولین کاربرد موفق گراوورسازی نوری، منحصر به هنر سادهٔ خط بود. تنها در سال ۱۸۸۲ م بود که فردی آلمانی به نام گئورگ میزنباخ فرایند نیم‌سایه را به تحول رساند که هنر رنگ سایهٔ پیوسته را امکان پذیر ساخت. این فرایند را در سال ۱۸۸۵ م فردی امریکایی به نام فردریک ایوز بهبود بخشید. ایوز ترام ۴۵ درجه را ساخت که تا امروز کاربرد دارد.

در سال ۱۸۷۹ م، کارل کلیچ اهل چکسلواکی توانست عکاسی را با چاپ گود انطباق دهد.

## لیتوگرافی و کرومولیتوگرافی

فرایند لیتوگرافی که در سال ۱۷۹۸ م آلویس سنه فلدر اهل باواریا آن را به ثبت رساند، در سدهٔ نوزدهم به کمال رسید.

در سال‌های آغاز سدهٔ نوزدهم، لیتوگرافی با آثار هنرمندانی چون دلاکروا و دومیه رواج‌یافت. چاپ‌گران این فرایند را برای تهیهٔ چاپ‌های سیاه و سفید از نقشه‌ها، برگه‌های نت و تصویرسازی‌ها جذاب یافتند. این‌چاپ‌ها سپس به‌شکل منفرد یا به صورت کتاب‌های صحافی شده‌ای فروخته می‌شدند که متن آن‌ها به روش برجسته چاپ شده بود.

هرچند چاپ برجسته فرایند انتخابی برای چاپ متن و گراوورسازی‌های چوبی سیاه و سفید بود اما گرایش شدید به آن زمانی حاصل شد که این فرایند در چاپ‌های بیش از یک‌رنگ نیز وارد گردید. از سوی دیگر، لیتوگرافی به دلیل انطباق و تفکیک‌های رنگ خود، که با سهولت نسبی و هزینهٔ اندک انجام می‌شد، مطلوب واقع گردید. در میانه سدهٔ نوزدهم، لیتوگرافی رنگی یا کرومولیتوگرافی با چاپ‌های لوکس و مجلل که در تهیهٔ آن‌ها تا سی‌ودوسنگ بارنگ‌ها و رنگیزه‌های مختلف به کار رفته بود، بی‌نهایت رواج یافت.

شاید چشمگیرترین نمونه‌های کرومولیتوگرافی پوسترهای تبلیغاتی یک و دو ورقی باشد که در نیمهٔ دوم سدهٔ نوزدهم از روی سنگ‌های بزرگ لیتوگراف چاپ شدند. از جمله معروف‌ترین طراحان پوستر ژول شره، اوژن گراسه، تئوفیل استینلن، آلفونس موشا و هانری دو تولوز لوترک هنرمندان فرانسوی بودند. در انگلستان ویلیام نیکولسن و جیمز پراید با نام مستعار برادران بگرستاف در این زمینه مشغول به کار بودند. طراحان برجستهٔ امریکایی این دوره، لوئیس رید، ادوارد پنفیلد، ویل بردلی، مکسفیلد پریش و اتل رید بودند




دیوان ژاپنی،هانری دو تولوز لوترک،۱۸۹۲.

### وقایع و اشخاص

**وقایع تاریخی**

**۱۸۰۰ـ** ناپلئون خود را کنسول اول معرفی می‌کند. آلـه سـاندرو ولـتا جـریان الکتریسـته را تشخیص می‌دهد.

**۱۸۰۱ـ** «یونیون جک» پرچم رسمی انگلیس شد.

**۱۸۰۳ـ** خـرید لوئـیزیانا. رابـرت فالـتون نخسـتین کشتی بخار موفق را ساخت.

**۱۸۰۴ـ** خلـق *اروئـیکا*، سـمفونی سـوم بـتهوون. ناپلئون اعلام امپراتوری کرد.

**۱۸۰۵ـ** نبرد ترافلگار.

**۱۸۱۲ـ** اعلان جنگ امریکا به بریتانیا.

**۱۸۱۳ـ** نگارش *غرور و تعصب* اثر جین آستن.

**۱۸۱۴ـ** استفنسـون نخستین لوکوموتیو بخار موفق را ساخت. نبرد واترلو.

**۱۸۱۶ـ** تصـنیف اپـرای *سلمانی شـهر سـویل* اثر روسینی.

**۱۸۱۸ـ** تعییـن خـط مرزی میان امریکا و کانادا در مدار ۴۹ درجه. نگارش *فرانکشتاین* اثر مری شلی. تصـنیف «شـب خاموش، شب مقدس» اثر فرانتس گوبر. به آب افکندن نخستین کشتی بخار آهنی.

**۱۸۱۹ـ** انتشـارچاپ نخسـت قصـه‌هـای پـریان برادران گریم.

**۱۸۲۰ـ** نگـارش *آیوانهـو* اثـر سـر والـتر اسـکات. نگـارش پرومتهٔ از *بند رسته* اثر پرسی باشیه شلی. انتشـار «ریپ وان وینکل» اثر واشینگتون ایروینگ. کشف ونوس دومیلو.

**۱۸۲۱ـ** ژان فرانسـوا شـامپولیون هیروگلیفـ‌هـای مصر را رمزگشایی کرد.

**۱۸۲۲ـ** آفرینش سمفونی *ناتمام*، هشتمین سمفونی شوبرت.

**۱۸۲۳ـ** تصویب رویهٔ قضایی مونرو.

**۱۸۲۵ـ** نخستین راه‌آهن مسافربری در انگلستان.

**۱۸۲۷ـ** جـان واکـر نخسـتین کبریـتـ‌هـای اصـطحکاکی را ابـداع کـرد. تعییـن جـریان‌هـای الکتریکی طبق قانون اهم.

**۱۸۲۸ـ** نـوح ویـبستر *امریکـن* دیکشنری را منتشر کرد.

**۱۸۳۰ـ** نقاشـی *آزادی رهـنمای مـردم* اثر دلاکروا. نگارش *سرخ و سیاه* اثر استندال.

**۱۸۳۱ـ** نگـارش *گـوژپشـت نوتـردام* اثـر ویکـتور هوگو.

**۱۸۳۳ـ** لغو برده داری در امپراتوری بریتانیا.

**۱۸۳۴ـ** تکمـیل شـیوهٔ مطالعـه لویـی بـریل بـرای نابینایان.

**۱۸۳۵ـ** انتشـار نخسـتین قصـه‌هـای پـریان هانس کریسـتین اندرسـن. تالـبوت عکـس‌هایی از روی نگاتیو ظاهر کرد.

**۱۸۳۶ـ** قتل دیوی کراکت در آلامو.

**۱۸۳۷ـ** آغـاز دورهٔ طولانـی حکمرانـی ملکـه ویکـتوریا. ف. ب. موریس تلگراف را اختراع کرد. آیزاک پیتمن تندنویسی را ابداع کرد.

**۱۸۳۸ـ** نگارش *الیور تویست* به قلم چارلز دیکنز.

**۱۸۳۹ـ** نخسـتین جنگ تریاک بین بریتانیا و چین. نخسـتین مسابقهٔ بیس بال ابنر دابل دی. لاستیک با کاربـرد تجـاری را چارلـز گودیر تولید کرد. لویی داگر اولین داگروتایپ را ساخت.

**۱۸۴۱ـ** افتـتاح مـوزهٔ امریکایـی بـه دسـت پی. تی. بارنیوم. آدولف ساکس ساکسیفون را ابداع کرد.

**۱۸۴۳ـ** نخستین کارت تبریک کریسمس. آفرینش اپـرای *تانهویـزر* اثـر واگنـر. نگـارش *سه تفنگدار* اثرالکساندر دوما.

**۱۸۴۴ـ** جـورج ویلـیامز انجمـن پسـران جـوان مسیحی را بنیاد گذارد.

**۱۸۴۵ـ** نگارش «کلاغ» اثر ادگار آلن پو.

**۱۸۴۶ـ** اعـلان جنگ امریکا به مکزیک. الیاس هو اختراع چـرخ خیاطـی را ثبت کرد. سیب‌زمینی در ایرلند قحط شد.

**۱۸۴۷ـ** نگـارش *بلـندی هـای بادگـیر* اثـر امیلـی برونـته، و جیـن ایـر اثرشارلوت برونته. تب طلای کالیفرنیا.

**۱۸۴۸ـ** مـارکس و انگلـس *مانیفست* کمونیست را منتشـر کـردند. نخستین کنوانسیون حقوق زنان در امریکا. آغاز جنبش احیاگران هنرپیشارافائل.

**۱۸۴۹ـ** تلاش‌های آملیا بلومر برای اصلاح پوشش زنان؛ نام او تداعی‌گر لباس زیر.

**۱۸۵۰ـ** نگـارش *نامه‌های سرخ* اثر ناتانیل هاثورن. برپایـی سـاختمان کریسـتال پـالاس در لـندن. تیم اسکونر امریکا برندهٔ نخستین جام امریکا.

**۱۸۵۱ـ** رمـان موبـی دیـک نوشته هرمان ملویل با اسـتقبال مواجـه نشـد. آیـزاک سـینجر اولین چرخ خیاطی کاربردی را تولید کرد. خلق اپرای ریگولتو اثر وردی.

**۱۸۵۲ـ** نگارش *کلبهٔ عمو تام* اثر هریت بیچرستو.

**۱۸۵۴ـ** نگارش *والدن* اثر تورو.

**۱۸۵۵ـ** نگارش *برگ‌های علف* اثر والت ویتمن.

**۱۸۵۶ـ** انتشار *مادام بوواری* اثر گوستاو فلوبر.

**۱۸۵۷ـ** اولیـن آسانسـور بـی خطـر را الیشا گریوز اوتیس نصب کرد.

**۱۸۵۹ـ** انتشـارکتاب *منشاء انواع* اثر چارلز داروین. حفـر اولیـن چـاه نفـت در پنسیلوانیا. عبور چارلز بلوندین با طناب از آبشار نیاگارا.

**۱۸۶۱ـ** آغـاز جنگ داخلی امریکا. جمعیت تقریبی ۳۲ میلیونی امریکا.

**۱۸۶۲ـ** آزادی بـردگان درپـی صـدور اعلامـیهٔ آزادسازی. ریچارد گتلینگ مسلسل را اختراع کرد.

**۱۸۶۳ـ** ایـراد خطابـه گتـیزبرگ ابـراهام لینکلـن. نگـارش *جـنگ‌وصـلح* اثـر تولستوی. پاستور روش پاستوریزه کردن را ابداع کرد.

**۱۸۶۵ـ** تـرور آبـراهام لینکلن. نگارش رمان *آلیس در سـرزمین عجایـب* اثـر لوئیس کارول. نخستین واگـن‌هـای تخت خواب دار قطار را جورج پالمن طراحی کرد.

**۱۸۶۶ـ** نگـــارش *جنایـــت و مکافـــات* اثـــر داستایفسکی. آلفرد نوبل دینامیت را اختراع کرد.

**۱۸۶۷ـ** امریکا آلاسکا را به قیمت ۷ میلیون دلار از روسیه خرید.

**۱۸۶۹ـ** گشـایش کانـال سـوئز. نخسـتین مسـابقه فوتبال کالج (دانشگاهی).

**۱۸۷۰ـ** آغـاز جنـگ فرانسه پروس. نگارش *بیست هـزار فرسـنگ زیـر دریا* اثر ژول ورن. کاوش‌های باستان‌شناسـی هاینـریش اشلایمن در بقایای قلعهٔ تروا.

**۱۸۷۱ـ** دیـدار هـنری مورتـون استنلی بـا دیویـد لیوینگسـتون در اوجیجی.

**۱۸۷۲**ـ تابلوی نقاشی ویسلر از مادر خود.
**۱۸۷۴**ـ نخستین نمایشگاه امپرسیونیست.
**۱۸۷۵**ـ نگارش ماجراهای *تام سایر* اثر مارک تواین. تصنیف اپرای *کارمن* اثر ژرژ بیزه.
**۱۸۷۶**ـ الکساندر گراهام بل تلفن را اختراع کرد.
**۱۸۷۷**ـ نگارش رمان *امریکایی* اثر هنری جیمز. اختراع فونوگراف را توماس ادیسون ثبت کرد
**۱۸۷۸**ـ گیلبرت و سالیوان اپرت هجوآمیز، اچ. ام. اس. پینفور را خلق کردند.
**۱۸۷۹**ـ نگارش نمایش نامهٔ *خانه عروسک* اثر ایبسن. اولین چراغ برق کاربردی را توماس ادیسون اختراع کرد.
**۱۸۸۱**ـ تأسیس صلیب سرخ.
**۱۸۸۲**ـ نگارش *جزیرهٔ گنج* اثر رابرت لویی استیونسون. جان ل. سالیوان قهرمان سنگین وزن مشت‌زنی شد.
**۱۸۸۴**ـ سزان تابلوی *کوه سن ویکتوار* را نقاشی کرد. تعیین ساعت گرینویچ.
**۱۸۸۶**ـ مجسمه *بوسه* اثر رودن. پرده برداری از مجسمهٔ آزادی.
**۱۸۸۷**ـ نگارش *اثسود در قرمز لاکی* اثر سرآرتور کانن دویل. ساخت اولین لنز چشم درآلمان.
**۱۸۸۸**ـ نقاشی *صندلی زرد* اثر ونگوک. جورج ایستمن دوربین جعبه‌ای کداک را ساخت. تایر بادی را جی بی دانلاپ اختراع کرد.
**۱۸۸۹**ـ برج ایفل را ای. ایی. ایفل تکمیل کرد.
**۱۸۹۰**ـ نگارش *اصول روانشناسی* اثر ویلیام جیمز.
**۱۸۹۱**ـ جادسن زیپ را اختراع کرد.
**۱۸۹۲**ـ نگارش *بادبزن خانم ویندرمیر* اثر اسکار وایلد. نقاشی تابلوی *در مولن روژ* اثر تولوز لوترک.
**۱۸۹۲**ـ تصنیف *بالهٔ فندق شکن* اثر چایکوفسکی. رودلف دیزل موتور دیزل را تکمیل کرد. هنری فورد نخستین اتومبیل را تولید کرد.
**۱۸۹۴**ـ دستگیری آلفرد دریفوس به جرم خیانت در فرانسه. نگارش *کتاب جنگل* اثر رویارد کیپلینگ.
**۱۸۹۵**ـ دوربین تصویر متحرک را برادران لومیر اختراع کردند. نگارش رمان *ماشین زمان* اثر اچ. جی. ولز. تلگراف رادیویی را گولیلمو مارکونی اختراع کرد. پرتوهای ایکس را ویلهلم کنراد رونتگن کشف کرد. تیغ خود تراش را کینگ کمپ زیلت اختراع کرد.
**۱۸۹۶**ـ نگارش نمایشنامهٔ *مرغ دریایی* اثر آنتوان پاولوویچ چخوف. تصنیف اپرای *لابوهم* اثر جاکومو پوچینی. نخستین بازی‌های المپیک نوین در آتن. تب طلا در کلوندایک.
**۱۸۹۷**ـ سر. جی. جی. تامسون الکترون را کشف کرد.
**۱۸۹۸**ـ آغاز جنگ اسپانیاـ امریکا.
**۱۸۹۹**ـ آغاز جنگ بوئر. تصنیف (اپرای) *برگ افرا* اثر اسکات جاپلین.

**ادبیات**

ویلیام بلیک (۱۷۵۲_ ۱۸۲۷)
ویلیام ورد زورث (۱۷۷۰_ ۱۸۵۰)
سر والتر اسکات (۱۷۷۱_ ۱۸۳۲)
ساموئل تیلورکلریج (۱۷۷۲_ ۱۸۳۴)
جین آستن (۱۷۷۵_ ۱۸۱۷)
جان کیتز (۱۷۷۵_ ۱۸۲۱)
واشینگتون ایروینگ (۱۷۸۳_ ۱۸۵۹)
چارلز دیکنز (۱۸۱۲ _ ۱۸۷۰)
لرد بایرون (۱۷۸۸_ ۱۸۲۴)
پرسی باسیه شلی (۱۷۹۲_ ۱۸۲۲)
اونوره دو بالزاک (۱۷۹۹_ ۱۸۵۰)
الکساندر پوشکین (۱۷۹۹_ ۱۸۳۷)
الکساندر دوما (۱۸۰۲_ ۱۸۷۰)
ویکتور هوگو (۱۸۰۲_ ۱۸۸۵)
رالف والدو امرسون (۱۸۰۳_ ۱۸۸۲)
ناتانیل هاثورن (۱۸۰۴_ ۱۸۶۴)
ادگارآلن پو (۱۸۰۹_ ۱۸۴۹)
آلفرد تنیسون (۱۸۰۹_ ۱۸۹۲)
ویلیام تاکری (۱۸۱۱_ ۱۸۶۳)
شارلوت برونته (۱۸۱۶_ ۱۸۵۵)
هنری دیوید ثورو (۱۸۱۷_ ۱۸۶۲)
امیلی برونته (۱۸۱۸_ ۱۸۴۸)
جورج الیوت (مری آن ایونز) (۱۸۱۹_ ۱۸۸۰)
هرمان ملویل (۱۸۱۹_ ۱۸۹۱)
والت ویتمن (۱۸۱۹_ ۱۸۹۲)
شارل بودلر (۱۸۲۱_ ۱۸۶۷)
فئودور داستایفسکی (۱۸۲۱_ ۱۸۸۱)
گوستاو فلوبر (۱۸۲۱_ ۱۸۸۰)
هنریک ایبسن (۱۸۲۸_ ۱۹۰۶)
کنت لئو تولستوی (۱۸۲۸_ ۱۹۱۰)
امیلی دیکینسون (۱۸۳۰_ ۱۸۸۶)
لوئیس کارول (۱۸۳۲_ ۱۸۹۸)
مارک تواین (۱۸۳۵_ ۱۹۱۰)
امیل زولا (۱۸۴۰_ ۱۹۰۲)
توماس هاردی (۱۸۴۰_ ۱۹۲۸)
استفن مالارمه (۱۸۴۲_ ۱۸۹۸)
هنری جیمز (۱۸۴۳_ ۱۹۱۶)
آگوست استریندبرگ (۱۸۴۹_ ۱۹۱۲)
آرتور رمبو (۱۸۵۴_ ۱۸۹۱)
سر آرتور کنن دویل (۱۸۵۹_ ۱۹۳۰)
آنتوان چخوف (۱۸۶۰_ ۱۹۰۴)
رودیارد کیپلینگ (۱۸۶۵_ ۱۹۳۶)
استندال (۱۸۸۳_ ۱۸۴۲)

**موسیقی**

کارل ماریا فون وبر (۱۷۸۶_ ۱۸۲۶)
جاکومو مه یربیر (۱۷۹۱_ ۱۸۶۴)
جوواکینو روسینی (۱۷۹۲_ ۱۸۶۸)
گائتانو دونیتزتی (۱۷۹۷_ ۱۸۴۸)
فرانتس شوبرت (۱۷۹۷_ ۱۸۲۸)
وینچنزو بلینی (۱۸۰۱_ ۱۸۳۵)
هکتور برلیوز (۱۸۰۳_ ۱۸۶۹)
میخائیل گلینکا (۱۸۰۴_ ۱۸۵۷)
فردریک شوپن (۱۸۱۰_ ۱۸۴۹)
روبرت شومان (۱۸۱۰۹_ ۱۸۵۶)
ریچارد واگنر (۱۸۱۳_ ۱۸۸۳)
جوزپه وردی (۱۹۱۳_ ۱۹۱۰)

فرانتس لیست (۱۸۱۱ـ ۱۸۸٦)
شارل گونو (۱۸۱۸ـ ۱۸۹۳)
ژاک لوی اوفن باخ(۱۸۱۹ـ ۱۸۸۰)
سزار فرانک (۱۸۲۲ـ ۱۸۹۰)
بدریش اسمتانا (۱۸۲٤ـ ۱۸۸٤)
آنتون بروکنر (۱۸۲٤ـ ۱۸۹٦)
یوهان اشتراوس دوم(۱۸۲۵ـ ۱۸۹۹)
یوهانس برامس (۱۸۳۳ـ ۱۸۹۷)
کامیی سن سان (۱۸۳۵ـ ۱۹۲۱)
ژرژ بیزه (۱۸۳۹ـ ۱۸۷۵)
مودست موسورگسکی (۱۸۳۹ـ ۱۸۹۱)
پتر ایلیچ چایکوفسکی (۱۸٤۰ـ ۱۸۹۳)
آنتونین دورژاک (۱۸٤۱ـ ۱۹۰٤)
سر آرتور سالیوان (۱۸٤۲ـ ۱۹۰۰)
ژول ماسه نه (۱۸٤۲ـ ۱۹۱۲)
ادوارد گریگ(۱۸٤۳ـ ۱۹۰۷)
نیکولای ریمسکی کورساکف(۱۸٤٤ـ ۱۹۰۸)
گابریل فوره (۱۸٤۵ـ ۱۹۲٤)
گوستاو مالر (۱۸٦۰ـ ۱۹۱۱)
ریچارد اشتراوس (۱۸٦٤ ـ ۱۹٤۹)
الکساندر اسکریابین (۱۸۷۲ـ ۱۹۵۱)

**هنرهای زیبا**

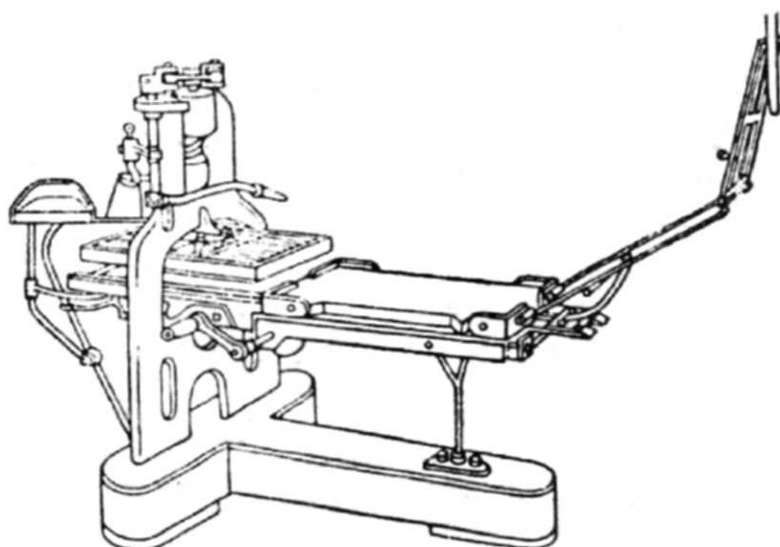
جی. ا م. دبلیو. ترنر (۱۷۷۵ـ ۱۸۵۱)
جان کنستابل (۱۷۷٦ ـ ۱۸۳۷)
جی. ای. دی. انگر (۱۷۸۰ـ ۱۸٦۷)
ادوارد هیکز(۱۷۸۰ـ ۱۸٤۹)
تئودور ژریکو (۱۷۹۱ـ ۱۸۲٤)
ساموئل اف. بی. مورس (۱۷۹۱ـ ۱۸۷۲)
ژان باپتیست کورو (۱۷۹٦ـ ۱۸۷۵)
اوژن دلاکروا (۱۷۹۸ـ ۱۸٦۳)
توماس کول (۱۸۰۱ـ ۱۸٤۸)
اونوره دومیه (۱۸۰۸ـ ۱۸۷۹)
جورج کالب بینگام (۱۸۷۹ـ ۱۸۱۱)
ژان فرانسوا میه (۱۸۱٤ـ ۱۸۷۵)
سی.اف.دوبینی (۱۸۱۷ـ ۱۸۷۸)
گوستاو کوربه (۱۸۱۹ـ ۱۸۷۷)
کامیل پیسارو (۱۸۳۰ـ ۱۹۰۳)
ادوارد مانه (۱۸۳۲ـ ۱۸۸۳)
ادگار دگا (۱۸۳٤ـ ۱۹۱۷)
جیمز آبوت مک نیل ویستلر (۱۸۳٤ـ ۱۹۰۳)
وینزلو هومر (۱۸۳٦ـ ۱۹۱۰)
پل سزان (۱۸۳۹ـ ۱۹۰٦)
آلفرد سیسلی (۱۸۳۹ـ ۱۸۹۹)

کلود مونه (۱۸٤۰ـ ۱۹۲٦)
پیر رنوار (۱۸٤۱ـ ۱۹۱۹)
برت موریسات (۱۸٤۱ـ ۱۸۹۵)
توماس اکینز(۱۸٤٤ـ ۱۹۱٦)
مری کاسات (۱۸٤۵ـ ۱۹۲٦)
پل گوگن (۱۸٤۸ـ ۱۹۰۳)
وینسنت وان گوک (۱۸۵۳ـ ۱۸۹۰)
جان سینجر سارجنت (۱۸۵٦ـ ۱۹۲۵)
ژرژ سورا (۱۸۵۹ـ ۱۸۹۱)
هانری دو تولوز لوترک (۱۸٦٤ـ ۱۹۰۱)
پیر بونار (۱۸٦۷ـ ۱۹٤۷)
ادوار ویار (۱۸٦۸ـ ۱۹٤۰)
موریس دنیس (۱۸۷۰ـ ۱۹٤۳)
ادوارد برن جونز(۱۸۸۳ـ ۱۸۹۸)

**هنرهای گرافیک**

جان بل (۱۷٤۵ـ ۱۸۳۱)
لرد استنهوپ (۱۷۵۳ـ ۱۸۱٦)
ویلیام بالمر (۱۷۵۷ـ ۱۸۳۰)
جان جیمز اودوبون (۱۷۸۰ـ ۱۸۵۱)
ریچارد آستین (۱۷۸۸)
لویی ژاک داگر (۱۷۸۹ـ ۱۸۵۱)
جورج کروئیکشانک (۱۷۹۲ـ ۱۸۷۷)
ویلیام پیکرینگ (۱۷۹٦ـ ۱۸۵٤)
ویلیام هنری فاکس تالبوت (۱۸۰۰ـ ۱۸۷۷)
داریوس ولز (۱۸۰۰ـ ۱۸۷۵)
گراندویل (۱۸۰۳ـ ۱۸٤۷)
ریچارد هو (۱۸۱۲ـ ۱۸۸٦)
ویلیام بالاک (۱۸۱۳ـ ۱۸٦۷)

هابلوت براون (فیز) (۱۸۱۵ـ ۱۸۸۲)
جان تنی یل (۱۸۲۰ـ ۱۹۱٤)
چارلز کین (۱۸۲۳ـ ۱۸۹۱)
تئودور لو د وین (۱۸۲۸ـ ۱۹۱٤)
گوستاو دوره (۱۸۳۲ـ ۱۸۸۳)
فردریک کونیک (تولد ۱۸۳۳)
ویلیام موریس (۱۸۳٤ـ ۱۸۹٦)
ژرژ دو موریه (۱۸۳٤ـ ۱۸۹٦)
هاوارد پایل (۱۸۳۵ـ ۱۹۱۱)
ژول شره (۱۸۳٦ـ ۱۹۳۳)
توماس نست (۱۸٤۰ـ ۱۹۰۲)
اوژن گراسه (۱۸٤۱ـ ۱۹۱۷)
لین بوید بنتون (۱۸٤٤ـ ۱۹۳۲)
اوتمار مرگنتالر (۱۸۵٤ـ ۱۸۹۹)
لوییس رید (۱۸۵۷ـ ۱۹۲٦)
تئوفیل استاینلن (۱۸۵۹ـ ۱۹۲۳)
آلفونس موشا (۱۸٦۰ـ ۱۹۳۹)
فردریک رمینگتون (۱۸٦۱ـ ۱۹۰۹)
جیمز پراید (۱۸٦٦ـ ۱۹٤۱)
ادوارد پنفیلد (۱۸٦٦ـ ۱۹۲۵)
چارلز دانا گیبسون (۱۸٦۷ـ ۱۹٤٤)
ویل بردلی (۱۸٦۸ـ ۱۹٦۲)
برترام ج. گودهیو (۱۸٦۹ـ ۱۹۲٤)
اوبری بردزلی (۱۸۷۲ـ ۱۸۹۰)
ماکسفیلد پاریش (۱۸۷۰ـ ۱۹٦٦)
ویلیام نیکولسون (۱۸۷۲ـ ۱۹٤۲)
اتل رید (۱۸۷٦ـ ۱۸۹۸)
ویلیام مارتین (مرگ ۱۸۱۵)
تالبرت لنستون (مرگ ۱۹۱۳)



دستگاه چاپ استنهوپ

## ۱۹۰۰ ـ ۱۹۲۰
## صلح، جنگ و انقلاب

سدهٔ بیستم به نظر آغاز خوبی داشت. جهان در صلح و آرامش به سر می‌برد، امپراتوری بریتانیا بر سر کار بود و آلمان، فرانسه و روسیه توازن قدرت را حفظ می‌کردند.

در دو دههٔ نخست این سده نوآوری‌های عمده‌ای را در حیطهٔ علم و فناوری شاهد بودیم. برق جایگزین گاز برای روشنایی منازل و خیابان‌ها شد، در سال ۱۹۰۱ م گولیلمو مارکونی نخستین علائم رادیویی را از انگلستان به امریکا مخابره کرد، برادران رایت در سال ۱۹۰۳ م نخستین هواپیمای خود را ساختند که وزنش از وزن هوا سنگین‌تر بود. و در سال ۱۹۰۸ م هنری فورد نخستین مدل اتومبیل‌های تی را تولید کرد که پانزده میلیون دستگاه از آن فروخته شد. اتومبیل از وسیلهٔ تفریحی ثروتمندان به وسیله‌ای جدی برای حمل‌و نقل تبدیل شد.

در این دوره آلبرت اینشتین نیز نظریه‌های تخصصی و عمومی نسبیت را طرح کرد. هانری برگسون در باب تحول خلاق سخنرانی کرد. و زیگموند فروید نظریه‌های روانکاوی خود را تدوین کرد. این نظریه‌ها همگی تأثیری عمیق بر هنرهای تجسمی به ویژه کوبیسم و سورئالیسم گذاردند.

درسال‌های‌قبل از جنگ‌جهانی‌اول نوآوری‌های بسیاری در هنرهای مردمی پدید آمد که هیجان تازه‌ای در زندگی روزمره ایجاد کرد. نیکل اودئون‌هایی که فیلم‌های تک حلقه‌ای را به مردم نشان می‌دادند، جای خود را به سینماهایی با مخاطبان بیش‌تر دادند.

صنعت سینما برای برآوردن نیاز فزاینده به تماشای فیلم از نیویورک به هولیوود نقل مکان کرد و نظام استودیویی را در آن‌جا بنا نهاد. ستارگان آینده نظیر چارلی چاپلین، سر داگلاس فربنکس و مری پیکفورد کار خود را در همین زمان آغاز کردند.

از شکل‌های دیگر سرگرمی‌های مردمی، مسابقات دوچرخه سواری هفت روزه و مسابقات اتومبیل رانی صحرایی بود. رقص سالنی در این دوره طرفداران زیادی یافت. تانگو پذیرش اجتماعی پیدا کرد و زوج رقاص ورنون و ایرنه کستل، رقص کستل واک را معرفی کردند.

در سال ۱۹۰۹ م، سرگی پاولوویچ دیاگلیف بالهٔ روس را به پاریس و لندن برد و حامیان هنر را در آن‌جا با رقص واسلاو نیژینسکی و آنا پاولووا و موسیقی ایگور استراوینسکی واله و حیران کرد.

دوران صلح و آرامش که انتظار می‌رفت برای ابد پایدار بماند با وقوع جنگ جهانی اول در اول اوت ۱۹۱٤م به گونه‌ای نامنتظر به پایان رسید. جنگ مهر پایانی بر دورهٔ «ادواردی» انگلیسی و «زیبا»ی فرانسه گذارد. جنگ جهانی اول که درنده‌خویی و سبعیت آن را تاریخ کم‌تر به یاد داشت، ده میلیون قربانی گرفت و بیست میلیون مجروح برجای گذارد. جنگ جهانی اول با محاصرهٔ آلمان در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ م به پایان رسید و به این ترتیب به بسیاری از توهمات سدهٔ پیش نیز پایان داد. سده‌ای که رویای پیشرفت بی‌پایان را با جلال و جبروت در سر داشت.

شاید پردامنه‌ترین رخداد این سده انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م روسیه بود که بلشویک‌ها به رهبری ولادیمیر ایلیچ اولیانف معروف به لنین در آن قدرت گرفتند. کمونیست‌ها پس از جنگ داخلی کوتاهی با نیروهای تزاری که تا سال ۱۹۲۰ م به طول انجامید، قدرت خود را تحکیم بخشیدند و دولت سوسیالیستی جدید خود را بنا نهادند.

در دنیای ادبیات، مارسل پروست نویسندهٔ فرانسوی مرزهای ادبیات داستانی را با کتاب در جست‌وجوی *زمان از دست رفته* وسعت بخشید و گیوم آپولینر شعر کوبیستی خود را آفرید. جیمز جویس نویسندهٔ ایرلندی و گرترود استاین نویسندهٔ امریکایی مقیم اروپا به تجربه در زبان و قالب پرداختند.

در انگلستان نمایشنامه‌های جورج‌برناردشاو و رمان‌های دی. اچ. لاورنس و جوزف کنراد به عامهٔ کتابخوان، مطالبی در خور تأمل ارائه دادند. این زمان همچنین اوج فعالیت گروه بلومزبری با چهره‌های بنیان‌شکنی چون ویرجینیا وولف و لیتون استراچی بود.

در امریکا تئودور درایزر در رمان‌های‌خود نابرابری‌های اجتماعی را برجسته ساخت و کارل سندبرگ با اشعار خود به تجلیل رویای امریکایی پرداخت.



چارلی چاپلین

## هنرهای زیبا

اوایل سدهٔ بیستم دوران تجربه و جسارت بود که مرز همهٔ هنرها از جمله نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری، موسیقی، ادبیات، تئاتر، رقص و فیلم را وسعت بخشید. سدهٔ جدید نشانگر روح انقلاب و حاکی از تغییراتی اجتماعی بود که نخستین بار در هنر جلوه‌گر شد.

هنرمندان آوانگارد با الهام از سنت‌هایی که ریشه در رنسانس داشتند، به تجربه در قالب، رنگ و محتوا پرداختند و فرهنگ بصری جدیدی خلق کردند که بر طراحی گرافیک سدهٔ بیستم تأثیری عمده گذاشت.

*آرنوو.* گرچه آرنوو (هنر جدید) در پایان سدهٔ نوزدهم آغاز شد اما تا دههٔ نخست سدهٔ بیستم به اوج خود نرسید. این سبک که پیش از هر چیز جنبشی در معماری، هنرهای تزیینی و گرافیک بود، تأثیری ناچیز بر نقاشی گذارد.

خطوط سیال آرنوو، فرم‌های شاخ و برگی و شکل‌های پرحس و حال آن در حروف‌چاپی، صفحه‌آرایی و طراحی پوسترهای این دوره نمایان است. این سبک از تصاویر چاپی ژاپنی و نقاشی‌های گوگن و مونش تأثیر بسیار پذیرفت. (تصویر ۱)

از جمله معروف‌ترین هنرمندان آرنوو، معماران و طراحانی، چون آنتونیو گائودی، هنری وان دو ولد، هکتورگیمار، پتر بهرنز و چارلز رنی مکنتاش، بودند. شاید بهترین نمونه‌های آثار گرافیکی آرنوو، پوسترهای موشا و تولوز لوترک باشند. (بنگرید به صفحهٔ ۱۲۳)

*جدایی‌طلبی وین.* در سوم آوریل سال ۱۸۹۷ م گروهی از هنرمندان وین به رهبری گوستاو کلیمت در مخالفت با اجازهٔ برپایی نمایشگاه هنرمندان خارجی از انجمن هنرآکادمیک، کونستلرهاوس، جدا شدند و گروه جدیدی موسوم به جدایی طلبی وین را پدید آوردند (تصویر ۲) که از جمله اعضای آن نقاشانی چون اسکارکوکوشکا و اگون شیله، معمارانی‌چون جوزف‌هوفمن و جی.جی‌آلبریخ و طراحانی چون کولومان موسر و آلفرد رولر بودند.

جدایی طلبان وین در آغاز تحت تأثیر آرنوو قرار داشتند اما زمانی نگذشت که در آثار نقاشان این جنبش گرایش‌های اکسپرسیونیستی‌نمایان‌شد. و طراحان و معماران آن نیز زیر تأثیر مکتب گلاسکو به طرح‌های به‌شدت هندسی روآوردند. یکی از اهداف جدایی طلبان همانند جنبش‌هنرها و پیشه‌های انگلیس، وحدت هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی بود.

*فوویسم.* نخستین جنبش مهم نقاشی فرانسه در سدهٔ بیستم بود. هنرمندان فوویست رنگ‌های تند به‌کارمی‌بردند و برای تشدید حالت حسی، فرم‌ها را ساده می‌کردند. نقاش برجستهٔ فوویسم هانری ماتیس بود (تصویر ۳) که نقاشان دیگری چون آندره درن، موریس دو ولامینک، رائول دوفی، کیزوان دونگن، ژرژ براک، ژرژ روئو، آلبر مارکه و هانری مانگین به او پیوستند.



۱



۲



۳

۱ـ تابلوی *فریاد* اثر ادوارد مونش، هنر فوق العاده حسی و روان پریشانهٔ او را منعکس می‌سازد. آثار مونش تأثیر عمیقی بر اکسپرسیونیست‌های آلمان گذارد.

۲ـ طراحی با قلم و مرکب اثر گوستاو کلیمت، که در سال ۱۹۰۰م در *ورساکروم* منتشر شد، گرایش‌های تزیینی دوبعدی عمیقی را نشان می‌دهد.

۳ـ *گلدان شمعدانی* اثر هانری ماتیس که در سال ۱۹۱۲ در دوران افول دورهٔ فوویستی خویش آن را نقاشی کرد. شکل‌های ساده شده و فضای کم عمق، ویژگی غالب بسیاری از آثار واپسین ماتیس هستند.

فوویسم بر طراحی گرافیک تأثیر مستقیمی نگذاشت اما اثر این جنبش بر نقاشان اکسپرسیونیست آلمان مشهود است که به نوبهٔ خود پوسترها و موضوعات چاپی دیگری آفریدند.

*اکسپرسیونیسم.* در آلمان جنبش اکسپرسیونیسم درسال ۱۹۰۵م باگروهی موسوم به *دی بروک* (پل) آغاز شد که افرادی، چون ارنست کرشنر، اریک هکل، کارل شمید روتلوف و بعدها امیل نولده از اعضای آن بودند.(تصویر۶) اکسپرسیونیست‌ها که در اصل تحت تأثیر ونگوک، گوگن و مونش قرار داشتند، بر فرم‌های ساده شده، رنگ‌های تند و کاربرد بیانی خط تأکید داشتند.

گروه دوم اکسپرسیونیست‌ها موسوم به *دربلو ریتر* (سوارکار آبی) در سال ۱۹۱۱ م با واسیلی کاندینسکی، فرانتس مارک و گابریل مونتر شکل گرفت و بعدها هنرمندان دیگری چون پل کله و الکسی ون یالنسکی نیز به آنان پیوستند. این گروه که متنوع‌تر از گروه دی بروک بود، پایبندی عمیقی به نگرش اکسپرسیونیستی و گرایشی به تصوف و رمانتی‌سیسم داشت.

کاندینسکی، ترکیب‌بندی و احساس برآمده از رنگ و فرم را مهم‌تر از مضمون اصلی یا موضوعات نقاشی می‌دانست. این موضوع در نهایت او را به خلق نخستین نقاشی‌های غیرعینی رهنمون ساخت.

اکسپرسیونیست‌هاچاپ چوبی را وسیله‌ای مطلوب برای بیان ایده‌های گرافیکی خود در پوستر و کتاب یافتند.

*کوبیسم.* پابلوپیکاسو و ژرژ براک درست پیش از جنگ جهانی اول انقلابی موسوم به کوبیسم در نقاشی به راه انداختند. کوبیسم قالبی هنری بود که بر ساختار انتزاعی تأکید داشت.

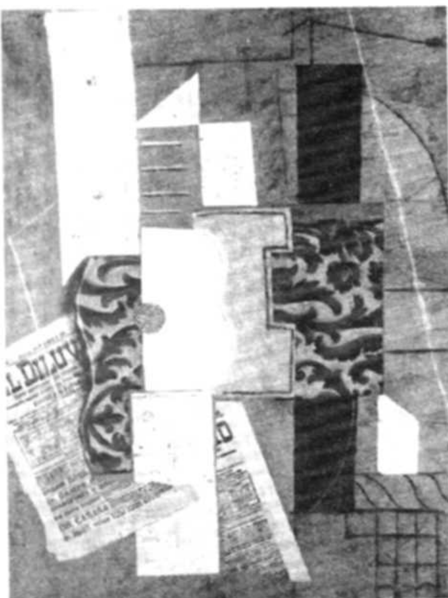
در نخستین مرحلهٔ کوبیسم، موسوم به *تحلیلی*، اشیای متعارف و آشنا را تکه تکه می‌کردند و همزمان از دیدگاه‌های مختلف نشان می‌دادند. (تصویر ٤) این تحول متأثر از آثار واپسین سزان و فرم‌های انتزاعی ساده شدهٔ هنر افریقا بود.



۴




۶



۵

٤ـ پیکاسو در تابلوی *دختری با ماندولین* که در سال ۱۹۱۰م نقاشی کرده، شکل‌ها را تکه تکه ساخته و همزمان از زاویه دیدهای مختلف نگریسته است تا بدین گونه از پرسپکتیو سنتی دوری گزیند.

۵ـ آفرینش قالب هنری جدیدی موسوم به کلاژ به پیکاسو و به موازات او به ژرژ براک نسبت داده می‌شود. در تابلوی *گیتار*، که در سال ۱۹۱۳م نقاشی شده است، پیکاسو تکه‌هایی ازبریده‌های مطالب چاپی را با طراحی تلفیق کرده تا رابطه‌ای مبهم میان واقعیت و توهم پدید آورد. فضا در این اثر، کم عمق است و میان دو و سه بعد در نوسان است.

٦ـ باسمهٔ چوبی اثر ارنست کرشنر متعلق به سال ۱۹۱۰م، تأثیر پذیری عمیق‌او را از پل‌گوگن نشان‌می‌دهد. شکل‌های ساده شدهٔ سیاه مشخصهٔ اکسپرسیونیسم آلمان است.

۷ـ جاکومو بالا، نقاش فوتوریست ایتالیایی، *پویایی شناسی سگ زنجیر شده* را در سال ۱۹۱۲ م خلق کرد. هنرمند در تلاش برای نشان دادن مفاهیم زمان وحرکت، تصاویر چندگانه‌ای از پاها و زنجیر پدید آورده است.

درکوبیسم *ترکیبی* که پس از مرحلهٔ تحلیلی فرارسید، حروف‌شابلونی، روزنامه‌ها، برچسب‌ها و دیگراقلام کوچک چاپی در طراحی‌ها و نقاشی‌ها گنجانده می‌شدند و تشکیل کلاژ می‌دادند (تصویر۵). در این آثار، مطالب چاپی،پیش از هر چیز برای ایجاد بافت به‌کارمی‌رفتند. مهم نبود که‌حروف چاپی چگونه‌در کار جای‌گرفته‌باشندزیرا دل‌مشغولی اولیهٔ هنرمند زیبایی‌شناسی بود نه ارتباط.

استفادهٔ بنیادی از موضوعات چاپی، در نهایت بر هنرمندان، طراحان حروف و طراحان سراسر دنیا تأثیر گذارد.

*فوتوریسم.* در سال۱۹۰۹م گروهی‌از هنرمندان ایتالیایی به رهبری فیلیپوتومازو مارینتی شاعر جنبشی هنری را موسوم به فوتوریسم بنا نهادند که توجه آن برفناوری و جنبه‌های پویای زندگی‌نوین‌بود. فوتوریست‌ها با طرد مفاهیم کلاسیک هماهنگی و نظم تلاش کردند حس سرعت و حرکت را در نقاشی‌های خود به‌نمایش بگذارند (تصویر۷). آنان با الهام از کلاژهای کوبیستی، کنارهم نهادن بریدهٔ حروف روزنامه‌ها و مجلات را تجربه کردند تا شعرهایی در توصیف اصوات زندگی‌مدرن بیافرینند(تصویر۹).فوتوریست‌ها همچنین به خاطر انتشار یک سلسله بیانیه موسوم به مانیفیستو دربارهٔاهداف و مقاصد هنری خود حائز اهمیت‌اند. استفادهٔ آزادانهٔ آنان از حروف چاپی در اشعار، پوسترها و بیانیه‌ها بر هنرمندان و طراحان تأثیر گذارد. از هنرمندان برجستهٔ فوتوریست، اومبرتو بوچونی، جاکومو بالا (تصویر۷)، کارلو کارا و جینو سه‌وه‌رینی بودند.

جنبش *متافیزیک.* این جنبش نیز ایتالیایی اما کاملاً متفاوت از فوتوریسم بود. اهداف این جنبش را نمایندهٔ برجستهٔ آن جورجو دکیریکو این‌گونه بیان کرده است: «خلق ویژگی روحی متافیزیکی جدید از اشیاء با نقاشی.»

دکیریکو برای نائل شدن به این هدف اشیای کاربردی را از محیط طبیعی‌شان جدا ساخت و آن‌ها را همچون پدیده‌های منفرد و مجزا نقاشی کرد. (تصویر۸) همین جداسازی



۷



۸




۹

۸ـ *تک چهرهٔ بد شگون آپولینر*، گراووری‌از جورجو د کیریکو متعلق به سال ۱۹۱۴م .تلفیق سایه‌های تند و اشیای زندگی روزمره که به گونهٔ تصادفی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، فضایی رازآمیز پدید آورده‌اند که ویژگی هنر مابعدطبیعی به شمار می‌رود.

۹ ـ شعر حروف نگارانهٔ فوتوریستی متعلق به سال ۱۹۱۹ م اثر فیلیپو تومازو مارینتی، از تکنیک کلاژ برای خلق تجربه‌ای سمعی بصری بهره می‌گیرد. این استفادهٔ رادیکال از عناصر تایپو گرافی، تأثیر گسترده‌ای برطراحی گرافیک سدهٔ بیستم داشت.

به اشیای مورد نظر ویژگی‌ای اسرار آمیز و فضایی رازآلود می‌بخشید.

تنها نقاشان دیگر مرتبط با این جنبش کارلوکارا و جورجو موراندی بودند. گرچه جنبش متافیزیک دیری نپایید اما راه را برای سورئالیست‌ها هموار ساخت.

*د استیل.* در سال ۱۹۱۷ م در زمان جنگ جهانی اول، گروهی از هنرمندان، معماران و طراحان هلندی در این کشور بی‌طرف گرد هم آمدند تا با پیراستن اصول بنیادین کوبیسم آن را در نقاشی به کار گیرند. جنبش آنان که بنیان‌گذارانش تئو وان دوزبرگ و پیت موندریان بودند، د استیل یا «سبک» نام گرفت. قاموس هنری د استیل را اشکال سادهٔ هندسی، خطوط راست، مستطیل و رنگ‌های اصلی ـ قرمز، زرد، آبی ـ و سیاه و سفید تشکیل می‌داد.

هنرمندان د استیل با ترکیب‌بندی‌های خود درصدد رسیدن به عدم تقارن پویا به جای تقارن ایستا بودند. (تصویر ۱۱) موندریان این‌را نئوپلاستی‌سیسم[۳۶] ـ شکل‌آفرینی نو ـ نامید که مقصود از آن نشان دادن هماهنگی کلی بود.

هنرمندان د استیل مجله‌ای با همین نام به سردبیری دوزبرگ انتشار دادند که حاوی مقالاتی در زمینهٔ هنر، معماری، فیلم و شعر بود (تصویر ۱۲). این مجله تا زمان مرگ دوز برگ در سال ۱۹۳۱ م انتشار می‌یافت. دیگر هنرمندان و طراحانی که مطالبی در این مجله نوشتند، گئورگز وانتون‌گرلو، گریت ریتولد، ج. ج. پ. اود، بارت وان در لک و ویلموس هازار و پیت زوارت بودند.



۱۰

*سوپره ماتیسم و کنستراکتیویسم.* پیش از وقوع جنگ جهانی اول جوش و خروش هنری عظیمی بر روسیه حاکم بود. در سال ۱۹۱۳ م کازیمیر ماله ویچ متأثر از کوبیسم جنبشی موسوم به سوپره ماتیسم (والاگرایی) را پدید آورد که در آن فرم ناب بر هنر شبیه نمایانه برتری داشت.

ماله ویچ باور داشت اشکال سادهٔ هندسی ـ دایره، مربع، مثلث و چلیپا ـ در کنار رنگ‌های ناب می‌توانند به خودی خود احساسات و عواطف را برانگیزند. ماله ویچ در سال ۱۹۱۹م تابلوی معروف خود *سفید در سفید* را نقاشی کرد که مربع سفید موربی را در زمینه‌ای سفید نشان‌می‌دهد (تصویر ۱۰). نقاشی با این اثر از منظر سوپره ماتیسی به نتیجهٔ منطقی خود رسید.

تقریباً در همان زمان که ماله‌ویچ نقاشی‌های سوپره‌ماتیستی خود را می‌آفرید، گروه دیگری از هنرمندان روسی موسوم به کنستراکتیویست‌ها (ساختگراها) با استفاده از مصالح نوین‌صنعتی نظیرشیشه، ورقهٔ‌فلزی و مقوا سازه‌های هندسی مجردی آفریدند. از جمله کنستراکتیویست‌های آغازین، ولادیمیر تاتلین، ال‌لیسیتسکی والکساندر رودچنکو بودند. بعدها به این گروه هنرمندان دیگری چون نائوم گابو و برادرش آنتونیو پوزنر نیز پیوستند. این دو در سال ۱۹۲۰م بیانه مشترکی نوشتند و اصول سبک کنستراکتیویست را اعلام داشتند.



۱۱



۱۲

۱۰ـ کازیمیر ماله‌ویچ با خلق تابلوی *سفید در سفید* در سال ۱۹۱۹م برتری فرم ناب را بر هنرشبیه گرایانه مورد تأکید قرار داد.

۱۱ـ موندریان با تقلیل موضوع اصلی به اشکال اولیهٔ هندسی، خطوط راست و رنگ های اصلی،کوبیسم را به نتیجهٔ منطقی خود رساند. این موضوع در تابلوی او با عنوان *نقاشی الماس سرخ، زرد، آبی* متعلق به حدود سال ۱۹۲۱ م مشهود است.

۱۲ـ طرح جلد شمارهٔ سال۱۹۱۸ م مجله *د استیل* اثر ویلموس هازار.

در پایان این دهه بسیاری از هنرمندان سوپره ماتیسم و کنستراکتیویسم که تب انقلاب آنان را فرا گرفته بود، نقاشی را به لحاظ اجتماعی بلاموضوع دانستند و نیروهای خود را متوجه حوزه‌های عملی‌تر و به لحاظ اجتماعی مرتبط‌تری، نظیر نساجی، مبلمان، عکاسی، فیلم، طراحی صنعتی و طراحی گرافیک، کردند.

*دادائیسم*. دادائیسم در اصل جنبشی ضدهنر بود که در نتیجهٔ انزجار از جنگ جهانی اول و طرد ارزش‌های سنتی پدیدار شد. این جنبش مشتمل بر دو گروه از مخالفان جنگ بود که در زوریخ و نیویورک متمرکز شده بودند.

گروه زوریخ مرکب از ژان (هانس) آرپ، تریستان تزارا و هوگو بال، راهپیمایی‌های تحریک‌آمیزی برگزار کردند و اشعار و بیانیه‌هایی سیاسی انتشار دادند. نشریات آنان همگی طراحی‌های حروف افراطی و تندرویی داشتند.

گروه نیویورک شامل مارسل دوشان، فرانسیس پیکابیا و مَن ری در گالری آلفرد استیگلیتز در شمارهٔ ۲۹۱ خیابان پنجم متمرکز شد. نشانی این گالری، ۲۹۱، نام مجله‌ای شد که آنان ایدئولوژی‌های تحریک‌آمیز خود را از طریق آن انتشار می‌دادند.

با پایان‌یافتن جنگ، برخی‌از دادائیست‌ها به برلین و برخی به پاریس رفتند. دادائیست‌های برلین ـ جورج گروس، ماکس ارنست، هاناهوخ، رائول هوسمن، جان‌هرتسفیلد و کورت‌شوایترز ـ بیانیه‌هایی منتشر کردند که نقش مهمی در آثار گرافیک تجربی (تصویر ۱۳)، از جمله تکنیک جدید *فتومونتاژ* ایفاد کرد. (تصویر ۱٤)

دادائیست‌های پاریس، شامل تزارا، پیکابیا، مارسل دوشان و آندره برتون شاعر، در طراحی حروف دست به تجربیاتی‌زدند، بیانیه‌ها و مجلاتی‌منتشرکردند و نمایش‌های دادائیستی تحریک‌آمیزی به صحنه بردند.




۱۳

۱۳ـ آگهی کانون دادا چاپ سال ۱۹۱۸ م، کاربرد تایپوگرافی خلاقهٔ دادائیستی و تمایل به ایجاد تعجب را نشان می‌دهد. بی‌اعتنایی به قواعد تایپوگرافی را در این کار مد نظر داشته باشید.

۱٤ـ نمونهٔ اولیه‌ای از فتومونتاژ متعلق به سال ۱۹۱۹م. هانا هوخ در تابلوی *بریدن با کارد کیک‌بری*، بخش‌هایی از عکس‌های مختلف را با هم تلفیق کرده تا واقعیتی نو بیافریند.




۱۴

*جنبش‌های امریکایی*. در آغاز سدهٔ بیستم مردم امریکا رفته‌رفته هنر جدید اروپایی را پذیرا شدند. در واقع آنان تازه با امپرسیونیسم مواجه می‌شدند.

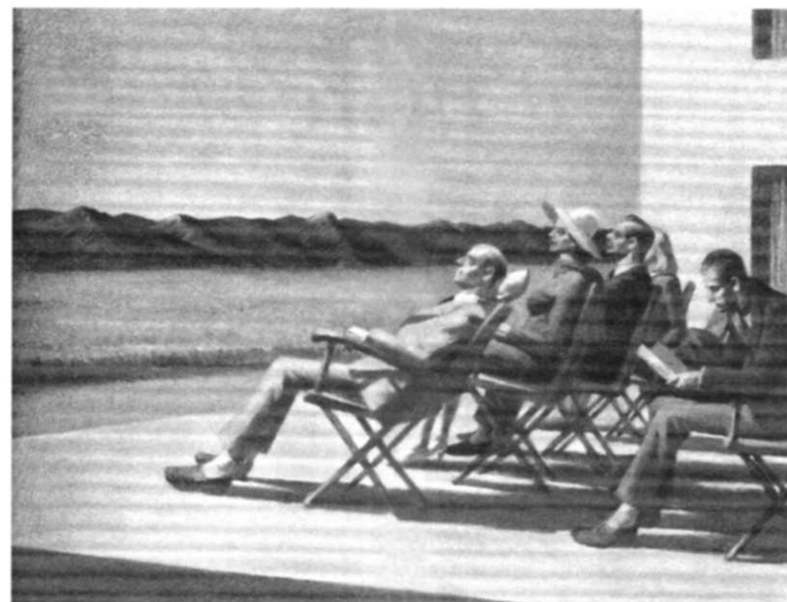
جسورترین هنرمندان امریکایی در سال ۱۹۰۸م موسوم به گروه هشت بودند. این گروه متشکل از رابرت هنری، جان اسلون (تصویر۱۶)، ویلیام‌لاکنز، جورج لوکز، اورت شین، آرتور آر. دیویز، موریس پرندرگَستَ و ارنست لاسون بودند. گروه هشت به منظور اعتراض به سیاست‌های نمایشگاهی بازدارندهٔ آکادمی ملی طراحی شکل گرفت و ترجیح داد که صحنه‌هایی از زندگی معاصر امریکا را متداول و نامتداول نقاشی کند.

بعدها هنرمندان دیگری نظیر جورج بلوز، ادوارد هوپر (تصویر ۱۷) و راکول کنت خصوصیاتی از گروه هشت اصلی را در کارهای خود نمودار ساختند (تصویر ۱۵). به همهٔ این هنرمندان عنوان اهانت‌آمیز مکتب *زباله‌دان* اختصاص یافت.

در سال۱۹۱۳م درست در زمانی‌که مردم امریکا آمادگی پذیرش گروه هشت را می‌یافتند نمایشگاه بین‌المللی هنر نوین، که اغلب نمایشگاه زرادخانه خوانده می‌شود، هنر آوانگارد اروپایی سزان، ماتیس، پیکاسو، براک، کاندینسکی و دوشان را به مردم امریکا معرفی کرد. گرچه واکنش انتقادی و عمومی نسبت به این نمایشگاه تند و آمیخته به حیرت شدید بود اما آثار ارائه شده الهام‌بخش بسیاری از هنرمندان جوان‌تر امریکایی شد.



۱۶



۱۷



۱۵

۱۵ـ گراوور چوبی با نام *پرندهٔ آبی* اثر راکول کنت متعلق به سال ۱۹۱۹م نمونهٔ اولیه‌ای از کار با رسانه‌ای است که وی برای تصویر سازی کتب می‌پسندید.

۱۶ـ هرچند موضوع اصلی انتخاب شده در تابلوی سال ۱۹۱۲ م جان اسلون با نام *میکدهٔ مک سورلی* بحث برانگیز شد، اما کار او الهام‌بخش هنرمندان جوان برای یافتن قابلیت هنری در صحنه‌های زندگی روزمره گردید.

۱۷ـ ادوارد هوپر هنرمندی واقعگرا بود که در آثار خود حال و هوای تنهایی و انزوا را بیان می‌داشت. در تابلوی سال ۱۹۵۲م *خورشید صبحگاهی* همانند سایر آثار او حالتی از سکون و تنهایی حاکم است.

## هنرهای گرافیک

گرچه دو دههٔ نخست سدهٔ بیستم دوران خلاقیت بی‌سابقهٔ هنرهای زیبا بود اما این خلاقیت تأثیر آنی بسیار کمی بر طراحی گرافیک گذارد. این مورد به ویژه دربارهٔ ایالات متحده صدق می‌کرد که طراحان آن قبل از هر چیز به بهبود طراحی کتاب و خلق حروف چاپی بهتر پرداختند. این طراحان کوشش‌های ویلیام موریس و پیروان امریکایی او را ادامه دادند.

## طراحی گرافیک در آلمان

پیش درآمد جالب مکتب باهاوس *دویچر ورکباند* بود که در سال ۱۹۰۷ م منتقدان طراحی، معماران و نمایندگان صنعت آن را بنیان گذاردند. هرمان موتسیوس، نویسنده، چهرهٔ برجستهٔ دویچر ورکباند بود که نوشته‌هایش در زمینهٔ طراحی به شدت تحت تأثیر جنبش هنرها و پیشه‌های انگلیس بود.

هدف دویچر ورکباند، نزدیک کردن هر چه بیش‌تر هنرها، حرفه‌هاو صنعت به یکدیگر برای تولید محصولات خوش‌طرح و کاربردی‌تر بود. ازجمله اعضای اولیهٔ ورکباند پتر بهرنز و والتر گروپیوس بودند. گروپیوس بعدها در سال۱۹۱۹م مدرسه‌باهاوس را تأسیس کرد و اصول دویچر ورکباند را به عمل درآورد.

پتر بهرنز فعالیت خود را با طراحی به سبک آرنووُ آغاز کرد. نخستین مسئولیت او مدیریت طراحی شرکت آ.ا. گ عظیم‌ترین تولید کنندهٔ لوازم برقی آلمان بود. او کار خود را با طراحی گرافیک آغاز کرد و بعد به طراحی محصولات پرداخت که همین امر او را در زمرهٔ نخستین طراحان صنعتی قرار می‌دهد. (تصاویر ۱۸ و ۱۹)

پتر بهرنز سپس سمت معمار شرکت آ.ا.گ را گرفت و مسئول طراحی بسیاری از ساختمان‌های این شرکت شد. برخی از معماران برجستهٔ این سده نخستین بار در دفتر کار او آموزش معماری دیدند که از جملهٔ آن‌ها گروپیوس، لودویک میس فن در روهه و لو کوربوزیه بودند.




۱۸

۱۸ـ پتر بهرنز، مدیر طراحی آ. ا گ، بزرگ‌ترین تولید کنندهٔ لوازم برقی آلمان، افزون بر طراحی گرافیک، مسئولیت طراحی تولیدات و طراحی معماری را نیز برعهده داشت.در اینجا طرح جلد بروشور و لوگویی دیده می‌شود که وی آن‌ها را در سال۱۹۰۸ م طراحی کرد.






۱۹




۱۹ـ بهرنز برای طراحی گرافیک از سوی کارگاه‌های حروف ریزی به همکاری دعوت شد تا حروف چاپ و آرایه‌ها را طراحی کند. در این‌جا تعدادی از حروف قلمی دیده می‌شود که وی آن را در سال۱۹۰۱م با ظاهری عمودی طراحی کرد.

## طراحی گرافیک در اتریش

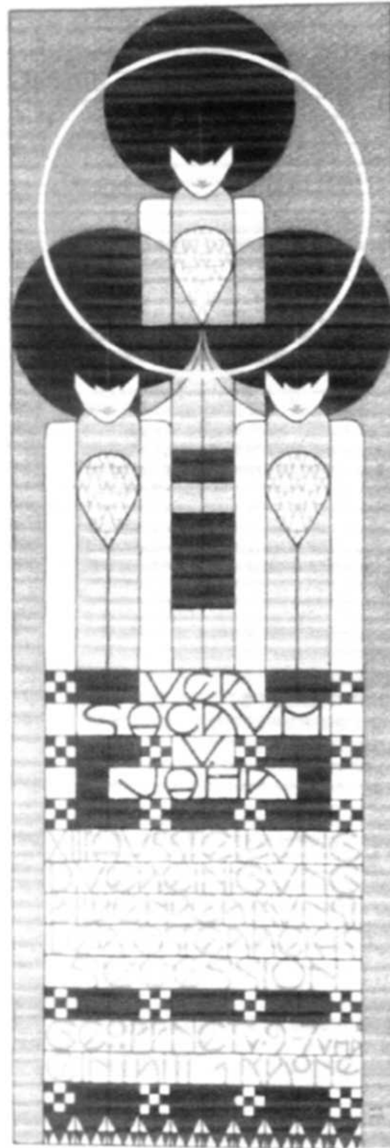
سهم عمدهٔ اتریش در هنرهای گرافیک آثاری است که طراحان جدایی‌طلب وین آفریدند. این مورد را می‌توان در پوسترهای نمایشگاه‌های جدایی‌طلبان و در مجلهٔ آن‌ها *ور ساکروم* (بهار مقدس) مشاهده کرد که از سال ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۳ م انتشار یافت.

*ور ساکروم* نشریه‌ای خوش‌چاپ بود که به آثار گرافیک تجربی امکان ظهور می‌داد (تصویر ۲۲). این مجله در پی وحدت گرافیک و پیوند میان همه عناصر آن از جمله تبلیغات تجاری بود.

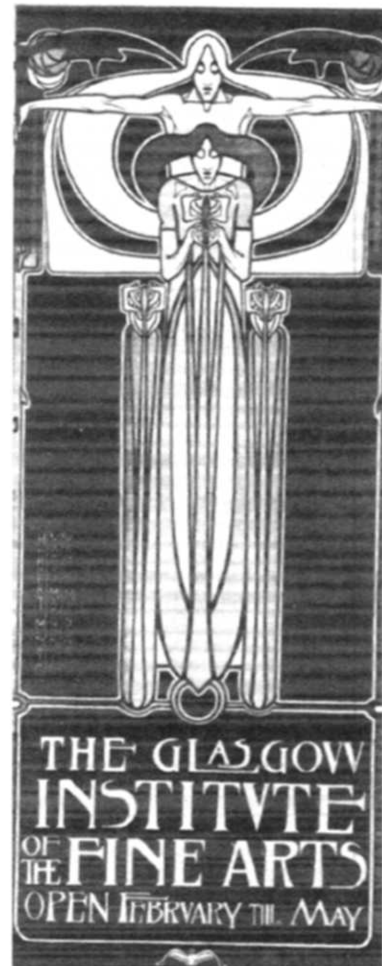
نخستین پوسترهای جدایی‌طلبان حاکی از تأثیرپذیری شدید آرنوو بود و پوسترهای بعدی آنان تأثیر مکتب گلاسکو و خصوصیاتی، نظیر هندسی بودن، حروف‌سازی دستی و زمینه‌های رنگی تخت را نشان می‌داد. (تصاویر ۲۰ و ۲۱).




۲۲




۲۱




۲۰

۲۰ـ یکی از منابع اولیهٔ تأثیرپذیری طراحان اتریش، آثار گرافیک مکتب گلاسکو بود که نمونه‌ای از آن در این پوستر، متعلق به سال ۱۸۹۵ م، نمایان است. به کاربرد جالب اسامی طراحان در این پوستر توجه داشته باشید.

۲۱ـ به نظر می‌رسید پوسترهای طراحان جدایی‌طلب وین گرایش به استفاده از حروف چاپی تجربی و گاه ناخوانا دارند، حروفی که شکل‌های سادهٔ بدون سریف تا اشکال پیچیدهٔ آرنوُو را دربر می‌گیرد. همان‌گونه که در این پوستر اثر کولومان موسر متعلق به سال ۱۹۰۲م دیده می‌شود، این طراحان قطع‌های کم عرض و کشیده را برای پوستر ترجیح می‌دادند.

۲۲ـ طرح جلد مجلهٔ *ور ساکروم* تأثیر پذیری عمیق از آرنوُو را نشان می‌دهد. این نشریه، محل نمایش آثار هنرمندان جدایی‌طلب وین و تجربیات نوید بخش بود.

**طراحی گرافیک در انگلستان**

چاپخانهٔ کلمسکات متعلق به ویلیام موریس علاقه به چاپ هنری را موجب شد و طراحان دیگر را برانگیخت تا چاپخانه‌هایی خصوصی برای خود دایر کنند. این چاپخانه‌ها گرچه کوچک و دارای تولید محدود بودند اما به دلیل تأکید داشتن بر حروف چاپی هنری، کاغذ مرغوب و کار چاپی عالی بر ناشران و چاپ‌گران تجاری تأثیرگذاردند. ازجمله‌معروف‌ترین چاپخانه‌های خصوصی، داوْز، آشندان، واله (تصویر ۲۳) و اراگنی بودند.

یکی از طراحان مهم حروف چاپی انگلستان ادوارد جانستون استاد خوش نویس و حروف ساز بود. جانستون به نظر می‌آید به خاطر نخستین حروف چاپی بدون سریف مدرنی مشهور است که در سال ۱۹۱٦ م برای راه‌آهن زیرزمینی لندن طراحی کرد. (تصویر۲٤) این حروف موسوم به *حروف راه‌آهن جانستون* تا امروز کاربرد دارند.

جانستون افزون بر این معلمی تأثیرگذار بود که دو طراح حروف چاپی و خوش‌نویس معروف انگلیسی اریک گیل و آلفرد فایربنک از شاگردان اویند. جانستون همچنین مؤلف کتاب پرفروش *نگارش، تذهیب و حروف‌سازی* بود که در سال ۱۹۰٦ م نگاشته شد و هنوز هم تجدید چاپ می‌شود.




۲۳

ABCDEFGHIJKLMNOP
QRSTUVWXYZ
abcdefghijklmnopq
rstuvwxyz
1234567890&£

۲۴

۲۳ـ چاپخانه‌های خصوصی انگلیس برخی از هنری‌ترین طرح‌ها و طراحی حروف را پدید آوردند. این چاپخانه‌ها الگویی عالی برای طراحان و چاپ‌گران بودند. در این‌جا نسخهٔ سال ۱۸۹۷ م اشعار مقدس اثر ووگان که در چاپخانهٔ ویل به طبع رسیده دیده می‌شود.

۲٤ـ حروف راه‌آهن جانستون که ادوارد جانستون در سال ۱۹۱٦م برای متروی لندن طراحی کرد، حروف چاپ «واقعی زمان ما» نامیده شد.

## طراحی گرافیک در امریکا

سه طراح برجستهٔ امریکایی دانیل برکلی آپدایک، فردریک دابلیو. گودی و بروس راجرز با آرمان‌های ویلیام موریس هم‌سو بودند.

شهرت آپدایک یکی به خاطر طرح چاپ کتاب‌هایی با کیفیت هنری بود که آن‌ها را در چاپخانهٔ خود، مری مونت واقع در خارج شهر بوستون تهیه می‌کرد و دیگر به خاطر پژوهش دو جلدی او با نام *حروف چاپی: تاریخ، شکل و کاربرد آن‌ها* بود.

گودی طراح حروف چاپی پرکاری شناخته می‌شود که حروف چاپی بسیار او از جمله حروف سبک *قدیم گودی* (تصویر۲۷)، *کنرلی*، *دیپ دنه* و *کوپرپلیت گوتیک* تا امروز کاربرد دارند. راجرز طراح حروف چاپی و طراح بین‌المللی موفق و مستقلِ کتاب شناخته می‌شود (تصویر ۲۵). حروفِ چاپی معروف او با نام *سنتائور* در سال ۱۹۱۴ م طراحی شد. (تصویر ۲۶).

در آغاز سدهٔ بیستم شرکت حروف‌ریزان امریکا تولید و توزیع حروف فلزی ریخته شده یا دستی را تا حد زیادی در دست داشت موریس فولر بنتون طراح اصلی این شرکت مسئول تهیهٔ فهرست بلند بالایی از کتاب‌های عامه‌پسند و حروف‌چاپی نمایشی‌بود. ازجمله معروف‌ترین این حروف می‌توان به *آلترنیت گوتیک*، *برادوی*، ای تی اف بلمر، *کلیرفیس*، *کلویستر سبک قدیم*، *فرانکلین گوتیک ای تی اف گارامون*، *هوبو*، *نیوزگوتیک* (تصویر۲۸)و اسیتمای اشاره کرد.

تقریباً در همین زمان، تحولی در لیتوگرافی (چاپ سنگی) صورت گرفت که تأثیری عمیق و دامنه‌دار بر کل صنعت چاپ گذارد. در سال ۱۹۰۵ م، ایرا رابل امریکایی چاپ لیتوگرافی جدیدی را آزمایش کرد که در آن به جای سنگ مسطح، لایهٔ نازکی از روی را جایگزین کرده بود که به دور استوانه‌ای پیچیده می‌شد. به جای آن‌که تصویر مستقیم بر کاغذ چاپ شود، ابتدا بر استوانه‌ای با پوشش لاستیکی انتقال می‌یافت و سپس تصویر بر استوانهٔ سومی که کاغذ را نگه می‌داشت چاپ یا *افست* می‌شد.

از جملهٔ مزایای عمدهٔ لیتوگرافی افست، تهیهٔ آسان‌تر و سرعت افزون‌تر بود. با این حال نیم سدهٔ دیگر لازم بود تا چاپ لیتوگرافی جایگزین چاپ حروفی در فرایند عمدهٔ چاپ شود.


FRA·LUCA DE·PACIOLI OF BORGO·S SEPOLCRO BY STANLEY MORISON THE·GROLIER·CLUB NEW·YORK MCMXXXIII

۲۵

Centaur

۲۶

Goudy Old Style

۲۷

**Franklin Gotihic**

News Gothic

۲۸

۲۵ـ صفحه‌عنوان کتاب *فرا لوکا د پاچیولی* اثر استنلی موریسون که بروس راجرز آن را با حروف‌سازی دستی درست کرده. پاچیولی ریاضی‌دان و اومانیست دوره رنسانس بود که الفبایی بر اساس تناسبات هندسی خلق کرد.

۲۶ـ بروس راجرز حروف سنتائور را در اصل به صورت قلم تیتر برای موزهٔ هنر متروپولیتن در سال۱۹۱۴م طراحی کرد. این طرح مبتنی بر حروف رومن اثر جنسن بود. (بنگرید به صفحه ۷۰)

۲۷ـ حروف چاپی متداول فردریک و. گودی با نام سبک قدیم گودی که در سال۱۹۱۱م ساخته شد و تا امروز نیز کاربردگسترده‌دارد. همان‌گونه که از واژه‌های «سبک قدیم» برمی‌آید، این طرح الهام گرفته از حروف چاپ دورهٔ رنسانس بود.

۲۸ـ دوقلم چاپ معروف اثر موریس فولر بنتون؛ نیوز گوتیک، طراحی شده در سال ۱۹۰۸ م، و فرانکلین گوتیک، طراحی شده در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۲م. هر دوی این حروف از طریق روزنامه‌ها وطراحان حروف تبلیغاتی رواج یافتند.

## وقایع و اشخاص

### وقایع تاریخی

**۱۹۰۰ـ** نگارش *خواهر کری* اثر تئودور درایزر. نگارش *تعبیر رویا* اثر زیگموند فروید. ماکس پلانک نظریهٔ کوانتوم را فرمول‌بندی کرد. کاوش‌های آرتور ایونز درکنوسوس در شهر باستانی تب. پرواز کنت زپلین با هواپیما.

**۱۹۰۱ـ** مرگ ملکه ویکتوریا.ترور رییس جمهور مک کینلی. گولیلمو مارکونی نخستین پیام رادیویی بین امریکا و اروپا را ارسال کرد.

**۱۹۰۲ـ** نگارش قصهٔ *پتر رابیت* اثر بئاتریکس پاتر.

**۱۹۰۳ـ** نگارش *آوای وحش* اثر جک لندن. تهیه *سرقت بزرگ قطار*،نخستین فیلم وسترن. نخستین پرواز موفق هواپیمای موتوردار برادران رایت.

**۱۹۰۴ـ** نگارش *پیتر پان* اثر جی.ام.بری.

**۱۹۰۵ـ** نقاشی *آبتنی‌کنندگان* اثر سزان. تصنیف *دریا* اثر دبوسی. فرمول‌بندی نظریه نسبیت اینشتین. آغاز فعالیت بیس بال تی‌کوب.

**۱۹۰۶ـ** رقص مدرن را روت سن دنیس معرفی کرد. زلزله سان فرانسیسکو.

**۱۹۰۷ـ** نقاشی *دوشیزگان آوینیون* اثر پیکاسو. جلو کشیدن فصلی ساعت پیشنهاد شد.

**۱۹۰۸ـ** رابرت بادن پاول جنبش پیشاهنگی پسران را ایجاد کرد. تولید نخستین اتومبیل فورد مدل تی.

**۱۹۰۹ـ** نقاشی تابلوی *رقص* اثر ماتیس. فرانک لوید رایت خانهٔ رابی را طراحی کرد. اجرای «باله روس» دیاگلیف در پاریس. رسیدن رابرت پیری به قطب شمال.

**۱۹۱۱ـ** اعطای جایزهٔ نوبل به ماری کوری. کمپانی نستور فیلم نخستین استودیوی هولیوود را مستقر کرد. رسیدن رولد آموندسن به قطب جنوب.

**۱۹۱۲ـ** غرق شدن تایتانیک ومرگ ۱۵۱۳تن از سرنشینان آن. پروست نگارش رمان درجست‌وجوی *زمان ازدست رفته* را آغاز کرد. ایجاد جنبش پیشاهنگی دختران.

**۱۹۱۳ـ** معرفی هنر مدرن به امریکا با برگزاری نمایشگاه زرادخانه. نخستین مالیات بر درآمد فدرال. تولید نخستین فیلم چارلی چاپلین. پیشگامی هنری فورد در شیوه «خط تولید».

**۱۹۱۴ـ** آغاز جنگ جهانی اول. آزمایش‌های موشکی روبر گودار. مرگ آخرین کبوتر نامه‌رسان. نگارش *تارزان سلطان میمون‌ها* اثر ادگار رایس بوروگز.

**۱۹۱۵ـ** فیلم *تولد یک ملت* را د. و. گریفیث کارگردانی کرد.

**۱۹۱۷ـ** اعدام ماتا هاری به اتهام جاسوسی. انقلاب روسیه. مرگ بوفالو بیل.

**۱۹۱۸ـ** پایان جنگ جهانی اول. پذیرش قاعدهٔ جلو کشیدن ساعت در امریکا. شیوع جهانی آنفولانزا. جمعیت تقریبی ۱۰۰ میلیونی امریکا.

**۱۹۱۹ـ** مقام قهرمانی سنگین‌وزن برای جک دمپسی. والتر گروپیوس باهاوس را تأسیس کرد. اجلاس صلح ورسای. انحلال امپراتوری اتریش مجارستان.

### ادبیات

جورج برنارد شا (۱۸۵۶ـ ۱۹۵۰)
هانری برگسون (۱۸۵۹ـ ۱۹۴۱)
مارسل پروست (۱۸۷۱ـ ۱۹۲۲)
تئودور درایزر (۱۸۷۱ـ ۱۹۴۵)
کوله (۱۸۷۳ـ ۱۹۵۴)
گرترود استاین (۱۸۷۴ـ ۱۹۴۶)
فیلیپو تومازو مارینتی (۱۸۷۶ـ ۱۹۴۴)
آپتون سینکلر (۱۸۷۸ـ ۱۹۶۸)
گیوم آپولینر (۱۸۸۰ـ ۱۹۱۸)
جیمز جویس (۱۸۸۲ـ ۱۹۴۱)
دی. اچ. لارنس (۱۸۸۵ـ ۱۹۳۰)
هوگو بال (۱۸۸۶ـ ۱۹۲۷)
آندره برتون (۱۸۹۶ـ ۱۹۶۶)
تریستان تزارا (ساموئل روزنستاک) (۱۸۹۶ـ ۱۹۴۵)

### موسیقی

لئوش یاناچک (۱۸۵۴ـ ۱۹۲۸)
ادوارد الگار (۱۸۵۷ـ ۱۹۳۴)
جاکومو پوچینی (۱۸۵۸ـ ۱۹۲۴)
کلود دوبوسی (۱۸۶۲ـ ۱۹۱۸)
ژان سیبلیوس (۱۸۶۵ـ ۱۹۵۷)
کارل نیلسن (۱۸۶۵ـ ۱۹۳۱)
اریک ساتی (۱۸۶۶ـ ۱۹۲۵)
رالف ون ویلیامز (۱۸۷۲ـ ۱۹۵۶)
سرگی راخمانینف (۱۸۷۳ـ ۱۹۴۳)
چارلز ایوز (۱۸۷۴ـ ۱۹۵۴)
آرنولد شونبرگ (۱۸۷۴ـ ۱۹۵۱)
گوستاو هولست (۱۸۷۴ـ ۱۹۳۴)
موریس راول (۱۸۷۵ـ ۱۹۳۷)
مانوئل دوفایا (۱۸۷۶ـ ۱۹۴۶)
اوتورینو رسپیگی (۱۸۷۹ـ ۱۹۳۶)
ایگور استراوینسکی (۱۸۸۲ـ ۱۹۷۱)

### هنرهای زیبا

آنتونیو گائودی (۱۸۵۲ـ ۱۹۲۶)
هانری وان دو ولد (۱۸۶۳ـ ۱۹۵۷)
هانری دو تولوز لوترک (۱۸۶۴ـ ۱۹۰۱)
الکسی فن یالنسکی (۱۸۶۴ـ ۱۹۴۱)
واسیلی کاندینسکی (۱۸۶۶ـ ۱۹۴۴)
هکتور گیمار (۱۸۶۷ـ ۱۹۴۲)
امیل نولده (۱۸۶۷ـ ۱۹۵۶)
هانری ماتیس ۱۸۶۹ـ ۱۹۵۴
پل کله (۱۸۷۰ـ ۱۹۴۰)
ژان مارین (۱۸۷۰ـ ۱۹۵۳)
جاکومو بالا (۱۸۷۱ـ ۱۹۵۸)
ژرژ روئه (۱۸۷۱ـ ۱۹۵۸)
لیونل فاینینگر (۱۸۷۱ـ ۱۹۵۶)
فرانتیسک کوپتا (۱۸۷۱ـ ۱۹۵۷)
پیت موندریان (۱۸۷۲ـ ۱۹۴۴)
کنستانتین برانکوزی (۱۸۷۶ـ ۱۹۵۷)
بارت وان در لک (۱۸۷۶ـ ۱۹۵۸)
موریس دو ولامینک (۱۸۷۶ـ ۱۹۵۸)
کیس وان دانگن (۱۸۷۷ـ ۱۹۶۸)
رائول دوفی (۱۸۷۷ـ ۱۹۵۳)
گابریله مونتر (۱۸۷۷ـ ۱۹۶۲)
فرانسیس پیکابیا (۱۸۷۸ـ ۱۹۵۳)
کازیمیر مالهویچ (۱۸۷۸ـ ۱۹۳۵)
آندره درن (۱۸۸۰ـ ۱۹۴۵)
ارنست کیرشنر (۱۸۸۰ـ ۱۹۳۸)
فرانتس مارک (۱۸۸۰ـ ۱۹۱۶)
پابلو پیکاسو (۱۸۸۱ـ ۱۹۷۳)
کارلو کارا (۱۸۸۱ـ ۱۹۶۶)
آلبرت گلایزس (۱۸۸۱ـ ۱۹۵۳)
ناتالیا گنچارووا (۱۸۸۱ـ ۱۹۶۲)
میشل لارینوف (۱۸۸۱ـ ۱۹۶۴)
فرنان لژه (۱۸۸۱ـ ۱۹۵۵)
ژرژ براک (۱۸۸۲ـ ۱۹۶۳)
اومبرتو بوچونی (۱۸۸۲ـ ۱۹۱۶)
تئو وان دوزبرگ (۱۸۸۳ـ ۱۹۳۱)
جینو سه وه رینی (۱۸۸۳ـ ۱۹۶۶)
ژان متزینگر (۱۸۸۳ـ ۱۹۵۶)
اریک هکل (۱۸۸۳ـ ۱۹۷۰)
کارل شمیدـ روتلوف(۱۸۸۴ـ ۱۹۷۶)
ولادیمیر تاتلین (۱۸۸۵ـ ۱۹۵۳)
روبر دلانه (۱۸۸۵ـ ۱۹۴۱)
روژه دولا فرسنای (۱۸۸۵ـ ۱۹۲۵)
اسکار کوکوشکا (۱۸۸۶ـ ۱۹۸۰)
جورج وانتونگرلو (۱۸۸۶ـ ۱۹۶۵)
یان (هانس) آرپ (۱۸۸۷ـ ۱۹۶۶)
مارسل دوشان (۱۸۸۷ـ ۱۹۶۸)
خوان گریس (۱۸۸۷ـ ۱۹۲۷)
آگوست ماکه (۱۸۸۷ـ ۱۹۱۴)
گریت ریتولد (۱۸۸۸ـ ۱۹۶۵)
جورجو دکیریکو (۱۸۸۸ـ ۱۹۷۸)
هانا هوخ (۱۸۸۹ـ ۱۹۷۸)
ج. ج. پ. اود (۱۸۹۰ـ ۱۹۶۳)
من ری (۱۸۹۰ـ ۱۹۷۶)
اگون شیله (۱۸۹۰ـ ۱۹۱۸)
ال لیسیتزکی (۱۸۹۰ـ ۱۹۴۱)
جورجو موراندی (۱۸۹۰ـ ۱۹۶۴)
ماکس ارنست (۱۸۹۱ـ ۱۹۷۶)
ژاک لیپشیت (۱۸۹۱ـ ۱۹۷۳)
گئورگ گروتس (۱۸۹۳ـ ۱۹۵۹)

### هنرهای گرافیک

دانیل برکلی آپدایک (۱۸۶۰ـ ۱۹۴۱)
هرمان موتسیوس (۱۸۶۱ـ ۱۹۲۸)
فردریک و. گودی (۱۸۶۵ـ ۱۹۴۷)
پتر بهرنز (۱۸۶۸ـ ۱۹۴۰)
ادوارد جانستون (۱۸۷۰ـ ۱۹۶۶)
بروس روجر (۱۸۷۰ـ ۱۹۵۷)
موریس فولر بنتون (۱۸۷۲ـ ۱۹۴۸)
ان. سی. وایت (۱۸۸۲ـ ۱۹۴۵)

## ۱۹۲۰ ـ ۱۹۴۰
## میانهٔ دو جنگ

صلح در سال ۱۹۲۰ م به اروپا آمد و با خود رکود اقتصادی را نیز به همراه آورد. آلمان در میان کشورهای اروپایی با سخت‌ترین شرایط مواجه بود. تورم فزاینده بیش‌تر شهروندان آلمانی را تهی کیسه کرد. وضع اقتصادی به آرامی رو به بهبود گذاشت و از سال ۱۹۲۴م روند عادی خود را دنبال کرد. اما سقوط وال‌استریت در سال ۱۹۲۹ م ناگاه به این روند پایان داد و بحران بزرگ اقتصادی جهان آغاز شد.

درعالم‌سیاست، ایتالیا و آلمان تحت سیطرهٔ دیکتاتوری‌های فاشیست بنیتو موسولینی و آدلف هیتلر درآمدند. اسپانیا نیز در سال ۱۹۳۶ م با ظهور *فرانسیسکو* فرانکو با همین وضع مواجه شد.

در اتحاد جماهیر شوروی، یوسیف استالین با حذف رقبای سیاسی خود قدرت خویش را تحکیم بخشید. در این دوره، فاشیست‌ها در جبههٔ راست و کمونیست‌ها در جبههٔ چپ کاپیتالیسم و دموکراسی لیبرال را محکوم کردند.

در دورهٔ دیکتاتوری هیتلر میانگین جمعیت آلمان رفاه مادی، غرور و مفهوم سرنوشت ملی را تجربه کرد زیرا هیتلر درصدد برآمد مناطقی را بازپس گیرد که آلمان طبق معاهدهٔ ورسای از دست داده بود. برخورد بی‌اعتنا و تسلیم‌گونهٔ بریتانیا و فرانسه سبب شد آلمان افزون بر بازپس‌گیری مناطق از دست رفتهٔ خود، کشورهای مستقل اتریش و چکسلواکی را نیز اشغال کند. تنها پس از تجاوز آلمان به خاک لهستان، بریتانیا و فرانسه در سوم سپتامبر ۱۹۳۹ م به این کشور اعلان جنگ دادند و بدین‌سان جنگ جهانی دوم آغاز شد.

در دهه‌های میانی جنگ جهانی، ایالات متحده سیاست خارجی کناره‌گیری و عدم تعهد را دنبال کرد. دههٔ بیست که با شکوفایی اقتصادی، رفاه مادی، حق رأی زنان و خوش‌بینی فزاینده آغاز شده بود، با بحران‌بزرگ اقتصادی، بیکاری انبوه و رکود شدید اقتصادی پایان یافت.

در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۹۳۲م امریکا، دموکرات‌ها به رهبری فرانکلین دلانو روزولت به قدرت رسیدند. روزولت «معاملهٔ‌جدید» را که یک‌سلسله برنامه‌های اجتماعی بی‌سابقه برای بهبود بخشیدن به اقتصاد بود به اجرا درآورد. جالب این‌جاست که بهبود کامل اقتصادی تنها با وقوع جنگ جهانی دوم و تقاضا برای تسلیحات جنگی حاصل شد.

علی‌رغم چنین اقتصاد پر افت و خیزی، در این دوره سطح زندگی خانوادهٔ امریکایی ارتقای کلی پیدا کرد. برق که اکنون در اغلب منازل موجود بود، با خود استفادهٔ عمومی از لوازم برقی نظیر یخچال، ماشین لباس‌شویی، جاروبرقی، تُستر، رادیو و ضبط صوت را به همراه آورد. با تبلیغات هوشمندانه در روزنامه‌ها و مجلات و وسیلهٔ ارتباط جمعی جدید، رادیو، تقاضا برای خرید این محصولات افزایش یافت. شاید برنامهٔ فروش «امروز بخر، فردا بپرداز» خرید را آسان کرده بود.

بسته‌بندی‌مدرن‌پیدایش سوپرمارکت‌های سلف‌سرویس را ممکن ساخت و به تدریج این فروشگاه‌ها جای بقالی‌های کوچک را گرفتند. سوپرمارکت‌ها نیز به نوبهٔ خود سطح خرید را که تازه تکان خورده بود افزایش دادند و بازار اجناس ملی را رونق بخشیدند.

سینما که تا این زمان صامت بود در سال ۱۹۲۷ م با صدای آل جولسون در فیلم *خوانندهٔ جاز* ناطق شد و یک سال بعد والت‌دیسنی میکی‌ماوس را معرفی کرد. این مقطع دورهٔ قطارهای سراسری، کشتی‌های اقیانوس پیما، نخستین هواپیماهای تجاری، و اتومبیل بود که اکنون هر خانوادهٔ متوسطی قدرت خرید آن را داشت.

ابداعات و نوآوری‌های دیگری که موجب افزایش کیفیت زندگی شد، قرص‌های ویتامین، خمیردندان، ابریشم مصنوعی، نایلون، سلفون، و دیگر محصولات ترکیبی بودند.

در عالم ادبیات، ارنست همینگوی و اف. اسکات فیتزجرالد با اقامت در پاریس، تجلی نسل سرگشته شدند. در ایالات متحده، نمایشنامه‌های یوجین اونیل و رمان‌های ویلیام فاکنر جان تازه‌ای به ادبیات امریکا بخشیدند. جان اشتاین بک تراژدی رکود اقتصادی را در رمان‌های خود ثبت کرد و توماس وولف سعی در به تصویر کشیدن کودکی خود کرد.



باستر کیتون

## هنرهای زیبا

دهـهٔنخست پس از جنگ جهانی اول، دورهٔ کناره‌گیری از تجربیات افراطی در هنرها بود. در این زمان هنرمندانی چون پیکاسو به پیکر انسانی از نـوع نئوکلاسـیک آن رو آوردنـد و ماتیس و براک بر عناصر تزیینی نقاشی تأکید کردند.

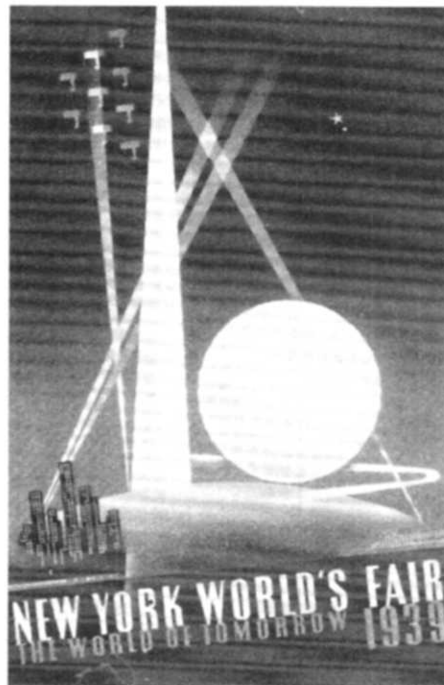
*آردکو.* سبکی که اکنون اغلب با این نام شناخته می‌شود، دورهٔ بین دو جنگ جهانی را زیر نفوذ خود گرفته بود. نام این سبک از نمایشـگاه بـزرگ سـال ۱۹۲۵ م پـاریس موسوم بـه *نمایشگاه بین‌المللی هنرهای تزیینـی و صـنعتی مـدرن* برگرفـته شـد. (تصـویر ۱) هـدف این نمایشگاه آن بود که بـه فرانسـه فرصـت دهـد تـا اثبـات کـند علی‌رغم جـنگ همچـنان رهبری هنرهای تزیینـی و تجملی نظیر مُد، نساجی، مبلمان، سـرامیک و هـنرهای گرافیک را حفظ کرده است.

آردکو تأثیری آنی بر معماران و طراحان دو سوی اقیانوس اطلس گذارد. این تأثیر را می‌توان در پوسترهای ای .ام کاساندر و ای. مک نایت_ کوفر، جلدهای مجلهٔ وگ (مُد)، ساختمان‌های چانن و کرایسلر در نیویورک، تـالار موسـیقی رادیوسیتی، کشتی اقیانوس‌ـ پـیمای «نورمـاندی» و در سـال ۱۹۳٦ م اتومبیل آیرو دینامیک کرایسلر مشاهده کرد.

سبک آردکو بر هنرهای مردمی نیز تأثیر گـذارد. ایـن تأثـیرات را مـی‌تـوان در صـحنه‌پـردازی‌هـای بازبـی برکلـی بـرای تعـدادی از اجـراهای رقـص فـرد آسـتر ـ جیـنجر راجـرز، در فـیلم‌هـای موزیکـال هولـیود مشـاهده کـرد. آردکـو با نمایشگاه جهانـی سال ۱۹۳۹ م نیویورک به اوج خود رسـید و از آن پـس تأثیر و نفوذ خود را از دست داد (تصویر ۲).




۱




۲

۱ـ پوسـتر روبـر بونفیلـیس بـرای نمایشگاه ۱۹۲۵ هنرهای تزیینی و صنعتی مدرن پاریس. شیوهٔ آردکو نـام خـود را از نـام این نمایشگاه برگرفت.

۲ـ پوسـتر نمایشگاه جهانی ۱۹۳۹ نـیویورک اثر جوزف بایندر، نشان از پایان دوره آردکو داشت.

*سورئالیسم (فرا واقعگرایی).* در سال ۱۹۲۳ م، گروه دادائیست‌های پاریس به رهبری آندره برتون شاعر بار دیگر به هم پیوستند و سورئالیست‌ها را شکل دادند. سورئالیست‌ها متأثر از نوشته‌های زیگموند فروید توجه خود را به دنیای رویاگونهٔ ناخودآگاه و تصویرپردازی غیرعقلایی معطوف کردند.

سورئالیست‌ها تأثیری رهایی‌بخش بر طراحان گرافیک دههٔ سی و چهل گذاردند و به آنان امکان دادند تا از طریق نمادها و تصویرپردازی رویاگونه به تمایلات جنسی و دیگر موضوعات ممنوعه بپردازند.

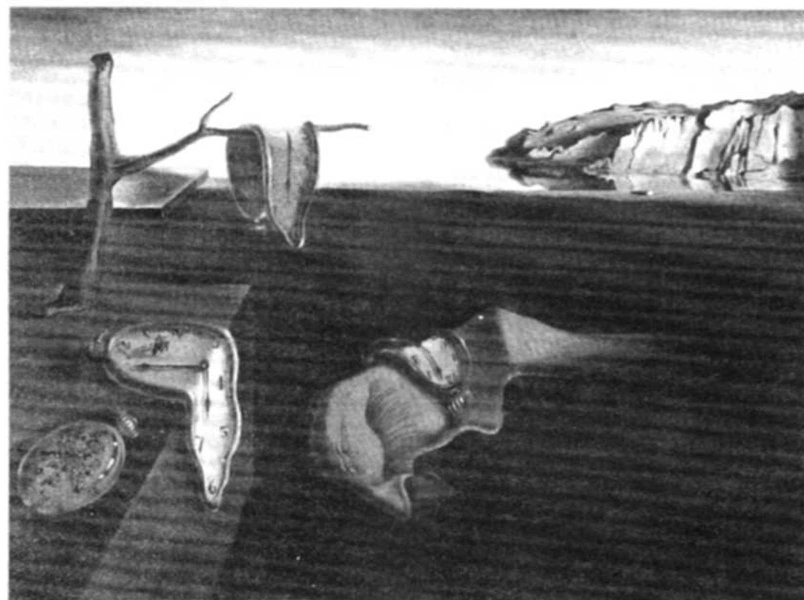
ایده‌های سورئالیستی هنوز هم کاربرد وسیعی در تبلیغات تجاری به ویژه برای مدهای زنانه، عطرها و لوازم آرایشی دارند.

در نقاشی‌های سورئالیستی دو گرایش متفاوت وجود داشت؛ گرایشی به رئالیسم «جادویی» که نمایندگان آن سالوادور دالی (تصویر ۳) رنه مگریت و ایو تانگی بودند و گرایش دیگر که از فرم‌های ارگانیک یا اندام‌وار سود جست و نمایندگان آن خوان میرو، ژان آرپ، آندره ماسون و روبرتو ماتا اکائورن بودند.

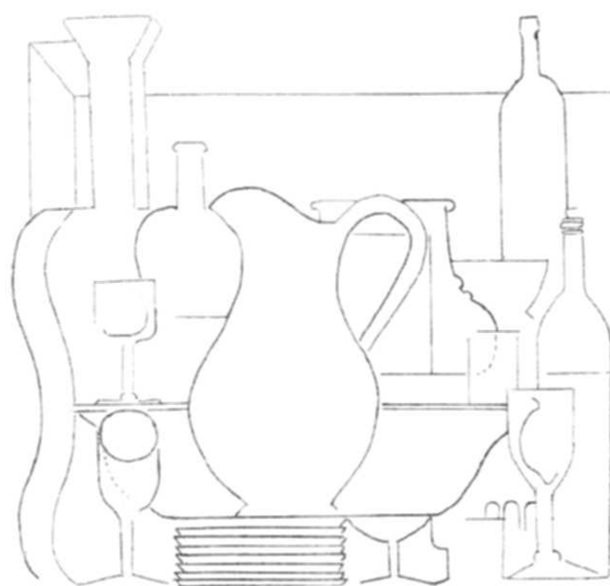
مَن ری در عکاسی بدون استفاده از دوربین تصاویری سورئالیستی بر کاغذ عکاسی آفرید، این تصاویر «ریوگراف» خوانده می‌شد اما امروزه به «فوتوگرام» موسومند.

*پوریسم (ناب گرایی).* پوریسم جنبش فرانسوی اوایل دههٔ بیست بود که آغازگران آن لوکُربوزیه (شارل ادوار ژانره) آمده اوزنفان و بعدها فرنان لژه بودند. اهداف پوریسم از بسیاری جهات همانند اهداف داستیل و کانستراکتیویسم بود؛ یعنی خلق هنری برخوردار از نظم، وضوح و عینیت که با عصر ماشین هماهنگ باشد (تصویر ٤).

ایدئولوژی پوریسم را لوکربوزیه و اوزنفان در کتاب خود *پس از کوبیسم* و در مجلهٔ خود *لسپریت نوو* (روح جدید) مطرح کردند. این مجله که بین سال‌های ۱۹۲۱ م و ۱۹۲۵ م منتشر می‌شد، خوانندگان بسیاری داشت و بر نسلی از طراحان گرافیک تأثیر گذارد. اوزنفان در سال ۱۹۲۸ م کتاب



۳




۴

۳ـ *دوام خاطره*، نقاشی از سالوادور دالی متعلق به سال ۱۹۳۱م. سورئالیسم دنیای ناخودآگاه را به نقاشی وارد ساخت و فرهنگ تصویر پردازی جدیدی را پدید آورد که طراحان گرافیک آن را به سرعت پذیرا شدند.

٤ـ هدف ناب گرایان (پوریست‌ها) همان‌گونه که در حکاکی سال ۱۹۲٤ م آمده اوزنفان با نام *چیدمان* (Arrangement) دیده می‌شود، نظم بخشیدن به کوبیسم بود.

*بنیادهای هنر مدرن* را نگاشت و توانست هنر معاصر را به مخاطبان وسیعی معرفی کند.

*دی نئو شاشلیچکیت* یا عینیت جدید نام خود را از نمایشگاه نقاشی برگزار شده در مانهایم آلمان به سال ۱۹۲۵ م برگرفت. هنرمندان این جنبش به مضمون اصلی خود رویکردی به شدت عینی داشتند که حاصل آن پرتره‌های واقع نمایانه و منطقی و دیدی مغرضانه به زندگی بود. بسیاری از این نقاشی‌ها به نظر خصوصیتی مسحورکننده دارند که بازتاب ازخودبیگانگی و ناشناختگی انسان در زندگی شهرنشینی مدرن است. برخی از آن‌ها نظیر آثارماکس‌بکمن، نشان‌از نهان‌مایه‌های اکسپرسیونیستی دارند و برخی نظیر آثار جورج گروس و اوتو دیکس بازتاب انتقاد اجتماعی‌اند. (تصویر ۵)

*جنبش‌های امریکایی*. هنردر ایالات متحده در دهۀ بیست بنیادی محافظه‌کارانه داشت. مهم‌ترین جنبش این دوره *دقت‌گرایی* بود که نقاشان آن صحنه‌های زندگی شهرنشینی و صنعتی را به شیوه‌ای واضح و دقیق ارائه می‌دادند. از جمله هنرمندان سهیم در این رویکرد چارلز دموت، چارلز شیلر و جورجیا اوکیف بودند. در دهۀ سی، گروهی موسوم به *بوم‌گرایان* سرزمین امریکا را دستمایه کار خود قرار دادند. توماس هارت بنتون، گرانت وود و جان استوارت کری مشهورترین هنرمندان بوم‌گرا خوانده می‌شدند.

از هنرمندان مستقل این دوره می‌توان ادوارد هوپر و استوارت دیویس را نام برد (تصویر۶) نقاشی‌های‌هوپر از زندگی‌امریکایی برانگیزندۀ حس نوستالژی و تنهایی و نقاشی‌های ملهم از کوبیسم دیویس تجلیل‌گر شور و سرزندگی جامعۀ امریکایی‌اند.

سه هنرمند مکزیکی دخیل در انقلاب مکزیک خوزه اروزکو، دیه‌گو ریورا و دیوید سیکه‌ایروس بودند. این سه با دیوارنگاره‌های بزرگ خود بر اماکن عمومی به تجلیل از تاریخ و زندگی مکزیک پرداختند. در دهۀ سی این نقاشان مکزیکی بر هنرمندان مشغول به کار در طرح‌های ادارۀ پیشبرد امور مدارس، طرح‌های مسکن و اماکن دولتی امریکا تأثیر گذاشتند.

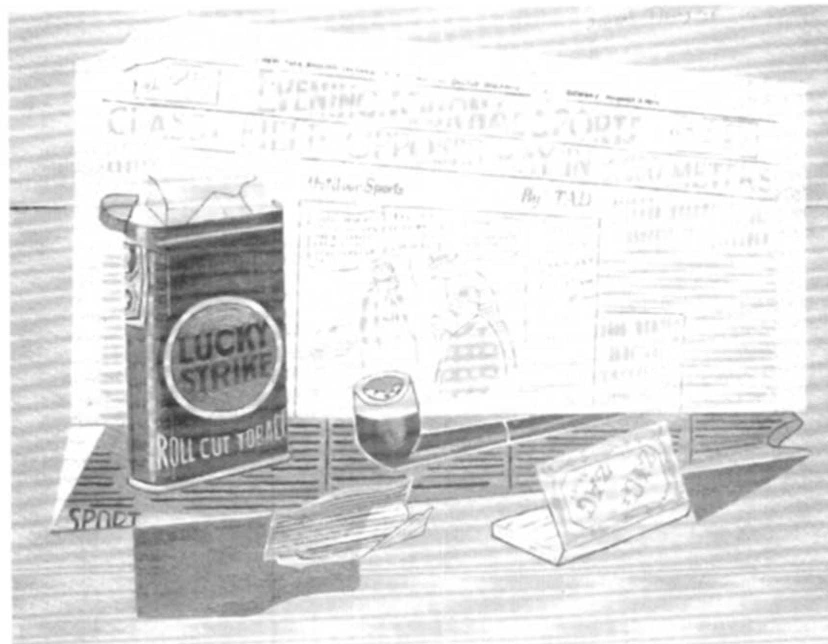


۵

عکس از مجموعۀ موزۀ هنرمدرن، نیویورک.

۵ـ تک‌چهرۀ غیر احساساتی دکتر مه یر- هرمان ، نقاشی از اوتو دیکس متعلق به سال ۱۹۲۶م، با نگاهی دقیق، نمونه‌ای از سبک عینیت جدید است.

۶ـ استوارت دیویس برخلاف بیش‌تر هنرمندان امریکایی این دوره، تصویر پردازی مردم پسند و فرم کوبیسم خاص خود را تجربه کرد. این موضوع در تابلوی او با نام *لاکی استرایک* متعلق به سال ۱۹۲۴م مشهوداست.




۶

## هنرهای گرافیک

برای برخی از طراحان دورهٔ میان دو جنگ معرف هیجان و چالش و برای برخی دیگر معرف از خود بیگانگی و برآشفتگی به دلیل فقدان ارزش‌های طراحی سنتی بود. در این دوره جنبش‌های هنری سرعت سرسام‌آوری گرفتند و طراحان بی‌پرواتر با جذب ایده‌های جدید به اجرای آن در محل‌های ممکن پرداختند.

### طراحی گرافیک در آلمان

آلمان دههٔ بیست نقش عمده‌ای در تحول و دگرگونی طراحی گرافیک سدهٔ بیستم داشت. در این میان والتر گروپیوس معمار نقش بسیار ارزنده‌ای ایفا کرد. در سال ۱۹۱۹ م گراند دوک وایمار از وی خواست آکادمی هنر محلی را با مدرسهٔ هنرها و صنایع تلفیق کند. مؤسسهٔ جدید «دَس استاتلیچه باهاوس وایمار» و به اختصار «باهاوس» خوانده شد. (تصاویر ۷ و ۸).

در سال ۱۹۲۵ م به دلیل تغییر اوضاع سیاسی وایمار، باهاوس به شهر صنعتی دسائو (در آلمان شرقی سابق) انتقال یافت. ساختمانی که گروپیوس برای این مدرسه طراحی کرد، از آثار کلاسیک سدهٔ بیستم شد.

والترگروپیوس برخی از بهترین و خلاق‌ترین مغزهای متفکر آن روزگار را در این مدرسه به خدمت گرفت؛ از جمله پل کله، واسیلی کاندینسکی، لیونل فاینینگر، یوهانس ایتن، اسکار شلمر، لازلیو موهولی‌ناگی،یوزف آلبرز، مارسل بروئر و هربرت بایر. گروپیوس همچنین اساتیدی را از بین جنبش‌های برجستهٔ آوانگارد و برای تدریس پاره‌وقت به این مدرسه دعوت کرد.

استادان باهاوس برای عملی کردن نظریه‌های خود کتب، پوسترها، کاتالوگ‌ها، نمایشگاه‌ها و حروف چاپی نوآورانه‌ای را پدید آوردند. افزون بر آن مجموعه آثاری را با نام باهاوس بوشر پدید آوردند(تصویر۹).

گروپیوس در سال ۱۹۲۸ م از مدیریت این مدرسه کناره گرفت و هانس میر جانشین او شد. میر نیز دو سال بعد جای خود را به لودویگ میس فن در روهه داد. بار دیگر شرایط نابسامان سیاسی باعث تجدید مکان‌های باهاوس شد و مسئولین آن در سال ۱۹۳۲ م دفاتر موقتی در برلین دایر کردند. متأسفانه برنامه باهاوس تهدیدی برای حزب نازی تلقی شد و این مدرسه در سال ۱۹۳۳ م تعطیل شد.




۷




۸




۹

۷ ـ پوستر سال ۱۹۲۳ م باهاوس اثر یوست شمید، عناصری از د استیل و ساختارگرایی را در خود نهفته دارد.

۸ ـ مهر باهاوس، طراحی اسکار شلمر در سال ۱۹۲۲م.

۹ـ طرح جلد لازلیو موهولی ناگی برای یکی از کتب باهاوس.

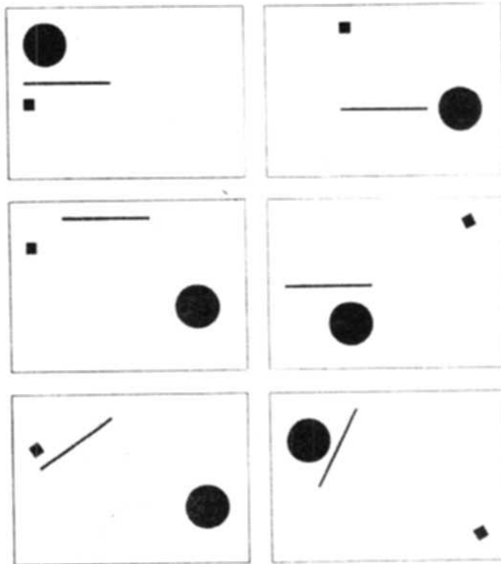
پـس از تعطیلـی باهـاوس اسـاتید و دانشجویان آن در سراسر اروپا و امریکا پراکنده شدند و فلسفه باهاوس را نیز با خود به همراه بردند. کاندینسکی به پاریس و کله به سوئیس رفت. فاینینگر به موطن خود امریکا بازگشت و آلبرز مدیر گروه هنر کالج «بلک مونتاین» در کارولینای شمالی شد.

والتر گروپیوس و مارسل بروئر در هاروارد به یکدیگر پیوستند و میس فن در روهه رئیس مدرسهٔ معماری در انستیتوی آرمور (انستیتوی تکنولوژی ایلینوی) شد. در سال ۱۹۳۷ م موهولی ناگی برای تأسیس مدرسه جدید باهاوس که اکنون به انستیتوی طراحی موسوم است به شیکاگو دعوت شد. اگرچه باهاوس تنها ۱۵ سال عمر کرد اما فلسفه و روش‌های آموزش آن تأثیر عمده‌ای بر طراحی سدهٔ بیستم گذارد.

یکی از اهداف عمدهٔ باهاوس پیوند میان هنر و صنعت بود. طراحان باهاوس بر این باور بودند که از نظر زیبایی‌شناسی تولیدات ماشینی با تولیدات دست‌ساز برابری می‌کنند. با این حال برای رسیدن به این هدف طراح باید توأمان از آموزش فنی و نظری برخوردار باشد.

دانشجویان باهاوس افزون بر فراگیری اصول سنتی طراحی گرافیک ـ حروف‌سازی و صفحه‌آرایی ـ ، چگونگی بهره‌گیری از آخرین نوآوری‌های عکاسی، حروف‌چینی و فنون چاپ را نیز فرا می‌گرفتند. گرچه این موارد در مدارس هنر امروز رایج است اما در دههٔ بیست رویکردی کاملاً نو محسوب می‌شد.

افزون بر باهاوس که نقش عمده‌ای در تحول و دگرگونی هنر گرافیک گذارد، افراد بسیار دیگری نیز نقش مهمی در این راه ایفا کردند. برجسته‌ترین این افراد شاید یان تشیچهلد پیام‌آور «طراحی حروف جدید» باشد. تشیچهلد گرچه به عضویت باهاوس در نیامد اما بیش از هر کس دیگری با آثار و نوشته‌های خود بر طراحی حروف مدرن تأثیر گذارد (بنگرید به مطلب سمت چپ).



**یان تشیچهلد و طراحی حروف جدید**

*یان تشیچهلد متولد سال ۱۹۰۳ م در لایپزیک، به مطالعه طراحی کتاب در آکادمی لایپزیک پرداخت. او کمی پس از فعالیت در طراحی گرافیک، ضرورت رویکرد جدید به طراحی حروف را احساس کرد.*

*طراحی‌حروف در رویکرد سنتی، بر اصل محوریت حروف چاپی با استفاده از تزیینات برای ایجاد حس فردیت در بخش‌های کار مبتنی بود. این رویکرد به چیزی منجر می‌شد که تشیچهلد آن را سبک طراحی حروف جعبه‌ای یا قالبی می‌خواند، سبکی که به لحاظ بصری فاقد جذابیت بود و پیشاپیش قابل تصور. هدف تشیچهلد آزاد ساختن طراحی از قواعد محدودکننده و در نتیجه آزادی و انعطاف بخشیدن بیش‌تر به طراحان بود.*

*تشیچهلد بر این باور بود که اطلاعات باید به شکل واضح آرایش یابند زیرا در غیر این صورت مورد توجه قرار نخواهند گرفت. او طراحی حروف «جدید» را پیشنهاد داد که تأثیرشدیدی بر باهاوس و ساختارگرایان باقی نهاد. از جمله اصول عمدهٔ طراحی حروف جدید، آرایش نامتقارن عناصر طراحی بر اساس اهمیت نسبی آن‌ها، رجحان حروف چاپی بدون سریف بر سریف‌دار و کاربرد خلاقه فضای سفید بود. یان تشیچهلد این فلسفه را در کتاب طراحی حروف جدید چاپ سال ۱۹۲۸ م و چاپ سال ۱۹۳۵ م جمع‌بندی کرد.*

*تشیچهلد در سال ۱۹۳۳ م تحت تعقیب نیروهای نازی قرار گرفت و ناچار به باسل در سوئیس گریخت و فعالیت خود را در آن‌جا ادامه داد. او از سال ۱۹۴۷ م به مدت دو سال در لندن به فعالیت پرداخت و بر طراحی مجدد کتب پنگوئن نظارت کرد. وی گرچه در جوانی عقایدی انقلابی را مطرح ساخت اما بعدها راه اعتدال در پیش گرفت و در زمان مرگ خود در سال ۱۹۷۲ م طراحی حروف متقارن و نامتقارن و نیز حروف چاپی سریف‌دار را پذیرا شد.*

aaaabbbbcddefgghijklm
nooopppqqrrſstuvwxxyz

طرح اولیه فوتورا

ABCDEFGHIJKLMNO
PQRSTUVWXYZ
abcdefghijklmnopqrſstuvwxyz

*طرح نهایی فوتورا*

**شکوفایی حروف چاپی بدون سریف**

*گرچه حروف چاپی بدون سریف در سدهٔ نوزدهم وجود داشتند، اما نقش آن‌ها بیش‌تر منحصر به تبلیغات نمایشی بود. در سدهٔ بیستم حروف چاپی بدون سریف به واسطه کوشش‌های هنرمندان و طراحان پیشروی آلمان، هلند و روسیه حروف چاپی متن شناخته شدند.*

*طراحان آلمان از حروف سیاه ـ قلم متن سنتی خود از زمان‌گوتنبرگ به بعد ـ خسته شده بودند. این حروف تداعی‌ارزش‌ها و سنت‌های‌منسوخ قیصر شکست‌خوردهٔ آلمان بود. آنان در پی شکل حروف جدیدی بودند که گذشته را به گونه‌ای نمادین مردود شمارد و حس مدرنیسم سدهٔ بیستم را بیان کند. به نظر می‌رسید از میان گزینه‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت، حروف بدون سریف به‌جای حروف سریف‌دار رومن به طور کامل پذیرفته شد و شکلی از حروف خوانا و کاربردی دانسته شد.*

*حروف بدون سریف در آلمان تازگی نداشتند. این حروف پیش از این کاربرد موفقی در سبکی از حروف متضاد با حروف سیاه یافته بودند. دو نوع حروف بدون سریف مرسوم آکزیدنتز گروتسک و ونوس بودند که اولی در سال ۱۸۹۸ م در حروف‌ریزی برتهلد و دومی در سال ۱۹۱۷ م در حروف‌ریزی استمپل ساخته شدند. پس از این‌ها، حروف اربار را یاکوب اربار و حروف کابل را رودلف کوش در سال‌های دههٔ بیست ارائه کردند.*

*در امریکا نیز جست‌وجو برای یافتن کاربردهای جدید برای حروف بدون سریف به ویژه در عناوین و نیازمندی‌های روزنامه دنباله شد. شرکت حروف‌ریزان امریکا در سال ۱۹۰۳ م موریس فولر بنتون را برای طراحی حروف فرانکلین گوتیک و آلترنیت گوتیک به خدمت گرفت که پنج سال بعد حروف نیوزگوتیک نیز به آن‌ها افزوده شد.*

*شاید تأثیرگذارترین طرح حروف بدون سریف منفرد سدهٔ بیستم، فوتورا باشد که پل رنر آن را در سال ۱۹۲۷ م برای حروف ریزی بوئر ساخت. فوتورا در اصل حروف چاپی کاملاً هندسی بود و بدین منظور طراحی شد که بتوان آن را با خط‌کش تی، گونیا و پرگار ترسیم کرد. هر چند طرح اولیه این حروف ناموفق از کار درآمد اما پس از جرح و تعدیل پذیرفته شد و قالب‌ریزی گردید. فوتورا عاقبت در انواع کاملی از اندازه‌ها، عرض‌ها و وزن‌ها به دو شیوهٔ رومن و ایتالیک ارائه شد.*

*فوتورا در دههٔ سی به حروف بدون سریف انتخابی طراحان تبدیل شد. این حروف با انواع حروف چاپی مورد تقلید قرار گرفت. فوتورا اولین حروف بدون سریف بود که کاربرد متنی و نمایشی موفقی در آگهی‌ها، کاتالوگ‌ها، پوسترها و حتی برخی از کتب یافت. پذیرش همگانی فوتورا زمینه را برای طراحی حروف چاپی بدون سریف دیگر، نظیر گیل سانس، هلوتیکا و یونیورس فراهم کرد.*




**مونتاژ عکس (فوتومونتاژ)**

*در دههٔ بیست، جورج گروس، رائول هوسمن و جان هارتفیلد، هنرمندان دادائیست، نخستین بار دریافتند تصاویر عکاسی نیزهمان‌گونه که هنرمندان کوبیست عناصر تصویری را در کلاژهای خود کنار هم قرار می‌دهند، قابل دستکاری است. آن‌ها دریافتند ترکیب دو یا چند تصویر عکاسی هنگامی که اندازه و جای آن‌ها تغییر داده شود، می‌توانند واقعیت جدیدی بیافرینند. این تکنیک ترکیب‌تصاویر عکاسی، موسوم به فوتومونتاژ، به ابزار اصلی طراحی گرافیک معاصر تبدیل شده است*

*گرچه جورج‌گروس در اندک زمانی فوتومونتاژ، این وسیلهٔ بیان هنری، را کنار گذاشت اما جان هارتفیلد(ملقب به هلموت هرتسفلید) کاربرد کامل قابلیت‌های این تکنیک را به لحاظ هنری و تجاری دنبال کرد. هارتفیلد پس از فعالیت دادائیستی کوتاه خود، با کاربرد مؤثر فوتومونتاژ در طول فعالیتش به طراح گرافیک موفقی تبدیل‌شد. توانمندترین مونتاژهای‌عکس هارتفیلد، بیانیه‌های اواخر دههٔ بیست و اوایل دههٔ سی او بودند که هیتلر و ظهور حزب نازی را محکوم می‌کردند. همین حملات شدید، در نهایت او را ناگزیر به ترک آلمان و اقامت در انگلستان در سال‌های جنگ کرد. هارتفیلد در سال ۱۹۵۰م به آلمان بازگشت و کار طراحی گرافیک را تا زمان مرگ خود در سال ۱۹۶۸ م ادامه داد.*

## طراحی گرافیک در اتحاد شوروی

شماری از کنستراکتیویست‌های برجستهٔ روس در اوایل دههٔ بیست در تلاش برای پیشبرد مقاصد انقلاب در داخل و خارج توانایی‌های خود را صرف آفرینش پوستر، کتاب، مجله و نمایشگاه کردند.

کارهای گرافیک این هنرمندان طراح مبتنی بر اصول کنستراکتیویستی، یعنی نظم و سادگی هندسی و ایده‌هایی بود که از د استیل و طراحی حروف جدید وام گرفته بودند.

مشخصهٔ کارهای گرافیک این دورهٔ شوروی صفحه‌آرایی‌های به شدت نامتقارن، استفادهٔ پویا از فضای سفید، خط‌کشی‌های فراوان، عکس‌های روشن و واضح، حروف بدون سریف و فتومونتاژ بود. رنگ سرخ نیز در اغلب این کارها دومین رنگ محسوب می‌شد.

ال لیسیتسکی، الکساندر رودچنکو و ولادیمیر تاتلین از جمله طراحان کنستراکتیویست متنفذتر این دوره به‌حساب می‌آمدند. (تصاویر ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳). لیسیتسکی در این میان بانفوذتر از دیگران بود و اغلب برای اجرای طرح‌های دولتی به غرب فرستاده می‌شد.

لیسیتسکی افزون بر این با هنرمندانی چون کورت شوایترز، تئو وان دوزبرگ و ژان آرپ در آلمان همکاری‌کرد. او همچنین بر یان تشیچهلد، لازلیو موهولی ناگی و از طریق فرد اخیر بر باهاوس تأثیر گذارد.



۱۰



KUBISMUS

APOLLINAIRE.

ALLARD.

FUTURISMUS

BOCCIONI.

EXPRESSIONISMUS

CUBISME

APOLLINAIRE.

ALLARD.

FUTURISME

BOCCIONI.

EXPRESSIONISME

CUBISM

What distinguishes cubism from precedent painture is this: not to be an art of imitation but a conception that tends to rise itself as creation. APOLLINAIRE.

Instead of the impressionist illusion of space based on the perspective of air and the naturalism of colour, cubism offers the simple and abstracted forms in their precise relations of character and measure. ALLARD.

FUTURISM

Futurists have abolished quietness and statism and have demonstrated movement, dynamism. They have documented the new conception of space by confrontation of interior and exterior. For us gesture will not any more be a fixed moment of universal dynamism. It will decidedly be the dynamic sensation eternalised as such. BOCCIONI.

EXPRESSIONISM

From cubism and futurism has been chopped the minced meat, the mystic german beefsteak: expressionism.

۱۱




۱۲




۱۳

۱۰ـ الکساندر رودچنکو با به‌کارگیری حروف چاپی در عکس پرسنلی اوزیپ بریک، شاعر و منتقد ادبی، آن را هرچه پرقدرت‌تر ساخت.

۱۱ـ صفحه آرایی ال لیسیتسکی متعلق به سال ۱۹۲۵ م که درآن از حروف بدون سریف و خط کش‌ها برای تقسیم صفحه به سه ستون جهت درج مطالب سه زبانه بهره برده است.

۱۲ـ ال لیسیتسکی در طرح جلدی ساختار گرایانه در سال ۱۹۲۷م برای یک مجلهٔ معماری ازحروف چاپ به منظور تکمیل کنش دست و پرگار بهره برد.

۱۳ـ طرح جلدی از ال لیسیتسکی که عناوین روسی و آلمانی را در یکدیگر تلفیق کرده تا ترکیب تایپوگرافیک پویایی را پدید آورد.

### طراحی گرافیک در هلند

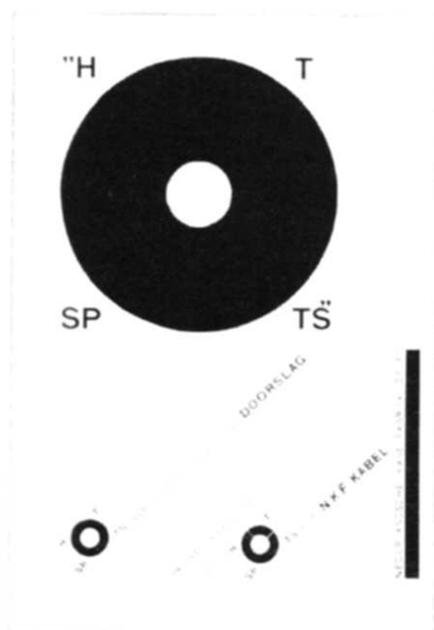
در کنار آلمان، که در صف اول طراحی حروف جدید قرار داشت، هلند نیز نقش خود را در این زمینه ایفا کرد. طراحان مختلف هلند نخستین‌بار در مجلهٔ *داستیل* ایده‌های خود را در زمینهٔ طراحی گرافیک انتشار دادند. بارت وان در لک در زمان سردبیری تئو وان دوزبرگ بر این مجله خط‌کشی‌های فراوان را در صفحه‌آرایی وارد کرد و ویلموس هازار از حروف بدون سریف و صفحه‌آرایی‌های نامتعارف و در بیش‌تر موارد با زمینهٔ شطرنجی استفاده کرد.

ال لیسیتسکی در اوایل دههٔ بیست برای طراحی یک شماره از همین مجله به هلند دعوت شد و اصول کنستراکتیویستی خود را ارائه داد.

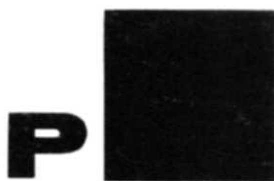
پیت زوارت، اچ. ان. ورکمن و جان وان کریمپن سه طراح برجستهٔ دیگر هلند بودند. پیت زوارت که در آغاز طراح مبل و دستیار طراح معمار بود در سی و شش سالگی طراحی گرافیک را پیشهٔ خود کرد (تصاویر ۱۴ و ۱۵). کارهای او که از د استیل و دادائیست‌ها تأثیر پذیرفته بودند، کاملاً از بند قواعد طراحی حروف آزاد شده بود.

اچ. ان. ورکمن که اصلاً چاپ‌گر بود، ترکیب‌بندی‌های نامتقارن را مستقیم بر سینی ماشین چاپ خود تجربه کرد و از حروف چاپی، خط‌کشی‌ها و وسایل چاپ چوبی بهره گرفت (تصویر ۱۶). او در سال ۱۹۲۳ م مجلهٔ کوچکی به نام د *نکست کال* (فراخوان بعدی) را منتشر کرد و بسیاری از تجربیات خود را در آن به نمایش گذارد.

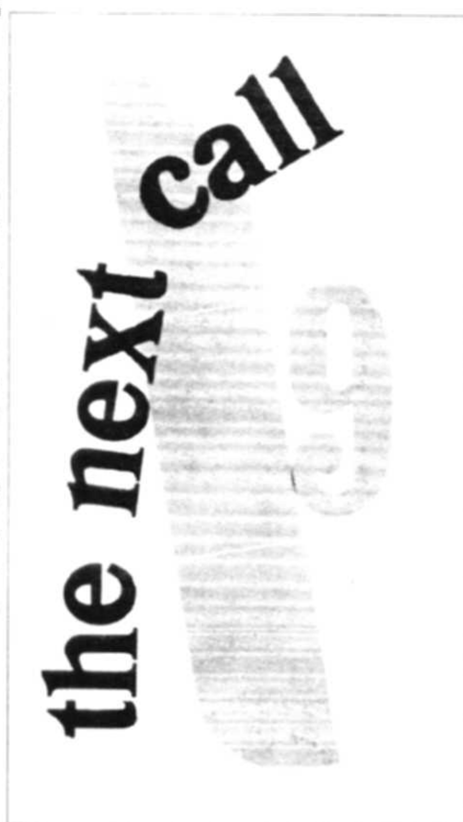
سومین چهرهٔ مهم طراحی گرافیک هلند جان وان کریمپن، طراح برجستهٔ حروف چاپی این کشور و طراح اصلی کارگاه حروف ریزی (ریخته‌گری) انشد در هارلم بود. وان کریمپن در سال ۱۹۲۴ م حروف *لوتتیا* را طراحی کرد که از حروف متداول چاپ کتاب است.




۱۴




۱۵




۱۶

۱۴ـ آگهی تایپوگرافیک پیت زوارت متعلق به سال ۱۹۲۶ م که لوگوی *هات اسپاتس* را تکرار می‌کند تا تقابل و توجه بصری ایجاد کند. این آگهی بازتاب تأثیرپذیری عمیق از فلسفه‌های د استیل و ساختارگرایی است.

۱۵ـ نشانهٔ شخصی پیت زوارت جناسی تصویری با نام خود او. زوارت به دانمارکی به معنی سیاه است.

۱۶ـ طرح جلد آخرین شماره *نکست کال* با طراحی اچ. ان. ورکمان، چاپ‌گری که از کار با حروف و آرایه‌های چوبی لذت می‌برد.

**طراحی گرافیک در فرانسه**

چهرهٔ برجسته طراحی گرافیک فرانسه، ای. ام. کاساندر بود که شیوهٔ آردکو را در طراحی گرافیک معرفی کرد. کاساندر با نام واقعی آدولف ژان ماری مورون در سال ۱۹۰۱ م در اکراین زاده شد و در جوانی به پاریس رفت و به تحصیل هنرهای زیبا در مدرسه هنرهای زیبای این شهر پرداخت.

کاساندر برای تأمین مخارج خود در شرکت هاشار و شرکا، شرکت چاپگر لیتوگرافی، کار طراحی را آغاز کرد و فنون تجاری تهیهٔ پوستر را در همان شرکت فراگرفت. او نخستین پوستر مهم خود را در سال ۱۹۲۳ م تهیه کرد. پوسترهای کاساندر به شدت از کوبیست‌های تحلیلی و پوریست‌ها متأثرند (تصویر ۱۸).

کاساندر در سال ۱۹۲۷ م به ایالات متحده رفت و در آن‌جا برای مجلهٔ *هارپرز بازار* ،شرکت کنتینر امریکا و برای ان. دبلیو. آیر به کار پرداخت. او در سال ۱۹۳۹ م به فرانسه بازگشت و سال‌های باقی‌ماندهٔ عمر خود را پیش از هر چیز صرف چاپ، تئاتر و طراحی باله کرد.

کاساندر افزون بر شهرت پوسترسازی خود،طراح چند نوع حروف چاپی نیز بود که متداول‌ترین آن‌ها حروف *پیه‌نو* است.

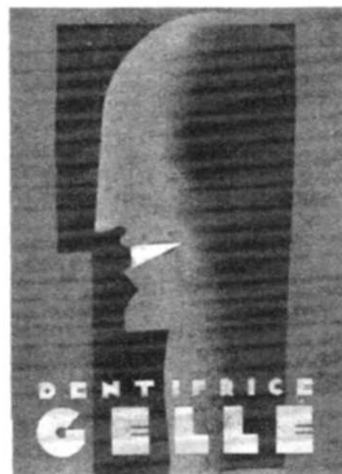
دو طراح دیگر فرانسه که به خاطر پوسترهای خود شهرت داشتند، پل کولین و ژان کارلو بودند. کولین که آموزش چاپ‌گری دیده بود، فعالیت خود را در سال ۱۹۲۵م آغاز کرد، زمانی که تئاتر شانزه‌لیزه او را برای تهیهٔ پوستر و طراحی صحنه به همکاری فراخواند. وی در آن‌جا تعداد کثیری پوستر بیش‌تر برای چهره‌های تئاتری و سرگرمی‌ساز تهیه‌کرد (تصویر۱۹).

کارلو در سال ۱۹۰۱ م زاده شد. او به تحصیل معماری پرداخت اما از بد حادثه بازوی راست خود را از دست داد. در دوران نقاهت خود نقاشی را با دست چپ فراگرفت و توانست به یکی از طراحان مهم

PEIGNOT




۱۸




۱۷




۱۹

۱۷ـ ژان کارلو در پوستر سال ۱۹۲۷م خود که تبلیغ خمیر دندان معروف دنتیفریس ژل است، سر را به شیوهٔ پوریستی به حداقل عناصر بصری تقلیل داده و توجه بیننده را به دندان‌های سفید درخشان معطوف کرده است.

۱۸ـ ای. ام. کاساندر یکی از هنرمندان مطرح پوسترسدهٔ بیستم بود. پوستر سال ۱۹۳۲م او با نام *wagon-bar* عناصری از کوبیسم، پوریسم و فتو مونتاژ را در خود نهفته دارد. در بالا سمت راست، متداول‌ترین حروف چاپی او، با عنوان پیه‌نو دیده می‌شود.

۱۹ـ پوسترهای پل کولین موفقیت دائمی داشت و بازتابی از این فلسفهٔ او بود که پوستر باید «تلگرامی به ذهن» باشد. این فلسفه در پوستر سال ۱۹۲۷ م او با نام *لیزا دانکن* آشکار است.

این دوره تبدیل شود (تصویر۱۷). کارلو در سال۱۹۴۰م برای کار در نمایشگاه جهانی نیویورک به ایالات متحده رفت و مدت سیزده سال با ادارهٔ اطلاعات جنگ امریکا، شرکت کنتینر امریکا و برخی شرکت‌های دیگر همکاری کرد.

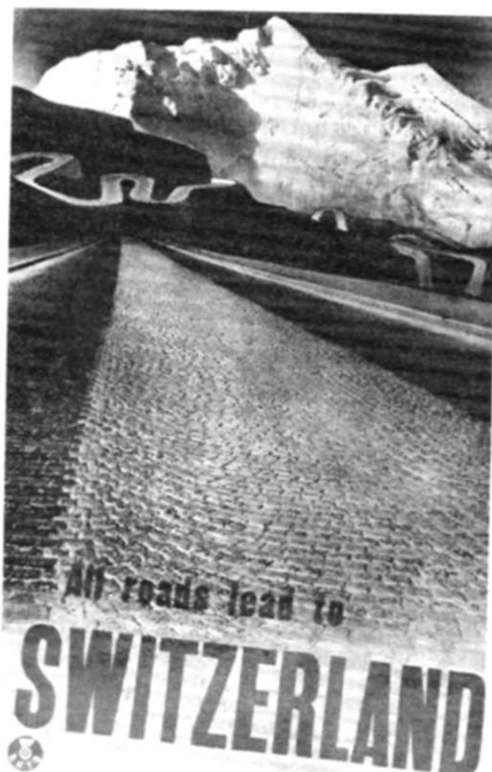
**طراحی گرافیک در سوئیس**

یکی از طراحان مهم سوئیس‌هربرت ماتر بود که در سال ۱۹۲۸ م به پاریس رفت تا نقاشی را نزد فرنان لژه فراگیرد. ماتر در همان زمان به عکاسی و طراحی حروف علاقه‌مند شد و توانست هنگام کار در کارگاه حروف‌ریزی دبرنی و پیه‌نو در فرانسه به تجربه بپردازد. در همین زمان، ماتر فرصت دستیاری کاساندر را یافت و به این طریق به طراحی پوستر علاقه‌مند شد.

ماتر در بیست و پنج سالگی به سوئیس بازگشت و طراحی پوستر را برای ادارهٔ گردشگری ملی سوئیس آغاز کرد که سبب شهرت بین‌المللی او گردید (تصاویر ۲۰و ۲۱). پوسترهای ماتر بازتاب علاقهٔ او به فتومونتاژ، کلاژ و طراحی حروف است.

ماتر در سال ۱۹۳۶ م به ایالات متحده رفت و برای مجلات *وگ*، *هارپرز بازار* و *فورچون* عکاسی کرد. او در دورهٔ جنگ طراح مستقل شرکت کنتینر امریکا بود و در سال ۱۹۴۰ م نیز همکاری بیست و پنج سالهٔ خود را با شرکت نول در سمت مشاور عکاسی و طراحی آغاز کرد. ماترهمچنین کارهای‌گرافیک مشترکی‌برای راه‌آهن نیوهیون و راه‌آهن بوستون و ماین انجام داد.

طراحان سوئیسی دیگر این دوره ارنست کلر، تئوبالمر، ریچارد پی. لوهز، ماکس هوبر و ماکس بیل بودند. (بنگرید به صفحهٔ ۱۸۷).




۲۰



۲۱

۲۰ـ پوستر سال ۱۹۳۵ م هربرت ماتر برای وزارت گردشگری سوئیس. ماتر در این‌جا با تلفیق سه عکس در یک عکس، به تصویری توانمند دست یافته که نگاه بیننده را به ژرفای این چشم‌انداز می‌کشاند.

۲۱ـ ماتر در این پوستر نیز از فتومونتاژ بهره می‌گیرد تا واقعیت را پررنگ‌تر ساخته و سفر هوایی به سوئیس را هیجان انگیز جلوه دهد.

## طراحی گرافیک در ایتالیا

آدریانو اُلیوتی، فرزند بنیان‌گذار شرکت بین‌المللی ماشین تحریر اداری، سنتی را باب کرد که امروزه به پروژه‌های مشترک طراحی موسوم است. وی در سال ۱۹۳۳ م زانتی شاوینسکی، فارغ‌التحصیل باهاوس را برای طراحی گرافیک به‌خدمت‌گرفت و سه‌سال بعد جیوانی پینتوری را مسئول تحقیق و بررسی همهٔ جنبه‌های طراحی ازجمله‌طراحی گرافیک، طراحی‌تولید و طراحی معماری کرد. (تصاویر ۲۲، ۲۳ و ٢٤) ایـن دو در کـنار یکدیگـر پوسترهای دیدنی، کارهای‌گرافیکی مشترک و نخستین‌ماشین‌تحریر «استایلد» را پدیدآوردند.

شاوینسکی در سال ۱۹۳٦م شرکت الیوتی را تـرک گفـت و بـه امـریکا رفت و در کالج بلک مونتاین در کنار یوزف آلبرز به تدریس پرداخت. پینتوری سی و یک سال در شرکت الیوتی باقی ماند و در طول این زمان این شرکت به خاطر برتری و امتیاز خود در زمینهٔ طراحی گرافیک و طراحی صنعتی به شهرت بین‌المللی رسید.

از جمله شرکت‌های دیگری که از تجربهٔ شرکت الیوتی تأثیر پذیرفتند، شرکت کنتینر امریکا، آی بی ام، نول اینترنشنال، سی بی اس و زیراکس بودند.



۲۳




۲۲




۲۴

۲۲ـ پوستر جووانی پینتوری که به طور کامل از ارقام و شماره‌ها تشکیل شده است و حاکی از گرایش اصلی و مشخص شرکت الیوتی به تولید ماشین حساب‌ها و ماشین‌های حسابرسی اداری است.

۲۳ـ پوستر نا معمول زانتی شاوینسکی متعلق به سال ۱۹۳۵ م که تنها آگهی نوشتهٔ آن، نام الیوتی، تولید کنندهٔ این ماشین تحریر بر روی بدنه آن بود.

٢٤ـ پوستر سال ١٩٣٤ م زانتی شاوینسکی، تلفیقی از جزئیات درشت نمایی شدهٔ صفحه کلید ماشین تحریر و رسم فنی برای تأکید بر دقت کار این فرآورده شرکت الیوتی است.

### طراحی گرافیک در انگلستان

استنلی موریسون چهرهٔ برجسته طراحی گرافیک انگلستان، در سال ۱۹۲۲ م مشاور طراحی حروف شرکت مونوتایپ انگلیس شد. یکی از نخستین کوشش‌های او بهبود کیفیت مجموعهٔ حروف چاپی از طریق به کارگیری حروف جدید و بازسازی حروف قدیمی بود. یکی از موفق‌ترین این حروف تایمز نیو رومن بود که موریسون آن را برای استفادهٔ اختصاصی در مجلهٔ *تایمز* لندن در سال ۱۹۳۰م طراحی‌کرد(تصویر۲۵).

استنلی موریسون همچنین سردبیر دفلئورُن نشریهٔ پرنفوذ طراحی حروف انگلیس بود. او مشاور انتشارات دانشگاه کیمبریج و مؤلف *اصول اولیهٔ طراحی حروف* بود.

طراح برجستهٔ انگلیسی این دوره اریک گیل نمونه‌ای از مرد رنسانسی امروز بود که حیطه‌های مختلفی چون مجسمه‌سازی، کتیبه‌سازی، خوش‌نویسی و طراحی حروف چاپی را آزمود (تصویر ۲۶). او با زبان طنز مطالب بسیاری در باب موضوعات یاد شده نوشت و امروزه بیش‌تر به خاطر طراحی سه نوع حروف چاپی متداول خود،پرپچوا، یوانا (یوحنا) و گیل سن سریف، معروف است (تصویر ۲۷).

یکی از نوآورترین طراحان پوستر در انگلستان این دوره ای. مک‌نایت ـ کوفر مهاجر امریکایی بود (تصاویر ۲۸ و ۲۹). از مشهورترین کارهای او مجموعه پوستری برای شرکت حمل و نقل زیرزمینی لندن، شرکت نفت شل و خطوط راه‌آهن بریتانیا بود. مک نایت ـ کوفر با وقوع جنگ جهانی دوم، به امریکا بازگشت و کار خود را در شرکت کنتینر امریکا، هواپیمایی امریکا و روزنامهٔ *نیویورک تایمز* ادامه داد.

ABCDEFGHIJKLMNOPQRSTUVWXYZ
abcdefghijklmnopqrstuvwxyz

*ABCDEFGHIJKLMNOPQRSTUVWXYZ*
*abcdefghijklmnopqrstuvwxyz*




۲۵

۲۵ـ حروفی که استنلی موریسون در سال ۱۹۳۱ م برای استفادهٔ اختصاصی در نشریهٔ *تایمز* لندن طراحی کرد. در زیر این حروف، سرلوحهٔ قدیم و جدید این نشریه به چشم می‌خورد. این حروف چاپی با نام تایمز نیورومن در سال ۱۹۳۲ م به منظور استفاده عمومی به شرکت مونوتایپ واگذار شد و از آن پس به یکی از پرکاربردترین حروف چاپ متن تبدیل شده است.

beheld the linen clothes laid by themselves, and departed, wondering in himself at that which was come to pass.



BEHOLD, TWO OF THEM WENT THAT SAME DAY TO A VILLAGE CALLED EMMAUS, WHICH WAS FROM JERUSALEM ABOUT THREE-score furlongs. And they talked together of all these things which had happened. And it came to pass, that, while they communed together and reasoned, Jesus himself drew near, and went with them. But their eyes were holden that they should not know him. And he said unto them, What manner of communications are these that ye have one to another, as ye walk, and are sad? And the one of them, whose name was Cleopas, answering said unto him, Art thou only a stranger in Jerusalem, and hast not known the things which are come to pass there in these days? And he said unto them, What things? And they said unto him, Concerning Jesus of Nazareth, which was a prophet mighty in deed and word before God and all the people. And how the chief priests and our rulers delivered him to be condemned to death, & have crucified him. But we trusted that it had been he which should have redeemed Israel, and beside all this, to day is the third

106

۲۶

۲۶ـ صفحه‌ای از انجیل‌های اربعه که اریک گیل در سال ۱۹۳۱ م حروفسازی و تصویرسازی کرد. گرچه این کتاب نمونه‌ای از طراحی حروف ظریف انگلیس به شمار می‌رود اما با طرح‌های گرافیک تجربی‌تری که در همین زمان در قارهٔ اروپا کار می‌شد، تفاوت آشکار دارد.

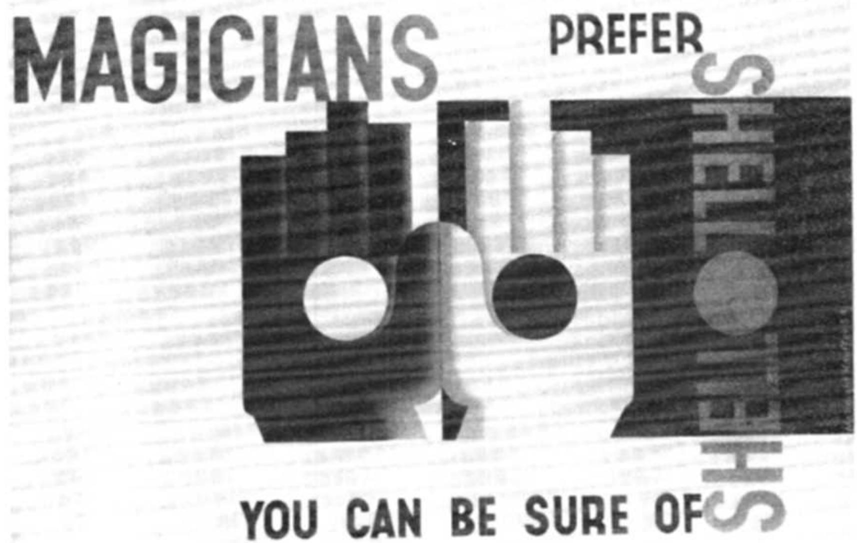



۲۷

۲۷ـ هرچند طرح‌های کتاب اریک گیل سنتی بودند اما طرح‌های حروف او بسیار فراتر از زمانهٔ خود قرار داشتند. گیل سنس حروفی که وی در سال ۱۹۲۹ م برای شرکت مونوتایپ طراحی کرد، به سرعت پذیرفته شد و به یکی از نخستین حروف بدون سریف پرکاربرد انگلستان مبدل شد.




۲۹




۲۸

۲۸ـ مک نایت کوفر در میانهٔ دههٔ سی مجموعه‌ای از پوسترهای به یاد ماندنی برای شرکت نفت شل طراحی کرد که تأثیر شدیدی از کوبیسم و پوریسم پذیرفته بودند.

۲۹ـ پوستر سال ۱۹۳۰ م ادوارد مک نایت کوفر برای متروی لندن بازتاب تأثیرات اروپایی و درک او از هنر مدرن است. در این‌جا وی مفهومی پیچیده را به یک تصویر بصری توانمند تقلیل بخشیده است.

## طراحی گرافیک در امریکا

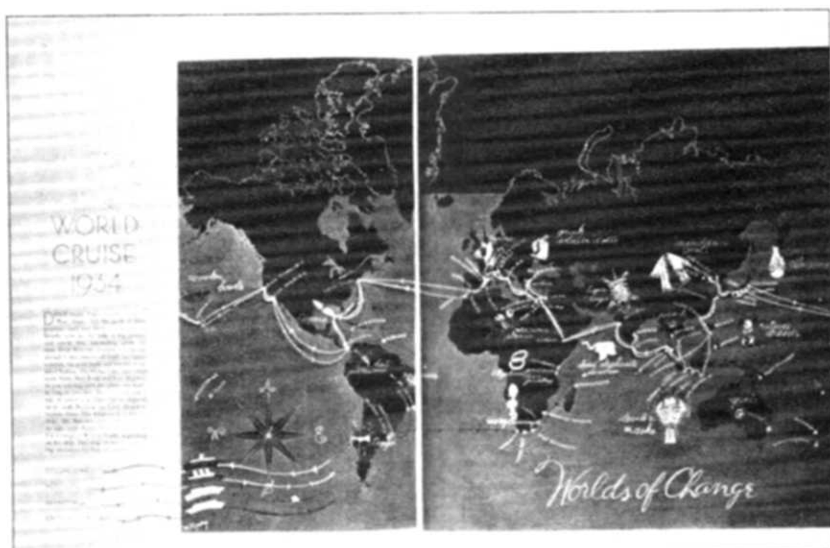
در مجموع گفته می‌شود طراحی گرافیک امریکا در فاصلهٔ دو جنگ جهانی نوآوری خاصی نداشته است. عموم مردم امریکا متوحش از انقلاب روسیه به همهٔ جنبش‌های هنر انقلابی و آوانگارد اروپا خواه در هنرهای زیبا یا هنرهای گرافیک با سوءظن می‌نگریست. به استثنای آردکو، اکثر جنبش‌های اروپایی تأثیر آنی ناچیزی بر طراحی گرافیک امریکا گذاردند. با این حال در دهۀ سی دگرگونی‌هایی پدید آمد و در این زمان گروهی از طراحان پیشرو ایده‌های جدیدی را بر مبنای ایدهٔ هنرهای زیبا در طراحی گرافیک امریکا ارائه دادند.

اکثر این‌طراحان نوگرا زاده و آموزش‌دیدهٔ اروپا بودند اما در امریکا و به‌ویژه در نیویورک به شهرت رسیدند. این شهر از آن زمان تاکنون مرکز رسانهٔ گرافیک محسوب می‌شود. این طراحان گرچه کار خود را در دهۀ سی آغاز کردند اما سال‌ها پیش از آن، از آوازه و اقبال وسیع عمومی برخوردار بودند. برخی از تأثیرگذارترین این طراحان عبارت‌اند از:

**ام. اف. آگا ـ** زاده و تعلیم دیدهٔ اروپا در سال ۱۹۲۹ م از سوی کانده ناست ناشر مجلهٔ وگ به امریکا دعوت شد و مدیر هنری این مجله شد. آگا اقتصاددان و زبان‌شناس و نیز طراح،عکاس و طراح‌حروف بود (تصاویر ۳۰ و ۳۱). وی از آغاز بر دخالت مدیر هنری در هر مرحله از طراحی و اجرای کار تأکید داشت. آگا یکی‌از پیشروان استفاده از حروف بدون سریف،چاپ تمام رنگ و عکاسی نوآورانه بود. از مشهورترین عکاسانی که به خدمت گرفت، ادوارد اشتایخن، سسیل بیتون، پی. هورمت، جورج هوینینگن هونه و چارلز شیلر بودند. کانده ناست چنان تحت تأثیر مجلهٔ وگ قرار گرفته بود که مدیریت هنری دو مجلهٔ دیگر خود *ونیتی فر* و *هاوس اند گاردن* را نیز به آگا واگذار کرد. آگا در سال ۱۹۴۳م به همکاری خود با کانده ناست پایان داد و مشاور مستقل هنرهای گرافیک شد.




۳۰




۳۱

۳۰ـ ام.اف.آگا ، مدیرهنری‌مجله‌وگ بر این عقیده بود که صفحه‌آرایی باید منطقی، خوانا و مجلل باشد. این نگرش در طرح جلدهایی که وی برای مجله وگ طراحی یا مدیریت هنری کرد آشکار است.

۳۱ـ دو صفحهٔ پیوسته از یکی از شماره‌های سال ۱۹۳٤م مجله وگ با دو نوآوری؛ یعنی استفاده از حروف بدون سریف و تصاویر بیرون زده از حاشیهٔ صفحه که ام.اف. آگا پیشگام آن‌ها بود.

**هربرت بایر** در زمان دانشجویی در باهاوس به علاقهٔ خود به طراحی حروف پی برد. بایر در سن بیست‌وپنج سالگی استاد کارگاه طراحی‌حروف باهاوس شد و در آن‌جا افزون بر تدریس، وقت خود را صرف طراحی نشریات باهاوس و حروف چاپی موسوم به «یونیورسال» کرد (تصویر ۳۵). بایر برای تجربهٔ مستقل در سال ۱۹۲۸ م به برلین رفت اما شرایط نامساعد سیاسی او را ناگزیر به ترک این شهر کرد (تصاویر ۳۲، ۳۳ و ۳٤).

بایر در سال۱۹۳۸م به ایالات‌متحده آمد و فعالیت جدید و متفاوت تبلیغات تجاری را نخست در سمت مشاور جی. والتر تامپسون و سپس در سمت مدیرهنری شرکت دورلند اینترنشنال آغاز کرد. بایر همکاری درازمدتی باشرکت‌کنتینر امریکا نخست در سمت‌مشاور طراحی تبلیغاتی به عمل آورد. (تصاویر ۳٦ و ۳۷). او همچنین بانی کنفرانس طراحی آسپن بود که سالیانه در کولورادو برگزار می‌شود.

۳۲ـ دو صفحهٔ پیوسته از کاتالوگ سال ۱۹۲۵ م باهاوس که تمایل بایر به‌تایپوگرافی‌جدید را در استفاده‌موثر او از حروف چاپ، خط‌کش‌ها، خانه‌ها، نقطه‌های گلوله‌ای، فضا و جدول بندی نشان می‌دهد.

۳۳ـ عکس طبیعت بی جان برای مجلهٔ *باهاوس* در سال ۱۹۲۸م توهم فتومونتاژ را در بیننده پدید می‌آورد.

۳٤ـ فتو مونتاژ هربرت بایر موسوم به *کلان شهر تنها* که در سال۱۹۳۲م کار شده است و نشان از تأثیرپذیری عمیق سورئالیستی دارد.

۳۵ـ قلم یونیورسال که در سال ۱۹۲۵م بایر آن را طراحی کرد، تجربه‌ای برای ایجاد یک الفبای سان سریف واحد به جای الفباهای حروف کوچک و بزرگ سنتی بود.



۳۳



۳٤

Das Bauhaus in Dessau fabriziert in folgenden Abteilungen nach eigenen Entwürfen Modellarbeiten aus:

Tischlerei
Metallwerkstatt
Weberei
Wandmalerei
Druckerei

VERVIELFÄLTIGUNG UND VERTRIEB nach diesen Mustern durch die BAUHAUS GmbH

LIEFER-BEDINGUNGEN

1 Preise
2 Zahlung
3 Versand
4 Versicherung
5 Gerichtsstand

۳۲

abcdefqhijklmno
pqrstuvwxyz

۳۵



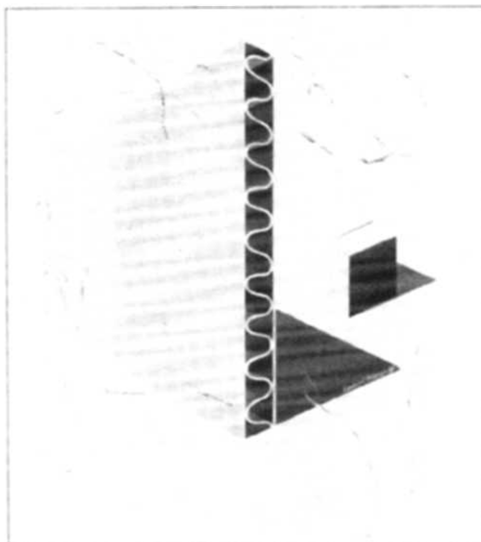

## شرکت کنتینر امریکا

*شرکت کنتینر امریکا که به اختصار سی‌سی ای شناخته می‌شود،بیش از پنجاه سال پیشگام کاربرد طراحی گرافیک و نقاشی بوده است که اجزای جدایی‌ناپذیری از برنامه‌های این شرکت است.*

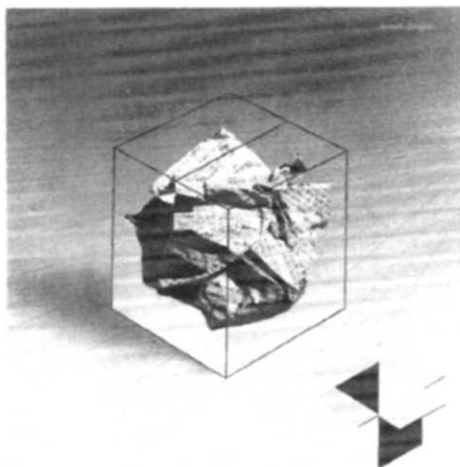
*این رویکرد از سال ۱۹۳۶ م یعنی هنگامی آغاز شد که والتر پیپکه، فرزند مؤسس این شرکت، درصدد برآمد سی‌سی‌ای را از رقبای خود متمایز سازد. یکی از اولین گام‌های او به کارگیری هربرت بایر در سمت مشاور طراحی شرکت بود تا برنامه طراحی جامعی را نظارت کند که نیازمند استعدادهای هنرمندان و طراحان مشهوری چون کاساندر، کپس، لژه، من ری و موهولی‌ناگی بود. از آغاز، سیاست تلفیق متن‌های دقیق آگهی با تصاویر قدرتمند در این شرکت بنا نهاده شد که در نتیجه سی‌سی‌ای شرکتی متهور و ممتاز قلمداد شد.*

*برنامهٔ سی سی ای در طول جنگ جهانی دوم و در سال‌های پس از جنگ ادامه یافت. یکی از موفق‌ترین برنامه‌های این شرکت مجموعه‌ای با نام اندیشه‌های بزرگ انسان غربی بود که استعدادهای هنرمندان بزرگی چون پل رند، رنه مگریت، ریچارد لیندنر، لئولیونی و جئورجه جیوستی در آن به منصه ظهور رسید. دیوید اگیلوی صاحب‌نظر تبلیغات تجاری معتقد است مجموعهٔ اندیشه‌های بزرگ «بهترین فعالیت منتشر شدهٔ چاپی» بوده است.*

*اجرای اولین برنامهٔ طراحی هویت شرکتی جدی در امریکا به سی‌سی‌ای نسبت داده می‌شود. افزون بر این، سی‌سی‌ای در تلاش برای تشویق امتیاز و برتری در زمینهٔ طراحی گرافیک، خدمات طراحی را از طریق آزمایشگاه طراحی و مرکز پژوهش و طراحی پیشرفته به مشتریان خویش عرضه داشته است. شرکت کنتینر امریکا در طی سال‌ها به اثبات رسانده است که می‌توان برتری گرافیکی را با موفقیت همراه ساخت.*



۳۶



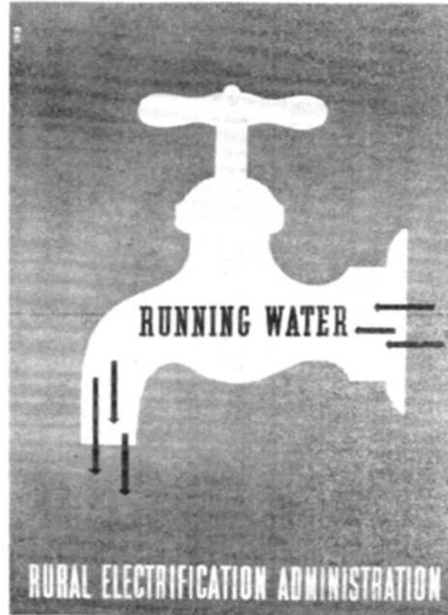
۳۷

۳۶ـ تصویرسازی متعلق به سال ۱۹۳۹ م با نام *قدرت نهفته در کاه* که برای شرکت سی سی ای کار شده است و استفاده از کاه را به منزلهٔ الیاف جایگزین در ساخت جعبهٔ مقوایی به تصویر می‌کشد.

۳۷ـ بایر در *سرنوشت دفتر سررسید کهنه*، بازیافت کاغذ باطله و تبدیل آن به جعبه‌های مقوایی موجدار را به گونه گرافیکی به نمایش درآورده است.

**لستربیل** در سال ۱۹۰۳م در شهر کانزانس زاده شد. او در شیکاگو تحصیل کرد و در رشتهٔ تاریخ هنر درجهٔ دکترا گرفت. بیل در اصل طراح گرافیکی خود آموخته بود. نخستین فعالیت‌های او طراحی نمایشگاه‌ها و نقاشی دیواری برای نمایشگاه جهانی سال ۳٤ ـ۱۹۳۳ م شیکاگو با نام «سدهٔ پیشرفت» بود. بیل یک سال بعد استودیوی خود را در شهر نیویورک دایر کرد و در این شهر یک رشته پوستر تحسین‌برانگیز برای برنامهٔ برق‌رسانی روستایی طراحی کرد (تصویر ۳۸).

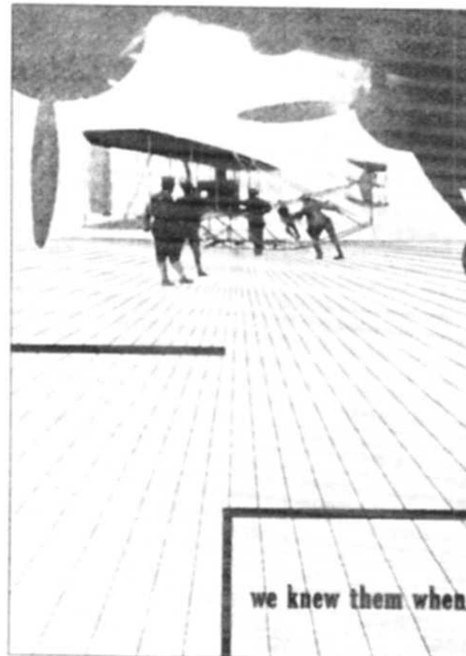
وی در طول فعالیت خود کارهایی در زمینهٔ طراحی بسته‌بندی، آگهی‌های عمومی،تبلیغات تجاری و طرح‌های هویت شرکتی برای شرکت‌هایی نظیر اینترنشنال پیپر و مارتین ماریِتا انجام داد (تصاویر ۳۹ و ٤۰).



۳۸



۳۹



۴۰

۳۸ـ یکی از مجموعه پوسترهایی که لستر بیل در سال ۱۹۳٦ م برای ادارهٔ برق رسانی روستایی طراحی کرد و شناخت او از پوریسم و اصول باهاوس را منعکس می‌سازد.

۳۹ـ لستر بیل گرچه طراح گرافیک خودآموخته‌ای بود اما درکی از سورئالیسم و دادائیسم داشت که در این طرح جلد سال ۱۹۳۷ م او نمایان است.

٤۰ـ بیل در این طرح جلد با تلفیق عکس و خطوط همگرا، جلوه‌ای از مفاهیم زمان و مکان را پدید آورده است.

**الکسی برودویچ** همچون ام. اف. آگا فعالیت خـود را از اروپـا آغاز کرد. برودویچ در سال ۱۹۳۰ م بـه ایـالات متحده آمـد و بخـش تبلیغات تجاری مدرسهٔ هنر موزهٔ فیلادلفیا را دایـر کـرد. او کارهـای مستقلی بـرای کانون آگهـی ان. دبلیو آیر و دیگر سفارش‌دهندگان انجام داد (تصویر ٤٢).

در سـال ۱۹۳٤ م کـارمل اسـنو سـردبیر هارپـرز بـازار، بـرودویچ را متقاعد کـرد تـا مدیریـت هـنری ایـن مجله را بپذیرد و او به مـدت بیست و پنج سال در این سمت باقی مـاند. در طـول ایـن سـال‌هـا برودویچ سطح طراحـی گرافـیک این نشریه را با عکس‌های نوآورانـه، صـفحه‌آرایـی‌هـای پویـا و طراحی حروف سیاه بالا برد. (تصاویر ٤٣، ٤٤ و ٤٥). بسیاری از صـفحاتی کـه بـرای ایـن مجلـه طراحـی کرده، بازتاب علاقهٔ او به عکس‌های بـزرگ پـررنگ، فضای سفید و حروف مدرن بودونی هستند.

بـرودویچ افزون بر مدیریت هنری هارپرز بـازار اعـلان‌های عمومی جذابی برای خیابان پـنجم سـاکز و آی.مـیلر طراحـی کـرد. او همچنیـن در سال ۱۹۵۰ م مجلهٔ پورت فولیو را در قطـع بـزرگ طراحـی کـرد. ایـن مجله گرچه موفقیت تجاری نیافت اما اوج نوآوری تجسمی (بصری) بود.

بـرودویچ در طـول فعالیـت خـود معلمی جذاب و الهام‌بخش بود که از «آزمایشگاه‌های طراحی» او برخی از بهترین طراحان گرافیک و عکاسـان امـروزی، نظـیر ایرویـنگ پـن، ریچـارد آودن، نورمـن مک‌گراث، آرت کین، هنری ولف و رابرت گیج، بیرون آمدند.




۴۱

٤١ـ آگهـی دعـوت بـه بـال بـنال پاریس در سال ۱۹۲٤ م اثر الکسی بـرودویچ کـه نمونـه‌ای از توانایـی‌هـای اولیهٔ او برای بزرگ کردن یک رویداد است.

٤٢ـ تصویر سازی به شیوه آردکو به سفارش شرکت مرکب چاپ. یکـی از نخستین طـرح‌هـای برودویچ در امریکا.



۴۲






۴۴




۴۳



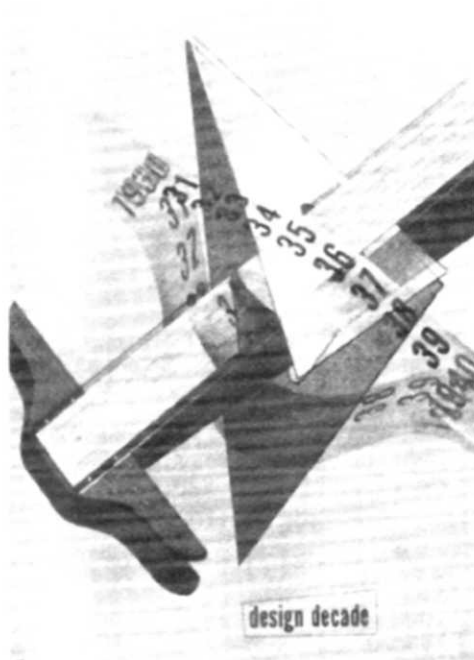

۴۵

۴۳ـ طرح جلد مجلهٔ *هارپرز بازار*، نمایشگاه جهانی سال ۱۹۳۹ نیویورک را در فضایی سورئالیستی به تصویر کشیده است که در آن هرم و کره‌ای لهیده تبدیل به ماسکی با دو چشم رازآمیز شده‌اند.

۴۴و۴۵ـ برودویچ بخش عمدهٔ فعالیت خود را در سمت مدیر هنری مجلهٔ *هارپرز بازار* سپری کرد. وی در زمان همکاری با این مجله، روش‌های جدید تلفیق عکس و حروف چاپ را تجربه کرد. تصویر ۴۴ طرح جلد ساده و شادمانه او را به مناسبت پایان جنگ جهانی اول نشان می‌دهد.

**ویل برتین** سال ۱۹۰۹ م در کلن آلمان زاده شد و در کلن ورکشوله به تحصیل طراحی حروف و طراحی پرداخت. برتین پس از اتمام تحصیلات خود طراحی گرافیک را تجربه کرد و آن‌گاه در سال ۱۹۳۸ م به ایالات متحده آمد. از جمله فعالیت‌های او در هنگام طراحی آزاد تحول طراحی گرافیک و نمایشگاهی جدید در نیروی هوایی ارتش امریکا بود. برتین پیش از گشایش مجدد دفتر طراحی خود مدت چهار سال مدیر هنری مجلهٔ *فورچون* بود. از جمله سفارش‌دهندگان او شرکت‌هایی، چون شرکت آپ جوهن، یونیون کاربابد، ایستمن کداک، مک‌گرا ـ هیل و مؤسسه اسمیت سونین، بودند (تصاویر ٤٦ و ٤٧).

برتین استعداد خاصی در به تصویر کشیدن موضوعات پیچیده‌علمی و فناورانه‌داشت. او نمایشگاه‌های تحسین‌برانگیز بسیاری طراحی کرد که از جدیدترین فناوری، نظیر فیلم، تلویزیون، وسائل سمعی و بصری و هولوگرافی، بهره می‌بردند. برتین همچنین یکی از نخستین مبلغان طرح‌های هویت شرکتی بود.




۴۶



۴۷

٤٦ـ طرح جلد ویل برتین برای مجلهٔ *آرکیتکتورال فاروم* ترکیبی از عکس و تایپوگرافی برای جمع‌بندی یک دهه طراحی است.

٤٧ـ برتین در سمت مدیر هنری اسکوپ، مجلهٔ شرکت آپ‌جون،از این آزادی برخوردار بود که طرح‌های تجربی بسیاری را به انجام رساند.

**ویلیام آدیسون دویگینز** طراح کتاب‌های هنری و حروف چاپی و نخستین فردی بود که اصطلاح *طراحی گرافیک* را برای توصیف کار خود به کار برد. دویگینز گرچه از این اصطلاح در دهۀ بیست استفاده کرد اما تنها پس از جنگ جهانی دوم این اصطلاح کاربرد عام یافت.

دویگینز با طراحی کتاب‌های تجاری برای ناشرانی، چون آلفرد ای. ناپف و راندم هاوز، به شهرت رسید و همکاری او با مؤسسه هنرهای گرافیک امریکا موجب ارتقای کیفی تولید کتاب شد (تصاویر ۴۸ و ۵۰). او همچنین طراح حروف چاپی معروفی، چون کالدونیا (تصویر ۴۹)، *الدورادو* و *الکترا* بود.

Lilliput

water within the Precincts of the Palace. But I was a little comforted by a Message from his Majesty, that he would give Orders to the Grand Justiciary for passing my Pardon in Form; which, however, I could not obtain. And I was privately assured, that the Empress conceiving the greatest Abhorrence of what I had done, removed to the most distant Side of the Court, firmly resolved that those Buildings should never be repaired for her Use; and, in the Presence of her chief Confidents, could not forbear vowing Revenge.

CHAPTER VI
OF THE INHABITANTS OF LILLIPUT; THEIR LEARNING, LAWS, AND CUSTOMS. THE MANNER OF EDUCATING THEIR CHILDREN. THE AUTHOR'S WAY OF LIVING IN THAT COUNTRY. HIS VINDICATION OF A GREAT LADY.



LTHOUGH I intended to leave the Description of this Empire to a particular Treatise, yet in the mean time I am content to gratify the curious Reader with some general ideas. As the common Size of the Natives is somewhat under six Inches, so there is an exact Proportion in all other Animals, as well as Plants and Trees: For Instance, the tallest Horses and Oxen are between four and five Inches in Height, the Sheep an Inch and a half, more or less; their Geese about the Bigness of a Sparrow; and so the several Gradations downwards, till you come to the smallest, which, to my Sight, were almost invisible; but Nature hath adapted the Eyes of the Lilliputians to all Objects proper for their View: They see with great Exactness, but at no great Distance. And to show the Sharpness of their Sight towards Objects that are near, I have been much pleased with observing a Cook pulling a Lark, which was not so large as a common Fly; and a young Girl threading an invisible Needle with invisible Silk. Their tallest Trees are about seven Foot high; I mean some of those in the great Royal Park, the Tops whereof I could but just reach

۴۸

Caledonia

۴۹

LAYOUT
in Advertising



W. A. DWIGGINS

A splendid desk manual for all copy-writers. It contains an abundance of practical suggestions on advertising layout. The text is copiously illustrated with sketches by the author, who is widely known in the advertising and typographical world.

HARPER & BROTHERS · ESTABLISHED 1817

۵۰

۴۸ـ صفحه‌ای از کتاب *سفرهای گالیور* که دویگینز برای انتشارات پتر پویر طراحی کرد و با حروف متنی خود به نام الکترا حروف‌چینی شد و مزین به حروف ترسیمی سرفصل گردید.

۴۹ـ کالدونیا، یکی از رایج ترین قلم‌های کتابی این دوره را دویگینز درسال ۱۹۳۸ م برای شرکت مرگنتالر لاینو تایپ طراحی کرد.

۵۰ـ صفحه‌عنوان با حروف‌سازی دستی‌طرحی از دبلیو‌ای. دویگینز برای کتاب خود، *صفحه آرایی در تبلیغات*، سال ۱۹۲۸م.

**جئورجه جیوستی** سال ۱۹۰۸ م در میلان زاده شد و در آکادمی سلطنتی هنرهای زیبای همان شهر، بره‌را، به تحصیل پرداخت. جیوستی پس از فعالیت در رشتهٔ طراحی گرافیک در میلان تصمیم گرفت استودیوی طراحی خود را در زوریخ دایر کند و در این شهر به مدت هفت سال به انجام کارهای گرافیک عمومی مشغول بود.

جیوستی پس از دیدار از ایالات متحده دعوت هربرت ماتر را برای همکاری در طراحی پاویون سوئیس در نمایشگاه جهانی سال ۱۹۳۹ م نیویورک پذیرفت و برای همیشه در امریکا اقامت گزید. از این زمان، فعالیت جیوستی تنوع و گستردگی وسیعی می‌یابد که از جملهٔ آن‌ها می‌توان به زمینه‌هایی چون نشر، تبلیغات تجاری، بسته‌بندی، کارهای گرافیک مشترک و تصویرسازی اشاره کرد (تصاویر ۵۱، ۵۲ و ۵۳). او همچنین پوسترهایی برای ادارهٔ اطلاعات ایالات متحده طراحی کرد و مشاور طراحی شرکت داروسازی جیگی بود. قدرت طراحی او برگرفته از این باور اوست که نباید تمایزی میان هنرهای زیبا و هنر تجاری قائل شد. او معتقد است هنر با هر هدفی هنر است. او اکنون در دههٔ هفتم عمر خود همچنان در کشف و یافتن روش‌های جدید ارتباط بصری فعال است.




۵۱




۵۲




۵۳

۵۱ـ پوستری دفاعی که جیوستی درسال ۱۹۴۰م به ابتکار مجلهٔ *فورچون* طراحی کرد و حس پندارگونه وحشت و اضطرار را پدید می‌آورد.

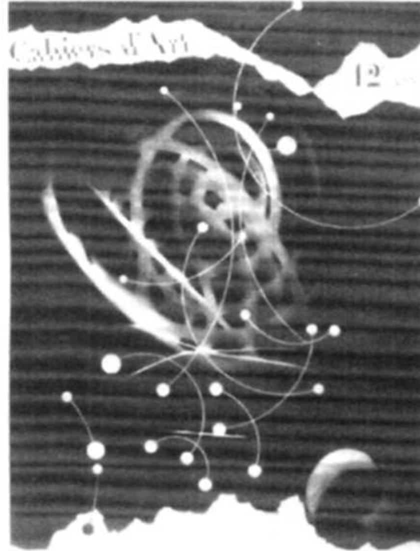
۵۲ـ طرح جلد مجلهٔ *فورچون* کار جئورجه جیوستی توجه بیننده را به خزانهٔ اسلحهٔ توپ ساحلی امریکا معطوف می‌دارد. این طرح به شیوهٔ نقاشان دقتگرا پرداخت شده است.

۵۳ـ پوستر جیوستی در مسابقهٔ سال ۱۹۴۲ م موزهٔ هنر مدرن که با کنار هم چیدن هواپیماها، نشانه نیروی هوایی امریکا را در آسمان نقش کرده است.

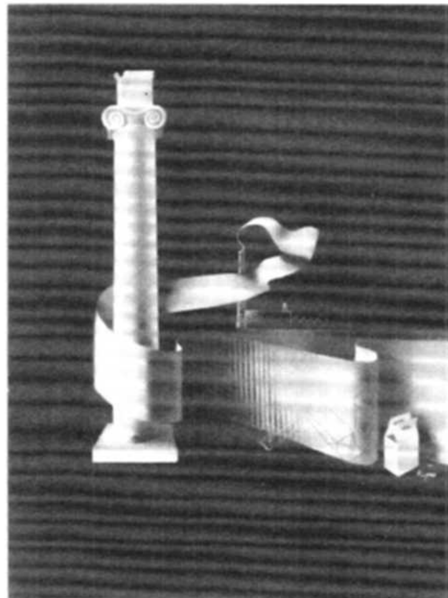
**گیورگی کپس** سال ۱۹۰۶م در شهر سیلو در مجارستان زاده شد. کپس که در زمینهٔ چاپ و فیلم‌سازی نیز سررشته داشت، اوایل دههٔ سی فعالیت خود را در طراحی نمایشگاه و طراحی گرافیک در برلین آغاز کرد و با موهولی‌ناگی آشنا شد (تصویر ۵٤).

کپس درسال ۱۹۳٦ م برای کار با موهولی ناگی به لندن آمد و این همکاری یک سال بعد نیز تا هنگام مهاجرت این دو به ایالات متحده ادامه یافت. موهولی ناگی که درصدد جذب استاد برای مدرسهٔ جدید باهاوس در شیکاگو بود، کپس را برای مدیریت گروه رنگ و نور این مدرسه به همکاری فراخواند.

کپس در سال۱۹٤٦ م به انستیتوی فناوری ماساچوست رفت و تا سال ۱۹۷٤ م به تدریس پرداخت. او در همین زمان «مرکز مطالعات پیشرفتهٔ تجسمی» را تأسیس کرد. کپس به طور مستقل به طراحی گرافیک ادامه داد و همانند بسیاری از همتایان خود با شرکت کنتینر امریکا همکاری کرد. (تصاویر ۵۵ و ۵٦) کپس شاید بیش‌تر به‌خاطر کتاب خود، *زبان تصویر*، مشهور باشد که بیش از هر کتاب دیگر به ترویج فلسفه باهاوس یاری رساند. کپس در ادامهٔ کار خود به نگارش و ویرایش مجموعه کتاب‌های *تصاویر و ارزش‌ها* برای طراحان و معماران رو آورد.




۵۴



۵۵



۵۶

۵٤ـ طرح جلد گئورگی کپس برای *کایه دو آرت* در سال ۱۹۳۷م تلفیق فتوگرام با حروف و عناصرخطی برای ایجاد جلوه‌ای سورئالیستی و آوانگارد است.

۵۵ـ کپس در این کار با نام *مسئولیت*، تصویری سورئالیستی آفریده که درآن دود کارخانهٔ کاغذسازی به نواری از مقوای موجدار تبدیل شده است. ستون یونانی پیش‌زمینه، به برتری محصولات سی‌سی ای اشاره دارد.

٥٦ـ کپس در نوتیلوس متعلق به سال ۱۹۳۷م عکسی از صدف حجره‌دار نوتیلوس را با گواش و ابرباش تقویت کرد تا به رابطهٔ میان استحکام صدف‌و محصولات سی سی ای اشاره کند.

**لئو لیونی** سال ۱۹۱۰ م در هلند زاده شد. هنگامی که لئو چهارده ساله بود، خانواده‌اش به فیلادلفیا نقل مکان کردند اما این اقامت طولی نکشید و خانوادهٔ او این بار در جنوای ایتالیا اقامت گزیدند. لیونی که در جوانی به نقاشی رو آورده بود، جذب موج دوم فوتوریسم شد. با این حال در زمینهٔ طراحی گرافیک از داستیل و باهاوس تأثیر بیش‌تری پذیرفت.

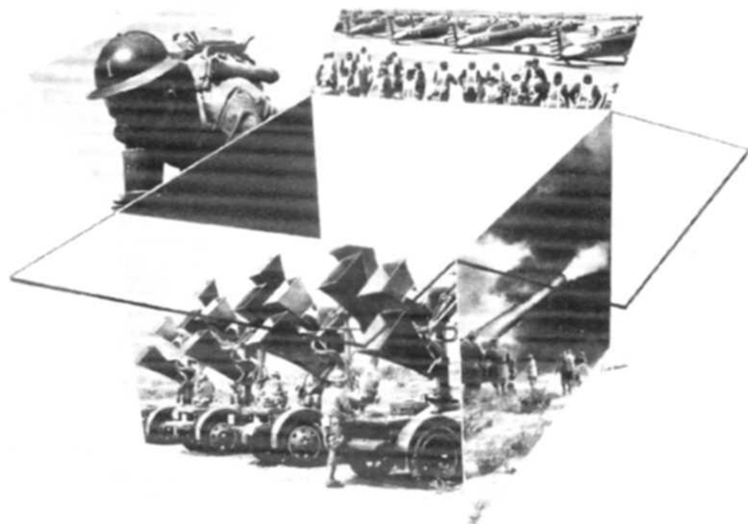
لیونی پیشهٔ طراحی گرافیک را در میلان آغاز کرد و اعلان‌هایی برای مجلات *داموس* و *کازابلا* طراحی کرد. در میانهٔ دههٔ سی به دلیل افزایش یافتن خطر فاشیسم به فیلادلفیا بازگشت و در این شهر مدیر هنری کانون آگهی ان. دبلیو آیر شد.

لیونی در سال ۱۹٤۷ م در نیویورک اقامت گزید و در این شهر استودیوی خود را افتتاح کرد و مدیر هنری مجلهٔ *فورچون* شد و این سمت را به مدت چهارده سال حفظ کرد. لیونی در این سال‌ها با شرکت‌هایی، چون کنتینر امریکا، الیوتی و موزهٔ هنر مدرن، نیز همکاری کرد. (تصاویر ۵۷ و ۵۸).

لیونی در سال ۱۹۶۰ م در سن پنجاه سالگی از کار خود کناره گرفت و اکنون اوقات خود را در امریکا و ایتالیا می‌گذراند و در ایتالیا به نقاشی، طراحی، تدریس و نگارش کتاب کودک مشغول است.



۵۷



۵۸

۵۷ـ لئو لیونی با تلفیق دو عکس فتومونتاژی با نام *دکمه را فشار بده* خلق کرد که دربارهٔ مأموریت بمب افکن‌های ب ـ ۱۷است.

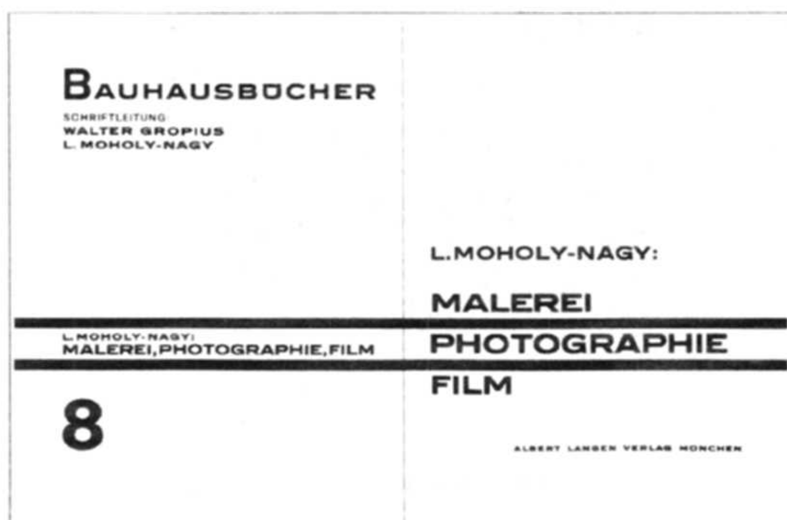
۵۸ـ لیونی در این کار به ساده‌ترین شیوه، نقش سی‌سی‌ای را در کوشش‌های جنگی بیان داشته است.

**لازلـیو موهولـی ناگی** در مجارستان متولد شـد و بـه تحصـیل پرداخـت. او در جـنگ جهانـی اول شـرکت کـرد و مجـروح شـد. گرچه در رشتهٔ حقوق تحصیل کرده بود اما چـیزی نگذشـت کـه تمـام وقـت خـود را مصـروف هـنر کـرد. موهولی ناگی در سال ۱۹۲۳ م بـرای تدریـس چـاپ و طراحـی گرافیک به باهاوس دعوت شد و مدت پنج سال ویراستار طراحی نشریات باهاوس بود. (تصـاویر ۵۹ و ٦۰) موهولـی ناگـی پس از تـرک باهاوس به برلین رفت و در آن‌جا در زمینهٔ طراحـی صحنه و فیلم‌های تجربی به فعالیـت پرداخـت. بـا ظهـور هیتلر آلمان را تـرک گفت و ابتدا به لندن و سپس در سال ۱۹۳۷ م بــه ایــالات مــتحده رفــت و در شیکاگو مدرسـهٔ جدید باهاوس (انستیتوی طراحـی فعلـی) را تأسـیس کرد و مدیریت ایـن مدرسـه را تـا زمان مرگ خود در سال ۱۹٤٦ م در اختیـار داشت. موهولی ناگی در ٤۱ سـالگی بـر اثـر ابـتلا بـه سـرطان خون درگذشت.

بـزرگ‌تریـن نقـش موهولـی ناگی وارد کـردن فلسـفه باهاوس به امریکا بود که در کتاب *تصویر متحرک* خود آن را تبیین کرده اسـت. گـرچه فعالیـت او بـیش‌تر متکی به آمـوزش بود اما در جای خود توانست آثار چشـمگیر و جذابی برای شرکت‌هایی چون کنتینر امریکا و مجلهٔ فورچون خلق کند.




۵۹



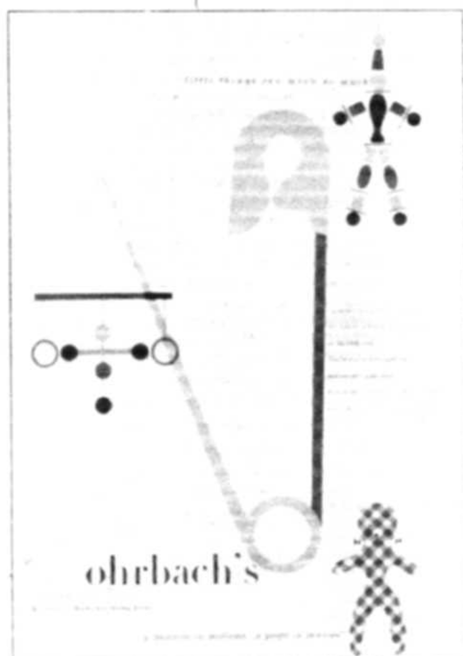

٦۰

۵۹ـ بروشور سال ۱۹۲۳م باهاوس کار لازلیو موهولی ناگی، نشان‌دهندهٔ شناخت او از اصول نهفته طراحی ساختارگرایانه است.

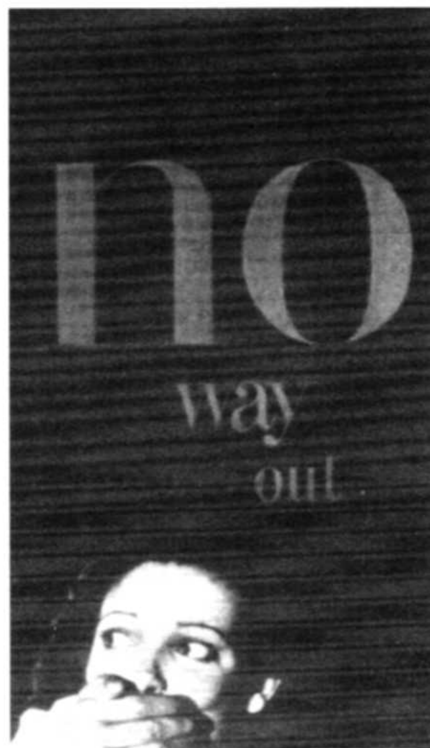
٦۰ـ کتاب نقاشی، عکاسی و فیلم باهاوس که موهولی ناگی آن را در سال ۱۹۲۵ م نگاشت و طراحی کرد.

**اریک نیچه** سال ۱۹۰۸ م در لوزان سوئیس زاده شد. نیچه مطالعات خود را در همین شهر آغاز کرد و آن را در مونیخ و برلین تکمیل کرد. او در سال ۱۹۲۹ م همکاری خود را با شرکت چاپ ماکسیمیلین وو در پاریس آغاز کرد و سه سال بعد طراح مستقل نشریات مختلف اروپایی شد. نیچه در سال ۱۹۳٤ م به نیویورک رفت و با جنبه‌های بسیار طراحی گرافیک آشنا شد. وی جلدهایی برای مجلات مُد، اعلان‌هایی برای فروشگاه‌های بزرگ و شرکت‌های تبلیغاتی، طرح جلدهایی برای صفحات موسیقی و کتاب و طرح‌های هویت شرکتی مختلفی را طراحی کرد.(تصاویر ٦١، ٦٢ و ٦٣) معروف‌ترین کار نیچه برای شرکت جنرال دینامیکز بود که در سال ۱۹۵۵ م مدیر هنری آن شد.

نیچه که از سال ۱۹۶۰ م توجه خود را تقریباً به طور کامل معطوف طراحی کتاب کرده است، هم اکنون مشغول تکمیل کتاب‌های تاریخ چند جلدی در زمینهٔ علم و موسیقی است. جدیدترین کار او طراحی تعدادی تمبر پستی برای دولت آلمان غربی بوده است.




۶۲




۶۱




۶۳

٦١ـ در این کار تبلیغاتی، حروف، کوچک و کوچک‌تر شده‌اند تا فریادی خفه شده را جلوه‌گر سازند.

٦٢ ـ اریک نیچه در آگهی فروشگاه بزرگ اورباخ تصویر یک سنجاق قفلی معمولی را چنان بزرگ کرد تا آن را به یک عنصر قوی طراحی تبدیل سازد.

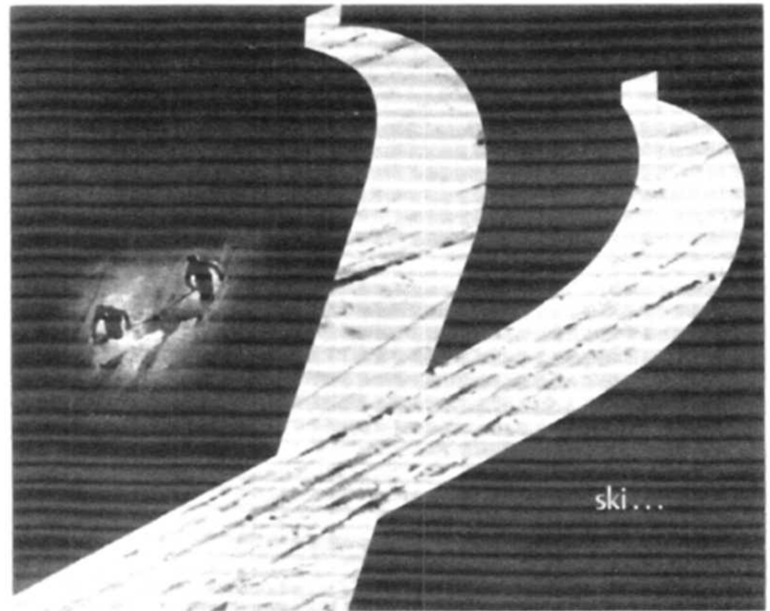
٦٣ـ اریک نیچه برای طرح جلد صفحهٔ موسیقی *اپرای کارمن* اثر ژرژ بیزه توری اسپانیایی را با تصویر درشت چشم زنی تلفیق کرد تا احساس شور و راز را پدید آورد.

**پـل رَنـد** در بروکلین زاده شد و در انستیتوی پـرات، مدرسـهٔ هـنر پارسـونز و در مجمـع دانشـجویان هـنر بـه ریاسـت جورج گروس تحصیل کـرد. رنـد در نخسـتین سـال‌هـای فعالیت خـود موفقیت‌هایی کسب‌کرد. او در سـال۱۹۳۷م در سـن بیست‌وسه سالگی مدیر هـنری مجـلات *اسکوایر* و *اپارل آرتز* شد و مجموعـه جلدهایی را برای آن‌ها طراحی کرد کـه اکـنون در زمـرهٔ جلدهـای کلاسیک قرار می‌گیرند.

آثـار اولـیه رنـد نشان از نبوغ او در اتخاذ ایـده‌های هـنر مدرن و استفاده از آن‌ها برای مقاصد گرافیک دارد (تصاویر ٦٤، ٦٥ و ٦٦). رنـد در سـال ۱۹٤۱ م دنـیای نشـر را تـرک گـفـت و پـا بـه عرصـه‌هـای پر رقابت‌تـر تبلیـغـات تجـاری گـذارد. وی در سمت‌های مدیـر هـنری شـرکت تبلیغاتـی ویلـیام اچ. ویـنتراب، اعـلان‌هــای نوآورانـه‌ای بـرای شـرکت‌هـای کورونـت بـراندی، دوبونـت آپرتـیف، ال‌پرودوکتو سیگارز و فروشگاه‌های بـزرگ اوربـاخ کـار کـرد. بسـیاری از ایـن اعلان‌ها پیشگامان گرایش به تلفیق طراحی و آگهـی نوشتـه هستند. این تحـول تبلیغـات تجاری را در سال‌های پس از جنگ دگرگون ساخت.

رنـد در سـال ۱۹٥٤ م شرکت وینتراب را تـرک گفت و شرکت ویژهٔ طرح‌های هویت شـرکتی را تأسیس کرد. از جمله شرکت‌های بسیاری که از خدمات شرکت رند برخوردار شدند آی. بی. ام، وستینگهاوز، شرکت کامینز انجیـن، ای. بـی. سـی و شـرکت خدمـات بسته‌بـندی متحد بودنـد. رنـد علی‌رغم مشـغله‌هـای کـاری بسیار خود به نگارش و تدریــس نــیز پرداخــت. دو نمونـــه از تأثیرگذارتریـن کـتاب‌هـای او در خصـوص حـرفهٔ طراحـی *تأملاتی در باب طراحی* و *پل رنـد: هنر طراح* هستند. رند با کارها، نوشته‌ها و تعلیمات خـود تعلیم‌دهـنده و الهام‌بخش نسل‌هایی از طراحان گرافیک ایالات متحده و خارج شد.

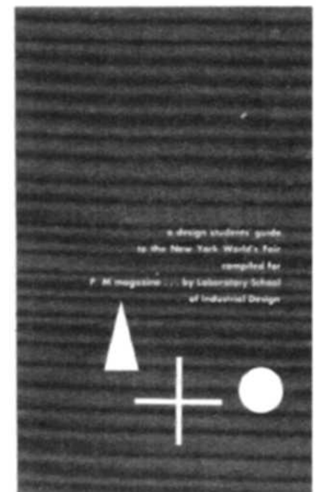
بسـیاری او را مهـم‌تریـن و پرنفوذتریـن طـراح تمـام دوره‌هـای امریکا مـی‌دانند. این عقیده درسال۱۹۸۷م با اعطای‌جایزهٔ ارتباطات




۶۴




۶۶




۶۵

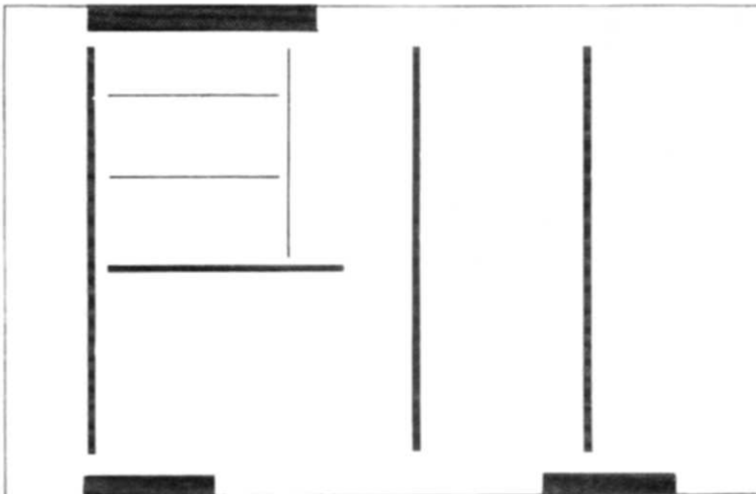
٦٤ـ صـفحه‌عـنوان بروشـور مجلـهٔ *اسکوایر* کار پل رند، سال۱۹۳۸م.

٦٥ـ رنـد در طـرح جلـد راهـنمای دانـش‌آمـوزی نمایشـگاه جهانـی نیـویورک، اشـکال هندسی ساده را با حـروف ترکیـب کـرده تـا طرحـی جاودانه و بدون زمان خلق کند.

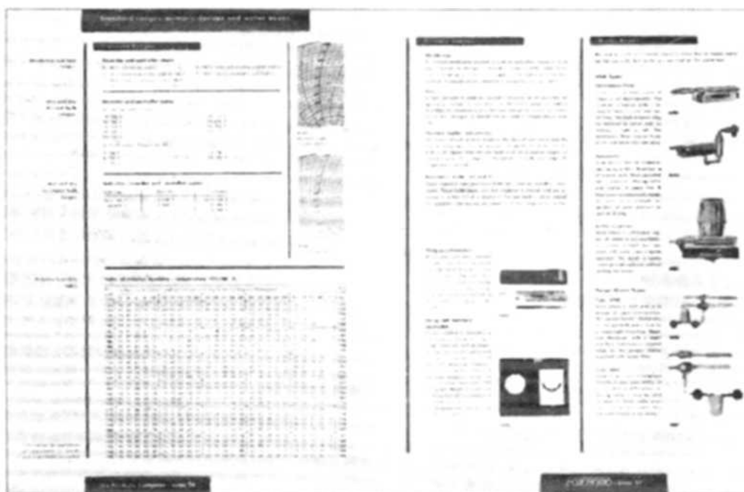
٦٦ـ طرح جلد مجلهٔ *دایرکشن* کار پل رنـد کـه دیـد مطایبـه آمیز او را بـه طراحی نشان می‌دهد.

بصری فلورانس (ایتالیا) به وی، که نخستین جایزه در زمینهٔ طراحی گرافیک امریکا بود، مورد تأیید واقع شد.

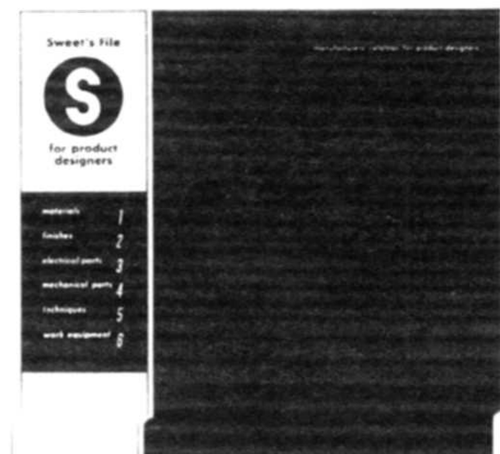
**لادیسلاو سوتنار** پیش از آن‌که در سال ۱۹۳۹ م در سن چهل و دو سالگی به امریکا بیاید، از طراحان موفق چکسلواکی به حساب می‌آمد. همزمان با ایامی که او مشغول اجرای طرح‌هایی برای پاویون چک در نمایشگاه جهانی نیویورک بود، نیروهای آلمان به خاک چکسلواکی تجاوز کردند و سوتنار ناگزیر به اقامت در امریکا شد. او از سال ۱۹۴۱م تا سال ۱۹۶۰ م مدیر هنری شرکت خدمات سویتس کاتالوگز بود. در این شرکت استفاده از جدول‌بندی را برای نظام بخشیدن به اطلاعات پیچیدهٔ فنی باب کرد. (تصاویر ۶۷، ۶۸ و ۶۹). کارهای سوتنار در زمینهٔ کتاب، مجله یا محصولات، همگی بازتاب شناخت کامل او از فلسفهٔ باهاوس است. سوتنار همچنین چند کتاب در امریکا در زمینهٔ طراحی نوشت (تصویر ۷۰) و تا زمان مرگ خود در سال ۱۹۷۶ م فعال باقی ماند.



۶۷

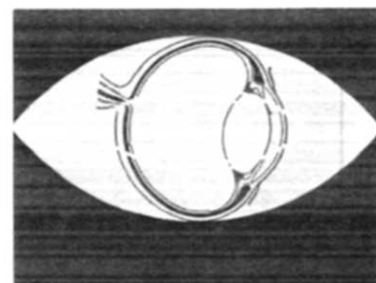


۶۸




۶۹



۷۰

۶۷و۶۸و۶۹ـ لادیسلاو سوتنار به منظور نظم بخشیدن به تولیدات و اطلاعات مختلف مورد نیازمعماران وطراحان، جدولی‌برای کاتالوگ‌های موسوم به سویتزفایل (پوشهٔ آسان) پدید آورد. در این‌جا طرح جلد و نمونه‌ای از نحوهٔ به کارگیری یکی از این جداول در یکی از صفحات این کاتالوگ مشاهده می‌شود.

۷۰ـ سوتنار، طراح‌گرافیک چندکاره، تصویرسازی‌های‌جالب‌توجه‌بسیاری برای کتبی انجام داد که خود دربارهٔ طراحی نوشته بود.

**برادبری تامپسون** فارغ‌التحصیل کالج وشبرن در تاپکای کانزاس، یعنی زادگاه خود، کار طراحی و ویراستاری را با سالنامهٔ کالج محل تحصیلش آغاز کرد. او همچنین در همین دوره مهارت‌های نقشه‌کشی خود را توسعه بخشید و با مهندسان عمران در نقشه‌کشی جاده‌ها و پل‌ها همکاری کرد.

تامپسون در سال ۱۹۳۸ م به نیویورک آمد و طراح و ویراستار طراحی مجلهٔ هنرهای گرافیک شرکت خمیر و کاغذ وست ویرجینیا با نام وست‌واکو اینسپیریشن شد. (تصویر ۷۱). از سفارش‌دهندگان دیگر او در این دوره سازمان‌های تجاری و نمایشگاه جهانی نیویورک بود (تصاویر ۷۲ و ۷۳).

آثار برادبری تامپسون افزون بر کسب شهرت بین‌المللی، سطح آگاهی زیبایی‌شناسی طراحان و چاپ‌گران را نیز افزایش داد. او با بیش از سی سال تدریس طراحی در دانشگاه ییل الهام‌بخش دانشجویان بسیاری در سراسر جهان شد. تامپسون در طول این سال‌ها مجلات مهم بسیاری، از جمله *آرت نیوز*، *مادمازل* و *اسمیت سونین* و نیز تمبرهای پستی بی‌شماری برای خدمات پست امریکا طراحی کرد. از جمله جدیدترین کارهای او طراحی انجیل وشبرن بود که تحسین بسیاری را برانگیخت (بنگرید به صفحهٔ ۲۱۲).




۷۱




۷۲




۷۳

۷۱ـ بردبری تامپسون طراح و سردبیر مجلهٔ *وست‌واکو اینسپیریشن* توانست طرح‌های تحسین‌برانگیز بسیاری خلق کند.

۷۲ـ تامپسون در طرح جلد کتاب راهنمای رسمی نمایشگاه جهانی نیویورک، از نمادها برای تأکید برشعار صلح و آزادی جهانی این نمایشگاه بهره می‌گیرد.

۷۳ـ دید فوقانی به سرباز چوبی همراه با حروف‌سازی سه بعدی و نورپردازی مورب، همگی به منظور ایجاد حالت انتظار جشن در طرح جلدی متعلق‌به کریسمس سال۱۹۳۵م بوده است.

### مجلات و هنرمندان تصویرساز

*در دهۀ بیست و سی، مجلات خانوادگی از قبیل ستردی ایونینگ پست و کالیرز به نمایشگاه آثار برترین تصویرسازان امریکا تبدیل شدند. از جمله مردم‌پسندترین این تصویرسازان، هاوارد چندلر کریستی، جی. سی. لیندکر، جیمز مونتگومری فلاگ، جان هلد، تی. ام. کله‌لند و نورمن راکول، بودند.*

*این دوره همچنین معرفی مجلات مبتکرانهٔ بسیاری را شاهد بود. در سال ۱۹۲۳ م، هنری لوس و بریتون هدن، که به تازگی از دانشگاه ییل فارغ‌التحصیل شده بودند، مجله تایم، اولین هفته‌نامهٔ خبری، را عرضه کردند. به‌زودی مجلهٔ نیوزویک و مجلات تقلیدی دیگری در گوشه و کنار جهان الگوی تایم را دنبال کردند. مجلات موفق دیگری که لوس بنیان گذاشت، مجلهٔ فورچون در سال ۱۹۳۰ م و هفته‌نامهٔ قطع بزرگ عکاسی لایف در سال ۱۹۳۶ م بود.*




نخستین طرح‌جلد مجلهٔ *فورچون*، طراحی از تی.ام. کله لند

### وقایع و اشخاص

**وقایع تاریخی**

**۱۹۱۹ـ** تصویب قانون ممنوعیت مشروبات الکلی.

**۱۹۲۰ـ** تأسیس کی دی کی ای نخستین ایستگاه رادیویی در پیتسبورگ. ساخت فیلم اکسپرسیونیستی *مطب دکتر کالیگاری*.

**۱۹۲۱ـ** نگارش *شش شخصیت در جست‌وجوی نویسنده* اثر لوئیجی پیراندللو.

**۱۹۲۲ـ** راهپیمایی بنیتو موسولینی در رم. نگارش *سرزمین هرز* اثر تی. اس. الیوت. انتشار *یولیسیس* اثر جیمز جویس. کشف مقبرهٔ توتن خامن. نگارش *اتیکت* اثر امیلی پست. انتشار بابیت اثر سینکلر لوئیس.

**۱۹۲۳ـ** «شورش سالن آبجو» به دست آدولف هیتلر درمونیخ. هنری لوس مجلهٔ *تایم* را تأسیس کرد. مرگ سارا برنار. محبوبیت آوازهای: «بارنی گوگل» و «بله، ما هیچ موزی نداریم.»

**۱۹۲۴ـ** انتصاب جی. ادگار هوور به ریاست اف‌بی‌آی نگارش *زندگی من در هنر* به قلم کنستانتین استانیسلاوسکی. برگزاری نخستین المپیک زمستانی.

**۱۹۲۵ـ** آفرینش *رزمناو پوتمکین*، شاهکار سرگی آیزنشتاین. نگارش *نبردمن* به قلم آدولف هیتلر. نگارش *گتسبی بزرگ* اثر اف. اسکات فیتزجرالد. انتشار رمان *محاکمه* اثر کافکا. محاکمهٔ جان تی. اسکوپس، ملقب به «میمون».

**۱۹۲۶ـ** مرگ رودولف والنتینو. نگارش رمان *خورشید همچنان می‌درخشد*، اثر ارنست همینگوی. نگارش رمان *آسیاب کنار رودخانهٔ پو*، اثر ای. ای. میلن. گرترود ادلر نخستین زن شناگر کانال مانش.

**۱۹۲۷ـ** ساخت *خوانندهٔ جاز*، نخستین فیلم ناطق. نگارش *واکنش‌های شرطی* به قلم ایوان پتروویچ پاولف. پرواز بدون توقف چارلز لیندبرگ از نیویورک به پاریس. اعدام نیکولا ساکو و بارتولومئو وانزتی. مرگ لیزی بوردن. مرگ ایزودورا دانکن. محبوبیت ترانهٔ جروم کرنز به‌نام «تو ای جاری انسان».

**۱۹۲۸ـ** نخستین طرح پنج سالهٔ اتحاد جماهیر شوروی. نخستین فیلم میکی ماوس. انتشار رمان *فاسق خانم چترلی* اثردی. اچ. لارنس. ویکتور فلمینگ پنیسیلین را کشف کرد. پرواز آملیا ارهارت برفراز اقیانوس آرام. اختراع شمارگر گایگر.

**۱۹۲۹ـ** نگارش *خشم و هیاهو* اثر ویلیام فاکنر. سقوط بازار بورس در ۲۸ اکتبر، جمعهٔ سیاه. نگارش رمان *در جبههٔ غرب خبری نیست* اثر اریش ماریا رمارک. قتل عام روز سن‌والنتین در شیکاگو. مرگ سرگی دیاگلیف. تصنیف «غبار ستاره» اثر هوگی کارمایکل.

**۱۹۳۰ـ** نگارش *زندگی‌های خصوصی* اثر نوئل کاوارد. نگارش *شاهین مالت* اثر دشیل همت. نقاشی تابلوی *گوتیک امریکایی* اثر گرانت.

**۱۹۳۱ـ** ایفای نقش بوریس کارلوف در فیلم *فرانکشتاین*. نمایش فیلم *روشنایی‌های شهر* ساخته چارلی چاپلین. نگارش *خاک خوب* اثر پرل باک. نقاشی *پایداری خاطره* اثر سالوادور دالی. تکمیل ساختمان امپایر استیت بیلدینگ. «پرچم پولک‌های درخشان» سرود ملی امریکا شد.

**۱۹۳۲ـ** نگارش *دنیای قشنگ نو* اثرآلدوس‌هاکسلی. نخستین ایفای نقش شرلی تمپل در سینما. نگارش *جادهٔ تنباکو* اثر ارسکین کالدول.

**۱۹۳۳ـ** انتصاب هیتلر به سمت صدر اعظم. کینگ کنگ فای رای را ربود. لغو استاندارد طلایی در امریکا. مرگ لوئیس کامفورت تیفانی.

**۱۹۳۴ـ** یوسیف استالین حزب کمونیست را تصفیه کرد. فرانسه اس. اس. نورماندی را به آب انداخت. آغاز نگارش *مطالعهٔ تاریخ* اثر آرنولد جوزف توین بی. قتل جان دیلینگر به دست اف بی آی.

**۱۹۳۵ـ** *سی و نه پله* به کارگردانی آلفرد هیچکاک. قانون تأمین اجتماعی را رئیس جمهور روزولت امضا کرد. تصنیف *پورگی و بس* اثر جورج گرشوین.

**۱۹۳۶ـ** درگذشت شاه جورج پنجم. عزل شاه ادوارد هشتم از سلطنت. نگارش کتاب *آیین دوست یابی و تأثیر بر مردم* اثر دیل کارنگی. نگارش *بربادرفته* اثر مارگرت میچل. چهار مدال طلای المپیک را جس آونز کسب کرد. آغاز جنگ داخلی اسپانیا. فرانک لویدرایت (خانهٔ) آبشار را طراحی کرد.

**۱۹۳۷ـ** نقاشی *گوئرنیکا* اثر پیکاسو. آتش گرفتن کشتی هوایی هیندنبرگ در لیک هورست، در ان. جی. مرگ جان دی. راکفلر در سن ۹۸سالگی. ازدواج دوک وینزور با والیس سیمپسون. کارگردانی *توهم بزرگ* اثر ژان رنوار. نمایش *سفید برفی و هفت کوتوله* ساخت والت دیسنی.

**۱۹۳۸ـ** (آرتور) نویل چمبرلین در مذاکرهٔ صلح با هیتلر در مونیخ. نگارش *ربکا* اثر دافنه دموریه. محبوبیت ترانهٔ «flat Foot Floogie with a Floy Floy»

**۱۹۳۹ـ** امضای پیمان عدم تعرض هیتلر با

استالین. نگارش *خوشه‌های خشم* اثر جان اشتاین بک. آغاز جنگ جهانی دوم. ادوین آرمسترانگ روش پخش رادیوی موج اف. ام. را تکامل بخشید. مرگ زیگموند فروید.

**ادبیات**
آندره ژید (۱۸۶۹_ ۱۹۵۱)
ای. ام. فورستر (۱۸۷۹_ ۱۹۷۰)
سینکلرس لوئیس (۱۸۸۵ _ ۱۹۵۱)
ارنست همینگوی (۱۸۸۹_ ۱۹۶۱)
سی. اس. فورستر (۱۸۹۹_ ۱۹۶۶)
توماس مان (۱۸۷۵_ ۱۹۵۵)
اولین واگ (۱۹۰۳_ ۱۹۶۶)
توماس وولف (۱۹۰۰_ ۱۹۳۸)
جیمز جونز (۱۹۲۱_ ۱۹۷۷)
جان دوس پاسوس (۱۸۹۶_ ۱۹۷۰)
فرانتس کافکا (۱۸۸۳_ ۱۹۲۴)
هارت کرین (۱۸۹۹_ ۱۹۳۲)
جان اوهارا (۱۹۰۵_ ۱۹۷۰)
جان اشتاین بک (۱۹۰۲_ ۱۹۶۸)
گراهام گرین (تولد ۱۹۰۴)
آگاتا کریستی (۱۸۹۱_ ۱۹۷۶)
پرل باک (۱۸۹۲_ ۱۹۷۳)
یوجین اونیل (۱۸۸۸_ ۱۹۵۳)
هرمان هسه (۱۸۷۷_ ۱۹۶۲)
دوروتی پارکر (۱۸۹۳_ ۱۹۶۷)
تی. اس. الیوت (۱۸۸۸_ ۱۹۶۵)
اف. اسکات فیتزجرالد (۱۸۹۶_ ۱۹۴۰)
برتولد برشت (۱۸۹۸_ ۱۹۵۶)
خورخه لوئیس بورخس (۱۸۹۹_ ۱۹۸۶)
ویلیام فاکنر (۱۸۹۷_ ۱۹۶۲)
نوئل کاوارد (۱۸۹۹_ ۱۹۷۳)
پی. جی. وادهاوس (۱۸۸۱_ ۱۹۷۵)
ازرا پاوند (۱۸۸۵_ ۱۹۷۲)
اچ.ال منکن (۱۸۸۰_ ۱۹۵۶)
ارنولد توین بی (۱۸۸۹_ ۱۹۷۵)
ویرجینیا وولف (۱۸۸۲_ ۱۹۴۱)
آلدوس هاکسلی (۱۸۹۴_ ۱۹۶۳)
ماکسیم گورکی (۱۸۶۸_ ۱۹۳۶)
انائیس نین (۱۹۰۳_ ۱۹۷۷)
دبلیو. اچ. اودن (۱۹۰۷_ ۱۹۷۳)
کریستوفر ایشروود (۱۹۰۴_ ۱۹۸۶)

**موسیقی**
بلا بارتوک (۱۸۸۱_ ۱۹۴۵)
روبرت ستولز (۱۸۸۲_ ۱۹۷۵)
زولتان کودای (۱۸۸۲_ ۱۹۶۷)
آلبان برگ (۱۸۸۵_ ۱۹۳۵)
هیتور ویلا_ لوبوس (۱۸۸۷_ ۱۹۵۹)
سرگی پروکوفیف (۱۸۹۱_ ۱۹۵۳)
آرتور اونه گر (۱۸۹۲_ ۱۹۵۵)
پاول هیندمیت (۱۸۹۵_ ۱۹۶۳)
ویرجیل تامسون (تولد ۱۸۹۶)
جورج گرشوین (۱۸۹۸_ ۱۹۳۷)
فرانسیس پولانک (۱۸۹۹_ ۱۹۶۳)
آرنولد کوپلند (تولد ۱۹۰۰)
کورت وایل (۱۹۰۰_ ۱۹۵۰)
ویلیام والتون (تولد ۱۹۰۲)
آرام خاچاتوریان (۱۹۰۳_ ۱۹۷۸)
مارک بلیتزاستاین (۱۹۰۶_ ۱۹۶۴)
دیمیتری شوستاکوویچ (۱۹۰۶_ ۱۹۷۵)
الیور مسیان (تولد ۱۹۰۸)
جان کارلو منوتی (تولد ۱۹۱۱)
بنجامین بریتن (۱۹۱۳_ ۱۹۷۶)
داریوس میلو (۱۹۷۴_ ۱۸۹۲)

**هنرهای زیبا**
چارلز دموت (۱۸۳۳_ ۱۹۳۵)
کارل هوفر (۱۸۷۸_ ۱۹۵۵)
آرتور داو (۱۸۸۰_ ۱۹۴۶)
ادوارد هوپر (۱۸۸۲_ ۱۹۶۷)
خوزه اوروزکو (۱۸۸۳_ ۱۹۴۹)
چارلز شیلر (۱۸۸۳_ ۱۹۶۵)
والتر گروپیوس (۱۸۸۳_ ۱۹۶۹)
ماکس بکمان (۱۸۸۴_ ۱۹۵۰)
آمده اوزانفان (۱۸۸۶_ ۱۹۶۶)
دیگو ریورا (۱۸۸۶_ ۱۹۵۷)
لودویک میس فن در روهه (۱۸۸۶_ ۱۹۶۹)
گئورگیا اوکیفی (۱۸۸۷_ ۱۹۸۶)
کورت شوایترز (۱۸۸۷_ ۱۹۴۸)
لوکوربوزیه(شارل ادوار ژانره) (۱۸۸۷_ ۱۹۶۵)
هنری مور (۱۸۸۷_ ۱۹۸۶)
یوزف آلبرز (۱۸۸۸_ ۱۹۷۶)
یوهانس ایتن (۱۸۸۸_ ۱۹۶۷)
اسکار اشلمر (۱۸۸۸_ ۱۹۴۳)
توماس‌هارت بنتون (۱۸۸۹_ ۱۹۷۵)
اوتو دیکس (۱۸۹۱_ ۱۹۶۹)
گرانت وود (۱۸۹۲_ ۱۹۴۲)
خوان میرو (۱۸۹۳_ ۱۹۸۳)
استوارت دیویس (۱۸۹۴_ ۱۹۶۴)
لازلیو موهولی ناگی (۱۸۹۵_ ۱۹۴۶)
دیوید سیکه‌ایرس (۱۸۹۶_ ۱۹۷۴)
آندره ماسون (تولد ۱۸۹۶)
پل دلوکس (تولد ۱۸۹۷)
جان استوارت کری (۱۸۹۷_ ۱۹۴۶)
الکساندر کالدر (۱۸۹۸_ ۱۹۷۶)
رنه مگریت (۱۸۹۸_ ۱۹۶۷)
ایو تانگی (۱۹۰۰_ ۱۹۵۵)
مارسل بروئر (۱۹۰۲_ ۱۹۸۱)
سالوادور دالی (تولد ۱۹۰۴)
بالتوس (تولد ۱۹۰۸)
روبرتو ماتا اخائورن (تولد ۱۹۱۲)

**هنرهای گرافیک**
هاوارد چندلر کریستی (۱۸۷۳_ ۱۹۵۲)
جی. سی. لیندکر (۱۸۷۴_ ۱۹۵۱)
رودولف کخ (۱۸۷۶_ ۱۹۳۴)
بارت وان در لک (۱۸۷۶_ ۱۹۵۸)
جیمز مونت گومری فلاگ (۱۸۷۷_ ۱۹۶۰)
پل ره نر (۱۸۷۸_ ۱۹۵۶)
دی. دبلیو. دویگینز (۱۸۸۰_ ۱۹۵۶)
توماس. ام. کله لند (۱۸۸۰_ ۱۹۶۴)
اریک گیل (۱۸۸۲_ ۱۹۴۰)
اچ. ان. ورکمان (۱۸۸۲_ ۱۹۴۵)
تئو وان دوزبرگ (۱۸۸۳_ ۱۹۳۱)
ویلموس‌هازار (۱۸۸۴_ ۱۹۶۰)
پیت زوارت (۱۸۸۵_ ۱۹۷۷)
رابرت بونفیلیس (۱۸۸۶_ ۱۹۷۲)
رائول هوسمان (۱۸۸۶_ ۱۹۷۱)
استنلی موریسون (۱۸۸۹_ ۱۹۶۷)
جان هلد (۱۸۸۹_ ۱۹۵۸)
الکساندر رودچنکو (۱۸۹۱_ ۱۹۵۶)
جان‌هارتفیلد (هلموت هرتزفیلد) (۱۸۹۱_ ۱۹۶۸)
پل کالین (۱۸۹۲_ ۱۹۸۶)
یان وان کریمپن (۱۸۹۲_ ۱۹۵۸)
نورمن راک ول (۱۸۹۴_ ۱۹۷۸)
ای. مکنایت کوفر (۱۸۹۵_ ۱۹۵۴)
لازلیو موهولی ناگی (۱۸۹۵_ ۱۹۴۶)
ام. اف. آگا (۱۸۹۶_ ۱۹۷۸)
لادیسلاو سوتنار (۱۸۹۷_ ۱۹۷۶)
ژوزف بایندر (۱۸۹۸_ ۱۹۷۲)
الکسی برودویچ (۱۸۹۸_ ۱۹۷۱)
هربرت بایر (۱۹۰۰_ ۱۹۸۶)
ژان کارلو (تولد۱۹۰۰)
ای.ام کاساندر (ادولف ژان ماری مورون) (۱۹۰۱_ ۱۹۶۸)
یان تشیچهلد (۱۹۰۲_ ۱۹۷۴)
لستر بیل (۱۹۰۳_ ۱۹۶۹)
زانتی شاوینسکی (تولد ۱۹۰۴)
گیورگی کپس (تولد۱۹۰۶)
هربرت ماتر (۱۹۰۷_ ۱۹۸۴)
ویل برتین (۱۹۰۸_ ۱۹۷۲)
جئورجه جیوستی (تولد ۱۹۰۸)
اریک نیچه (تولد ۱۹۰۸)
لئو لیونی (تولد ۱۹۱۰)
بردبری تامپسون (تولد ۱۹۱۱)
جووانی پینتوری (تولد ۱۹۱۲)
پل رند (تولد ۱۹۱۴)

## ۱۹۴۰ ـ ۱۹۶۰
## جنگ جهانی دوم و عصر اتم

فرانسه در سال ۱۹٤۰ م به اشغال نازی‌ها درآمده بود، انگلستان در شرف اشغال بود و امریکا در تلاش بود تا روند بی‌طرفی مشخصی را دنبال کند. در ژوئن ۱۹٤۱ م، اروپا و افریقای شمالی به اشغال ارتش آلمان درآمده بود و هیتلر برای حمله به اتحاد شوروی رو به سوی شرق نهاد. در ۷ دسامبر ۱۹٤۱ م، با حملهٔ ژاپن به بندر پرل هاربر، امریکا وارد جنگ شد و یک شبه خود را در دو جبههٔ اروپا و اقیانوس آرام در حال نبرد دید. پس از سه سال نبرد سهمگین، مرحلهٔ نهایی جنگ اروپا با هجوم متحد نورماندی در ٦ ژوئن ۱۹٤٤ م آغاز شد و با شکست آلمان در ۸ می ۱۹٤٥ م به پایان رسید.

جنگ با ژاپن در ٦ اوت ۱۹٤٥ م با بمباران اتمی هیروشیما ناگهان به پایان رسید. ژاپن در دوم سپتامبر بر عرشهٔ رزمناو میسوری در خلیج توکیو به طور رسمی تسلیم شد.

از جنگ جهانی دوم، دو ملت، ایالات متحدهٔ امریکا، و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در نقش دو ابرقدرت پدیدار شدند. این دو ابرقدرت که نمایندگان دو ایدئولوژی سیاسی و اقتصادی متضاد بودند، برای اتحاد با ملل نوظهور جهان سوم به رقابت با یکدیگر برخاستند. در سال ۱۹٤۹ م، هر دو ابرقدرت مجهز به بمب اتم بودند و دوران جنگ سرد را می‌گذراندند.

قدرت سوم، چین، که در دورهٔ جنگ همانند اتحاد شوروی از متحدان امریکا به شمار می‌رفت، در دوران مائوتسه‌دونگ به آغوش کمونیسم رو نهاد و به بلوک شرق پیوست.

دههٔ پنجاه با ستیز جدی شرق و غرب در قالب جنگ کره مواجه بود که سه سال به درازا کشید و در سال ۱۹٥۳م با ریاست جمهوری دووایت آیزنهاور به پایان رسید. با کمک اقتصادی امریکا، این دهه همچنین از رونق کلی اقتصاد جهانی بهره می‌برد. چشمگیرترین این بهره‌وری در ژاپن و آلمان‌غربی صورت گرفت.

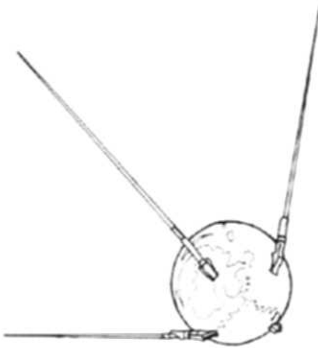
همچنین در این دوره تلویزیون شیوهٔ زندگی امریکایی را دگرگون ساخت. تلویزیون انقلابی در ارتباطات و سرگرمی‌های خانگی پدید آورد و تعریف جدیدی از نقش رادیو، سینما، کتاب، مجلات و روزنامه‌ها ارائه داد.

نوآوری‌های دیگری که مشخصهٔ این دوره‌شدند، پخش برنامه‌های رادیوی موج اف ام، رادار، صفحات ۳۳ دور، ضبط‌صوت‌ها، دوربین‌های پولاروید، ترانزیستورها، لیزرها، زیراکس، غذاهای منجمد و مجموعهٔ کاملی از الیاف پلاستیکی و ترکیبی بود.

شاید مهم‌ترین تحول در زمینهٔ بازرگانی و ارتباطات رشد چشمگیر و کاربرد فناوری کامپیوتری بود. در زمینهٔ حمل و نقل، کشتی‌های اقیانوس‌پیما و ترن‌ها، جای خود را به هواپیماهای جت بخشیدند که زمان مورد نیاز برای رسیدن به مقصد را به شدت کاهش دادند.

در سال ۱۹٥۷ م، سالی که فرودگاه دیترویت هواپیمای ادسل را معرفی کرد، روس‌ها مردم امریکا را با پرتاب اولین موشک زمین به هوا موسوم به اسپوتنیک یک، حیرت‌زده کردند و بدین‌سان پا به عصر فضا گذاردند و ایالات‌متحده امریکا را واداشتند در برتری خود تجدیدنظر کند.

در همین زمان، جک کروواک، رمان‌نویس «هیپی» و آلن گینزبرگ، شاعر «هیپی»، در آثار خود علیه تفکر دنباله‌روی و همرنگی شوریدند. تئاتر در این دوره از فوران خلاقیت در آثار تنسی ویلیامز و آرتور میلر بهره برد. در انگلستان، جورج اورول با رمان *۱۹۸٤* زندگی در زیرنگاه مراقب برادر بزرگ را دستمایهٔ کار خود قرار داد و دیلان توماس شاعر ولزی اشعاری دربارهٔ زندگی در ولز سرود. در فرانسه ژان پل سارتر و آلبرکامو با رمان‌ها و نمایشنامه‌های خود، به پژوهش در اگزیستانسیالیسم پرداختند.


اسپوتنیک

### هنرهای زیبا

پیش از ورود امریکا به جنگ جهانی دوم بسیاری از هنرمندان به این کشور آمدند. نقاشان اروپایی، چون لژه، موندریان، ماسون، دالی و ارنست، فضایی الهام‌بخش و تکیه‌گاهی برای هنرمندان جوان امریکایی پدید آوردند و موجب تغییر مرکز هنر غرب از پاریس به نیویورک شدند.

نخستین گروه هنرمندان امریکایی که به شهرت بین‌المللی رسیدند، اکسپرسیونیست‌های انتزاعی مکتب *نیویورک* بودند که در سال‌های پس از جنگ به شکوفایی رسیدند.

این نقاشان درصدد یافتن قالب‌بیانی خاص خود از طریق کنش فیزیکی نقاشی بودند. بوم‌های نقاشی آنان اغلب بزرگ بود و با طرح‌های اولیهٔ معدود یا بدون طرح اولیه کار می‌کردند و شکل نهایی کارشان‌را عمل نقاشی معین می‌کرد. این رویکرد تجربی به نقاشی به هنرمند امکان می‌داد نمودهای تصادفی یا اتفاقی را به تصویر نقاشی خود راه دهد.

دو گرایش متفاوت در مکتب نقاشی نیویورک وجود داشت. گرایش اول متعلق به «نقاشان کنش» بود که بر بیان خود انگیخته از طریق ضربهٔ قلم‌های قوی تأکید داشتند. از این نقاشان هانس هوفمن، بردلی واکر تاملین، آدولف گوتلیب، آرشیل گورکی، ویلم د کونینگ (تصویر ۱)، لی کراسنر، فرانتس کلاین، جکسون پالک (تصویر ۲) فیلیپ گاستون و رابرت مادرول بودند.

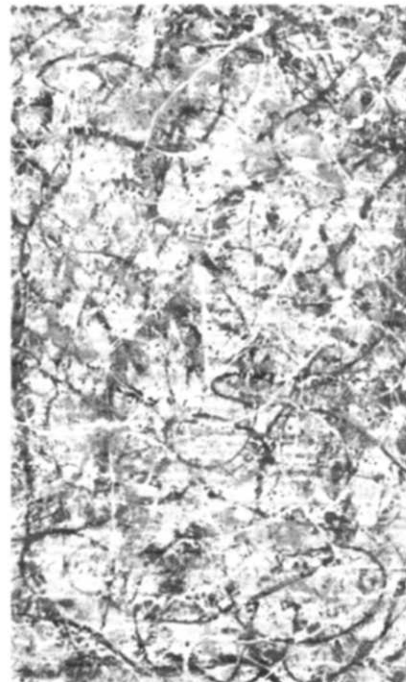
گروه دوم نقاشان، «مکتب نیویورک»، توجه خود را بیش‌تر بر کاربرد سطوح وسیعی از رنگ تخت با استفاده از ضربهٔ قلم‌های ملایم معطوف کردند. از هنرمندان برجستهٔ این گروه، مارک راتکو، کلیفورد استیل، بارنت نیومن، ویلیام بازیوتس و اد رینهارد بودند.

درمیانهٔ دههٔ پنجاه، نسل دوم اکسپرسیونیست‌های انتزاعی به شکوفایی رسیدند. هنرمندان برجستهٔ این گروه، جان میچل، گریس هارتیگان، آلفرد لزلی، مایکل گلدبرگ، و دو هنرمند مهم این نسل، یاسپر جونز و رابرت راشنبرگ(تصاویر۳و۴)، بودند.

جونز و راشنبرگ در تلاش‌بودندپویایی و خودانگیختگی اکسپرسیونیسم انتزاعی را با تصویرپردازی مردم پسند درآمیخته سازند. جونز به نقاشیِ ارقام، آماج‌ها، پرچم‌ها و نقشه‌ها پرداخت و راشنبرگ از عکس‌ها و مطالب چاپی برای خلق کلاژها و ترکیب‌سازی‌ها بهره برد. آثار این دو هنرمند بیش‌ترین تأثیر را بر هنر دههٔ شصت باقی گذارد.



۱



۲

۱ـ تابلوی منشی اثر ویلم دکونینگ متعلق به سال ۱۹۴۸م، نمونه اولیه‌ای از اکسپرسیونیسم انتزاعی است. سطح این تابلو با شکل‌های تجریدی ذهنی تحرک یافته است.

۲ـ *شماره ۳، ۱۹۴۹:* ببر اثر جکسون پالک، ویژگی سبک نقاشی کنشی پختهٔ اورا در خود نهفته دارد. در این سبک، رنگ بر سطح بوم پاشیده یا شره می‌شد تا نقشی از قدرت خشونت برجا ماند.




۳



۴

۳ـ *سد* اثر رابرت راشنبرگ متعلق به سال ۱۹۵۹ م نمونه‌ای از نقاشی در قالب مختلط است که به شکلی آزادانه از شگردهای اکسپرسیونیسم انتزاعی و کلاژ کوبیستی بهره برده است. راشنبرگ و جونز هردو در ایجاد زمینه‌های اولیه پیدایش پاپ آرت نقش داشتند.

۴ـ *شماره‌های ۰تا۹* که یاسپر جونز در سال ۱۹۶۲ م با پاستل، مداد شمعی ولایه‌ای از مرکب بر کاغذ کار کرد. جونز در واکنش به ذهنیت‌گرایی شدید اکسپرسیونیسم انتزاعی، موضوع خنثای ارقام را دستمایهٔ کار خود قرار داد. -

## هنرهای گرافیک

سال‌های پس از جنگ شاهد فوران خلاقیت در هنرهای گرافیک بود. این زمان، دوران خوشبینی و نوجویی شمرده می‌شد، به طوری که بیش‌تر طراحان، راه‌حل‌های سنتی را کنارنهادند و به ایده‌های طراحی گرافیک جدید روآوردند. این رویکرد جدید با پذیرش رو به رشد هنر مدرن از سوی مردم تقویت شد و به نوبهٔ خود تهور ناشران و آگهی‌دهندگان را موجب شد. فضای جدید در انقلاب واقعی طراحی گرافیک بین‌المللی به‌ویژه در امریکا و سوئیس، دو کشور مصون از اثرات تخریبی جنگ نقش داشت.

## طراحی گرافیک در امریکا

درسال‌های بین ۱۹٤۰و ۱۹٦۰م طراحان گرافیکی مطرح شدند که متولد و تعلیم دیدهٔ امریکا بودند و به شهرت و اعتباربین‌المللی رسیدند. این طراحان همراه با طراحان پیش از جنگ تغییری بنیادی در مسیر طراحی گرافیک و آگهی تبلیغاتی در امریکا پدید آوردند.

بخش وسیعی از فعالیت طراحی در شهر نیویورک صورت می‌گرفت که همچون مرکز آگهی تبلیغاتی و انتشارات، استعدادهایی را از سراسر ایالات متحد و دنیا جذب خود می‌ساخت.

**سائول باس** در سال ۱۹۲۰ م در نیویورک زاده شد و در مجمع دانشجویان هنر و کالج بروکلین نزد گئورگی کپس به تحصیل پرداخت. باس پس از چند سال فعالیت در نیویورک در سال ۱۹٤٦ م به لس‌آنجلس رفت و در آن‌جا طراح نوآور تیتراژهای فیلم و ساخته‌های کوتاه تبلیغاتی شد. نخستین موفقیت عمومی او در سال ۱۹۵۵ م با فیلم *مرد بازوطلایی* ساختهٔ اوتو پره‌مینجر حاصل شد (تصویر ۷).

باس استعداد خاصی در خلق تصاویر گرافیکی به یادماندنی دارد که اغلب در سکانس‌های آغازین فیلم‌ها استفاده می‌شد و تکنیکی تأثیرگذار بر کل صنعت فیلم شد. وی بعدها سکانس‌هایی از فیلم‌های معروف سینمایی، از جمله صحنهٔ ترسناک حمام را در فیلم *روح* هیچکاک کارگردانی کرد.

باس همچنین در زمینهٔ طرح‌های هویت شرکتی نیز موفق بوده است. از جمله سفارش‌دهندگان او می‌توان به شرکت‌های ای تی اند تی، شرکت سلنز، اکسون، کواکر اوتس و وارنر کامیونیکیشن اشاره کرد. (تصاویر ۵ و ٦).

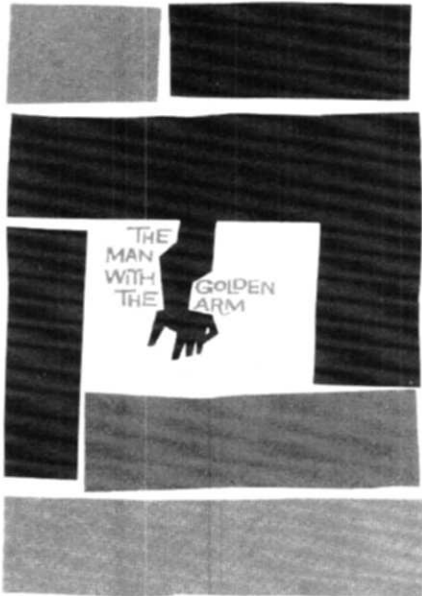









۵




۷



٦

۵ـ سه لوگوی کاملاً به یاد ماندنی که سائول باس برای شرکت‌های معروف طراحی کرد.

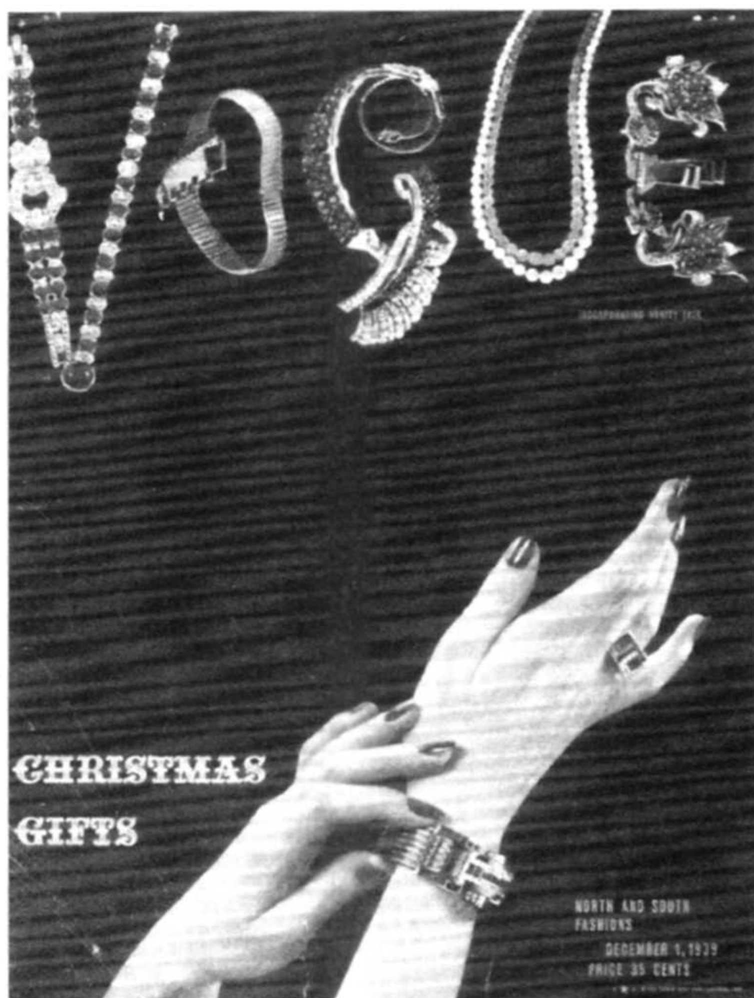
٦ـ نشانهٔ شخصی سائول باس که افزون بر قابلیت‌های طراحی او، از حس طنز وی نیز نشان دارد.

۷ـ نخستین تصویر گرافیکی موفق سائول باس برای فیلم *مرد بازو طلایی* بود. پس از این فیلم وی در ساخته‌های دیگری، چون *سلام بر غم*، *کالبد شکافی یک قتل*، *اکسدوس* و غیره، نیز همکاری کرد.

**سیپ پینلز برتین** وی در وین متولد شد و در امریکا تعلیم دید. برتین یکی از نخستین زنان موفق در زمینهٔ طراحی گرافیک محسوب می‌شود. وی فعالیت خود را با یکی از اولین استودیوهای طراحی صنعتی موسوم به کانتمپورا آغاز کرد و در این‌جا این حرفه را به طور کامل فراگرفت.

اولین دستاورد برتین در سال ۱۹۳۲ م حاصل شد که به‌سمت دستیار ام.اف.آگا، مدیرهنری‌انتشارات کانده‌ناست، انتخاب شد و در طول سال‌ها در موفقیت طراحی مجلهٔ وُگ (تصویر ۹) سهم ایفا کرد. او در سال ۱۹٤۷ م مدیر هنری مجلهٔ *سونتین* شد و هنرمندانی، چون بن شان، اندی وارهول و ریچارد لیندنر، را برای انجام تصویرسازی‌های مجله‌ای به خدمت گرفت (تصویر ۸).

برتین از سال۱۹٦۱م به طراحی و تصویرسازی مستقل ادامه داد. از جمله مشاغل مهم او، مشاور طراحی مرکز لینکلن و مدیر طراحی انتشارات مدرسهٔ طراحی پارسونز بوده است. وی با دو طراح گرافیک مشهور یعنی ویلیام گلدن و پس از مرگ او با ویل برتین ازدواج کرد. سیپ برتین همچنان به طراحی مشغول است.




۹




۸

۸ ـ سیپ پینلز برتین در زمان مدیریت هنری خود از این آزادی برخوردار بود که از استعدادهای فیلم سازان و عکاسان مشهوری چون رابرت فرانک بهره گیرد که عکس‌هایش در این نخستین شمارهٔ مجلهٔ *چارم* مورد استفاده قرار گرفت.

۹ ـ طرح جلد جذابی که سیپ پینلز برتین در زمان همکاری خود در سمت دستیار ام.اف.آگا برای شمارهٔ کریسمس سال ۱۹۳۹ م مجله وگ طراحی کرد.

**لــو دورفزمـــن** وی در ســال ۱۹۱۸ م در نــیویورک مــتولد شــد و در کوپریونــیون آموزش دید. دورفزمن فعالیت طراحی خود را بــا نمایشــگاه جهانــی ســال ۱۹۳۹ م نــیویورک آغـاز کـرد و بـا ساخت فیلم‌های آموزشـی بـرای نـیروی دریایی امریکا ادامه داد. او از سال ۱۹٤۳ تا ۱۹٤٦ م مدیر هنری روزنامـه‌ای نظامـی و بعدهـا طـراح اصـلی نمایشگاه‌های سیار در خدمت ارتش امریکا بود.

دورفزمـن در سـال ۱۹٤٦ م پس از یک دوره فعالیـت کوتـاه در سـمت مدیر هنری شرکت آگهی تبلیغاتی ریس، از سوی ویلیام گلـدن بـه سـمت مدیـر هـنری و طـراح اسـتخدامی واحـد آگهی تبلیغاتی و تبلیغات فـروش رادیـوی سی بی اس مشغول به کار گـردید. پس از مرگ ناگهانی گلدن در سال ۱۹۵۹ م وی مدیـر خـلاق شبکهٔ تلویزیونی سـی بـی اس شـد و خـط‌مشی گلدن را در زمینهٔ گرافـیک برتـر تلویزیونی، تبلیغات و آگهـی تبلیغاتی تداوم بخشید. (تصاویر ۱۰، ۱۱ و ۱۲).

او در ســال ۱۹٦٤ م مدیـر کـل هـنری شـرکت سـی بـی اس شد و مسئولیت همهٔ طراحـی حـروف و طراحـی گرافیک مراکز جدیـدی را بـرعهده گرفت که ارو سارینن معمـار سـاختمان آن‌ها را طراحی کرده بود. دورفزمـن هـم اکـنون پـس از چهـل سـال فعالیت در سی بی اس معاون و مدیر خلاق این شرکت است.




۱۰




۱۱

۱۰ـ لـو دورفزمن طنز تصویری و تایپوگرافـی را به هم درآمیخت تا توجـه آگهی‌دهندگان را جلب کند و آن‌هـا را بـه عضـویت در شبکهٔ رادیویی سی بی اس وادارد.

۱۱ـ درک روشــن و عمــیق لــو دورفزمن از طراحی در آگهی سال ۱۹۵۱ م او بـرای شـبکهٔ رادیویـی ســی بــی اس نمایــان اســت. تصویرسازی ایـن آگهـی را اندی وارهـول انجام داد که در آن زمان گمنام بود.

۱۲ـ در اوایل دههٔ ۵۰، هنگامی که تلویزیون رو به گسترش نهاده بود، دورفزمـن بـا طراحـی ایـن آگهی سـعی کـرد آگهـی‌دهـندگان را از خصوصیات منحصربه فرد رادیو آگاه سازد.




۱۲

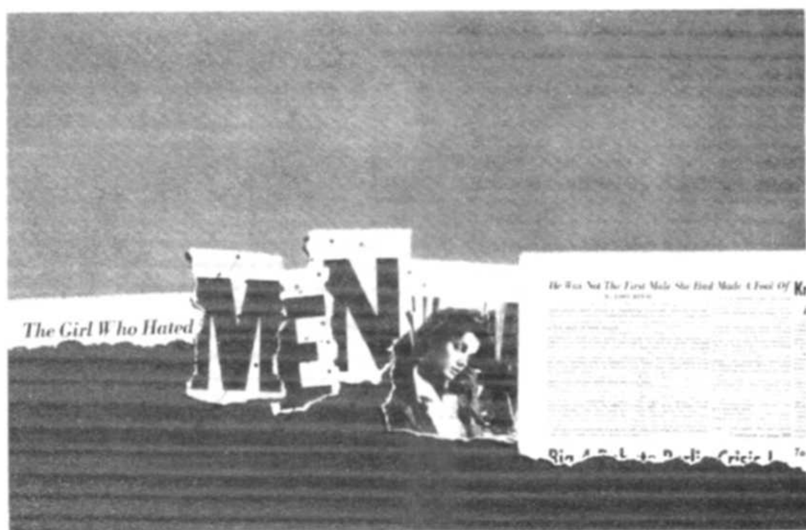
**جنه فدریکو** متولد سال ۱۹۱۸ م در نیویورک است. وی در فاصله سال‌های ۱۹۳٦ تا ۱۹۳۸ م نزد تام بنریمو در مؤسسهٔ پرات به تحصیل پرداخت و دوره‌های شبانه را با مربیان معروفی، چون هاوارد ترافتون و هربرت بایر، گذراند. فدریکو در دورهٔ جنگ از فعالیت دست کشید و بیش از چهار سال در ارتش امریکا خدمت کرد.

فدریکو در سال ۱۹٤٦ م جانشین مدیر هنری مجلهٔ *فورچون* شد اما پس از یک سال از این سمت کناره گرفت و سمت مدیریت هنری شرکت آگهی تبلیغاتی گری را پذیرفت. وی در دههٔ بعد پس از کسب تجربهٔ کاری در چند شرکت دیگر، یکی از سهامداران شرکت خود به نام لرد، گلر، فدریکو، اینشتین شد.(تصاویر۱۳،۱٤ و ۱۵).

فدریکو بیش از چهل سال سابقهٔ فعالیت در صنعتی را دارد که به داشتن عمر طولانی شهره نیست. موفقیت او تا حدی ناشی از توانایی رشد و دگرگونی او در هر دوره و خلق آگهی‌ها و طرح‌های منحصربه‌فرد و پرقدرت است.




۱۴




۱۵




۱۳

۱۳ـ فراخوان داوطلب که در سال ۱۹۵٦ م برای موسسهٔ هنرهای گرافیک امریکا ای آی جی ای طراحی شد. فدریکو در این‌جا از حروف برای خلق یک اعلامیه تجسمی برجسته و مشخص بهره برده است.

۱٤ـ جنه فدریکو حروف و عکس را به گونه‌ای مطایبه آمیز با یکدیگر تلفیق کرد تا پیام را در این آگهی روز زن متعلق به سال ۱۹۵۱ م که در مجله *نیویورکر* چاپ شد، پر رنگ نماید.

۱۵ـ فدریکو در این دو صفحه پیوسته که برای هفته‌نامهٔ *ستردی ایونینگ پست* طراحی کرده، نفرت و انزجار دختر را با استفاده از بریدهٔ روزنامه و سنجاق ته‌گرد مورد تأکید قرار داده است.

**باب گیج ـ ویلیام برنباخ**. باب گیج، طراح گرافیک، و ویلیام برنباخ، آگهی‌نویس، از اعضای شرکت تبلیغاتی دویل، دین، برنباخ به تغییر نگرش نسبت به آگهی تبلیغاتی یاری رساندند. ویلیام برنباخ، یکی از بانیان این شرکت در سال ۱۹۴۹ م، و باب گیج، معاون و مدیر هنری اصلی آن، مفهوم جدیدی از آگهی تبلیغاتی را مطرح ساختند که عبارت از پیوند هر چه نزدیک‌تر آگهی و تصویر تا آن زمان بود. نویسندگان آگهی در شیوهٔ سنتی تعیین‌کنندهٔ شکل ظاهری آگهی بودند. متن‌های آگهی معمولاً طولانی و به لحاظ بصری ضعیف بود. برنباخ و گیج آگهی‌نویس و مدیر هنری را در گروهی کاری کنار یکدیگر قرار دادند. در این نگرش، متن آگهی باید کوتاه می‌بود و توجه آن به محصول معطوف می‌شد و تصویر نیز قدرت و باورپذیری کافی را می‌یافت. طراحی آگهی تبلیغاتی نهایی، باید به منظور جلب توجه بیننده، سرگرمی و فروش محصول باشد.

از جمله کارهای تحسین‌برانگیز شرکت دویل، دین، برنباخ می‌توان به آگهی‌های تبلیغاتی شرکت‌های اورباخ،و فلکس واگن و شرکت نانِ لوی اشاره کرد (تصاویر ۱۶ و ۱۷).



۱۶



۱۷

۱۶ـ باب گیج فلسفهٔ تبلیغاتی ساده‌ای داشت؛ یعنی یافتن حقیقت بنیادی یک محصول و ارائهٔ زبردستانهٔ آن بدون توسل به شگردهای بصری. نمونهٔ خوب این موضوع، آگهی سال ۱۹۵۸ م او برای شرکت اورباخ است. گربهٔ شیک‌پوش رشک همسایگان را برمی‌انگیزد زیرا لباس‌های فاخر او از تولیدات ارزان فروشگاه اورباخ است.

۱۷ـ گیج در آگهی شرکت نان لوی پیام را با نشان دادن نانی که به تدریج محو می‌شود، قوت بخشیده است.

**ویلیام گلدن** شاید او نخستین طراح گرافیک بود که در تلویزیون به شهرت رسید. گلدن که درسال ۱۹۱۱ م در لاور ایست ساید نیویورک به دنیا آمد، در یک هنرستان فنی و حرفه‌ای نام‌نویسی کرد و به تحصیل در رشته‌های طراحی تجاری و گراوورسازی عکس پرداخت.

گلدن پس از پایان تحصیلات به کالیفرنیا رفت و کاری نزد یک گراوورساز عکس پیدا کرد و سپس در مجلهٔ *لس‌آنجلس اگزمینر* لیات آگهی‌های تبلیغاتی را تهیه می‌کرد. وی پس از دعوت ام. اف. آگا برای همکاری در طرح ویژه‌ای دربارهٔ تاریخ انتشارات کانده‌ناست در سال ۱۹۳۶م به نیویورک رفت و در همین سال استعدادهای او در همکاری با آگا به شکوفایی رسید.

او درسال ۱۹۳۷م به شبکهٔ رادیویی سی بی اس پیوست و به زودی مدیر هنری آن شد. هرچند فعالیت او در اثر جنگ جهانی دوم متوقف شد اما پس از جنگ به سی بی اس بازگشت و آثار تبلیغاتی بسیاری را با بهره‌گیری از استعدادهای برخی از بهترین تصویرسازان و نقاشان این دوره خلق کرد که این آثار جوایزی را به خود اختصاص دادند (تصاویر ۱۹ و ۲۰).

شاید منحصر به فردترین اثر گلدن لوگوی «چشم»برای تلویزیون سی بی اس باشد که نخستین بار در ٦ نوامبر ۱۹۵۱ م پخش شد (تصویر ۱۸). گلدن چند ماه پیش از مرگ خود در چهل و نه سالگی از سوی کانون مدیران هنری نیویورک به عنوان مدیر هنری سال ۱۹۵۹ م مورد تقدیر قرار گرفت.




۲۰




۱۹



۱۸

۱۸ـ شاید ماناترین اثر گلدمن چشمی باشد که وی برای شبکهٔ تلویزیونی سی بی اس طراحی کرد. این طرح که نخستین بار در اوائل دههٔ پنجاه پخش شد، تازگی خود را همچنان حفظ کرده است.

۱۹ـ گلدن در این آگهی نیز از یکی از تصویر سازی‌های بن شان بهره می‌گیرد تا به درون‌مایهٔ یک نمایش تلویزیونی دست یابد. در این‌جا نیز تایپوگرافی، مکمل تصویر سازی است.

۲۰ـ ویلیام گلدن در آگهی سال ۱۹٤۹ م خود برای برنامه‌ای تلویزیونی دربارهٔ بیمارستان‌های امراض روانی، تصویرسازی بن‌شان را به گونه‌ای مؤثر با طراحی حروف تلفیق می‌کند تا احساس حبس و بند نومیدکننده را به نمایش درآورد.

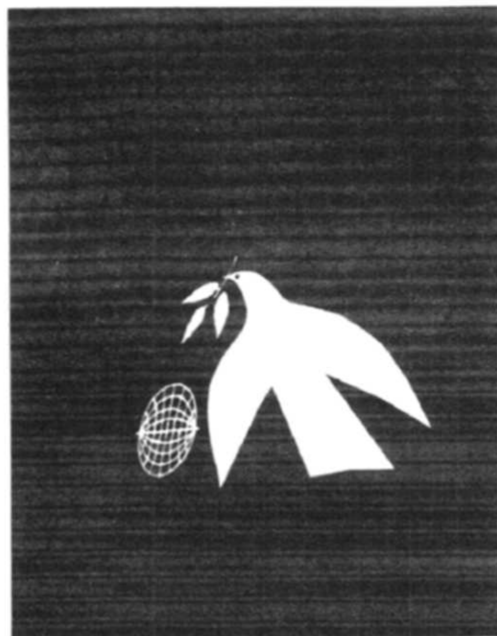
**مورتـــون گلدشُـــل** در ســـال ۱۹۱۱ م در شیکاگو متولد شد و در مؤسسهٔ هنر و مؤسسهٔ طراحی شیکاگو به تحصیل پرداخت. از سفارش دهندگان اولیهٔ او، پل تئوبالد ناشر اهل شیکاگو و شرکت مارتین سنور پینت بودند که برای شرکت‌اخیر نمودارهای‌رنگی، بسته‌بندی‌ها و نمایشگاه‌های مرکز فروش تحسین‌برانگیزی را طراحی کرد (تصاویر ۲۱، ۲۲ و ۲۳).

گلدشل برای شرکت کاغذسازی کیمبرلی ـ کلارک و اچ. یو. اچ هافمن طرح هویت شرکتی را طراحی و فیلم‌های تبلیغاتی شرکتی و تبلیغات تلویزیونی نیز تهیه کرده است. وی هم اکنون مشاور طراحی است و شرکت خود را با نام گلدشل اسوشیتس اداره می‌کند.



۲۱





۲۲

۲۳

۲۱ـ «نظام بسته بندی یکپارچه»ای که گلد شل در سال ۱۹۵۵ م برای فروشگاه‌های زنجیره‌ای مواد غذایی اعلای هیلمنز طراحی کرد.

۲۲ـ نشانه‌ای که گلد شل برای سپاه صلح امریکا در سال ۱۹۶۱ م طراحی کرد.

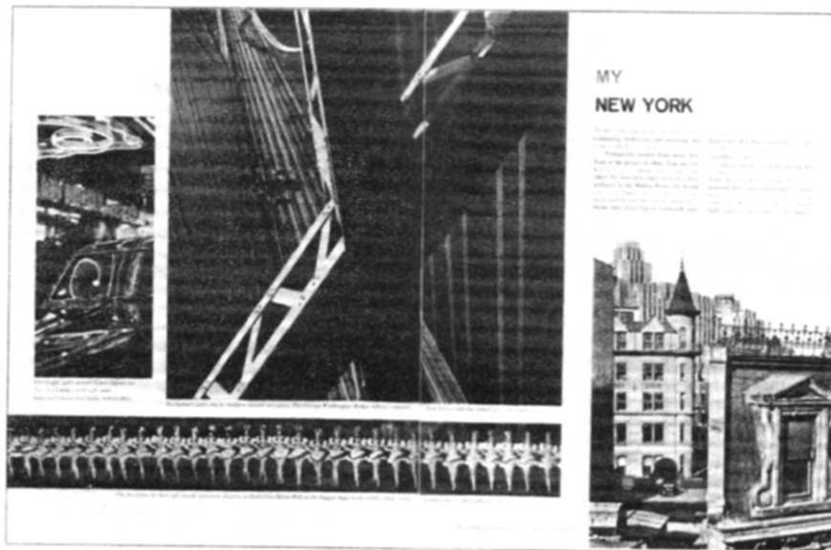
۲۳ـ دو علامت تجارتی که مورتون گلد شل در اواخر دههٔ چهل طراحی کرد. طرح بالا، برای شرکت رنگ مارتین ـ سنور، قلم‌مویی را با چند نقطه رنگ نشان می‌دهد. طرح پایین، علامت تجارتی پل تئوبالد، ناشر کتبی دربارهٔ طراحی است.

**آلن هرلبرت** در سال ۱۹۳۲ در بحبوحهٔ رکود اقتصادی امریکا در رشتهٔ اقتصاد از دانشگاه پنسیلوانیا فارغ‌التحصیل شد. وی در هنگام تحصیل در دانشکده رشتهٔ اصلی خود را با گذراندن دوره‌های ترسیم، طراحی و روان‌شناسی تکمیل کرد و سردبیری و طراحی مجلهٔ دانشکده را نیز برعهده داشت.

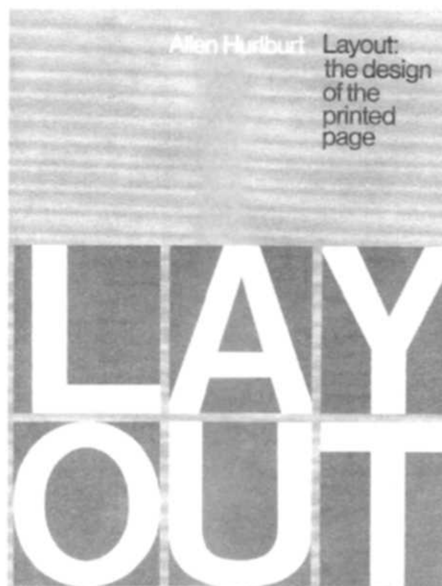
هرلبرت در دوسال اول پس از دانشگاه کاریکاتوریست مستقل بود تا آن‌که از سوی ناشر هشت مجلهٔ تجاری در سمت طراحی به کار گرفته شد و ظرف یک سال مدیر هنری همهٔ این نشریات گردید. جنگ جهانی دوم در فعالیت او وقفه ایجاد کرد اما با گذشت این دوران در سال ۱۹٤٦ م مدیر هنری سی بی اس شد و مسئول برخی از کارهای گرافیک و تبلیغات اولیهٔ این شرکت گردید.

هرلبرت در سال ۱۹۵۱ م در شرکت آگهی تبلیغاتی وینتراب با پل رند همکاری کرد اما در سال ۱۹۵۳ م از این شرکت بیرون آمد و به مجلهٔ *لوک* پیوست و تا سال ۱۹۷۱ م همکاری خود را با آن ادامه داد (تصاویر ٢٤ و ٢٥).

هرلبرت معلم و نویسنده‌ای در زمینهٔ آموزش طراحی بود. از کتاب‌های مشهور او *طراحی نشریه*، *لیات* و *جدول‌بندی* است. او سال‌های آخر عمر خود را در لندن صرف تدریس و نگارش کرد و در سال ۱۹۸۳ م درگذشت.



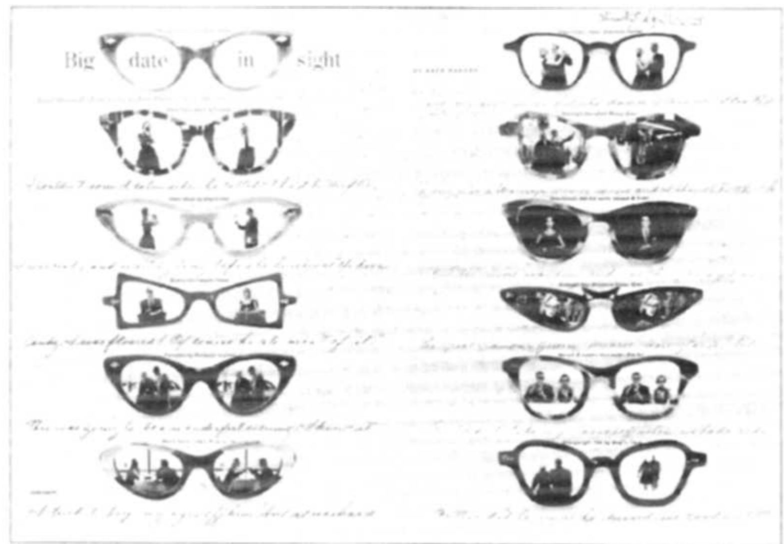

۲۴




۲۵

٢٤و٢٥ـ شهرت آلن هرلبرت پیش از هر چیز به همکاری دراز مدت او با مجلهٔ *لوک* باز می‌گردد. در بالا نمونه‌ای از صفحات دوتایی پیوسته با طراحی او و متعلق به اوایل دههٔ شصت و در پایین طرح جلد کتاب *صفحه‌آرایی: طراحی صفحهٔ چاپی* به قلم خود او دیده می‌شود.

**آرت کین** سال ۱۹۲۵ م در برونکس نیویورک متولد شد و با آغاز جنگ جهانی دوم پس از گذراندن دومین نیم سال تحصیلی خود در کوپریونیون به خدمت سربازی رفت. پس از جنگ، تحصیلات خود را ادامه داد و در سال ۱۹۵۰ م فارغ‌التحصیل شد. وی در سن ۲٦ سالگی مدیر هنری مجلهٔ سونتین شد و مدت شش سال همکاری خود را با آن ادامه داد (تصاویر ۲٦، ۲۷ و ۲۸) . کین در این دوره به عکاسی علاقه‌مند شد و مطالعهٔ طراحی را نزد الکسی برودویچ آغاز کرد. با افزایش علاقهٔ خود به عکاسی، مجلهٔ سونتین را ترک کرد و عکاس تمام وقت شد.




۲۶




۲۷



۲۸

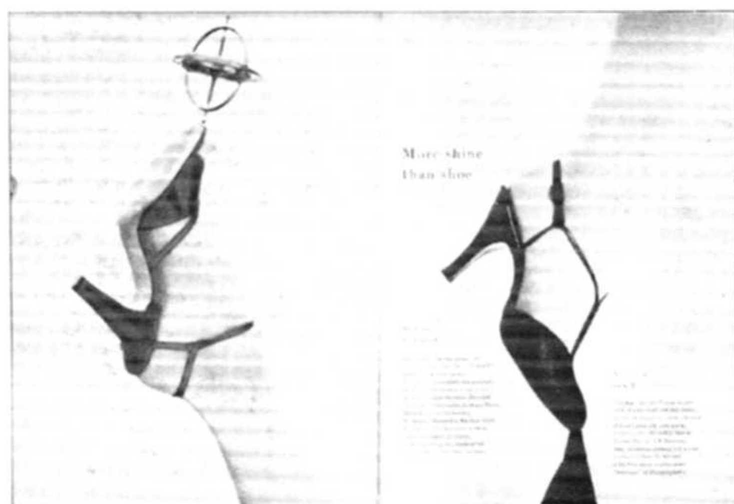
۲٦ـ دو نمونه از صفحات دوتایی پیوسته که آرت کین برای یکی از شماره‌های سال ۱۹۵٤م مجله سونتین طراحی کرد و حس طنز او را دربارهٔ آداب قرار ملاقات‌های دوره نوجوانی و مسئلهٔ عینک زدن نشان می‌دهد.

۲۷ـ آرت کین در زمان تصدی خود در سمت مدیر هنری مجلهٔ سونتین از خدمات بسیاری از تصویرسازان مشهور بهره برد. بن شان یکی از آن‌ها بود.

۲۸ـ آگهی سال ۱۹۵٦م آرت کین برای آی.میلر با عکاسی برت استرن که حس نفسانیت رمانتیک را بیان می‌دارد.

**الکساندر لیبرمن** سال ۱۹۱۲ م در شهر کیف در روسیه زاده شد و پس از انقلاب به همراه خانوادهٔ خود به انگلستان گریخت. لیبرمن در اوایل دههٔ سی در مدرسهٔ هنرهای زیبای پاریس به تحصیل پرداخت. سپس ویراستار طراحی مجلهٔ وو شد. او در سال ۱۹۳۷ م مدال طلای طراحی مجله در نمایشگاه بین‌المللی پاریس را برد.

لیبرمن در سال ۱۹۴۱ م ناگزیر به امریکا عزیمت کرد و در این کشور همکاری با مجله وگ را آغاز کرد و سه سال بعد مدیر هنری و جانشین ام. اف. آگا شد. او در سال ۱۹۶۱ م سردبیر همهٔ نشریات کانده‌ناست در سراسر جهان شد و تاکنون این سمت را حفظ کرده است (تصاویر ۲۹، ۳۰ و ۳۱).




۲۹




۳۰




۳۱

۲۹و۳۰ـ طرح جلد شمارهٔ دسامبر مجلهٔ وگ و طرح دوصفحهٔ پیوسته از این‌مجله کار الکساندر لیبرمن که گرایش هنری او به مینی مالیسم و هارد اج را نمایان می‌سازد. لیبرمن خواه با مدل‌ها به کار پردازد یا با کفش‌ها قادر است به جوهر درونی موضوع دست یابد و آن را به شیوه‌ای آراسته و شکیل ارائه‌دهد. عامل تقویت طرح‌های او استفاده مناسب از تایپوگرافی‌است.

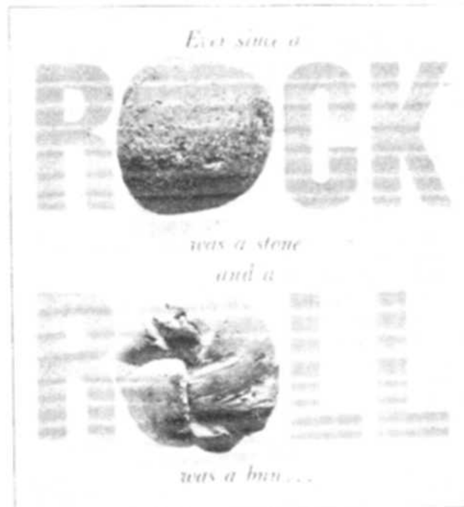
۳۱ـ طرح جلد سال ۱۹۵۳ م لیبرمن برای شمارهٔ مارس مجلهٔ وگ که آمیزه‌ای از تصویرسازی مُد و عکس برای ایجاد واقعیتی جدید است.

**هـرب لوبالیـن** بـه گفتهٔ لو دورفزمن «طراح حـروف نمونه» و بی‌شک از کسانی بود که به کاربرد نوآورانهٔ طراحی حروف اعتقاد داشت. موفـق‌ترین کارهای او به شدت به تایپوگرافی شبیه‌انـد. ایـن آثـار مـنعکس کنندهٔ رجحان بخشیدن او بـه‌حـروف‌چینـی انبوه، کاربـرد درشت حروف چاپی نمایشی و شکل حروف ترکیبی‌اند.

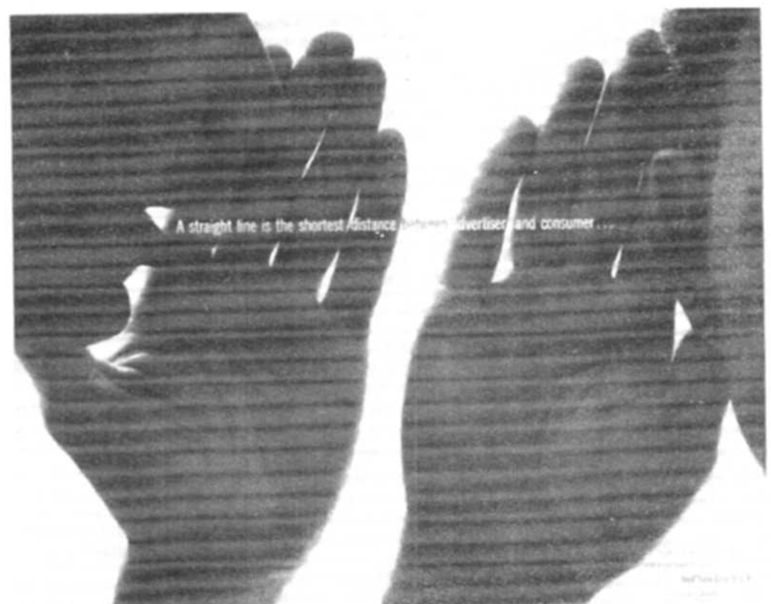
لوبالیـن فعالیـت خود را در شرکت ریس در اوایـل دهـهٔ چهـل آغـاز کـرد و سپس به شرکت سادلر و هنسی پیوست و مدت بیست سـال مدیـر هنری آن شد (تصاویر ۳۲، ۳۳ و ۳٤). او در اوایـل دهـهٔ شصـت استـودیوی شخصـی خود را دایر کرد و مجموعهٔ وسیعی از مشاغل را برعهده گرفت.

لوبالیـن کـه در سـمت طـراح مجلـه بـا سـفارش‌هـای بی‌شماری‌مواجه بود، مسئولیت طراحـی مجـلات *اروس*، *آوانگارد* و *فکت* و طراحی مجدد مجلهٔ *ستردی ایونینگ* پست را بـرعهده داشـت. او همچنیـن بـه همـراه تـام کارنـیس تعـدادی حـروف چاپـی مـتداول طراحـی کـرد کـه معروف‌ترین آن‌ها حروف چاپی *آوانگارد* بود که آن را در ابتدا به منظور استفاده در مجله طراحی کرد.

لوبالیـن یکـی از اولیـن طراحانـی بود که قابلیت طراحی فوتوتایپوگرافی را درک کرد و مـورد استـفاده قـرار داد. او همچنیـن یکی از بانـیان اصلی شرکت بین‌المللی حروف چاپی بـود و نشریهٔ این شرکت با نام یو اند ال سی (حروف چاپی بزرگ و کوچک) از طرح‌های او است.




۳۲




۳۳



۳۴

۳۲ـ طـرح جلـد بروشـوری متعلق به سـال ۱۹۵۷ م کـه نمونـه‌ای عالـی از توانایـی لوبالیـن برای یافتن روشی نو در به یادماندن عبارتی ساده است.

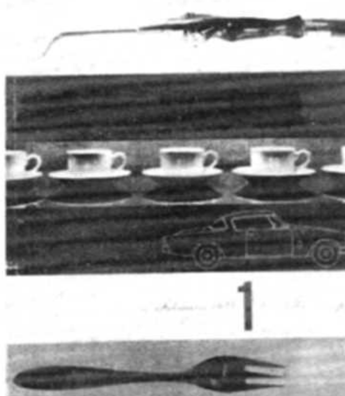
۳۳ـ آگهـی شخصـی دیگـری بـرای شـرکت سـادلر و هنسـی که نشان از ایجاز لوبالیـن بـرای استفاده از آگهی نوشته و طراحی دارد.

۳٤ـ تبلیـغ شخصـی ساده و چشمگیر هـرب لوبالیـن بـرای شرکت تبلیغاتی سـادلر و هنسـی که مدت بیست سال مدیر هنری آن بود.

**آلوین لوستیگ** سال ۱۹۱۵ م در دنور کلرادو متولد شد اما در جوانی به لس‌آنجلس رفت و در مدرسهٔ مرکز هنر نام‌نویسی کرد. لوستیگ که در اندیشهٔ معمار شدن به سر می‌برد، مدت کوتاهی نزد فرانک لوید رایت به کار پرداخت و سپس از این خیال دست کشید و استودیوی طراحی خود را در سال ۱۹۳۶م راه‌اندازی کرد.

لوستیگ سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۶ م را در نیویورک در سمت مدیر طراحی بصری مجلهٔ *لوک* به کار پرداخت و در سال ۱۹۵۱م به منظور فعالیت در زمینهٔ طراحی کتاب، طراحی هویت شرکتی و مجله برای همیشه در این شهر مقیم شد. برخی از بهترین آثار لوستیگ را می‌توان به صورت طرح جلدهای بسیاری از کتبی مشاهده کرد که در مجموعهٔ کتاب‌های انتشارات راهنمای جدید (*نیو دایرکش بوکز*) و انتشارات نون دی پرس به چاپ رسیدند (تصاویر ۳۵ و ۳۷). همچنین صفحه‌آرایی‌ها و طرح جلدهای جذاب و دیدنی مجلات *آرت دایجست* و *اینداستریال* دیزاین نیز از این جمله است (تصویر ۳۵).

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد لوستیگ در سمت طراح این بود که افزون بر خدمت به مشتریان خود درصدد آموزش آنان نیز بود. همین تعهد نسبت به آموزش طراحی او را به ایجاد برنامهٔ طراحی گرافیک در دانشگاه ییل در سال ۱۹۵۱م سوق داد. متأسفانه لوستیگ که به بیماری رو به رشدی مبتلا شده بود، در سال ۱۹۵۴م بینایی خود را به طور کامل از دست داد. با این حال به کمک همسرش الن لوستیگ کوهن طراحی را تا زمان مرگ زودرس خود در سال ۱۹۵۵ م ادامه داد.




۳۶




۳۵



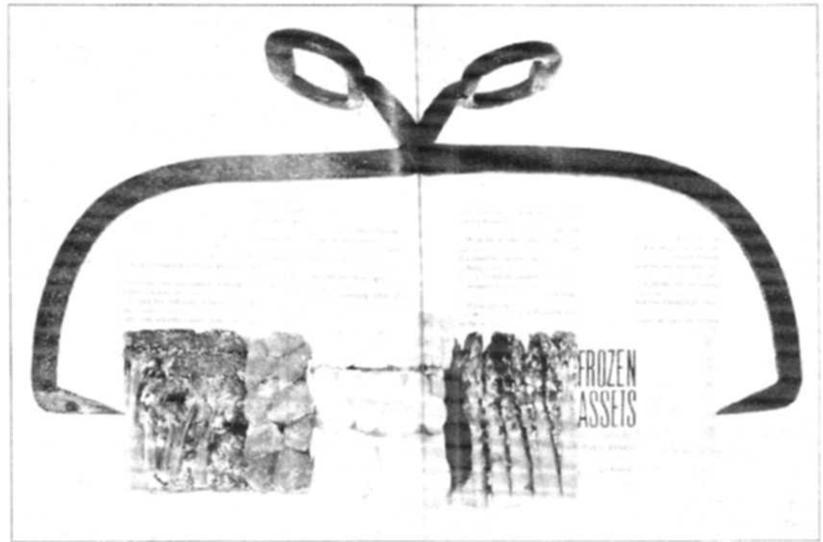

۳۷

۳۶ـ آلوین لوستیگ، نخستین مدیر هنری مجلهٔ *اینداستریال دیزاین* بود که انتشار آن از سال ۱۹۵۴ م آغاز شد. لوستیگ برای طرح جلد نخستین شمارهٔ این مجله درون‌مایهٔ آن را به گونه‌ای گرافیکی به تصویر کشید.

۳۵ و ۳۷ـ لوستیگ استعداد خاصی در خلق طرح جلدهای دراماتیک و به یاد ماندنی کتاب داشت که بسیاری از آن‌ها برای آثار نویسندگانی چون فرانتس کافکا و فدریکو گارسیا لورکا بود. در این‌جا دو طرح جلد از او برای انتشارات نیودایرکشن دیده می‌شود.

**اوتو استورچ** شاگرد و دانشجوی الکسی برودویچ بود. وی در بروکلین نیویورک متولد شد و در همین شهر تحصیل کرد. او در سال‌های رکود اقتصادی امریکا سخت در جست‌وجوی کار بود. اولین فرصت شغلی او کار موقت در انتشارات دل بود که در نهایت وی را تبدیل به مدیر هنری تمام وقت این شرکت کرد. استورچ با توصیه برودویچ از این انتشارات بیرون آمد و روند هفت سالهٔ مشاغل آزاد خود را تجربه کرد که تمامی جنبه‌های طراحی گرافیک را دربرداشت.

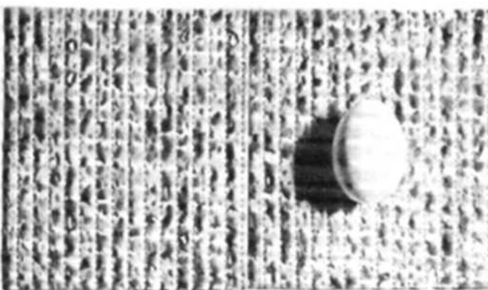
استورچ پس از جنگ سمت معاون مدیر هنری انتشارات بترلیوینگ و بعدها مدیریت هنری مجلهٔ والدین آن با نام مک کالز را پذیرفت و در محل اخیر فرصت یافت تا مجله را از نو طراحی کند (تصاویر ۳۸، ۳۹ و ۴۰) استورچ پس از آن‌که مدیریت این مجله عوامل خود را تغییر داد، به امید یافتن آزادی خلاقهٔ بیش‌تر تصمیم به افتتاح استودیوی شخصی خود گرفت. از این پس استورچ و همسرش دولوروس به طور مشترک در زمینهٔ عکاسی و مدیریت هنری مشغول کار هستند.




۳۸




۳۹



۴۰

۳۸و۳۹و۴۰ـ صفحه آرایی‌های اتو استورچ برای مجلات، نمونه‌ای عالی از موردی است که در اثر همکاری یک مدیرهنری خلاق و سردبیری خیال پرداز و متهور (هربرت مه‌یس و جان مک کارتر) حاصل می‌شود. آزادی عمل استورچ در این میان، به وی امکان تجربه و رسیدن به نتایجی اغلب خیره کننده می‌بخشید.

## طراحی گرافیک در سوئیس

در دورهٔ جنگ جهانی اول، سوئیس بهشت دادائیست‌ها و دیگر هنرمندان آوانگاردی شد که در پی پناهندگی سیاسی بودند. با شروع جنگ جهانی دوم، این کشور بار دیگر محمل هنرمندان و طراحان گرافیکی شد که از اروپای جنگ‌زده می‌گریختند. بیش‌تر این هنرمندان در شهرهای آلمانی زبان باسل و زوریخ ساکن می‌شدند.

طراحی گرافیک سوئیس خیلی پیش از جنگ به تثبیت رسیده بود و از الگوهایی چون داستیل، ساختارگرایی، باهاوس و آثار یان تشیچهلد بهره می‌برد. از جمله طراحان پیشگام سوئیس در دورهٔ پیش از جنگ، ارنست کلر، تئو بالمر، ماکس بیل و امیل رودر، بودند (تصاویر ٤١ و ٤٢).

پس از این طراحان، گروه طراحان جوان‌تر پا به میان گذاردند که در سال‌های پس از جنگ به شهرت و اعتبار رسیدند. از جملهٔ این طراحان، ماکس هوبر، یوزف مولر بروکمان، آرمین هافمن و کارل گرستنر بودند (تصاویر ٤٣ و ٤٤). شاید مهم‌ترین سهم سوئیس در این دوره رویکرد طراحی موسوم به «سبک سوئیس» و به عبارت دقیق‌تر «سبک بین‌المللی» باشد.

ویژگی‌های برجستهٔ سبک بین‌المللی استفاده از جدول‌بندی، حروف چاپی بدون سریف، آرایش نامتقارن عناصر طراحی و ترجیح دادن حروف چاپی سطربندی نشده است.

اصول اخلاقی طراحی گرافیک سوئیس با نشریاتی چون *گرافیس* که در سال ١٩٤٤م پایه‌گذاری شد (تصویر ٤٦) و *نیوگرافیک دیزاین* که مولر بروکمان همراه با نشریات دیگری در سال ١٩٥٩ م منتشر کرد، در سراسر جهان گسترش یافت (تصویر ٤٥).



۴۱

٤١ـ ماکس بیل یکی از پیشگامان طراحی سوئیس بود. در این پوستر متعلق به سال ١٩٤٥ م، بیل از یک جدول بندی مورب پویا بهره می‌گیرد تا فضا را به صورت مجموعهٔ مستطیل‌های مختلطی ساماندهی کند که هریک حاوی تصویری با انتخاب دقیق هستند.

٤٢ـ پوستر سال ١٩٤٦ م ماکس هوبر در بزرگداشت نهضت مقاومت ایتالیا، آمیزه‌ای از فتومونتاژ و حروفی است که به گونه مورب جای داده شده‌اند تا کنش تصویر را قوت بخشند.


۴۲

۴۴

۴۳

۴۵

۴۶

۴۳ـ پوستر آرمین هافمن برای نمایشگاه پارچه‌های تور. هافمن دو عنصر را به گونه تأثیرگذار با یکدیگر تلفیق کرده است تا به تصویری واحد و مستقل دست یابد. او با تغییر مسیردر تنها سطر حروف این کار توجه بیننده را به درون مستطیل پارچهٔ تور معطوف می‌کند.

٤٤ـ پوستری که یوزف مولر بروکمان در سال ۱۹۵۵ م برای کنسرت موسیقی طراحی کرد و بازتاب سبک کاملاً پیشرفتهٔ سوئیس است. عناصر برجسته و مشخصی که باضرب و ریتم در این پوستر جای گرفته‌اند، دلالت بر موسیقی آهنگسازان نامبرده دارد.

٤٥ـ *نیوگرافیک دیزاین* که نخستین بار در سال ۱۹۵۹ م انتشار یافت، عرصه‌ای برای نمایش آثار طراحان گرافیک برجسته سوئیس بود.

٤٦ـ مجلهٔ گرافیس را نخستین بار در سال ۱۹٤٤ م والتر هردگ منتشر کرد. این مجله از آغاز انتشار خود، عامل عمده‌ای در ترویج طراحی سوئیس و آثار طراحان سراسر جهان بوده است.



۴۷

## طراحی گرافیک در هلند

در جنگ جهانی اول، هلند کشوری بی‌طرف بود. این کشور به رهبری گروه د استیل یکی از فعال‌ترین مراکز طراحی گرافیک تجربی بود. اما با آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال هلند از سوی ارتش آلمان، طراحان هلندی فعالیت خود را مخفیانه پی گرفتند و تنها امکان نمایش خصوصی آثار خود را داشتند. برخی از این طراحان در این راه جان باختند. اچ. ان. ورکمان در سال ۱۹٤٥ م چند روز پیش از آزادی هلند به دست نیروهای نازی اعدام‌شد.

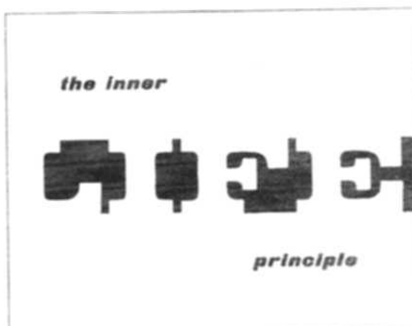
سال‌های پس از جنگ شاهد تداوم سنت طراحی حروف قدرتمند هلند به ویژه در آثار ویلیام سندبرگ بود که فعالیت خود را با تحصیل در رشتهٔ روان‌شناسی و تاریخ هنر آغاز کرد.


۴۸

سندبرگ تأثیر عمیقی از آثار اچ. ان. ورکمان، به ویژه استفادهٔ او از طراحی حروف درشت، حروف چوبی بزرگ و بریده‌های کاغذ برای ایجاد شکل‌های جذاب پذیرفت. سند برگ در سمت رسمی خود، مدیر موزهٔ مونیسیپال، و سپس موزهٔ استدلیک آمستردام، کاتالوگ‌های نمایشگاهی و پوسترهایی را طراحی و تهیه کرد که تأثیر تایپوگرافیک و بصری قدرتمند دارند (تصاویر٤٧، ٤٨ و ٤٩). این کارهای چاپی در موزه‌های سراسر جهان موجودند و مورد تقلید قرار گرفتند.

٤٧و٤٨ـ آثارویلیام سندبرگ به خاطر بهره‌گیری او از حروف درشت، کاغذهای بافت‌دار، فرم‌های لبه ناصاف و طرح‌های قوی پس زمینهٔ تصویر، به راحتی قابل تشخیص‌اند.

٤٩ـ یکی از طرح های سند برگ که بارها به چاپ رسیده است، مطالعه‌ای است که او در کتاب خود *تجربیات تایپوگرافی*، متعلق به سال ١٩٥٦ م، دربارهٔ پس زمینهٔ تصویر انجام داده است.



۴۹

### طراحی حروف چاپی پس از جنگ

پس از جنگ جهانی دوم، تقاضای بسیاری برای حروف چاپی جدید به ویژه برای حروف بدون سریف پدید آمد. آدرین فروتیژه، طراح سوئدی ساکن پاریس، خانوادهٔ حروف چاپی یونیورس را خلق کرد که دارای مجموعهٔ وسیعی از وزن‌ها و عرض‌ها بود.

در سال ۱۹۵۷ م، ادوارد هوفمن، طراح سوئدی دیگری، حروف چاپی قدیمی نیوهاس گروتسک را برگرفت و طرح جدید آن را به کمک مکس میدینگر به اجرا درآورد. حاصل کار حروف چاپی هلوتیکا بود که تبدیل به حروف چاپی محبوب طراحان سوئیس و بسیاری از طراحان دیگر جهان شد.

آلدو نوارەزه در ایتالیا دو نوع حروف چاپی بدون سریف تقریباً منحصر به فرد به نام‌های میکروگراما و ائوروواستیله آفرید.

در آلمان، یکی از برترین طراحان گرافیک و بی‌شک خلاق ترین طراح حروف هرمان زپ بود. از جمله بسیاری از حروف چاپی پرکاربرد او، پالاتینو، ملیور و اُپتیما بودند که همگی در دهۀ پنجاه طراحی شدند.

در امریکا، فریمن کرا سه نوع حروف چاپی کرا کلارندون، کرامدرن و آدلیب در دههٔ پنجاه طراحی کرد که در قاموس حروف نمایشی رواج فراوانی یافتند.

Helvetica

**Univers**

MICROGRAMMA

Eurostile

Palatino

Melior

Optima

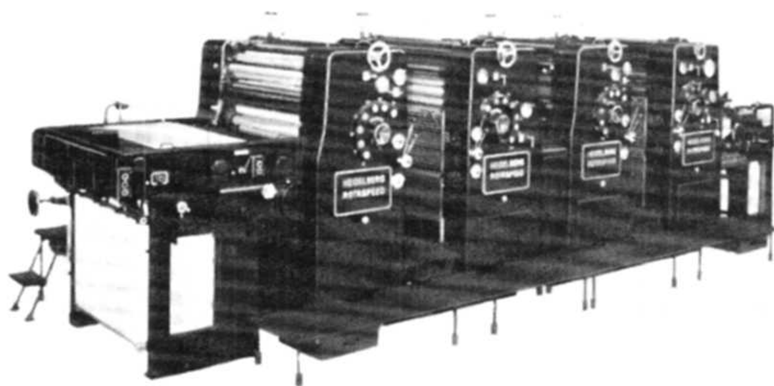
Craw Clarendon

Craw Modern

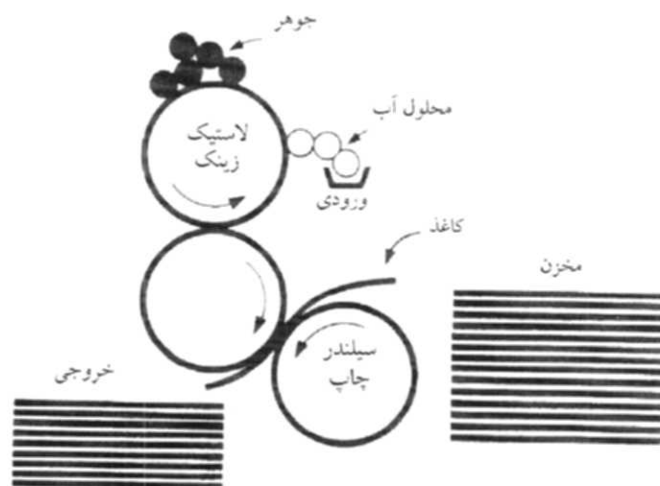
### شکوفایی لیتوگرافی افست

با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، چاپ برجسته (لترپرس) تفوق خود را بر صنعت چاپ از دست داد. نخستین بار از زمان گوتنبرگ فرایند چاپ دیگری موسوم به لیتوگرافی فوتوافست تفوق خود را آغاز کرد.

مزیت افست انعطاف‌پذیری آن است، یعنی به جای آن‌که لیاتی برای اجرا به چاپگر داده شود، طراح باید ماکت یا نسخهٔ اولیهٔ کار را تهیه کند تا از آن عکسبرداری و لوح چاپ گرفته شود. از آن‌جا که در این روش همه چیز با عکاسی انجام می‌شود، طراح آزادی و تسلط کامل بر طراحی کار چاپی دارد.



دستگاه چاپ لیتوگرافی افست چهار رنگ



**بسته‌بندی**

*بسته‌بندی یکی از زمینه‌های اصلی فعالیت طراحان است. از سال‌های جنگ جهانی دوم، همراه با وفور محصولات و روش‌های تبلیغاتی، بسته‌بندی نیز اهمیت ویژه‌ای یافت.*

*گرچه استودیوهای طراحی گرافیک نیز سفارش طراحی بسته‌بندی می‌پذیرند اما بسیاری از امور را در این زمینه شرکت‌های طراحی صنعتی انجام می‌دهند. این شرکت‌ها قادر به طراحی شکل بسته و تصاویر آن هستند.*

*شرکت طراحی صنعتی معمولاً طراحی بسته را، که می‌تواند بطری، جعبه یا کارتونی از جنس کاغذ، پلاستیک، فلز یا شیشه باشد، به طراح محصول می‌سپارد. پس از تعیین و تشخیص شکل و جنس بسته طراحان حقوق بگیر تصاویر را به آن می‌افزایند.*

*از شرکت‌های طراحی صنعتی عمده در زمینهٔ بسته‌بندی، شرکت‌های ریموند لاوی، جورج نلسون، والتر دوروین تیگ و هارولد وان دورن. بودند.*




طرحی از ریموند لووی

## وقایع و اشخاص

### وقایع تاریخی

**۱۹۳۸ـ** چستر کارلسون زیراکس را اختراع کرد.

**۱۹۴۰ـ** کشف غارهای لاسکو در فرانسه. نخست وزیری وینستون چرچیل. عقب نشینی دانکرک. آغاز نبرد بریتانیا. قتل لئون تروتسکی در مکزیک. کارگردانی فیلم *همشهری کین* اثر اورسون ولز. دور سوم ریاست جمهوری فرانکلین دولایت آیزنهاور. نمایش *فانتزیا*، ساختهٔ والت دیسنی.

**۱۹۴۱ـ** حملهٔ آلمان به اتحاد شوروی. ژاپن پرل‌هاربر را بمباران کرد. محبوبیت ترانه: «چاتانوگا چوچو» آغاز به کار پروژه منهتن. اختراع پارچه داکرون.

**۱۹۴۲ـ** نبرد میدوی. ورود زیر دریایی‌ها به خشکی در گوادال کانال. تصنیف «کریسمس سفید» اثر ایروینگ برلین. جایزهٔ اسکار فیلم *کازابلانکا*.

**۱۹۴۳ـ** سقوط موسولینی. نخستین نمایشگاه انفرادی جکسون پالک. افتتاح (نمایش) *اوکلاهما* در برادوی. رواج کت و شلوار مدل دهۀ چهل میان رقاصان جاز. پنی‌سیلین آنتی بیوتیک شناخته شد.

**۱۹۴۴ـ** حملهٔ متحدین به اروپا در ۶ ژوئن، روز دی دی. حملهٔ ارتش آلمان به لندن با موشک‌های وی دو.

**۱۹۴۵ـ** مرگ فرانکلین آیزنهاور. تأسیس سازمان ملل. پایان جنگ در اروپا در ۸ می، روز وی ای. بمباران اتمی هیروشیما در ۶ اوت. پایان جنگ در اقیانوس آرام در ۱۴ اوت، روز وی.جی.دی. کارگردانی *ایوان مخوف* اثر سرگی آیزنشتاین. نگارش *باغ وحش شیشه‌ای* اثر تنسی ویلیامز. نگارش *دربسته* اثر سارتر.

**۱۹۴۶ـ** برگزاری دادگاه جنایات جنگی نورمبرگ. انتشار کتاب *نگهداری نوزاد و کودک* نوشتهٔ دکتر بنیامین اسپاک. نگارش نمایشنامهٔ *مرد یخی می‌آید* اثر یوجین اونیل. محبوبیت ترانهٔ «زیپ آ دی دو داه».

**۱۹۴۷ـ** استقلال هند و پاکستان. انتشار *خاطرات آن فرانک*. کشف طومارهای بحرالمیت. احداث بلوک آپارتمانی مارسی اثر لوکوربوزیه. نخستین پرواز مافوق صوت. اختراع ترانزیستور در آزمایشگاه بل. عبور کشتی کاپیتان تور هیردال به نام کن ـ تی کی از اقیانوس آرام. جکی رابینسون، نخستین سیاه‌پوست، در لیگ برتر امریکا حضور یافت. مرگ آلکاپون.

**۱۹۴۸ـ** ترور گاندی. آغاز طرح مارشال در امریکا. تأسیس دولت اسرائیل.پل هوایی برلین. کارگردانی *دزد دوچرخه* اثر ویتوریو دسیکا. پتر گلدمارک صفحه سی و سه دور را اختراع کرد. انتشار گزارش کینسی. مرگ بابی روث.

**۱۹۴۹ـ** تأسیس ناتو. نگارش رمان *۱۹۸۴* اثرجورج اورول. نگارش *مرگ فروشنده* اثر میلر.محبوبیت ترانهٔ «رادولف، گوزن شمالی بینی سرخ». استقرار آپارتاید در افریقای جنوبی. تأسیس جمهوری خلق چین.

**۱۹۵۰ـ** آغاز جنگ کره. مرگ آل جولسون خوانندهٔ اولین فیلم ناطق. نمایش *راشومون* نخستین فیلم ژاپنی در امریکا.

**۱۹۵۱ـ** نگارش رمان *ناطور دشت* اثر جی. دی. سالینجر. مرگ ویلیام رودولف هرست. تولید نیروی برق از انرژی اتمی دراکرون واقع در آیداهو.

**۱۹۵۲ـ** درگذشت جورج ششم. تاج‌گذاری الیزابت دوم. انفجار نخستین بمب هیدروژنی. نگارش نمایشنامهٔ *در انتظار گودو* اثر ساموئل بکت. تکامل نخستین قرص‌های ضد بارداری. کسب عنوان قهرمانی سنگین وزن بوکس راکی مارسیانو. نگارش *تله‌موش* اثر آگاتا کریستی.

**۱۹۵۳ـ** مرگ استالین. صعود سر ادوارد هیلاری و تنزینگ نورکی از کوه اورست. اعدام اتل و ژولیوس روزنبرگ به‌خاطر جاسوسی. پایان جنگ کره. کشف ساختار دی. ان. ای.

**۱۹۵۴ـ** احکام دیوان عالی امریکا دربارهٔ اعمال تبعیض‌ها در مدارس. آغاز دادرسی‌های مک کارتی. کارگردانی *جاده* اثر فدریکو فللینی. نگارش *سالار رینگ‌ها* اثر جی. ار. تاکین. انتشار *در راه میلک وود* اثر دیلن توماس. واکسن فلج اطفال را دکتر یوناس سالک تکمیل کرد. روجر بانیستر یک مایل را در سه دقیقه و پنجاه و نه ثانیه و چهار دهم ثانیه دوید. ساخت ناتیلوس نخستین زیردریایی اتمی امریکا.

**۱۹۵۵ـ** نگارش *الویس*اثرکی تامپسون. جایزهٔ اسکار فیلم *مارتی* ساختهٔ پدی چایکوفسکی. مرگ آلبرت اینشتین. ضبط ترانهٔ «سنگ در کنار ساعت». کاری از گروه بیل‌هالی. مرگ چارلی پارکر موسوم به «پرنده».

**۱۹۵۶ـ** انتقاد خورشچف از دورهٔ استالین. تصنیف «کاندید» اثر برنشتاین. کارگردانی *مهر هفتم* اثر اینگمار برگمن. تصاحب کانال سوئز از سوی مصر و وقوع جنگ. شورش مجارستان را شوروی سرکوب کرد. ضبط ترانهٔ «کفش‌های آبی جیر». با صدای الویس پریسلی. نگارش نمایشنامهٔ *باخشم به گذشته بنگر* اثر جان آزبرن.

**۱۹۵۷ـ** پرتاب فضاپیمای اسپوتنیک برای آغاز عصر فضا. مرگ آرتورو توسکانینی. مرگ همفری بوگارت. انتشار رمان *در راه* اثر جک کرواک.

**۱۹۵۸ـ** معاهدهٔ رم وآغاز به کار بازارمشترک. لیتل راک در ایالت آرکانزاس مدارس را به‌خاطر تبعیض‌ها می‌بندند. نگارش نمایشنامه *کشمش در آفتاب* اثر لورن هنزبری بانوی سیاه‌پوست. نگارش *لولیتا* اثر ناباکف.

**۱۹۵۹ـ** نخست وزیری فیدل کاسترو در کوبا. رییس جمهوری دوگل در فرانسه. هاوایی پنجاهمین ایالت امریکا اعلام شد. مرگ فرانک لوید رایت .کارگردانی *هیروشیما عشق من*، اثر آلن رنه. مرگ بیلی‌هالیدی. نگارش *کرگدن* اثر اوژن یونسکو.

**ادبیات**

ماریان مور (۱۸۹۷ـ ۱۹۷۲)
ولادیمیر ناباکف (۱۸۹۹ـ ۱۹۷۷)
آندره مالرو (۱۹۰۱ـ ۱۹۷۶)
جورج اورول (۱۹۰۳ـ ۱۹۵۰)
ژان پل سارتر (۱۹۰۵ـ ۱۹۸۰)
لیلین هلمن (۱۹۰۵ـ ۱۹۸٤)
ساموئل بکت (تولد ۱۹۰٦)
آلبرتو موراویا (تولد ۱۹۰۷)
سیمون دوبوار (۱۹۰۸ـ ۱۹۸٦)
ویلیام اینج (۱۹۱۰ـ ۱۹۷۳)
ژان ژنه (۱۹۱۰ـ ۱۹۸٦)
تنسی ویلیامز (۱۹۱۱ـ ۱۹۵۸)
جان چیور (۱۹۱۲ـ ۱۹۸۲)
اوژن یونسکو (تولد ۱۹۱۲)
آلبر کامو (۱۹۱۳ـ ۱۹٦۰)
دیلن توماس (۱۹۱٤ـ ۱۹۵۳)
آرتور میلر (تولد ۱۹۱۵)
رابرت لاول (۱۹۱۷ـ ۱۹۷۷)
جک کرواک (۱۹۲۲ـ ۱۹٦۹)
نورمن میلر (تولد ۱۹۲۳)
آلن گینزبورگ (تولد ۱۹۲٦)

**موسیقی**

فرانچسکو مالی پیه رو (۱۸۸۲ـ ۱۹۷۳)
آرام خاچاتوریان (۱۹۰۳ـ ۱۹۷۸)
استفان ولپه (۱۹۰۳ـ ۱۹۷۲)
الیور مسیان (تولد ۱۹۰۸)
سموئل باربر (۱۹۱۰ـ ۱۹۸۱)
الیوت کارتر (تولد ۱۹۰۸)
ویلیام شومان (تولد ۱۹۱۰)
جان کارلو منوتی (تولد ۱۹۱۱)
بنجامین بریتن (۱۹۱۳ ـ ۱۹۷٦)

آلبرتو جیناسته را (تولد ۱۹۱٦)
لئونارد برنشتین (تولد ۱۹۱۸)
لوئیجی نونو (تولد ۱۹۲٤)
لوچانو بریو (تولد ۱۹۲۵)
پیر بولز (تولد ۱۹۲۵)
گونتر شولر (تولد ۱۹۲۵)

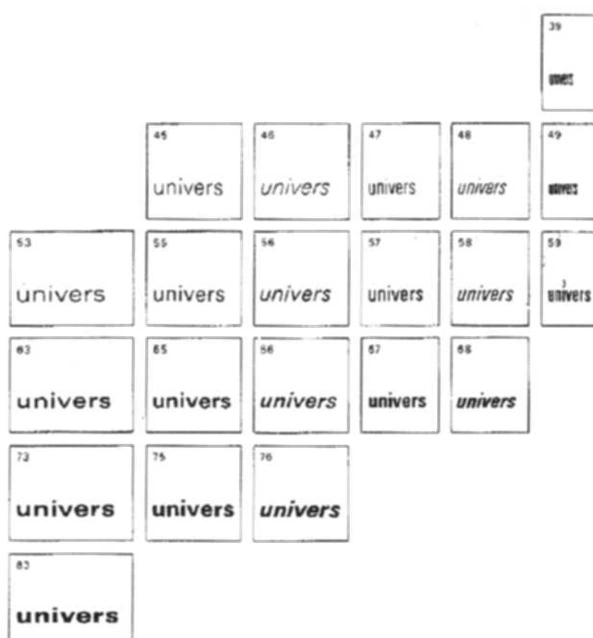
**هنرهای زیبا**

هانس هوفمان (۱۸۸۰ـ ۱۹٦٦)
ژان دو بوفه (۱۹۰۱ـ ۱۹۸۵)
گراهام ساترلند (۱۹۰۳ـ ۱۹۸۰)
آدولف گوتلیب (۱۹۰۳ـ ۱۹۷٤)
کلیفورد استیل (۱۹۰٤ـ ۱۹۸۰)
ویلم دکونینگ (تولد ۱۹۰٤)
ایزامو نوگوچی (تولد ۱۹۰٤)
آرشیل گورکی (۱۹۰۵ـ ۱۹٤۸)
لی کراسنر (۱۹۰۸ـ ۱۹۸٤)
فرانسیس بیکن (تولد ۱۹۱۰)
ویلیام بازیوتس (۱۹۱۲ ـ ۱۹٦۳)
اد رینهارد (۱۹۱۳ـ ۱۹٦۷)
فیلیپ گاستون (۱۹۱۳ـ ۱۹۸۰)
رابرت مادر ول (تولد ۱۹۱۵)
کارل اپل (تولد ۱۹۲۱)
گریس‌هارتیگان (تولد ۱۹۲۲)
مایکل گلدبرگ (تولد ۱۹۲٤)
رابرت راشنبرگ (تولد ۱۹۲۵)
جان میچل (تولد ۱۹۲٦)
آلفرد لزلی (تولد ۱۹۲۷)
یاسپر جونز (تولد ۱۹۳۰)
بردلی واکر تاملین (۱۹۵٤ـ ۱۸۹۹)
دیوید اسمیت (۱۹۵۵ـ ۱۹۰٦)
جکسون پالک (۱۹۵٦ـ ۱۹۱۲)
فرانتس کلاین (۱۹٦۲ـ ۱۹۱۰)

مارک راتکو (۱۹۷۰ـ ۱۹۰۳)
بارنت نیومن (۱۹۷۱ـ ۱۹۰۵)
بن نیکولسون (۱۹۸۲ـ ۱۸۹٤)

**هنرهای گرافیک**

ارنست کلر (تولد ۱۸۹۱)
ویلم سندبرگ (تولد ۱۸۹۷)
جورج نلسون (۱۹۰۷ـ ۱۹۸٦)
مکس بیل (تولد ۱۹۰۸)
آلن‌هارلبرت (۱۹۱۰ـ ۱۹۸۳)
سیپ برتین (تولد ۱۹۱۱)
مورتون گلدشل (تولد ۱۹۱۱)
ویلیام گلدن (۱۹۱۱ـ ۱۹۵۹)
الکساندر لیبرمن (تولد ۱۹۱۲)
اوتو استورچ (تولد ۱۹۱۳)
یوزف مولر بروکمان (تولد ۱۹۱٤)
امیل رودر (۱۹۱٤ـ ۱۹۷۰)
آلوین لوستیگ (۱۹۱۵ـ ۱۹۵۵)
لو دورفزمن (تولد ۱۹۱۸)
هرمان زپف (تولد ۱۹۱۸)
جنه فدریکو (تولد ۱۹۱۸)
هرب لوبالین (۱۹۱۸ـ ۱۹۸۱)
مکس هوبر (تولد ۱۹۱۹)
سائول باس (تولد ۱۹۲۰)
آرمین‌هافمن (تولد ۱۹۲۰)
باب گیج (تولد ۱۹۲۱)
آرون برنز (تولد ۱۹۲۲)
تنو بالمر (تولد ۱۹۲۳)
آرت کین (تولد ۱۹۲۵)
آدریان فروتیژه (تولد ۱۹۲۸)
برت استرن (تولد ۱۹۲۹)
کارل گرستنر (تولد ۱۹۳۰)
تام کارنیس (تولد ۱۹۳۹)




خانوادهٔ حروف یونیورس اثر آدریان فروتیژه

## ۱۹۶۰ ـ ۱۹۸۰

### عصر جوانان، دگرگونی و فضا

دهـهٔ شصت با احساس خوش‌بینی و اشتیاق بـه دگرگونـی و تغییر آغـاز شد و با یأس و سـرخوردگی به پایان رسید. در سال ۱۹۶۰ م جـان اف. کـندی به ریاست جمهوری امریکا برگـزیده شـد و بـا خـود انـرژی جوانـی و راه‌هـای نوینـی بـرای حـل مسـائل داخلی و بین‌المللی به همراه آورد.

در جبههٔ داخلـی امـریکا، اعتصـاب‌های خیابانـی و قـانون‌گـذاری‌هـای دادگسـتری دسـتاوردهایی در زمینـهٔ حقـوق مدنـی درپی آورد و نبردی علیه فقر و بیماری خوانده شد. در همیـــن زمـــان ســـازمان هوانـــوردی و فضـانوردی امـریکا (ناسا) بـا هدف رساندن انسان به کرهٔ ماه تأسیس و راه‌اندازی شد.

در پایـان ایـن دهـه، رئیس‌جمهور کندی، بـرادرش رابـرت و مارتیـن لوترکینـگ رهبر حقـوق مدنی امریکا ترور شدند. تداوم جنگ اعلام نشده و غیرمردمی ویتنام، رئیس‌جمهور لینـدن جانسـون را از موفقیـت در دور جدید انـتخابات سـال ۱۹۶۸ م بازداشـت. ریچـارد نیکسـون به ریاست جمهوری امریکا برگزیده شد و مردم این‌کشور به‌دو دسته تقسیم‌شدند.

در اوایـل دهـهٔ هفتاد، ایالات متحده هنوز در بـاتلاق جنـگ ویتنام گرفتار بود و جوانان امریکا ـ موسوم به بچه کانگروها که جمعیت این کشور را پس از جنگ جهانی دوم به مرز انفجـار رسـانده بودنـد ـ کشـور را بـه سوی حقـوق مدنـی، تظاهـرات ضد جنگ، مسائل زیسـت‌محیطی و انقلاب جنسی سوق دادند. زنـان خود را بازیافتند و نبرد برای رسیدن به حقوق برابر با مردان را آغاز کردند.

جـنگ ویتـنام در سـال ۱۹۷۳ م بـه پایان رسـید. رسـوایی واترگیـت، رئـیس‌جمهـور نیکسـون را وادار به کناره‌گیری از قدرت کرد و اوپـک، کارتل بین‌المللی نفت، با قطع تولید خـود افـزایش قیمـت‌هـا را موجب گردید و بـرای نخسـتین بار، کسری بودجهٔ بسیاری را در پی آورد.

در سال ۱۹۷۶م، امریکا رفته رفته به وضع عـادی خود بازگشت. جیمی کارتر به ریاست جمهـوری امـریکا برگـزیده شـد وجشـن دویسـتمین سـالگرد اسـتقلال امـریکا بـه امریکاییـان کمـک‌کـرد تـا حـس هویـت و میهن‌پرستی خود را بازیابند.

سـپس در پایـان ایـن دهه، دوران ریاست جمهـوری کارتر در اثر افزایش تورم و تداوم بحران گروگان‌گیری در ایران به تزلزل افتاد.

دهـهٔ شصـت و هفـتاد، با شمار زیادی از تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی مواجه بود کـه نسـل زاده شدهٔ پس از جنگ جهانی دوم الهام‌بخش و عامل آن بودند.

فلسفهٔ‌این‌نسل بیش‌تر در موسیقی‌بت‌هایی چـون بـاب دیـلان، جـان بیز، بتیلز، رولینگ استونز، هو، دورز، جیمی هندریکس، یانیس جاپلیـن، و سـیمون و گارفـانکل خلاصـه مـی‌شد. بـه هیپی‌های جوان و نوجوان گفته مـی‌شـد بـا مصرف ماری‌جوانا، ال اس دی و مسـکالین «درس و مدرسـه را رها کنند، خود را بسـازند و نشـئه کنـند.» اگر عوالم نشئگی مؤثـر واقـع نمـی‌شـد، این افراد آگاهی را در هـم‌صـحبتی بـا گوروهـا (مرشـدها) اسـالن، گروه‌های‌مواجهه،عشق‌های‌مشترک،تاخَت‌زدن همسر یا فریادزدن‌های‌وحشیانه می‌جستند.



در عـــالم مُـــد، مینـــی‌ژوپ، شـــلوارک، لـباس‌هـای شـنای بـدون بالاتنه، پیراهن‌های بـدن‌نمـا، خـال‌کوبـی بـدن و اصـلاح مـوی افریقایـی رواج داشـت، در سینما «موج نو» با ژان لوک گدار، آلن رنه و فرانسوا تروفو آغاز شد. در این زمان پاپ آرت از طریق فیلم‌های زیرزمینی به عالم سینما راه یافت. در ادبیات، چهـره‌هـای برجسته شامل ادوارد آلبی، جیمز بالدویـن، گونـترگراس، جـیمز کارول اوتس، آلکسـاندر سولژنیتسـین، فیلیـپ روث، جـان آپدایک و کورت وونه‌گوت بودند.

در پایـان دههٔ هفتاد، زمان پختگی رسید و بچـه کانگروها تشکیل خانواده دادند و به راه خـود در نـردبان زندگـی مشترک ادامه دادند. در ایـن حال، نسل جدید جان تراولتا، بی‌گیز، رقص دیسکو، جنگ *ستارگان* و آرتودی‌تو را کشف می‌کرد.

در دنیای مصرف، ژاپن با سیل اتومبیل‌ها، دوربین‌ها، ماشین‌حساب‌ها، تلویزیون‌ها و ضبط‌صوت‌های ارزان قیمت و مرغوب بازار امریکا را به تصرف خود درآورد.

### هنرهای زیبا

در اوایل دههٔ شصت، جنبش اکسپرسیونیست انتزاعی بیش‌تر توان و انرژی خود را از دست داد و نسل جدید هنرمندان مسیرهای تازه‌ای را جست‌وجو کردند. در این دوره، جنبش‌های بی‌شماری به ظهور رسیدند که برخی از آن‌ها تنها چند سال دوام داشتند. از مهم‌ترین این جنبش‌ها، پاپ، کالرفیلد، آپ، مینی مالیسم، هارد اج، کانسپچوال و کاینه‌تیک بودند. دههٔ هفتاد با بازگشت اشکال مختلف رئالیسم و از آن‌جمله فوتورئالیسم‌وسوپررئالیسم مواجه‌بود.

پاپ آرت (هنر مردم پسند) واکنشی به احساس‌گرایی افراطی‌وجدیت شدید اکسپرسیونیسم انتزاعی‌بود. هنرمندان پاپ با الهام از ایده‌های یاسپر جونز و رابرت راشنبرگ آثاری خلق کردند که تصاویر آن از فرهنگ مردمی برگرفته شده بود. از جملهٔ این آثار می‌توان به نقاشی‌های فکاهی روی لیختنشتاین و قوطی‌های سوپ کمپبل اثر اندی وارهول اشاره کرد (تصاویر ۱ و ۳) نقاشان دیگر پاپ، جیمز روزنکیست (تصویر ۲)، جیم داین، تام وسلمن و رابرت ایندیانا، بودند.

بسیاری‌ازهنرمندان‌پاپ ازجمله‌وارهول و روزنکیست، متکی بر هنرهای گرافیک بودند و به همین دلیل اکراهی در استفاده از چاپ تجاری، نقاشی علائم و نشانه‌ها و تکنیک‌های تبلیغاتی نداشتند. تجلیات دیگر پاپ آرت، مجسمه‌های نرم[۳۷] کلز اولدنبرگ، قالب‌های گچی جورج سگال، پیکره‌های چوبی و پارچه‌ای ماریسول و سازه‌های نئونی کرایسا بودند. هنرمندان پاپ همچنین از اجراهای خود انگیخته موسوم به هپنینگز (پیشامدها) نیز بهره می‌بردند.

در شیوهٔ نقاشی کالرفیلد (گسترهٔ رنگ)، هنرمند برای خلق اشکال دو بعدی با رنگ تخت به سطح بوم اهمیت بیش‌تری می‌داد و بدین‌سان طراحی و ضربهٔ قلم‌ها را از کار خود حذف می‌کرد. در این شیوه، رنگ می‌توانست به طرق مختلف از جمله با قلم‌مو، اسفنج، یا تکه پارچه به‌کار برده شود یا بر سطح بوم پاشیده شود. هنرمندان این مکتب موریس لوئیس، کنت نولاند، یولز اولیتسکی و هلن فرانکنتالر، بودند.

در همین دوره، گروه دیگری از هنرمندان به تجربه با جلوه‌های نوری حاصل از رنگ‌ها و اشکال هندسی متضاد و متغیر پرداختند. این جنبش موسوم به *آپ آرت* (هنرنور) عمر چندانی نداشت و نتوانست هواداران بسیاری را جذب خود سازد. معروف‌ترین هنرمندان آپ، ویکتور وازارلی، بریجت رایلی، ریچارد آنوژکیه ویچ و لاری پونز، بودند.



۱

۱ـ روی لیختنشتاین منبع الهام هنر خود را کمیک استریپ قرار داد. وی با بزرگ نمایی تک قاب‌های این تصاویر، توانست به هجو روابط عاشقانه و ماجراجویی‌های شخصیت‌های کمیک استریپ بپردازد.



۲

گروه دیگری از نقاشان که به *مینی‌مالیست‌ها* (کمینه‌گرایان) یا *هارد اج* موسوم بودند، قصد داشتند فرم را به رنگ‌های تخت یا اشکال ساده تقلیل دهند. نمونه‌هایی از نقاشی هارداج، آثار الزورث کلی، آل هلد، و جک یانگرمن، است.

هنرمندان *کانسپچوال* (مفهومی) از بوم‌های نقاشی شده و موضوعات هنر سنتی کناره گرفتند و به جای آن نمودهای تصادفی و موقعیت‌هایی را خلق‌کردند که در مرحلهٔ بعد عکسبرداری می‌شدند. برای مثال یک اثر کانسپچوال که در مقیاس عظیم انجام گرفت، آثار خاکی[۳۸] رابرت اسمیتسون و لفاف‌بندی‌های ساختمان‌ها، پل‌ها و جزایر اثر کریستو بود. هنرمندان دیگری چون جوزف کاسوت زبان را وسیلهٔ بیان ایدئولوژی زیبایی شناختی و دستمایه کار خود قرار دادند.

هنرمندان کاینه تیک (جنبشی) مجسمه‌سازانی بودند که به سنت الکساندر کالدر کار می‌کردند. برخی از آثار کاینه تیک، نظیرکارهای جورج ریکی، با باد به جنبش درمی‌آمدند و برخی دیگر به نیروی برق تکان می‌خوردند. نمونه‌هایی از آثار دسته دوم، کارهای لن لای و جین تینگولای، است. دیگر هنرمندانِ کاینه تیک با استفاده از نورهای نئون یا فلورسنت توهم حرکت را پدید می‌آوردند. این جلوه را می‌توان در آثار دَن فلاوین مشاهده کرد.




۳

---

۲ـ *پرتو همیشه تابان*، نقاشی متعلق به سال ۱۹۶۱ م اثر جیمز روزنکیست، تلفیقی از تصاویر تبلیغاتی و اشیای بزرگ شدهٔ روزمره برای ایجاد آگاهی تشدید یافته نسبت به جامعهٔ مصرفی است.

۳ـ *نوزده* سنت نقاشی اثر اندی وارهول متعلق به سال ۱۹۶۰م. وارهول تصاویر آشنای روزمره را موضوع اصلی آثار خود قرار داد و احساسات‌گرایی و هیجان اکسپرسیونیسم انتزایی را نفی کرد.

## هنرهای گرافیک

دورهٔ میان سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ م در هنرهای گرافیک، همچون هنرهای زیبا، دورهٔ نوآوری و تجربه‌گری بود. در این دوره ایده‌ها و تصاویر به شکلی آزادانه بین هنرهای زیبا و گرافیک در تبادل بود. راشنبرگ، وارهول، لیختنشتاین و روزنکیست، تصاویر و تکنیک‌های خود را از دنیای تجاری برمی‌گرفتند و طراحان نیز به گونه‌ای پیوسته از هنرهای زیبا الهام می‌پذیرفتند.

## طراحی گرافیک در امریکا

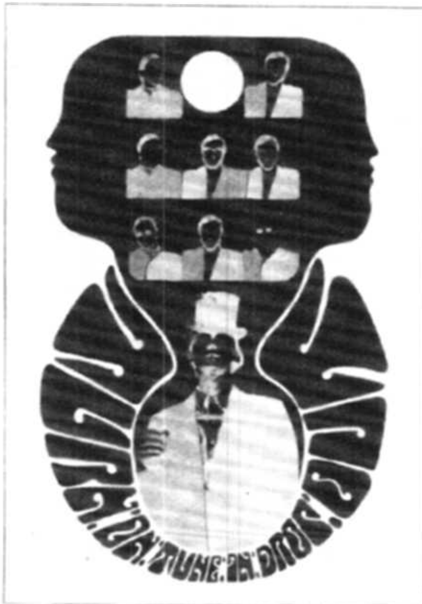
اوایل دههٔ شصت استمرار شکوفایی طراحی پس از جنگ را شاهد بود. طراحانی، چون پل‌رَند، سائول باس، برادبری تامپسون و جنه فدریکو، به قدرت‌های جدیدی در طراحی گرافیک تبدیل شده بودند و اکنون شرکت‌های تبلیغاتی و مؤسسات بزرگ در صدد به کارگیری آنان بودند.

در میانهٔ دههٔ شصت، نیروی حیاتی جدیدی امریکا را دربرگرفت. نسل بچه کانگروها بزرگ شدند و ذائقه‌ها و سلایق خاص خود را مطرح ساختند. هنر توهم‌گرا با تصاویر نامأنوس و پیچیدهٔ خود کاربرد وسیعی در پوسترها، مجلات و صفحات موسیقی جوان‌پسند یافت (تصاویر ٤ و ٥). اما این شیوه بر جریان غالب طراحی تأثیر کمی گذارد. آثار جدی طراحی گرافیک را نسل جدید طراحان خلق کردند.

٤و٥ـ هنر توهم زای میانهٔ دههٔ شصت و اوایل دههٔ هفتاد بیانی تجسمی به ضد فرهنگ موسیقی پاپ و مواد مخدر هوش‌افزا بخشید. در این آثار، تصاویر و حروف، مخدوش و واپیچیده می‌شدند و با رنگ‌های فسفری به چاپ می‌رسیدند تا اثراتی توهم زا پدید آورند. طراحی پوسترها در این شیوه برای تجربه شدن بود نه برای درک کردن.




۴



۵

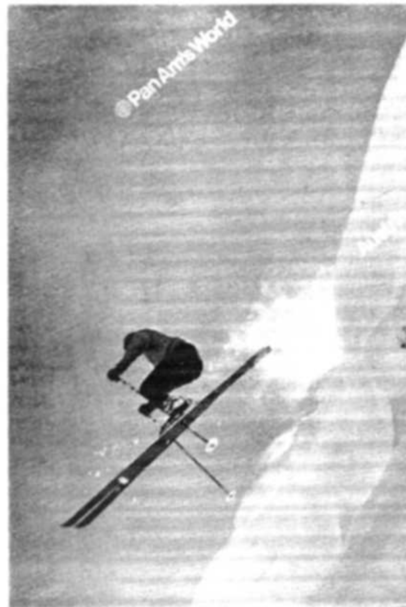
**شرکت چرمایف و گیسمار** بی‌شک از موفق‌ترین و شناخته شده‌ترین شرکت‌های طراحی گرافیک مشغول به کار امروز است. این دو طراح استعدادهای خود را در هر زمینه‌ای از طراحی‌ساک‌های خرید تا طرح‌های هویت شرکتی به کار گرفتند.

ایوان چرمایف و تام گیسمار در زمان تحصیل در رشته طراحی گرافیک دانشگاه ییل با یکدیگر آشنا شدند. پس از اتمام تحصیلات در میانهٔ دههٔ شصت به رابرت براون‌جان پیوستند که طراح گرافیک مطرح و شناخته شده‌ای بود. این دو در سال ۱۹۶۰ م شرکت طراحی گرافیک خود را تأسیس کردند و تقریباً بلافاصله با طرح‌های هویت شرکتی موفق خود برای چیس منهتن بنک (تصویر ۹) جلب توجه کردند. چرمایف و گیسمار از آن پس بیش از دویست طرح هویت شرکتی را تکمیل کرده‌اند که برخی از آن‌ها برای شرکت‌های موبیل، زیراکس و برلینگتون ایندASTریز بوده است (تصویر ۷).

چرمایف و گیسمار در زمینهٔ طراحی نمایشگاه به ویژه نمایشگاه‌های کوچک موزه‌ای در نمایشگاه‌های بین‌المللی نیز موفق بوده‌اند. از جمله طرح‌های این دو در این زمینه طراحی غرفهٔ دولت امریکا در نمایشگاه‌های بین‌المللی سال ۱۹۶۷ م مونترال و سال ۱۹۷۰ م اوزاکا و همچنین نمایشگاه «ملتِ ملت‌ها» برای شرکت اسمیتسونیان است.

چرمایف و گیسمار در پروژهٔ جشن دویستمین سالگرد استقلال‌امریکا مسئولیت برنامهٔ طراحی گرافیک و نشانه‌سازی رسمی آن‌را برعهده داشتند (تصویر۶). از دیگر طرح‌های‌نمایشگاهی مشهورآنان، طرح نمایشگاه کتابخانهٔ یادبود جان اف کندی بود.

چرمایف‌افزون‌برآن‌که در طراحی‌هویت شرکتی موفق است، تصویرساز موفقی نیز هست که آثارش را در بسیاری از پوسترها و آگهی‌های تبلیغاتی برای شرکت پابلیک برودکستینگ سیستم، شرکت موبیل و موزه هنر مدرن نیویورک می‌توان مشاهده کرد (تصویر ۸).




۷




۸



۹



۶

۶ـ یکی از سفارش‌های معتبر شرکت چرمایف و گیسمار طراحی نشانهٔ رسمی مراسم دویستمین سالگرد استقلال امریکا بود.

۷ـ پوستر متعلق به سال ۱۹۷۰ م که گسستی نو از پوسترهای مسافرتی پرزرق و برق سنتی است. تصویر واضح و مشخص و تایپوگرافی موجز این پوستر ازسنت طراحی گرافیک سوئیس پیروی می‌کند.

۸ ـ پوستری برای اقتباس تلویزیونی رمان *جنگ و صلح* اثر تولستوی در سال۱۹۷۳ م که با تصویرسازی ایوان چرمایف جذابیت ویژه‌ای یافته است.

۹ـ ایوان چرمایف و تام گیسمار در اوایل دههٔ شصت با طراحی این لوگوی منحصر به فرد و به یادماندنی برای چیس منهتن بانک خود را به تثبیت رساندند.

**موریل کوپر** طراح برجستهٔ دیگر این دوره است. او بیش از سی سال با مؤسسهٔ فناوری ماساچوست (ام آی تی)، یکی از اولین نهادهای معتقد به اهمیت طراحی به منزلهٔ عامل ارتباطی ارزشمند، همکاری داشته است.

خانم کوپر در سال ۱۹۵۱ م طراح تمام وقت ام آی تی شد تا طراحی نشریات این مؤسسه را بهبود بخشد. هشت سال بعد به سمت اولین مدیر هنری انتشارات ام آی تی انتخاب شد و در این سمت، نکته‌ای را تثبیت کرد که اکنون به نگرش ام آی تی موسوم است. (تصویر ۱۰). شاید نمونهٔ عالی این نگرش را بتوان در کاتالوگ سال ۱۹۶۹م او مشاهده کرد که تاریخچهٔ بسیار دقیقی از باهاوس است و در پانزدهمین سالگرد تأسیس این مدرسه انتشار یافت.

کوپر استادیار مطالعات بصری در ام آی تی است. او یکی از بانیان و مدیر کارگاه زبان بصری این مؤسسه است و در این سمت به تدریس و پژوهش در زمینهٔ ویژگی‌های گرافیک جدید در محیط الکترونیک می‌پردازد.




۱۰



۱۰ـ موریل کوپر هنگامی که مدیریت هنری انتشارات ام آی تی را بر عهده داشت، این مجلد از *کتاب باهاوس* را طراحی کرد که در سال ۱۹۶۹ م به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس این مدرسه انتشار یافت.

**رودلف‌دهارک** در سال ۱۹۲٤م در کلورسیتی کالیفرنیا زاده شد. او طراح خودآموخته‌ای بود که فعالیت خود را در وست کوست آغاز کرد و در سال ۱۹۵۰ م به نیویورک رفت و در آن‌جا به طراح گرافیکی تأثیرگذار مبدل شد.

وی افزون بر تصویرسازی‌های بی‌شمار برای مجلهٔ *اسکوایر*، طرح جلدهای صفحات موسیقی شرکت کلمبیا و لوگوها و پوسترهای مختلف خود، ۳۵۰ جلد فوق‌العاده موفق برای کتب انتشارات مک‌گراهیل، طراحی کرد. (تصاویر ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱٤)

وی در همین دوره فعالیت معلمی خود را آغاز کرد که بیش از سی و پنج سال ادامه داشته است. وی استاد ممتاز طراحی مدرسه هنر و معماری کوپریونیون در نیویورک است.

دهارک‌به‌خاطر طرح‌های نمایشگاهی و گرافیک معماری خود شهرت بسیاری کسب کرده است. از کارهای او دراین زمینه، غرفه‌هایی‌برای نمایشگاه بین‌المللی‌سال ۱۹٦۷م مونترال کانادا و نمایشگاه بین‌المللی سال ۱۹۷۰ م اوزاکای ژاپن است.




۱۱

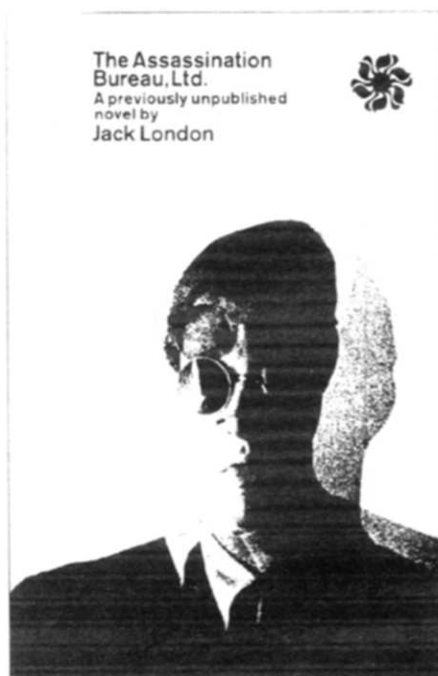


۱۲

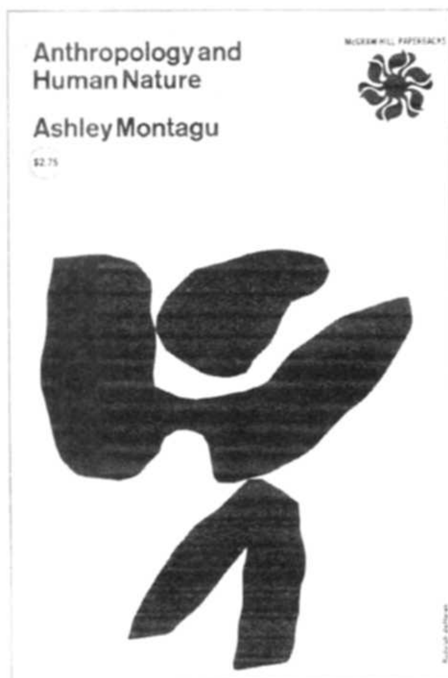
۱۱ـ دهارک برای پوسترشرکت مرل مارسیکانو اند دنس در سال ۱۹٦۲م تک چهرهٔ درشت و تیرهٔ رقصنده‌ای را برگزید تا عمق احساس را بیان دارد.

۱۲ـ بخشی از لوگویی که رودلف دهارک در سال ۱۹۵۹ م برای طرح هویت‌شرکتی‌ورسن لایتینگ کارکرد.

۱۳و۱٤ـ دو طرح جلد کتاب که دهارک در سال ۱۹٦۳ م برای کتب جلد شمیز تجاری انتشارات مک گراهیل طراحی کرد. این طرح‌ها بخشی از مجموعه طرح‌هایی بودند که با قلم بدون سریف واحدی براساس یک جدول‌بندی طراحی شدند. هدف دهارک، خلق نشانه‌ای توانمند برای بیان منحصر به فرد بودن هر یک از این کتب بود. لوگوی این مجموعه کتاب‌ها، که به صورت خورشید رخشان یا گلی شکفته است، حکم مظهر و نمادی مثبت داشت.




۱۳




۱۴

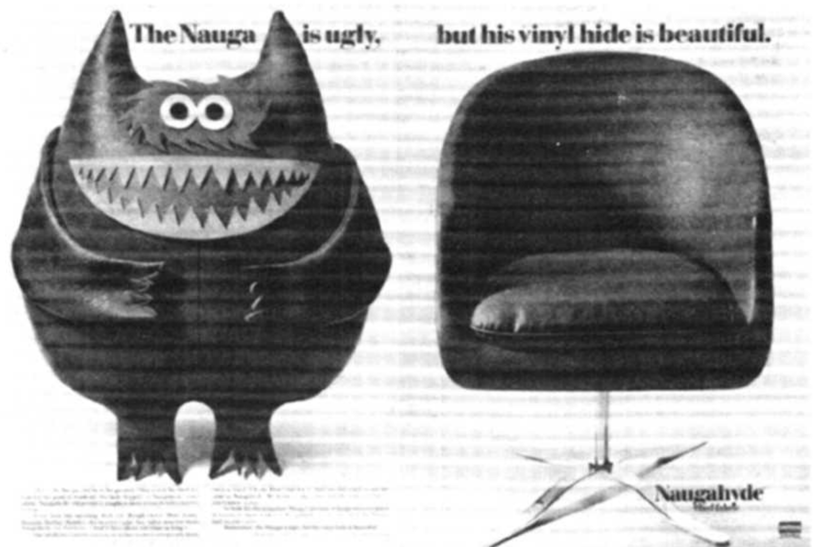
**گـئورگ لویـس** نمونـه‌ای از نسـل جدیـد مدیـران هـنر تبلیغاتی است. لویس در سال ۱۹۳۱ م در خـانوادهٔ یونانـی مهاجـری زاده شـد و در مؤسسـهٔ پـرات در بروکلیـن بـه تحصیل پرداخت. او به گفته خود «خروس بی‌محل» دنیای تبلیغات بود.

در دهـهٔ پـنجاه، حـرفهٔ تبلـیغات، تحت‌الشعاع اخلاق پروتستان انگلوساکسون سفیدپوسـت قـرار داشـت و آگهـی‌هـای تبلیغاتـی نیز بازتاب همین گرایش خشک و بـی‌روح بودنـد. لویـس بـا خلق آگهی‌های جسـورانه، نامـتعارف، طنزآمـیز و موفـق (تصـویر ۱٦)، ایـن دنـیای مـألوف را حـیرت‌زده کـرد. او پـس از آن‌کـه طراحی جلدهای مجلهٔ *اسکوایر* به وی پیشنهاد شد، همیـن روح جسـورانه را بـه دنیای طراحی مجله نیز وارد ساخت. (تصاویر ۱۵ و ۱۷)

لویـس اولین مدیر هنری بود که پیش از سـی‌سالگی شرکت تبلیغاتی خود موسوم به پیپرت کونـیگ لویس را اداره می‌کرد. او تا سـال ۱۹٦۷ م در ایـن شـرکت باقی ماند و پس از آن شرکت‌های دیگری را نیز تأسیس کرد. لویس مؤلف کتاب هنر *تبلیغات* است.




۱۵




۱۶




۱۷

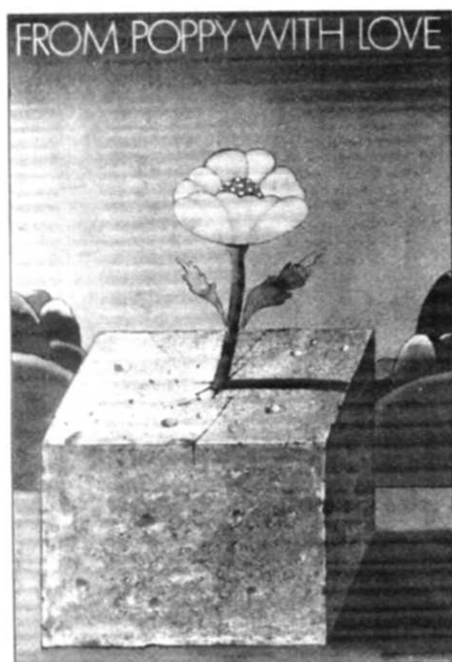
۱۵و۱۷ـ قابلیت گـئورگ لویس در خلـق اعلامـیهٔ بصری به یاد ماندنی بیش از همه در مجموعه طرح‌هایی نمایـان است که وی در دههٔ شصت برای جلد مجله *اسکوایر* خلق کرد.

۱٦ـ یکـی از بـزرگ‌ترین امتیازهای لویـس، حـس طنز وی بود. وی در ایـن‌جـا بـرای معرفـی محصـولی معمولـی از شـوخ‌طبعی خود بهره می‌گیرد.

**استودیوی پوش پین** شرکت طراحی گرافیک موفقی بود که در سال ۱۹۵٤م سه تن از فارغ‌التحصیلان کوپر یونیون، میلتون گلیزر، سیمور چاست و اد سورل، آن را تأسیس کردند. این سه تن که به شکلی ساده تصویرسازی و طراحی جلد کتاب را آغاز کرده بودند، در اندک زمانی مجموعهٔ وسیعی از خدمات طراحی گرافیک را ارائه دادند.

نگرش‌پوش‌پین بی‌درنگ شناخته شد و به تمایز رسید. این گروه از اصول محدودکننده و دست‌و پاگیر مکتب سوئیس به نگرش التقاطی‌تری سوق یافت که از تمام صور دوره‌های هنر شامل هنرهای زیبا و تجاری الهام می‌پذیرفت. نگرش پوش‌پین به صور مختلف بر طراحان و تصویرسازان سراسر جهان تأثیر گذارد (تصاویر ۱۹ و ۲۰).

این استودیو برای تبلیغ آثار خود، ماهنامهٔ *پوش‌پین گرافیک* را انتشار داد که به هنرمندان مختلف امکان می‌داد برای تجربه و ترویج استعدادهای خود به این استودیو بپیوندند (تصویر ۱۸). این هنرمندان برخی از تصویرسازان مطرح امریکا، از جمله رینولد روفینز، بری زید، جان الکورن، جیمز مک‌مولن و پل دیویس، بودند. استودیوی پوش‌پین به چنان موفقیتی رسید که توانست در مقام اولین استودیوی امریکایی، نمایشگاهی در موزهٔ معتبر هنرهای تزیینی پاریس برگزار کند. در سال ۱۹۷۵ م، سورل به شراکت خود با این استودیو پایان داد و فعالیت‌های خود را دنبال کرد. گلیزر نیز چندی بعد برای تأسیس شرکت خود از پوش‌پین کناره گرفت و هم اکنون چاست گروه پوش‌پین را مدیریت می‌کند.




۱۹



۱۸



۲۰

۱۸ـ مجلهٔ *پوش پین گرافیک* را استودیوی پوش پین همچون وسیلهٔ تبلیغ شخصی و محلی برای نمایش آثار بسیاری از تصویرسازان و طراحان باذوق پدید آورد. در این‌جا طرح جلدی از سیمور چاست برای شمارهٔ سال ۱۹۸۳ م این مجله دیده می‌شود.

۱۹ـ میلتون گلیزر که نقاشی آموزش دیده بود، قابلیت‌های گوناگونی برای کار به سبک‌های گوناگون داشت و این یکی از بزرگ‌ترین قابلیت‌هایی بود که وی به استودیوی پوش پین آورد. پوستری که در این‌جا دیده می‌شود، یکی از پوسترهای بی‌شماری است که او در طول سال‌ها طراحی کرده است.

۲۰ـ الفبای ابتکاری سیمور چاست برای استودیوی نقاشی متحرک الکترا فیلمز.

**گـئورگ تچرنـــی** در ســال ۱۹۲٤ م در بوداپست زاده شد اما خانوادهٔ او در همان سال‌های کودکی وی به برلین آمدند و سپس در سال ۱۹٤۱ م به امریکا مهاجرت کردند. تچرنی پس از خدمت در ارتش امریکا در مؤسسهٔ پرات در بروکلین نام نویسی کرد و طراحی گرافیک خواند. پس از پایان تحصیل، ابتدا طراح استخدامی شرکت داناددسکی و سپس شرکت جورج نلسون شد که هر دو از طراحان صنعتی مشهور بودند.

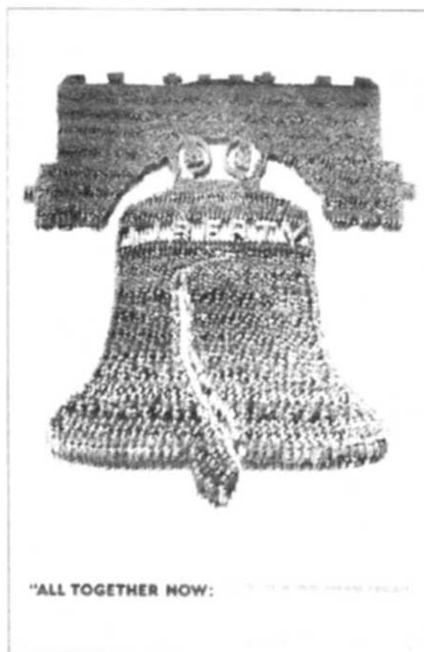
گئورگ تچرنی در سال ۱۹۵۵ م شرکت مستقل خود را تأسیس کرد و مجموعهٔ وسیعی از فعالیت‌ها از جمله طراحی هویت شرکتی، طراحی سالنامه‌ها، تمبرهای پستی، پوسترها و نمایشگاه‌ها را برعهده گرفت. (تصاویر ۲۱، ۲۲ و ۲۳)

از میان شرکت‌های بسیاری که تچرنی با آنان همکاری داشته است می‌توان به تگزاس گلف، شرکت دبلیو. آر. گریس، راک ول اینترنشنال، آی بی ام، آر سی‌آی، و برلینگتون اینداستریز اشاره کرد.

سبک تچرنی را به بهترین وجه می‌توان کلاسیک برشمرد. او از کلیشه‌های جنبش‌های مختلف بیست و پنج سال گذشته چشم پوشی کرده است.




۲۱




۲۲




۲۳

۲۱ـ تچرنی در طراحی پوستر برای مرکز فرهنگی آلمان، تصاویری تداعی بخش را با دقت انتخاب کرد تا موسیقی، فناوری، ادبیات، نقاشی، علم و ریاضیات را به نمایش درآورد.

۲۲ـ تچرنی برای پوستر دویستمین سالگرد استقلال امریکا، تصویر گرافیکی توانمندی را متعلق به جنگ جهانی اول با تایپوگرافی ساده درآمیخت تا به بزرگداشت این موقعیت بپردازد.

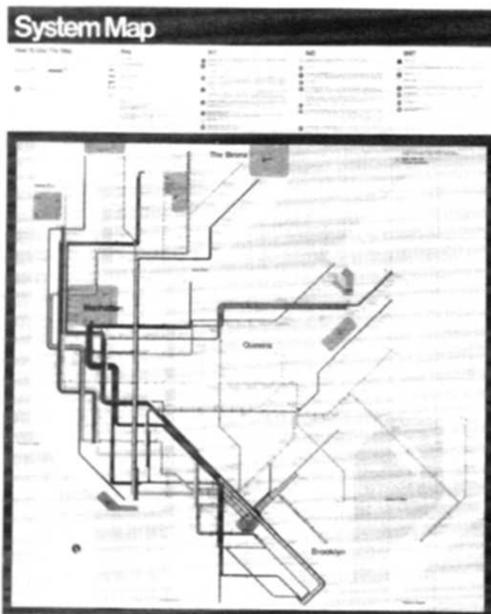
۲۳ـ گئورگ تچرنی با برگزیدن حروف نویسی دستی، در این طرح جلد برای کاتالوگ سال ۱۹٦۲ م موزه هنر مدرن، درپی دستیابی به حالت خودانگیخته در فرایند خلاقه بوده است.

**ماسیمو وینیه‌لی** زاده و تحصیل کردهٔ ایتالیا، فعالیت خود را در این کشور در رشتهٔ معماری آغاز کرد. وینیه‌لی نخستین بار در سال ۱۹۵۷ م با بورس مؤسسهٔ طراحی شیکاگو به امریکا آمد و پس از بازگشت به میلان دفتری برای انجام طراحی گرافیک، صنعتی و معماری دایر کرد.

وینیه لی در سال ۱۹۶۵ م به امریکا بازگشت و آثار خیره‌کننده‌ای را برای شرکت یونیمارک اینترنشنال در شیکاگو طراحی کرد و کار برای سفارش‌دهندگانی چون نول اینترنشنال را آغاز کرد. (تصویر ٢٤) از معروف‌ترین کارهای وینیه‌لی، نشانه سازی‌ها و نقشه‌های سیستم متروی نیویورک در سال ١٩٦٦ م (تصاویر ٢٥ و ٢٦) و متروی واشنگتن در سال ١٩٦٨ م بودند. او در سال ١٩٧١ م شرکت وینیه‌لی را در نیویورک تأسیس کرد و با همسرش للاّ، آفرینش طرح‌های تحسین برانگیز خود را ادامه داد.




۲۴




۲۶




۲۵

٢٤ـ ماسیمو وینیه لی که کار خود را به سمت معمار شروع کرده بود، به سرعت خود را در حکم طراح گرافیک برجسته‌ای به تثبیت رساند. در این‌جا برخی از کارهای او که برای شرکت نول اینترنشنال طراحی کرده، دیده می‌شود.

٢٥ـ و٢٦ـ یکی از مهم‌ترین کارهای وینیه لی طراحی مجدد علائم گرافیک و نشانه سازی شبکه متروی شهر نیویورک بود. هرچند نشانه سازی‌های او با موفقیت همراه شد، اما نقشهٔ او مورد اختلاف قرار گرفت. مسئولان حمل و نقل این نقشه را رد کردند اما چند سال بعد نقشهٔ دیگری را از او مورد تأئید قرار دادند.

## طراحی گرافیک در سوئیس

نسل جوان‌تری از طراحان گرافیک، در سوئیس که از فلسفهٔ طراحی براساس نظم مطلق دل‌زده شده بودند، به جست‌وجوی راه‌حل‌های دیگر برآمدند. آنان احساس می‌کردند طراحی گرافیک سوئیس، بیش از حد قالبی شده و از آن‌جا که طرح‌ها ظاهری آراسته و کاملاً منظم داشتند، اغلب برای مخاطبان قابل پیش‌بینی بودند.

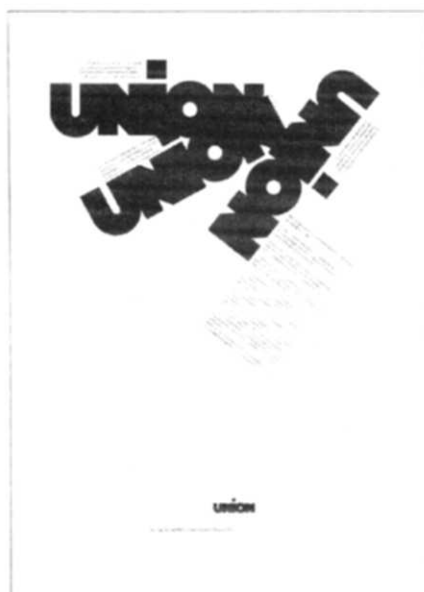
طراحانی چون ولفگانگ وینگارت، زیگفرید اودرمات و رزمری تیسی، برای مقابله با این گرایش و دمیدن روح نوینی در آثار خود از این سنت دست کشیدند و سعی کردند عناصر طراحی را به شیوه‌ای سرزنده‌تر و غیرقابل انتظارتر به کار گیرند (تصاویر ۲۷، ۲۸ و ۲۹). حس شهودی و همچنین منطق در کار آنان، تعیین‌کنندهٔ محل قرارگیری عناصر طراحی در کلیت کار بود، بدین معنا که حروف و تصویرسازی‌ها بدون فکر قبلی در ترکیب کار جای می‌گرفتند و ظاهری پویا به یک صفحه می‌بخشیدند. این نگرش که با نام موج نو مورد اشاره قرار می‌گرفت، تخیل بسیاری از طراحان جوان را مجذوب خود ساخت.

وینگارت تجربیات خود را گسترش داد و شاهکارهایی از جلوه‌های بصری آفرید که از ویژگی‌های آن‌ها تصاویر روی هم افتاده، نقوش بزرگ شدهٔ نقطه‌دار نیم سایه، قطعات حروف معکوس، خط‌کش‌های زیر کلمات، خط‌های ستون مانند، و دیگر عناصر طراحی بود که هیجان بصری را افزایش می‌دهند.




۲۷

۲۷ـ ولفگانگ وینگارت یکی از نخستین طراحان سوئیس بود که از سنت طراحی گرافیک کلاسیک این کشور پیوند گسست و به جست‌وجوی فرهنگ بصری جدیدی برآمد. وینگارت فارغ از تعصبات خشک، مرزهای طراحی گرافیک سوئیس را توسعه بخشید.
۲۸و۲۹ـ دونمونه از کارهای زیگفرید اودرمات و رزمری تیسی که ویژگی آثار آنها را در خودنهفته دارد. این‌دو از سال ۱۹۶۹به گونه مشترک به کار مشغول‌اند. درطرح اودرمات برای یونیون سیف کومپانی، حروف به شیوه‌ای کاملا آزاد به کارگرفته شده و عملا سرو ته شده‌اند. در طرح تیسی حروف کلمه «Tips» برهم گذاری و پس و پیش شده تا تأثیر یک لوگوی توانمند را ایجاد نماید.




۲۸



۲۹

## طراحی گرافیک در انگلستان

انگلستان نیز همانند امریکا تأثیرات نسل پس از جنگ را تجربه کرد. این دوره در انگلستان نیز دوره جوانان، جنب و جوش شدید، موسیقی راک، اعتراض و احساسات ضددولتی بود. این دوره‌همچنین‌دورهٔ‌کامل و تمام‌عیاری برای‌طراحان مستعد و با ذوق بود تا آثار جدیدی‌بیافرینند.

سه تن از این طراحان، کالین فوربس، آلن فلچر و باب گیل، بودند. گیل مهاجری امریکایی بود که در سال ۱۹۶۲ م برای تأسیس استودیوی فلچر، فوربس و گیل به این گروه پیوست. این طراحان، سبک التقاطی داشتند و تابع هیچ فلسفهٔ خاصی‌نبودند. از این‌رو، آگهی‌هایی‌را خلق کردند که متفاوت و توجه برانگیز بودند (تصاویر ۳۰، ۳۱و۳۲). پس از سه‌سال، باب‌گیل از این استودیو کناره گرفت و تئوکراسبای جانشین وی شد.

در طی‌سال‌ها، عضویت در این شرکت گسترش یافت، اعضای جدیدی به آن افزوده شد، خدمات آن گسترش یافت و در سال ۱۹۷۱م به شرکت طراحی پنتاگرام تغییر نام داد. هفت سال بعد، این گروه دفتری در نیویورک دایر کردند. امروز گروه طراحی پنتاگرام مجموعهٔ وسیعی از خدمات طراحی معماری، گرافیک و صنعتی را به شرکت‌های بزرگ سراسر جهان ارائه می‌دهد. دیگر شرکت‌های طراحی مشهور این دوره، امنیفیک ال تی دی، ولف اولینز ال تی دی و مینال ترسفیلد پراوینسیال ال تی دی بودند.

درحالی‌که شرکت‌هایی‌چون پنتاگرام، طرح‌های‌گرافیک «هنری» می‌آفریدند، طراحان دیگری در همین دوره وجود داشتند که بیش‌تر به قالب طراحی جدید، جسورانه‌تر و برانگیزنده‌تری موسوم به *پانک* گرایش داشتند.

شیوه‌های پانک در موسیقی، مُد و طراحی، از شیوهٔ زندگی جوانان ناراضی و بیکار انگلستان مایه می‌گرفت. تصاویر گرافیک پانک، همچون طرح‌های وهم‌انگیز دههٔ شصت، در صدد ایجاد تکان بودند. این تصاویر به سرعت در رسانه‌های گرافیک به کار گرفته شدند تا به صورت روشی مؤثر برای دستیابی به بازار پرسود جوانان از آن‌ها بهره‌برداری شود، تصاویری که تناسب مطلوبی با تبلیغ و فروش صفحات موسیقی، نشریات مد و پوستر داشتند.



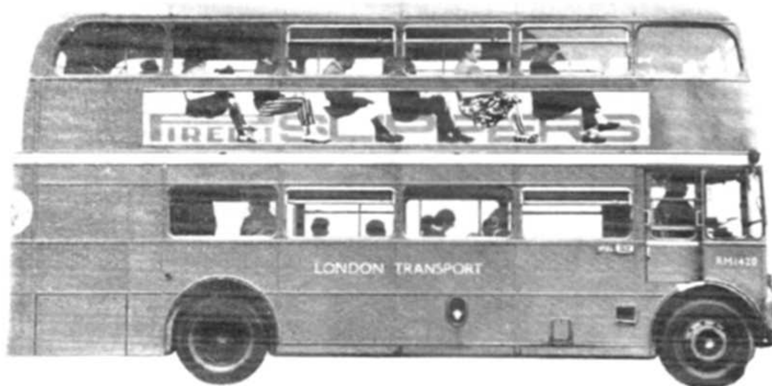

۳۰

۳۰ـ استودیوی طراحی پنتاگرام از آغاز پیدایش خود رویکردی التقاطی (گزینه گرا)داشته که بیش‌تر بازتابی از استعدادهای تک‌تک اعضای آن بوده تا مکتبی خاص. از جمله کارهای بی‌شمار این استودیو، طراحی جلدهای کتاب برای مجموعه کتب پنگوین بوکس بود.



۳۱

۳۱ـ کارت تبریک پیش از موعدی که از قریحهٔ سه طراح، کالین فوربس، آلن فلچر و باب گیل، نشأت می‌گیرد.




۳۲

۳۲ـ طنز نقش عمده‌ای در بسیاری از طرح‌های اولیه پنتاگرام داشت. در آگهی برای شرکت پرلی اسلیپرز، بخش‌های ناپیدای بدن مسافران کابین بالای اتوبوس، با پوشاک تولیدی این شرکت تکمیل شده است.

## طراحی گرافیک در ژاپن

طراحان ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم به منظور نوگرایی در تفکر گرافیک خود کوشیدند تکنیک‌های کلاژ، مونتاژ، قلم بادی (اربراش) و سبک تایپوگرافیک بین‌المللی را با نمادها، خوش‌نویسی و زیبایی‌شناسی ژاپنی درآمیخته سازند.

نتایج کار آنان از نظر غربی‌ها به شدت التقاطی به نظر می‌رسد. گاه این نتایج، پیوند ناهمگنی میان دو فرهنگ متفاوت‌اند اما در بیش‌تر موارد، طرح‌ها بازتاب درآمیختن وقار و آرامش شرقی با تنوع و انرژی غربی‌اند.

یکی از طراحان ژاپنی، که شاید بتوان وی را بیش از دیگران عامل این رویکرد جدید برشمرد، یوساکو کامه کورا است که احتمالاً در خارج از ژاپن طراح پوسترهای بازی‌های المپیک تابستانی سال ۱۹٦٤ م توکیو شناخته می‌شود (تصویر ۳۵) از طراحان برجستهٔ دیگر ژاپن، ایکو تاناکا (تصویر ۳۳)، شیگه‌او فوکودا (تصویر ۳٤) ماکاتو ناکامورا، کازوموزا ناگل و میتسوئوکاتسوئی هستند.

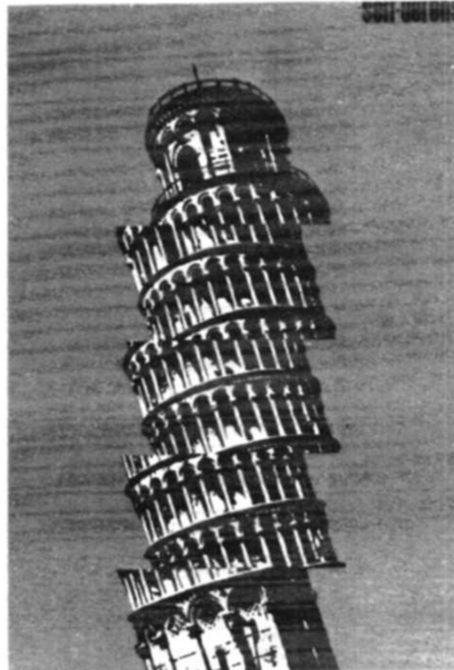



۳۳

۳۳ـ پوستر سال ۱۹۷٦ م ایکو تاناکا تلفیقی از عکس پرسنلی، خوش‌نویسی ژاپنی و فضای سفید برای خلق یک موقعیت قدرتمند است.

۳٤ـ پوستر سال ۱۹۷٤ م شیگه او فوکودا با نام *دفاع شخصی* از تصویر برج کج پیزا بهره می‌گیرد تا دلالتی ظریف بر اهمیت توازن در دفاع شخصی را بیان دارد.

۳۵ـ بسیاری یوساکو کامه کورا را پیشکسوت طراحی گرافیک ژاپن و یکی از نخستین طراحانی می‌دانند که ایده‌های غربی را به آثار خود وارد ساخت. در این‌جا یکی از پوسترهای مشهور او دیده می‌شود که برای بازی‌های المپیک سال ۱۹٦٤ م توکیو طراحی کرده است.



۳۴




۳۵

### حروف‌چینی نوری

گرچه نخستین اختراعات در زمینهٔ ماشین‌های حروف‌چینی در سال‌های ۱۸۹۰ م به ثبت رسیدند اما در دههٔ سی معدود افرادی چون ادوارد روند تالر از شرکت فوتولترینگ قابلیت حروف‌چینی نوری را جدی گرفتند. با این حال، این نوع حروف‌چینی، در وهلهٔ نخست به منظور استفاده از حروف چاپی نمایشی بود. حروف متنی همچنان به صورت فلزی چیده می‌شد.

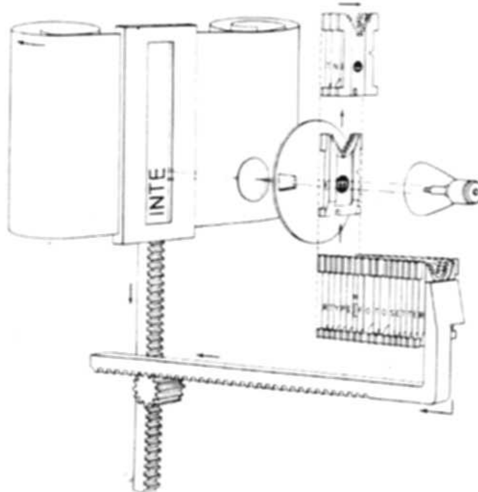
نسل اول سیستم‌های عملی حروف چینی نوری در اواخر دههٔ چهل با ماشین اینترتایپ فوتوستر پا به میان نهاد. ماشین فوتوستر در اصل همان ماشین سطرریزی اینترتایپ قدیمی بود که با استفاده از دوربین به جای دیگ فلز و نگاتیو به جای ماتریس حروف ریزی، به سیستم حروف‌چینی نوری تبدیل شده بود. ماشین فوتوستر با استفاده از دو فونت اصلی و مجموعه‌ای از لنزهامی‌توانست حروف ٤ تا ٣٦ پوینتی را حروف‌چینی کند.

در دههٔ شصت، نسل دوم ماشین‌های حروف‌چینی به بازار راه یافتند. این سیستم‌ها که قطعات کم‌تری داشتند، به طور الکترونیک کنترل می‌شدند و سریع‌تر و قابل اتکاتر بودند. در این سیستم، حروفی که باید چیده می‌شد، به جای آن‌که روی ماتریس‌های منفرد جای گیرد، روی دیسک‌ها یا نوارهای فیلم جای می‌گرفت.

یکی از سیستم‌های اولیه بسیار موفق نسل دوم فوتون‌بود. در این‌سیستم که به‌صورت‌الکترونیکی کنترل می‌شد، پرتو گزنون از طریق‌دیسک یا صفحه‌گردانی که حاوی چندین حرف الفبا و نویسه‌های روباز بود، بر روی رل کاغذ حساس به نور یا فیلم موجود در کاست تابانده می‌شد تا بعد به ظهور رسد. برای سرعت عمل در گرفتن خروجی، فوتون با نوار کاغذی سوراخ‌داری به کار می‌افتاد.

در دهه‌شصت سیستم‌های نسل‌سوم معرفی شدند که تمام الکترونیک بودند و از لامپ پرتو کاتدی همچون ابزار ایجاد حروف بهره می‌بردند. در این روش دیگر کل‌حروف روی‌کاغذ تابانده‌نمی‌شدبلکه اطلاعات مربوط به ترکیب ظاهری آن‌ها به شکل دیجیتالی در کامپیوتر ذخیره می‌شد و حروف به صورت مجموعه‌ای از نقطه‌های کوچک یا خطوط عمودی به هم نزدیک، ایجاد یا چیده می‌شد. حروف پس از چیده شدن به صورت پررنگ و یکدست نمودار می‌شدند. از ویژگی‌های سیستم‌های نسل سوم سرعت‌های خروجی ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ حرف در ثانیهٔ آن‌ها بود؛ هرچه سرعت‌کم‌تر می‌شد، کیفیت بالاتر می‌رفت. با دستکاری نقطه‌ها یا خطها حروف چاپی می‌توانست فشرده‌تر، از هم بازتر، ایتالیک شده، عقب برگشته و نازک و ضخیم شود.

ازاوایل دهه‌هشتاد، حروف‌چینی‌دیجیتالی یا تصویرپردازی صنعت سنتی را به مرحله‌ای رساند که تولیدکنندگان عمده به جز تولید وسایل دیجیتالی به تولید دیگری روی نمی‌آوردند.




دستگاه حروف‌چینی نوری اینترتایپ

### آی تی سی

شرکت بین‌المللی حروف چاپی یا به اختصار آی تی سی مسئول برنامهٔ گسترده‌ای در زمینهٔ تحول حروف چاپی است که مشابه آن را شرکت مونوتایپ انگلیس در همین سده به انجام رساند. شرکت آی تی سی که در سال ۱۹۷۰ م آرون برنز، هرب لوبالین، و ادوارد روندتالر آن را بنیان نهادند، طراحی مجدد بسیاری از حروف چاپی استاندارد از جمله حروف گارامون، کسلون، باسکرویل، سنچری و چلتنهام را برعهده داشته است. این حروف کلاسیک که در اصل برای شیوه‌های حروف‌چینی دستی و سیستم‌های سطرریزی طراحی شده بودند، پس از بازنگری با روش‌های حروف‌چینی نوری و دیجیتالی انطباق یافتند.

آی تی سی همچنین طرح‌های جدیدی از طراحان برجستهٔ حروف چاپی دنیا را، از جمله هرمان زپ، ماتیو کارتر، آلدو نوارزه و اد بنگوئیت، به اجرا درآورده است. بسیاری از این طراحان نخستین بار به خاطر کوشش‌های خود حق امتیاز دریافت می کردند.

U&lc.

## وقایع و اشخاص

### وقایع تاریخی

**۱۹۶۰ـ** انتخاب جان اف. کندی به ریاست جمهوری امریکا. تکامل لیزر. کارگردانی *سال گذشته در مارین باد* اثر آلن رنه. مرگ مک سنت. محبوبیت رقص تویست. زیردریایی اتمی امریکا و دور دنیا در زیرآب جهان.

**۱۹۶۱ـ** خودکشی ارنست همینگوی. مرگ مادربزرگ موسس، در سن ۹۹ سالگی. یوری گاگارین نخستین انسان درفضا. آلن شپرد نخستین‌امریکایی در فضا. مرگ‌تای کاب. تالیدومايد عامل نقایص مادر زادی در نوزادان.

**۱۹۶۲ـ** نگارش *بهارخاموش* اثر راشل‌کارسون. مرگ مریلین مونرو. بحران موشکی کوبا. نگارش *یک روز از زندگی ایوان دنیسوویچ* اثر الکساندر سولژنیتسین. نگارش نمایش‌نامهٔ *چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد* اثر ادوارد آلبی.

**۱۹۶۳ـ** ایراد خطابهٔ مشهور «من خواب دیده‌ام» مارتین لوترکینگ در گردهمایی واشینگتون. مرگ ادیث پیاف. ترور رئیس جمهور کندی به دست لی‌هاروی ازوالد. کارگردانی *دکتر استرنج لاو*اثر استنلی کوبریک. معرفی باربی دول.

**۱۹۶٤ـ** مرگ کول پورتر. ازدواج الیزابت تیلور با ریچارد برتون. کاسیوس کلی عنوان قهرمانی سنگین وزن را کسب کرد. مرگ ژنرال داگلاس مک آرتور. اجرای نخستین کنسرت امریکایی گروه بیتلز. اعطای جایزهٔ صلح نوبل به مارتین لوترکینگ.

**۱۹۶۵ـ** مرگ وینستون چرچیل. قطع طولانی برق شمال شرق. ترور مالکوم ایکس.

**۱۹۶۶ـ** دکتر مایکل دبیکری ضمن عمل جراحی از قلب مصنوعی استفاده کرد. جیم راین یک مایل را در ۳ دقیقه و ۵۱ ثانیه و ۳ دهم ثانیه دوید. نخست وزیری ایندیرا گاندی در هند.

**۱۹۶۷ـ** جنگ شش روزه بین مصر و اسراییل. قتل چه‌گوارا. رواج لباس‌های تویگی و مینی‌اسکریت. مرگ وودی گوتریه. دکتر کریستین برنارد نخستین عمل موفق پیوند قلب را انجام داد.

**۱۹۶۸ـ** ترور مارتین لوتر کینگ کوچک و رابرت اف. کندی. برگزاری بازی‌های المپیک در مکزیکوسیتی. حملهٔ اتحاد شوروی به چکسلواکی .

**۱۹۶۹ـ** نیل آرمسترانگ نخستین انسان در کرهٔ ماه. چارلز هال تشک آبی مدرن را اختراع کرد.پایان انتشار هفته‌نامهٔ ستردی ایونینگ پست پس از ١٤٨ سال. مرگ جودی گارلند و بوریس کارلوف.

**۱۹۷۰ـ** تیراندازی گارد ملی دانشگاه دولتی کنت به چهار دانشجو. مرگ ژنرال شارل دوگل.

**۱۹۷۱ـ** مرگ لویی آرمسترانگ. انتشار *ناقوس شیشه‌ای* اثر سیلویا پلات در امریکا.

**۱۹۷۲ـ** رسوایی واتر گیت. مرگ جی. ادگار هوور. ایفای نقش مارلون براندو در فیلم *پدرخوانده*.

**۱۹۷۳ـ** ورود بریتانیای‌کبیر به‌بازارمشترک. حکم دیوان‌عالی امریکا دربارهٔ اجازهٔ سقط جنین. مرگ پابلو پیکاسو.

**۱۹۷٤ـ** رادیکال‌ها «پتی هرست» را ربودند. کناره‌گیری رئیس جمهور نیکسون از قدرت. مرگ چارلز لیندبرگ و دوک الینگتون.

**۱۹۷۵ـ** ارتباط فضاپیماهای امریکا و شوروی با یکدیگر. رکورد بالای ۱۰۰ میلیون دلار فیلم *آرواره‌ها* در گیشه. مرگ جنرالیسمو فرانسیسکو فرانکو و چیانگ کای ـ چک. پایان حضور امریکا در ویتنام.

**۱۹۷٦ـ** جشن دویستمین سالگرد استقلال امریکا. مرگ مائوتسه‌دونگ رهبر چین. نگارش *ریشه‌ها* اثر الکس‌هالی.

**۱۹۷۷ـ** دیدار انور سادات از اسرائیل. آغاز حماسهٔ عصر فضا با پروژه جنگ ستارگان. مرگ چارلی چاپلین. آزمایش بمب نوترونی «کلین» امریکا.

**۱۹۷۸ـ** فروش نسخه‌ای از کتاب مقدس گوتنبرگ به بهای ۲ میلیون دلار. تولد نخستین کودک آزمایشگاهی در انگلیس. مرگ نورمن راکول. انور سادات و مناحم بگین معاهدهٔ کمپ دیوید را امضا کردند. مرگ ۹۱۱ تن در خودکشی جمعی آیین جیمز جونز. جان پل دوم نخستین پاپ لهستان شد.

**۱۹۷۹ـ** مارگارت تاچر اولین نخست‌وزیر زن در بریتانیا شد. سانحهٔ راکتور اتمی تری مایل آیلند. گروگانگیری در سفارت امریکا در ایران. حملهٔ شوروی به افغانستان.

### ادبیات

آیزاک ب. سینجر (تولد ١٩٠٤)
برنارد مالمود (١٩١٤ـ ١٩٨٦)
الکساندر سولژنیتسین (تولد ١٩١٨)
آیریس مردوک (تولد ١٩١٩)
کورت وونه گر (تولد ١٩٢٢)
جیمز بالدوین (تولد ١٩٢٤)
ترومن کاپوت (١٩٢٤ـ ١٩٨٤)
گونتر گراس (تولد ١٩٢٧)
ادوارد آلبی (تولد ١٩٢٨)
هارولد پینتر(تولد ١٩٣٠)
دانلد بارتلم (تولد١٩٣١)
جان آپدایک (تولد ١٩٣٢)
سیلویا پلات (١٩٣٢ـ ١٩٦٣)
اتول فوگارد (تولد ١٩٣٢)
فیلیپ روث (تولد ١٩٣٣)
تام استوپارد (تولد ١٩٣٧)
جویس کارول اوتس (تولد ١٩٣٨)

### موسیقی

لوئیجی دلا پیکولا (١٩٠٤ـ ١٩٧٥)
میخائیل تیپت (تولد ١٩٠٥)
لوسیانو بریو (تولد ١٩٢٥)
هانس ورنر هنزه (تولد ١٩٢٦)
کارل‌هاینس استوکهاوزن (تولد ١٩٢٨)
جورج کرامب (تولد ١٩٢٩)
کریشتوف پندرسکی (تولد ١٩٣٣)
اسیو رایش (تولد ١٩٣٦)
فیلیپ گلاس (تولد ١٩٣٧)

### هنرهای زیبا

لن لای (١٩٠١ـ ١٩٨٠)
جورج ریکی (تولد ١٩٠٧)
ویکتور وازارلی (تولد ١٩٠٨)
موریس لوئیس (١٩١٢ـ ١٩٦٢)
الکساندر لیبرمن (تولد ١٩١٢)
اگنس مارتین (تولد ١٩١٢)
ژولس اولیتسکی (تولد ١٩٢٢)
آلن کاپرو (تولد ١٩٢٣)
الزورث کلی (تولد ١٩٢٣)
روی لیختنشتاین (تولد ١٩٢٣)
جورج سگال (تولد ١٩٢٤)
کنت نولند (تولد ١٩٢٤)
جان تینگولای (تولد ١٩٢٥)
اندی وارهول (١٩٢٥ـ ١٩٨٧)
جک یانگرمن (تولد ١٩٢٦)
هلن فرانکنتالر (تولد ١٩٢٨)
ال هلد (تولد ١٩٢٨)
رابرت ایندیانا (تولد ١٩٢٨)
دانلد جاد (تولد ١٩٢٨)
سائول لویت (تولد ١٩٢٨)
کلز اولدنبرگ (تولد ١٩٢٩)
ریچارد آنوژکیه ویچ (تولد ١٩٣٠)
بریجیت رایلی (تولد ١٩٣١)
اودری فلاک (تولد ١٩٣١)
تام وزلمن (تولد ١٩٣١)
جیمز روزنکیست (تولد ١٩٣٣)
کارل اندره (تولد ١٩٣٥)
جیم داین (تولد ١٩٣٥)
فرانک استلا (تولد ١٩٣٦)
ریچارد استه (تولد ١٩٣٦)
لری پونز (تولد ١٩٣٧)
ریچارد سرا (تولد ١٩٣٩)
چاک کلاوز (تولد ١٩٤٠)
جوزف کاسوت (تولد ١٩٤٥)

### هنرهای گرافیک

هرب لوبالین (١٩١٨ـ ١٩٨١)
جورج تچرنی (تولد ١٩٢٤)
رودلف دهارک (تولد ١٩٢٤)
رابرت براون جان (١٩٢٥ـ ١٩٧٠)
تئو کرازبای (تولد ١٩٢٥)
موریل کوپر (تولد ١٩٢٥)
زیگفرید اودرمات (تولد ١٩٢٨)
کالین فوربس (تولد ١٩٢٨)
اد سورل (تولد ١٩٢٩)
میلتون گلیزر (تولد ١٩٢٩)
تام گیسمار (تولد ١٩٢٩)
سیمور چاست (تولد ١٩٣١)
آلن فلچر (تولد ١٩٣١)
باب گیل (تولد ١٩٣١)
جورج لویس (تولد ١٩٣١)
ماسیمو وینیه لی (تولد ١٩٣١)
ایوان چرمایف (تولد ١٩٣٢)
روزمری تیسی (تولد ١٩٣٧)
پل دیویس (تولد ١٩٣٨)
ولفگانگ وینگارت (تولد ١٩٤١)

## ۱۹۸۰ ـ
## تروریسم و جنگ ستارگان

دههٔ‌هشتاد با انتخاب رونالدریگان، رئیس‌جمهور محافظه‌کار، به ریاست جمهوری امریکا آغاز شد. جو حاکم بر امریکا همچون قبل گرایش چشمگیری به راست یافت و از لیبرالیسم و برنامه‌های اجتماعی فاصله گرفت. در دور نخست ریاست جمهوری ریگان، اقتصاد ریگانی تورم را به مهار خود درآورد اما بدهی‌های کشور را دوبرابر کرد.

در سال ۱۹۸۲ م، امریکا سفینهٔ کلمبیا را به منظور آغاز برنامهٔ شاتل فضایی ناسا با موفقیت به فضا پرتاب‌کرد اما در سال۱۹۸۶م، فضا پیمای چالنجر منفجر شد و هفت سرنشین آن کشته شدند و فضاپیما نیز منهدم شد. پنتاگون با حمایت ریگان برنامهٔ پژوهش دفاع موشکی خود موسوم به «جنگ ستارگان» را در همین زمان به پیش می‌برد. در میانهٔ این دهه، مسئلهٔ مصرف غیرمجاز مواد مخدر چنان گسترش یافت که دولت امریکا را به یافتن راه‌حل‌های جدی واداشت.

موضوعات مورد توجه دیگر در امریکا ضمن این دوره، افزایش مهاجرت‌های غیرقانونی به این کشور، تغییر مشاغل از صنایع تولیدی به صنایع خدماتی، از دست دادن فعالیت‌ها و بازارهای واردات خارجی، تأثیرات آلودگی بر کرهٔ زمین و جو، افزایش بی‌رویهٔ جمعیت بی‌خانمان و گسترش نشانهٔ بیماری ایدز بود.

جهان در این دهه افزایش شمار فعالیت‌های تروریستی را تجربه کرد که از جملهٔ آن‌ها ترور انور سادات رئیس جمهور مصر، قتل ۲۳۷ تفنگدار دریایی امریکا در بیروت و کشتار شمار زیادی از افراد عادی و بی‌گناه در فرودگاه‌ها، اردوگاه‌های مهاجران و خیابان‌های شهرها بود. وقوع جنگ‌های مرزی از دیگر رخدادهای این دهه بود که از میان آن‌ها می‌توان به استقرار نیروهای شوروی در افغانستان، حملهٔ عراق به ایران، تصاحب جزایر فالکلند به دست آرژانتین و دامن زدن به جنگ با بریتانیا، حملهٔ اسرائیل به لبنان و مداخلهٔ امریکا در گرانادا اشاره کرد. افزون بر این، درگیری‌های داخلی در ایرلند شمالی، افریقای جنوبی، نیکاراگوئه و ال‌سالوادور نیز که تعداد معدودی از کانون‌های بحران بودند، ادامه داشت. برای کاهش تنش‌های بین‌المللی میان شرق و غرب در این دهه دو ابرقدرت دربارهٔ پی‌گیری گفت‌وگوهای خود به توافق رسیدند.

از وجهی‌خوشبینانه‌تر، در وال استریت میانگین صنعتی داوجونز به بالاترین حد خود رسید اما در سال ۱۹۸۷ م، اعتماد عمومی به یکباره در اثر رسوایی‌های مالی به تزلزل رسید.

مهندسی ژنتیک در دنیای علم باب کاملاً تازه‌ای از پژوهش در زمینهٔ ساختار بنیادی زندگی گشود، به این امید که به برطرف شدن نقایص مادرزادی و عوارض ژنتیک بیانجامد. در حوزهٔ اخترشناسی، فضاپیماهای پژوهشی اطلاعاتی دربارهٔ سیارات خارج از منظومهٔ شمسی، به کرهٔ زمین ارسال داشتند تا شاید روزی به توضیح خاستگاه‌های عالم یاری رساند.

در عالم پزشکی، پیوند اعضای انسانی و استفاده از اندام‌های مصنوعی بسیاری را امیدوار ساخت. بارداری با واسطه نیز برای بسیاری از زوج‌های بی‌فرزند، روزنهٔ امید و برای برخی دیگر، انتخابی آمیخته به قیودات اخلاقی و شرعی بود.

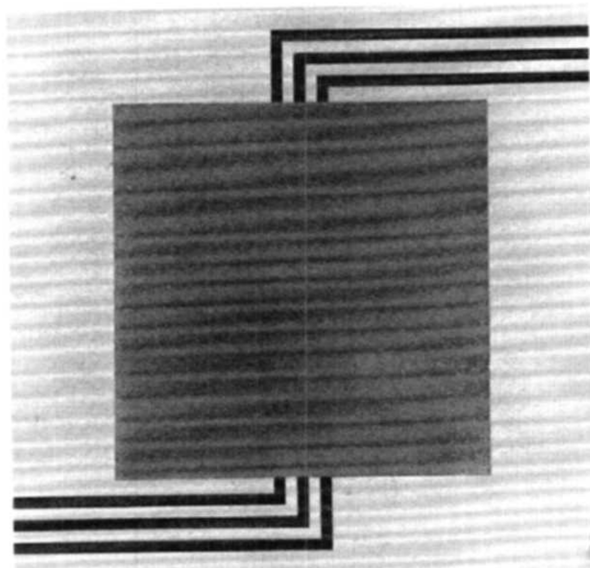
کوچک‌سازی رادیوها و تلویزیون‌ها نیز در این دهه ادامه یافت و معرفی کامپیوترهای شخصی، واژه‌پردازها، دیسک‌های فشرده دیجیتالی، دوربین‌های ضبط ویدیویی و دوربین‌های دیجیتالی عکس فوری، شیوهٔ زندگی و فعالیت بسیاری از افراد را دگرگون ساخت.

## هنرهای زیبا

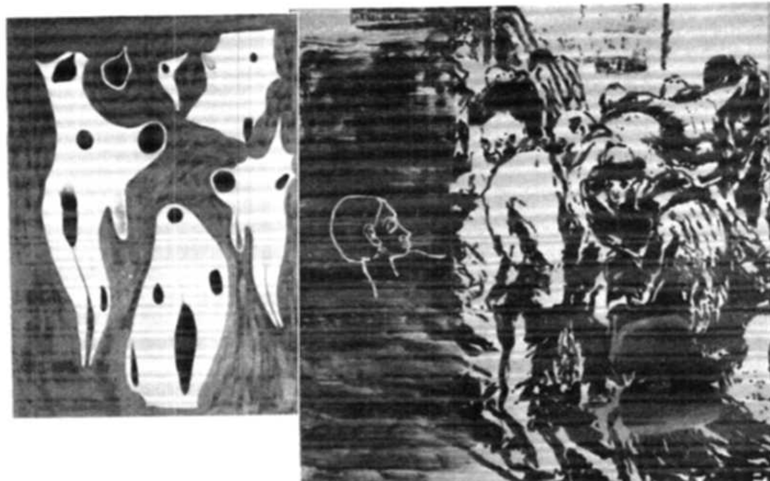
بسیاری از جنبش‌های هنری رایج در دهۀ شصت و هفتاد، تا دهۀ هشتاد نیز طرفدار داشتند. تنها جنبش جدید در این دهه ـ اگر بتوان آن را جدید خواند ـ نئواکسپرسیونیسم بود که‌تأثیری‌عمیق از اکسپرسیونیست‌های آلمان وجنبه‌هایی از اکسپرسیونیسم انتزاعی و پاپ امریکا پذیرفت.

آن‌چه نئواکسپرسیونیسم را از جنبش‌های قبل متمایز می‌ساخت، این نکته بود که گویی این جنبش برخاسته از شهر یا کشوری واحد نبود بلکه خیزش جهانی داشت. در امریکا جولیان‌شنابل، دیوید سال (تصویر ۲)، نیل‌جنی، جان بوروفسکی و اریک فیشل، از جمله نئواکسپرسیونیست‌ها بودند.

هنوز زمانی از پذیرش نئواکسپرسیونیسم نگذشته بود که گروهی از نقاشان در واکنش به زیاده‌روی‌های نئواکسپرسیونیستی، به جنبش احیای نقاشی هندسی پیوستند. از معروف‌ترین نقاشان نئو ـ گئو (هندسی جدید) راس بلکنر، پترهالی (تصویر ۱)، فیلیپ تافه و مایکل یانگ بودند.



۱



۲

۱ـ پیتر هالی یکی از چهره‌های برجسته در گروه نقاشان جوانی است که آثارشان به نام سبک نئوگئو شناخته می‌شود. این اثر نقاشی او متعلق به سال ۱۹۸۶، *سلول آبی رنگ با مجاری سه‌گانه* نام دارد.

۲ـ دیوید سال یکی از نقاشان مطرح نئو اکسپرسیونیست است. در این‌جا بخشی از نقاشی سال ۱۹۸۲ م او با نام *فقر عار نیست* که در سه پرده کار شده است، دیده می‌شود.

## هنرهای گرافیک

دهـهٔ هشـتاد اسـتمرار انقـلاب فناورانه را در هنرهای گرافیک به منزلهٔ صنعت شاهد بود و روش‌هـای کـارا و سـریع‌تری را در طراحی، حـروف‌چینـی و چـاپ پدیـد آورد. تردیدی نیسـت که طراحی گرافیک چه در کاربردهای محیطـی و چـه بـر روی کاغذ با کوله‌باری از فناوری پا به عصر دیجیتالی گذاشت.

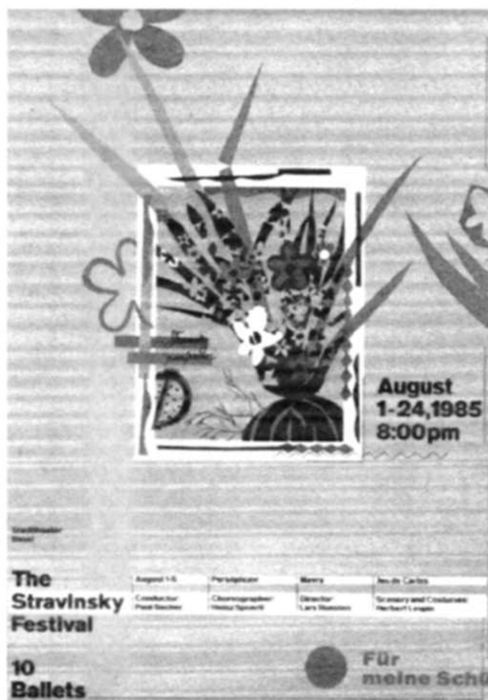
در آینده، هر چه بیش‌تر به سوی طراحی بـه کمک کامپیوتر (CAD) پیش رویم، نقش مـداد و کـاغذ کم‌رنگ‌تر می‌شود. طراحان در پایانـه‌های ساخت تصویر به کار می‌پردازند و تمـام نـیازهای طراحـی خـود را از انـتخاب حـروف تـا تصویرسـازی‌ها تنها با فشار یک دکمـه از بـانک اطلاعـات مرکـزی دریافـت مـی‌کنند. تصـاویر را پس از انتخاب می‌توان جـرح و تعدیـل، سـایه نمایـی، دستکاری و تصـحیح رنـگ کـرد یـا تغییرات دیگری بر رویشـان اعمال کرد، اما قابلیت و توانایی‌های طراحی تنها به تخیل انسان منحصر می‌شود.

پـس از تأیـید کـار، طراح می‌تواند تنها با فشـار یـک دکمـه، طـرح خـود را بـه شـکل الکترونیکـی ذخـیره کـند و بـا ماهواره به هر نقطه از جهان ارسال کند تا به چاپ رسد. چـاپ و تصـویرسـازی دیگر به لوح‌های فلـزی و مرکـب‌زنـی نـیازی ندارد و شکل ظریفـی از تصویرسـازی الکترونیکـی و فـناوری لـیزری اسـت. آیـا مجمـوع ایـن ابداعـات و نـوآوری‌هـای فـناورانه قـادرند نقـش طـراح را تغـییر دهند؟ مسلماً خیر. با وجـود پیدایش سیستم‌های ظریف و پیچیدهٔ امروزی، نقش طراح همچنان ارتباط بصری است. در حالی که تصاویر می‌توانند تا جای ممکـن گونـاگون و متـنوع باشـند، حروف همچـنان باید خوانا به نظر رسند. دیدگاهی کـه یان تشیچهلد در سال ۱۹۳۵ م بیان کرد، حتـی در سـال ۲۰۳۵ م نـیز مصـداق دارد: «خوانـندگان دوسـت دارنـد مـوارد مهم به وضـوح در کـار جای گیرد. آن‌ها چیزی را که خواندنش دشوار باشد، نمی‌خوانند.»

اگـر گذشـته را چـراغ راه آیـنده بدانیم، مـی‌پذیریم فناوری جایگزین طراح گرافیک نمـی‌شـود. طراحان به فراگیری مهارت‌های جدیـد ادامـه مـی‌دهـند و خود را با یکایک تغـییرات فـناوری منطبق می‌سازند. در واقع فرصـت‌هـای دیگـری بـیش از پـیش برای طراحان فراهم می‌شود.




۳




۴

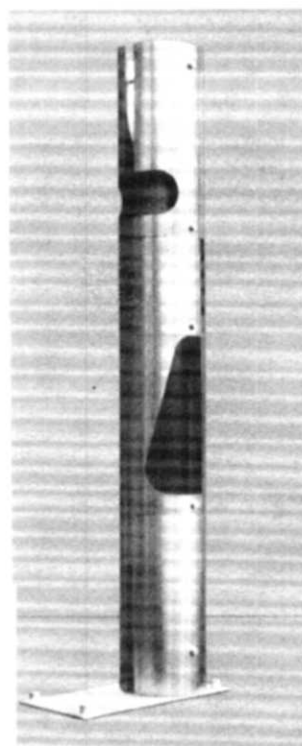


۵



۶

۳ـ رزمری تیسی
٤ـ ولفگانگ وینگارت
۵ـ زیگفرید اودرمات
٦ـ استودیوی طراحی پنتاگرام
۷ـ جئورجه جیوستی
۸ـ بردبری تامپسون
۹ـ جنه فدریکو
۱۰ ـ آرمین هافمن



۷



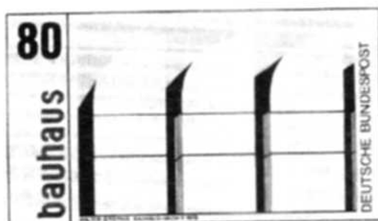

۸




۹




۱۰



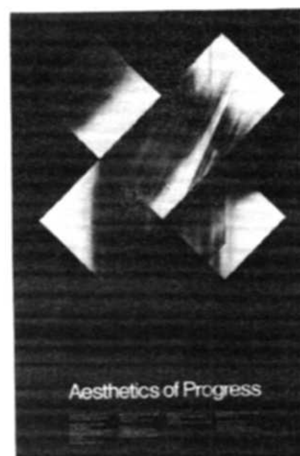

۱۱



۱۴




۱۳




۱۲

۱۱ـ اریک نیچه
۱۲ـ ژاکلین کیسی
۱۳ـ پل‌رند
۱٤ـ آرت کین
۱۵ـ میلتون گلیزر
۱٦ـ سیمور چاست
۱۷ـ مارتین پدرسن
۱۸ـ وارن لرر
۱۹ـ گئورگ لویس
۲۰ـ ایپریل گرایمن
۲۱ـ گئورگ تچرنی




۱۶




۱۵

## وقایع و اشخاص

### وقایع تاریخی

**۱۹۸۰ـ** پیروزی رونالد ریگان بر کارتر در انتخابات ریاست جمهوری امریکا. تحریم المپیک مسکو از سوی امریکا. آغاز جنگ ایران و عراق. قتل جان لنون. مرگ میروست.

**۱۹۸۱ـ** ترور انور سادات. سندرا دی اوکانر نخستین زن قاضی در دیوان عالی امریکا شد. آزادی گروگان‌های امریکایی از سوی ایران. ازدواج پرنس چارلز با لیدی دیانا اسپنسر در انگلستان. مرگ جولوئیس. ترور نافرجام ریگان. پرتاب فضاپیمای کلمبیا.

**۱۹۸۲ـ** شکست آرژانتین از انگلیس در جنگ فالکلند. ملکه الیزابت به کانادا مشروطیت اعطا کرد. مرگ پرنسس ریس (کلی) اهل موناکو. مرگ لئونید برژنف و جانشینی یوری آندرپوف. پیوند قلب مصنوعی به بارنی کلارک. حملهٔ اسراییل به لبنان. صد سالگی پل بروکلین. حمله امریکا به گرانادا.

**۱۹۸٤ـ** انحلال شرکت تجاری ای. تی. اند تی. پرفروش شدن دوبارهٔ رمان *۱۹۸٤* اثر جورج اورول. مرگ یوری آندروپوف و جانشینی کنستانتین چرنینکو. تحریم بازی‌های المپیک امریکا از سوی شوروی. تلاش جرالدین فرارو برای دستیابی به مقام معاون ریاست جمهوری امریکا.

**۱۹۸۵ـ** کوکاـ کولا پس از۹۹سال فرمول جدید خود را معرفی کرد. غواصان گنجی اسپانیایی را به ارزش ٤۰۰ میلیون دلار کشف کردند. چهلمین سالگرد نخستین بمباران اتمی. مرگ مارک شاگال وژان دو بوفه. مرگ چرنینکو و جانشینی میخائیل گورباچف.

**۱۹۸٦ـ** انفجار فضاپیمای چالنجر و مرگ سرنشینان آن. جشن صدمین سالگرد پردهبرداری از مجسمه آزادی بقایای کشتی تایتانیک کشف شد. شیوع ایدز.

**۱۹۸۷ـ** تزلزل قدرت ریگان در پی رسوایی ایران ـ کنترا. دادرسی پروندهٔ بیبی. ام دربارهٔ روش بارداری باواسطه. میخائیل گورباچف، رهبر حزب اتحاد جماهیر شوروی، سیاست «گلاس نوست» را تحقق بخشید.




۱۸



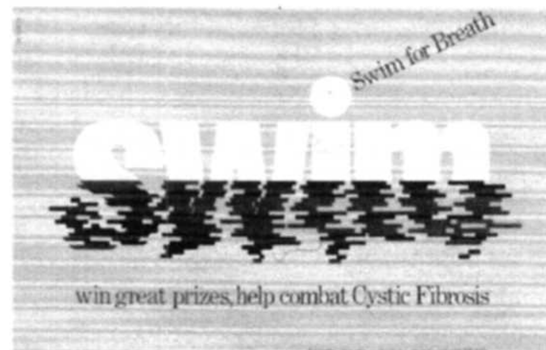

۱۷




۲۰




۱۹




۲۱

**یادداشت‌ها**

۱ ـ Fertile Crescent (هلال حاصلخیز) قسمت حاصلخیزی در کنار شرقی و شمالی جزیرةالعرب، شامل عراق، سوریه و فلسطین است. کنار شرقی آن به خلیج‌فارس و کنار غربی آن به خلیج عقبه ختم می‌شود ـ و.

۲ ـ برخلاف این‌باور در فرهنگ‌فارسی، جغد نشانهٔ شومی است ـ م.

۳ ـ Etruria سرزمینی قدیمی در غرب ایتالیا، شامل توسکانی و قسمت غربی اومبریای فعلی که در قدیم مسکن اتروسک‌ها بود ـ و.

٤ ـ Hellenes نامی که یونانیان قدیم خود را بدان می‌خواندند. هلنی‌ها به چهار طایفهٔ آخایا، آیول، دور و یون تقسیم‌شده بودند ـ و.

٥ ـ Hellas در جغرافیای قدیم نام شهر و ناحیه‌ای کوچک در تسالی بود اما بعدها یونانیان سرزمین خودرا بدین نام‌خواندند ـ و.

٦ ـ Carolingian Period سلسله‌ای از فرمانروایان فرانکی که در سدهٔ هفت میلادی در اوستراسیا تأسیس شد ـ و.

۷ ـ aqueduct کانالی که برای عبور آب از رو یا زیرزمین و برای گذر آب از روی رودخانه و دره بنا کنند. به نظر تا حدی شبیه به کاریز می‌ماند ـ و.

۸ ـ Plautus شاعر و کمدی نویس رومی متولد اومبریا. نمایش‌نامه‌هایش از کمدی جدید یونان اقتباس شده است و تصویر دقیقی از زندگی طبقات متوسط و پایین اجتماع است ـ و.

۹ ـ Terence کمدی‌نویس رومی. شش کمدی از آثار او موجود است که جملگی از نمایش‌نامه‌های یونانی مناندروس و دیگران اقتباس شده است ـ و.

۱۰ ـ Cato سیاستمدار رومی که در مقام‌های کوایستور، آیدیلیس، پرایتور، کنسول و سنسور خدمت‌کرد. تجمل، اسراف و بدعت‌های روم را تقبیح می‌کرد و برای استقرار مجدد اخلاقیات روم قدیم می‌کوشید. تألیفات متعدد داشت که اغلب آن‌ها از میان رفته است. مشهورترین آن‌ها احتمالاً تاریخ اوایل رم بوده است. معروف‌ترین اثر موجودش کتابی در زمینهٔ‌کشاورزی است ـ و.

۱۱ ـ Cicero نام لاتینی وی مارکوس تولیوس کیکرو، فیلسوف، سیاستمدار و بزرگ‌ترین خطیب رومی است. معروف‌ترین آثار سیسرون خطابه‌های اوست که از آن‌ها ٥۷ خطابه و قطعاتی از ۲۰ خطابهٔ دیگر در دست است. او و لوکرتیوس زبان فلسفی لاتینی را ایجاد کردند. از آثار فلسفی متعدد وی کتاب *de natura deorum* یا در *ماهیت خدایان* است، که بحثی کیهان‌شناختی است و متمم کتاب لوکرتیوس به شمار می‌رود ـ و.

۱۲ ـ Encaustic Heads

۱۳ ـ Ascenders and Descenders

١٤ ـ Manticor در افسانه‌های قدیمی به صورت جانوری با سر انسان و شاخ و بدن شیر و دم عقرب یا اژدها مجسم شده است ـ و.

١٥ ـ ساختمان‌های سبک رمانسک فاقد هماهنگی و همبستگی و انسجام سبک گوتیک است. معماری سبک رمانسک ترکیبی از حجم‌های سنگین‌نما و مجموعهٔ بخش‌هایی است که حدود هر یک از آن‌ها مشخص شده است، در حالی که بنای گوتیک آمیزه‌ای از حجم‌ها و فضاهایی است که از حالتی نرم و سبک برخوردارند و ترکیب منسجم و هماهنگ آن‌ها گویی حرکت به سوی بالا دارد. پیدایش «پشت‌بندهای معلق» در معماری گوتیک که فشار بار طاق‌ها و به طور کلی بنا را تحمل می‌کردند، تا حدود زیادی دیوارهای بنا را که پیش از این وظیفهٔ تحمل فشار را برعهده داشتند، از این وظیفه آزاد کرد. به این ترتیب از ضخامت دیوارها کاسته شد. پنجره‌های عظیم در میان دیوارها تعبیه شد و از میان سطوح وسیع شیشه‌های رنگین این پنجره‌ها نور فراوان به داخل بناها راه یافت. از این جاست که سطح دیوارهای بسیاری از کلیساهای گوتیک به پرده‌های عظیم شفاف و سبک بی‌شباهت نیست. بر این اساس کیفیت روحانی و رمزگونهٔ نور از اجزای مهم سمبولیسم مذهبی کلیساهای جامع گوتیک به شمار می‌رود ـ و.

١٦ـ Giovanni Cimabue وفات۱۳۰۲م ـ نقاشی فلورانی که نام حقیقی او چنی دی پپو (Cenni di Pepo) بود. نقاشی‌های منسوب به او همه نمودار تحولی در هنر نقاشی است، بدین معنی که در آن‌ها برخی از قیود و قراردادهای ملازم سبک بیزانسی، که بر نقاشی ایتالیا حکمفرما بود، شکسته شده است و در عوض نشانه‌هایی از شیوهٔ آزادتر سدهٔ ١٤ م در آن‌ها دیده می‌شود. البته چیمابوئه بیش‌تر قراردادهای قدیم نقاشی را حفظ کرد، اما در پرداختن سرها و صورت‌ها اندکی به ناتورالیسم پرداخت و عواطف مذهبی تازه و آزادتری به نقاشی‌های خود وارد کرد ـ و.

١٧ ـ Duccio di Bouninsegna نقاش ایتالیایی و پایه‌گذار مکتب سینایی ـ و.

١٨ ـ Giotto نقاش و معمار بزرگ فلورانسی ـ می‌توان گفت که بیش از هر نقاشی در تعیین مسیر هنر نقاشی اروپا مؤثر بوده است. گفته‌اند چیمابوئو استاد او بوده است. او از اصول نقاشی ایتالیایی سدهٔ ۱۳ م، که در قالب قوانین هنر بیزانسی متحجر شده بود، روی گرداند و به مطالعهٔ طبیعت پرداخت و علی‌رغم محدود بودن معلومات و امکانات فنی آن زمان، جان تازه‌ای در هنر نقاشی ایتالیا دمید. در نقاشی‌های خود بیش از هر چیز به «فرم» و «حرکت» کمال بخشید. شکل‌های او از لطف و وقار و در عین حال سادگی فراوان برخوردارند. صورت‌ها و حرکات آن‌ها گویا و طبیعی است. ایمان به خدا و مهر و فروتنی و آرامش و اطمینان به کارهایش جان دمیده است. با آن‌که از اصول مناظر و مرایا و سایه روشن اطلاع چندانی نداشت، تعادل و شکوهی که از ترکیب‌ها و رنگ‌ها و مایه‌های تزیین نقش‌هایش به چشم می‌آیند، بی‌مانند است ـ و.

١٩ ـ Portrait of a Female Donor

کسی که اثری هنری را که خود نیز به بهانه‌ای در آن نمود یافته است، به کلیسا اهدا می‌کند.

۲۰ ـ اشاره به پیشینهٔ نام‌گذاری حروف چاپی کوچک‌وبزرگ در زبان انگلیسی که به محفظهٔ نگه‌داری آن‌ها در چاپخانه باز می‌گردد. Upper case (گارسهٔ بالا) و lower case (گارسهٔ پایین) امروز معادل حروف چاپی بزرگ و حروف چاپی کوچک در زبان انگلیسی‌اند ـ م.

۲۱ ـ ارغوانی صور Tyrian purple شهر صور در لبنان کنونی در جنوب بیروت واقع است. این شهر در قدیم به تیر (Tyre) موسوم بود و بندری فنیقی و یکی از شهرهای بزرگ دنیای باستان بود. تیر که احتمالاً در اوایل سال ۲۸۰ پ.م بنا گردید تا سال ۱۱۰۰م مرکز بازرگانی عمده با مستعمره‌های دورافتاده بود. تیریان در سدهٔ نهم پ. م کارتاژ را بنا کردند. تیر به خاطر تجارت و رنگ ارغوانی خود شهرت داشت و به همین خاطر آشوریان، بابلیان و ایرانیان آن را برگرفتند و سبب مانایی آن شدند ـ م.

۲۲ ـ Giorgione نقاش ونیزی شاگرد بلینی. جورجونه از لحاظ فنی و از نظر احساس و معنی افق‌های تازه‌ای در کار نقاشی گشود. او میان انواع شکل‌ها آمیختگی و تجانس بیش‌تری به وجود آورد و رنگ‌های موضعی را تحت‌الشعاع یک رنگ یا مایهٔ کلی قرارداد. در همان زمان لئوناردوداوینچی نیز دست به چنین انقلابی زده بود، اما لئوناردو اغلب رنگ‌ها را به کمک سایه‌های کدر تخفیف می‌داد، در حالی که رنگ‌های جورجونه گرم و درخشان بود ـ و.

۲۳ ـ Tintoretto (Jacopo Robusti) یکی از استادان بزرگ رنسانس بود. نقاشی‌های او به شکلی دراماتیک نورانی شده است و حرکات قلم‌مو حالتی امپرسیونیستی دارد. به حالات چهره در تابلوهای خود سخت پایبند است. نخستین کار بزرگ او *آدم و حوا* بود. در دوران سالخوردگی شکوه *بهشت* را پرداخت که یکی از نقاشی‌های بزرگ جهان است. او مایه‌های رنگی مکتب ونیز را دگرگون ساخت و حس تراژدی را در هنر ایتالیا راه داد. نبوغ آشفته و شورآفرینش او در پرده‌های بزرگی به نمایش درآمده است. وی از پایه‌گذاران مکتب باروک بود ـ و.

۲٤ ـ Paolo Veronese نقاش ایتالیایی از مکتب ونیزی؛ نامش پائولو کالیاری است. نقاشی‌های او آکنده از چهره‌هایی است که به صورتی مواج در طرحی فضایی به هم آمیخته است. ورونزه بیش‌تر به ساختن صحنه‌های اعیاد دینی شهرت دارد که آن‌ها را به صورتی کاملاً دنیایی مجسم ساخته است. او در میان بزرگ‌ترین نقاشان تزیینی ونیز جای دارد. هماهنگی رنگ و زمینه‌های غنی در کارهایش او را در زمرهٔ بزرگ‌ترین نقاشانی قرار می‌دهد که با رنگ سر و کار داشته‌اند ـ و.

۲۵ ـ Flanders دشتی در شمال غربی اروپا واقع در کنار دریای شمال که امروز میان فرانسه و بلژیک منقسم است ـ و.

۲٦ ـ Calvinist کالونی در معنای محدود، اصول، عقاید ناشی از تعالیم ژان کالون است که کلیساهای کالونی (کلیسای پرسبیتری و کلیساهای اصلاح شده) از آن‌ها پیروی می‌کنند و در معنای کلی‌تر، مجموعهٔ آن‌چه در ممالک پروتستان در سیماهای اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فکری و مذهبی زندگی از این اصول عقاید و عمل بر وفق آن‌ها ناشی می‌شود ـ و.

۲۷ ـ cedilla علامتی‌که در برخی زبان‌ها نظیر فرانسوی و پرتغالی زیر حروف C گذاشته می‌شود تا به صورت حرف «سین» تلفظ شوند ـ م.

۲۸ ـ Charles - Louis de Secondut Montesquieu ۱٦۸۹ ـ ۱۷۵۵ فیلسوف و مورخ فرانسوی و قاضی عالی‌رتبهٔ شهر بوردو. *نامه‌های ایرانی* مونتسکیو که انتقاد و سخریه‌ای‌از وضع‌اجتماعی سیاسی و ادبی و دینی اروپاست، در زمرهٔ بزرگ‌ترین شاهکارهای انتقادی دنیا شمرده می‌شود. مهم‌ترین اثر او، *روح‌القوانین*، مطالعه‌ای علمی دربارهٔ مقایسهٔ حکومت‌هاست. وی مبانی علوم اجتماعی و اقتصادی را، در مفهوم امروزی آن، پایه‌گذاری کرد و برخی از افکارش، از جمله لزوم تفکیک قوای سه‌گانه، بر اصلاحاتی که به قانون اساسی ۱۷۹۱ فرانسه منتهی شده تأثیر فراوان گذاشت ـ و.

۲۹ـ Voltaire (Francois Marie Arouet) ۱٦۹٤ ـ ۱۷۷۸ فیلسوف و نویسندهٔ فرانسوی که آثار بی‌شماری منتشر کرد. از جمله آثار مشهور وی *ادیپ*، *آنریاد*، *نامه‌های مربوط به ملت انگلستان*، *نامه‌های فلسفی*، *تاریخ شارل دوازدهم سوئد* است. وی عضو فرهنگستان فرانسه بود و برای *دایرة‌المعارف* مقاله می‌نوشت ـ و.

۳۰ ـ Denis Diderot ۱۷۱۳ ـ۱۷۸٤ دایرة‌المعارف نویس، فیلسوف مادی مذهب، نقاد هنر و ادب، و ادیب فرانسوی، از شخصیت‌های برجستهٔ عصر روشنفکری و یکی از نوابغ عصر جدید بود. در سال۱۷٤۸ م سرپرست دایرةالمعارف گردید. شهرت وی مدت‌ها بدین خاطر بود ولی در سدهٔ ۲۰ م به عنوان عالم فلسفهٔ علم، زیباشناس و داستان‌نویس دارای قدرت خلاقه مورد توجه فراوان قرار گرفته است ـ و.

۳۱ ـ Jean Jacques Rousseau ۱۷۱۲ ـ ۱۷۷۸ فیلسوف و نویسندهٔ فرانسوی متولد ژنو. روسو احتمالاً در طرح‌ریزی رومانتیسم و افکار بعدی بیش از سایر مردان سدهٔ ۱۸ تأثیر داشته است. از زمرهٔ آثار وی می‌توان به *داستان تعلیمی هلوئیز جدید*، *قرارداد اجتماعی* و *امیل* اشاره کرد ـ و.

۳۲ ـ Whigs حزب ویگ از احزاب متنفذ در ربع دوم سدهٔ ۱۹ م که از اتحاد دسته‌های مخالف ای. جکسن و متمولان و صنعت‌داران بزرگ تشکیل شد، این افراد از دموکراسی جکسنی هراسناک بودند. کمی پس از شکست فاحش حزب در انتخاب ۱۸۵۲ م، حزب متلاشی شد و اعضای آن به احزاب دیگر پیوستند ـ و.

۳۳ ـ Manifest Destiny درسال‌های دههٔ

۱۸۲۰م دستیابی به‌غرب در زندگی مردم امریکا اهمیت زیادی یافته بود و همه رسیدن به اقیانوس کبیر را «سرنوشت آشکار» کشور می‌دانستند. این اندیشه موجب انضمام نواحی مختلف به ایالات متحده شد ـ و.

۳۴ ـ Nabis نقاشانی که مجذوب زیبایی‌شناسی آثار گوگن ـ مبتنی بر رنگ بیانگر و الگوی خطی موزون ـ شدند. اینان چند نمایشگاه از آثارشان در پاریس در میانهٔ سال‌های ۱۸۹۱ ـ ۱۹۰۰ م برپا کردند. این نام را کازالیس شاعر پیشنهاد داد و احتمال می‌رود انتخاب این نام به خاطر ارتباط یا تلقی این نقاشان از شیوهٔ کار گوگن یعنی نوعی تذهیب مذهبی باشد.

در میان نقاشان این گروه غیر از واکنش علیه امپرسیونیسم و تأکید بر ارزش‌های تزیینی و عاطفی رنگ و تحریف خطی هدف و بینش مشترکی را نمی‌توان تشخیص داد. این گروه به مصورسازی کتاب، طراحی پوستر و صفحه‌آرایی تئاتر نیز می‌پرداختند و برای تکثیر آثارشان از لیتوگرافی نیز بهره می‌بردند ـ و.

۳۵ـ Pre - raphaelites اصطلاحی‌است که نخست به‌نصرانی‌های آلمانی اطلاق می‌شد ولی بعد گروهی از هنرمندان و ادیبان انگلیسی این نام را اخذ کردند و «اخوت پیشارافائلی» را در سال ۱۸۴۸م بنیاد نهادند. این گروه علیه هنر آکادمیک عصر ملکه ویکتوریا برخاستند و با تکیه بر آموزهٔ راسکین، مبنی بر «وفاداری به طبیعت»، و در آرزوی بازگشت به خلوص هنر پیش از رافائل و آرمان‌های پیش از رنسانس نظریات خود را شکل دادند. اغلب در نقاشی‌های خود رنگ‌ها و خط‌های واضح و موضوع‌های ساده و بی‌آلایش را به کار می‌بردند. روش واقع‌گرایانه‌شان در نقاشی داستان‌های *کتاب مقدس* مغایر با سنت مرسوم تلقی شد و واکنش‌هایی را برانگیخت.

این جنبش در آخر سده با «هنر برای هنر» که مبلغانی چون ویسلر داشت، درآمیخت ـ و.

۳۶ ـ neo - Plasticism احکام مبتنی بر نظریهٔ مزبور عبارت بودند از: هنر باید کاملاً انتزاعی باشد؛ از شکل‌های راست گوشه در وضعیت افقی و عمودی استفاده شود. رنگ‌ها باید مشتمل بر فام‌های اولیه (سرخ، زرد و آبی) و سیاه و سفید و خاکستری باشند ـ و.

۳۷ـ Soft sculpture الدنبرگ مجسمه‌های خودرا با گچ و پارچه می‌ساخت تا اشیای مورد استفادهٔ عمومی را به یاد آورند. از جمله آثار او «شلوار آبی عظیم» و «توالت وارفته» است ـ و.

۳۸ـ Earth Art هنرخاکی‌یکی‌ازگرایش‌های کانسپچوال آرت است که از اواخر دههٔ ۱۹۶۰م و اوایل دههٔ ۱۹۷۰ م در امریکا پدید آمد و هدف آن تأکید بر وحدت هنر و طبیعت بود. کسانی چون رابرت اسمیتسون به مدد تجهیزات خاکبرداری، دست به تغییر و جابه‌جایی در چشم‌اندازهای طبیعی زدند ـ و.

## واژه‌نامه
### فارسی ـ انگلیسی

آ

| | |
|---|---|
| آپوستروف | Apostrophe |
| آرامگاه، مقبره | Tomb |
| آرایش نامتقارن | Asymetric Arrangement |
| آرایه، تزئین | Embellisment |
| آکواتینت | Aquatint |
| آگاهی زیبایی شناختی | Aesthetic Awarness |
| آگهی | Advertisement, Ad |
| آگهی تبلیغاتی، تبلیغات تجاری، آگهی | Advertising |
| آگهی نویس | Copywriter |
| آگهی و آگهی نوشته | Art and Copy |
| آمرزش‌نامه | Indulgence |
| آموزش طراحی | Design Education |

ا

| | |
|---|---|
| اتاق نسخه‌نویسی | Scriptoria |
| اجزاء قابل جابه‌جایی | Interchangable Parts |
| ارتباط بصری | Visual Comunication |
| ارتفاع X | X-Height |
| ارزشمندترین ساعات | Tres Riches Heures |
| ارغوانی صور | Tyrian Purple |
| ارقام رومی | Roman Numerals |
| ارقام عربی | Arabic Numerals |
| استاد خوش‌نویس | Master Caligrapher |
| استاد خوش‌نویس | Writing Master |
| استروتایپ | Stereotype |
| استیلوس (قلم نوک تیز) | Stylus |
| اسکناس | Paper Currency |
| الفبای آوایی | Phonetic Alphabet |
| الفبای رومی | Roman Alphabet |
| الواح نگارشی | Writing Tablets |
| املاء، رسم‌الخط | Spelling |
| انجیل لیندسفارن | Lindisfarne Gospels |
| اندازه صفحه | Page Size |
| اندیشه‌نگار | Ideograph |
| انگلیسی قدیم | Old English |
| اونسیال | Uncial |
| ایده | Idea |
| اینسولار ایرلندی | Irish Insular |

ب

| | |
|---|---|
| بالارونده‌ها و پایین رونده‌ها | ascenders and Descenders |
| بدون زوائد تزئینی، سانس سریف | Sans Serif |
| بدون گوشه، بدون سریف | Sans Serif |
| بروشور | Brochure |
| بست | Binder |
| بسته‌بندی | Packaging |
| بنه ونتان | Beneventan |

پ

| | |
|---|---|
| پاپیروس (نی) | Papyrus |
| پارینه سنگی | Paleolithic |
| پانچ، قالب فولادی | Punch |
| پرسپکتیو | Perspective |
| پرستشگاه، معبد | Temple |
| پژوهشگر حروف چاپ | Typographic Scholar |
| پنجره شیشه نگاره | Stained Glass Window |
| پوستر، اعلان | Poster |
| پوست گوساله | Vellum |
| پولیوتوگرافی | Polyoutography |
| پوینت، پُنط | Point |
| پیراسته، ساده | Stylized |
| پیکر، تصویر | Figure |

ت

| | |
|---|---|
| تاریخ طراحی | Design History |
| تأثیر بصری | Visual Impact |
| تأثیر طراحی حروفی | Typographic Impact |
| تبلیغ شخصی | Self-Promotion |
| تذهیب | Illuminating |
| تذهیب‌گر | Flourisher |
| تذهیب‌گر | Illuminator |
| تذهیب‌گر | Rubricator |
| تزئینات حاشیه | Border Decorations |
| تصاویر چاپی | Printing Images |
| تصاویر خطی | Stick Figures |
| تصاویر واضح، تصاویر قابل درک | Readable Image |
| تصویر | Image |
| تصویر برجسته، لترپرس | Raised Image |
| تصویرساز، تصویرگر | Illustrator |
| تصویرسازی، تصویرپردازی | Imagery |

| | |
|---|---|
| تصویر سازی، تصویرگری | Illustration |
| تصویرسازی چاپ چوبی | Woodcut Illustration |
| تصویرگود (اینتالیو) | Lowered Image |
| تصویرنگار | Pictograph |
| تقلید مسیح | De Imitation Christi |
| تک چهره | portrait |
| تکستورا | Textura |
| تک سطری | Monoline |
| تکیه | Accent |
| تناسب، نسبت | Proportion |
| تند نویسی | Rapid Writing |
| توری ۴۵ درجه | Cross - Line |
| تهیه کتاب، تولید کتاب | Book Production |
| تیره روشن، کیاروسکورو | Chiaroscuro |
| تیره و روشن | Light and Shade |

ج

| | |
|---|---|
| جدول، جدول‌بندی، صفحه شطرنجی | Grid |
| جنبشی | Kinetic |
| جنگ‌های صلیبی | Crusades |
| جیبی کوچک | Small Quarto |

چ

| | |
|---|---|
| چاپ | Printing |
| چاپ | Reproduction |
| چاپ تیزابی، چاپ اسیدی، اچینگ | Etching |
| چاپ چوبی | Woodcut Printing |
| چاپ حروفی، چاپ برجسته، لترپرس | Letterpress |
| چاپخانه | Printing House |
| چاپخانه خصوصی | Private Press |
| چاپ دوّار | Rotary Press |
| چاپگر | Printer |
| چاپ گود، اینتالیو، دستگاه چاپ گود | Intaglio Press |
| چاپ‌نقش | Print |
| چاپ‌نقش چوبی | Woodblock, Woodcut Print |
| چاپ‌نقش چوبی، باسمه چوبی | Woodcut |
| چاپ‌نقش لوحی، چاپ لوحی | Block Print |
| چرخ کوزه‌گری | Potter Wheel |
| چسب | Glue |
| چند جلدی | Multi Volume |
| چهره‌پردازی | Portrature |

ح

| | |
|---|---|
| حاشیه | Margin |
| حروف انتقالی | Transitional Typeface |
| حروف ایتالیک | Italic Typeface |
| حروف ایتالیک کوچک | Lowercase Italic |
| حروف باتارد | Batard |
| حروف بدون گوشه | Sans Serif Typefaces |
| حروف بزرگ | Caps |
| حروف بزرگ | Majuscule |
| حروف بزرگ | Upper Case |
| حروف بزرگ چارگوش (کاپیتالیس کوادراتا) | Square Capitals |
| حروف بزرگ رومی | Roman Capitals |
| حروف بزرگ رومی | Roman Caps |
| حروف بزرگ کلاسیک | Classical Capital |
| حروف تزئینی | Decorative Typefaces |
| حروف چاپ خطاطانه | Calligraphic Typeface |
| حروف چاپی | Type |
| حروف‌چاپی کوچک‌رومی | Roman Lowercase Printing Types |
| حروف چوبی | Wood Type |
| حروف‌چین | Compositor |
| حروف‌چین، دستگاه حروف‌چینی | Typesetter |
| حروف چینی | Typesetting |
| حروف‌چینی کامپیوتری | Digital Typesetting |
| حروف‌چینی نوری | Phototypesetting |
| حروف دست‌نویس | Hand lettered |
| حروف ریز | Type-Founder |
| حروف ریزی | Foundry |
| حروف‌ریزی | Type Foundry |
| حروف‌ساز | Punch Cutter |
| حروف ساز، کلیشه ساز | Punch Cuter |
| حروف‌سازی دستی | Handdrawn Lettering |
| حروف‌سازی شابلونی | Stencil Lettering |
| حروف قالب‌ریزی شده | Cast Type |
| حروف کنده‌کاری شده | Carved Letters |
| حروف‌کوچک | LowerCase, Lowercase, Minuscule, Small Letters |
| حروف کوچک رومی | Roman Lowercase |
| حروف مجزا، حروف متحرک | Movable Type |
| حروف منفرد، تک حرف‌ها، نویسه‌ها | Individual Letters |
| حروف نمایشی | Display Faces |
| حروف‌نمایشی‌سرفصل، حروف‌نمایشی‌آغازین | Display Initials |
| حروف نوشته شده | Written Letters |
| حروف، نویسه‌ها | Characters |
| حکاک | Etcher |
| حلال | Solvent |

خ

| | |
|---|---|
| خانواده حروف | Family of Type |

| | |
|---|---|
| خبرنامه | News-Letter |
| خط اومانیستی | Humanistic Hand |
| خط، دست خط | Script |
| خط رایج کتاب نویسی | Popular Book Script |
| خط، قلم | Script |
| خط کارولنژی | Carolingian Hand |
| خط کتابی، قلم کتاب نویسی | Book Hand |
| خط‌کش | Rule |
| خط میخی | Cuneiform |
| خطوط کناری | Border |
| خمیر کاغذ | Papier-Mache |
| خمیر کاغذ | Pulp |
| خوانایی | Readability |
| خودنگاره | Self-Portratit |
| خوش‌نویس، خطاط | Calligrapher |

د

| | |
|---|---|
| دست‌خط محلی | Regional Hand |
| دستگاه چاپ تمام آهنی | All-Iron Press |
| دستگاه چاپ لیتوگراف | Lithograph Press |
| دستگاه چاپ، ماشین چاپ | Printing Press |
| دستگاه همزن خمیر کاغذ | Holander Beater |
| دست نوشته | Manuscript |
| دست نوشته قرون وسطایی | Medieval Manuscript |
| دست‌نوشته مذهّب | Illuminated Manuscript |
| دفتر طراحی | Design Office |
| دموتیک (مردمی) | Demotic |
| دوده چراغ | Lampblack |
| دوده زغال | Carbon Black |
| دوره رومیایی | Romanesque Period |
| دوره سنگی جدید | New Stone Age |
| دوره سنگی کهن | Old Stone Age |
| دوره ماقبل تاریخ | Prehistoric Times |
| دورهٔ یخبندان | Ice Age |
| دوصفحه پیوسته | Spread |
| دیوارگچی | Plaster Wall |
| دیوارنگاره، فرسک | Fresco |

ر

| | |
|---|---|
| رحل | Lectern |
| رحلی | Folio |
| رنسانس مترقی | High Renaissance |
| رنگدانه | Pigment |
| رنگ روغن | Oil Paint |
| رنگ روغنِ بزرک | Linseed Oil Paint |
| رنگ مادهٔ تخم‌مرغی | Egg Tempera |
| رنگ یکدست | Even Color |
| روتوندا | Rotunda |
| روستیکا (کاپیتالیس روستیکا) | Rustica |
| رول کاغذ | Web |
| ریخته‌گری حروف، حروف ریزی | Type Founding |

ز

| | |
|---|---|
| زبان ادبی | Literary Language |
| زبان گفتاری | Spoken Language |
| زبان نوشتار | Written Language |
| زمینه موضوع | Figure Ground |
| زنده نما | Lifelike |
| زوائد تزئینی حروف، سریف | Serif |

س

| | |
|---|---|
| سبک بیزانس | Byzantine Style |
| سبک نگارش، شیوه نگارش | Writing Style |
| سبک نوشتار رسمی | Official Writing Style |
| ستون | Column |
| ستون تراژان | Trajan Column |
| سدیلا | Cedilla |
| سردیس‌های موم رنگ | Encaustic Head |
| سطح چاپ | Printing Surface |
| سطح نوشتار | Writing Surface |
| سطر، خط | Line |
| سلسله کارولنژی | Carolingian Dinasty |
| سنگ لیتوگراف | Lithographic Stone |
| سنگ لیتوگرافی | Litho Stone |
| سنگ نرم | Soft Stone |
| سنگ‌نگاری | Stone Writing |
| سنگ نوشته | Lapidary Inscription |
| سنگ‌نوشته، لاپیدری | Lapidary |
| سیه‌نائی، اهل سیه‌نا | Sienese |

ش

| | |
|---|---|
| شبه اونسیال | Half Uncial |
| شرکت تبلیغاتی | Advertising Agency |
| شکسته | Cursive |
| شکسته اوائل رومی | Early Roman Cursive |
| شکل دوستونی | Two-Column Format |
| شکل، فرم، قالب | Form |
| شکل‌های حروف، حروف، تک‌حرف‌ها | Letterforms |
| شکل‌های خوش‌نویسی | Calligraphic Forms |
| شناسنامه (کتاب) | Colophon |

| | |
|---|---|
| شنگرف | Cinnabar |
| شهسواری | Chivalry |
| شیوه رومی | Roman Manner |
| شیوه رومیایی | Romanesque Style |
| شیوه‌گرایی | Mannerism |

### ص

| | |
|---|---|
| صحاف | Bookbinder |
| صحافی | Binding |
| صفحه‌آرایی، لیات | Layout |
| صفحه عنوان | Title Page |
| صفحه عنوان، صفحه اول | Opening Page |
| صفحه عنوان گراوور شده | Engraved Title Page |
| صَمغ | Gum |
| صمغ عربی | Gum Arabic |
| صنعت چاپ | Printing Industry |

### ط

| | |
|---|---|
| طاعون | Plague |
| طراح تبلیغاتی | Commercial Artist |
| طراح تولید | Product Designer |
| طراح جلد کتاب | Book Jacket Designer |
| طراح حروف | Type Designer |
| طراح حروف چاپی | Typeface Designer |
| طراح کتاب | Book Designer |
| طراح گرافیک | Graphic Designer |
| طراحی | Modeling |
| طراحی حروف | Type Design |
| طراحی حروف، تایپوگرافی | Typography |
| طراحی حروف تبلیغاتی | Advertising Typography |
| طراحی حروف تبلیغاتی | Advertising Typography |
| طراحی حروف چاپی، طرح حروف چاپی | Typeface Design |
| طراحی گرافیک | Graphic Design |
| طراحی مجله | Magazine Design |
| طراحی نشریه | Editorial Design |
| طراحی نمایشگاه | Exhibition Design |
| طرح جلد | Cover Design |
| طرح جلد کتاب | Book jacket |
| طرح حروف سبک قدیم | Old Style Type Design |
| طرح، طراحی | Design |
| طرح، طرح ترسیمی | Drawing |
| طرح هویت شرکتی | Corporate Identity Program |
| طومار | Scroll |
| طومارهای پاپیروس | Rolls of Papyrus |
| طومارهای مصور پاپیروس | Illustrated Papyrus Scrolls |

### ع

| | |
|---|---|
| عامه کتاب خوان | Reading Public |
| عشق رمانتیک | Romantic Love |
| علائم خط میخی | Cuneiform Signs |
| علائم سفالی | Clay Tokens |
| عناوین | Headlines |
| عناوین سرفصل | Chapter Heads |
| عناوین متوالی | Running Heads |

### غ

| | |
|---|---|
| غیردینی شدن | Secularization |

### ف

| | |
|---|---|
| فاصله حروف، فاصله‌گذاری حروف | Letterspacing |
| فاصله سطرها، فاصله‌گذاری سطرها | Line spacing |
| فاصله کلمات، فاصله‌گذاری کلمات | Wordspacing |
| فرشینه | Tapestry |
| فرمان کبیر (ماگناکارتا) | Magna Carta |
| فشار، پرس، دستگاه چاپ، چاپخانه | Press |
| فصل | Chapter |
| فضای سفید | White Space |
| فضای کم‌عمق | Shallow Space |
| فلاندرز | Flanders |
| فلز مذاب | Molten Metal |

### ق

| | |
|---|---|
| قاب چوبی | Wooden Panel |
| قاب عاج | Ivory Panel |
| قاب عاج کنده‌کاری شده | carved Ivory Panel |
| قالب | Mold |
| قلم | Face |
| قلم بادی | Airbrush |
| قلم پر | Quill |
| قلم تبلیغاتی | Advertising Type |
| قلم، دست‌خط | Hand |
| قلم، سبک، شیوه | Style |
| قلم کتاب نویسی | Book Hand |
| قلم کتابی | Book Face |
| قلم گوه مانند | Wedge-Shaped Stylus |
| قلم متن | Text Face |
| قلم متن | Text Script |
| قلم متن، قلم کتابی | Text Typeface |
| قلم مو | Brush |
| قلم موی تخت | Flat Brush |
| قلم نی | Reed Pen |

ک

| | |
|---|---|
| کاتب | Scribe |
| کارچاپی | Press Work |
| کارخانه کاغذسازی | Paper Mill |
| کارگاه طراحی | Design Studio |
| کاغذ پوستی | Parchment |
| کاغذ خمیر چوب | Wood Pulp Paper |
| کاغذ دست ساخت | Handmade Paper |
| کاغذ ساز | Papermaker |
| کاغذ سازی | Papermaking |
| کاغذ لید | Laid Paper |
| کاغذ وُو | Wove Paper |
| کتاب جیبی پالتویی | Vest Pocket Book |
| کتابچه | Pamphlet |
| کتاب فروش | Bookseller |
| کتاب، فصل، بخش | Book |
| کتاب قطع بزرگ | Large Format Book |
| کتاب قطع کوچک | Small Format Book |
| کتاب قطع کوچک | Small-Format Edition |
| کتاب کل‌ها | Book of Kells |
| کتاب مصور | Illustrated Book |
| کتاب مکاشفات | Book of Revelation |
| کتاب نمونه حروف چاپی | Specimen |
| کتب جلد شومیز | Paperbacks |
| کتب صحافی شده، مجلدهای صحافی شده | Bound Volumes |
| کلیسای کاتولیک رومی | Roman Catholic Church |
| کنده‌کاری مقدس | Sacred Carving |
| کودکس (کتاب رومی) | Codex |
| کوزه‌گری، سفالگری | Pottery |

گ

| | |
|---|---|
| گارسه، حروف‌دان | Case |
| گچ | Plaster |
| گراوورساز | Engraver |
| گراوورسازی چوبی | Wood Engraving |
| گراوورسازی فولادی | Steel Engraving |
| گراوورسازی مسی | Copper Engraving |
| گراوورسازی نوری، گراوورسازی عکس | Photoengraving |
| گل مرطوب | Wet Clay |
| گل نرم | Soft Clay |
| گیاهی، گل و گیاهی | Floral |

ل

| | |
|---|---|
| لاینوتایپ | Linotype |
| لوح | Block |
| لوح گلی، لوح سفالی | Clay Tablet |
| لوح لعابی، لوح میناکاری | Enamel Plaque |
| لوح مومی | Wax Tablet |
| لوح نگارش مومی | Wax Writing Tablet |
| لوح‌های کنده‌کاری شده | Carved Blocks |
| لوح‌های مسی | Copper Plates |
| لودلو | Ludlow |
| لوگو | Logo |
| لیتوگرافی | Lithography |
| لیتوگرافی نوری | Chromolithography |

م

| | |
|---|---|
| ماتریس، قالب | Matrix |
| ماشین چاپ پیچی | Screw Press |
| ماشین چاپ چوبی، دستگاه چاپ چوبی | Woodcut Press |
| ماشین‌چی | Pressman |
| ماشین حروف‌چینی | Typesetting Machine |
| متن | Text |
| متن مذهبی | Religious Text |
| متون دست‌نویس، دست نوشته‌ها | Handwritten Manuscripts |
| مجسمه کوچک، تندیسک | Statuette |
| مجلدهای مصور | Illustrated Volumes |
| محراب | Altarpiece |
| محو کاری | Sfumato |
| مدل زنده | live Model |
| مدیرهنری | Art Director |
| مرکب آبی | Water-Base ink |
| مرکب توشه | Tusche |
| مرکب‌دان شاخی | Ink horn |
| مرکب روغنی | Oil-Base ink |
| مرکب زنی | Inking |
| مرکب سیاه | Black ink |
| مرکب هند | India ink |
| مرگ آرتور | Morte d'Arthur |
| مرگ سیاه | Black Death |
| مروونیژی | Merovingian |
| مزوتینت | Mezzotint |
| مشاور طراحی | Design Consultant |
| مشتری، کارفرما | Client |
| معماری یادمانی | Monumental Architecture |
| معناوا | Rebus |
| مفهوم | Concept |
| موزاییک دیواری | Wall Mosaic |
| موضوعات چاپی، مطالب چاپی | Printed Matter |
| مونوتایپ | Monotype |

| | |
|---|---|
| مهارت ترسیمی، نقشه‌کشی | Drafting Skill |
| مهر استوانه‌ای غلتان | Rolling Cylinder Seal |
| مینا | Enamel |

**ن**

| | |
|---|---|
| ناشر | Publisher |
| نخستین کتب چاپی، اینکونابولا | Incunabula |
| نسخه | Copy |
| نسخه، چاپ | Edition |
| نسخه‌نویسی | Copying |
| نسخه‌های محدود | Limited Editions |
| نسخهٔ رحلی | Folio Edition |
| نشان چاپگر | Printer Device |
| نشانه‌سازی | Signage |
| نشانه، علامت | Sign |
| نشر، انتشار، انتشارات | Publishing |
| نشریات، انتشارات | Publications |
| نظام پاپی | Papacy |
| نظام پوینت (اندازه‌گیری حروف) | Point System |
| نظام فئودالی | Feudal System |
| نقاب پوششی | Frisket |
| نقاشی دیواری، دیوارنگاری | Wall Painting |
| نقاشی رسانه مختلط | Mixed Media Painting |
| نقاشی سبک روزمره | Genre Style Painting |
| نقش برجسته | Bas Relief |
| نقش برجسته | Low-Relief |
| نقش برجسته | Relief Image |
| نقطه‌گذاری | Punctuation |
| نقوش گل سرخی | Rosette Patterns |
| نقوش هندسی | Geometric Pattern |
| نگارش آوایی | Phonetic Writing |
| نگارش بوستروفدون | Boustrophedon Writing |
| نگارش روزمره | Everyday Writing |
| نماد، نشانه | Symbol |
| نَوَرد (فرایند) | Calendering |
| نوسنگی | Neolithic |

**و**

| | |
|---|---|
| ورق، ورق کاغذ | Sheet |
| ورنی‌زنی | Japanning |
| وزیری | Octavo |
| ویزی گوتیک | Visigothic |

**ه**

| | |
|---|---|
| هبه کننده | Donor |
| هجا | Syllable |
| هلال خصیب | Fertile Crescent |
| هندسه شکل حروف | Geometry of Letterforms |
| هنر تجاری | Commercial Art |
| هنر توهم‌زا | Psychedelic Art |
| هنر سیاه (چاپ) | Black Art |
| هنرهای تجسمی | Visual Arts |
| هنرهای زیبا | Fine Arts |
| هنرهای گرافیک | Graphic Arts |
| هوش افزا | Mnemonic |
| هیراتیک (موبدانه) | Hieratic |
| هیروگلیف | Hieroglyphics |

**ی**

| | |
|---|---|
| یادداشت‌های حاشیه متن، حاشیه نویسی متن | Shoulder Notes |
| یکسان سازی | Standardization |

# واژه‌نامه
## انگلیسی ـ فارسی

### A

| | |
|---|---|
| Accent | تکیه |
| Ad | آگهی |
| Advertisement | آگهی |
| Advertising | آگهی تبلیغاتی، تبلیغات تجاری، آگهی |
| Advertising Agency | شرکت تبلیغاتی |
| Advertising Type | قلم تبلیغاتی |
| Advertising Typography | طراحی حروف تبلیغاتی |
| Advertising Typography | طراحی حروف تبلیغاتی |
| Aesthetic Awarness | آگاهی زیبایی شناختی |
| Airbrush | قلم بادی |
| All-Iron Press | دستگاه چاپ تمام آهنی |
| Altarpiece | محراب |
| Apostrophe | آپوستروف |
| Aquatint | آکواتینت |
| Arabic Numerals | ارقام عربی |
| Art Director | مدیرهنری |
| Art and Copy | آگهی و آگهی نوشته |
| Ascenders and Descenders | بالارونده‌ها و پایین رونده‌ها |
| Asymetric Arrangement | آرایش نامتقارن |

### B

| | |
|---|---|
| Bas Relief | نقش برجسته |
| Batard | حروف باتارد |
| Beneventan | بنه ونتان |
| Binder | بست |
| Binding | صحافی |
| Black Art | هنر سیاه (چاپ) |
| Black Death | مرگ سیاه |
| Black ink | مرکب سیاه |
| Block | لوح |
| Block Print | چاپ‌نقش لوحی، چاپ لوحی |
| Book | کتاب، فصل، بخش |
| Book Designer | طراح کتاب |
| Book Face | قلم کتابی |
| Book Hand | خط کتابی، قلم کتاب نویسی |
| Book Hand | قلم کتاب نویسی |
| Book Jacket Designer | طراح جلد کتاب |
| Book Production | تهیه کتاب، تولید کتاب |
| Book jacket | طرح جلد کتاب |
| Book of Kells | کتاب کل‌ها |
| Book of Revelation | کتاب مکاشفات |
| Bookbinder | صحاف |
| Bookseller | کتاب فروش |
| Border | خطوط کناری |
| Border Decorations | تزئینات حاشیه |
| Bound Volumes | کتب صحافی شده، مجلدهای صحافی شده |
| Boustrophedon Writing | نگارش بوستروفدون |
| Brochure | بروشور |
| Brush | قلم مو |
| Byzantine Style | سبک بیزانس |

### C

| | |
|---|---|
| Calendering | نَوَرد (فرایند) |
| Calligrapher | خوش‌نویس، خطاط |
| Calligraphic Forms | شکل‌های خوش‌نویسی |
| Calligraphic Typeface | حروف چاپ خطاطانه |
| Caps | حروف بزرگ |
| Carbon Black | دوده زغال |
| Carolingian Dinasty | سلسله کارولنژی |
| Carolingian Hand | خط کارولنژی |
| Carved Blocks | لوح‌های کنده‌کاری شده |
| Carved Ivory Panel | قاب عاج کنده‌کاری شده |
| Carved Letters | حروف کنده‌کاری شده |
| Case | گارسه، حروف‌دان |
| Cast Type | حروف قالب‌ریزی شده |
| Cedilla | سدیلا |
| Chapter | فصل |
| Chapter Heads | عناوین سرفصل |
| Characters | حروف، نویسه‌ها |
| Chiaroscuro | تیره روشن، کیاروسکورو |
| Chivalry | شهسواری |
| Chromolithography | لیتوگرافی نوری |
| Cinnabar | شنگرف |
| Classical Capital | حروف بزرگ کلاسیک |
| Clay Tablet | لوح گلی، لوح سفالی |
| Clay Tokens | علائم سفالی |
| Client | مشتری، کارفرما |
| Codex | کودکس (کتاب رومی) |
| Colophon | شناسنامه (کتاب) |
| Column | ستون |

Commercial Artist — طراح تبلیغاتی
Compositor — حروف‌چین
Concept — مفهوم
Commercial Art — هنر تجاری
Copper Engraving — گراوورسازی مسی
Copper Plates — لوح‌های مسی
Copy — نسخه
Copying — نسخه‌نویسی
Copywriter — آگهی نویس
Corporate Identity Program — طرح هویت شرکتی
Cover Design — طرح جلد
Cross - Line — توری ۴۵ درجه
Crusades — جنگ‌های صلیبی
Cuneiform — خط میخی
Cuneiform Signs — علائم خط میخی
Cursive — شکسته

## D

De Imitation Christi — تقلید مسیح
Decorative Typefaces — حروف تزئینی
Demotic — دموتیک (مردمی)
Design — طرح، طراحی
Design Consultant — مشاور طراحی
Design Education — آموزش طراحی
Design History — تاریخ طراحی
Design Office — دفتر طراحی
Design Studio — کارگاه طراحی
Digital Typesetting — حروف‌چینی کامپیوتری
Display Faces — حروف نمایشی
Display Initials — حروف‌نمایشی سرفصل، حروف‌نمایش آغازین
Donor — هبه کننده
Drafting Skill — مهارت ترسیمی، نقشه‌کشی
Drawing — طرح، طرح ترسیمی

## E

Early Roman Cursive — شکسته اوائل رومی
Edition — نسخه، چاپ
Editorial Design — طراحی نشریه
Egg Tempera — رنگ مادهٔ تخم مرغی
Embellisment — آرایه، تزئین
Enamel — مینا
Enamel Plaque — لوح لعابی، لوح میناکاری
Encaustic Head — سردیس‌های موم رنگ
Engraved Title Page — صفحه عنوان گراوور شده
Engraver — گراوورساز
Etcher — حکاک
Etching — چاپ تیزابی، چاپ اسیدی، اچینگ
Even Color — رنگ یکدست
Everyday Writing — نگارش روزمره
Exhibition Design — طراحی نمایشگاه

## F

Face — قلم
Family of Type — خانواده حروف
Fertile Crescent — هلال خصیب
Feudal System — نظام فئودالی
Figure — پیکر، تصویر
Figure Ground — زمینه موضوع
Fine Arts — هنرهای زیبا
Flanders — فلاندرز
Flat Brush — قلم موی تخت
Floral — گیاهی، گل و گیاهی
Flourisher — تذهیب‌گر
Folio — رحلی
Folio Edition — نسخهٔ رحلی
Form — شکل، فرم، قالب
Foundry — حروف ریزی
Fresco — دیوارنگاره، فرسک
Frisket — نقاب پوششی

## G

Genre Style Painting — نقاشی سبک روزمره
Geometric Pattern — نقوش هندسی
Geometry of Letterforms — هندسه شکل حروف
Glue — چسب
Graphic Arts — هنرهای گرافیک
Graphic Design — طراحی گرافیک
Grid — جدول، جدول‌بندی، صفحه شطرنجی
Gum — صَمغ
Gum Arabic — صمغ عربی

## H

Half Uncial — شبه اونسیال
Hand — قلم، دست‌خط
Hand lettered — حروف دست‌نویس
Handdrawn Lettering — حروف‌سازی دستی
Handmade Paper — کاغذ دست ساخت
Handwritten Manuscripts — متون دست‌نویس، دست نوشته‌ها
Headlines — عناوین
Hieratic — هیراتیک (موبدانه)

| | |
|---|---|
| Hieroglyphics | هیروگلیف |
| High Renaissance | رنسانس مترقی |
| Holander Beater | دستگاه همزن خمیر کاغذ |
| Humanistic Hand | خط اومانیستی |

**I**

| | |
|---|---|
| Ice Age | دورهٔ یخبندان |
| Idea | ایده |
| Ideograph | اندیشه‌نگار |
| Illuminated Manuscript | دست‌نوشته مذهّب |
| Illuminating | تذهیب |
| Illuminator | تذهیب‌گر |
| Illustrated Book | کتاب مصور |
| Illustrated Papyrus Scrolls | طومارهای مصور پاپیروس |
| Illustrated Volumes | مجلدهای مصور |
| Illustration | تصویر سازی، تصویرگری |
| Illustrator | تصویرساز، تصویرگر |
| Image | تصویر |
| Imagery | تصویرسازی، تصویرپردازی |
| Incunabula | نخستین کتب چاپی، اینکونابولا |
| India ink | مرکب هند |
| Individual Letters | حروف منفرد، تک حرف‌ها، نویسه‌ها |
| Indulgence | آمرزش‌نامه |
| Ink horn | مرکب‌دان شاخی |
| Inking | مرکب زنی |
| Intaglio Press | چاپ گود، اینتالیو، دستگاه چاپ گود |
| Interchangable Parts | اجزاء قابل جابه‌جایی |
| Irish Insular | اینسولار ایرلندی |
| Italic Typeface | حروف ایتالیک |
| Ivory Panel | قاب عاج |
| Japanning | ورنی‌زنی |

**K**

| | |
|---|---|
| Kinetic | جنبشی |

**L**

| | |
|---|---|
| Laid Paper | کاغذ لید |
| Lampblack | دوده چراغ |
| Lapidary | سنگ‌نوشته، لاپیدری |
| Lapidary Inscription | سنگ نوشته |
| Large Format Book | کتاب قطع بزرگ |
| Layout | صفحه‌آرایی، لیات |
| Lectern | رحل |
| Letterforms | شکل‌های حروف، حروف، تک‌حرف‌ها |
| Letterpress | چاپ حروفی، چاپ برجسته، لترپرس |
| Letterspacing | فاصله حروف، فاصله‌گذاری حروف |
| Lifelike | زنده نما |
| Ligatures | حروف متصل، لیگاتورها |
| Light and Shade | تیره و روشن |
| Limited Editions | نسخه‌های محدود |
| Lindisfarne Gospels | انجیل لیندسفارن |
| Line | سطر، خط |
| Line spacing | فاصله سطرها، فاصله‌گذاری سطرها |
| Linotype | لاینوتایپ |
| Linseed Oil Paint | رنگ روغنِ بزرک |
| Literary Language | زبان ادبی |
| Litho Stone | سنگ لیتوگرافی |
| Lithograph Press | دستگاه چاپ لیتوگراف |
| Lithographic Stone | سنگ لیتوگراف |
| Lithography | لیتوگرافی |
| Live Model | مدل زنده |
| Logo | لوگو |
| Low-Relief | نقش برجسته |
| Lower Case | حروف کوچک |
| Lowercase Italic | حروف ایتالیک کوچک |
| Lowered Image | تصویر گود (اینتالیو) |
| Ludlow | لودلو |

**M**

| | |
|---|---|
| Magazine Design | طراحی مجله |
| Magna Carta | فرمان کبیر (ماگناکارتا) |
| Majuscule | حروف بزرگ |
| Mannerism | شیوه‌گرایی |
| Manuscript | دست نوشته |
| Margin | حاشیه |
| Master Caligrapher | استاد خوش‌نویس |
| Matrix | ماتریس، قالب |
| Medieval Manuscript | دست نوشته قرون وسطایی |
| Merovingian | مروونیژی |
| Mezzotint | مزوتینت |
| Minuscule | حروف کوچک |
| Mixed Media Painting | نقاشی رسانه مختلط |
| Mnemonic | هوش افزا |
| Modeling | طراحی |
| Mold | قالب |
| Molten Metal | فلز مذاب |
| Monoline | تک سطری |
| Monotype | مونوتایپ |
| Monumental Architecture | معماری یادمانی |
| Morte d'Arthur | مرگ آرتور |

| | |
|---|---|
| Movable Type | حروف مجزا، حروف متحرک |
| Multi Volume | چند جلدی |

N

| | |
|---|---|
| Neolithic | نوسنگی |
| New Stone Age | دوره سنگی جدید |
| News-Letter | خبرنامه |

O

| | |
|---|---|
| Octavo | وزیری |
| Official Writing Style | سبک نوشتار رسمی |
| Oil Paint | رنگ روغن |
| Oil-Base ink | مرکب روغنی |
| Old English | انگلیسی قدیم |
| Old Stone Age | دوره سنگی کهن |
| Old Style Type Design | طرح حروف سبک قدیم |
| Opening Page | صفحه عنوان، صفحه اول |

P

| | |
|---|---|
| Packaging | بسته‌بندی |
| Page Size | اندازه صفحه |
| Paleolithic | پارینه سنگی |
| Pamphlet | کتابچه |
| Papacy | نظام پاپی |
| Paper Currency | اسکناس |
| Paper Mill | کارخانه کاغذسازی |
| Paperbacks | کتب جلد شومیز |
| Papermaker | کاغذ ساز |
| Papermaking | کاغذ سازی |
| Papier-Mache | خمیر کاغذ |
| Papyrus | پاپیروس (نی) |
| Parchment | کاغذ پوستی |
| Perspective | پرسپکتیو |
| Phonetic Alphabet | الفبای آوایی |
| Phonetic Writing | نگارش آوایی |
| Photoengraving | گراوورسازی نوری، گراوورسازی عکس |
| Phototypesetting | حروف‌چینی نوری |
| Pictograph | تصویرنگار |
| Pigment | رنگدانه |
| Plague | طاعون |
| Plaster | گچ |
| Plaster Wall | دیوارگچی |
| Point | پوینت، پُنط |
| Point System | نظام پوینت (اندازه‌گیری حروف) |
| Polyoutography | پولیوتوگرافی |
| Popular Book Script | خط رایج کتاب نویسی |
| Portrait | تک چهره |
| Portrature | چهره‌پردازی |
| Poster | پوستر، اعلان |
| Potter Wheel | چرخ کوزه‌گری |
| Pottery | کوزه‌گری، سفالگری |
| Prehistoric Times | دوره ماقبل تاریخ |
| Press | فشار، پرس، دستگاه چاپ، چاپخانه |
| Press Work | کارچاپی |
| Pressman | ماشین‌چی |
| Print | چاپ‌نقش |
| Printed Matter | موضوعات چاپی، مطالب چاپی |
| Printer | چاپگر |
| Printer Device | نشان چاپگر |
| Printing | چاپ |
| Printing House | چاپخانه |
| Printing Images | تصاویر چاپی |
| Printing Industry | صنعت چاپ |
| Printing Press | دستگاه چاپ، ماشین چاپ |
| Printing Surface | سطح چاپ |
| Private Press | چاپخانه خصوصی |
| Product Designer | طراح تولید |
| Proportion | تناسب، نسبت |
| Psychedelic Art | هنر توهم‌زا |
| Publications | نشریات، انتشارات |
| Publisher | ناشر |
| Publishing | نشر، انتشار، انتشارات |
| Pulp | خمیر کاغذ |
| Punch | پانچ، قالب فولادی |
| Punch Cuter | حروف ساز، کلیشه ساز |
| Punch Cutter | حروف‌ساز |
| Punctuation | نقطه‌گذاری |

Q

| | |
|---|---|
| Quill | قلم پر |

R

| | |
|---|---|
| Raised Image | تصویر برجسته، لترپرس |
| Rapid Writing | تند نویسی |
| Readability | خوانایی |
| Readable Image | تصاویر واضح، تصاویر قابل درک |
| Reading Public | عامه کتاب خوان |
| Rebus | معناوا |
| Reed Pen | قلم نی |
| Regional Hand | دست‌خط محلی |

| | |
|---|---|
| Relief Image | نقش برجسته |
| Religious Text | متن مذهبی |
| Reproduction | چاپ |
| Rolling Cylinder Seal | مهر استوانه‌ای غلتان |
| Rolls of Papyrus | طومارهای پاپیروس |
| Roman Alphabet | الفبای رومی |
| Roman Capitals | حروف بزرگ رومی |
| Roman Caps | حروف بزرگ رومی |
| Roman Catholic Church | کلیسای کاتولیک رومی |
| Roman Lowercase | حروف کوچک رومی |
| Roman Lowercase Printing Types | حروف‌چاپی کوچک‌رومی |
| Roman Manner | شیوه رومی |
| Roman Numerals | ارقام رومی |
| Romanesque Period | دوره رومیایی |
| Romanesque Style | شیوه رومیایی |
| Romantic Love | عشق رمانتیک |
| Rosette Patterns | نقوش گل سرخی |
| Rotary Press | چاپ دوّار |
| Rotunda | روتوندا |
| Rubricator | تذهیب‌گر |
| Rule | خط‌کش |
| Running Heads | عناوین متوالی |
| Rustica | روستیکا (کاپیتالیس روستیکا) |

## S

| | |
|---|---|
| Sacred Carving | کنده‌کاری مقدس |
| Sans Serif | بدون زوائد تزئینی، بدون گوشه، سانس سریف، بدون سریف |
| Sans Serif Typefaces | حروف بدون گوشه |
| Screw Press | ماشین چاپ پیچی |
| Scribe | کاتب |
| Script | خط، دست خط |
| Script | خط، قلم |
| Scriptoria | اتاق نسخه‌نویسی |
| Scroll | طومار |
| Secularization | غیردینی شدن |
| Self-Portratit | خودنگاره |
| Self-Promotion | تبلیغ شخصی |
| Serif | زوائد تزئینی حروف، سریف |
| Sfumato | محو کاری |
| Shallow Space | فضای کم‌عمق |
| Sheet | ورق، ورق کاغذ |
| Shoulder Notes | یادداشت‌های حاشیه متن، حاشیه نویسی متن |
| Sienese | سیه‌نائی، اهل سیه‌نا |
| Sign | نشانه، علامت |
| Signage | نشانه‌سازی |
| Small Format Book | کتاب قطع کوچک |
| Small Letters | حروف کوچک |
| Small Quarto | جیبی کوچک |
| Small-Format Edition | کتاب قطع کوچک |
| Soft Clay | گل نرم |
| Soft Stone | سنگ نرم |
| Solvent | حلال |
| Specimen | کتاب نمونه حروف چاپی |
| Spelling | املاء، رسم‌الخط |
| Spoken Language | زبان گفتاری |
| Spread | دوصفحه پیوسته |
| Square Capitals | حروف بزرگ چارگوش (کاپیتالیس کوادراتا) |
| Stained Glass Window | پنجره شیشه نگاره |
| Standardization | یکسان سازی |
| Statuette | مجسمه کوچک، تندیسک |
| Steel Engraving | گراوورسازی فولادی |
| Stencil Lettering | حروف‌سازی شابلونی |
| Stereotype | استروتایپ |
| Stick Figures | تصاویر خطی |
| Stone Writing | سنگ‌نگاری |
| Style | قلم، سبک، شیوه |
| Stylized | پیراسته، ساده |
| Stylus | استیلوس (قلم نوک تیز) |
| Syllable | هجا |
| Symbol | نماد، نشانه |

## T

| | |
|---|---|
| Tapestry | فرشینه |
| Temple | پرستشگاه، معبد |
| Text | متن |
| Text Face | قلم متن |
| Text Script | قلم متن |
| Text Typeface | قلم متن، قلم کتابی |
| Textura | تکستورا |
| Title Page | صفحه عنوان |
| Tomb | آرامگاه، مقبره |
| Trajan Column | ستون تراژان |
| Transitional Typeface | حروف انتقالی |
| Tres Riches Heures | ارزشمندترین ساعات |
| Tusche | مرکب توشه |
| Two-Column Format | شکل دوستونی |
| Type | حروف چاپی |
| Type Design | طراحی حروف |

| | |
|---|---|
| طراح حروف | Type Designer |
| حروف‌ریزی | Type Founding |
| حروف ریزی | Type Foundry |
| حروف ریز | Type-Founder |
| طراحی حروف چاپی، طرح حروف چاپی | Typeface Design |
| طراح حروف چاپی | Typeface Designer |
| حروف‌چین، دستگاه حروف‌چینی | Typesetter |
| حروف چینی | Typesetting |
| ماشین حروف‌چینی | Typesetting Machine |
| تأثیر طراحی حروفی | Typographic Impact |
| پژوهشگر حروف چاپ | Typographic Scholar |
| طراحی حروف، تایپوگرافی | Typography |
| ارغوانی صور | Tyrian Purple |

**U**

| | |
|---|---|
| اونسیال | Uncial |
| حروف بزرگ | Upper Case |

**V**

| | |
|---|---|
| پوست گوساله | Vellum |
| کتاب جیبی پالتویی | Vest Pocket Book |
| ویزی گوتیک | Visigothic |
| هنرهای تجسمی | Visual Arts |
| ارتباط بصری | Visual Comunication |
| تأثیر بصری | Visual Impact |

**W**

| | |
|---|---|
| موزاییک دیواری | Wall Mosaic |
| نقاشی دیواری، دیوارنگاری | Wall Painting |
| مرکب آبی | Water-Base ink |
| لوح مومی | Wax Tablet |
| لوح نگارش مومی | Wax Writing Tablet |
| رول کاغذ | Web |
| قلم گوه مانند | Wedge-Shaped Stylus |
| گل مرطوب | Wet Clay |
| فضای سفید | White Space |
| گراوورسازی چوبی | Wood Engraving |
| کاغذ خمیر چوب | Wood Pulp Paper |
| حروف چوبی | Wood Type |
| چاپ‌نقش چوبی | Woodblock |
| چاپ‌نقش چوبی، باسمه چوبی | Woodcut |
| تصویرسازی چاپ چوبی | Woodcut Illustration |
| ماشین چاپ چوبی، دستگاه چاپ چوبی | Woodcut Press |
| چاپ‌نقش چوبی | Woodcut Print |
| چاپ چوبی | Woodcut Printing |
| قاب چوبی | Wooden Panel |
| فاصله کلمات، فاصله‌گذاری کلمات | Wordspacing |
| کاغذ وُو | Wove Paper |
| استاد خوش‌نویس | Writing Master |
| سبک نگارش، شیوه نگارش | Writing Style |
| سطح نوشتار | Writing Surface |
| الواح نگارشی | Writing Tablets |
| زبان نوشتار | Written Language |
| حروف‌نمایشی سرفصل، حروف نمایشی آغازین حروف نوشته شده | Written Letters |

**X**

| | |
|---|---|
| ارتفاع X | X-Height |

# منابع و مآخذ


Ades, Dawn. *Photomontage*. New York: Thames and Hudson, 1986.

Arnold, Edmond C. *Ink on Paper*. New York: Harper & Row, 1963.

Bayley, Stephen, ed. *The Conran Directory of Design*. London: Conran Octopus Limited, 1985.

Bennett, Paul A., ed. *Books and Printing*. Cleveland: World Publishing, 1951.

Blumenthal, Joseph. *Art of the Printed Book 1455–1955*. New York: The Pierpont Morgan Library; Boston: David R. Godine, 1973.

Brown, Robert K., and Susan Reinhold. *The Poster Art of A.M. Cassandre*. New York: Dutton, 1979.

Bunker, George R. *Alexey Brodovitch and His Influence*. Philadelphia: Philadelphia College of Art, 1972.

Carter, Rob, Ben Day, and Philip Meggs. *Typographic Design: Form and Communication*. New York: Van Nostrand Reinhold, 1985.

Carter, Thomas Francis. *The Invention of Printing in China, and Its Spread Westwards*, 2nd ed. New York: Ronald Press, 1955.

Chappell, Warren. *A Short History of the Printed Word*. New York: Knopf, 1970.

Clair, Colin. *A Chronology of Printing*. New York: Frederick A. Praeger, 1969.

Clodd, Edward. *The Story of the Alphabet*. New York: Appleton-Century, 1938.

Cohen, Arthur A. *Herbert Bayer: The Complete Work*. Cambridge (Mass.): MIT Press, 1984.

Constantine, Mildred, and Alan M. Fern. *Word and Image*. New York: The Museum of Modern Art, 1968.

Craig, James. *Designing With Type: A Basic Course in Typography*. New York: Watson-Guptill Publications, 1980.

Craig, James. *Graphic Design Career Guide*. New York: Watson-Guptill Publications, 1983.

Craig, James. *Phototypesetting: A Design Manual*. New York: Watson-Guptill Publications, 1978.

Craig, James. *Production for the Graphic Designer*. New York: Watson-Guptill Publications, 1974.

Degering, Hermann. *Lettering: Modes of Writing in Western Europe from Antiquity to the End of the 18th Century*. New York: Pentalic Corporation, 1965.

de Hamel, Christopher. *A History of Illuminated Manuscripts*. Boston: David R. Godine, 1973.

De la Croix, Horst, and Richard G. Tansey. *Gardner's Art Through the Ages*. 7th ed. 2 vols. New York: Harcourt Brace Jovanovich, 1980

de Mare, Eric. *The Victorian Woodblock Illustrators*. New York: Sandstone Press, 1981.

Etiemble, René. *The Written Word*. New York: Orion Press, 1961.

Fabre, Maurice. *A History of Communications*. New York: Hawthorne, 1963.

Fairbanks, Alfred. *A Book of Scripts*. London: Penguin, 1949.

Gallo, Max. *The Poster in History*. New York: American Heritage Publishing Co., 1974.

Gelb, I.J. *A Study of Writing*, 2nd ed. Chicago: The University of Chicago Press, 1963.

Gill, Eric. *An Essay on Typography*. London: Sheed and Ward, 1931.

Grant, Michael. *Dawn of the Middle Ages*. Maidenhead (England): McGraw-Hill (U.K.), 1981.

Gürtler, André. "The Development of the Roman Alphabet." *Typografische Monatsblätter*, No. 12 (1963), pp. 833–933.

Hawkes, Jacquetta. *The Atlas of Early Man*. New York: St. Martin's, 1976.

Hay, Denys, ed. *The Age of the Renaissance*. London: Thames and Hudson, 1986.

Hogben, Lancelot. *From Cave Painting to Comic Strip*. New York: Chanticleer, 1949.

Hunter, Dard. *Papermaking: The History and Technique of an Ancient Craft*. New York: Knopf, 1943; Dover, 1978.

Hurlburt, Allen. *The Grid*. New York: Van Nostrand Reinhold, 1978.

Iversen, Erik. *Canon and Proportions in Egyptian Art*, 2nd ed. revised with Yoshiaki Shibata. Warminster (England): Aris and Phillips, 1975.

Jackson, Donald. *The Story of Writing*. New York: Taplinger, 1981.

Jammes, André. "Académisme et Typographie: The Making of the Romain du Roi." *Journal of the Printing Historical Society*, Vol. 1, No. 1 (1965), pp. 71–95.

Jaspert, W. Pincus, W. Turner Berry, and A. F. Johnson. *Encyclopaedia of Type Faces*, 3rd ed. London: Blandford, 1970.

Jennett, Séan. *Pioneers in Printing*. London: Routledge & Kegan Paul, 1958.

Johnson, J. Stewart. *The Modern American Poster*. New York: The Museum of Modern Art, 1983.

Kelly, Rob Roy. *American Wood Type 1828–1900: Notes on the Evolution of Decorated and Large Type and Comments on Related Trades of the Period*. New York: Van Nostrand Reinhold, 1969.

Kepes, Gyorgy. *Language of Vision*. Chicago: Paul Theobald, 1945.

Lewis, John. *Anatomy of Printing*. London: Faber and Faber, 1970.

Lewis, John. *The 20th Century Book: Its Illustration and Design*, 2nd ed. New York: Van Nostrand Reinhold, 1984

Logan, Robert K. *The Alphabet Effect: The Impact of the Phonetic Alphabet on the Development of Western Civilization*. New York: William Morrow, 1986.

Lönberg-Holm, K., and Ladislav Sutnar. *Catalog Design*. New York: Sweet's Catalog Service, 1944.

Lowry, Martin. *The World of Aldus Manutius*. Ithaca: Cornell University Press, 1979.

Mayor, A. Hyatt. *Prints and People*. New York: Metropolitan Museum of Art, 1971.

McLuhan, Marshall. *The Gutenberg Galaxy*. Toronto: The University of Toronto Press, 1962.

Meggs, Philip B. *A History of Graphic Design*. New York: Van Nostrand Reinhold, 1983.

Melot, Michel. *The Art of Illustration*. Geneva: Skira; New York: Rizzoli, 1984.

Mengel, Willi. *Ottmar Mergenthaler and the Printing Revolution*, intro. by Lin Yutang. Brooklyn: Mergenthaler Linotype Co., 1954.

Moholy-Nagy, László. *Vision in Motion*. Chicago: Paul Theobald, 1947.

Morison, Stanley. *First Principles of Typography*. Cambridge (England): Cambridge University Press, 1936.

Mouron, Henri. *A. M. Cassandre*. trans. by Michael Taylor. New York: Rizzoli, 1985.

Ozenfant, Amédée. *Foundations of Modern Art*, trans. by John Rodker. New York: Dover, 1952.

*Papermaking: Art and Craft*, Washington, D.C.: Library of Congress, 1968.

Rand, Paul. *Paul Rand: A Designer's Art*. New Haven: Yale University Press, 1985.

Rand, Paul. *Thoughts on Design*, 3rd ed. New York: Van Nostrand Reinhold, 1971.

Roger-Marx, Claude. *Graphic Art, The 19th Century*. trans. by E. M. Gwyer. New York: McGraw-Hill, 1962.

Rubin, William S. *Dada, Surrealism, and Their Heritage*. New York: The Museum of Modern Art, 1968.

Saff, Donald, and Deli Sacilotto. *Printmaking: History and Process*. New York: Holt, Rinehart and Winston, 1978.

Scarfe, Lawrence. *Alphabets*. London: Batsford, 1954.

Schmandt-Besserat, Denise. "The Earliest Precursor of Writing." *Scientific American*, Vol. 238, No. 6 (June 1978), pp. 50–59.

Spencer, Herbert. *Pioneers of Modern Typography*. London: Lund Humphries, 1969. 2nd ed., Cambridge (Mass.): MIT Press, 1983.

Steinberg, S. H. *Five Hundred Years of Printing*. London: Penguin, 1955.

Sutnar, Ladislav. *Visual Design in Action—Principles, Purposes*. New York: Hastings House, 1961.

Sutton, James, and Alan Bartram. *An Atlas of Modern Typeforms*. London: Percy Lund, Humphries & Co. Ltd., 1968.

Thomas, Alan G. *Fine Books*. New York: G. P. Putnam's Sons, 1967.

Tschichold, Jan. *Asymmetric Typography*, trans. by Ruari McLean. New York: Reinhold Publishing, 1967.

Tschichold, Jan. *Treasury of Alphabets and Lettering*, trans. by Wolf von Eckardt. Hertfordshire (England): Omega, 1985.

Updike, Daniel Berkeley. *Printing Types: Their History, Forms and Use*. 3rd ed. Cambridge (Mass.): Harvard University Press, 1962.

Weill, Alain. *The Poster: A Worldwide Survey and History*, trans. by Marilyn Myatt. Boston: G. K. Hall, 1985.

Willett, John. *Art and Politics in the Weimar Period: The New Sobriety, 1917–1933*. New York: Pantheon Books, 1978.

Wingler, Hans M. *The Bauhaus*. Cambridge (Mass.): MIT Press, 1969.

## نمایه

## ب

**ش**



**ط**



**ع**



**ف**

## گ



## ل

## ن



## و

# Thirty Centuries of Graphic Design

طراحی گرافیک سرگذشتی بی حد جذاب دارد: جادوی نخستین تصاویر، زیبایی هیروگلیف‌های مصری، تکامل الفبای آوایی، عظمت اختراع گوتنبرگ، ماشینی شدن حروف چینی که سال‌ها در پی‌اش بودند و فوران تصویر سازی‌ها در سدهٔ بیستم.

با وجود میراثی چنین گران بها، متأسفانه بسیاری از طراحان گرافیک کنونی، اطلاعاتی اندک دربارهٔ تاریخ طراحی گرافیک دارند و دانسته‌های آنان بیش‌تر دربارهٔ تاریخ نقاشی است. یکی از دلایل این تناقض را شاید بتوان این باور دانست که طراحی گرافیک ابداع سدهٔ بیستم و حرفه‌ای بی‌پیشینه است. چنین عقیده‌ای بی‌پایه است. طراحی گرافیک - یا ارتباط بصری - از دوران پیش از تاریخ آغاز شده است و در طول سده های گذشته صنعتگران، کاتبان، نقاشان، طراحان گرافیک تبلیغاتی و حتی هنرمندان هنرهای زیبا آن را تجربه کرده‌اند.

کتاب حاضر رد پای طراحی گرافیک را در سی سدهٔ گذشته پی می‌گیرد و بدین منظور به بررسی نقاشی‌های باستانی و خطوط تصویرنگار و آوانگار می‌پردازد و از آن زمان تا حال اشکال گوناگون این طراحی را نظیر طراحی و ساخت حروف، صفحه آرایی روزنامه، طراحی پوستر و جلد کتاب و مجله، به رؤیت خوانندگان می‌رساند.

کتاب سی قرن طراحی گرافیک با وجود توجه صرف به غرب، منبع مناسبی برای انطباق حوادث تاریخی با شکل‌گیری جنبش‌های هنری است که در این دوران به ظهور می‌رسند.



سازمان چاپ و انتشارات

۷۳۰۰۰ ریال

